

درآمدی
بر
دایرة المعارف علوم اجتماعی

جلد اول

از
دکتر بابتر ساروخانی

استاد دانشگاه تهران

۱۳۷۵



انتشارات گنجینه

۲۲۰۰ تومان



برآمدی دایره المعارف علوم اجتماعی

جلد اول

دکتر بخت سارو خانی

۸	۰۱۰
۱۴	۳۰

B. SAROOKHANI, PH.D

**THE
SOCIAL SCIENCES
ENCYCLOPEDIA
1996**

A

Abnegation

ایشان

مقدم شمردن دیگران بر خود. در برابر خود خواهی (Egoism)، خود مرکزی (Egocentrism) و خودگرایی (Egotism) (به هریک ر.ك).

Abnormal

نا بهنجار

(۱) فاقد سازگاری با ساخت کلی يك نظام؛ (۲) مضر در کارایی يك نظام؛ (۳) مغایر با انتظار یا توقع مردم؛ (۴) متمایز از آنچه معمول، متداول و طبیعی شمرده می شود. در برابر بهنجار (Normal).

در آمار بهنجار به معنای طبیعی بودن يك منحني است و نا بهنجار عکس آن را می رساند. در علوم طبیعی، دستگاه یا اندام بهنجار آن است که دارای کارکرد طبیعی و بقاعده باشد. در روانشناسی اجتماعی، شخصی بهنجار خوانده می شود که با ضوابط اجتماعی- فرهنگی محیط پیرامونش سازگاری یافته باشد. از این رو هینسی (L.E.Hinsie) و شاتسکی (J.Shatsky)

در فرهنگ «دانشکی آن را چنین تعریف می کنند: «فرد بهنجار کسی است که با خود، محیط پیرامون و انتظارات محیطش همسازی یافته باشد.»

(Psychiatric Dictionary 327)

Social norm

ر.ك

Abnormality, social

نا بهنجاری

اجتماعی

Social/abnormality

ر.ك

Abolition

الغاء- لغای بردگی

(۱) در معنای کلی، لغای هر رسم یا عادت و یا نهاد را می رساند (۲) در معنای خاص لغای بردگی از آن مستفاد می شود که در جریان سالهای ۱۸۳۲ تا ۱۸۶۲ در امحای معامله انسان توسط انسان در آمریکا صورت پذیرفت.

Abolitionism

الغائری- طرفداری- از لغای بردگی

ر.ك

Slavery

Abortion

سقط جنین

مجموع شیوه ها و فنونی است که به قطع حیات،

قبل از تولد طفل، می انجامد. هر چند امروزه، هم فنون و هم قوانین سقط جنین پیچیدگی فراوان یافته اند، اما در جوامع اولیه نیز سقط جنین به صورتهای ابتدایی وجود داشته است.

در مورد سقط جنین دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاهی که سقط جنین را به معنای کشتن انسانی زنده می داند و دیدگاهی که سقط جنین را در زمره آزادیهای مادر می داند و حیات را بدون برخورداری از امکانات مناسب فاقد معنی می پندارد. مسلماً دیدگاه اول به منع سقط جنین و دیدگاه دوم به تأیید آن می انجامد.

از لحاظ قانون، سقط جنین انواعی چند می یابد نظیر:

Criminal abortion سقط جنین جنایی

Illegal سقط جنین غیر قانونی ~

Legal سقط جنین قانونی ~

از دیدگاه دیگر یعنی از لحاظ نقش اراده انسان در سقط جنین، انواعی چند مطرح می شوند؛ بدین قرار:

Induced abortion سقط جنین بر-

انگیخته

Intentional سقط جنین عمدی ~

Spontaneous سقط جنین ~

ارتجالی - سقط جنین خود به خودی

Unintentional سقط جنین غیر ~

عمدی

سقط جنین داوطلبانه Voluntary abortion
ر.ك. Contraception/Sterilization
Homicide/Infanticide.

میزان غیبت Absenteeism (Rate of)

در جامعه شناسی کار، میزان غیبت بعنوان یکی از مهمترین ابعاد در سنجش کارآئی مطرح است. میزان غیبت در گروههای مختلف، مخصوصاً زنان سخت مورد توجه است. میزان غیبت را به انواعی چند تقسیم می کنند: اجباری، عمدی، ارادی و بسیاری برین اعتقادند که میزان غیبت اجباری و ناشی از ضرورتهای جسمانی در بین زنان بالاست. در حالیکه میزان غیبت ارادی در بین مردان فراوان دیده می شود.

مالکیت - Absentee ownership
غایبانه

۱) این نوع مالکیت در آغاز در بین زمینداران بزرگ معمول شد. در باب در شهرها و دور از املاک خویش زندگی می کرد، اما در بهره زمین سهیم بود؛ ۲) سپس، با پیدایی شرکتهای سهامی عام، مالکیت از مدیریت - که در نظام کارگاهی بهم آمیخته بود - مجزا شد و اداره واحدها به مدیران تحصیل کرده و اغلب فاقد سرمایه کلان واگذار گردید.

دائر دپلن (T. Veblen) مالکیت

غایبانه و تجارت در زمان ما (Absentee Ownership and Business in Recent Times) با تأکید برین روند آمده است:

برخی از قدرتمندترین مردان زمان ما در قلمرو اقتصادی، همین مالکین غایباند که سکاندار واقعی صنایع به شمار می روند. این

- مردان مستقیماً در اداره و احدها شرکت ندارند، اما تجمع سرمایه در دست آنان و تعدد سهامشان موجبات کنترل تولید، توزیع و بازده را توسط آنان فراهم می‌سازد.
همان طور که دوپرتسون (D.H.)
Robertson می‌نویسد؛ شرکت‌های سهامی (Joint stock) درجه‌ی عمل می‌کنند که موجبات کنترل نسبتاً کامل دستگاه‌های تجاری با مالکیت غایبانه را فراهم سازند»
(The Control of Industry, P:65)
ر.ك. Ownership/Latifundia
Feudalism
میزان غیبت (Absenteeism Rate of)
۱) میزان حضور مالک در ده یا واحد تجاری - صنعتی؛ ۲) میزان توجه شخص (غیبت ذهنی یا روانی مانند وضع شاگردی که علی‌رغم حضور جسمانی در کلاس درس به سخنان معلم گوش فرا نمی‌دهد). - تك
مطلق Absolute
پدیده فرهنگی - Absolute, Cultural
مطلق
ر.ك. Relativism/Relative deprivation
کارایی مطلق Absolute efficiency
وجود مطلق - Absolute existence
وجود قائم به ذات
فراوانی مطلق Absolute frequency
در برابر نسبت (proportion)
و درصد (Percentage). اعداد مطلق نیز بدان اطلاق می‌شود.
ر.ك. Frequency distribution
انحصار مطلق Absolute monopoly
زمانی است که تولید کالایی بی‌جانشین و یا عرضه خدمتی بدون جانشین صرفاً در اختیار يك سازمان، یا يك فرد و یا يك گروه خاص قرار گیرد.
ر.ك. Monopoly
كمال مطلق Absolute perfection
ر.ك. Perfectionism
فقر مطلق Absolute poverty
زمانی که حداقل معیشت (Minimum Vitap)
(Subsistence) تأمین نگردد و وسایل اولیه و ضروری امرار معاش در دسترس نباشد.
ر.ك. Culture of poverty/Relative Poverty/Pauperization
واقعیت مطلق Absolute reality
حقیقت مطلق Absolute truth
گونه مطلق Absolute type
نوعی در حد کمال؛ گونه‌ای نه نسبی و نه قابل مقایسه با دیگر انواع.
وحدت مطلق Absolute unity
خودکامگی - حکومت مطلقه Absolutism
از ریشه‌ای لاتینی، به معنای «جدا شده»، «تجزی یافته»، «پایان یافته» و «کامل شده»، گرفته شده است. در فارسی معادلهایی نظیر مطلق آیینی و مطلق گرایی یافته است. در فرهنگ سیاسی به نظام‌هایی اطلاق می‌شود که در آنان، قدرت در اختیار فرد یا گروهی خاص قرار گیرد و بی‌چون و چرا اعمال شود. در این

- ر.ك. Marital abstinence
 مجرد، انتزاعی، ملخص Abstract
 شناخت انتزاعی Abstract knowledge
 ویژگی مجرد Abstract trait
 هر وجهی از يك نمود که مورد انتزاع قرار گرفته باشد.
 انتزاع-تجريد Abstraction
 استخراج یا ادراك وجهی از وجوه يك نمود به عنوان وجهی مستقل.
 ر.ك. Generalization/Inference
 تجریدگرایی Abstractionism
 تفکر یا تحقیقی که برانتزاع تأکید ورزد.
 تجریدی-انتزاعی Abstractive
 اقتصاد Abundance, Economy of
 وفور- فراوانی
 ر.ك. Economy of abundance
 آزادی در آموزش- Academic freedom
 آزادی آموزشی
 در اصطلاح به آزادی، علمان، به ویژه در سطوح عالی، در بیان و نگارش در محیطهای آموزشی اطلاق می شود.
 تسريع در دگرگونی اجتماعى Acceleration of social change
 در برابر کند سازی دگرگونی اجتماعى (Deceleration of social change)
 ر.ك. Social change
 پذیرش- طرد Acceptance- rejection
 در گروه سنجی خطی است که از يك طرف باز بردن يك فرد یا يك گروه را در برابر تجارب تازه دیگر انسانها و گروهها و از طرف دیگر
- حال، نه حد و حصری برای قدرت وجود دارد و نه آنکه نظارتی بر آن قابل تصور است. در معنای وسیع، این واژه قدرتی وسیع را می رساند که فرد یا گروهی آنرا در هر مقام به خود اختصاص دهد. از این رو می توان از خود - کامگی اداری، سندیکایی و یا حتی پذیری نام برد. در بحث از عقاید، باورهای تعصب آلود نسبت به يك امر و غفلت از امور دیگر، از آن مستفاد می شود.
 از دیدگاه جامعه شناسی، حکومت مطلقه علیرغم نامش، هرگز شکل مطلق ندارد، چه، همواره مواعی هر قدر کوچک در راه اعمال قدرت وجود دارد. از این رو این نوع قدرت نیز نسبی است. در هر زمان و مکان صورتی خاص می یابد؛ در طی تاریخ دگرگونی می پذیرد و در هر برهه از زمان با ابزاری خاص تحقق پذیر می گردد.
 ر.ك. Despotism/Totalitarianism
 Autocracy/Tyranny/Fascism/Dictatorship/Monocracy/Authoritarianism
 مطلق گرا- خودگامه Absolutist
 جذب کردن Absorb (to)
 جذب Absorption
 امساك Abstinance
 اجتناب-کامل واردی از ارضای میل-ی یا نیازی به جهت تابو یا موانع دیگر (نظیر خود داری از خوردن و آشامیدن در ماه مبارک رمضان)
 اجتناب از Abstinance, Marital
 روابط جنسی با همسر

- می‌دانند. به‌زعم آنان، «تمام میراث‌های اجتماعی، سنتها، فرهنگ، فنون، در معنایی همسازی را می‌رسانند» گیلین‌ها در اثرشان با نام جامعه‌شناسی فرهنگی (P : 505 *Cultural Sociology*) می‌نویسد: «همسازی، واژه‌ای است که توسط جامعه‌شناسان در جهت مشخص ساختن فرایندی در قلمرو مناسبات اجتماعی معادل با انطباق در قلمرو زیستی که برپایه آن موجودات زنده با محیط پیرامونشان تطابق می‌پذیرند، به کار می‌رود.»
- در همین راستا هک آچود (R.M. Mac Iver) نیز همسازی را فرایندی می‌داند که براساس آن اشخاص یا گروهها با شرایطی خاص سازگار می‌شوند.
- تمایز بین سازگاری (Adjustment) و همسازی در این است که همسازی بیشتر بر جهات روانی و روانشناختی تکیه دارد.
- ر. ک. Adjustment/Adaptation
- همسازی Accommodation, Creative خلاق
- ر. ک. Creative accommodation
- گروه همساز Accommodated group
- Accretion measures
- سنجه‌های هم پیوست
- در برابر مفهوم سنجه‌های فرسایشی (Erosion measures) مطرح می‌شود. هر دو مفهوم از وب (webb, ...) و همکاران اوست که در اثرشان «سنجه‌های غیر واکنشی و
- بسته بودن وی را در برابر آنان می‌رساند.
- ر. ک. Sociometry
- اقلیم پذیری- Acclimatization
- سازگاری با اقلیم
- (۱) در معنای اصلی، انطباق مهاجرین با اقلیم جدید از نظر جسمانی است، (۲) در معنای مجازی، سازگاری روانی یا اجتماعی با محیط جدید را می‌رساند.
- ر. ک. Adaptation/ Accommodation
- Adjustment/Naturalization/ Ecology Environment.
- همسازی Accommodation
- واژه‌ای است مشترك در علوم طبیعی و انسانی. در علوم طبیعی، عناصر ذی حیات در هر لحظه به انطباق با شرایط پیرامون خود می‌پردازند. همچنان است همسازی یا انطباق متقابل انسان و طبیعت از دیدگاه جامعه‌شناسی. همسازی به فرایندی اطلاق می‌شود که آگاهانه یا ناآگاهانه به‌دگرگونی متقابل بین افراد یا گروهها و کاهش یا رفع تعارض و تنش می‌انجامد.
- به‌زعم برگس (E. W. Burgess)
- این مفهوم را در آغاز بالدوین (J. M. Baldwin) در دانش اجتماعی به عنوان معادل اجتماعی انطباق زیستی مطرح ساخت. تارد (G. Tarde) همسازی را رفع هر مشکل یا کشمکش بین دو متخاصم (فرد یا گروه) با پیدایی الگوی تازه‌ای از رفتار می‌داند. پارک (R. E. park) و برگس در اثرشان با نام مقدمه برداشتن جامعه‌شناسی، سازمان اجتماعی را نتیجه همسازی با شرایط حوال و پیشین

پژوهشهای غیر واکنشی در دانش اجتماعی». بکار آمده است. بزعم وب، بقایای مادی پیوسته با عمل انسانی می تواند گواه آن عمل و شدت آن باشد. بعنوان مثال، چنانچه میزان وجهه رادیونی خاص مورد سنجش باشد می توان صفحه رادیونی ماشینانی را که برای تعمیر به تعمیرگاه می آورند، مورد بررسی قرار داد. فراوانی قرار گرفتن بر روی یک ایستگاه خاص رادیونی می تواند گواه بر شدت علاقه بدان باشد.

فرهنگ پذیری Acculturation

در يك معنى، خو گیری با فرهنگ جامعه و در معنای دیگر پذیرش فرهنگ نو و طرد فرهنگ پیشین را می رساند که با فرهنگ زدایی (Deculturation) ملازم است.

چاول (J. W. Powell) در آغاز، به سال ۱۸۸۰، واژه فرهنگ پذیری را مطرح ساخت که به زعم او سنتهای بومی را تحت تأثیر ورود میلیونها مردم متمدن دگرگون می سازد. در سال ۱۹۳۶ کمیته فرعی شورای پژوهش اجتماعی با شرکت لنتن (R. Linton) فرهنگ پذیری را مشتمل بر پدیده هایی دانست که به هنگام تماس مستقیم گروههایی با فرهنگهای مختلف حاصل می شود و در نتیجه دگر گونیهای در الگوهای فرهنگی هر دو گروه یا یکی از آن دو پدید می آید. لیکن بعدها هر سکودیتس (M. J. Herskovits) که خود از شرکت کنندگان در این کمیته بود، شرط تماس مستقیم را نفی کرد. به زعم او، در فرایند فرهنگ پذیری حتماً تماس مستقیم گروهها ضرورت ندارد و به عنوان مثال کشیشان مسیحی می توانند

با تماسهای غیر مداوم و حتی فردی فرایند وسیعی از فرهنگ پذیری را فراهم سازند. برخی نظیر مرداک (G. P. Murdock) نه بر نوع تماس بلکه بر سطح فرهنگی، تأکید کرده اند.

وی بر اخذ فرهنگ از طریق تماس به ویژه با افرادی از تمدنهای برتر تکیه دارد و آن را فرهنگ پذیری می خواند. چنین است نظر اتو کلاینبِرگ (Otto Klineberg). وی به هنگام بحث درباره چینی های مقیم هاوانی می نویسد: «از نظر ذوق و سلیقه، عادات، و آداب زندگی و تعلقا نشان، فرایند امریکایی شدن یا فرهنگ پذیری در بین آنان بسیار سریعتر و کاراتر از چینی های مقیم کالیفرنیا است.» (دانشناسی اجتماعی ترجمه علیمحمد کاردان، ص ۱۹۹)

فرهنگ پذیری بر اساس معیارهایی چون میزان یا درجه یا سطح فرهنگ پذیری (از تماس سطحی تا همانندی فرهنگی)، حجم گروههای در تماس، سطح آنان (مساوی، یا نا هم سطح...) طرز تلقی آنان نسبت به هم (دوستانه، خصمانه و...)، صورتی گوناگون می پذیرد.

رشد انطباقی Adaptive growth

رشد یک جامعه بدون آنکه شیوه های رشد یا توسعه کشور یا کشورهای دیگری الگو قرار گیرد. در این دیدگاه سعی می شود جامعه نسبت به تجربیات دیگر باز نگه داشته شود؛ اما هر شیوه یا اصل در انطباق با فرهنگ و تاریخ همان جامعه مطرح نظر قرار گیرد. اصول اساسی

در این اندیشه، پذیرش جامعه‌شناسی تفاوتی (Differential sociology)، نسبیت (Relativity) فرهنگها و در عین حال لزوم بهره‌گیری از همه پیشرفتهای جهانی است.

Antagonistic acculturation فرهنگ پذیرى خصمانه

اخذ ویژگیها یا خطوط خاص فرهنگی از جامعه‌ای دیگر به منظور دفاع از جامعه خویش در برابر آن یا در جهت ارضای تمایلات خصمانه (تهاجم و...) در قبال آن.

Bilateral ~ فرهنگ - پذیری دو جانبه

دگرگونی در فرهنگ دو جامعه یا گروه که در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

Controlled ~ فرهنگ پذیرى کنترل شده

در برابر پذیرش فرهنگ به صورت‌های طبیعی و ارتجالی، در فرهنگ پذیرى کنترل شده، جامعه یا گروه به گزینش عناصر قابل پذیرش می‌پردازد. برنامه‌ریزی فرهنگی را مطلق نظر قرامی دهد و سعی در مهار جریانهای فرهنگی دارد.

Directed ~ فرهنگ - پذیری راهبری شده

Linguistic ~ فرهنگ - پذیری زبانی

دگرگونی در زبان دو جامعه یا گروه که در تماس با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

Marginal ~ فرهنگ - پذیری حاشیه‌ای

۱) دگرگونی فرهنگی ناشی از تماس درنواحی مرزی یا دورافتاده؛ ۲) دگرگونی فرهنگی ناشی از تماس در زمینه‌های حاشیه‌ای حیات اجتماعی.

Planitational acculturation ~ فرهنگ - پذیری فراگیر

تبادل فرهنگی در مناطق وسیعی در سطح جغرافیایی.

Planned ~ فرهنگ پذیرى - برنامه‌ریزی شده

Selective ~ فرهنگ - پذیری گزینشی

Unilateral ~ فرهنگ - پذیری یک‌جانبه

دگرگونی در فرهنگ یک گروه یا جامعه در جریان تماس یا برخورد فرهنگی.

Voluntary ~ فرهنگ - پذیری داوطلبانه

پذیرش عناصری از فرهنگی دیگر به خواست جامعه یا گروه پذیرنده، در برابر فرهنگ پذیرى ناشی از اجبار و یا تحمیل، در مواردی چند پذیرش فرهنگ به‌ظاهر بنابه خواست گروه صورت می‌گیرد، لیکن این گرایش نه طبیعی، بلکه منبعث از انگیزشی مرموز و زیرکانه از جانب گروه یا جامعه

مکتسب	Acquired	برتر است .
در برابر ذاتی (Innate) ، پدیده اخذ شده یا به دست آمده از منبعی بیرونی را می‌رساند .		Culture/Cultural lag/Cultural exchange /Enculturation
ر.ك .	Inherent/Innate	انباشت
رفتار مکتسب	Acquired behavior	فرایند تزايد باافزایش سریع عناصر، نظیر انباشت سرمایه (Capital accumulation)
رفتاری آموخته و متأثر از محیط به طور عمدی یا غیر عمد، آگاهانه یا ناآگاه .		که رشد سرمایه را در جریان زمان می‌رساند با انباشت فرهنگی که باز افزایش محتوای فرهنگ را در جریان زمان و باافزایش عناصر تازه فرهنگی می‌رساند.
ر.ك .	Behavior/Behaviorism	نقش -
خصلت مکتسب	Acquired character	Achieved social role
خصلت یا ویژگی و یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های اصلی است که در يك موجود زنده از منشأ بیرونی فراهم آمده باشد.		اجتماعی محقق
ر.ك .	Social character/National character	Social role
ویژگیهای مکتسب - اکتسابی	Acquired characteristics	Achieved social status
صفات یا ویژگیهای خاص يك فرد یا گروه است که در جریان تکوین ، (حتی قبل از تولد در مورد فرد) حاصل آمده باشند . این مفهوم با ارائه نظریه‌های متناقض لامارک (J. Lamarck) و وایزمن (A. Weismann) مطرح شد :		اجتماعی محقق
به زعم لامارک ویژگیهایی که يك موجود در جریان حیاتش کسب می‌کند، به طور ارثی منتقل می‌شوند و در دراز مدت ترکیب شده تصویر نوع را دگرگون می‌سازند (نظیر بلند شدن گردن زرافه بدان جهت که در طول نسلها از آن در جهت استفاده از برگ درختان		Social status
		دستیابی به هدف -
		Achievement
		تحقق هدفی مطلوب
		(۱) پیشرفت در جهت هدفی مطلوب ؛
		(۲) هر چند اغلب این واژه را به هنگام تحقق هدفی مطلوب برای جامعه به کار می‌برند ، لیکن در مواردی نیز تحقق هدف را به طور کلی (مطلوب یا نا مطلوب) می‌رساند .
		ر.ك .
		Pattern variable
		تحقق هدفهای اجتماعی
		Achievement, Social
		اجتماعی
		Social achievement
		ر.ك .

انسان شناسی عملگرا	ر. ک.	Anthropology	ر. ک.	بلند استفاده می کند .
عمل جمعی	ر. ک.	Action, Collective	ر. ک.	برخلاف لامارک ، وایزمن معتقد به
عمل جمعی متشکل	ر. ک.	Collective action	ر. ک.	دوگانگی سلولهای حیاتی و عدم انتقال صفات
عملی که توسط جمعی متشکل به هم پیوسته و بشکلی هماهنگ صورت پذیرد .	ر. ک.	Action, Corporate	ر. ک.	اکتسابی از طریق وراثت بود .
عمل مستقیم	ر. ک.	Action, Direct	ر. ک.	Phenotype/Genotype
عمل سیاسی	ر. ک.	Direct action	ر. ک.	Acquired position
عمل تحقیقاتی	ر. ک.	Action, Political	ر. ک.	وضع مکتسب
پژوهش متعهدانه - پژوهش عملگرا	ر. ک.	Political action	ر. ک.	در برابر وضع منتسب ، به وضعی اطلاق
عمل زنجیره ای -	ر. ک.	Action research	ر. ک.	می شود که يك فرد در نظام قشر بندی اجتماعی
عمل تسلسل	ر. ک.	Research	ر. ک.	بر پایه معیارهایی چند که تا حدودی به کار و
عمل اجتماعی	ر. ک.	Action, Serial	ر. ک.	تلاش او پیوند دارند ، (نظیر تقوی، کوشش
ر. ک.	ر. ک.	Serial action	ر. ک.	فردی و...) احراز کرده است . نظیر میزان
ایده اولژی تعهد آمیز - ایده اولژی عملگرا	ر. ک.	Action, Social	ر. ک.	درآمد ، سطح تحصیل، وضع خانواده و... پس
هر ایدئولوژی که نظریه را در خدمت عمل و به ویژه عمل سیاسی بخواند.	ر. ک.	Social action	ر. ک.	وضع مکتسب فقط در شرایطی پدید می آید که
ر. ک.	ر. ک.	Actionist ideology	ر. ک.	جامعه باز باشد و امکان صعود و نزول افراد
Ideological determinism/	ر. ک.	Acquisitive	ر. ک.	در سلسله مراتب طبقاتی وجود داشته باشد.
Particular ideology	ر. ک.	تملك جو - منزلت جو -	ر. ک.	Acquisitiveness
Total ideology/Action research	ر. ک.	تملك جویی - وجهه خواهی	ر. ک.	Acquisitiveness , Social
انبوه فعال	ر. ک.	تملك جویی - وجهه خواهی	ر. ک.	وجهه
انبوهی که دارای رهبری است و فعالیتش معطوف به هدفی (شکستن، سوختن و یا اعزاز	ر. ک.	Act	ر. ک.	خواهی اجتماعی - منزلت جویی اجتماعی
	ر. ک.	Acting element	ر. ک.	Social acquisitiveness
	ر. ک.	Action anthropology	ر. ک.	فعال
	ر. ک.		ر. ک.	عنصر تأثیرگذار
	ر. ک.		ر. ک.	عنصر تأثیرگذار

واقعى	و ... (این انبوه را انبوهی با تحرك
ر . ك .	Population (Mobile crowd) نیز می نامند .
فعليت	Crowd ر . ك .
فعليت يابى	Actualization - معنویت -
فعليت يابى -	Actualization, self گرایى کارآمد
شخصيت	نظامى در اندیشه که در آن تحقق هدفها
ر . ك .	Self - actualization و نیازهای مادی از طریق نفی نیازها ،
انطباق	Adaptation بی اهمیت قلمداد کردن آنان و هم بادگرگون
۱) انطباق فرایند دگر گونى موجود	ساختن تصویر جهان مادی، اولویت بخشیدن
زنده بر حسب شرایط مادی حیات (آب و	به امور معنوی و بازاندازی جهان در خط
هوا ، وضع تغذیه و ...) در جهت تداوم هستی	معنوی، به عنوان ارزش اعلی، تا سرحد امکان
است؛ ۲) در معنای اجتماعى سازگارى با شرایط	به تأخیر می افتد و حتى نفی شود .
محیط پیرامون است که در صورت تقابل ،	Ascetic ideationalism ر . ك .
همسازی (Accommodation) از آن مستفاد	مشاهده فعالانه Active observation
می شود. چنانچه انطباق به معنای پذیرش	Observation ر . ك .
فرهنگ برتر صورت گیرد، فرهنگ پذیری	نقش اجتماعى - Active social role
(Acculturation) خواهد بود .	فعال
انطباقی که به عمد و صرفاً در جهت	Social role ر . ك .
« گلیم خود از آب کشیدن » پدید آید ،	دور فعاليت Activity cycle
همنوايى (Conformism) است. زمانى که	میزان فعاليت Activity rate
انطباق بعد دستوری باید بیشتر با سازگارى	فعاليت سياسى Activism
(Adjustment) نزدیک خواهد بود	در لغت، فعاليت یا گرایش به فعاليت
انطباق با توجه به وسعت زمینه های آن	را می رساند اما در اصطلاح مراد فعاليت
حدود و انواعى بسیار می یابد، نظیر :	سیاسى است . اثر معروف لیپست (Lipset)
انطباق همگانی Communal adaptation	فعاليت سياسى دانشجویى در آمریکا
انطباق با شرایط محیطى از طریق	(Student Activism in America)
سازمانیابی جمعی.	نمونه ای از کاربرد این مفهوم در این مناسبت.
انطباق برونى ~ External	جمعيت بالفعل - Actual population
انطباق يك واحد، نظام یا ساخت اجتماعى	

- ارزشهای انطباق بخش **Adaptive values** با محیط طبیعی یا اجتماعی پیرامون.
- اعتیاد به مواد مخدر **Addiction, Drug** ~ **Genetic** انطباق تکوینی
Drug addiction ر. ک. فرایند انطباق با شرایط محیط پیرامون
- چند برادر **Adelphic polyandry** که موجبات بروز دگرگونیهای ژنی و انتقال
 شویی احتمالی آنان از طریق وراثت شود.
- ازدواج يك زن در يك زمان با دو برادر **Individual** ~ **انطباق فردی**
Fraternal Polyandry یا بیشتر. به آن نیز می گویند.
- ر. ک. **Polyandry** نه به طور غیر مستقیم و با تشریک مساعی جمع، بلکه مستقیماً و به طور فردی.
- سازگار **Adjusted** انطباق درونی
Internal adaptation مفهومی است از «ادکلیف براون»
Adjustment سازگاری (Radcliffe Brown) که از آن انطباق
 متقابل افراد و نظامها در درون يك واحد اجتماعی استفاده می شود.
- ر. ک. **Acclimatization/Accommodation/Adjustment/Naturalization** **Adaptation level** سطح انطباق
Coadaptation/Maladaptation آستانه
Adaptation threshold انطباق
- منطبق **Adapted** منطقه
Adaptive Culture فرهنگ انطباقی
- شامل تمامی شیوه های استفاده، بهره داری و کنترل شرایط و امکانات مادی است. آداب و رسوم، سازمانها و نهادها تا آنجا که موجبات انطباق با شرایط هستی را فراهم می سازند، جزئی از فرهنگ انطباقی به شمار می آیند.
- ر. ک. **Culture**
- این واژه از علوم طبیعی برآمده است و در معنای اصلی جای دادن اجزاء در يك مجموعه است، آنچنانکه بدرستی انجام وظیفه کنند. در روانشناسی به معنای فرایندی است که از طریق آن موجود زنده یا عضوی از آن با شرایط مادی و آلی محیط پیرامون سازگاری می پذیرد. هانکینز (F. H. Hankins) در دایرة المعارف علوم اجتماعی سازش با محیط پیرامون برای بقاء را از نخستی ها (Primates) تا انسان، با آموختن صورت پذیر میداند. از این دیدگاه آموزش شرط انطباق و در نتیجه شرط لازم برای بقاء خواهد بود. هر چند انطباق به معنای دگرگونی در موجود زنده (اعم از گروه یا جامعه و فرهنگ) جهت تضمین تداوم و بقای آن است لیکن در معنایی وسیعتر، انطباق را

اعمال - اداره - Administration

سر رشته داری - دستگاه اداری

از ریشه لاتینی به معنای «یاری رسانیدن» «خدمت کردن» و همچنین «رهبری» و «حکومت کردن»، گرفته شده است. شیوه‌هایی را می‌رساند که در تنظیم عوامل و نیروها، جهت تحقق هدفهای يك سازمان به‌کار گرفته می‌شوند. از نیرو، شامل پیش‌بینی، برنامه‌ریزی، تنسيق، هماهنگ‌سازی، کنترل و همچنین تأمین هدفها به صورت نتایج یا بازده می‌شود. بدین سان، سه تعبیر گوناگون از آن به عمل آمده است:

۱- تحقق یا انجام کار یا خدمت توسط فردی برای دیگری. در این صورت اعمال ترجمه می‌شود، نظیر اعمال قانون و ...

۲- در معنای دوم مدیریت یا سر رشته داری از آن برمی‌آید.

۳- در تعبیر سوم دستگاه حاکمه را می‌رساند.

آنچه در دانش جامعه‌شناسی مهم است، دو تعبیر اخیر از این مفهوم می‌باشد که با انجام فعالیت‌هایی در چارچوب سازمانی خاص و در جهت تحقق اهدافی معین سروکار دارد. این مفهوم را معمولاً نه برای يك واحد کوچک (نظیر خانواده) یا يك واحد غیر رسمی، بلکه در زمینه سازمانهای بزرگ و رسمی به کار می‌برند.

ره. ک. Leadership/social Planning/
Bureaucracy/Management

شامل آن دگرگونی‌هایی نیز می‌دانند که برای تحقق هدفها و کارایی يك عضو ضرورت دارند، بدین سان: می‌توان گفت سازگاری فرایندی است کم و بیش آگاهانه که برپایه آن فرد یا گروه با محیط هماهنگ می‌شود و بر اثر آن، زندگی گروهی میسر می‌گردد.

در جامعه‌شناسی سه معنا از آن برمی‌آید: (۱) سازگاری اجتماعی فرایندی است که برپایه آن روابط اجتماعی هماهنگ می‌شوند؛ (۲) سازگاری فرایند انطباق گروه یا فرد را با محیط میسر می‌سازد؛ (۳) در معنای سوم، سازگاری دارای بعد دستوری است و اطاعت از ارزشها و هنجارهای رفتاری مسلط از آن برمی‌آید.

تعاریف گوناگونی که دانشمندان مختلف از آن به دست می‌دهند، بر همین چند محور متکی است: تعریف کرو (L.D.Crow) یکی از آنهاست. وی در اثرش فهم رفتارها (Understanding our Behavior. P.4)

می‌نویسد:

«سازگاری با میزان تطابق يك شیء با هدفی که برای آن پدید آمده، در ارتباط است و بدین قرار سازگاری يك فرد به همان نسبت، کامل، متناسب و سالم است که مناسباتی شایسته بین او و شرایط، اوضاع و اشخاصی که محیط جسمانی و اجتماعی او را تشکیل می‌دهند، پدید آمده باشد.»

ره. ک. Maladjustment/Adaptation
Accommodation/Conformism

- Administrative expenses** باکسب رضایت رسمی والدین اصلی ؛
 ب - بدون کسب اجازه مستقیم یا رسمی والدین هزینه های اداری
 اصلی و صرفاً با نظر مراجع دولتی .
 در معنای نزدیک بدان مفهوم -
 ر. ک . Administrative cost Affiliation نیز آمده است .
- Administrative feudalism** Adoptive child فرزند خوانده
 پدر ، Adoptive father, mother فتودالسم اداری
 مادر خوانده
 نوعی خاص از مدیریت است که در آن
 روابط بر پایه انقیاد، تسلیم و اطاعت محض،
Adultery زناى محصنه
 استقرار رابطه جنسی بین يك فرد مزدوج
 (زن یا مرد) با فردی از جنس دیگر غیر از
 همسر قانونی او . با مفهوم عام زنا
 (Fornication) مترادف نیست ، همچنین
 از مفهوم زناى با محارم (Incest) متمایز
 در این حال حکومت شایستگان (Meritocracy)
 جای خود را به خویشاوند گزایی
 (Nepotism) ، و هر نوع غرض ورزی
 (Favoritism) می دهد و روابط جایگزین
 روابط می شود .
 ر. ک . Feudalism
- Administrator** مدیر
Adolescence نوجوانی -
 دورانى در فرایند رشد فرد بین کودکی
 و جوانی
Adolescent psychology روانشناسی نوجوانان
 نوجوانی - روانشناسی نوجوانان
- Adoption** فرزند پذیری
 پذیرش فرزند دیگری به عنوان فرزند
 خویشتن به دو صورت : ۱) غیر رسمی ؛
 ۲) رسمی یا قانونی . به دو طریق : الف -
 در برابر عقیده بعضی که مدعی بودند
 فرایند اجتماعى شدن مخصوص کودک است
 و از طریق آن باید همه عادات و آداب
 جامعه را بیاموزد . بسیاری دیگر را اعتقاد
 بر این است که در دوران بزرگسالی نیز
 همین فرایند تحقق پذیر است . چه ، حرکت
 سریع جامعه جدید لزوم دگرگونی مستمرا
 بازآموزی بزرگسالان را فراهم می سازد، که

- ارادى)؛ ۲) در صورت ازدواج تنظيم شده
از جانب بزرگنرها يا زناشويى فرمايشى يا
ر. ك. Desocialization/Resocialization / Anticipatory
Socialization
تنظيم شده (Arranged marriage)، نامزد
کردن (با ابعاد تحمیلی).
پيوستگى - وابستگى - Affiliation
فرزند پذيرى
۱) وضع يا حالتى مشتمل بر وجود
روابطى قانونى، رسمى و حاكى از همياري
بين دو يا چند گروه سازمان يافته؛ ۲) عملى
قانونى كه برپايه آن يك كودك نامشروع به
عنوان فرزند فردى خاص اعلام مى شود.
ر. ك. Adoption/Association/
Interaction
تعلقات مذهبي Affiliation, Religious
ر. ك. Religious affiliations
خويشان سببى Affines
خويشاوندى سببى - Affinity
خويشاوندى - قرابت
۱) پيوند ناشى از ازدواج؛ ۲)
خويشاوندى در معنای عام؛ ۳) هر نوع قرابت
فكرى و ناشى از تمايل؛ ۴) مشابهت ساختى
(مثلا در بين چند زبان)
ر. ك. Kinship
وفور - وفور نعمت Affluence
۱) در زبان روزمره به معنای فراوانى
است؛ ۲) در اقتصاد و جامعه شناسى، وفور
نعمت و بسيارى کالاها را مى رساند. گالبرايت
(K. Galbraith) در اثرش با نام جامعه
خودجزيى از فرايند اجتماعى شدن بزرگسالان
ر. ك. Desocialization/Resocialization / Anticipatory
Socialization
پيشرفت، ارتقا، وام، پيش قسط، Advance
تسريع، افزايش، مساعده
اين مفهوم در رشته هاى مختلف علوم
انسانى معانى متفاوت مى يابد. در معنای اجتماعى
ارتقا را مى رساند و با Promotion نزديك
است از ديده گاه اقتصادى. در سه معنای وام
(Loan)، مساعده (Advance money) و
همچنين افزايش (Rise) بدكار مى رود.
پيشرفته Advanced
پيشرفت Advancement
مزيت Advantage
دارای مزيت Advantageous
تبليغات Advertising, Subliminal
ناآشكار تبليغات فراآگاهى
ر. ك. Subliminal advertising
راى، اندرز، اطلاعیه Advice
قابل توصيه، مقتضى Advisable
رايزن Adviser
علت شناسى Aetiology
ر. ك. Etiology
محبت Affection
نامزد کردن، نامزد شدن Affiance
۱) رسماً قبول زوجيت نمودن (با ابعاد

رفاه و فراوانی (*Affluent Society*) از مسئولین جامعه آمریکایی خواهد نقطه تأکید را در چنین جامعه‌ای نه در گسترش مواد مصرفی (که تذبذب را از آن برمی آید) بلکه در ارتقای آموزش و بهداشت قرار دهند.

ر. ک. Economy of abundance

کارگر متمکن Affluent worker

بسط جامعه صنعتی، پیدایی ثروت افزوده و قوام نهادهای حمایت کننده از نیروی کار (سندیکاها و ...) موجب گردید که شرایط جدید کار در بسیاری ازین قبیل جوامع دگرگونی خاصی یابد. لاک دود (D. lock wood) و بیچ هوفر (F. Bechhofer)، این پدیده جدید را که در نیمه دوم قرن بیستم صورت تحقق یافته است، در انگلستان به مطالعه نهادند و حاصل تحقیق خود را با همین نام (Affluent worker) منتشر ساختند. گزاره اصلی مطالعه این بود که روند رشد بورژوازی (Embourgeoisement) در جامعه صنعتی و تجلی طبقه متوسط بطور طبیعی باید سلسله شرایط ویژه‌ای برای نیروی کار (حتی در سطح کارگران یدی) درین جوامع فراهم آورده باشد. آنان دو گروه: کارگران - رنجبر (Proletarian worker) سنتی و کارگران متمکن جدید را با این ویژگیها عنوان می کنند:

۱- کارگران رنجبر سنتی:

- بصورت گروههای بسته و تک افتاده (Isolated) در مناطق تک صنعتی زندگی می کردند.
- از طبقه اجتماعی، دیدگاهی قدرت نگر

داشتند. بدین معنی که معتقد بودند طبقات بالا چون بر ابزار قدرت مسلطند، آنان را به استثمار کشیده اند. بنابراین، آنان نیز باید کشمکش طبقاتی را با جبر انقلابی به پایان برسانند.

- برای آنان کار بیش از یک وسیله اعاشه یا امرار معاش بود، کار محور اشتغالات آنان بحساب می آمد.

- این نوع کارگران در صنایع قدیمی به کار می پرداختند.

- با همسایگان، خویشان و همقطاران حرفه‌ای خود ارتباط وسیع داشتند.

۲- کارگران متمکن:

- در گذران حیات، به خانه و خانواده خود بیشتر تعلق دارند و کمتر در حیات جمعی مشارکت می نمایند.

- کار را بمنزله وسیله‌ای صرفاً در راه اعاشه و امرار معاش در نظر می آورند.

- در مورد طبقات اجتماعی دیدگاهی کشمکش‌زا ندارند.

- معمولاً مهاجرند و به امید درآمد بیشتر به مناطق جدید صنعتی روی آورده اند.

دیدگاههای جدید بدون اینکه کاملاً بر این تمایزات صحه گذارد، رفاه مادی کارگران صنعتی را می پذیرند، بسط شبکه‌های حمایتی آنان را تأیید می کند، دگرگونی در جهان بینی آنان و با آن تغییر در عادات زندگی در آنانرا مورد پذیرش قرار می دهد. بنابراین باید بدرستی گفت، امروز جهان متمکن صنعتی در برابر جهان پابرهنگه قرار دارد و باید مفهوم استثمار را در سطحی وسیع (به اندازه همه کره زمین) مطمح نظر قرار داد.

- به کار رفت و وی این مفهوم مرکب را در معنایی وسیع که تمامی گروههای سنی را در برمی گیرد، بدکار برد.
- Agamy** همسرگزینی آزاد
- فقدان قاعده یا قواعدی خاص که ازدواج را در داخل گروه (درون همسری) یا در خارج از آن (برون همسری) مجاز بداند.
- Age distribution** توزیع سنی
- توزیع افراد يك جامعه براساس سن که از آن (با ترکیب سن و جنس) هرم جمعیت بدست می آید. جوانی جمعیت، موجبات گسترش قاعده هرم را فراهم می سازد و زیادی جمعیتی که در بالای هرم قرار می گیرند، به معنای ازدیاد امید بقا یا امیدزنده ماندن است.
- Age grades** رده های سنی - سن-ردگان
- در برخی از جوامع (به ویژه افریقا)، افراد جامعه بر پایه سن اجتماعی آن توزیع می شوند. هر گروه سنی رده ای خاص دارد که اعتبار افراد آن و همچنین حقوق و تکالیف آنان را تعیین می کند. گذشتن از مرز رده ها، مستلزم انجام وظایف خاصی است و طوسی مراسمی ویژه صورت می پذیرد.
- Initiation** ر. ک.
- Age . Mental** سن عقلی
- Mental age** ر. ک.
- Age, Mesolithic** عصر میان سنگی
- Culture** ر. ک.
- Age, Neolithic** عصر نو سنگی
- Culture** ر. ک.
- Age of consent** حداقل سن مقاربت - حداقل سن ازدواج
- ۱- در عرف عام، به معنای حداقل سنی
- Age classes** طبقات سنی
- در آغاز توسط شورتز (H. Schurtz)
- Age - area concept** مفهوم قدمت - وسعت
- براساس این نظریه، میزان گسترش حوزه يك فرهنگ یا هر عنصر فرهنگی تابع قدمت آن است. بدینسان از دو عنصر فرهنگی مشابه، آنکه قدمت بیشتری دارد، به احتمال قوی وسعت بیشتری نیز یافته است. در این نظریه، تعدد عوامل گسترش فرهنگ نادیده گرفته شده است.
- Age and area hypothesis** فرضیه قدمت - وسعت
- براساس این فرضیه سن يك عنصر فرهنگی با میزان توزیع آن در يك حوزه وسیع تعیین شدنی است. اساس این فرضیه این است که: ۱) ویژگیها یا عناصر مهم فرهنگی از يك مرکز همانند امواجی که در استخری پدید می آیند، بسط می یابند؛ ۲) و در هر زمان امواج يك فرهنگ را می توان با شناخت مراکز فرهنگی که در اطراف آن حلقه زده اند، باز یافت؛ ۳) هر موج هر قدر زودتر جدا شده باشد دورتر از مرکز اولیه خواهد بود.
- Kulturkreis / Diffusionism** ر. ک.

- ر. ک. Fertility است که برای ازدواج يك جوان ضروری است،
- گروه برین پنداری Agelecism ۲- در معنای خاص ، حداقل سنی است که يك جوان (مخصوصاً دختر) را مجاز به داشتن روابط جنسی می‌دارد (بدون آنکه در صورت مقاربت طرف مقابل وی متهم به تجاوز گردد)
- عصر دیورینه سنگی Age, Paleolithic ر. ک. Culture
- هرم سنی Age pyramid تصویری شبیه هرم که از ترکیب سن و جنس جمعیت در زمانی معین پدید می‌آید.
- دسته سنی Age set ۱) در جامعه مبتنی بر رده‌بندی افراد براساس سن آنان ، تمام کسانی را شامل می‌شود که با هم از مرز سنی خاصی به مرز سنی دیگر می‌رسند و با آن اعتبار و منزلتی نو می‌یابند .
- ۲) کمیته اناسانشناسی انگلیس این واژه را معنایی عام‌تر بخشیده آن را در تمام مواردی که دوستان هم‌سن و سال با یکدیگر پیوندند و سازمانی محدود و ویژه پدید آورند . به کار می‌برند .
- میزان Age specific fertility rate باروری بر حسب سن
- سنجش باروری با توجه به متغیر زنان یا مردان است که خود به دو قسمت میزان باروری زنان بر حسب سن و میزان باروری مردان بر حسب سن قابل تقسیم است
- ر. ک. Universalism/Holism/ Durkheim/Realism/Spencer
- تجمع Agglomeration فرایند یا حاصل تجمع جمعیت به نحوی فاقد تمایز یا تفکیک درونی
- ر. ک. urban Centralization
- انبوهه Aggregate الف - این مفهوم ، در رشته‌های گوناگون دانش انسان معانی متفاوت دارد :
- از دیدگاه جامعه شناسی، جمعی است ناپایا و تصادفی ، متشکل از افرادی چند

بدون آنکه ساخت یا سازمانی یافته باشد و یا آنکه ساخت یا سازمان مدیر باشد

— در اقتصاد، کل فعالیت‌های يك واحد تولیدی در جریان زمانی خاص را می‌رساند.
— در حقوق، پیوند گروهی از افراد است به صورت شرکتی خاص (Aggregate—Corporation)

ب: در شناخت ویژگی‌های انبوهه، فیوکمب (T. M. Newcomb) در اثرش دانشناسی اجتماعی در تمایز این مفهوم از گروه می‌نویسد: «ما گروه را از انبوهه‌ها یا تجمع افرادی که مناسبات اجتماعی خاصی جز روابط ناپایا و در چارچوب شرایط مادی محیط ندارند، جدا می‌سازیم» (Social psychology, P:491) با اینهمه در مورد تجمع و ناپسایایی انبوهه، اتفاق نظر نیست.

۱) هر چند در اکثر موارد، انبوهه گروه‌هایی افرادی را در حوزه یا فضایی جغرافیایی می‌رساند اما همواره چنین نیست. بعضی آن را در معنای جمعی به کار می‌برند که خصلت یا صفت مشترکی دارند (نظیر جمعی

از افراد که درآمد یکسانی دارند، یا حتی، کسانی که از قهرمان خاصی ستایش می‌کنند).

۲) همچنین برخی انبوهه را جمعی بالنسبه دائمی و نه موقت می‌دانند. این نوع کاربرد از واژه را در اثر پارسنز (T. Parsons) با نام ساخت عمل اجتماعی

می‌توان یافت که در آن تأکید بر نظریه پادتو (Pareto) در مورد رسوبها (Residues) و هم انبوهه‌ها به عنوان تجمعات یا واحدهای اجتماعی کم و بیش پایاست.

ج — انبوهه انواع و صورتی چندمی یابد: انبوه ناشی از هراس Panic aggregate جمعی از انسانها که بر اثر هراسی دستجمعی گرد هم آمده‌اند. با از بین رفتن هراس، انبوهه نیز ناپدید می‌شود.

انبوه جمعیت Population aggregate هر نوع تجمع انسانی یا جمعیتی که صورت انبوهه یافته باشد.

زورمندان ~ Power اصطلاح از لاسول (H.D. Lasswell) است و منظور افراد دارای قدرت در بافتی اجتماعی است که در آن قدرت سرنوشت ساز محسوب می‌شود.

مستفاد می‌شود ~ Social مجموع افرادی که در يك خطه جغرافیایی زندگی می‌کنند و صرفاً به جهت مجاورت با یکدیگر جمع شناخته می‌شوند. بین آنان تعامل نیست و سازمان اجتماعی به وجود نیآورده‌اند.

همپایگان ~ Status جمعی فاقد تماس مستمر ولیکن دارای پایگاهی کاملاً یا بالنسبه مشابه.

زور بینان-جورگشان ~ Subject اصطلاح از لاسول (Lasswell) است و

تہاجمی کد مستقیماً علیہ موضوع آن
بہ کار آید۔ (در برابر تہاجم جا بجا شدہ)۔

Displaced ~ تهاجم جایجا شده

تہاجمی غیر مستقیم و علیہ موضوع یا
فردی غیر از هدف اصلی .

Extrapunitive ~ تهاجم دیگر آزار

دز برابر تهاجم معطوف به خود یا خود
(Intropunitive)

Free floating ~ تهاجم بی هدف

تھا جمی کہ علیہ موضوع یا موجود خاصی صورت بنندند .

Generalized ~ تهاجم عام

تھا جمی ۵۵۴ جانبہ ، تمام عیار و علیہ
موضوعاتی متعدد .

In-group ~ تهاجم درون گروه
تهاجم علیه فرد یا افراد متعلق به گروه

خویشتن .

تہاجم ابزاری ~ Instrumental
تہاجمی کہ بہ عنوان وسیلہ یا یک ابزار

در راه تحقق هدفی خاص صورت پذیرد .
 تهاجم متصور ~ Projected

Pro-social ~ تهاجم جامعه خواه

تہاجمی درجہٴ منافع جمع و تحقق
ارزشہای اجتماعی .

Protective Effect of Lactoferrin

تہاجمی بہ نفع فرد یا گروہی دیگر و در

جهت حمایت از حقوق آنان .

Reactive ~ تهاجم واکنشی

- از مکانهای عمومی و بزرگ و از قرار گرفتن در معرض نگاه دیگران، هراس دارد.
- مفهوم مقابل آن تنهایی هراسی یا تنگنا هراسی (Claustrophobia) است.
- ر. ک. Claustrophobia
- زراعی-زراعت محور Agrarian
- این مفهوم در دو معنای متمایز به کار می آید: ۱) به عنوان صفت، تمامی مسائل، خط مشی ها، و قوانین مرتبط با کار بر روی زمین را می رساند؛ ۲) در معنای دیگر، اهمیت کار بر روی زمین را منبولوجی ساز و مشخص کننده آئینی فلسفی است که بر ارزش اقتصاد زراعی و دهقانی تکیه دارد و مکتبی به نام زراعت محوری (Agrarianism) از آن منبعث می شود.
- ر. ک. Physiocracy
- سوسیالیسم زراعی Agrarian socialism
- ر. ک. Socialism
- کشاورزی Agriculture
- کشت زمین به منظور به دست آوردن مواد و کالاست که بدعزم مردم شناسان قرن نوزدهم در مرحله سوم تطور بشر جای میگیرد (بعد از شکار و گله داری). این مرحله در آغاز صورت شخم زنی داشت.
- کشاورزی انواع و صورتی بسیاری پذیرد که برخی از آنان چنین اند:
- کشاورزی Commercial agriculture
- تجاری
- تهاجمی در پاسخ به حرمانها یا ناراحتیهای تحمل شده.
- تهاجم اجتماعی شده ~ Socialized
- تهاجمی از طریق مجراهای پذیرفته شده جامعه، در برابر تهاجم اجتماعی نشده.
- (unsocialized.)
- گرایشهای Aggression tendencies
- پرخاشجویانه - گرایشهای تهاجمی
- همخون از طریق پدر Agnate
- ر. ک. Cognate, Agnation
- پدر خویشی-همخونی پدری Agnation
- ۱) نظام خویشاوندی که در روم قدیم وجود داشت و در آن روابط خویشی فقط از طریق پدر تحقق می یافت؛ ۲) مجموعه خویشانی است وابسته به یک نیای پدری مشترک.
- ر. ک. Cognate
- ناشناخت انگار Agnostic
- در فارسی برگردانهائی نظیر معطل، متوقف، شناخت ناگرای یافته است. کسی که معتقد به عدم امکان شناخت و اثبات خداوند، نفی او یا هر پدیده فوق مادی است.
- ر. ک. Theism/Mysticism/Gnostic
- ناشناخت انگاری Agnosticism
- پهنه هراسی-انبوه هراسی Agoraphobia
- از نظر ریشه لغوی به معنای هراس از فضاها یا باز و عمومی است؛ نوعی بیماری روانی است که در آن شخص

- کشاورزی معیشتی ~ Subsistence
 بخور و نمیر
 . کشاورزی ساده، سطحی و بدون ابزار
 وسیع که صرفاً در جهت ارضای نیازهای
 زارع صورت یابد.
 ر. ک. Cultivation/ Rural Sociology
- فن یادآور Aided recall technique
 ر. ک. Unaided recall technique
- کشاورزی آیشی ~ Fire
 نوعی کشاورزی که با سوزاندن بقایای
 ساقه‌ها در زمین و همچنین کشت غیر پیوسته
 همراه است.
 سفید سالاری Albinocracy
 ر. ک. Albocracy
- کشاورزی آب بنیاد ~ Hydraulic
 آن نظام کشاورزی که بر محور سازمانی
 وسیع و پیچیده در توزیع و کاربرد آب شکل
 می‌گیرد.
 ر. ک. Oriental despotism
- کشاورزی عمقی ~ Intensive
 آن نظام کشاورزی که بر استفاده حداکثر
 از زمین مبتنی است، ابزاری وسیع و پیچیده
 دارد و بازده آن در حد مبادلات بازرگانی
 است. (دربار کشاورزی سطحی).
 کشاورزی یکجا نشینی ~ Sedentary
 کشاورزی که توسط روستاییان و سا
 اشخاص ساکن در یک حوزه جغرافیائی صورت
 پذیرد.
 کشاورزی متناوب Shifting agriculture
 کشاورزی بر مبنای رها سازی زمین برای
 مدتی خاص (دوران آیش) . Alien
 بیگانه
- حکومت سفید پوستان ~ Albocracy
 سفید سالاری
 به نظام اجتماعی مبتنی بر آپارتاید
 (Apartheid) یا هر گرایش نژاد پرستانه
 اطلاق می‌شود که در آن سفید پوستان هر چند
 در اقلیت، حاکمیت می‌یابند.
 ر. ک. Racism/Racial segregation/
 Apartheid
- اعتیاد به الکل Alcoholism
 بیماری مزمن، فزاینده و قابل علاجی
 است با گرایشهای عود پذیر که از وابستگی
 به الکل منبث می‌شود. علایم خاص آن
 ضعف یا محو حافظه، ترجیح الکل بر غذا و
 سقوط اراده است. عوامل اعتیاد به الکل
 جامعه شناختی، روانشناختی و هم اقتصادی،
 اخلاقی و حقوقی است.

ناچار بقبول نقشی می شود و حتی بدون آنکه دقیقاً بدان اعتقاد داشته باشد، به اعمال آن پردازد. به عنوان مثال به نظر فوئر (L. Feuer) هر آنکس که دستورات دین کاذبگی را در

آئین دوست یابی مبنی بر «به شنونده توجه

کن»، «بگذار احساس شخصیت کند»، «سعی

کن شنونده خوبی باشی»، ... را با اکراه و بدون گرایش درونی اجرا کند، از خود بیگانگی است. در این معنی، از خود بیگانگی از یکسو در برابر مفهوم خود پردازی یا فعلیت شخصیت (Self - actualization) قرار میگیرد که به معنای تحقق وجود و آشتی انسان است با خویشتن خویش، از سوی دیگر، در برابر خویشتن یابسی (Appropriation). از این رو و بر این سیاق، هورنی (K. Horney) در اثرش به نام کشمکشهای ددنی ها

(Our Inner Conflicts, P : 111)

می نویسد: «ما نمی توانیم به حذف یا سرکوب برخی از عناصر خویشتن نایل شویم، مگر آنکه با خود بیگانه شویم ... در این صورت، شخص نسبت به احساس واقعی خود، باورها و علایقش بیگانه می شود و به طور کلی، نسبت به خود احساس بیگانگی می کند و بدون آنکه بداند نه حیات خود، بلکه صرفاً تصویری از خود را ادامه می دهد».

آن کس که در خارج از جامعه ای که در آن (به طور موقت یا دائم) زندگی می کند متولد شده باشد و در زمره شهروندان آن جامعه به حساب نیاید.

از خود بیگانه Alienated

از خود بیگانگی Alienation

۱) ریشه لغت به معنای بیگانه ساختن است؛ ۲) در اقتصاد انتقال و واگذاری را می رساند؛ ۳) در جامعه شناسی به معنای تجربه ای است خاص که موجب می شود شخص خود را همچون بیگانه حس کند (اریک فرم (E. Fromm) و یا آنکه بین اعضاء و اجزای شخصیت وی تجزی حاصل شود و کل شخصیت از معنی بیفتد. (کودت لانگ Kurt Lang). این بیگانگی به دو صورت تجلی می کند:

۱- بیگانگی با محیط

الف) هر نهضت یا قیامی که ارزشهای مسلط محیط را نفی نماید و با آن بیگانه شود (نظیر جوانان بیگانه با محیط، Alienated youth)

ب) هر فرد که با حرکت سریع پدیده ها سازگاری نیابد و بین او و جامعه خلاء حاصل شود (نظیر بیگانگی سالخوردگان با محیط اجتماعی)

۲- بیگانگی با خود

تجربه ای است درونی که با گسستن فرد از خویشتن همراه است، نظیر: از خود بیگانگی فرد بدان جهت که بر حسب مقتضیانی

این مفهوم که از فلسفه هگل برآمده است، در بین مارکس گرایان کاربرد بسیار یافت.

- پیوند است. با ائتلاف (Coalition) اشتباه نشود (بدان ر. ک)
- این مفهوم چه در معنای خویشاوندی یا اتحاد، انواع و صور خاصی رامی پوشاند: Asymmetrical alliance خویشاوندی نامتقارن
- آن خویشاوندی که بر اساس انتقال يك جانبه زن بین دو گروه پدید آید. (در برابر خویشاوندی متقارن).
- اتحاد دفاعی ~ Defense اتحادی که هدف از آن دفاع از سرزمین یا حقوق خاصی است.
- اتحاد رسمی ~ Formal اتحادی بر اساس توافق رسمی طرفین در برابر اتحاد غیر رسمی (Informal).
- خویشاوندی سببی ~ Marital پیوند بین دو گروه بر اساس ازدواج
- اتحاد نظامی ~ Military اتحاد تهاجمی ~ Offensive اتحاد سیاسی ~ Political خویشاوندی متقارن ~ Symmetrical
- آن خویشاوندی که بر پایه تبادل متقابل زن بین دو گروه پدید آید.
- اختصاص Allocation of resources تخصیص منابع
- اختصاص کلیه منابع شامل نیروی انسانی، سرمایه، تجهیزات، زمین، منابع زیرزمینی و به طور کلی تمامی عوامل تولید رامی رساند.
- آنان اساس از خودیگانگی را در روابط تولید می بینند؛ آنجا که سرمایه همچون بیتی تجلی می کند، بهره کشی انسان از انسان رایج می شود، حاصل کار انسان از وی جدامی شود و بر مولد خود پیشی می گیرد، داشتن و میل شدید بدان، تعادل انسان رامی زداید، از خود ییگانگی پایا خواهد بود.
- Appropriation/Self ~ ر. ک. actualization/Anomie
- Allegiance بیعت قبول تابعیت يك فرد یا يك گروه و تعهد به وفاداری نسبت بدان با استقرار پیوندهائی عاطفی - قانونی.
- Feudalism ر. ک.
- Allegory تمثیل همه دان-علامه All-knowing
- با مفهوم Omni - Scient نزدیک است. در فارسی عالم مطلق نیز ترجمه شده است. نوع عالی آن دانش مطلق خداوندی است، لیک در معنای متعارف به فردی با دانش گسترده اطلاق می شود.
- Omni - scient ر. ک.
- All-knowledge همه دانی- دانش مطلق Allocation of resources
- Alliance خویشاوندی سببی- اتحاد
- (۱) در جامعه شناسی خانواده پیوند خویشی ناشی از ازدواج را می رساند؛ (۲) در جامعه شناسی سیاسی، به معنای اتحاد. وحدت و

تبیین می‌کند، آلپورت به استقلال نسبی بزرگسالی از تجربیات کودکی و تأثیرپذیری انسان از محیط آنی وی تأکید دارد. برخی از آثارش:

Personality, a Psychological Interpretation

Psychology of rumor,

The nature of Prejudice

The individual and his Religion

Personality and Social encounter

The nature of Personality

ر. ک. Social planning/Social

Philosophy/Social telics

منابع Allocated resources

اختصاص یافته

قدرت مطلق All power

همه نیک- خیر محض All-righteous

نوع خواهی Altruism

آلپورت (Gordon willard) Allport

روانشناس اجتماعى و اهل امریکا است (۱۹۶۷-۱۸۹۷). زمینه‌های تخصص وی شخصیت، خرافه‌ها، شایعه و مباحث نظری است. آلپورت از دیدگاهی ادامه‌دهنده راه فروید (S. Freud) است و از دیدگاهی دیگر راهگشای اندیشه‌هایی نو. نظریه اصلی او خود مختاری کارکردی (Functional autonomy) است که آن را با F. A مشخص می‌دارند. برخلاف کنشهای اصلی که از خصوصیات جسمی و ارثی منبع می‌شوند، F. A صورتی آموخته یافته و به نوعی از انگیزه‌های طبیعی استقلال یافته است. برخلاف نظر فروید که تمامی حیات بزرگسالان را با شناخت حیات کودکی

از ریشه Alter به معنای غیر، دیگر و دیگری گرفته شده است. در زبان فارسی معادلهای بسیاری یافته است که بعضی از آنان چنین‌اند: غیرخواهی، نوع پرستی، دیگر دوستی. واژه نوع خواهی از جانب انجمن لغات و اصطلاحات علوم اجتماعى پیشنهاد شده است. این مفهوم در برابر خودخواهی

(Egoism) و خودگرایی (Egotism)

قرار دارد و متضمن ایثار (Abnegation) یا

رجحان دیگران بر خویشتن است. این واژه توسط آگوست کنت پدید آمد. از نظر او و تمامی اندیشمندان مکتب اثباتی، نوع خواهی در زمره تمایلات و غرایز حاکمی از محبت است (نظیر فداکاری، احترام، محبت، ...)

- ر. ك. Cognate/Agnation که همانند تمایلات خودخواهانه در طبیعت وجود ندارد.
- دوگانگی روانی Ambivalence در روانشناسی و روانشناسی اجتماعی، همزیستی دو حالت عاطفی متناقض را در یک شخص می‌رساند، به عنوان مثال، شخص نسبت به شیء یا فردی مشخص هم عشق ورزد و هم احساس تنفر کند.
- ر. ك. Egoism/Egotism/Abnegation خودکشی نوع خواهانه
- Egocentrism خودکشی نوع خواهانه
- Suicide ر. ك. آمیزش - به هم آمیختگی Amalgamation
- (۱) در زیست شناسی آمیزش دویا چند گونه نژادی است؛ (۲) با توجه به این کاربرد، در علوم انسانی پیوند دو یا چند فرد یا گروه بیگانه است که در خصوصیات فرعی بایکدیگر تمایز داشته ولیک دارای ویژگیهای اصلی مشترک باشند و از پیوند گروهی متشکل پدید آید.
- ر. ك. Eclecticism/Melting pot هر سویه
- Ambilateral در فرهنگ خویشاوندی، این واژه به وضعی اطلاق می‌شود که در آن فرد می‌تواند یا به خویشاوندان پدری پیوندد یا به مادری و یا هر دو. فرت (R.Firth) در بین اقوام هپو (Hapu) در زلاند نو به چنین حالتی برخورد کرده می‌نویسد: «امکان پذیرفته شدن در گروه خویشاوندان پدری یا مادری یا هر دو نشان می‌دهد که اقوام هپو دارای خویشاوندی یک سویه نیستند، بلکه فرد دارای امکان انتخاب است.»
- بهبود بخشیدن Ameliorate
- بهبود بخش Ameliorative
- عمه تیماری Amitate
- (Economics of the New Zealand Maori, P: 112.) در معنای خاص به روابطی با اهمیت خاص و مبتنی بر میثاق اجتماعی و سنن اطلاق

- نیز آمده است .
 ر. ك. Cultural lag/Diachronic
 می شود که بین برادر زاده و عمه بر قرار
 می شود. برخلاف دایی سری (Avunculate)
 که در آن اعمال قدرت از جانب دایی در جهت
 اجتماعی شدن خواهر زاده معمول می شود ،
 این روابط مبتنی بر تیمار ، مهر و محبت است.
 Avunculate ر. ك. .
 ناپهنگامی Anachronism
 (۱) دريك معنا ثبت نادرست زمان واقعه
 یا وقایع است ؛ (۲) در معنای دیگر ، عدم
 تطابق با مقتضیات زمان را می رساند.
 ر. ك. Anachronic
 فاقد خصال اخلاقی . با ضد اخلاقی
 Analysis, Factor تحلیل عوامل
 (Antimoral) مشتبه نشود .
 ر. ك. Factor analysis
 غیر اخلاقی بودن
 Amoral
 تحلیل پراش Analysis of variance
 استهلاك
 (شیوه ای در آمار)
 (۱) تسویه بدهی از طریق پرداختهای
 جزئی و در فواصل زمانی گوناگون ؛ (۲) کاهش
 بهای وسایل تولید در اثر قدیمی شدن آنان
 (استهلاك ناشی از قدمت یا از مد افتادگی) یا
 فرسایش (استهلاك ناشی از فرسایش) .
 Analytical approach رویکرد تحلیلی
 برخورد با پدیده ها و بررسی آنان با
 ابزار تحلیلی
 Analytical function تابع تحلیلی
 روانشناسی Analytical psychology
 تحلیل
 Depreciation ر. ك. .
 سرگرمی تجاری شده
 Amusement, Commercialized
 ر. ك. Commercialized amusement
 شوفايي عناصر
 Anabolism, Social
 اجتماعی
 Social anabolism ر. ك. .
 ناپهنگام Anachronic
 عدم تطابق عمل یا حادثه با زمان خود.
 همچنین ناهمسازی يك نهاد، سازمان یا فرد
 یا يك نظام با مقتضیات زمان . به ص. رت های
 دیگر Anachronous / Anachronistic

می‌پنداشت. دیگر صاحب‌نظر این مکتب، کروپوتکین (Kropotkin) است. اندیشمند دیگر آن دکلو (E. Reclus) است که معتقد به تشکیل گروه‌های داوطلب جهت اداره امور است. اندیشه این متفکران در قرن ۱۹ در اروپا رواج یافت؛ بعضی از پیروان انسان دست به خشونت زدند و در ایتالیا و اسپانیا به ایجاد وحشت پرداختند.

هرچند اساس اندیشه یکی است، اما بر حسب دیدگاه‌های خاص، صوری‌گوناگون یافته است؛ دودیدگاه اساسی آن چنین است: (۱) حکومت ناگرایی فردگرا، که معتقد به تفویض مالکیت به فرد است؛ (۲) حکومت ناگرایی کمونیستی که در آن اعتقاد بر این است که مالکیت اشیاء و کالاهای در اختیار گروه‌های داوطلب قرار گیرد.

حکومت ناگرا - آشوب‌گرا Anarchist (Recent political thought, P: 192) فقدان حکومت - بی‌حکومتی - Anarchy

فاکر (B.R. Tucker) در اثرش به نام آزادی فردی (Individual liberty, P: 7) می‌نویسد: «حکومت ناگرایی عبارت از آیینی است که براساس آن تمامی امور انسان‌ها باید توسط افراد یا انجمن‌ها و یا دسته‌های داوطلبان اداره شود و حکومت منقرض گردد.»

همین تعریف از اثر اصل تحت عنوان «داه آزادی» برمی‌آید. بزعم او نیز حکومت ناگرایی نظریه‌ای است که در برابر حکومت زورمدار قرار می‌گیرد. کوکر (F.W. Coker) در اثرش اندیشه‌های سیاسی جدید

این مکتب را «همچون آیینی می‌داند که در آن اقتدار سیاسی به هر شکل که باشد، غیر ضرور و نامطلوب شناخته می‌شود».

حکومت ناگرا - آشوب‌گرا Anarchist (Recent political thought, P: 192) فقدان حکومت - بی‌حکومتی - Anarchy

این مکتب را «همچون آیینی می‌داند که در آن اقتدار سیاسی به هر شکل که باشد، غیر ضرور و نامطلوب شناخته می‌شود».

تابدشکافی اجتماعى Anatomy, Social

ر. ک. Social anatomy

نیاکیشی Ancestor cult

اعتقادی رایج در بین بسیاری از اقوام در جوامع اولیه که بر پایه آن، ستایش نیاکان در بهبود وضع زنده‌ها مؤثر است، به عنوان مثال، سرخپوستان پوئبلو (Pueblo) در امریکا معتقدند که احترام به نیاکان باران می‌آورد و محصول را افزایش می‌دهد.

حکومت ناگرایان از این جهت معتقد به نفی دولت‌اند که می‌گویند دولت اساساً متکی بر سرکوب است و در برابر آزادی قرار می‌گیرد که بالاترین ارزش‌هاست.

پروذن (J. Proudhon) از بنیان‌گذاران این مکتب است. او دولت را نفی می‌کرد و به پاکی نهاد انسان اعتقاد داشت و قدرت دولت را مانعی در راه شکوفایی این سرشت نیک

- بخشی (Animism) در این است که واژه گروه اتکایی Anchoring group
 ر. ک. Group/Reference group
 عین جدا شدنی بودن (از آن) نیز می‌رساند.
 اسناد حیات به موجودات بیجان، Animism
 جاندار پنداری - همزادگرایی
 از ریشه‌ای لاتینی در معنای جان گرفته شده
 و اسناد حلول روح یا جان به موجودات
 بی جان و پدیده‌های طبیعی است.
 ۱) شیوه‌ای است خاص در اندیشه،
 مخصوصاً در جوامع اولیه، بدین سان که انسانها
 در تبیین جهان هستی و وقایع پیرامون خود
 از جان یا همزاد مدد می‌گیرند. بسیاری از
 حوادث را نه ناشی از روابط علی بین
 پدیده‌های مادی بلکه منبعث از نیروهای غیر
 مادی، غیر عینی یا همزاد می‌دانند. این شیوه
 فکری با اثر تایلر (E.B. Tylor) تحت عنوان
 فرهنگ ابتدایی مطرح شد و بعدها مورد تحلیل
 گودویچ (G. Gurvitch) و لوی برون
 (L. Levy. Bruhl) قرار گرفت. تایلر چنین
 می‌پنداشت که جاندار پنداری شیوه‌ای است
 عقلانی. وی معتقد بود که انسان ابتدایی دارای
 اندیشه‌ای است منطقی و با بعدی خود گرا.
 انسان ابتدایی در برابر طبیعت و پدیده‌های
 آن قرار می‌گیرد و آن را با دیدی جاندار پندارانه
 تبیین می‌کند.
 ۲) به عقیده پیاژه (Piaget) همین شیوه
 اندیشیدن در بین کودکان نیز به چشم می‌خورد.
 وی در بحث از زبان و اندیشه ملاحظه کرد که
- نیاپرستی Ancestor worship
 عادت به پرستش نیاکان طی مراسمی
 خاص، در بسیاری از جوامع نظیر چین، هند
 و ژاپن تاکنون تداوم یافته است.
 مردسالاری - حکومت مردان Androcracy
 زمانی که مناصب حساس اجتماعی منحصرأ
 به مردان سپرده شود. بسا پسدر سری
 (Patriarchy) مشتبّه نشود (بدان ر. ک.)
 جامعه Androgynous society
 دو جنسی
 به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که در آن
 نقش زن و مرد از یکدیگر تفکیک نگردیده
 و هر انسان چه مرد و چه زن دارای دو نقش
 (زنانه و مردانه) است. از نتایج چنین نظامی
 برابری شخصیت زن و مرد خواهد بود، لیکن
 تا یکسانی زن و مرد از نظر توانایی جسمی
 و آمادگی‌های روانی موجبات بروز مشکلاتی
 را فراهم می‌سازند. ر. ک. تک
 ر. ک. Women's Occupation
 جاندار انگاری Animatism
 این اعتقاد که برخی یا تمامی اشیاء
 دارای حیات‌اند، یا از نیرویی قابل انتقال
 برخوردار می‌باشند. در صورتی که چنین
 اشیایی به قدر کافی قدرتمند باشند، به صورت
 اشیایی جادویی در می‌آیند و در مواردی نیز
 مورد ستایش قرار می‌گیرند. تمایز آن با جان

بسختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماعى آشتی و سازگاری پدید آورند؛ ۳) وضع یا شرایطی اجتماعى که فاقد هنجار باشد.

زمانی بی‌هنجاری رخ می‌دهد که شرایطی

از این قبیل تحقق یافته باشند: **ر. ک. Animatism**

عدم جذب کامل افراد در درون نظام

اجتماعى. ویژگیها، صفات یا علایمی چند که علت

کاهش قدرت هنجارها و قوانین به دلایلی

نظیر انقلاب، دگرگونیهای سریع، تنازع

درونی هنجارها و ... **ر. ک. Stigmata**

بی‌هنجاری می‌تواند اشکالی بسیار

گونگون یا بد و به نتایجی چند بینجامد،

نظیر: نوآوری، طغیان، اصلاح طلبی، بروز

رفتارهای ضد اجتماعى، تنازع و عدم پذیرش

هنجارها. **ر. ک. Physical anomalies**

بی‌هنجاری

از ریشه یونانى **Nomos** (قانون) و **a**

(بدون) گرفته شده است و در فارسی معادل‌هایی

چون ناهنجاری و نابسامانی یافته است. ابتدا

توسط **دودکیم** عنوان شد. وی این مفهوم را

بالاخص برای تشریح علل بعضی از رفتارهای

جانپان و مجرمین به کار می‌برد. امروزه نیز

مرتقن (**R. Merton**) و بسیاری دیگر این

مفهوم را در معنای رفتاری به کار می‌برند که با

قواعد و هنجارهای مورد قبول جامعه تباین

داشته باشد. برخی دیگر آن را در معنای

دیگر و جهت نشان دادن بیماری اجتماعى

زمان ما به کار می‌برند. به طور کلی سه معنای

متمايز از آن بر می‌آید:

۱) بی‌سازمانی شخصیت، آنچنانکه فرد

خود را منحرف و متهم در برابر قوانین یابد؛

۲) شرایط و وضعیتی اجتماعى که در آن

هنجارها در تنازع با یکدیگر نرسند و افراد

دودکیم با این تحلیل و از روزه این

مفهوم، مسائلی را در جامعه نوباز می‌یابد.

- یکی از نتایج اختفای هویت و یا بی‌نامی، محو فردیت (Deindividuation) است.
- ر. ک. Deindividuation
- بی‌نام-گمنام Anonymous
- تخاصم Antagonism
- مخالفت فعالانه با فرد، گروه، اندیشه و...
- Antagonistic Cooperation
- همکاری خصمانه
- ر. ک. Cooperation
- پیشین-قبلی Ante
- از پیشوندهای مصطلح در واژگان علم انسان است. در برابر پسین (Post)
- پیشینیان Antecedents
- شرایط Antenatal Conditions
- پیش زادی
- ۱) در جمعیت شناسی نوعی خاص از مرگ و میر با نام مرگ و میر در زهدان (In utero mortality) خوانده می‌شود که از شرایط و عوامل پیش زادی منبعث می‌شود؛ ۲) در جرم شناسی، شناخت علائم جسمانی برای جنس‌بایت - (Physical anomalies) مطرح است که باز با قبل از تولد مرتبط است؛ ۳) در روانشناسی تفاوتی (Differential Psychology)
- تفاوت بین انسانها نه تنها از شرایط ارثی و همچنین عوامل محیطی، منبعث می‌شود بلکه تابع شرایط و عوامل پیش زادی نیز هست. از این رو پیش‌زاد شناسی، یا
- به‌زعم وی، جامعه‌نو بارزش سنتها، دروازه‌های بسیاری در راه آزادی بشر گشوده است. لیکن در عوض سرگردانی، تنازع و کشمکش را دامن زده است. آرامش انسان سنتی که از آغاز تا پایان، حیات، خود را در برابر راههای آزموده، محترم و جاافتاده‌ای به نام سنن می‌یافت، جای خود را به هیاهوی بسیار سپرده است و تنهایی انسان، جدایی او از متن جامعه را موجب گشته است. از این رو، دورکیم برای چنین جامعه‌ای، پیدایی گروههای جدیدی را مانند گروههای شغلی پیشنهاد می‌کند و خواهان نظامی نو از ارزشهاست که با جامعه مبتنی بر همبستگیهای عضوی سازگار باشند.
- ر. ک. Non conformism/integration
- بی‌نامی - اختفای هویت Anonymity
- محو یا امحاء و یا اختفای هویت است به غیر عمد و یا به عمد و در جهت تحقق اهدافی چند. اختفای هویت صوری بسیار گوناگون نظیر اقدام در شب (دزدان)، برچهره کردن ماسک، پوشیدن پیراهن سفید (اعضای گروه کلو کلوکس کلان، klu Klux Klan) و ... بخود می‌گیرد، در روزگار ما، شهرهای بزرگ نیز با گمنام ساختن افراد همچون پوششی برای تبهکاری به کار می‌آیند. اختفای هویت موجبات افزایش ترس در طرف مورد تهاجم، فرار از قانون و بالطبع کار برده‌ر نوع شیوة حمله و دفاع را فراهم می‌آورد.

- انسان زادی شناخت شرایط حیات موجود قبل از تولد ،
دانشی است که موضوع آن پیدایسی و
دگو گونی انسان است .
- ر. ک. Ward پیش زناشویی Antenuptial
جغرافیای انسانی Anthropogeography
مطالعه علمی انسان ، تاریخ و فرهنگش
در رابطه با محیط جغرافیایی .
- انسان نگاری Anthropography
شاخه ای است در دانش انسان که موضوع
آن بحث از ابعاد صوری ، عینی ، کمی و
مادی انسان است .
- ر. ک. Anthropology جنگ ساز Anthologist
انسان نما Anthropoid جنگ ساختن Anthologize
انسان پرستی Anthropolatry انسان اولیه Anthropic
در برابر بتواره پرستی (Fetishism) و
بت پرستی (Idolatry) و مظهر افراط در
گرایشهای ناشی از انسان دوستی
(Philanthropy) و انسان گرایی
(Humanism) است (به هر يك ر. ک.) .
- انسان شناسی Anthropology
از شاخه های علوم انسانی است که در آن:
(۱) رشد زیستی و فرهنگی انسان ؛ (۲) اصول
اساسی راهبر در زمینه روابط انسانی در
تمامی جوامع موجود، به ویژه جوامعی که
هنوز در زمره جوامع صنعتی به شمار نمی آیند،
مطرح می شود .
- انسان محوری Anthropocentric
آیینی است در اندیشه که انسان را مرکز
هستی می شناسد و معتقد به ابداع نظامی است
که بر محور انسان تشکیل یابد . این آیین با
طلیعه رنسانس جهنت احیاء اهمیت انسان
رونق یافت .
- انسان محور Anthropocentrism
ر. ک. Humanism
تکوین انسان Anthropogenesis
دانش تکوین انسان Anthropogeny

انسان، تکیه بر شناخت عمقی انسان با استفاده از ابزارى نظیر مشاهده مستقیم، تفاوتهاى بسیارى هم در خلال زمان و هم بر حسب مکاتب گوناگون اندیشه یافته است.

تا قبل از قرن نوزدهم، این علم بر جهات تشابه انسان و تفاوتهايش با دیگر حیوانات تکیه داشت. کتاب *دالة انسانشناسى* کانت (E. Kant) در واقع رساله‌اى است در باب روانشناسى انسان در مقایسه با حیوانات. در اواسط قرن نوزدهم این جریان فکرى از دو نظر دگرگونى یافت:

- (۱) توجه دانشمندان به ابعاد جسمانى، طبیعى و بالاخره حیوانى - انسان.
- (۲) کوشش در شناخت نه تنها جهات تشابه انسانها، بلکه تفاوت آنان با تأکید بر آنچه بعدها انسانشناسى تفاوتى (Differential anthropology) خوانده شد و در درون نوع آن به شناخت انواع و اشکال گوناگون انسانها پرداخت.

پس از آن در انسانشناسى معاصر سعی

شد هر دو بینش با هم معمول گردند و بدینسان شعبى چند در درون این علم پدید آمد که هر يك بعد یا ابعادی خاص از انسان را به مطالعه نهادند. بعضى از این شاخه‌ها چنین اند: (۱)

Action anthropology انسانشناسى تعهدآمیز
آن رشته از انسانشناسى که در آن تعهد دانشمندان در قبال جامعه، موجبات اولویت عمل و تأثیر عملى و ملموس دانش در حیات سیاسى-اجتماعى را فراهم می‌سازد. انسانشناسى

بنیادگرا که در آن ارضای کنجکاویهای بزرگ دانشمندان اهمیت می‌یابد، هم در برابر انسانشناسى عمل‌گرا و هم در مقابل انسانشناسى کاربردى قرار می‌گیرد.

Action research ر. ک.

۲- Applied anthropology

انسانشناسى کاربردى

دورى از مباحث فلسفى دانش و نظریه‌ها و در مقابل تکیه بر تمهید دست‌آوردهاى مفید برای جامعه از طریق انسانشناسى است. برخى نظیر هالینوفسكى، مفهوم انسانشناسى عملى (Practical anthropology) را به طور مترادف با این شاخه از انسانشناسى به کار می‌برند. حتى تاکس (S. Tax) انسانشناسى عمل‌گرا را علیرغم ابعاد سیاسى آن با انسانشناسى کاربردى مترادف می‌داند. در هر حال هر سه مفهوم با تفاوتهاى اندك، در اكثر موارد با انسانشناسى تجربى (Experimental anthropology) نزدیک‌اند.

هر چند اندیشه کاربرد یا اعمال نتایج انسانشناسى در حیات اجتماعى سابقه‌اى طولانى دارد. ليك کاربرد این واژه در معنای جدیدش، توسط دادکلیف براون در سال

۱۹۳۰ صورت گرفت و پس از آن کاربردهاى گوناگون دیگری از آن به عمل آمد. بین دو جنگ جهانی انسانشناسان کاربردى به حل مسائل سرخپوستان آمریکایی همت گماشتند. شناخت اقلیتهاى نژادى و حتى برخى مسائل

کشورهای توسعه نیافته نیز در خلال جنگ جهانی و بعد از آن به بده انسانشناسان کاربردی نهاده شد. در سال ۱۹۴۱ انجمن انسانشناسی کاربردی با این شعار که دانش روابط انسانی فقط زمانی بسط می یابد که نظریه ها در عمل آزموده شوند و در برابر مسائل ملموس قرار گیرند، تشکیل شد.

۳- Biocultural anthropology

انسانشناسی زیستی-فرهنگی

شاخه ای از انسانشناسی است که از آمیزش انسانشناسی جسمانی با انسانشناسی اجتماعی - فرهنگی پدید می آید.

۴- Biological anthropology

انسانشناسی زیستی

دانشی که در آن به شناخت ویژگیهای جسمانی و زیستی انسانها می پردازند، تطور انسانها را مطمح نظر دارند و همچنین تفاوتهای میان انسانهای متعلق به گروههای گوناگون را به بررسی می نهند. در این دانش تمایز انسانها مخصوصاً از دیدگاه زیستی مورد اندازه گیری قرار می گیرد.

این دانش که همچون پلی بین دانشهای گوناگون انسانی و زیستی تجلی می کند، با بسیاری از علوم همسایگی دارد و از داده های آنان سود می برد؛ از آن جمله اند زیست شناسی انسانی (Human biology)، دیرینه شناسی انسانی - (Human Paleontology)، ژنتیک جمعیت (Population genetics). گذشته از این،

شناخت تشابه و اختلافهای زیستی بین انسانها مستلزم شناخت جغرافیا، زمین شناسی، تاریخ و بسیاری دیگر از علوم است؛ همان طور که بالطبع، تبادل اطلاعات بین این دانش و انسانسنجی (Anthropometry) اجتناب ناپذیر است.

۵- Cognitive anthropology

انسانشناسی شناختی

شامل بررسی نظریه های مرتبط با شناخت، انواع آن و ارزیابی آنان از دیدگاه انسانشناسی است.

Constitutional anthropology

۶- انسان - سرشت شناسی

شاخه ای از انسانشناسی که در آن شناخت سرشت انسانی و تجلیات عینی آن در زمینه های گوناگون اجتماعی مورد توجه است.

۷- Criminal anthropology

انسانشناسی جنایی

آن شاخه از انسانشناسی است که در آن ویژگیهای بدنی مجرمین شناخته و اندازه گیری می شوند تا رابطه آنان با تمایلات جنائی سنجیده شود.

۸- Cultural anthropology

انسان - فرهنگی

شاخه ای است نسبتاً جدید از انسانشناسی. همچنان که از نامش پیداست، در این شاخه تأکید بر فرهنگ و شناسایی آن است. فرض

براین است که همه ارکان حیات اجتماعى برمحور فرهنگ جای یافته اند و با توجه به نوع فرهنگ شکل می گیرند. پس، پدیده های يك قوم یا گروه از طریق فرهنگ قابل تبیین اند و فرهنگ کلید فهم آنان است .

این شاخه در آغاز این قرن تحت تأثیر افکار بوآسی (F. Boas) در امریکا و مالینوفسکی (B. Malinowski) در انگلستان پا گرفت. در سال ۱۹۲۰ در امریکا به فرهنگ و شخصیت سخت توجه شد. از طرفی مادگادامید (M. Mead) در آئارش، شخصیت را منبعث از فرهنگ دانست و از جانب دیگر، روث بندیکت (R. Benedict) در اثرش با نام الگوهای فرهنگ (Patterns of Culture) فرهنگ و شخصیت را در بعد وسیع آن به مطالعه نهاد. از جهت سوم بازهم در امریکا، شاهد شکوفایی زمینه ای دیگر از اندیشه ها گردیدیم که باید ماده گرایی فرهنگی خواننده شود. وایدا (A. Vayda) و وایت (L. A. white) تأثیر محیط مادی پیرامون انسان را بر حیات اجتماعى مورد مطالعه قرار دادند .

گذشته ازین، در حالی که در فرانسه انسان شناس معاصر لوی استروسی (C. Levi-Strauss) مکتب انسان شناسی ساختی را مطرح ساخت که در آن به پیوند عناصر در درون يك گروه قومی توجه می شد، زمینه ای دیگر با نام علوم مردم شناسی (Ethnoscience) در کشورهای آنگلو ساکسون بسط یافت که در آن به مطالعه

نظام های بومی در طبقه بندی جهان خارج توجه شد که مفهوم دیگر آن، معنا شناسی قومی (Ethnosemantics) است. هریک از این دیدگاهها در تکمیل دیدگاه های پیشین در انسان شناسی فرهنگی، از جمله مکتب کارکرد گرایى (Functionalism) که پدیده های اجتماعى را به صورتی غیر تئاریخی (Ahistorical) و به عنوان مجموعه هایی مرکب از اجزای پیوسته با کارکرد خاص (به کار کرد Eufunction یا دژکارکرد Dysfunction) می دیدند، به کار آمدند و غنای این رشته از دانش انسان شناسی را موجب شدند .

Development anthropology

۹- انسان شناسی توسعه

شناخت علل، عوامل و عوارض توسعه اجتماعى - اقتصادى با استفاده از شیوه ها و نظریه های انسان شناختی

Diffusionist anthropology

۱۰- انسان شناسی اشاعه گرا

آن شاخه از انسان شناسی که بر نظریه ها و دیدگاه های اشاعه گرایان متکی است.

Diffusionism

Economic anthropology

۱۱- انسان شناسی اقتصادى

Experimental anthropology

۱۲- انسان شناسی تجربى

Applied anthropology

۱۳- انسان شناسی تاریخی ~ Historical

- راهیابی برای این رشته مطمح نظر قرار می گیرد. از این دیدگاه و با تمسک بر شیوه های این شاخه از انسان شناسی است که به عنوان مثال لیچ (E.R. Leach) در اثرش باذن گری انسان شناسی (۱۹۶۱) به انتقاد از افراط در نظریه پردازیها درین شاخه از دانش انسان شناسی می پردازد.
- ۱۹- انسان شناسی جسمانی ~ Physical
شاخه ای است دیگر از انسان شناسی که در آن بعضی از ابعاد زیستی انسان مورد مطالعه قرار می گیرد. دو شاخه اساسی از آن منشعب می گردد، بقرار زیر:
- ۱۹-۱- دیرین شناسی Paleontology
به مطالعه فسیلهای انسانی می پردازد و هدفش شناخت ویژگیهای نژادی و زیستی انسانهاست.
- ۱۹-۲- شناخت جسمی و رفتاری Neontology
جانوران شامل: الف) مطالعه رفتار حیوانات (Ethology)، ب) نخستین شناسی (Primatology) و ج) مطالعه زیست شناختی و تکوین جمعیت است؛ به انسان شناسی جسمی (Somatic anthropology) از سوئی و انسان شناسی زیستی از سوی دیگر نزدیک است.
- ۲۰- انسان شناسی سیاسی ~ Political
۲۱- انسان شناسی عملی ~ Practical
ر. ک. Applied anthropology
- ۱۴- انسان شناسی حقوقی ~ Legal
۱۵- انسان شناسی زبانشناختی ~ Linguistic
رابطه بین رفتار اجتماعی، فرهنگ و زبان را مورد مطالعه قرار می دهد. توسط بوآس در امریکا و مالینوسکی در انگلستان بنیان یافته است و مخصوصاً به جوامع ابتدایی توجه کرده، معنای درست واژگان و همچنین حرکات واژگان را مورد توجه قرار می دهد. بدین سان، در این شاخه از انسان شناسی ارتباط انسانها در معنای وسیع آن و همچنین نحوه ارتباط، شیوه ها و ابزار ارتباطی مورد بحث قرار می گیرد. معناهای درونی نمادها، حرکات و چگونگی انتقال آنان به بررسی نهاده می شود.
- ۱۶- انسان شناسی پزشکی ~ Medical
۱۷- فرا انسان شناسی ~ Meta
در آغاز، بیدنی (D. Bidney) این مفهوم را وضع کرد و با آن نظریه های خاصی چون ماهیت واقعیت فرهنگ، علت فرهنگی و معنای جبر فرهنگی را مطرح کرد. در فرا- انسان شناسی سعی می شود رابطه بین فلسفه دانش و انسان شناسی به طور کلی مطرح شده و به این سؤال که تا چه حد نظریه های عمومی موجود در فلسفه دانش در انسان شناسی قابل اعمال خواهند بود، پاسخ داده می شود.
- Philosophical anthropology
۱۸- انسان شناسی فلسفی
دیدگاهی است وسیع، کل نگر و بین رشته ای که در آن منطق نظریه سازی در انسان شناسی، اعتبار نظریه ها و به طور کلی

- ۲۲- انسانشناسی ~ Prehistoric
ماقبل تاریخ
- ۲۳- انسانشناسی ~ Psychanalytic
از لحاظ روانکاوی
- Roheim ر. ک.
- ۲۴- انسانشناسی ~ Psychological
از لحاظ روانشناسی
- شناخت پیوند بین فرهنگ و شخصیت و همچنین خطوط و ویژگیهای روانی با استفاده از روشها و دیدگاههای انسانشناسی.
- ۲۵- انسانشناسی اجتماعی ~ Social
شناخت ابعاد گوناگون حیات اجتماعی را با دیدگاه و روش انسانشناختی، مدنظر دارد، نظیر مناسک اجتماعی (Social rites) شعائر اجتماعی (Social rituals) و آداب اجتماعی (Social manners) و ...
- ر. ک. / Functionalism/Structuralism
- Culture and personality Primatology
Sociocultural anthropology
۲۶- انسانشناسی اجتماعی-فرهنگی
- مطالعه ساخت اجتماعی و فرهنگی از لحاظ انسانشناسی (با کاربرد خاص در مورد جوامع ابتدایی). ر. ک. Ethnology
- ۲۷- انسانشناسی ساختی ~ Structural
انسانشناسی با تأکید بر دیدگاههای ساخت گرایان
- ر. ک. / Structuralism
- ۲۸- انسانشناسی نمادی ~ Symbolic
آن شاخه از انسانشناسی که بر تعامل گرایی نمادی (Symbolic interactionism) و به طور کلی ماهیت نمادها، انواع آنان و همچنین کارکردشان در ایجاد روابط انسانی تکیه دارد.
- ۲۹- انسانشناسی نظامها ~ Systems
کاربرد نظریه نظامها. (Systems theory) در انسانشناسی و تبیین پدیدههای مرتبط با این دانش از دیدگاه نظامها
- ۳۰- انسانشناسی نظری ~ Theoretical
انسانسنجی Anthropometry
- اندازه گیری دقیق و علمی اجزای بدن انسان و نحوه ترکیب آنان با یکدیگر است
- انسانسنجی از پایه های اولیه دانش دیگری با نام انسانشناسی زیستی است. دانشمندان بسیاری بدان پرداختند. از جمله بلومباخ، طیب آلمانی که با توجه به ابعاد، حجم و دیگر خصوصیات جمجمه انسان، آن را به سه قسمت مربع، دراز و به هم فشرده تقسیم کرد. دانشمند دیگر بروکا (Broca) است که به روشهایی متقن در این رشته و هم زیست سنجی (Biometrics) دست یافت. تحقیقات برینه (Bernier) پزشک فرانسوی در قرن هفده در انسانسنجی موجبات تمیز بین نژادهای آسپایی (مغولی - زرد پوست)، اروپایی و آفریقایی را فراهم ساخت. استفاده نادرست از این تحقیقات و بسیاری دیگر موجب شد که گوینو (Gobineau)، نظریه های نژادپرستانه خود

- اجتماعى شدن پيشين
 تمایل يك فرد به پذيرش ارزشها، تلقیها و رفتارهایی است که دراعضاء گروه یا جامعه ای که خواستار عضویت در آن است، می بیند و بدین سان فرد با انطباق پيشين با هنجارهای گروه یا جامعه ای که هنوز عضو آن نیست به نوعی اجتماعى شدن پيشين دست می یازد.
 ر. ک. Socialization
 ضد-عليه Anti
 پیشوندی است که صورتیهای گوناگون نظیر Anth, Ant می یابد، بعضی از واژگان مرکب با آن چنین اند:
 استعمار ستیزی Anti-colonialism
 هرنوع نهضت، قیام یا حرکت علیه استیلای استعمار.
 ر. ک. Decolonization, Colonialism
 حقوق زن ستیزی Anti-feminism
 به معنای جریانی سیاسى - مرامی است با هدف مخالفت با نهضت استیفای حقوق زنان (Feminism) که در آن حمایت از برابری زن با مرد و دفاع از حقوق اجتماعى زنان مطرح نظر است. با مفهوم زن نساخواهی (Misogyny) اشتباه نشود، زیرا هرچند این دو مفهوم به یکدیگر نزدیک اند، اما یکی به معنای ضدیت با نهضت های اجتماعى مبتنى بر تساوى زن و مرد است و دیگری به معنای تنفر از زن.
 ر. ک. Feminism/Misogyny/
 را مطرح سازد و پیوند نادرستی بین دانش و سیاست مبتنى بر نژادپرستى فراهم آورد. حزب ناسیونال سوسیالیست در آلمان و به طور کلی نازیسم با طرح پان ژرمنیسم و برترى نژاد آریا، سوء استفاده از پژوهشهای علمى را تا بدانجا رسانیدند که عملاً کشتار میلیون ها انسان را به بهانه انحطاط نژادى سبب شدند.
 ر. ک. Gobineau/Nazism/National
 Socialism/Racism
 انسانسنجى Anthropometry, Social
 اجتماعى اجتماعى Social anthropology
 ر. ک. :
 انسانوش انگارى Anthropomorphism
 (۱) آیینى که خدا را همانند و همشکل انسان می داند، (۲) در معنای وسیع، کائنات را همانند و همشکل انسان دانستن.
 آدم خوار Anthropophagous
 آدم خواری Anthropophagy
 خوردن انسان است توسط انسان و یا هر موجود دیگر: مفهومی عام که با هم نوع خواری (Cannibalism) و هم هم نوع خواری درون گروهی (Endocannibalism) و یا فرزند خواری متمایز است. (به هر يك ر. ک.)
 ر. ک. Homicide/Teknophagy
 Anthropo-racial school
 مکتب انسانی- نژادى
 ر. ک. Biologism
 Anticipatory socialization
 اجتماعى شدن پيشين
 ضد-عليه Anti
 استعمار ستیزی Anti-colonialism
 هرنوع نهضت، قیام یا حرکت علیه استیلای استعمار.
 ر. ک. Decolonization, Colonialism
 حقوق زن ستیزی Anti-feminism
 به معنای جریانی سیاسى - مرامی است با هدف مخالفت با نهضت استیفای حقوق زنان (Feminism) که در آن حمایت از برابری زن با مرد و دفاع از حقوق اجتماعى زنان مطرح نظر است. با مفهوم زن نساخواهی (Misogyny) اشتباه نشود، زیرا هرچند این دو مفهوم به یکدیگر نزدیک اند، اما یکی به معنای ضدیت با نهضت های اجتماعى مبتنى بر تساوى زن و مرد است و دیگری به معنای تنفر از زن.
 ر. ک. Feminism/Misogyny/

- (Utopia) (این اثر توسط افشار نادری
و داریوش آشوری با همین عنوان به فارسی
ترجمه شده است)، افزایش جمعیت را بیش
از توانایی زمین در تغذیه انسانها، عاملی
در راه بیچارگی انسانها، کاهش زمینهای
کشاورزی (با افزایش چراگاهها) می داند.
۳- عقاید مخالفین افزایش جمعیت در
اتخاذ شیوه های مناسب در اجرای این منظور
یکسان نیست.
- Suffragette** (۱) نهضتی است در خط مالتوس گرایی
Anti-miscegenation ضد اختلاط نژادی
Apartheid ر. ک.
Anti-interventionism دخالت ناخواهی
Interventionism ر. ک.
Anti-natalist ضد جمعیت فرایی
- الف: برخی سخن از افزایش سن ازدواج
به میان می آورند نظیر ارسطو که معتقد است
مرد باید ازدواجش را در سن ۳۷ سالگی و
زن در سن ۲۰ سالگی به انجام رساند که امکان
تعدد فرزند کاهش یابد.
- ب: برخی دیگر یا سخن از تجرد قطعی
(Celibacy) رانده اند و آن را چسب برای
جلوگیری از تکثیر جمعیت و چه در راه تزکیه
نفس مفید دانسته اند نظیر ابوالعلاء معری،
غزالی، کشیشان مسیحی و... و یا تجرد مشروط
را مطرح ساخته اند؛ بدین معنی که ازدواج تا
زمانی که امکانات رفاه فراهم نیامده است،
صورت نپذیرد و شرط تحقق آن دستیابی به
شرایط اقتصادی مناسب تلقی شود.
- ج: بسیاری بر ممانعت از ایجاد
روابط جنسی بین زن و شوهر اشارت داشته اند،
نظیر مالتوس که شیوه هایی چون امساك در
روابط جنسی با همسر
(Marital abstinence)، پرهیز جنسی
(Marital continence)، خودداری (Thomas More) که در اثرش آرمان شهر
در همین سیاق است اندیشه قوماس مود
- ۲) مخالفان افزایش جمعیت به کیفیت
جمعیت، ارتقاء فرصتها و بالاخره رفاه انسانها
می اندیشند. از این روست که در برابر آنانیکه
قدرت نظامی و حتی اقتصادی را منبعث از
فزونی جمعیت می دانند (نظیر ابن خلدون)
اندیشمندان سوسی و لئو (Voltaire) افزایش
رفاه و امکاناتی را مهم میدانند که موجب
میشوند انسانها کمتر بدبخت باشند. فرانسس
بیکن با اشاره به نظرات گروهی از مركاتیليستها
که بر افزایش جمعیت تاکید می کردند، عظمت
واقعی سلطنت را در تعدد انسانهایی میدانند
توانا، دلیر و پر قدرت که قادر به حمل اسلحه
باشند.

اخلاقی (Moral restraint) را تجویز می کند .	Intropathy/Apathy/Empathy	ر. ک.
	Telepathy/Sympathy	
د : برخی دیگر برسترون سازی (Sterilization) مردبازن تأکید کرده اند.	Anti-rationalism	خرد ستیزی
ه : تعدادی بسیار بر استفاده از وسایل جلوگیری تأکید کرده اند .	Rationalism	ر. ک.
و : گروهی نیز برای پیشگیری از افزایش جمعیت به عامل جنگ اشاره کرده اند نظیر دالمی (Raleigh)	Anti-realism	واقع ستیزی
	Realism	ر. ک.
ز : بالاخره بعضی نیز مهاجرت را عاملی برای جلوگیری از افزایش بی رویه جمعیت ذکر کرده اند نظیر توماس هابز (Thomas Hobbes)	Anti-semitism	یهود ستیزی
	هر نوع ستیز با یهودیان که نمونه خاص آن در آلمان نازی ملاحظه گردید .	
ر. ک. Birth control/Malthusianism	Anti-social	ضد اجتماع
Neomalthusianism/Abortion/ Celibacy/Marital restraint, Marital abstinence / Marital Continence/ Populationist	۱) به کسی اطلاق می شود که آگاهانه یا نا آگاهانه، به عمد یا غیر عمد، علیه نظم جامعه قیام کند، مانند دزدان و جنایتکاران . بامفهوم غیر اجتماعی (Asocial) اشتباه نشود ؛	
	۲) هر رفتار ، طرز تلقی یا ارزشی که اعضای یک گروه با مصالح و منافع گروهی متباین ببینند .	
	Asocial	ر. ک.
Antinomy	تخالف-تناقض	یزدان ستیزی
۱) ازدیدگاه حقوقی ناهمخوانی و تناقض بین قوانین است ؛ ۲) ازدیدگاه اجتماعى - سیاسى تخالف بین قدرتها را می رساند .	Anti-theism	دربار یزدان پرستی (Theism) و صورتهای گوناگون آن نظیر : یکتا پرستی (Monotheism) و چند خدایی (Polytheism) قرار دارد. با بی خدایی یا یزدان ناشناسی (Atheism) از این جهت تفاوت دارد که در یزدان ستیزی نه تنها عدم اعتقاد به خداوند نهفته است ، بلکه ستیز با یزدان پرستی و آثار آن دیده می شود .
Antipathetic behavior	رفتار میبتنی بر بی مهری	
	دربار یزدان ستیزی نه تنها عدم اعتقاد به خداوند نهفته است ، بلکه ستیز با یزدان پرستی و آثار آن دیده می شود .	
(Sympathetic behavior)		
Antipathy	بی مهری	ر. ک.
	Pantheism/polytheism/	

Monotheism/Theism/Atheism/	مرز فقر زندگی می کنند .
Agnostic	ر. ك. Racism
Anxiety	بی حالی - بی عاطفگی Apathy دلهره
Apartheid	آپارتاید یکی از مسائل خاص جامعه جدید شهری
به نظامی اطلاق می شود که در افریقای جنوبی پدید آمده و محور اصلی آن جدایی انسانها بر پایه نژاد و حکومت اقلیت سفید پوست است . بنابراین در این نظام اجتماعی هم سفید پوست سالاری (Albocracy) و هم نژاد پرستی (Racism) و هم تجزیه مبتنی بر نژاد (Racial segregation) دیده می شود.	است. مثال خاص تاریخی آن، واقعه ۱۹۶۲ است که در جریان آن لاقفل ۳۸ نفر شاهد کشتار زنی در شهر نیویورک بودند ، بدون آنکه کوچکترین واکنشی نشان دهند .
آپارتاید در سال ۱۹۴۸ در این کشور با به قدرت رسیدن حزب ملی گرایان متشکل از سفیدپوستان پا گرفت. پس از آن نیز قوانین متعددی تماماً در جهت جدایی سیاه و سفید پدید آمدند .	A posteriori reasoning برهان پس از تجربه
آپارتاید نظامی فراگیر است که همه ارکان اجتماعی را در بر میگیرد از جمله :	بر خلاف برهان مقدم بر تجربه (A priori reasoning) که با قیاس (Deduction) و از طریق کاربرد ضوابط و گزاره های علمی صورت میگیرد در برهان متکی بر تجربه که برخی آن را برهان انی می خوانند، لزوم تجربه یا مشاهده علمی ضروری است. هر استنتاج باید متکی بر پژوهش تجربی باشد .
۱) جغرافیا : در افریقای جنوبی چهار محل متمایز مخصوص هر نژاد وجود دارد. ۲) آموزش : کل سازمان آموزشی از آغاز تا دانشگاه بر پایه تجزیه سیاه و سفیدپا گرفته است .	ر. ك. Apriori reasoning
۳) زوجیت : روابط جنسی و ازدواج بین نژادها ممنوع است .	رفتار ناآموخته Appetitive behavior رفتار منبعث از امیال طبیعی .
۴) سیاست : سیاهان حق رأی ندارند و در پارلمان نیز فاقد نمایندگی اند .	ر. ك. Impetus/Impulse/Drive/Instinct
۵) اقتصاد : سفید پوستان از سطح عالی درآمد برخوردارند و حال آنکه سیاهان در	نیروی ناآموخته Appetitive Force زمانیکه امیال (Desires)، سائقها (Drives)، انگیزه های طبیعی (Incentives) و در حیوانات غرایز (Instincts) تجمع و به تبع آن تراکم

- رویکرد عینی Approach, Objective** می یابند و محرکی قوی در راه عمل می شوند.
Objective approach ر. ک. بدین نام خوانده می شوند.
- رویکرد ذهنی Approach, Subjective** قابلیت اعمال-
Subjective approach ر. ک. کاربرد پذیری
- Applicability** قابلیت اعمال- کاربرد پذیری
- Applicable** قابل اعمال- کاربردنی
- Application** اجازه خرج بودجه دولتی کاربرد- اعمال
- Applied** (۱) در معنایی ویژه، اقدامی قانونی را اعمالی- کاربردی
- Applied anthropology** می رساند که بر طبق آن خرج بودجه دولتی برای امور مربوط به دولت مجاز شناخته می شود (با اختصاص مناسب،
Anthropology ر. ک. انسان شناسی کاربردی
- Applied sciences** علوم کاربردی **Allocation of resources** (مشتبه نشود).
 (بدان ر. ک.)
- در برابر علوم بنیادی (Fundamental)
 (۲) در معنای عام، تملك و اختصاص از آن
 و به معنای دانشهایی است که هدف از آن
 بهبود شرایط موجود در حیات انسانی است
 نه پاسخ به کنجکاویهای دور دست.
- Applied sociology** جامعه شناسی کاربردی
 شاخه ای خاص از جامعه شناسی که در آن،
 حل مسائل عادی حیات اجتماعی و نه پاسخگویی
 به کنجکاویهای گسترده علمی (که در جامعه
 شناسی نظری مطرح است) مطمح نظر قرار
 می گیرد. نمونه خاص آن مهندسی اجتماعی
 (Social engineering) است. (بدان ر. ک.)
- Alienation/Reification/** ر. ک. شئی سروری (Reification) و در جهت اعاده
 تأیید انسان.
- Anomie** ر. ک. بی هنجاری (Anomie)،
 برهانی بدون نیاز به تجربه، بدین سان
 که با کاربرد ضوابط علمی، امکان استدلال
 و شناخت پدیده حاصل آید.
- A priori reasoning** برهان مقدم بر تجربه
 ر. ک. **Sociology**
- Apprehension** دریافت، توقیف
 ر. ک. **Approach, Conceptual** رویکرد
 مفهومی
- Conceptual approach** ر. ک. **A posteriori reasoning**

- در گذشته دست می‌زنند، بلکه بیشتر در صدد فهم ویژگی اجتماعی، اقتصادی و زیستی يك برهه از حیات تاریخی در گذشته‌های دور برمی‌آیند.
- Arbitrary **دلبخواه - تحکمی**
 Arbitration **حکمت - داوری**
 گزینش فرد یا سازمانی بی طرف و مرضی الطرفین جهت رفع اختلاف بجای دستیازی به سازمان‌های حقوقی
- Arbitrator **حکم - داور**
 Archaeology **باستان‌شناسی**
 - شاخه‌ای است از علم انسان و ویژگی خاص آن توجه به گذشته است. بعضی از صور و انواع آن چنین‌اند:
 الف: از دیدگاه موضوع دو صورت می‌یابد:
 ۱- باستان‌شناسی ماقبل تاریخ (Prehistoric archaeology)
 توجهش به جوامع و انسانهایی است فاقد خط و بالطبع فاقد اسناد و آثار مکتوب.
 ۲) باستان‌شناسی کلاسیک (Classical archaeology)
 به بازسازی و شناخت جریان و شیوه حیات در جوامع باستانی و صاحب خط می‌پردازد.
 ب: از دیدگاه محتوا نیز به دو صورت قابل تقسیم است.
 ۱) گاه به بعد تاریخی بیشتر توجه دارد، همچنانکه در اروپا چنین مرسوم است.
 ۲) گاه در آن بیشتر توجه به بعد انسان‌شناختی معطوف است. آنچنانکه در بین دانشمندان امریکایی مرسوم است و شامل آنانی است که نه تنها به جمع‌آوری و پیوند اجزای حیات
- کاوش حیات در گذشته از هر نوع (از ساختمانهای بزرگ تا ابزار بسیار کوچک)، شناخت، درک کارکرد و کاربرد انسان و در نهایت شناخت کل به هم پیوسته حیات اجتماعی انسان در گذشته از شیوه‌های خاص باستان‌شناسی است. از این قرار در دامان این تخصص دانستی‌های بسیاری ضرور مینمایند زبانشناسان باید بقایا و آثار زبان باستانی را بکاوند، همچنانکه زیست‌شناسان و فسیل‌شناسان باید به شناخت بقایای تن انسانی به‌پردازند... و تمامی این کوششها در قلمرو این رشته از علم انسان، باید روشنیهای تازه‌ای بر جریان حیات انسانی افکند، تا مسیر تاریخی انسان را بهتر شناسایی کنند و این شناخت از مسیر حرکت تاریخی، راهبر و راهنمای انسانها باشد، همان‌طور که کنج‌کاویهای بزرگ انسان اندیشمند را پاسخگوست.
- متروک - کهن باستانی Archaic
 ۱) در زبانشناسی به واژگانی اطلاق می‌شود که زمانی رایج بوده و در حال حاضر متروکند؛ ۲) در جامعه‌شناسی مفهوم Archaic societies جوامعی را می‌رساند که امروزه وجود ندارند.
- Archetype **نوعی - نوع دیرین - نوع عالی**
 - از جانی به معنای نوع نساب است

- است . در هر حال همانطور که وایلی (C.G.R. Willey) می نویسد، این مفهوم به مطالعات انسانی (مخصوصاً در قلمرو باستانشناسی) بعد زمان می بخشد و تداوم زنجیره فرهنگی را در یک حوزه ، در چند بعد باز می شناسد.
- حوزه های Areas , Delinquency**
بزه کاری
 ر . ک . Delinquency areas
- گوش جانیان - Argot , Criminal**
زبان خاص جانیان
 ر . ک . Criminal argot
- حجت Argument**
- احتجاج Argumentation**
- اشراف - حکومت اشراف Aristocracy**
 ۱) در اصل به معنای حکومت خاندانهای است که قدرت را به طور ارثی به فرزندان خود منتقل می کنند و نسل در نسل به عنوان سرآمدان جامعه تجلی کرده ، خود را برای حکومت کردن بهترین می دانند. ارسطو ، حکومت اشراف را مترادف با حکومت شایستگان (Meritocracy) به کار می برد و آن را در برابر حکومت متنفذان (oligarchy) که در آن قدرت بر ثروت متکی است می دانست. اما این نظر مورد قبول همگان نیست و حکومت اشراف را تجلی قدرت در دست طبقه ای می دانند که در برابر خلقها قرار گرفته ، امتیازاتی موروثی برای خود قائلند .
- (صورت نوعی ازدیدگاه افلاطون).
 - از جانب دیگر، به معنای نمادهای باقی مانده از گذشته های دوردست و منتسب به نیاکان است که وجدان نا آگاه جمعی را می سازند. این نمادها، چنانکه صورتی پویا یا بند، عامل حرکت خواهند بود هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی .
- ازدیدگاه سوم، معنای این واژه در عرف عام مطرح می شود. از این دیدگاه محتوایی نزدیک به نوع آرمانی (Ideal Type) را می رساند یعنی به رفتاریا هر آن چیزی اطلاق می شود که بر پایه سنتها ، والا ، برتر، ممتاز و نمونه شناخته می شود .
- سنن - فضا زمان Area co-tradition**
 از دو مفهوم Area در معنای حوزه یا محدوده و در اینجا به مفهوم فضا و Co - tradition در معنای سلسله ای از سنن یا توالی «مراحل فرهنگی» که دارای خاستگاه مشترکی هستند، گرفته شده است . این مفهوم را در آغاز بنت (W. C. Bennett) به کار برد. هر چند او تعریف دقیقی از آن به دست نداد ، اما در عمل آن را در معنای تاریخ کلی یک منطقه که در آن عناصر فرهنگی در خلال زمانی دراز با یکدیگر پیوند خورده اند ، به کار برد . به زعم او : مفهوم سنن- فضا - زمان، تداوم فرهنگی در یک منطقه و تأثیر متقابل عناصر فرهنگی را در زمان و مکان می رساند .
- بنت خود اذعان دارد که این مفهوم را قبل از وی لیتن (R. Linton) به کار برده

- (۲) در معنای دوم، طبقه‌ای اجتماعی را می‌رساند، که از طریق میراث بردیگران برتری می‌یابد و اعضاء آن زرق و برق خاصی می‌پذیرند. این طبقه در برابر بورژوازی رو به رشد قرن ۱۹ و ۲۰ قرار گرفته از نظر تاریخی مضمحل گردید.
- ر. ک. Meritocracy/Bourgeoisie/
Monocracy/Democracy
Autocracy/Oligarchy
- میانگین حسابی Arithmetic mean
ر. ک. Mean
آرون Aron (Raymond)
- جامعه‌شناس فرانسوی و استاد سوربن است (۱۹۰۵-۱۹۸۵) وی جامعه‌شناسی را جدا از دیدگاهها و اصطلاحات پیچیده مطرح ساخت و آن را به صورتی جاذب تشریح کرد. در مواردی به عوام فهم ساختن (Vulgarization) مطالب و محتوای علم انسان پرداخت. کار دیگرش به عنوان روزنامه نویس، به موازات کار اول، ناشی از این گرایش بود.
- بعضی از آثارش چنین‌اند:
- *L'Homme contre les Tyrans,*
 - *La Sociologie Allemande.*
 - *contemporaine*
 - *La philosophie Critique de l'Histoire.*
 - *Paix et Guerre entre les nations.*
- *Dix – huit Lecons sur les sociétés Industrielles.*
- (این اثر تحت عنوان جامعه‌شناسی کشورهای صنعتی توسط دکتر رضا علومی به زبان فارسی ترجمه شده است).
- *Les guerres en chaine.*
— *Dimension de la conscience historique*
— *Trois essais sur l'âge industriel*
— *La société industrielle et guerre*
— *Les etapes de la pensée sociologique*
- (این اثر توسط دکتر باقر پرهام با نام مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی به فارسی ترجمه شده است).
- زن‌شویی Arranged marriage
تنظیم شده - ترکیب یافته
- به شیوه‌ای خاص در گزینش همسر اطلاق می‌شود که توسط بزرگترها تنظیم گردد و در آن زوجین آینده دخالتی ناچیز داشته باشند. چند جنبه از این نوع همسرگزینی بدین قرار است:
- از نظر عاملان: معمولاً ریش سفیدان و والدین به عنوان نمایندگان تلویحی جامعه وظیفه تنظیم و تمهید امور را به عهده می‌گیرند. از نظر معیار گزینش: در این گزینش، معیارهای اساسی نه تناسب دو همسر بلکه تشابه یا تناسب خانواده آنان است.

از نظر شیوه‌ها : به منظور تحقق این هدف، شیوه‌هایی خاص نظیر خواستگاری، استفاده از افرادی مانند بندگان ازان و همچنین اطلاعات مأموران اماکن عمومی (نظیر کیسه کشان و دانسته‌های پیرزنان) به کار می‌آیند

ر. ک. Marriage/Assortative mating
Homogamy

آرایش - ترکیب - تنظیم Arrangement

هنر اجتماعی Art, Social
Social art ر. ک.

جامعه‌شناسی هنر Art, Sociology of
Sociology of art ر. ک.

تفوق Ascendancy

برتری از نظر قدرت، نفوذ و وضع اجتماعی.

تفوق فردی Ascendancy, Individual
Individual ascendancy ر. ک.

تفوق شخصی Ascendancy, Personal
Personal ascendancy ر. ک.

تفوق اجتماعی Ascendancy, Social
Social ascendancy ر. ک.

معنویت Ascetic ideationalism
محرایی مرتاضانه

نهی نیازهای جسمی-مادی با جداسازی
خویش از جهان پیرامون و ذوب شدن در
جهان غیر مادی و آرمانی

ر. ک. Active ideationalism

ریاضت Asceticism

حد اکثر سختی را بر خود روا داشتن و

از مواهب گذشتن .

وضع منتصب - Ascriptive position
وضع انتصابی

شرایط و امکاناتی خاص که فرد بدون
خواست یا تلاش، خود را در آن می‌یابد.
به عنوان مثال، در جوامع مبتنی بر کاست،
امتیازات اجتماعی نه ناشی از کوشش فرد بلکه
منبعث از وضع اوست در سلسله مراتب طبقاتی.
یا در جامعه مبتنی بر آپارتاید (آفریقای جنوبی)
امتیازات اجتماعی باز نه از طریق کوشش و
توان، بلکه بارینگ پوست توزیع می‌شوند،
سیاهان سخت کوش-جزء محرومین جامعه‌اند
و حال آنکه هر آنکه سفید به دنیا آمده حائز
امتیازات و فرصتهاست .

ر. ک. Acquired position/Indian
caste system/Apartheid/paria

غیر اجتماعی Asocial

آن کس که خواسته یا ناخواسته، آگاهانه
یا ناآگاهانه از جمع فاصله جوید. با ضد
اجتماعی (Anti - social) مشتبه نشود.

در مواردی چند با Non - social به
طور مترادف به کار می‌آید .

ر. ک. Antisocial

آمنی - خواست Aspiration

توده همجا Assembled mass

در برابر توده نا مجتمع یا پراکنده

(Unassembled mass)

ر. ک. Mass

Assigned role نقش محول
Social roles ر.ك.
Assigned status پایگاه محول
Social Status ر.ك.
Assimilation همانند گردى-همسان گردى
 از ریشه‌ای لاتینی به معنای مشابه ساختن یا مشابه شدن و حاصل یا نتیجه آن، گرفته شده است.
 در فارسی معادل‌هایی نظیر تطبیق، همسانی، یکی سازی یافته است.
 در آغاز این مفهوم در علوم طبیعی به کار رفت و به معنای جذب و هضم مواد در بدن بود. لیک بعدها، این مفهوم در جامعه شناسی به معنای فرایند پذیرش ارزشها، الگوها و سبك زندگی گروه برتر توسط افراد و گروههایی از جامعه به ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند، به کار رفت. بدین سان همانند گردی به معنای محو هویت فرهنگی گروه یا قوم ضعیف تر است. برگس (E.W.Burgess) پارک (R.E.Park) در اثرشان مقدمه برداشتن جامعه شناسی (Introclution to the Science of Sociology, P:735) آن را چنین تعریف می کنند: «همانند گردی، فرایند ذوب یا نفوذ متقابلی است که از طریق آن اشخاص یا گروهها احساسات، آموخته‌ها و طرز تلقیهای اشخاص یا گروههای دیگر را کسب می کنند و در جریان زمان و به طور تدریجی با آنان یکی شده و کلی واحد را تشکیل می دهند».

مفهوم همانند گردی، در سطح جهانی رابطه جهان سوم و کشورهای غنی را مشخص میدارد. در واقع آنگاه که جوامع سنتی مفتون تمدن چشم فریب غرب و قدرت فنی عظیم آن شوند، خود را می بازند، فرهنگ سنتی خویش را نفی و تحقیر می کنند و می کوشند تا هر چه بیشتر همانند جامعه صنعتی شوند، غافل از آنکه آنان نه می توانند همانند غربی ها شوند و نه آنکه غربی شدن به صلاح آنان است و حاصل فرایند شوم غرب زدگی در نهایت انسانهایی بی محتوا، مقلد، فاقد شخصیت و صنعتی است.
 هر چند در مورد معنای این واژه وحدت نظر بیشتری بین دانشمندان موجود است اما، برخی از آنان، مخصوصاً در انسانشناسی، این مفهوم را مترادف با فرهنگ پذیری به کار می ببرند به عنوان مثال فریدمن (M.Freedman) در اثرش با نام يك اقلیت در انگلستان (A minority in Britain P:240) می نویسد: «فرایندی را که از طریق آن يك گروه اقلیت جایی برای خود در کل جامعه می یابد هم فرهنگ پذیری و هم همانند گردی می توان خواند. با کاربرد مفهوم دوم، بر یکپارچه شدن اقلیت با کل جامعه تأکید می ورزیم و حال آنکه به هنگام کاربرد مفهوم اول، به دگرگونی عناصر فرهنگی اقلیت در برابر محیط اجتماعی پیرامون می اندیشیم».
 ر.ك. Accommodation/Acculturation/

Integration/Conformism

همانندگردي Assimilation, Social

اجتماعى

Social assimilation ر.ك.

همخوانى - تداعى - انجمن Association

پیوند گروه آگاه و سازمان یافته

از ریشه‌ای لاتینی به معنای پیوند دادن، جمع کردن و پیوستن آمده است. هم فرایند پیوستن انسانهاست با یکدیگر و هم شامل نتایج و آثار پیوند.

در جامعه شناسی صوری

(Formal Sociology)، این مفهوم برای

توصیف واحد اساسی رفتار اجتماعی یعنی

گروه‌های کوچک و بزرگ جهت انجام

دادن يك فعالیت به کار می‌رود. این گروه‌ها

می‌توانند كوچك (مركب ازدونفر) یا بزرگ

(كل جمعیت) باشند.

(۱) چنین به نظر می‌رسد که در آغاز ذیمل

(C. Simmel) اندیشه جامعه شناسی «ناب»

و صوری را در ارتباط با اشکال پیوندهای

اجتماعی مطرح ساخت.

(۲) در حال حاضر شاهد کار برد آن توسط

مک‌آیو دوپیچ (C.H. Page) هستیم که آن را

در معنای گروهی سازمان یافته برای پیگیری

يك هدف یا منافی خاص به کار می‌برند.

بدینسان، گروه‌های آگاه، سازمان یافته،

متوجه به منافع مشترك و مخصوص را بدین

نام می‌خوانند. از این رو، گروه آگاه و

سازمان یافته از طبقه (که دارای آگاهی ولی

فاقد سازمان است) و واحدهای محلی (دارای

سازمان و فاقد آگاهی) تمایز می‌یابد. ر.ك. تك

زناشویی همسانها Assortative mating

زناشویی تن همسانها

۱- پیوند زناشویی بین افرادی است که

از نظر ویژگیهای بدنی و مخصوصاً ارثی

همانند یکدیگر باشند؛ نظیر زناشویی افراد

بلند قامت با یکدیگر، گندمگون با گندمگون و...؛

(۲) به طور کلی زناشویی بین مرد وزنی

است که از هر نظر (آموزش، شغل و ویژگیهای

جسمانی) همسان یکدیگر باشند. در این معنی

با Homogamy مترادف است. در صورتی

که در معنای اول (حصری) با

Somatic homogamy مترادف می‌یابد.

ر.ك. Random mating/Homogamy/

Arranged marriage

پیش فرض Assumption

بی‌خدایی - یزدان ناپرستی Atheism

در برابر یزدان پرستی (به صورتهای چند

خدایی Polytheism و تك خدایی

Monotheism) قرار می‌گیرد، لیکن از

سویی از یزدان ستیزی (Antitheism) (که

تنها نفی یزدان است)، و از سوی دیگر از

اعتقاد به عدم امکان شناخت خداوند

(Agnosticism)، متمایز است.

ر.ك. Polytheism/Agnostic/

Theism/Pantheism/Antitheism

الم پنداری Atomism

(۱) آمادگی درونی بالفعل جهت انجام عمل .

(۲) گرایش یا جهت گیری مثبت یا منفی در برابر يك امر اجتماعی (اشخاص، گروهها، یا اشیاء) این دو بعد طرز تلقی در اندیشه همه دانشمندان متجلی است :

آلپورت (Allport) طرز تلقی را عبارت از آمادگی ذهنی و عصبی می داند که با تجربه سازمان می یابد و برواکنشهای فرد در برابر تمامی اشیاء و شرایط و اوضاعی که بدان مرتبط می شوند، تأثیری هدایت بخش و پویا بر جای می گذارد . (Attitude , P:810) در حالی که می نارد (J. Meynard) آن را «آمادگی درونی و یا به طور کلی آمادگی برای انجام عمل به نحوی خاص» تعریف می کند . از نظر استوتزل (J. Stotzel) طرز تلقی وضعی است که يك شخص در برابر اشیاء حائز ارزش به خود می گیرد .

کرچ (D. Krech) و کراچ فیلسد (R.S. Crutchfield) در اثرشان - نظریه و مسائل روانشناسی اجتماعی (Theory and Problems of Social Psychology , P:152)

می نویسند : «طرز تلقی را می توان همچون سازمانی مقاوم متشکل از فرایندهای عاطفی، انگیزشی و شناختی در برابر جنبه ای از دنیای فرد تعریف کرد»

(۱) در معنای عام ، نظریه ای است که بر اساس آن ، موضوع يك رشته علمی خاص ، قابل تقسیم به سلسله واحدهایی است که خود قابل تقسیم نیستند .

(۲) در اصطلاح جامعه شناسی ، توجه مفروض به فرد است ؛ به عنوان عنصر اساسی و متبلور حیات اجتماعی . در این اندیشه ، فرایندهای اجتماعی و گروهها محصول پاناشی از فعالیت های اتمهای اجتماعی یا افراد هستند . مودنو (Moreno) در گروه سنجی ، مفهوم اتم اجتماعی را به کار می برد و منظورش فردی است در ارتباط با دیگران .

(۳) به طور کلی هر نظریه مبتنی بر اینکه شناخت هر جمع یا گروه مستلزم شناسایی يك افراد آن است و جمع خصصاتی خاص و متمایز از يك يك افراد ندارد ؛ اتم پنداری خوانده میشود .

ر. ک. Social atom

ریزریز کردن - ذره ذره کردن Atomize(to)

(۱) هر شیوه عمل که هدف از آن تجزیه گروههای بزرگ به واحدهای کوچکتر است .
(۲) در معنای عام هر فرایند تجزیه به عناصر کوچک را می رساند .

طرز تلقی - آمادگی روانی Attitude

- از مفاهیم اساسی در روانشناسی اجتماعی است . بین عقیده (opinion) از يك سو و عمل از سوی دیگر جای می گیرد و دارای دو بعد اساسی است :

در تمایز بین انگیزه و طرز تلقی از یک سو و ارزش و طرز تلقی از سوی دیگر در دو اثر برجسته دانش انسانی چنین آمده است: الف: نیوکمب (T.M.Newcomb) در فرهنگ علوم اجتماعى (ویراسته کلب و گولد) می نویسد: شاید تمایز اصلی بین انگیزه ها و طرز تلقیها در این باشد که:

۱) انگیزه ها چنانند که صرفاً به هنگام تکاپوی موجود زنده مطرح می شوند و حال آنکه طرز تلقیها حتی به هنگام سکون و فقد رفتن نیز وجود دارند؛ ۲) تعداد زیادی از انگیزه های خاص و گذرا در يك فرد خاص پدید می آیند و حال آنکه اوصافاً يك طرز تلقی کلی در برابر يك گروه از اشیاء دارد (به عنوان مثال يك کبوتر باز که نسبت به کبوتران طرز تلقی مهر آمیزی دارد، ممکن است زمانی یکی از آنان را نیز گرفته به دلهی آزاد دهد).

ب: توماس (W.I.Thomas) و ذنانیخی (F.Znaniecki) در مورد تمایز بین طرز تلقی ها و ارزشها برین اعتقادند که طرز تلقیها در برابر ارزشها قرار می گیرند، يك ارزش نقطه مقابل عینی طرز تلقی است، همانگونه که طرز تلقی نقطه مقابل فردی ارزشهاست. در فارسی نظر به اهمیت آن معادلهایی بسیار گوناگون یافته است، نظیر: وجهه نظر، گرایش، باز خورد، ایستاد، حالت روانی، شیوة تلقی و ...

Attitude change, Congruent

دگرگونی متوافق طرز تلقی

ر. ک. Congruent attitude change

Attitude change, cyclic

دگرگونی دوری طرز تلقی

Attitude change, Incongruent

دگرگونی نامتوافق طرز تلقی

ر. ک. Incongruent attitude change

Attitude change, Linear

دگرگونی خطی طرز تلقی

Attitude change, Positive

دگرگونی مثبت طرز تلقی

ر. ک. Positive attitude change

Attitude cluster خوشه طرز تلقیها

Attitude component جزء تشکیل

دهنده طرز تلقی

Attitude consistency (Rate of)

میزان همخوانی طرز تلقیها

میزان همخوانی بین طرز تلقیهاست، در زمینه يك موضوع در خلال زمان و در شرایط گوناگون. به عنوان مثال، زمانی که يك فرد در همه حالات و با هر نوع سؤال در برابر پدیده (مثلاً نژاد) عقایدی همساز و متوافق با دیگر عقاید و رفتاراش ابراز میدارد.

ثبات طرز تلقیها Attitude constance

منظومه Attitude constellation

طرز تلقیها

در مواردی هر منظومه متشکل از چند

خوشه طرز تلقیهاست.

Attitude , Experiential	طرز تلقی تجربی	Attribute	متغیر کیفی
Experiential attitude	ر. ک.	Variable	ر. ک.
Attitude fluctuation	نوسان طرز تلقیها	Attribution	اسناد
Attitude formation	تشکل طرز تلقی	Audience	پیام گیرندگان
Attitude , Indoctrinated	طرز تلقی القایی		مجموعه افرادی مجتمع یا نا همجاکه توجه آنان به موضوع یگانه‌ای معطوف باشد، این واژه در فرهنگ ارتباطات اهمیتی ویژه دارد. چه شناخت استفاده کنندگان از یک رسانه جمعی، خواستهها و امیال آنان حائز اهمیت است.
Indoctrinated attitude	ر. ک.	Autarkic	خود بسته
Attitude , Representative	طرز تلقی نمایا	Autarky (Autarecy)	خود بستگی
Typical attitude	ر. ک.		از ریشه‌های یونانی در معنای خود فرماندهی گرفته شده است.
Attitude scale	مقیاس طرز تلقی		کوششی تعصب آلود در تأمین نیازهای یک ملت بدون دستیازی به منابع خارجی است.
Scaling	ر. ک.		در گذشته خانواده بزرگ و همچنین کلان‌همة حوایج خود را برمی آوردند و به طور طبیعی خود بسته بودند، لیک امروزه، خود بستگی کوششی مفرط و اغلب غیر عملی است و امکان دارد گروه، قوم یا جامعه‌ای به دلایل گوناگون بدان همت گمارند. در این صورت باید آستانه نیازها فروکش کند، کلیه امکانات داخلی بسیج شوند و نگاه کالایی به بهایی بسیار گزاف، فقط به جهت داخلی بودن تولید شود.
Attitude , Typical	طرز تلقی نوعی		با بدبین خود بستگی و خود مختاری اقتصادی (Economic autonomy) تمایز قائل شد.
Typical attitude	ر. ک.		زیرا در حالت دوم واقعیات پذیرفته می شوند، اما حداکثر کوشش در جهت عدم وابستگی
Attitudinal	منبعث از طرز تلقی یا وابسته بدان		
Attract (to)	جذب کردن - جلب توجه کردن		
	۱- در جمعیت شناسی به معنای به سوی خود کشیدن است (جذب جمعیت Population attraction) ؛ ۲- در آموزش فراگرد جلب توجه کردن و برانگیختن را می رساند.		
Attraction	جذب - جاذبه		
Attractive	گیرا - جذاب		

(مخصوصاً در مورد کالاهای اولیه) صرف می‌شود. همچنین باید بین این مفهوم و خودکفایی (Self - sufficiency) تمایز گذارد. چه مفهوم دوم کوشش يك جامعه‌رادر راه تأمین استقلال اقتصادی آن می‌رساند. (بدان ر. ك)

محیط شناسی فردی Autecology
شناخت روابط محیط و موجودات زنده به‌طور انفرادی

ر. ك. Synecology , Ecology
محیط شناسی Autecology , Human
انسانی - فردی

ر. ك. Human ecology
سلطه جوی - قدرت طلب Authoritarian
منش Authoritarian character
قدرت اندیش

Authoritarian personality
شخصیت قدرت اندیش

فرد حایز این شخصیت درمقابل افراد قدرتمند تسلیم محض است، اما در برابر ضعفا بسیار سختگیر. او درصدد پذیرش بیان منطقی نیست، آنچه برایش حایز اهمیت است، میزان قدرت مخاطب است. درستی یا نادرستی يك نظریه تابع محتوای آن، بلکه تابع میزان قدرت اظهارکننده آن است. بین شخصیت قدرت اندیش، فاشیسم (Fascism) قوم‌محوری (Ethnocentrism) و میثاق گرایی (Conventionalism) همبستگی فراوانی وجود دارد.

قدرت طلبی - Authoritarianism

سلطه جویی - قدرت ستایی

(۱) به عنوان يك مسلك، هرم عمودی قدرت را (در ادارات، خانواده و ...) تجویز می‌کند و با هر شورای مشورتی و مردمی مخالفت می‌ورزد

(۲) از دیدگاه روانشناسی آمادگی محض روانی جهت پذیرش و اعمال دستور مافوق و انتظار پذیرش محض از جانب زیردست را می‌رساند.

(۳) به عنوان يك ایده اولژی، شیوه‌های اداری مبتنی بر قدرت مطلقه را مورد ستایش قرار دادن است.

ر. ك. Absolutism/Totalitarianism
Dictatorship/Despotism/Tyranny
Monocracy/Autocracy

اقتدار - حجیت - اختیار Authority

(۱) این واژه در معنای اولش (اقتدار) دو دیدگاه متفاوت را برانگیخته است:
الف) مالدینوفسکی (B. Malinowski)
در اثرش آزادی و تمدن اقتدار را قدرتی میدانند قانونی در جهت استقرار هنجارها و اتخاذ تصمیم به منظور اعمال آنان از طریق اجبار.

ب) از نظر آلن بیرو (A. Birou):
«برای آنکه اقتدار پدید آید، باید حق فرماندهی و تأثیر بر روی دیگران وجود داشته باشد؛ چنین حقی بر اساس اخلاق و حقوق جامعه که تجلی منافع عمومی است تکوین می‌پذیرد. در این معنی، اقتدار متضمن اجماع است.»
(فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی،

(صفحه ۲۳۰)

(ج) در مقابل، نظر برخی از جمله پرس (C.S. Peirce) این است که «اقتدار زمانی به کار می آید که اعتقاد کاستی پذیرد» بدینسان بنظر این قبیل دانشمندان، اقتدار بعدی منفی دارد؛ یعنی تمسک به زور از آن مستفاد میشود. با این همه نباید تصور رود که این دیدگاهها با یکدیگر متعارض اند، زیرا مسأله اساسی معیار مرجع است. زمانی که ایمان و قدرت آن را مورد توجه قرار دهیم، بی شک اقتدار و کاربرد آن بعدی نامطلوب دارد. زمانی که قدرت محض و خود کامگی ناشی از آن را در نظر آوریم، اقتدار دارای حقانیت است، پس در مقایسه با آن مثبت خواهد بود.

(۲) در معنای دیگر پذیرفته بودن و حایز صلاحیت بودن از این مفهوم بر می آید.

انواع اقتدار، Type of Authority

(۱) از دیدگاه هاکیس ویر (Max Weber):

ویر سه نوع اقتدار را از یکدیگر متمایز می سازد: اقتدار فرهی، اقتدار سنتی، اقتدار عقلایی.

(الف) اقتسدار فسرهرسی (Charismatic authority) اقتداری است

مبتنی بر فره (charisma) یا قدرتی ذاتی که به فردی خاص تفویض می شود. این نوع اقتدار دارای ویژگیهایی است بدین قرار: غیر عقلانی بودن؛ پیروی از فردی خاص که احیاناً فاقد قدرت جبران سازی است، بر محاسبات عقلانی منکی نیست.

— غیر متعارف بودن: اقتدار فرهی بر محاسبات معمول حیات منکی نیست. رهروان، بی قید و شرط از پیشوا اطاعت می کنند، در این راه هیچ دربند حسابگریهای متعارف نیستند و رهبری توان دستیازی به سطحی فراتر از قدرت متعارف را داراست. از این رو بعد از رهبری فرهی معمولاً شاهد عادی شدن قدرت (Routinization) خواهیم بود.

روابط کیفی و خاص بین رهبر و رهروانش: با آنچه گفته شد، اقتدار فرهی مبتنی بر نوعی روابط پیچیده بین رهبر و طرفداران اوست. در این روابط ایقان، اعتماد مطلق، سرسپردگی و ... به چشم می خورد.

(ب) اقتسدار سنتسی (Traditional authority) در این حال،

رهبری بر قدرتی استوار می شود که سنتها در اختیار رهبری گذارند. زیرا در شرایط مساوی و در یک جامعه سنتی کسی که اجداد او رهبری قوم را به عهده داشته اند و یا بر حسب سنن پایه گذار قوم به حساب می آیند، بر دیگران تقدم خواهد داشت. وی اقتدارش را از سنتها اخذ می کند و بر سنن و میزان قوام آن تکیه دارد.

(ج) اقتسدار عقلایی (Rational authority)

اقتداری خاص که صرفاً با تکیه بر محاسبات عقلانی رهروان به رهبر تفویض می شود. (نظیر رئیس جمهور) از این رو (۱) موقت است؛ (۲) مشروط است؛ (۳) با

- حسابرسى و پاسخ خواهى همراه است.
- ۲) ازدیدگاه اتزیونی (A. Etzioni):
 اتزیونی در نظریه اش با نام نظریه اجابت
 (Compliance Theory) سه نوع اقتدار
 را از یکدیگر متمایز می کند:
- الف) اقتدار ~ Coercive
 مبتنی بر اجبار
- ب) اقتدار مبتنی بر پاداش ~ Remunerative
- ج) اقتدار Normative authority
 مبتنی بر هنجار
- ۳) گذشته از این، اقتدار، ازدیدگاههای
 دیگر، صوری چند می یابد، بدین قرار:
- اقتدار ~ Conditional
 مشروط
- در برابر اقتدار بی قید و شرط یا تام.
- اقتدار فردی Individual authority
 رجحان يك نظام ارزشی است بر دیگران
 و متعاقب آن تفوق يك فرد به عنوان مظهر
 آن نظام. این نظام می تواند بدیع
 (Original) یا اشتقاقی (Derivative)،
 ناب (Pure) و یا آمیختگاری (Eclectic)
 باشد. اقتدار فردی می تواند به استبداد
 (Despotism) یا کماتازی (Totalitarianism)
 جباری (Tyranny)، دیکتاتوری
 (Dictatorship) و یا فاشیسم و صور آن
 انجامد.
- اقتدار جمعی ~ Collective
 تفویض اقتدار به کل جامعه است که
- می تواند به طور مستقیم (دموکراسی های
 یونان باستان) و یا غیر مستقیم و یا تعیین
 نمایندگانی تحقق یابد.
- اقتدار مستمر ~ Continuous
 اقتداری پیگیر که در خلال آن فترت و
 هرج و مرج صورت نگیرد. جامعه بادورهای
 مبتنی بر قدرت و سپس بی هنجاری و... مواجه
 نشود.
- اقتدار محدود ~ Limited
 اقتداری در يك زمینه خاص و نه عام و
 منوط به حسن اجرا و معمولاً موقت.
- اقتدار دائمی ~ Permanent
 اقتداری فاقد انقطاع یا محدودیت زمانی
 که تداوم آن می تواند منوط به سالهای عمر
 يك فرد (رئیس جمهور مصادام العمر) و یا
 خاندانی خاص باشد.
- اقتدار اجتماعی ~ Social
 اقتداری خاص که جامعه در راه کنترل
 اعمال افراد، تحمیل شرايطی ویژه و ... از
 آن برخوردار است.
- اقتدار تام ~ Total
 ر. ک. Etzioni/Compliance theory/
 Social control/Charisma/Autocracy/
 Tyranny/Dictatorship/Weber/
 Routinization/Absolutism/
 Authoritarianism/Despotism
- تفویض اختیار ~ Delegation of
 خیال بافی Autism

فرو رفتن درخود، آنچنانکه به تخیلاتی دور دست انجامد و تجلیاتی چون خودستایی توهم آمیز یابد. در فارسی، خود شیفتگی و خود کاوی نیز ترجمه شده است.	Totalitarianism/Dictatorship
Autobiography - زندگینامه شخصی - خود زندگینامه نویسی	Autocrat یکه سالار
Autochthon بومی ساکنان اولیه يك منطقه جغرافیایی	Autodidact خودآموز
Autochthonism - افراد بومی - رسوم محلی وعادات بومیان	Autodynamic خود پویا
Autocracy یکه سالاری از ریشه‌ای یونانی در معنای خویشتن (پیشوند) و نیرو یا توان (اصل واژه) گرفته شده است.	Autodynamism خود پویایی - پویایی درونی
یکه سالاری ساخت قدرتی را مشخص میدارد با سه مشخصه زیرین:	حرکت يك پدیده، يك فرد یا يك سازمان متأثر از عناصر درونی. در مواردی که پویائی از عناصر برونی منبث می‌شود، دگر پویایی یا برون پویایی (Heterodynamism) خوانده می‌شود (بدان د. لک)
۱) ارتقاء روشن و مشخص يك فرد بر رأس هرم قدرت	Autokinetic effect
۲) فقدان هر رسم یا قانون و یا قاعده‌ای که آن فرد را وادار به پاسخگویی در برابر اعمالش کند.	اثر حرکت تلقینی، -
۳) فقدان هر محدودیت در اعمال قدرت.	آزمایش شریف چنین است: وی نوری را از سوراخی در یک اطاق بر روی دیوار مقابل منتقل ساخت. نور ثابت بود اما در روی دیوار نشانی نبود که در شناخت ثبات یا حرکت لکه نور انسانها را راهنمایی نماید. شریف گروهی را در اطاق نشانده و از آنان پرسید، آیا این لکه نور ثابت است یا خیر؟ برخی بر حرکت، برخی دیگر بر ثبات آن رأی دادند. به آنانکه گفته بودند لکه نور بر روی دیوار ثابت است، گفته شد نظر دیگران که بر حرکت آن رأی داده بودند، درست است. سپس چراغ خاموش و بار دیگر آزمایش تکرار گردید. این بار همه کسانی نیز که در آغاز بدرستی به ثابت بودن نور رأی داده بودند، آنرا در حرکت دیدند.
نام رژیمهای سیاسی یکه سالاری را همواره دارای این ویژگی می‌دانند که امکان گزینش فرمانروایان را توسط فرمانبران از بین می‌برد. در این معنی، یکه سالاری، حکومتی غیر منتخب از جانب ملت را می‌رساند.	
Absolutism/Despotism/ ر. لک.	

شریف (M.Sherif) در روانشناسی اجتماعی نشان داد چگونه حرکت موهوم نور ناشی از هنجار گروهی است. زمانی که گروه می گوید نور روی دیوار حرکت می کند، فرد نیز آن را به طور متحرك ادراك می کند. در بررسیهای مربوط به تلقین (Suggestion) و گروه مرجع (Reference group) بدان پرداخته می شود. (به هريك ر. ك.)

خودکاری Automation

— از ریشه ای یونانی در معنای حرکت خود به خود گرفته شده است. خودکاری در جامعه شناسی به معنای بی نیازی نسبی ماشین (در اثر توسعه صنعتی)، از نیروی انسانی است. پس خودکاری به موازات گسترش فنون رشد می یابد و دودیده مرتبط با یکدیگر را در بر می گیرد:

۱) در معنای عام، خودکاری به معنای تداوم فرایند ماشینی شدن تولید و جایگزینی ماشین به جای نیروی کار انسانی است، در این معنی خودکاری پدیده ای نو نیست و از سالها پیش ادامه داشته است.

۲) در معنای خاص، خودکاری، فراتر از ماشینی شدن فرایند تولید است، چه در جریان ماشینی شدن تولید، باز هم انسان باید مداخله کند و کار ماشین را اصلاح نماید، حال آنکه در خودکاری واقعی، ماشین خود به تصحیح خویش می پردازد و انرژی انسانی تا حدی از بین می رود. از این رو است که

موزر (F.F.Mauser) و شوارتز (D.J.Schwartz) در اثرشان مقدمه بر بازرگانی در آمریکا (Introduction to American Business, P.230)

فرایند اول را صرفاً ماشینی شدن (Mechanization) می خوانند و مفهوم خودکاری را در این معنای خاص به کار می برند. ابزار الکترونیکی قادرند این نوع

خودکاری را تحقق بخشند. به عنوان مثال، يك رایانه می تواند اطلاعات را آخذ، تصحیح و سپس تفسیر کرده بازگرداند. همچنین موجبات تأثیر وارونه (Feed - back) را فراهم سازد. خودکاری زمینه های گوناگون حیات را تحت تأثیر خود دارد، از آن جمله:

— تولید زنجیری: قراردادن فعالیت هایی که در گذشته جدا جدا صورت می گرفت در درون زنجیره به هم پیوسته تولید.

— خود تنظیمی: از طریق ساز و کارهای (مکانیسمها) پیچیده شبه مغزی مبتنی بر اصل تأثیر وارونه (Feed-back) و با کار برد الکترونیک.

— کاربرد ماشینهای حسابگر: که شمار بسیاری از اطلاعات را در «حافظه» ضبط می نمایند و با انجام عملیاتی بسیار پیچیده، ۱- هم در زمینه داده های مرتبط با حرکت يك پدیده در حال دگرگونی (مانند کنترل بازار، عبور و مرور و ...)؛ ۲- هم در مورد داده های مرتبط با يك پدیده ثابت و یا

مقطعی خاص از واقعیت، وظایف تنظیم، کنترل و تصحیح را بهمه می گیرند.
- آثار و نتایج مترتب بر چنین فرایندی بسیارند:

(۱) از نظر نیروی انسانی: استفاده درست از پدیده خودکاری به افزایش زمان فراغت انسانها می انجامد. در غیر این صورت بیکاری را دامن می زند و ماشین همچون رقیب انسانها تجلی می کند.

(۲) از نظر اجتماعی: ترکیب درونی تخصصها را دگرگون می سازد، مهاجرت های شغلی و جغرافیایی را موجب می شود.

(۳) از نظر اقتصادی: سرمایه گذاری بیشتر را موجب می شود، حرکت از کارگاه به سوی کارخانه های بزرگ را پدید می آورد، همان طور که یکسانی بیشتر کالاها را موجب می آید.

خودکار سازی Automatzation

خود میان بینی Automorphism

از ریشه های لاتینی در معنای شکل و خود گرفته شده است.

- در آغاز در زیست شناسی به کار رفت و گسترش يك سلول یا يك عنصر را به رغم خواست و منافع عناصر یا سلولهای همسایه می رساند.

در روانشناسی اجتماعی، روحیه فرد، گروه یا جماعتی را می رساند که جهان را از دیدگاه خاص خود به قضاوت می نهد و سعی

در تحمیل اندیشه های خود بر آن دارد.

در این صورت، انسان از درك خواستها و حوایج دیگران باز می ماند. شاید یکی از فلسفه های روزه در اسلام نیز شکستن همین دیوار بین سیران و گرسنگان باشد. زیرا تجربه گرسنگی، درك واقعی رنج آن را موجب می شود.

- از دیدگاه جامعه شناسی، خود میان بینی موجب شد که غریبان همه اقوام و ملل را از دیدگاه خود و با الگوهای خویشتن سنجیدند. از این رو به ده ها شیوه هایی نو در فهم مباحث ابداع شد، نظیر مشاهده فعال، مشاهده همراه با مشارکت. باز از این روست که مکاتبی تازه نظیر مکتب تفهیمی پدید آمد و به طور کلی علم انسان اعم از روانشناسی یا جامعه شناسی بعد افتراقی یا تفاونی (Differential) یافت.

خود میان بینی صورتی دیگر از قوم مرکزی (Ethnocentrism) و در مواردی زاد بوم پرستی (chauvinism)، بیگانه ناخواهی (xenophobia) و گاه نژاد پرستی است.

خود مختار Autonomous

ویژگی خاص يك ارگان سیاسی، يك نهاد اجتماعی یا يك گروه اجتماعی است که بطور نسبی از حق قدرت تعیین خط مشی سیاسی برخوردار باشد.

خود مختاری Autonomy

- متوسط - معدل Average
- دایى سرى Avunculate
- استقرار مناسبانى خاص بين دایى و پسر خواهر که در مواردی موجب می شود خواهر زاده از او ارث برد و جانشین وی شود. باشوفن (Bachofen) و مودگان (Morgan) بر این عقیده اند که دایى سرى با مادر سرى پیوسته است و هرگاه که با وجود نظام پدر تبارى نیز دیده شود، باید آن را از بقایای مادر تبارى و مادر سرى دانست. چه، در نظام مادر سرى (Matriarchy)، در مواردی دایى به رئیس خانانه (Mater familias) در اجرای وظایفش کمک می کند. از این رو، خود به آرامی حایز قدرت می شود و در لى وای مادر سرى، قدرت يك مرد و این بار به نام دایى عملا تحقق می پذیرد، بسا این همه این عقیده مورد پذیرش همگان نیست.
- ر. ک. Amitate/Matriarchy
- دایى مکان Avunculocal
- اقامت زوجین در خانه دایى است بر طبق عرف یا ترجیح.
- ارزش شناسى Axiology
- دانش ارزشهاست، ليك عملا جهت سنجش انتقادى ارزشها به گام می آید. پس، ارزش شناسى به تبیین نظرى انواع ارزشها و شیوه های تکوین، بسط و نشر آنان می پردازد. با توجه به اینکه اساس حیات اجتماعى و روابط انسانى را ارزشها تشکیل می دهند، شناخت و نقد آنان می تواند راهگشای شناسایی
- (۱) در روانشناسى کانت به معنای آزادى اراده است؛ ۲) در فرهنگ سیاسى استقلال نسبی است که در بعضی از امور به ایالاتى چند در چارچوب يك کشور تفویض می شود.
- خود Autonomy, Functional
- مختارى گار کردى
- ر. ک. Functional autonomy
- خود تلقینى - Auto suggestion
- تلقین به نفس
- در برابر دیگر تلقینى (Hetero-suggestion)
- تلقین به نفس ناشى از عوامل فردى و درونى است.
- ر. ک. Countra-suggestion/crowd suggestion
- پیشگام Avant - garde
- آنکه جلوتر از حوادث حرکت کند. یا به استقبال پدیده های نو شتابد. در مواردی بدو پیشتاز (Pioneer) نیز اطلاق می شود.
- سرگرمى Avocation
- کارى نه در جهت کسب درآمد یا بر اثر نیازهای مالی، بلکه فعالیتى در راه ارضاء خواست خویشتن، بهنگام زمان فراغت و فارغ از نشانه های مالی و الزامات شغلى. بدینقرار زمان آزاد انسانها، زمان بیکارى، خلاء و فقدان هر فعالیت نیست. گاه در همین زمان بیشترین انرژی انسانى بکار گرفته می شود و چون انگیزش درونى است حاصلی با کیفیتى والا پدید می آید.
- ر. ک. Recreation, Pastime, Hobby, Sociology of Leisure

حاکم بر آن را می‌رساند.

و راهبری جامعه باشد .

Axiomatic Knowledge

ر . ک .

Epistemology**Axiomatic(al)**

مجموعه امور بدیهی - بدیهیات - وضع اندیشه

(۱) از نظر منطقی به مجموع اصول بدیهی

و پذیرفته اطلاق می‌شود ؛ (۲) از دیدگاه کلی

وضع و چگونگی اندیشه عقلانی و قوانین

شناخت امور بدیهی

امر بدیهی - اصل متعارف

Axiom

به امور پذیرفته و غیر قابل تردیدی اطلاق

می‌شود که پایه استدلال قرار می‌گیرند.

Postulate/Premise

ر . ک .

B

توازن قدرت Balance of Power

اصلی اساسی در سیاست جهانی بر این مبنی که هر تمایل به تهاجم با تصور تمایل قدرت متوازن نفی می‌شود. باید بین توازن ساده (Simple balance)، دو طرفی (Two-sided) و توازن متکثر (Multiple balance) تمایز قائل شد. در توازن متکثر، منظومه‌هایی از قدرتهای بالنسبه برابر درمقابل هم قرار می‌گیرند.

توازن اجتماعی Balance, Social Social balance ر. ک.

رشد متوازن Balanced growth

جمعیت متوازن Balanced population

ر. ک. Population

بالاندیه Balandier, (Georges) جامعه شناس فرانسوی (متولد ۱۹۲۰)

استادسوربن و متخصص در جامعه شناسی افریقا است. پیرو شیوه‌هایی چون مشاهده همراه با مشارکت، تکیه بر دستاوردهای مستقیم، رویارویی محقق با واقعیت مورد نظر به‌طور منظم و متوالی است، معتقد به نظریه پویایی ساخت اجتماعی است که از جامعه شناسی ساختی-تجربی گروبیچ گرفته شده است.
برخی از آثارش:

— *Sociologie Actuelle de l',*

Afrique noire

— *Dynamique sociale en*

Afrique Centrale

— *Afrique ambiguë*

— *La vie quotidienne au*

Royaume ae Congo du XVI au XIII.

- *Anthropologie Politique*

Bales (Robert Feed) ییلز

متولد ۱۹۱۶ و استاد روابط اجتماعى و روانشناسى در امریکاست. تخصص او در شناخت و تحلیل تعامل بافعل و انفعال بین افراد مخصوصاً در گروههای کوچک است. کتابش با نام تحلیل فرایند تعامل

(Interaction Process Analysis)

که به سال ۱۹۵۰ تألیف شد، سنگ بنای مطالعات مربوط به گروههای کوچک محسوب میشود وى برخلاف گفمن (E. Goffman) که تعامل قبل از شروع کار رسمى گروه را مورد توجه قرار مى داد، بیشتر متوجه موقعى بود که مرزهای گروه تعیین شده اند و سپس به مطالعه نوع تصمیم، نحوه اتخاذ آن و افراد مؤثر در آن مى پرداخت. ییلز تا سال ۱۹۶۷ مسئول آزمایشگاه روابط اجتماعى در هاروارد بود.

ر. ک. Group dynamics / Small group

Band دارودسته - دسته

از ریشه Banda، که در زبان ایتالیایی به معنای بیرق است، گرفته شده است. (۱) در عرف عام به گروهى اطلاق مى شود که به طور طبیعى و بدون تمهیدات قبلى فراهم آید، در مواردی به عنوان واکنشى در برابر محیط پیرامون تشکیل مى شود. دارای نوعی همبستگی است که پیرامون سردهسته پدید مى آید.

(۲) در انسانشناسى به ابتدایى ترین گروههای اجتماعى اطلاق مى شود که شماری اندک دارند و زندگی آنان در حد شکار و جمع آوری خودک است.

Barbarism بربریت

(۲) در آغاز به مردم غیر یونانى و رومى اطلاق مى شد.

(۲) در عرف عام وضع یا حالت فرد یا جامعه ای خشن و غیر متمدن را مى رساند. (۳) در آثار برخی از جامعه شناسان به معنای مرحله میانی حرکت تکاملی بشر آمده است:

به عنوان، مثال، هودگان (Lewis H. Morgan) در اثرش با نام جامعه باستانی (۱۸۷۷) بر این عقیده است که بربریت بعد از مرحله توحش و قبل از مرحله تمدن جای مى گیرد. بدین ترتیب گوردون چایلد (Gordon Child) در اثرش با نام قطود اجتماعى تولید غذا را نشانه حرکت بشر از مرحله توحش به بربریت مى داند.

تقسیم سه گانه تاریخ از نظر مورگان مورد قبول همگان نیست و امروزه از این مفهوم صرفاً جامعه ای فاقد خط و کتابت مستفاد مى شود.

ر. ک. Morgan

Bargain justice عدالت قرار مداری
زمانی است که فردى به موجب قرارداد

قبلى بـنه جـرم نـا كـرده اى اعـتراف
مى كند تا در مقابل : امتيازى بگيرد (مثلا به
طور علنى محاكمه نشود و يا ...)

مذاكره Bargaining , Collective
جمعى

ر. ك. Collective bargaining

توان چانه زنى Bargaining power
نه تنها به توانايى فرد و شناخت ظرايف
امر در معامله يا مصالحه اطلاق مى شود، بلكه
شرائط طرفين را نيز مى رساند. به عنوان مثال
زمانى كه اتحادكارگران بعد از مدتى اعتصاب
شكست ، نمايندگان آنان در مذاكرات ،
توان چانه زدن را از دست مى دهند .

تهارتر Barter

مبادله كالا با كالا يا خدمت با خدمت
بدون دخالت پول

موافقت تهاترى - Barter agreement
پا يابايى

مبادله تهاترى بدون Barter , Dumb
حضور طرفين

ر. ك. Dumb barter

شالوده فرهنگى Base, culture

ر. ك. Culture base

شخصيت اساسى Basic Personality
خصوصيات فكرى ، عقيدتى ، فطرى و
همچنين الگوهاى رفتارى و ساختهاى شناختى
(Cognitive structures) كه از آغاز در
انسانى تجلى مى يابند و تا پايان عمر با

تغييراتى اندك بر جاي مى مانند. اين ويژگيها
از سويى هويت شخص را مى رسانند و از
سوى ديگر نوعى تشابه بين آنان كه در قومی
خاص حيات آغاز کرده و تحت تأثير عواملی
يكسان با جامعه پیوسته اند، پدید می آورد.
در آغاز كاردینر (A . Kardiner)

در اثرش با نام فرد و جامعه اش این مفهوم
را به كار برد و از آن ويژگيهای روانی و
رفتاری كه از تماس با نهادهايی يكسان نظير
زبان و ... حاصل می شوند ، مستفاد داشت .
باز در اثر ديگرش تحت عنوان مرزهای
دوانی جامعه كه به همراه لينتن (R.Linton)
تهيه شد ، شخصيت اساسی را همچون ابزار
يا وسیله مؤثری جهت انسجام جامعه و پيدايی
حداقل وفاق بيان می دارد .

در این معنی، شخصيت اساسی با مفاهيمی
چون منش ملی (National character)
شخصيت نمايی (Modal personality) ،
منش اجتماعى (Social character) و
شخصيت استاندارد شده
(Standardized Personality) نزديكى
دارد ، هر چند تمايزی اندك اين مفاهيم را از
يكديگر جدا مى سازد. بين منش ملی و شخصيت
اساسی ، تمايزهايی ظريف وجود دارد، از
جمله اينكه منش ملی را در مورد ملل جديد به
كار مى برند ، حال آنكه شخصيت اساسی را
بيشتر در مورد گروههای كوچك ، جوامع
ابتدایى و ... به كار برده اند. همچنين، مفهوم

شخصیت نمایی بیشتر بعدی آماری دارد و الگویی از شخصیت را می‌رساند که بیشترین فراوانی را در جامعه داراست .

ر. ک. Modal Personality/Kardiner
Social character/National character
Bastide (Roger) باستید

جامعه شناس فرانسوی است (متولد ۱۸۹۸) و استاد سوربن . زمینه‌های خاص و مورد توجه وی ، جامعه شناسی دین و آسیب شناسی حیات ذهنی است .
برخی از آثارش :

- *Sens et usages du Terme structure dans les Sciences humaines et Sociales*
- *Sociologie des maladies mentales*
- *Les Ameriques Noires*
- *Les Civilisations Africaines dans le Nouveau Monde*
- *Anthropologie appliquée*

بکر Becker (Howard.S.)

جامعه شناس آمریکایی است (متولد ۱۹۲۸) . زمینه‌های اجتماعی مورد توجه او بسیارند. از آن جمله ، انحرافات اجتماعی ، فقر ، مسکن و بیماریهای روانی است . از پیشگامان کاربرد شیوه فرا تجربی تحقیق در مورد انسان با استفاده از پرسشنامه است .

وی مطالعه گروههای کوچک را رایج ساخته است . برخی از آثارش به این قرارند:

- *Boys in White*
- *Outsiders : studies in deviance*
- *Social Problem : A Modern Approach*

رفتار Behavior

در معنای عام ، دگرگونی ، حرکت یا پاسخ هر موجود یا واحد و یا مجموعه در برابر وضع و شرایط محیط پیرامون است .
پارک (R. E. park) در مقاله‌اش «رفتار و کردار» که در کتاب مقدمه برداشتی جامعه شناسی منتشر گردید، می‌نویسد واقعیت این است که هر دانش در هر جا ، در جستجوی توصیف و تبیین حرکتها ، دگرگونیه‌ها و واکنشها ، یعنی رفتار جزئی از جهان در برابر ماست.»

(*Introduction to the Science of Sociology*, P.188)

در دانش انسانی ، شناخت رفتار انسانی از جهات زیاد مطرح نظر است که این امر با توجه به بسیاری عوامل رفتار مکانی چندرا پدید آورده است :

- ۱) از یکسو واتسن (B. Watson) در اثرش ، «دانشنامی از دیدگاه یک رفتارگرا» (*Psychology from the Stand point of a Behaviorist*)

ادعا نمود که رفتار انسانى مستقیماً قبال مشاهده و اندازه گیری است و بدین سان، شناخت کفنى حالات ذهنى و درونى را طرد کرد. این طرز اندیشه با انعطافى چند، هنوز هم باقى است.

از سوى دیگر، کوشش مکانیک گرایان و همچنین گروه سنجى در کمى ساختن حالات عاطفى و امور کفنى معمول گردید.

(۲) در مقابل، نظریه وبر (Max weber) و بطور کلی اصحاب مکتب تفهسى قرار میگیرد که بر ابعاد ذهنى رفتار تأکید دارند در همین سیاق، پارسنز (T. Parsons) و شیلز (E.A. Shils) در اثرشان: بسوى يك نظریه عمومى در باب عمل: (*Toward a General Theory of Action* P.53)

می نویسند: «هر رفتار يك موجود زنده را باید عمل خواند. بدین منظور و برای آنکه بدین نام خوانده شود، باید حالات پیشین و امور پیکه بدان متوجه است، وضعی که آن رفتار در آن رخ می دهد، ابعاد هنجارى رفتار و میزان انرژی صرف شده در انجام آن مورد تحلیل قرار گیرد».

(۳) در برابر این دو نظریه متقابل، نظریه سومى پدید آمد: که در آن با استفاده از نظریه های هر دو مکتب، سمى در تحلیلى جامع از رفتار گردید و بر اساس آن:

الف) رفتار انسانى دارای پیچیدگى

است؛ هم ابعاد عینى دارد و هم ذهنى؛ هم کمى است و هم کفنى. یعنی باید همچون پدیده ای نام مورد توجه قرار گیرد. لذا، تنها شناخت ابعاد عینى آن کافی به نظر نمى رسد و باید در نهایت منظومه ای از رفتار و صور آن و همچنین، علل و عوامل مؤثر بر آن را در نظر گرفت.

ب) به هنگام تحلیل رفتار باید تا حد امکان ایزاری عینى، علمى، و مشخص رادر شناخت آن به کار گرفت تا شناخت، جهات علمى یابد، نتایج متقن به بار آورد، امکان مقایسه حاصل آید، تداوم پذیر شود و از این طریق دیگر داب درون نگری (Introspection) یا شهودگرایی (Intuitionism) گرفتار نشویم. ژرژ گودویچ از برجستگان مکتب اخیر است.

و. ک. Comprehensive school ,
Gurvitch , Behaviorism
رفتار مکتب Behavior, Acquired
ر. ک. Acquired behavior
تحلیل رفتاری Behavior analysis
درمانگاه رفتاری Behavior clinic
محلى جهت رفع آسیبهای رفتاری با استفاده از روانپزشكى و روانشناسى اجتماعى
رفتار جمعى Behavior, Collective
ر. ک. Collective behavior
رفتار جنایى Behavior, Criminal
ر. ک. Criminal behavior

رفتار مبتنی	رفتاری چنان نابهنجار که نیاز به مدد	Behavior, Customary
بر عادت	متخصصی (روانشناس، روانپزشک) را	
ر. ک.	برانگیزد.	Behavior
رفتار خانوادگی	رفتار داله	Behavior, Family
ر. ک.	ر. ک.	Family behavior
رفتار گروهی	آزمون رفتار	Behavior, Group
ر. ک.	واحد رفتار	Group behavior
رفتار انسانی	مدلهای رفتار	Behavior, Human
ر. ک.	ر. ک.	Human behavior
رفتار فردی	علوم رفتاری	Behavior, Individual
ر. ک.	ر. ک.	Individual behavior
شناخت	رفتارگرایی	Behavior Knowledge
رفتار	۱) در روانشناسی، رفتارگرایی مظهر	Behaviorism
ر. ک.	کوششی است در راه تبیین تمامی حیات روانی	
رفتار فطری	از طریق قوانین مرتبط با فعل و انفعال انسان	Behavior, Native
ر. ک.	با محیط. در این مکتب که توسط واتسن	Native behavior
الگوی رفتاری -	(J.B. Watson) شهرت یافت، روانشناسی	Behavior pattern
۱) سلسله رفتارهایی بالنسبه مشابه؛	تنها به مطالعه رفتار قابل مشاهده می پردازد.	
۲) گونه ای از رفتار که به عنوان مدل شناخته	واتسن در اثرش با نام رفتارگرایی می نویسد:	
می شود.	«احتمالا ساده ترین راه شناخت تضاد بین	
فراگیری	روانشناسی قدیم، یا روانشناسی درون نگر	Behavior patterning
الگوی رفتاری	(Introspective) که توسط جیمز	
کسب، اخذ و آموزش الگوهای رفتاری	(James) دونت (Wundt)، آنجل (Angell)	
است که از ساده ترین آنها (همچون يك	و غیره عنوان می شد و روانشناسی جدید این	
حرکت، يك تغییر چهره) شروع می شود و	است که تمامی مکاتب روانشناسی به استثنای	
به گونه های پیچیده ای همچون کسب مهارتهای	مکتب اصالت رفتار، مدعی آنند که شعور	
حرفه ای و ... می رسد.	(Consciousness) موضوع روانشناسی است.	
رفتار مسئله انگیز	و حال آنکه از دیدگاه رفتارگرایی موضوع	Behavior problem

مورد مطالعه روانشناسی انسان، رفتار یا فعالیت موجود انسانی است. از دیدگاه این مکتب شعور نه قابل تعریف است و نه دارای کاربرد. بلکه تنها مفهوم دیگری از معنای

روح است.-(Behaviorism, P.3)

در همین اثر (صفحه ۶) در مورد انواع رفتار تأکید دارد که بزعم او «گفتن رفتار است، همچنانکه انسیدیدن نیز رفتار به حساب می آید.»

از نظر واتسن رفتارگرایی يك اصل اساسی دارد و آن اینکه سعی می کند انگیزه و پاسخ را در برابر یکدیگر بشناسد.

(۲) روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی نیز از این اندیشه تأثیر پذیرفت؛ بعد از طرح تعریف وسیع تاویل از رفتارگرایی، مبنی بر اینکه قلمرو این مکتب زمینه های وسیع و گوناگون انطباق های انسانی است، مکتبی نو با نام رفتارگرایی اجتماعی (Social behaviorism) در عارم اجتماعی

مخصوصاً روانشناسی اجتماعی از همین دیدگاه پدید آمد. در این مکتب، محقق اجتماعی به شناخت صور و قوانین انطباق با محیط پیرامون و همچنین اشکال سازمان های اجتماعی به عنوان پاسخی به انگیزه های خارجی (مادی و معنوی) روی مینماید. رفتار گرایان اجتماعی از بسیاری جهات دیدگاه هایی نزدیک به پیروان مکتب اثباتی (Positivism) مخصوصاً پیروان جسدید این مکتب

(Neopositivists) دارند و بر آنند که جامعه شناسی را به صورت دانشی تجربی مطرح سازند. ر.ك. Mechanicism, Conditioning Behavior

موجود - هستی Being به طور کلی، هر آنچه از هستی برخوردار است.

موجود انسانی Being, Human ر.ك. Human being

موجود غیر اجتماعی Being, Non - Social ر.ك.

Non - social being

موجود اجتماعی Being, Social ر.ك. Social being

باور - اعتقاد Belief

(۱) پذیرش هر گزاره خاص به عنوان حقیقت. این پذیرش تمام وجود را مسخر می سازد: رنگ عاطفی و هیجانی دارد. باورها زمینه فکر را تمهید میدارند که خود نحوه عمل یا ترك عمل و نحوه آن را معین می نماید.

(۲) پذیرش گزاره ای (Proposition) که نه بر مصلحت متکی است، نه آنی و گذرا است، بلکه تمامی وجود را در بر می گیرد

بل Bell (Daniel)

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۱۹). در موارد بسیاری به طرح مسائل به طریزی ساده و نزدیک به روزنامه نگاری دست می زند، زمینه های اصلی آثارش بسیارند،

- از آن جمله اند :
- (۱) آموزش، که در این زمینه کتابی تحت عنوان اصلاح آموزش عمومی (*Reforming of General Education*) به رشته تحریر درآورد. در سراسر این اثر آنچه بیشتر مطمح نظر اوست نحوه آموزش است تا محتوای آن.
- (۲) سیاست، در این زمینه هم به نگارش آثار نظری همت گماشت، هم آنکه عملاً دست به کار سیاسی زد، برخی از آثارش در این زمینه عبارتند از :
- *End of Ideology*
 - *Marxian socialism in America*
 - *The Radical Right*
 - *Capitalism Today*
- بندیکت (Ruth Fulton) *Benedict*
انسانشناس آمریکایی (۱۹۴۸-۱۸۸۷)
با تخصص در انسانشناسی فرهنگی است.
هیأت نگری (*Configurationism*) از اوست. براساس این اندیشه، یک فرهنگ، بافتی به هم پیوسته دارد و شناخت آن، بر اساس شناسایی عناصر مجزا حاصل نمی شود.
بعضی از آثارش چنین اند :
- *Pattern of culture*
 - *Race, Science and Politics*
 - *The chrysanthemum and the sword : Patterns of Japanese Culture*
- بنجامین (Jeremy) *Bentham*
اندیشمند انگلیسی (۱۷۴۸-۱۸۳۲)
است و بنیانگذار مکتب اصالت مطلوبیت (*Utilitarian School*). زمینه های فعالیتش بسیارند : او حقوقدان، فیلسوف و همچنین صاحب نظر سیاسی بود و در عمل نیز فعالانه به دفاع از طبقات محروم، کاهش نابرابریها و تأمین اجتماعی پرداخت. بسیاری از اقدامات اجتماعی و رفاهی مهم زمانش از اندیشه های وی متأثر گردید (نظیر قانون فقر، تصویب نامه اصلاح آموزش و ...).
تمامی این اندیشه ها بر محور تأمین حداکثر بهرمندی دور میزند.
- برک (Jacques) *Berque*
جامعه شناس فرانسوی (متولد ۱۹۱۰)، متخصص در شرق شناسی و مخصوصاً جهان عرب است. استاد کلژ دو فرانس و دارای آثاری بسیار است که برخی از آنان بدین قرارند :
- *Les Arabes d'hier à demain*
 - *Le Magreb entre deux guerres*
 - *Egypte : Imperialisme et révolution*
- بازمزدی (Betrothal)
مرحله ای از مراحل سخت و پیچیده

ازدواج است که در طی آن، طرفین به طور رسمی گزینش یکدیگر را به عنوان همسر اعلام میدارند. در برخی از جوامع چنانچه هر يك از طرفین بعد از نامزدی قرارداد را ملغی سازد، باید مبالغی به عنوان جریمه بپردازد. در جوامع پسر سر، که ازدواج فرزندان همچون ابزاری جهت حل مسائل بزرگترها و ارتقاء قدرت پدران است، نامزدی مخصوصاً از دوران کودکی رایج است و این امر، با توجه به احتمال گسست، پرداخت جرایم را تسایع ضوابط معین تری می کند. در اکثر جوامع از جمله در بین توداها (Tudas) میزان جریمه برای زن و مرد یکسان نیست.

ر. ک. Marriage / Family / Mate Selection

Bias سوگیری

۱) دیدگاههای پیشین نظری یا عاطفی مبتنی بر خرافات، عقاید قالبی و ... در مورد افراد، گروهها یا موضوعات خاص که موجب تفاسیری ذهنی و دور از واقعیت عینی می شوند. پیدایی نظریه های مربوط به موضع آزاد یا فارغ از ارزش (Value - free) و همچنین بیان دورکیم مبنی بر اینکه پدیده های اجتماعی را همچون شی' فرض کنیم، در جهت تضمین بی طرفی محقق و درك واقعیت پدید شده و در نتیجه اجتناب از سوگیری است.

۲) در آمار، سو یافتنگی در بحث از

آزمون يك فرضیه یا احتساب يك پدیده به کار میرود. بدین سان، يك شیوه یا ابزار احتساب (X) در باب يك پدیده (θ) زمانی سو یافتنه خوانده می شود که مجموع ارقام بدست آمده از طریق X با θ تطابق نداشته باشد. این مجموع یا میانگین حسابی X با علامت $E(X)$ نشان داده می شود.

۳) سو یافتنگی پاسخ (Response bias) یا پاسخ سو یافتنه (Biased response) زمانی است که اندیشه طبیعی یا واقعیت درست به دست نیاید و عواملی چون طرز برخورد پرسشگر، ترس، یا ... موجب تحریف پاسخ و در نتیجه نادرستی نتایج تحقیق شوند.

۴) يك نمونه سو یافتنه (Biased sample) نمونه ای است که نمایانگر كل جمعیت نباشد.

۵) يك سؤال سو یافتنه

(Biased question) سؤالی است که بطور تلویحی یا صریح در بردارنده عقاید شخصی طراح سؤال باشد، پاسخگور را وادار به ارائه جوابهایی منطبق با نظر وی می نماید.

ر. ک. Value, Durkheim

نمونه سو یافتنه Biased Sample

ر. ک. Sampling

اشتباه ناشی از سو گیری Biased error

ر. ک. Constant error

دو مجلسی Bicameral

نظام حكومتی مبتنی بر دو مجلس قانونگذاری است. در برابر نظام يك مجلسی

unicameral) (بدان رك)	Mode	ر. ك.
Bigamous family خانواده دو همسر	Biographer	زندگینامه نویس
Bigamy دو همسری	Biography	زندگینامه
ازدواج همزمان يك زن با دوشوهر، یا يك مرد با دو زن . بدین سان دو همسری به دونوع دوشویی و دو زنی قابل تقسیم است.	Biological anthropology	انسانشناسی زیستی
Polygamy / Monogamy ر. ك.	Anthropology	ر. ك.
Bilateral دوجانبی - دوسویه	Biological family	خانواده زیستی
Bilateral descent تبار دوسویه - دوجانبی	در برابر خانواده راهیابی (Family of orientation)	
در فرهنگ خانواده، به نوعی خاص از خانواده اطلاق می شود که در آن فرزند به پدر و مادر هر دو منتسب است . مفهوم مقابل آن يك سویه (Unilateral) است .	Family	ر. ك.
Matrilineal / Patrilineal ر. ك.	Biological heredity	وراثت زیستی
Bilocal دو مکان	انتقال آن صفات جسمانی و روانی که از طریق وراثت انتقال پذیرند .	
امکان عزیمت عروس و داماد به اقامتگاه یکدیگر است . در برابر پدر مکان (Patrilocal) که عروس را ملزم به اقامت در خانه شوی می کند و مادر مکان (Matrilocal) و زن مکان (Uxorilocal).	Social heredity , Social heritage	ر. ك.
در صورت نو مکان بودن (Neolocal)، عروس و داماد به اقامتگاه دیگری می روند که متعلق به تبار زن یا شوهر نیست .	Biological Kins	خویشان زیستی
Matrilocal/Uxorilocal ر. ك.	در برابر خویشان قرار دادی، سببی، روحانی و ...	
Patrilocal/Duolocal/Neolocal	Kinship	ر. ك.
Bilocality دو مکانی	جهش زیستی - Biological mutation	جهش زیست شناختی
Bimodal دو نمایی	این مفهوم در آغاز توسط هوگودوریس (Devries) به کار رفت و در برابر مفهوم تبدیل تدریجی مطرح شد. بر مبنای این قاعده، تغییری اساسی در شرایط جسمی نسلی پدید می آید و آن را از نسل پیشین به طور کامل متمایز می کند.	

جامعه‌شناسی Biological sociology

زیستی

Biologism

ر. ک.

Biologism

مکتب‌زیستی

زیست‌گرایی

آیین کسانی است که عوامل زیستی را در برابر عوامل اجتماعی در تبیین رفتار اجتماعی مرجح می‌دانند.

زمانی که لومبروزو (C. Lombroso) در مجرمین ویژگیهای جسمی و زیستی می‌جست و معتقد بود که بعضی مجرم با فطره به دنیا می‌آیند، به زیست‌زدگی دچار شد، یا زمانی که شلدون (W. Sheldon) انسانها را بر پایه سه نوع ویژگی جسمانی تقسیم می‌کرد و معتقد بود هر یک دارای خصایص روانی خاصی هستند، به این مکتب‌گراییید.

این مکتب شاخه‌هایی چند دارد که برخی از آنان بدین قرارند:

الف: Bio - Organic school

مکتب زیستی - عضوی

در این مکتب، جامعه را همانند موجودی زنده می‌دانند. آن را انداموش انگاری (organicism) نیز می‌خوانند و اسپنسر (M. Spencer) در آغاز و سپس گریف (Greef) و ددمز (Worms) بدنبال او بدان گرویدند.

ب: Anthro - racial school

مکتب انسانی نژادی

پیروان این مکتب، وراثت‌نژادی را عامل اصلی رفتار می‌دانستند و برای هر نژاد صفات اخلاقی، روانی و هوشی خاصی قائل بودند. آنان نژاد پرستی را پایه‌های علمی بخشیدند، مانند گوبینو (C. Gobineau)، چمبرلین (S. Chamberlain). بدان چیر گرای زیستی (Biological determinism) نیز اطلاق می‌شود.

ج: داروین‌گرایی (Darwinism) که در آن جهان را صحنهٔ تنافس بقا (Struggle for Survival) می‌دانستند و به بقا اصلی می‌انداختند، نظیر گومپلویچ (Gumplowitz) و اوپن‌هایمر (F. Oppenheimer)

زیست‌شناسی جنایی Biology, Criminal

ر. ک. Criminal biology

زیست‌سنجی Biometrics

ر. ک. Anthropometry

نظام دوحزبی - دوحزبی Bipartism

نظام خاص اجتماعی - سیاسی که در آن دوحزب امکان فعالیت دارند. گاه این حالت اجباری است، یعنی احزاب دیگر نمی‌توانند فعالیت قانونی داشته باشند، در مواردی منع قانونی وجود ندارد، اما عملاً فقط دو حزب مجرای جریان اندیشهٔ سیاسی و موزع مناصب‌اند (نظیر امریکای شمالی).

ر. ک. Multipartism/political

parties/pluralism

بیرونی (Birooni (Abou Reyhan

ابوریحان بیرونی از متفکران بزرگ اسلامی است. (۳۶۲ - ۴۴۰ هجری) پس از سفرهای طولانی به گران، ری، طبرستان و خراسان به همراه سلطان محمود غزنوی به هند رفت. زبان سانسکریت آموخت و هفده اثر درباره این کشور به رشته تحریر درآورد. او علاوه بر کتاب تحقیق ماللهند، التفهیم را نیز (به زبانهای فارسی و عربی) تألیف نموده است. ابعاد شخصیت بیرونی بسیار وسیع است. اما در رابطه با دانش اجتماعی فعالیت‌های وی را می‌توان در چند زمینه خلاصه کرد:

۱- مردم نگاری:

در تحقیق ماللهند او به توصیف دقیق آداب و مراسم زناشویی، ادبیات، مذاهب، انواع اعیاد و روزهای سعد و نحس و ... در هند می‌پردازد، با شیوه‌ها و فنونی شایسته یک دانشمند اجتماعی در معنای دقیق کلمه. برخی از شیوه‌های مورد استفاده بیرونی در این زمینه عبارتند از:

الف) مشاهده مستقیم: او برای توصیف هندیان، همانند بسیاری دیگر بدان دیار سفر کرده است. از تعداد دقیق این سفرها اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی آنچه مسلم است، وی بیش از یک بار به هند سفر کرده است.

ب) مشاهده همراه با مشارکت: بیرونی تنها به سفرهای خود به هند اکتفا نکرد، بلکه

با اقامت در بین مردم هند، زندگی با آنان و حتی آموزش زبان سانسکریت و ترجمه برخی از کتب هندی به عربی دامنه مشاهدات خود را گسترش داد. این شیوه کار مشابیه بسیاری با آنچه امروزه مشاهده همراه با مشارکت یا مشاهده مشارک (Participant observation) خوانده می‌شود، دارد.

ب: رویکرد فشارغ از ارزش

(Value - free approach): بیرونی،

پدیده‌های اجتماعی را بدون غرض و با سعه صدر به مطالعه می‌نهد. این روحیه که فوراستیه از آن با عنوان روح علمی یاد می‌کند و سرآغاز هر کار تحقیقاتی است، چنان در وی تبلور یافته است که می‌توان گفت: او با اینکه در زمره فاتحان است و آنان (هندوان) در زمره مغلوبین، و با اینکه او مسلمان است و هندوان کافر، مشرک و متعصب و متمسک به فراورده‌های فرهنگی- تاریخی خود، با این حال هیچ‌گاه آنها را تحقیر و سرزنش نکرده است و هیچ‌گاه با به کار بردن واژه‌های ارزشی نظیر وحشی، بربر، بی‌تمدن و عقب مانده از آنها یاد نکرده است ... چنانچه در صفحه ۱۴۸ تحقیق ماللهند می‌نویسد: «به علت جاهلیت هندیان، آنها را مورد سرزنش و توبیخ قرار ندادم، زیرا عربها هم مانند آنان دارای افتضاحات و فضیلت‌های بیشمارند (به نقل از «سیری در تفکرات اجتماعی

اندیشمندان اسلامی» ، نشریه نهم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه)

ازین دیدگاه ، باید گفت او از بسیاری از دانشمندان اروپایی متمایز است . دچار بیگانه نساخواهی (xenophobia) ، قوم مرکزی (Ethnocentrism) ، خودمیان بینی (Automorphism) و بالاخره دخسات قضاوت ارزشی در کار علمی نیست .

د) توجه بدکل جامعه و نه يك پدیدۀ خاص : آنچه امروزه فرهنگ شناسی یعنی توجه به تمامی بستر فرهنگی واقعیت خوانده می شود، از جهاتی بسیار در کار بیرونی دیده می شود .

۲- جامعه نگاری مقایسه ای :

هرچند کمتر به کنکاش در باب علل اجتماعی پدیده ها می پردازد ولیك نخست در جستجوی مقایسه داده ها با یکدیگر و استنتاج از این طریق برمی آید .

آداب و عادات مردم هند را با عقاید صوفیان ، حتی با فرقی از مسیحیت مقایسه می کند تا وجوه اشتراك و افتراق آنان را باز شناسد .

۳- شناخت مقایسه ای ادیان :

توجه خاص بیرونی به مقایسه ادیان با یکدیگر با روشهای متقن از جهاتی چند ، بی ریزی بنای دانشی را استوار ساخت که امروزه جامعه شناسی دین خوانده می شود .

درواقع باید گفت ، بیرونی در زمینه های

بسیاری به عنوان پیشگام و مبدع ، با دقتی در خور يك دانشمند علوم اجتماعی ، فعالیت داشته است .

ر ك . Culturology / Sociology of religion/Comparative method Religion/Ethnocentrism, Ethnography/Automorphism

کنترل موالید Birth control

— حاکی از اقتدار انسان بر امری طبیعی است . بدین سان هم تعداد فرزندان در حیطه کنترل درمی آید ، هم فاصله تولد فرزندان تابع اراده انسان می شود .

— شیوه های کنترل موالید بسیارند از آن جمله :

۱- شیوه هایی در جلوگیری از فزونی : از جماع منقطع به عنوان یکی از دیرین ترین شیوه ها تا کار برد ازاری نظیر آیودی ، کاندوم قرص های ضد باروری و شیوه های خشنی نظیر فرزند کشی و سقط جنین را در بر می گیرد . عقیم سازی والدین نیز یکی از این فنون است .

۲- شیوه هایی در جلوگیری از کاستی : تلقیح اسپرم نگهداری شده در بانك مخصوص آن ، یکی از فنونی است که جهت جلوگیری از بی فرزندی یا کم فرزندی خانواده و در نهایت تنظیم موالید به کار می آید .

— تنظیم موالید به عنوان نهضتی اجتماعی نیز مطرح است :

هرچند کنترل موالید سابقه ای به اندازه

تاریخ بشردارد، لیک پس از نشر اندیشه‌های مالتوس (Malthus) این امر شیوع بیشتری یافت. این نفیض ابتدا به سال ۱۸۲۰ در انگلستان آغاز شد.

- در جهان صنعتی تنظیم موالید با دیگر گونی فرهنگی - اجتماعی رواج بیشتری یافت. لیک در جهان سوم با استقبال چندانی روبرو نشد. به همین جهت به نادرست، درصد توزیع ابزار و تبلیغ شیوه‌های تنظیم موالید در روستاهای فقرزده آسیایی و آفریقایی برآمدند، اما نتیجه‌ای اندک گرفتند. چه، تنظیم موالید فقط با شناخت ابزار آن میسر نیست و باید به بافت اجتماعی نیز توجه شود. به عنوان مثال در مناطقی که بنا به گفته سووی (A. Sauvy) هزینه فرزندان ناچیز است؛ آموزش ابتدایی اجباری نیست و اشتغال کودک تابع محدودیت قانونی خاصی نیست و کودکان از سن پائین به کار می‌پردازند، نسبت کارکنان خانوادگی بسیار است و فرزند از آغاز، نیروی انسانی رایگانی در خدمت پدر است؛ بالطبع کاهش موالید برای ساکنین این مناطق بی معناست، هر چند که ابزارش مجانی توزیع شود. با توجه به مسائل مطروحه ابعاد عمیق اجتماعی این پدیده بیشتر مشخص می‌شود.

Fertility

ر. ک.

Birth interval

فاصله تولد -

فاصله زایشها

فاصله سالهای تولد فرزندان است.

Birth order

ترتیب تولد

در همه جوامع، مخصوصاً جوامعی که از سن خود بیشتر حراست کرده‌اند. فرزندان بر حسب اینکه چندمین فرزند خانواده‌اند، پایگاه، مسؤولیت و شخصیتی خاص می‌یابند. بعضی از تحقیقات نشان داده است که فرزند اول، مسؤولیت بیشتری احساس می‌کند، فرزند دوم اجتماعی‌تر و فرزند نهایی به نظر بعضی «لوس‌تر» است. این اصطلاح با مفهوم رده تولد (Birth rank) نزدیک است.

Primogeniture/Ultimogeniture. ر. ک.

Birth rate میزان موالید

میزان ناخالص باروری عبارت است از نسبت بین متولدین زنده به جمعیت میانه در یکسال که با فرمول زیر تعیین می‌شود:

$$\frac{n}{P} \times 1000$$

کردگان زنده متولد شده در یکسال

P = جمعیت میانه

میزان ویژه (خالص) باروری عبارت

است از نسبت بین تعداد کودکان زنده به دنیا آمده بر تعداد زنانی که در سن باروری هستند.

$$\frac{n}{N} \times 1000$$

کودکان زنده به دنیا آمده در یکسال

N = کل زنان در سن باروری

Birth rites مناسک تولد

مراسمی که در مواردی با ابعاد مذهبی در اقوام ابتدایی با تولد کودک برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این مراسم پاک کردن یا «بالایی» مادر و کودک است.

Rites

ر. ک.

Bivariate table جدول دو متغیری

آن را جدول دو بعدی هم می‌خوانند ،
نظیر جدول زیر که در آن داده‌ها براساس
دو متغیر سن و جنس توزیع شده‌اند :

سن \ جنس	پسر	دختر
۱۰-۱۱	۱۰	۱۵
۱۱-۲۰	۱۲	۱۵
۲۱-۳۰	۱۵	۱۵
جمع	۳۷	۴۵

Black death مرگ سیاه

در اصطلاح به شیوع بیماری همه گیر
طاعون و مرگ میلیون‌ها تن اطلاق می‌شود که
در اواسط قرن چهاردهم در اروپا ، هند، چین
و آسیای مرکزی رخ داد و موجبات توقف
در رشد جمعیت جهان را فراهم ساخت .

Blau (Peter Micheal) بلو

جامعه‌شناس اتریشی الاصل مقیم امریکا است
(متولد ۱۹۱۸) . زمینه‌های خاص تخصص او
دیوانسالاری و همچنین مطالعه سازمان‌های
پیچیده اجتماعی است . برخی از آثارش
چنین‌اند :

— *Bureaucracy*

— *Exchange and power in*

Social Life

American Occupational Structure

— *Bureaucracy in Modern Society* . (M.Meyer
(با همکاری مایر

Blood brother برادر خونی

نوعی رابطه قراردادی بین دو فردی
است که فاقد خویشاوندی واقعی هستند. بنا بر
اثریکه توسط مؤسسه انسان‌شناسی سلطنتی
منتشر گردید (یادداشتها و پژوهشها ، چاپ
ششم ، لیدن ۱۹۵۱) . این رابطه موجبات
گذر از سرزمین دشمن ، یا دیدار از آن را
فراهم می‌ساخت .

Blood vengeance انتقام خون

رسمی مبتنی بر اجبار در کشتن قاتل یا
وابستگان او توسط فرد یا افرادی که کسان او
(آنان) به قتل رسیده است .

Retaliation ر.ك.**Blood sacrifice** قربانی

مراسمی که در آن ریزش خون به عنوان
هدیه ضروری است .

Blue-collar workers کارگران غیر ماهر

ر.ك. *Occupational sociology, white collar workers*

Boas (Franz) بوآس

انسانشناس آمریکایی است (۱۹۴۲ —
۱۸۵۰) . او در آغاز به فیزیک و جغرافیای روی
نمود. سپس به انسانشناسی فرهنگی پرداخت

و به استادی این رشته در دانشگاه کلمبیا نائل شد. کوشش مداوم بوآس در شناخت بی واسطه اقوام و قبایل، در برابر کار نظریه پردازانی قرار میگیرد که بسا واقعیت حیات این اقوام صرفاً از طریق دستاورد دیگران آشنا می شوند. از این رو، ویژگی خاص همه آثار بوآس تأکید بر تحقیق درمحل (Field study) و مخصوصاً توجه به ریشه های تاریخی پدیده هاست.

بوآس در دیگر شاخه های انسانشناسی نظیر انسانشناسی جسمی، باستان شناسی از لحاظ انسانشناسی نیز به کار پرداخت. برخی از آثارش:

— *The Mind and Primitive*

Man

— *Primitive Art*

— *Race, language and culture*

Body language زبان غیر لفظی

به همه شیوه هایی اطلاق می شود که در آن یکی از اجزاء بدن جهت انتقال پیام به کار گرفته می شود. دست بهترین وسیله برای انتقال پیام و کمک به وفز است. علاقه بر آن رنگت چهره و خطوط آن همگی موجبات انتقال پیام را فراهم می کنند و گاه يك نگاه حاوی چنان دنیای گسترده ای از پیامهاست که هر گز هیچ زبانی توانایی بیان همه محتوای آن را ندارد.

Gesture Communication/ ر. ک.

Metacommunication

Communication, Sign language/
Semiology

Bond, Mutual پیوند متقابل

Mutual bond ر. ک.

Bonding, Social پیوند اجتماعی

Social bonding ر. ک.

Boss ارباب - سیاست پیشه - سیاست باز

واژه ای است هلندی به معنای ارباب. در آمریکای شمالی این مفهوم ازدیدگاه فرهنگ سیاسی با محتوایی خاص عنوان می شود که با سیاست پیشه قابل تطبیق است با ویژگیهای زیر:

(۱) سیاست را نه به منظور خدمت به مردم بلکه به عنوان بهره برداری شخصی به کار می گیرد.

(۲) منافع خصوصی افرادی خاص را به عنوان مرید از طریق نفوذ سیاسی برآورده می سازد.

(۳) در سیاست، قائل به اصول اخلاقی نبوده و مرزی برای عمل خود نمی شناسد.

Boudon (Raymond) بودن

جامعه شناس فرانسوی است. (متولد ۱۹۳۴). او در زمینه هایی بسیار گوناگون به کار پرداخته است، از جمله، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، کاربرد ریاضیات در جامعه شناسی، آموزش و پرورش از دیدگاه جامعه شناسی، تحرك اجتماعى و معرفت شناسی.

- بورژوا** **Bourgeois**
- ۱) به عنوان اسم ، فرد یا گروه متعلق به بورژوازی را می رساند. ۲) به عنوان صفت، ویژگیهای خاص بورژوازی از آن برمی آید.
- بهره کشی** **Bourgeois exploitation**
- بورژوا مآبانه**
- ایدئولوژی** **Bourgeois ideology**
- بورژوازی**
- زندگی بورژوا مآبانه** **Bourgeois life**
- نظام بورژوا** **Bourgeois system**
- بورژوازی** **Bourgeoisie**
- از نظر لغوی به معنای ساکن بورگ (Bourg) یعنی شهری آزاد است با منزلتی خاص و جدا از قلمرو قضایی و حاکمیت فئودالها. فرهنگ آکسفورد (۱۹۳۳) درباره آن می نویسد: «این مفهوم طبقه متوسط و مخصوصاً بازرگانان متوسط را در هر کشور می رساند.»
- با پیدایی مارکس گرایان، این واژه معنی و اهمیتی ویژه یافت. به زعم آنان «بورژوازی جدید از خرابه های جامعه فئودال برخاسته است» (بیانیه کمونیست از هادکس وانگلس). در این دیدگاه بورژوازی به عنوان طبقه، ویژگیهایی دارد که اهم آنان چنین اند:
- آنان برخلاف اشراف اسیر تجمل و خدم و حشم نبودند. پس مخارجی اندک داشتند و بسیاری خدمه را اعتبار خویش نمی دانستند.
- برخی از آثارش:
- *Les Methodes en sociologie*
 - *L' Analyse Empirique de la causalité*
 - *Vocabulaire des sciences sociales*
 - *L' Analyse Mathematique des faits Sociaux*
 - *Aquoi sert la Notion de structure? Essai sur la signification de la structure dans les sciences humaines*
 - *La Crise de la Sociologie*
 - *Logique du Social*
- بورديو** **Bourdieu (pierre)**
- جامعه شناس فرانسوی است (متولد ۱۹۳۰). در ابتدا به جامعه شناسی افریقا، مخصوصاً الجزایر توجه نمود و کتاب برجسته جامعه شناسی الجزایر را به رشته تحریر در آورد. پس از آن به فرهنگ و آثار آن و همچنین آموزش و پرورش پرداخت.
- برخی از آثارش:
- *Les Etudiants et leurs études*
 - *Les heritiers*
 - *La Reproduction : Eléments pour une the-orie du système d' enseignement*

مالکان بزرگ ابزار تولید (بورژواها) قرار داد.

پیدایی ارتش ذخیره‌ای از بیکاران، فقدان سندیکالیسم، نظام پارلمانی و عدم دخالت دولت، به مقیون شدن نیروی کار و بالطبع استثمار انسان توسط انسان و روز افزونی ثروت بورژوازی انجامید. و در برابر این شرایط، آرام آرام مقاومت آغاز شد. متفکرانی بسیار از خانواده سوسیالیست‌ها نظیر

پروین (Proudhon)، سن‌سیمون

(Saint - Simon) و مخصوصاً هادکس

(K. Marx) به انتقاد شدید از این شرایط

پرداختند. به نظر مارکس بورژوازی مظهر سرمایه‌داری لیبرال است که در آن پول حاکم بلامنازع حیات بشری است، به نظر وی، بورژوازی همه چیز را در آبهای یخ زده پول پرستی غرق ساخته است.

قرن بیستم با سقوط حاکمیت مطلق این طبقه ترادف یافت. پیدایی نظام‌های طرفدار نیروی کار، دخالت دولت در اقتصاد

(Interventionism)، افزایش آگاهیهای

طبقاتی و گسترش اندیشه‌های مربوط به تأمین

حداقل معیشت (vital minimum)، همگی

امواجی نو پدید آورد و ساخت قدرت سیاسی و اقتصادی را دگرگون ساخت. بدین سان واژه بورژوازی نیز محتوایی نامطلوب یافت.

امروزه در زبان فرانسه (لاروس قرن بیستم) «بورژواکسی را گویند که از نظامی متحجر

برخلاف اشراف که بر میراث تکیه داشتند، بورژواها بر خود متکی بودند. از این رو می‌توان گفت که آنان بر کار تکیه داشتند و کار را تا آنجا قسداست می‌بخشیدند که به منزله عبادت تلقی می‌کردند. - حاصل کار را نه در جهت افزایش مصرف بلکه در راه سرمایه گذاری بیشتر به کار می‌گرفتند و گسترش ثروت را موهبت خدایی و دلیلی بر تقرب می‌دانستند.

- برثودالها و اشراف هم به جهت ویژگیهای روانی فوق تفوق یافتند و هم به این جهت که بروسایل جدید تولید دست یافتند. بدین سان، بورژواها در قرن نوزدهم به سده طلایی خود رسیدند. ابتدا قدرتهای عظیم اقتصادی را به دست آوردند و سپس حائز مقام و نفوذ سیاسی شدند. (بورژواهای حقوقدان، صاحب منصب و ...)

شارل مودازه (Charles Moraze) این

عصر (قرن نوزدهم) را عصر بورژوازی فاتح می‌خواند. بورژوازی به صورت طبقه مسلط جلوه کرد و در برابر آن رنجبران (Proletariat) پدید آمدند و از آن زمان تنازع تاریخی خاصی بین این دو طبقه جریان داشته است.

فقدان نظام‌های حمایت کننده از رنجبران، وجود نظریه‌های اقتصاد لیبرال، تلقین اندیشمندانی چون جان استوارت میل (J.S. Mill)، دیوید ریکاردو (D. Ricardo)، آدام اسمیت (A. Smith) و دیگران، رنجبران را در موضعی ضعیف در برابر

- دفاع کند، به رفاهی غیر موزون و بیش از
کارش علاقه ورزد و ...»
- Haute – bourgeoisie/ ر. ک.
Embourgeoisement/Proletariat/
Petite – bourgeoisie/
Lumpenproletariat/Aristocracy
- Bowdlerism پالایش گرایى -
پالایش خواهی
- Bowdlerization تزکیه - پالایش
- Bowdlerized مزکا
- Brain drain فرار مغزها
- Migration ر. ک.
- Brain washing شستشوی مغزی
- Suggestion ر. ک.
- Bride – Price شیربها
- هدیه یا هدایای داماد یا خانواده و
خویشان اوست به پدر و یا خویشان عروس .
شیربها از قدیمی ترین رسوم در گزینش همسر
است . در جوامعی که نسب پدری است، این
رسوم رواج بیشتری یافته است . شیربها را
خانواده عروس به صورت دیگری جبران می کنند.
(جهاز، یا پرداختهای متقابل دیگر) . شیربها
به صورت نقدی - که آن را باشلق می نامند -
و یا کالایی ارائه می شود. معمولاً خانواده
عروس نیز درقبال دریافت شیربها، ملزم به
ارائه کالاهایی است که در اصطلاح جهاز یا
جهیزیه (Dowry) خوانده می شود .
(بدان ر. ک.)
- ر. ک. Dower/Mahriyeh/Donatio
- وسایل سخن پراکنی Broadening media
- ر. ک. Mass media/Mass
communication
- دیوانسالاری Bureaucracy
- معنای تحت اللفظی آن حکومت ادارات
یا مأموران دولتی است .
این واژه نخستین بار در آثار اقتصاددانی
به نام ونسان دوگورنسی
(Vincent de Gournay) به کار رفته
است . در قرن نوزدهم با گسترش وظایف
دولت و به همراه آن بسط ادارات ، این
مفهوم در اروپا رواج بیشتری یافت . در
انگلستان به سال ۱۸۳۰ با مقاومت در برابر
تمرکز کمکهای دولت به فقرا این واژه به کار
آمد . از این رو، توماس کادلایل
(Thomas Charlyle) آن را « آسیب
قاره ای » نامید و در سال ۱۸۶۰ جان استوارت
میل (John Stuart Mill) در اثرش با نام
حکومت نمایندگان جامعه بصورتی گذرا
بدان پرداخت و نوشت: « کار حکومت در دست
حاکمان حرفه ای بوده که این جوهره و معنای
دیوانسالاری است . »
- تشریح وسیع تر و دقیق تر واژه به سال ۱۸۹۵
توسط موسکا (G-aethano Mosca) در
اثرش با نام حلقه حاکم (۱۹۳۹) صورت
یافت که در آن نویسنده دیوانسالاری را چنان
برای امپراطوری های بزرگ اساسی می داند

دیوانسالارى «کاغذ بازى، ظاهر سازى و قواعد متحجره را موجب مى شود.

به همین سیاق، پادمنز، (T. parsons) در کتاب ساخت و فرآیند در جوامع جدید (۱۹۶۰) همان جهات عقلانى دیوانسالارى را مورد تأکید قرار داده آنرا یکى از برجسته ترین ویژگیهای ساختى (درجوامع جدید غربى) سازمانهای نسبتاً بزرگ با وظایف تخصصى مى داند که با تسامح، دیوانسالارى خوانده مى شود. همچنین در اثر دیگرش جامعه شناسى کاد (۱۹۵۴) مسأله دیوانسالارى را عنوان نموده و به همراه ماکس وبر، عقلایى بودن را محور اصلی دیوانسالارى قلمداد مى کند.

کاپلو (T. caplow) نیز در اثرش جامعه شناسى کاد (۱۹۵۴) عناصر اصلی دیوانسالارى را عقلایى بودن و غیر شخصى شدن امور مى داند. تمرکز قدرت و قالبى شدن وظایف را نیز بدان مى افزاید.

با توجه به تعریف وبر از دیوانسالارى (کوششى عقلانى به منظور تمهید هدفها و تحقق آنان در جامعه بزرگ صنعتى) سازمان گسترده و پیچیده حاصل از آن، آن را از صورت يك وسیله متعارف جهت تحقق اهداف اجتماعى خارج مى سازد و خود بعدى مقاوم در برابر تغییرات مى یابد. از اینروست که

آگبرن (ogburn) با ابداع مفهوم تأخر فرهنگی (cultural lag) چنین مى پندارد که همواره مقررات، سازمان و ساخت ادارى

که از دیدگاه وی، تمامی نظامهای سیاسى را مى توان یا دیوانسالارى و یا فئودالى خواند. تشریح جامعه شناختى واژه فارغ از مضامین منفى و تأکید بر لزوم دیوانسالارى جهت سازمان جامعه صنعتى توسط ماکس وبر صورت یافت.

نظرات وبر، در اثرش با نام نظریه سازمان اجتماعى و اقتصادى (۱۹۲۷) چنین تشریح شده اند:

۱- دیوانسالارى به عنوان يك نوع آردمانى دارای چند خصالت اساسى است بدین قرار: - کاربرد شیوه های منطقى - عقلانى در تصمیم گیرى - استقرار روابط غیر شخصى در جریان کنش متقابل. - تمرکز اقتدار.

۲- در دیوانسالارى تمایل غالب به رواج کاغذ بازى، اعمال قوانین خشك و ظاهر آرائى است.

۳- دیوانسالارى با توجه به ویژگیهایش به معنای: الف) جدا شدن زندگى شخصى کارمند از کار رسمى او؛ ب) کاهش انگیزه های درونى وی؛ ج) پیدایى هر مى از قدرت با جریان یکطرفه اندیشه ها (از بالا به پایین به صورت فرمان) و د) قلب ماهیت انسانى کارمند خواهد بود.

مرتون (R. Merton) در اثرش با نام نظریه اجتماعى و ساخت اجتماع (۱۹۵۷) با استناد به تعریف وبر، معتقد است که

نسبت به حرکات دیگر ارکان جامعه‌دارای تأخیرند. همچنین به زعم مورتن (Merton) سازمان وسیع دیوانسالاری، به قلب طبیعت انسان (Denaturalization) می‌انجامد. به همین جهت جامعه شناسان جدید بر عدم تمرکز (De centralization) و تجزى سازمان منحرف دیوانسالاری تأکید داشته‌اند.

ر. ک. Decentralization/Alienation
Deindividuation/Dehumanization/
Denaturalization/Cultural lag

دیوانسالار Bureaucrat

دیوانی - دیوانسالارانه Bureaucratic

دیوانی‌کردن - Bureaucratization

دیوانی شدن

دیوان‌آسیبی Bureaupathology

واژه‌ای است که توسط قاسم‌پون (V.A. Thompson) مطرح شد. انسان مبتلا بدان (دیوان‌زده، Bureaupath)، دارای ویژگی‌های روانی خاصی است به‌قرار زیر:
- در برابر دیگر گونیه‌ها به‌طور اعم و دیگر گونیه‌های سازمانی بالاخص سخت مقاوم است.

- به مقام، مسند و سمت متکی می‌شود و پیش از آنکه فرد را به‌عنوان يك انسان بپذیرد منصب وی را می‌بیند و رفتارش را براساس آن تنظیم می‌کند.

- در چارچوب سازمانهای پیچیده،

گسترده و رسمی، به‌ظاهر اهمیت می‌دهد، و می‌آموزد که قانونها را عیناً و به‌صورتی متحجر رعایت کند. مورتن (R. Merton) مفهوم شخصیت دیوانی (Bureaucratic personality) را در تعبیر ویژگی‌ها و وبلن (Veblen) واژه ناتوانی آموخته (Trained incapacity) را در این زمینه به‌کار می‌برد.

ر. ک. Bureaucracy, organizational man

برگس (Ernest Watson) Burgess

جامعه شناس آمریکایی است (۱۹۶۶-۱۸۸۶) زمینه‌های خاص تخصص او مطالعه زندگی شهری و خانوادگی است. خانواده را به‌عنوان سازمانی اجتماعی می‌داند. در قلمرو گزینش همسر، به همسان همسری (Homogamy) اعتقاد دارد. زیرا به نظر وی انسانها در هر شرایط چنانچه شباهتی از دیدگاههای سنی، خانوادگی، تحصیلی، نژادی و ملی با یکدیگر داشته باشند، گرایش بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. این همسانی حیات خانواده را نیز معادتمندتر می‌سازد، همچنانکه کاهش میزان طلاق را موجب می‌شود. در پایان عمر به سالخوردگان در امریکاروی کرد. اثر عمده‌اش ناهردی و ازدواج (Engagement and Marriage) است که در سال ۱۹۵۳ با همکاری والین (P. Wallin) به رشته تحریر درآورد. ر. ک. Homogamy

C

حکومت وزرا Cabinet government	وکارآ تشکیل دهد تا در برابر مجلس مسؤولیت خود را ایفا کند .
در کنار مفاهیمی چون رئیس جمهور محوری (presidentialism) و یا حکومت رئیس جمهور (Presidential government)	ر. ک . Presidentialism/parliamentarism
و همچنین مجلس محوری (Parliamentarism) و یا حکومت مجلس مقننه (Parliamentary government).	سرمدار Cacique
حکومت وزرا دارای مشخصاتی است بدین قرار:	در اصل ، به رئیس بومیان سرخ پوست امریکا اطلاق می شد . با گسترش این مفهوم، امروزه هر رهبری که ویژگیهای زیرین را یابد، بدین نام خوانده می شود:
۱- قدرت اجرایی به طور رسمی در اختیار رئیس دولت است .	- بین سرمدار و پیروانش روابطی شخصی ، نزدیک و مستقیم برقرار می شود.
۲- هر چند رئیس دولت حق نصب و عزل وزرا را دارد است . لیک اختیاراتش از سه جهت محدودیت می یابند:	- قدرت جهاتی کم و بیش مشروع دارد و از جمع برمی آید.
الف) باید اکثریت نمایندگان مجلس وزیر را پذیرفته ، مقامش را مورد تأیید و تصویب قرار دهند ؛ ب) باید وزیر مربوط با وزرای دیگر کلی متفق پدید آورند .	- سرمدار بیش از آنکه بر جهات رسمی قدرت تکیه زند سعی در اعمال ضوابط نماید، بر ویژگیهای شخصی متکی است و در اعمال قدرت نیز جهات شخصی و روابط را بر ضوابط مقدم می دارد .
ج) هیأت وزرا باید مجموعه ای به هم پیوسته	

در حال حاضر، با گسترش این شیوه مدیریت و رواج آن حتی در مردم سالاریهای جدید (با ضعف قدرت مرکزی و اتکاء شهروندان به رؤسای محلی با روابط نزدیک و حمایت مستقیم) مواجه هستیم.

ر. ک. Leadership/Charismatism

نظام سرمداری Caciquism

کامپانلا (Tommaso) Campanella

توماسو کامپانلا را باید از اندیشمندان

برجسته مکتبی دانست که در اصطلاح ناکجا

آبادگرایی (utopianism) خوانده می شود

و در مواردی با تساهل ایده آلیسم اجتماعی

(Social idealism) خوانده می شود. وی

اثر برجسته اش را در همین زمینه با نام،

شهر آفتاب، به نگارش درآورد. شهر آفتاب

شباهت بسیاری با آلمان شهر اثر توماس مور

متفکر دیگر ایتالیایی این مکتب دارد. زیرا

در آن نیز مسالکیت خصوصی نیست، همه

ثروتها به دولت متعلق است. همچنانکه برابری

کامل و رویائی بین افراد ساکن در آن وجود

دارد. در چنین جامعه ای، براساس نظریه بو نصر

فاریابی، هدف آمیزش کار حکومت با فلسفه

و دانش است، (حاکم - حکیم)، حکومت

در اختیار برین اندیشمند جامعه است و در

صورت بازپایی برتر از او، حکومت به او

واگذار می شود. در شهر آفتاب حتی با

بیگانگان نیز سرمهر دارند. «به بیگانگان

مهربانی و ادب می ورزند، مدت سه روز به

هزینه عمومی از آنان پذیرایی می کنند. پس از شستن پای بیگانگان، ایشان را با شهر خود و رسوم آن آشنا می سازند و از سزا احترام آنان را درشورا و مجامع، به کرسی می نشاندند. مردانی هستند که وظیفه آنان هماننداریست.

بیگانگانی را که پیوستن بسدان دولت را

خواستارند، مدت یک ماه در کشتزار و یک ماه

در شهر می آزمایشند و سپس درباره ایشان تصمیم

می گیرند و با تشریفات و سوگند، پیمان

آنان را می پذیرند.» (به نقل از قادیخ اندیشه

اجتماعی، از بارنز و بکر برگردان جواد

یوسفیان و علی اصغر مجیدی، ص ۳۶۳)

ر. ک. Utopianism/Farabi/utopia

Utopian Socialism

در مجرا قراردادن - Canalization

به مجرا انداختن - مجرایابی

۱) در معنای وسیع، هدایت یک میل،

یک پیام و یا ... در مسیر خاصی است.

۲) در روانشناسی، مورفی مجرایابی را

شیوه ای در راهیابی محرکات عمومی می داند.

به عنوان مثال، در شرایط عادی، گرسنگی یک

انسان خاص را متوجه غذاهای خاصی می سازد

که بدان خو گرفته است، همان طور که سائقه

جنسی نیز چنین است.

همنوع خواری Cannibalism

خوردن گوشت موجود زنده (انسان

یا حیوان) توسط همنوعش. خوردن

گوشت انسان توسط انسان به دلایل متفاوتی

چون اضطرار، عادت، احترام یا کین صورت

می گیرد.

- جریان تل‌دیخ، با توجه به انباشت فرهنگ و تکامل وسایل تولید، سرمایه‌امیتی روز افزون یافته است تا آنجا که در موارد بسیاری جایگزین نیروی کار شده است.
- انباشت Capital accumulation سرمایه
- دارایی‌های سرمایه‌ای Capital assets سرمایه‌دور گردش Capital, Circulating ر. ک.
- ضریب سرمایه Capital coefficient مصرف سرمایه Capital consumption سرمایه‌کارا Capital, Efficient ر. ک.
- Efficient Capital سرمایه مالی Capital, Financial ر. ک.
- Capital سرمایه ثابت Capital, Fixed ر. ک.
- Fixed Capital سرمایه دور گردش Capital, Floating ر. ک.
- Circulating Capital سرمایه آزاد Capital, Free ر. ک.
- Free Capital کالاهای سرمایه‌ای Capital goods هر کالایی که توان تولید کالاهای دیگر را داشته باشد (در برابر کالای مصرفی) کالاهای سرمایه‌ای به‌دو نوع با دوام (نظیر ساختمانها، ماشینها و...) و بی دوام (مواد اولیه و نیرو) تقسیم می‌شوند.
- سرمایه فکری Capital, Intellectual
- (۱) با مفهوم انسان‌خواری (Anthropophagy) مشتبه نشود.
- (۲) با مفهوم کسودک‌خواری (Teknophagy) که در بین بومیان استرالیا مرسوم است تفاوت دارد. چه، کسودک‌خواری به‌صورت رسمی نهادی شده معمول نیست:
- الف) یا در موارد سختی و قحطی صورت می‌گیرد؛ ب) یا هدف از آن خوردن کودکی مرده توسط مادر است تا روحش در همان جسم حلول کند؛ ج) یا برای تقویت کسودک بزرگتر و یا زنده نگاه‌داشتن او صورت می‌گیرد.
- ر. ک. Endocannibalism/Anthropophagy/Homicide/Teknophagy/Infanticide
- توان Capability ظرفیت Capacity صعود اجتماعی Capillarity, Social ر. ک.
- Social Capillarity سرمایه Capital از ریشه هند و اروپایی Kap به معنای سرگرفته‌شده است. معانی اساسی، اصلی، بزرگ (حروف) از آن برمی‌آید و در اینجا هر کالا، پول یا ثروتی را شامل می‌شود که قابلیت نگهداشت و افزایش یابد و دارایی دیگری به هر شیوه از آن به دست‌آید. سرمایه یکی از چهار عامل شناخته شده تولید است در کنار زمین، کار، سازمان و مدیریت. در

Intellectual Capital	ر. ك.	سرمایه فنى	Capital, Technical
توسعه مبتنى بر وسايل توليدى سرمايه طلب		ر. ك.	Technical Capital
در برابر توسعه مبتنى بر نيروى		انتقال سرمايه	Capital transfer
كار		ارزش سرمايه	Capital value
(Labor intensive development)		ر. ك.	Value
جهان سوم در جريان توسعه از جهتي در		سرمایه خالص	Capital, Working
برابر دو ديدگاه قرار مى گيرد :		ر. ك.	Working Capital
(۱) خريد ماشينهاى بسيار پيچيده و مدرن		سرمایه دارى	Capitalism
و بنا بر اين نياز به كارگر كمتر (وسايل توليدى		- نظامى سياسى - اقتصادى است كه	
سرمایه طلب) .		در آن :	
(۲) خريد ماشينهاى قديمتر و ارزانتر		(۱) قسمت اعظم حيات اقتصادى ،	
كه پيچيدگى كمترى دارند، نيروى كار بيشترى		مخصوصاً مالكيت وسايل توليد در بخش	
را جذب مى كنند و تعمير و نگهدارى آنان		خصوصى متركز است ؛	
ساده تر است .		(۲) سود انگيزه اصلى فعاليت اقتصادى	
از ديدگاه ديگر ، وسايل توليد به طور		به شمار مى رود ؛	
كللى خود به دو نوع تقسيم مى شوند : صنايعى		(۳) رقابت عامل تنظيم كننده نظام است ؛	
نظير فولاد كه طبيعاً متكى بر سرمايه بيشترند		(۴) نقش دولت در بازار نسبت به جامعه	
و صنايعى چون بافندگى كه نياز به نيروى		سوسياليستى كمتر است ؛	
انسانى بيشتر دارند و اين نيز خود راههاى		(۵) كار توليد توسط كارگرانى صورت	
توسعه را تعدد مى بخشد .		مى گيرد كه خدمات خود را در بازار آزادانه	
سرمایه سود بخش	Capital, Lucrative	به فروش مى گذارند ؛	
ر. ك.	Lucrative capital	(۶) تخصص بسط مى پذيرد ؛	
بازار سرمايه	Capital market	(۷) اتحاديه هاى كارگرى رو بگسترش	
اعدام	Capital punishment	مى روند .	
سرمایه اجتماعى	Capital, Social	(۸) سازمانهاى توليد بعدى جهانى و	
ر. ك.	Social Capital	در مواردى چند ملينى مى يابند ؛	
سرمایه تخصصى	Capital, Specialized	(۹) واحد پول هم به عنوان منبع ثروت و	
ر. ك.	Specialized Capital	هم به صورت وسيله سنجش سود و زبان	

واحدهای تولیدی خصوصی به کار می آید .
- از نظر تاریخی هرچند برخی چون

هانری پیرن (H. Pirenne) بر این عقیده اند که عناصر اصلی سرمایه داری در قرن دوازدهم میلادی وجود داشته اند، لیک قرن نوزدهم عصر اوج سرمایه داری کلاسیک بود، مخصوصاً در اروپای غربی ، انگلستان و امریکای شمالی. از این رو متفکرانی چون ماکس وبر ، هانری سی (H. See) ، زومبارت (Sombart) و... همگی بر این عقیده اند که هرچند عناصری از سرمایه داری را می توان در اکثر جوامع در تاریخ ملاحظه کرد ، لیکن بعد از انقلاب صنعتی و مخصوصاً قرن نوزدهم است که تمامی عناصر سرمایه داری به وجود آمدند.

در مورد عوامل پیدایی سرمایه داری عقاید یکسان نیست. ماکس وبر در اثرش اخلاق پروتستانها و روحیه سرمایه داری ، عامل اصلی ظهور سرمایه داری را پیدایی روحیه پروتستانها می داند. چه ، آنان ۱) کار را عبادت می دانستند ؛ ۲) ثروت را موهبت خدایی می پنداشتند ؛ ۳) مانع صرف سرمایه در امور غیر تولیدی می شدند. زومبارت نیز بر روحیه سرمایه داری تأکید می کند. او پیدایی روحیه عقل گرایی، محاسبه و قبول خطر را عامل اساسی ظهور سرمایه داری می داند. سه مرحله اساسی در تطور تاریخی سرمایه داری عبارتند از:

۱- سرمایه داری بازرگانی (Commercial Capitalism) در آن بازرگانان بزرگ گرداننده اقتصاد به شمار می آیند .

۲- سرمایه داری صنعتی (Industrial Capitalism) که در آن صاحبان کارخانه های بزرگ صنعتی قدرت اصلی هستند .

۳- سرمایه داری مالی (Financial Capitalism) که در آن کنترل اقتصاد مخصوصاً در دست بانکداران و صاحبان قدرتهای مالی است .

از دیدگاه دیگر، یعنی با توجه به محتوای سرمایه داری : دوجریان پیاپی تاریخی قابل تمیزند :

در آغاز، سرمایه داری محتوایی سخت لیبرال داشت . شعار اساسی آن عدم دخالت دولت در اقتصاد (Laissez - faire) و جریان خود به خود بازار بود .

این نوع سرمایه داری مبتنی بر مؤسسه اقتصادی آزاد (Free enterprise) بود و اقتصاددانان کلاسیک نظیر آدام اسمیت (A. Smith) ، جان استوارت میل (J.S. Mill) و دیوید ریکاردو (E. Ricardo) صاحب نظران این نوع سرمایه داری هستند .

قرن نوزدهم به عنوان عصر طلایی این نوع سرمایه داری و مالکان اصلی سرمایه (بورژواها) بشمار می رفت . با آغاز قرن بیستم نوع دیگری از سرمایه داری با نام سرمایه داری ارشادی شکل گرفت که در آن دولت به دخالت در امر اقتصاد پرداخت ، تعیین قیمت کالاهای حیاتی تنها در اختیار بازار قرار نگرفت و واحدهای تولید کالاهای

اساسى يادولتى شد يا آنكه زيونظارت دولت قرارگرفت . در جريان اين تظور اساسى ، سرمايه دارى صورى بسيار يافت كه بانامهائى چون اقتصاد كنترول شده (Controlled economy) اقتصاد هدايت شده (Directed economy) ، اقتصاد مختلط (Mixed economy) خوانده شدند . (به هر يك ر. ك.)

— شايد كمتر نظامى همچون سرمايه دارى طرفداران سخت و مخالفين سخت ترى يافته باشد .

الف) مخالفين :

در راس مخالفين سرمايه دارى ، ماركس و ماركس گرايان قرار دارند . ماركس براين نكته تاكيد كرد كه سرمايه دارى مایه استثمار نيروى كار ، پيداى ارتش ذخيرۀ كارگران و رنجبران ، فقر زحمتكشان (pauperization) و تمرکز ثروت در بين گروهى اندك و فزونى روزافزون ثروت آنان است .

ب) طرفداران :

فريدمن (Friedman) در اثرش با نام سرمايه دارى و آزادى (۱۹۶۳) آزادى اقتصادى را وسيله اى اجتناب ناپذير جهت دستيابى به آزادى سياسى مى داند . همين انديشه را هايك (F.A.Von Hayek) در اثرش تحت عنوان راه بردگى (۱۹۴۴) ابراز مى دارد . همچنانكه از خلال آثار ماركس و برنيز چنين بر مى آيد . لپست (Lipset) در كتاب انسان سياسى (۱۹۶۰) مى نويسد :

واقعيات به ما نشان مى دهد كه كشورهاي اروپاي غربى و امريكاي شمالى كه داراي نظام سرمايه دارى هستند ، كم و بيش نظام سياسى مبتنى بر دموكراسى را بيشتر ايج ساخته اند .

ج) گروه سوم

شامل كسانى است كه لزوماً سرمايه دارى را مهد دموكراسى نمى دانند ، بين انواع سرمايه دارى تمايز قائل مى شوند و هريك را به شيوه اى ارزيايى مى كنند . به عنوان مثال ، سرمايه دارى ليبرال يا كلاسيك را كه در آن بود و بوازي حاكم بى چون و چسراى اقتصاد است مطرود مى دانند ، اما در مورد انواع ديگر سرمايه دارى (ارشادى ، هدايت شده ، مختلط و ...) نظراتى غير از اين ابراز ميدارند . نمونه چنين تفكرى را بايد در انديشۀ شوپتر ملاحظه كرد . وى در اثرش سرمايه دارى ، سوسياليسم و دموكراسى (۱۹۴۳) سرمايه دارى را (ضرورۀ) تضمينى قاطع براى تكوين نهادهاى دموكراسى نمى داند .

ر. ك. Classical School/Capitalist ideology

كاپيتولا سيون Capitulaton

در آغاز ، در امپراتورى عثمانى معمول شد ، با كاپيتولا سيون ، خارجيان مقيم در اين امپراتورى (۱۹۲۲ - ۱۲۹۹ ميلادى) در صورت تخلف بر پايۀ قوانين كشور خود و در داد گاههاى خودى محاكمه مى شدند .

كارتل Cartel

به نوعى تفاهم بين واحدهاى توليد به

روش موردی Case study method

(۱) قبل ازانکه به عنوان يك روش در نظر آید ، به عنوان يك شیوه تحلیل مطمح نظر قرار می گیرد. در اثرش با نام «دشها» در تحقیقات اجتماعی ویلیام گود (W.Goode) آن را دیدی می داند که براساس آن هر واحد اجتماعی همچون يك کُل بحساب می آید. این واحد می تواند يك فرد ، يك سازمان ، يك خانواده ، يك روستا و حتی يك جامعه باشد. (۲) همچنین ، سلسله فزونی را می رساند که ابعاد گوناگون يك پدیده را به بررسی گذارند .

(۳) در آموزش ، روش موردی ، در نظر گرفتن يك دانش آموز است به عنوان موردی خاص با ویژگیها و مسائل ویژه .

(۴) در حقوق ، هر مجرم موردی خاص و ویژه را می سازد که با ویژگیهای خاص خود و در شرایطی ویژه دست به جنایتی ویژه زده است .

به نظر اودم (H.W.Odum) و جوچر (K.Jocher) اولین بار تاریخ نویسان با تشریح يك ملت یا يك گروه از این روش استفاده کردند. اما تا آنجا که مشخص است نخستین بار این روش به طور منتظم توسط لاپل (Laplay) به کار رفت. با وجود این تازمانی که هیلی (W.Healy) اثر خود به نام فرد بزهکاد و توماس (W.I.Thomas) و زنانیکی (F.Znaniecki) اثر مشترک خود را تحت عنوان دوستایی لهستانی در آمریکا درآپا

منظور تسلط بر بازار اطلاق می شود. در این نوع پیوند بین شرکت های تولیدی ، آزادی بیشتری به هر يك از آنان داده می شود (در برابر تراست) . این تفاهم ممکن است صورتهایی گوناگون داشته باشد ، نظیر : یکسانی نسبی قیمت فروش ، توزیع بازار فروش ، یکسانی میزان سود و تعیین و تحدید میزان تسواید . کارتل به کاهش رقابت و پی ریزی شرایط انحصاری منجر می شود .

ر. ک. Monopoly/ Trust/Dumping

دوره شغلی - شغل ثابت Career

(۱) سازگاریهایی که با نهادها، سازمانهای رسمی و مناسبات اجتماعی غیر رسمی در جریان يك حرفه یا سلسله ای از حرف پدید می آیند و تاریخچه شغلی يك فرد یا گروهی از اشخاص را تشکیل می دهد. (۲) کار در معنای حرفه ای دارای ثبات و برای يك عمر. ر. ک. Profession/Occupation/ Occupational Sociology

دکارت گرایی Cartesianism

گرایش به اندیشه های رنه دکارت (René Descartes) ، و تأسی از شیوه های خاص او .

ر. ک. Methodical

doubt/Rationalism

تحلیل موردی Case analysis

ر. ک. Case study method

سرگذشت پژوهی تاریخی Case history

ر. ک. Genealogical method

منتشر نساخند، این روش عالمگیر نشد.
جهات مثبت و منفی این شیوه در تحقیقات
انسانی :

الف) جهات مثبت : ۱) شناخت پیوند
بین عوامل گوناگونی که همواره در ارتباط
با یکدیگرند و بافتی پیوسته تشکیل می‌دهند؛
۲) فهم کل موجود (انسان، گروه یا جامعه)
در زمانی خاص؛ ۳) جدایی از آزمونهای
مقطعی، محدود و یک بعدی. ب) جهات
منفی : ۱) عدم امکان تعمیم علمی؛ ۲) کاهش
بعد کمی و آماری.

به طور کلی، مطالعات موردی در مرحله
اکتشافی تحقیقات و روانشناسی بالینی ابزار
بسیار مناسبی به شمار می‌آیند.

ر. ک. Genealogical method/

Monograph/Trend study/Panel

مطالعه Case study, Culture

موردی فرهنگها

ر. ک. Culture case study

کاست Caste

- در لغت به معنای ناب، سره و نگهداری
پاک و خلوص گروه است. در اصطلاح :
۱) به آن سازمان اجتماعی اطلاق می‌شود
که در هند پدید آمد و مبنای آن را عقایدی
دینی مبتنی بر برتری برهنه‌ها تشکیل می‌داد؛
۲) به گروهی خاص در هند اطلاق می‌شود که
مبنای اثری دارد؛ ۳) هر طبقه بسته، مبتنی بر
وراثت را در بر می‌گیرد که با دیدی منفی
بدان نگریده می‌شود.

در نظام اجتماعی کاستی درنده‌افراد به
چهار کاست تقسیم می‌شوند و آنان که فاقد هر
نوع کاست‌اند، بدون کاست و نجس خوانده
می‌شوند.

- نظام کاستی با نظام طبقاتی متفاوت
است و ویژگیهایی به قرار زیر دارد:

۱- بستگی گروهها : انسان در درون
کاستی متولد می‌شود، همان‌جا زندگی
می‌کند و در همان کاست نیز می‌میرد. بدین‌سان
نظام کاستی دایره محکومیت انسان است در
پذیرش سرنوشت همچنین تفوق وراثت است
بر کار، کوشش و به طور کلی اراده انسان.

۲- انتسابی بودن نقش و پایگاه : در
نظام کاستی نه تنها تحرک اجتماعی وجود
ندارد، بلکه احراز هر پایگاهی نیز صورت
انتسابی دارد و نه اکتسابی. بر پایه سنن، هر
کاست امتیازاتی دارد و آنان که بدون کاست‌اند
نا پاک خوانده شده، به بیگاری کشیده می‌شوند
و در حاشیه حیات اجتماعی زیست می‌نمایند.

در معنای عام، زمانی که جامعه‌ای به کلی
بسته است، یعنی امکان ارتقاء بر اساس کار
نیست و میراث حاکم بر زندگی است، مفهوم
کاست به کار برده می‌شود.

به عنوان مثال، جامعه مبتنی بر آپارتاید
(Apartheid) را از دیدگاهی، نوعی جامعه
کاستی می‌خوانند.

- سه دیدگاه اساسی در مورد کاست
وجود دارد، بدین‌قرار :

۱- درون همسری پایه کاست نداشته
می‌شود، گوری (G.S.Ghurye) در اثرش

- «کاست و نژاد درهند» مى-نويسد: «درون همسرى اساس نظام کاستى است.» اين ديدگاه را بسيارى همچون هاتون (Hutton) و دات (Dutt) نيز پذيرفته اند.
- ۲) تمايز حرفه‌اى پاىء اساسى تشکل کاست شناخته مى-شود. دز (H.A.Rose) در اثرش داژگان قبایل دکاستهاى پنجاب مى-نويسد: هر قدر بيشتر کاست را ز آثار نويسندگاني چون نسفيلد (Nesfield)، رايلى (Risley) و ديگران مى-خوانيم، بيشتر بدین نتيجه مى-رسيم که کاست نيز همانند قانون تابعى از اقتصاد شناخته مى-شود.
- ۳- در ديدگاه سوم، کاست همچون يك معيار قشر بندى بحساب مى-آيد. اين ديدگاه بيشتر در بين جامعه شناسان ديده مى-شود و در آن کاست همچون يك وجه حادث قشر بندى، بر مبنای وراثت، جدایی اجتماعى و فقدان کامل تحرك عمودى برای افراد شناخته مى-شود.
- ر. ک. Apartheid/Ostracism/Indian caste system/Social classes
- اتفاقی - غير منتظم - نامرتب - Casual تصادفی
- Casual crowd انبوه خلق تصادفی
- Crowd ر. ک.
- Casual labourer کارگر موقت - عمله
- کسى که فاقد کار منظم و سازمان يافته است، وقتى کارى هست به او رجوع مى-شود و با پايان کار، بيکارى او آغاز مى-گردد.
- Casualism تصادفى گرایی
- Catastrophic changes دگرگونىهای فاجعه انگيز
- ر. ک. Social change
- مقوله اجتماعى - Category, Social ردهء اجتماعى
- ر. ک. Social categories
- Caucasio- centrism قفقازى محورى
- شکلى از قوم مرکزى است که بر پايهء آن نژاد قفقازى يا سفيد از نظر ذهنى و جسمى بيشترين توان را در رهبرى جهان دارد و برتر از همهء مردم جهان شناخته مى-شود.
- ر. ک. Racism
- Causal interrelationships مناسبات على متقابل
- زمانى که دو پديده، A و B هر دو بر يکديگر اثر نهند. گاه روابط متقابل على صورت همزمان (Simultaneous) دارد، در مواردى اين تأثير متقابل در دو زمان رخ مى-دهد. بدین صورت که در يك زمان (t_1)، A بر B اثر مى-نهد، اما اثر متقابل B بر A در زمان ديگر (t_2) صورت مى-گيرد.
- ر. ک. Retroaction/Feed - back
- معناى على Causal significance
- عليت Causality
- ر. ک. Scientific explanation
- عليت اجتماعى Causality, Social
- ر. ک. Social causality
- رقابت Causative competition
- سببى

Competition Cause	ر. ك. علت	Social Cause	علت اجتماعى
رابطه قابل سنجش و منظم بين دو يا چند پديده به طور همزمان يا نا همزمان به استثنای شاخه دایى چون جامعه شناسى توصيفى، جامعه نگارى و ... كه تشریح بدون تبیین یا تعلیل را مطمح نظر دارند، به طور کلی شناخت شبکه به هم پیوسته علل تعیین کننده واقعیت، هدف غایبی در علم انسان است.		نیرویی مؤثر که در چارچوب شرایطی معین و در زمانی خاص، موجبات بروز تغییری را که معلول خوانده می شود فراهم می سازد. در برابر علل روانی، زیستی و اقتصادی، علتی است که منشاء اجتماعی داشته باشد. با عامل اجتماعی (Social factor) مشتبه نشود.	
Causes, types of	انواع علل	Scientific explanation/ Social Causality	ر. ك. ~
Efficient cause	علت فاعلی	Sufficient ~	علت کافی
Final ~	علت نهایی	Systematic ~	علت منظم
First ~	علت اولی	در برابر علل و عواملی نه پایا و نه تابع استمراری معین.	
(cause of causes)	در معنای علت العال	Ultimate ~	علت غایی
نیز به کار می رود.		Celibacy	تجرد قطعی
Formal ~	علت صوری	تجرد فردی است که به خواست خود یا اجبار (از هر نوع) دست به زناشویی نزنند. در جمعیت شناسی مرز پنجاه سالگی تجرد قطع محسوب می شود،	
Material ~	علت مادی	ر. ك. ~	
Necessary ~	علت لازم	Marriage/ Marital, abstinence	
Proximate ~	علت نزدیک	سانسور	
Remote ~	علت دور	Censorship	
Single ~	علت منفرد	— عملی که بر مبنای آن دادگاه یا فردی کنترل محتوای وسایل ارتباطی را به دلیل آنکه این محتوا از نظر سیاسی، نظامی، اخلاقی یا دلایل دیگر قابل بخش نیست، در دست گیرد و محتوای آن را از صافی خاصی بگذرانند.	
علتی که از نظر منطقی از علل دیگر تفکیک پذیر باشد. باید پذیرفت که هر معلول انسانی — اجتماعی تابع نه يك علت بلکه چند علت است. هیچ علتی مستقل از علل دیگر اثر نمی گذارد و مجموعه علل شبکه ای به هم پیوسته تشکیل می دهند. پس، تنها با عملیاتی ذهنی و تجربی است که علتی مورد تفکیک قرار می گیرد.		سانسور تاریخیچه ای بسیار قدیمی دارد.	

در یونان باستان ، روم و قرون وسطی دیده شده است ، ليك بعد از اختراع چاپ اهمیتى ویژه یافته است .

۱- نظر به پیچیدگیش ، سانسور انواعى چند مى یابد :

۱- ازدیدگاهی ، به دوصورت پیشگیر و یا تنبیهی تقسیم مى شود ، چنانچه قبل از انتشار مطلبی سانسور اعمال شود ، آن را پیشگیر خوانند و در صورتی که اثری بعد از انتشار دچار سانسور گردد ، بدان سانسور تنبیهی اطلاق میگردد .

۲- سانسور مى تواند رسمى یا غیر رسمى باشد . به طور مستقیم و بزور تحمیل شود و یا آنکه صورتی غیر مستقیم یابد .

۳- با توجه به گوناگونى وسایل ارتباط جمعى ، سانسور مى تواند انواعى متناسب با تعداد این وسایل یابد ، نظیر سانسور کتاب ، سانسور روزنامه ها و ...

۴- سانسور مى تواند از خارج برفرد تحمیل شود ، یا صورت داخلى یابد و حالت خود سانسورى پدید آید .

۵- سانسور مى تواند اخلاقى و غیر سیاسى باشد . بدین سان گروه ، فرد یا افرادى که هنجارهای گروهی را رعایت نکنند ، مورد خشم ، کنترل و در مواردی طرد قرار مى دهد .

سرشماری Census

(۱) جمع آوری اطلاعاتی چند در مورد شمار جمعیت يك کشور و یا داده های اساسی مربوط به جمعیت توسط دولت در زمانى

خاص که معمولاً در مقاطع زمانى مشخص (در ایران هرده سال يك بار) صورت مى گیرد .
۲) در معنای محدود به بررسی رسمى و کامل جزئى از جمعیت کشور نیز اطلاق مى شود . نظیر سرشماری روستایی یا صنعتی و یا ...

ر. ك. Demography/Extensive research/population

خانوار آماری Census household

يك خانوار یا هر گروه از افرادی که زیر يك سقف زندگی کنند و در کنار يك سفره غذا صرف کنند . بدین سان خانوار آماری مى تواند شامل يك نفر (يك فرد مجرد) و یا چندین نفر (شامل مستخدمین ، اقربا و ...) باشد . خانوار كوچكترین واحد سرشماری است .

شهر مرکز - میافین شهر Central City

در اصطلاح ، به قسمتهای مرکزی شهر اطلاق مى شود که در آن تراکم جمعیت ، آسیبهای اجتماعى و در مواردی اقلیتهای محروم تجلی مى کنند . روند کنونی در جهت گسترش دامنه های اطراف و کاهش اهمیت هسته های مرکزی شهر است .

ر. ك. Sector city/Metropolitan area

تمرکز آیینى Centralism

نظامی که بر محور مرکزیت قدرت استوار است .

ر. ك. Federalism/Regionalism

- اقتصادى به میان آورده است .
- ۳- تمرکز مفرط
Group centrism ر.ك.
Centralism
شاخص مركزيت Centralization index
درپويایى شناسى گروهى و گروه سنجى
به كار مى رود و شناخت و ارزیابى وضع
افراد را برحسب میزان ارتباط آنان با
دیگران مى رساند. بدین سان شاخص مركزيت
يك فرد (x) حاصل شمار تمامى ارتباطهاى
بين افراد گروه است تقسیم برشمار ارتباطهاى
وى با دیگران . تعداد ارتباطها و مخصوصاً
ماهيت مثبت آنان رهبر بالفعل و یا بالقوة
گروه را مشخص میدارد،
- تمرکز Centralization
- بمعناى تجمع قدرت در يك مجموعه
است. این مفهوم در آغاز قرن نوزدهم مطرح
شد و توکویل (A.Tocqueville) آن را
در معنای کاهش قدرت مناطق و افزایش
قدرت دولت مركزى به كاربرد.
- تمرکز انواع و صورتى چند مى یابد،
نظیر :
۱- تمرکز حقوقى : كلسن (H.Kelsen)
در اثرش نظریه عمومى دولت و حقوق
مفهوم نظم قانونى متمرکز را بدان معنا
مى داند كه تمامى هنجارها در سراسر يك
سرزمین اعتبار یابند .
۲- تمرکز سياسى به همراه تمرکززدایى
در اقتصاد : لپادسكى (A.Lepawsky) در
اثرش هدایت سخن از امکان به هم آمیختن
تمرکز سياسى و عدم تمرکز اجتماعى و
- ۳- تمرکز مفرط
(Over - Centralization) كه محتوای
منفى و مستهجن دارد : لیلیانتال
(D.E.Lilienthal) در اثرش مردم سالارى
در حال پیشرفت تمرکز مفرط را روندی خاص
در دنیای امروز مى داند .
۴- تمرکز كار كردى و تمرکز جغرافیایى :
لسول (H. Lasswell) و كاپلان
(A. Kaplan) در كتاب قدرت و جامعه
الف) عدم تمرکز جغرافیایى را در داخل يك
دولت به صورتهای فدرالیسم و كنفدرالیسم و
خودمختارى و خود تصمیمى مطرح مى سازند؛
ب) همان طور كه عدم تمرکز كار كردى را
نتیجه پیدایى سندیکالیسم و ... مى دانند.
ر.ك.
Regional Planning/
Federalization/Decentralization
تمرکز شهری Centralization, Urban
ر.ك.
Urban Centralization
تمرکز بخش Centralizer
آموزشگاه Centralized school
متمرکز
ر.ك.
Consolidated School
گرایش مركزى Central tendency
مفهومی است مصطلح در آمار . میانه،
میانگین ، نما ، نسبتها و همه شاخصهایى را
در برمی گیرد كه در جهت نشان دادن تمایلات
مركز گرایانه به كار مى آیند.
ر.ك.
Mode/Median/Mean

- هستند. از نظر وادرن (W.L. Warner) نیروهای
مرکزی گریز
مرکزی گریز
روند، تمایل و یا خواسته‌هایی است که
در صورت افراط به از هم پاشیدگی جمع،
جامعه یا گروه می‌انجامد.
- Rugged individualism ر. ک.
نیروهای مرکزگرا Centripetal forces
خواسته‌ها و منافع مشترک انسانها در قوام
جامعه، گروه یا جمع را شامل می‌شود.
- خودمحوری Centrism, Ego-
ر. ک. Egocentrism
قوم محوری Centrism, Ethno-
ر. ک. Ethnocentrism
گروه محوری Centrism, Group -
ر. ک. Group centrism
مرکز نما Centrogram
ر. ک. Centrography
مرکز نگاری Centrography
سلسله فزونی در آمار که گرایشهای مرکزی
را می‌رسانند. (نظیر میانه، میانگین و...)،
با مشخص ساختن گرایشهای مرکزی، تصویری
فضایی از یک جمعیت به دست می‌آید که مرکز
نما نامیده می‌شود.
- مراسم Ceremony
- بیان احساسات و افکار مشترک از طریق
انجام اعمالی کم و بیش رسمی یا بعدی نمادی
و در زمان و مکان معین. ازدیدگاه رادکلیف -
برادن (Radcliffe - Brown) مراسم بیان
احساساتی متناسب با شرایط اجتماعی معین
- هستند. از نظر وادرن (W.L. Warner) مراسم چون روز یادبود در آمریکا، حاوی
اعمالی هستند مبین احساس «غلبه بر مرگ»،
برابری و وحدت زنده‌ها با یکدیگر و بین
انسانهای زنده و مردگان.
- مراسم ویژگیهای مشترکی دارند،
بدینقرار:
۱- موجبات حراست از ارزشها و
احساساتی خاص می‌شوند و انتقال آنان را
به نسلهای بعد موجب می‌گردند.
۲- با این ارزشها و تداوم آنها، هویت
و وحدت گروه تحقق پذیر می‌شود.
۳- گروه را شخصیتی اجتماعی می‌بخشند
و تفویم زمانی آن را تدوین می‌کنند.
- دگرگونی اجتماعی Change, Social
ر. ک. Social Change
زنجیره غذایی Chain, Food
ر. ک. Food Chain
تولید زنجیره‌ای Chain Production
ر. ک. Domestic life
منش Character
ویژگی یا مجموعه‌ای از ویژگیهاست
که ماهیت اصلی یک فرد یا یک پدیده را
می‌رساند.
ر. ک. Personality
منش مكتسب Character, Acquired
ر. ک. Acquired Character
منش ملی Character, National

- گرفته شده است و در فارسی معادل‌هایی نظیر
تفضل، کرامت و ... یافته است.
- فره به معنای امکانات، موهبت‌ها و
استعدادهایی است که به فردی تفویض می‌شوند
و او را قادر می‌سازند که بر دیگران تأثیر
گذارد. در دین مسیح، فره به معنای عطیه‌ای
طبیعی، موقت و خداداد است که به فرد مؤمن
یا گروه مؤمنان اعطا شده تا بنای مذهبی جامعه
را قوام بخشند.
- در جامعه شناسی تفهیمی این مفهوم رواج
یافت. به نظر ماکس وبر یکی از پیشروان
این مکتب، رهبر فرهی (charismatic leader)
کسی است که معتقد است مأموریتی والادارد
و قدرت خود را ناشی از پایگاه‌های برین
می‌داند. قدرت فرهی با گسترش خردگرایی،
ماده‌گرایی، مصلحت‌گرایی و توسعه شیوه‌هایی
چون دیوانسالاری از محتوا نهی می‌گردد
و به جای آن که بر قدرت مبتنی بر فرد متکی
است، قدرت قانونی یا نهادی می‌نهند.
- وبر، رهبری فرهی را در برابر دو نوع
رهبری دیگر به ترتیب ذیل جای می‌دهد:
- ۱) اقتداری که بر اساس عادات و رسوم
آباء و اجدادی استوار است و آن را اقتدار
سنتی (Traditional authority) می‌خوانند.
- ۲) اقتدار ناشی از حقانیت و منبع از
قواعد یا قوانینی که به طرق عقلانی وضع
شده‌اند.
- جامعه بر اساس ضرورت و منافع خویش
قوانینی در جهت استقرار نظم و تضمین تداوم
حیات اجتماعی وضع می‌کند و شخصی را
- ر. ک. National Character
منش اجتماعی
ر. ک. Character, Social
Social Character
ساخت منش
Character structure
- ۱) در انسان‌شناسی جهت تأکید بر این
معنی بکار می‌رود که افرادی که تجربه فرهنگی
مشابهی دارند، از ساخت منش مشابهی نیز
برخوردارند. به نظر پیگل‌هول
(E. Beaglehole)، ساخت منش اجتماعی
را می‌توان سازمان نیازها و عواطف در درون
یک شخص دانست که موجبات پاسخ درست
او را در برابر ارزشهای اجتماعی مهم گروه
فراهم می‌سازند.
- ۲) در روان‌کاوی «شیوه‌های متداول
سازگاری «خود» با دنیای خارج و «فراخود»
یا سازمان‌گرایشهای رفتاری با میزانی از
تداوم است.
- ۳) در مواردی چند خود واژه منش در
معنایی مشابه با ساخت منش به کار رفته است،
(کاربرد مید G. H. Mead در اثرش ذهن،
خود و جامعه از این مفهوم چنین است).
- Characteristics, Acquired
ویژگی‌ها، مشخصات، صفات مكتسب
ر. ک. Acquired Characteristics
منش شناسی
Characterology
ر. ک. Social role
فره - فر
Charisma
- از ریشه یونانی در معنای لطف و عطیه

- و وطن پرستی افراطی نیز خوانده اند. این واژه از نام سربازی جسور و ملی گرا به نام نیکولا شودن (N.chauvin) که در زمان انقلاب خدمت می کرد، گرفته شده و نخستین بار در فرانسه به کار رفته است.
- شافر (B.C.Shafer)** در اثر خود ملی گرایی، اسطوره و واقعیت می نویسد: «يك زادبوم پرست، ملی گرایی متعصب و دستخوش وطن پرستی کورکورانه و حادث است که دیدگاههایی بسته و فاقد شناخت در مورد ملل دیگر دارد. او ضد خارجیان است و از افراد دیگر نژادها متنفر است.»
- (Nationalism, Myth and Reality, P: 207)*
- زادبوم پرستی، گرایش افراطی شده ملی گرایی (Nationalism) است. با گرایشهای نژادپرستانه قوم مرکزی (Ethnocentrism) نزدیک است که خود به زعم بعضی صورتی از خود مرکز (Egocentrism) یا حتی خود خواهی (Egoism) است که در نهایت به بیگانگی بیزاری (xenophobia) می انجامد.
- ر. ک. Ethnocentrism/xenophobia/
- Nationalism/Patriotism
- کنترل مثبت Checks, Positive
- ر. ک. Malthus
- کنترل پیشگیرانه Checks, preventive
- ر. ک. Preventive checks
- شیمی اجتماعى Chemistry, Social
- جهت اعمال آن قوانین بر می گزیند. این قدرت پایه های خرد گرایانه (Rationalistic) دارد.
- ر. ک. Authority/M.Weber
- اقتدار Charismatic authority
- فرهی
- اقتداری است فردی، مبتنی بر تفوقی شخصی و ناآموخته.
- ر. ک. Authority/ charisma
- نقاره Chart
- منشور Charter
- مکتب منشور خلق Charterism
- عقاید گروهی چند از معتقدان به نهضتهای خلقی، جمعی و منافع توده هاست که در سالهای بین ۱۸۳۷ و ۱۸۴۸ پا گرفت. نام این نهضت از اعلامیه اول آن تحت عنوان منشور خلق (Peoples charter) اخذ شده است.
- عصمت - پاکدامنی - شهوت کشی Chastity
- (۱) در معنای خاص، خودداری از هر نوع عمل جنسی را می رساند. (۲) در معنای عام، رعایت قوانین اخلاقی در امور جنسی است.
- ر. ک. Continenence in marriage
- Marital abstinence
- زادبوم پرستی - Chauvinism
- ملی گرایی افراطی
- گرایش تعصب آلود و کورکورانه نسبت به زادگاه. از اینروست که آن را خاک پرستی

ر. ک. Social chemistry

مکتب شیکاگو Chicago school

مکتبی است متشکل از دانشمندانی که بین دو جنگ جهانی در دانشگاه شیکاگو به کار پرداختند. از برجستگان این مکتب، باید بوجس (E. burgess)، پارک (R. park)، هربرت مید (G.H. Mead) و توماس (W. Thomas) را نام برد. زمینه اصلی مطالعات صاحب این نحله، شهر و شهرنشینی بود. بسط سریع شهر شیکاگو درین سالها و ورود سیل آسای مهاجران از اقصی نقاط جهان به این شهر، با خود امکانات و هم مسائل تازه‌ای را به همراه آورده بود. شهر همچون بوت‌های (Melting pot) افرادی بسیار از رنگها و فرهنگهای مختلف را در خود جای میداد. صاحب این مکتب برین اعتقاد بودند که تجربه حیات شهری به کلی از تجربه‌های زندگی در روستا تمایز دارد. آنان گروههای خاص پیدا شده در حیات شهری، اعم از گروههای متکی بر نژاد یا ملیت و یا شغل، را به مطالعه نهادند، روش اصلی مردم‌نگاری با اتکاء بر تعامل گرائی نمادی (symbolic interactionism) بود. باز یافت هویت گروهها و افراد درین مجموعه‌های جدید از طریق بررسی هویت مدرک (ادراک دیگران از فرد یا گروهی خاص) و ادراکی که خود از خویش داشتند مطمح نظر قرار می‌گرفت.

ر. ک. urban way of life

کار کودکان Child labor

استفاده از نیروی کار کودکان و نوجوانان. با تعمیم آموزش و اجباری شدن آموزش

ابتدایی، مقرراتی در کار برد این نیرو تنظیم شده است، این قوانین با در نظر گرفتن شرایط مکانی تنوع می‌یابد، اما همواره در جهت افزایش سن کار بوده است.

ر. ک. Child, Feral کودک وحشی

Feral child

سوسیالیسم Christian socialism

مسیحی

ر. ک. Socialism

مزمن Chronic

دارای ریشه‌ای منبعث از زمان است و: (۱) در معنای اصلی، مفهوم مزمن و طولانی از آن برمی‌آید و با Lasting, Lingering مترادف است. نظیر بیماری مزمن (chronic disease) یا طغیان مزمن (chronic rebellion) (۲) در معنای مجازی، سخت و ریشه دار را می‌رساند و با Severe, Intense مترادف است.

ر. ک. Synchronic, Diachronic,

Anachronic

وقایع نامه - روایت نامه Chronical

گاهشمارى کردن Chronogize

تنظیم وقایع بر حسب تاریخ و نوع آن.

زمان نگار Chronograph

سن حقیقی Chronological age

صاهشناسی Chronology

صاهسنجی Chronometry

میدان - محفل - دور Circle

- سرآمدان می‌داند .
 ۲) یونگ (M.Young) در اثرش
 پیدایی شایسته سالاری (۱۹۵۸) بر پیدایی
 معیارهای تازه ارتقاء مخصصاً از آموزش
 تأکید دارد و اثری شدن همین وسیله را نیز
 با بسته بودن مجراهای تحصیالی در برابر
 طبقات محروم مطرح می‌سازد .
- ۳) نظریه‌های پارتو (V.Pareto) در
 ایتالیا و سورل (G.Sorel) در فرانسه که از
 کتاب شاهزاده اثر ماکیاوول اقتباس شده‌اند.
 براساس این نظریه ماهیت هر دولتی حکومت
 متنفذان (Oligarchy) است . ویژگی
 سرآمدان حاکم ، دگرگونی در تناسب
 رسوبهای بقا و «تداوم انبوه‌ها» (تمایل به
 کاربرد زور ، ضدیت با اندیشه ، تعصب در
 درستی هدف و ...) و غریزه سازش (عدم
 تمایل به کاربرد زور ، برخورداری از نتایج
 حاصل از رهبری به جای تعصب در اعتقاد به
 درستی هدف ، روشن اندیشی و...) است .
 در آغاز يك انقلاب رسوب «بقای انبوه‌ها»
 بر رسوب «غریزه سازش» برتری می‌یابد، ليك
 بعد از آن، با آرامش و با تمایل به بهره جویی
 از حیات ، «شیران» جای خود را به روباهان
 می‌دهند و رسوب بقای انبوه جای خود را
 به رسوب غریزه سازش می‌بخشد و
 بدین سان نیز سرآمدان حاکم تغییر ساختی
 می‌یابند. به نظر پارتو زمانی که مانعی در راه
 دوران ، جابه‌جایی یا تغییر سرآمدان پدید
 آید، جامعه راه انحطاط می‌پیماید .
- دور باطل**
 Circle, vicious
 ر. ك.
 Vicious circle
- واکنش دوری**
 Circular reaction
 در جامعه شناسی ، بروز اثر یا انجام
 عملی است از جانب فرد، گروه یا سازمانی
 که خود به عنوان انگیزه موجبات بروز سلسله
 آثار و اعمالی را از جانب فرد، گروه یا
 سازمان مقابل فراهم سازد .
- ر. ك.**
 Feed-back, Retroaction
- کنش متقابل**
 Circular interaction
دورانی
 ر. ك.
 Interaction
- سرمایه در گردش**
 Circulating capital
 آدم اسمیت (A.Smith) سرمایه ثابت
 (Fixed capital) و سرمایه در گردش را
 از یکدیگر متمایز می‌سازد. سرمایه در گردش
 شامل داراییهای تولیدی مصرف شدنی
 (کالاهای تولیدی بی دوام) و داراییهای
 در گردش و دستمزدهاست .
- دوران طبقاتی -**
 Circulation, Class
گردش طبقاتی
 ر. ك.
 Class circulation
- دوران**
 Circulation of elites
سرآمدان
 تغییر برجستگان يك جامعه در زمینه‌های
 سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، نظامی و... که
 از سه دیدگاه مطرح شده است :
 ۱) داروینیسیم اجتماعی که بقای اصلح
 را مطرح می‌کند و اساس راد برتری جسمانی

Pareto/ Elites ر. ک.

Circulation, Social دوران اجتماعى

Social circulation ر. ک.

City of refuge پناه شهر

شهرى خاص که توسط عبریه‌ها در عهد باستان بنا می‌شد تا فردى که به‌طور غیر عمد مرتکب جنايتى شده بدان پناه برود و از شر انتقام برهد. چنین شهرهاى دودوران گذرایی از تاریخ که در طى آن انتقام فردى جای خود را به رسیدگى قانونى می‌سپرد، پدید آمدند. فردخاطى در داخل آن شهرها از انتقام خلاصى می‌یافت و رسیدگى به جرم به قانون واگذار می‌شد.

Right of sanctuary ر. ک.

City planning برنامه‌ریزى شهری

—تنسيق امر شهرى است بصورتى که هر جزء شهر در مجموعه‌ای کارا و پیوسته قرار گیرد، زندگى انسانها در درون شهر تسهیل گردد، انواع خدمات شهرى با حداکثر کارایی به‌کار گرفته شود تا تطور شهر به‌سوی آینده شکلى ضربه‌ای و غیر منتظره نداشته باشد. بدین سان، برنامه‌ریزى شهری از سویی اقدامی جهت آسان ساختن برخورد حال با آینده شهر است.

—از دیدگاه تاریخی، برنامه‌ریزى شهری با تولد شهرها آغاز شده است. در زمانهای دور که حفاظت از حیات شهرى مطرح

بود، قلعه‌ها، برجها و باروهای اطراف شهر، مرز شهر را تعیین می‌کردند؛ پس از آن، با ریزش دیوارهای بلند شهر که با ساز و کار جدید دفاع، کارکرد خود را از دست دادند، فضاهاى زیر و بالای شهر حیات و اهمیتی خاص یافت، بسیاری از وسایل حمل و نقل در زیر شهر جای یافت. همانطور که بسیاری از ابزارهای انتقال پیام به زیر زمین انتقال یافت. با این حرکت، برنامه‌ریزى بالای شهرى نیز آغاز گردید و صعود ساختمانها به‌سوی فضا، لزوم تنظیم این حرکت را ایجاب می‌کرد. بدین ترتیب، در مجموع، ابعاد طولی عرضی، ارتفاعی وزیر شهرى تابع نقشه کلان (Macro — plan) شد تا همه شهر در نظامی یکپارچه (Integrated System) جای گیرد.

Civil مدنى - شهری

Civil disobedience نافرمانى شهر نشینان

این مفهوم توسط ثورد (H.D. Thoreau) در اثرى به همین نام به‌کار آمد. معنای خاص آن قیام مردم شهر نشین علیه نظام برده داری با عدم پرداخت مالیاتها بود. در این معنا نافرمانی از قانون موجود در جهت تبعیۀ روابطی بهتر صورت می‌گیرد.

Civil government حکومت مدنى -

حکومت غیر نظامی

Civil liberties آزادیهای مدنى

آزادیهایی چند با ابعادى چون آزادی

پیچیدگی در فنون، اعتقاد به خرافات و جادو کاهش می‌پذیرد و با لطف پیشرفت تمدن حاصل می‌آید.»

(Anthropology, P:303)

— بیلز (R.L.Beals) و هویجر (H.Hoijer)

علاوه بر پیچیدگی، بر کمیت و نه کیفیت به عنوان معیار تمیز فرهنگ از تمدن تأکید کرده می‌نویسند: «تمامی تمدن‌ها از جمله تمدن‌های بزرگ امروز و زمانهای باستان، به جهت کمیت محتوایشان و پیچیدگی الگوهایشان و نه کیفیت آنان از فرهنگ‌های به اصطلاح غیر متمدن، تمیز می‌یابند.»

(An introduction to anthropology, P:227)

ج: تمدن همان فرهنگ است، زمانی که فرهنگ پیشرفته‌تر و از نظر کیفی دارای عناصر عالیت‌تری است.

۲) دیدگاهی که آن‌را به کلی جدا از فرهنگ می‌داند. در این صورت فرهنگ در برگیرنده اندیشه‌ها، اساطورها، مذهب، هنر و ادب خواهد بود و تمدن مترادف با خلاقیت انسانی است و علوم و فنون را در بر می‌گیرد، که میتوان چندویژگی اساسی آن‌را چنین برشمرد:

الف — همان‌طور که از نامش برمی‌آید، تمدن متضمن شهر نشینی است و با پیدایی آن تکوین می‌یابد. پس هرچند در مورد روستاها واژه فرهنگ بخوبی به کار می‌آید، لفظ تمدن جز در صورت وجود شهر به کار

بیان (Free expression)، قلم، تشکیل سازمانهای عقیدتی و ...

حقوق مدنی Civil rights

حق رأی، گزینش شغل، انتخاب محل اقامت، برخورداری از حقوق مشروع در یک حکومت مردم سالار.

تمدن Civilization

از ریشه‌ای لاتینی و به معنای شهر اخذ گردیده است. اما معنای یکسانی برای همگان ندارد. سه دیدگاه اساسی در مورد آن قابل تمیزند، بدین‌تقریب:

۱) دیدگاهی که آن را شکلی از فرهنگ می‌داند و در چارچوب آن سه وجه قابل تشخیص است:

الف: تمدن و فرهنگ مترادف‌اند: تایلور (E. B. Tylor) در این باره می‌نویسد: «تمدن یا فرهنگ در معنای وسیعش در مرده‌شناسی، همان کل پیچیده‌ای را می‌رساند که شامل دانشها، باورها، هنرها، حقوق، اخلاق، آداب و رسوم و هر توان یا عادت مکتب‌توسط انسان به عنوان عضو جامعه است.»

(Primitive culture, P:1)

ب: تمدن همان فرهنگ است زمانی که فرهنگ پیچیده‌تر و دارای شماری از ویژگیهای قابل رؤیت است. این دیدگاه غالب اندیشمندان امروزی است، هر چند که همواره یکسان نیست، به عنوان مثال:

— کروب (L. Kroeber) بر پیچیدگی فنی تمدن تأکید دارد و می‌نویسد: «با افزایش

کلان

Clan

نمی رود .

ب - تمدن جنبه کلی و گاه جهانی دارد و از این جهت نیز با فرهنگ تفاوت می یابد. چه، تمدن فضای جغرافیایی وسیع و گاه چند ملت را در بر می گیرد و حال آنکه فرهنگ حوزه ای محدودتر دارد. چند ملت که دارای تمدن واحدی هستند، می توانند فرهنگهای

مختلفی داشته باشند. هوبرت (R.Hubert) تا آنجا پیش می رود که تمدن را مجموعه ای از ارزشهایی می داند که در مورد تمامی نوع بشر قابل اعمالند. گذشته از این، جامعه ای می تواند فاقد تمدن باشد، یا چنین بحساب آید ولیک هر جامعه دارای فرهنگ خاص خویش است.

دیدگاهی که در آن تمدن معنایی فراگیر دارد و علاوه بر علوم و فنون پدیده های دیگر را نیز در بر می گیرد.

تمدن در این معنای گسترده مجموعه عناصر اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، مذهبی و فرهنگی است. از همین روست که در فرهنگ لالاند (Laland) می خوانیم: «یک تمدن مجموعه ای است از پدیده های اجتماعی که قابل انتقالند و جنبه های مذهبی، اخلاقی، زیبایی شناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط به یکدیگر را به خود می گیرند.»

Culture

ر. ک.

Civilized

متمدن

از ریشه Clann به معنای خانواده بزرگ گرفته شده و از مفاهیم اساسی در شناخت جوامع ابتدایی است. در مورد کلانها عقاید یکسان نیست لیک به طور کلی می توان خصوصیات ذکر شده در مورد کلانها را چنین برشمرد:

- (۱) محدودیت کسمی: جمعیت کلان نمی تواند از حد معینی تجاوز کند، در این صورت به کلانهای کوچکتر تقسیم می شود.
- (۲) خویشاوندی: اعضای کلان با یکدیگر وحدتی منبث از خویشی خاص دارند. همه می بندارند که از نیایی مشترک منشأ یافته اند و رئیس کلان مظهر همبستگی اعضای است.
- (۳) مکان مشترک: افراد کلان در یک ناحیه به طور مجتمع زندگی می کنند. هر چند که همواره چنین نیست. به عنوان مثال «ادکلیف براون» (A.R.Radcliffe - Brown) و «فورد» (D.Ford) می نویسند: «اعضاء کلان می توانند مجتمع یا پراکنده باشند، گروهائی مشکل و یا غیر مشکل تشکیل دهند. اما در هر حال کلان گروهی را می رساند که از نسبی یک سویه برخوردار است و تمامی اعضای خویشاوند یکدیگرند.»

(African Systems of Kinship and Marriage, P. 4)

(۲) نهادهای مشترک: اعضای کلان می توانند هویت خود را در لوای توتم مشترک بیابند. توتم می تواند یک گیاه یا یک حیوان باشد که

همه اعضا خود را مربوط بدان و ازخاندان آن می‌دانند و معمولاً جزئی از آن را باخود حمل می‌کنند. به عنوان مثال، اعضاء کلان خرومی همواره پری از آنرا به‌همراه دارند. لیکن وجود توتم نیز همواره شرط لازم برای تشکیل کلان نیست. کلانها همواره دارای تباری يك جهتی (یا پدر و یا مادری) هستند، ليك، گاه برون همسرند، گاه درون همسر، گاه پدر تبارند، گاه مادر تبار.

Totemism ر. ك.

Clandestine marriage ازدواج
خصوصی

زناشویی بدون رعایت تشریفات دینی و یا حتی عرفی. در قرن دوازدهم، کلیسایین ازدواج قانونی و ازدواج معتبر تمایز گذارد. ازدواج با حضور کشیش و رعایت تشریفات دینی، قانونی به‌شمار می‌رفت و حال آنکه زناشویی با رضایت طرفین وادای این جمله: «من، ترا به‌عنوان همسر بر می‌گزینم» صرفاً معتبر شناخته می‌شد. با این‌همه، چون ازدواج خصوصی فاقد اهمیت نیز به‌شمار می‌آمد، احتمال طلاق را افزایش می‌داد و گاه موجبات بروز فجایعی را نیز فراهم می‌ساخت، از اواسط قرن شانزدهم، براساس تصمیم‌شورای کلیساها، فقط ازدواجی قانونی و معتبر بود که در برابر يك کشیش و سه شاهد برگزار شود.

Common law marriage ر. ك.

Class طبقه

گروهی از افراد که از بسیاری جهات دارای ویژگیهای مشترك هستند. نوع طبقه و ویژگیهای مشترك با توجه به اینکه این مفهوم در معنای عام و یا خاص و دقیق به‌کار رود، متمایز خواهند بود:

الف: در معنای عام، طبقه گروهی از افراد را می‌رساند، با يك یا چند ویژگی مشترك در سلسله‌مراتب اجتماعی، نظیر طبقات سنی (در جوامع مبتنی بر رده‌های سنی Age grades)، شغلی، درآمد ویا ...

ب) در معنای تخصصی و دقیق در جامعه شناسی طبقه اهمیت و ابعادی بسیار می‌یابد و تعاریف دقیقی دارد که در سرفصل طبقات اجتماعی مطرح شده است.

Social class ر. ك.

Class, Age طبقه سنی

Age class ر. ك.

Class action کنش طبقاتی

Class barriers موانع طبقاتی

سدها، دیوارها و حصارهای طبقاتی است که دريك قشر بندی مبتنی بر طبقات، فاصله بین انسانها را موجب می‌شود. در صورت نفوذ ناپذیر بودن این دیوارها، کاست پدید می‌آید.

Class Circulation دوران طبقاتی

حرکت، جابه‌جایی یا تغییر موضع افراد از طبقه‌ای به طبقه دیگر (مخصوصاً به طور عمودی).

- Circulation of elite, ر. ك. منظومه طبقاتى Class constellation
Social mobility تصوير كلى جامعه است با توجه به تعدد، تنوع و فاصله طبقاتى در درون آن .
Class communication ارتباط طبقات - ارتباط طبقاتى Class culture فرهنگ طبقاتى
Class consciousness آگاهى طبقاتى Class differentials ضرايب تفاوت طبقاتى طبقاتى
(۱) در فرهنگ ماركس گرايان (كهوازه در شناخت علل و عوامل عمل اجتماعى
نيز از آنان منشأ گرفته است) به معنای آگاهى در يك جامعه طبقاتى، يكي از مهمترين عوامل،
طبقات از هويت، خواستها و منافشان است. تعلق طبقاتى است. بسدين معنى كه كنى و
پوپر (K.R. popper) در اثرش «جامعه باز واكنش انسانها تا حد زيادى با توجه به طبقه
و دشمنانش» مى نويسد: «آگاهى طبقاتى خاص آنان و امكاناتش قابل شناخت است.
نشان دهنده آن است كه چگونه وضع عيى نمايز طبقاتى Class differentiation
يك طبقه در ذهن اعضاء آن تبلور مى يابد. تبويض طبقاتى Class discrimination
يا به بيانى ديگر و با وابستگى كمتر به هگل، نابرابرى امكانات ويا توزيع مواهب،
مى توان گفت اعضاء يك طبقه از وضع طبقاتى فرصتها و امكانات اجتماعى است با توجه به
خود آگاهى مى يابند و تا زمانى كه اين آگاهى تعلق طبقاتى .
فراهم نيابد، طبقه اجتماعى نيز به وجود فاصله طبقاتى Class distance
نمى آيد» ارتقاء و رشد طبقه متوسط مى تواند در
(The open Society and its كاهش فاصله طبقاتى موثر افتد. از عوامل
Enemies, P:115) اساسى فاصله طبقاتى، نابرابريهاى آموزشى،
۲) خارج از محدوده ماركس گرايى، كمبود تحرك اجتماعى، عدم توزيع متعادل
اين مفهوم با تركيباتى چون آگاهى قومى، ثروتها و امكانات و ... است كه در نهايت به
ملى و ... در بر گيرنده ميزان گسترده اى از شكاف طبقاتى مى انجامد.
همبستگى و اهداف مشترك گروهى خاص در شكاف طبقاتى Class gap
داخل يك قوم يا ملت است، كه اغلب آنان Class distance ر. ك.
شرائط بالنسبه مشابه، مهارتهاى مشابه، خصوصت طبقاتى Class hostility
موقعيتى يكسان در نظام توليد دارند و به نوعى آرمانهاى طبقاتى Class ideals
از جمع پيرامون احساس جدائى مى كنند. ایده اولترى طبقاتى Class ideology
Consciousness of Kind ر. ك.

- Ideology** ر. ك. **محدودیت‌های طبقاتی** Class restrictions
Class interest منافع طبقاتی
 چون هر طبقه موضع خاصی در درون نظام جامعه دارد و در شبکه تولید نیز از شرایطی خاص خود برخوردار است، در نتیجه منافع خاص خود دارد و در برابر طبقات دیگر قرارداد می‌گیرد. آگاهی از شرایط طبقه خویش و تقابل آن با منافع طبقات دیگر، آغازی است بر تنازع اجتناب ناپذیر طبقات.
- Class, Leisure** طبقه تن آسان
Leisure Class ر. ك.
Class, Middle طبقه متوسط
Middle class ر. ك.
Class mobility تحرك طبقاتی
 جامعه طبقاتی برخلاف جامعه کاستی مبتنی بر جابه‌جایی نسبی افراد است، که پارتو آن را از دیدگاه گردش یا دوران سرآمدان (Circulation of elite) می‌بیند.
- Circulation of elite/Social mobility / Elite** ر. ك.
Class opportunities فرصت‌های طبقاتی
 مجموعه فرصت‌ها و امکاناتی که فرد با توجه به تعلق طبقاتی خویش می‌یابد.
- Class relations** روابط طبقاتی
 از دیدگاه کسانی نظیر مارکس، روابط طبقاتی مبتنی بر تضاد، تعارض و کشمکش است و پیوند يك انسان در يك آن در دو طبقه میسر نیست.
- Social class** ر. ك.
- Ostracism/Racial segregation** ر. ك.
Class separation جدایی طبقاتی
Class, Social طبقه اجتماعی
Social class ر. ك.
Class society جامعه طبقاتی
Class struggle تنازع طبقاتی
 کشمکش متقابل بین طبقات اجتماعی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. این مفهوم را مارکس گرایان، سندیکایی‌ها و دانشمندان علوم اجتماعی هر يك در معنایی به کار برده‌اند:
- الف: از نظر مارکس گرایان، تنازع طبقاتی امری اجتناب ناپذیر است و در تمامی طول تاریخ بین بهره‌کشان و استثمارشدگان دیده می‌شود. از این رو در «بیانیه کمونیست» از مارکس و انگلس می‌خوانیم: «تاریخ تمام جوامع موجود جهان، تاریخ تنازع طبقاتی است. آزادگان و اسیران، اشراف و توده‌های خلق، لردها و بردگان، ارباب

اصناف وزیردستان آنان، و بالاخره زورمندان
ضعفا، همواره در مقابل یکدیگر قرار
گرفته اند.»

(The Communist Manifesto,
PP:9-10)

ب: سندیکایی ها نیز آن را امری اجتناب
ناپذیر می دانند، (لیک: ۱) آنان به دنیای
امروز یعنی مبارزهٔ ارباب صنایع و کارگران
توجه دارند؛ (۲) دارای بعد عقلانی چندان
قوی نیستند، بلکه ابعاد عاطفی و عملی مطمح
نظر آنان است؛ (۳) ابعاد علمی که گروه اول
مدعی آن است در نظریات ایشان نیست.

ج: از نظر دانشمندان علوم اجتماعی،
تنازع طبقاتی تنها بعد مادی و اقتصادی ندارد
و جلوه های آن نیز تنها در امور مادی نیست.
دیدگاه مک آیور (R.M. MacIver) نمونه ای
از کاربرد واژه درین معناست: بزعم او «هر
چند مسائل اقتصادی در اکثر موارد، مرکز
ثقل تنازع بین گروهها یا طبقات است، بسیار
ساده لوحانه خواهد بود، چنانچه تنها تبیین
این تنازع را در این مباحث بدانیم. گروهها
هستند که به تنازع با یکدیگر برمی خیزند و
نه تنها منافع اقتصادی آنان و هر گروه از نظر
درونی بهم پیوسته است، همانطور که از
دیگر گروهها، به جهت مجموعه ای از شرایط
که در جریان تاریخ موجبات پیدایی گروه را
به عنوان یک واحد خاص فراهم ساخته است،
جداست.»

(The Web of Government ,
P:135)

طبقه بالا Class , upper

ر. ک. Upper class

طبقه کارگر Class, Working

ر. ک. Working class

شرطی Classical conditioning

سازی کلاسیک

ر. ک. Conditioning

مکتب کلاسیک Classical School

– آیینی در اندیشهٔ اقتصادی – اجتماعی
که در فارسی، اقتصاد متداول نیز خوانده
شده است.

– اثر آدام اسمیت (A. Smith) با نام
تحقیق در ماهیت و علل ثروت ملل در بنای
این مکتب مؤثر افتاد و بسیاری چون ریکاردو
(D. Ricardo)، جان استوارت میل
(J. S. Mill) و مالتوس (T. R. Malthus)
در تحکیم آن کوشیدند.

– چند گزارهٔ اصلی این مکتب چنین اند:

(۱) انسان در پی سود خویش است و
حداکثر نفع را با حداقل کار جستجو می کند.
(۲) انسان در این فرایند (جستجوی سود)
آگاهانه عمل می کند و دچار اشتباه نمی شود.
(۳) ماشین اقتصادی جامعه بدون دخالت
دولت بهتر به حرکت می افتد، زیرا انسان
آزادانه به کار اقتصادی پرداخته و تمایل
مقابل انسانها به کسب سود، موجبات تعادل
را در کل جامعه فراهم می سازد.

(۴) تمایلاتی چون محبت، گذشت و...
تأثیر مهمی بر رفتار انسان ندارند.

(۵) با توجه به اینکه در هر کشور امکانات طبیعی و انسانی خاصی موجود است، تولید محصولی خاص هم از نظر کیفی و هم از نظر قیمت تمام شده در کشوری معین مقرون به صرفه است، در نتیجه هر کشور باید در محصولی ویژه تخصص یابد و به نوعی تقسیم کار بین المللی برسد و مرزهای گمرکی ناپدید شوند.

هدف این مکتب از استدلال فوق این بود که دولت باید فقط حافظ نظم باشد. به همین دلیل هر اقدامی در جهت حمایت دولت (Protectionism) یا مداخله در اقتصاد (Interventionism) را مردودی دانستند. آنان با تکیه بر سرمایه داری لیبرال اندو شکوفایی عصر بورژوازی با این اندیشه ها میسر شد. این مکتب را لیبرالیسم اقتصادی (Economic liberalism) و مکتب فردگرا (Individualistic School) و همچنین مکتب راست آیین (orthodox School) می خوانند.

ر. ک. - Capitalism / Homo

Oeconomicus / Bourgeoisie

طبقه بندی Classification

نظام مبتنی Classificatory system

بر طبقه بندی

در فرهنگ خویشاوندی به نظامی اطلاق می شود که در آن واژگان کمی برای مشخص ساختن خویشاوندان وجود دارد. کردک پدر و عمو را پدر خطاب می کند، پسر عمو را برادر می نامد. این اصطلاح را مورگان

(Lewis Morgan) مطرح ساخت و داد کلیف

براون (A.R.Radcliffe - Brown) در اثرش با نام ساخت و کار کرد در جامعه ابتدایی به طور مبسوط بدان پرداخت.

محرمانه - طبقه بندی شده Classified

- در معنای خاص علوم اجتماعی به جامعه ای اطلاق می شود که حائز نظام طبقاتی (Classified Society) باشد

- در روشهای تحقیق شیوه هایی خاص را میسرساند که در جریان پژوهش به کار می گیرند، نظیر نمونه گیری طبقه

(Classified Sampling)

- در طبقه بندی اسناد اداری، اسناد سری را مستفاد میدارد.

- در موارد عام نمایانگر هر نوع دسته بندی است، نظیر آگهیهای دسته بندی شده.

هراس از فضای بسته - Claustrophobia

تنگنا هراسی - تنهایی هراسی

ریشه لغت به معنای ترس غیر عادی و بیمارگونه از فضاها ی بسته است. لیک در روانشناسی آسیبی حالتی روانی را میسرساند که شاخص آن هراس از تنهایی است. مفهوم مقابل آن انبوه هراسی (Agoraphobia) است. (بدان ر. ک)

جامعه شناسی Clinical sociology

بایینی

آن شاخه از جامعه شناسی کاربردی یا اعمالی است که یا (۱) به تحلیل گزارشهای روانپزشکان اجتماعی در جهت حل معضلات

- مدت و به منظور تحقق اهدافی چند می‌رساند .
هرچند این مفهوم در مورد احزاب سیاسی
رایج است ، اما در مواردی پیوند بین چند
ملت را نیز مستفاد می‌دارد .
- ر.ك. Alliance/ Allegiance
همکاری
اجباری
Coerced cooperation
ر.ك. Cooperation
اجبار
Coercion
فرآیند مجبورسازی فرد یا گروهی دیگر،
(اغلب با تهدید) به انجام عملی خاص یا
ترك عمل در جهت تمایل فرد یا گروه مجبور
کننده و به رغم خواست او (آنان) .
- ر.ك. Cooperation
اجبار
Coercion, Non - violent
بدون خشونت
ر.ك. Non - Violent Coercion
خویشاوند - خویشاوند مادری
Cognate
از پیشوند Co به معنای «با هم» و
gnate «دنیا آمدن» به دست آمده است و
داشتن يك منشأ خانوادگی را می‌رساند.
۱) در معنای محدود ، در برابر مفهوم
خویش پدری (Agnate) ، خویشاوندی از
طریق مادر را می‌رساند .
۲) در معنای عام اشخاصی را در بر
می‌گیرد که جد یا جد مشترک دارند .
- ر.ك. Agnation
شناخت
Cognition
واژه‌ای است از افلاطون و ارسطو که
- ناشی از انطباق افراد با شرایط شغلی و به طور
کلی محیط انسانی ، اجتماعی و زیستی
پیرامون می‌پردازد و یا ۲) به راهیابی جهت
سازگار سازی برونی و درونی سازمانهای
اجتماعی .
- ر.ك. Social psychiatry/ Sociology
نظام بسته
Closed System
در قشر بندی اجتماعی زمانی است که در
آن تحرك اجتماعی برای افراد ناچیز یا غیر
ممکن باشد. نظام طبقاتی که متسلزم تحرك
اجتماعی است، متضمن نظام بسته نیست، ليك:
جامعه کاستی (Caste Society) و جامعه
مبتهی بر آپارتاید (Apartheid) دارای
نظام بسته اند .
- ر.ك. Open system, Ascriptive
نمونه گیری
Cluster sampling
خوشه‌ای
ر.ك. Sampling
انطباق مشترك
Co - adaptation
بدان انطباق اجتماعی
(Social adaptation) و همچنین تنسيق
اجتماعی (Social coordination) نیز
اطلاق می‌شود. فرایند ایجاد وحدت، هماهنگی
و هم‌جهتی در فعالیتهای اعضا يك گروه است.
- ر.ك. Adjustment/ Accommodation/
Adaptation/ Coordination
اتلاف
Coalition
پیوند نیروها یا گروههایی را در کوتاه

از آن عمل شناخت یا استعداد توان شناختن و درك کردن برمی آید. از این رو واژه عام است و تمامی جهات گوناگون دانایی را چرن ادراك، داورى، استدلال، اندیشه، تخیل و یادآوری، می‌رساند.

ر. ك. Agnostic/Mysticism, Science, Epistemology, Intuitionism/ Sociology of Knowledge

ناهماهنگی Cognitive dissonance
شناختی

در برابر هماهنگی شناختی (Cognitive Consonance) قرار می‌گیرد و فستینگر (L. Festinger) وضع‌کننده آن است. به نظر او هر فرد می‌کوشد تا بین ارزشها، باورها، عقاید و نظراتش هماهنگی وجود داشته باشد. به عنوان مثال، زمانی که معتقد می‌شود تحصیل خوب است، سعی می‌کند خود یا حداقل فرزندش را بدان برانگیزد. البته این کوشش در اعتیاد سخت بسی نتیجه می‌ماند. به عنوان مثال، شخصی می‌داند الکل بد است، لیک بدان دست می‌زند. از این حالات خاص استثنایی و مرض آلود که بگذریم ناهماهنگی شناختی با عدم تطبیق رفتار با عقاید یا عقاید با یکدیگر مشکل روانی پدید می‌آورد.

ر. ك. Cognitive Consonance

تکثر شناختی Cognitive multiplexity

در برابر شناخت بسیط یا ساده، تعدد شناختها را می‌رساند که گاه با تضاد بین آنان نیز همراه است. تعارض شناختها، تعادل شخصیت را دچار اختلال می‌سازد.

شناخت گزینی Cognitive selectivity

هر کس بناچار باید در برابر کثرت لایتنهای شناختها، بعضی را برگزیند. این گزینش تابع امکانات، انگیزه‌ها و شناختهای قبلی است.

نظام شناختی Cognitive system

مجموعه به هم پیوسته شناختها در باب جهان پیرامون است. نظام شناختی می‌تواند از چند خوشه (Cluster) تشکیل شود و منظومه شناختی (Cognitive Constellation) را بسازد.

شناخت درمانی Cognitive Therapy

در شرایط جمعی، در مباحث تکاپو شناسی گروهها (Group dynamics) و گروههای برخوردی (Encounter groups) مطرح است. هدف آگاه سازی بیمار (روانی) از مسائل خویشتن است. کوشش محقق در تمامی برهه‌های کار کمک به بیمار (بیماران) است تا خود به حل مساله خویشتن و قبل از آن آگاهی از علل ناراحتی اش (شان) برسد (برسند). از دیدگاهی دیگر و با شیوه‌های بسیار متمایز روانکاوی (Psycho-analysis) نیز همین هدف را تعقیب می‌کند.

شناخت پذیری - قابل شناخت Cognizable

همبالینی Cohabitation

زندگی مشترك بین يك زن و يك مرد،

شیوه‌ای در جلوگیری از باروری .

بدون آنکه با یکدیگر قرارداد زوجیت بسته باشند. رابطه جنسی در زندگی مشترک مفروض است .

کلن Coleman (James.S)

ر. ك. Promiscuity/ Marriage by trial/Morganatic marriage/ sigha/ Concubinage

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۱۲) با زمینه‌های کار بسیار متنوع. از جمله : جامعه شناسی ریاضی ، که در آن اثری با نام «مقدمه‌ای بر جامعه شناسی ریاضی» پدید آورد. جامعه شناسی پرورش و آموزش که کتاب برابری فرصتهای آموزشی را در این زمینه به نگارش درآورد. جامعه شناسی سیاسی که در آن حکومت از طریق اتحادیه‌های منفی را برشته تحریر درآورد. فرهنگ و جوانان که در این زمینه ، به کار تهیه اثری با نام جامعه نوجوانان پرداخت و در آن از ضد فرهنگ (Counter-Culture) یا فعالیت گروههای مقاوم در برابر فرهنگ رایج سخن به میان آورد .

انجام Coherence

به هم پیوستگی Cohesion

شاخصی در شناخت میزان وحدت و انسجام گروه است و کشش گروه را برای اعضای آن میرساند. در شاخه‌های گوناگون دانش اجتماعی ، مخصوصاً پویایی شناسی گروه به کار می‌رود و معمولاً با مفهوم Cohesiveness به‌طور مترادف استعمال می‌شود. هر چند مفهوم اخیر در پویایی گروهی رایجتر است .

اقتصاد خوشه Collecting economy

نسل Cohort

چینی

در جمعیت شناسی ، به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند . (گروهی که در یک زمان فارغ التحصیل میشوند. گروهی که در زمانی بالنسبه نزدیک بدنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند)

در برابر اقتصاد کشاورزی ، دامداری و بطور کلی مبتنی بر تولید قرار می‌گیرد . در این مرحله با انسانی مواجهیم پذیرا در مقابل طبیعت ، ضعیف و منقاد قدرتهای پیرامونش. او هیچ اثر خلاق بر محیط پیرامون نمی‌گذارد، مطیع طبیعت است و هر لحظه غذای یک منطقه پایان یا بد به جایی دیگر کوچ می‌کند.

جماع منقطع - Coitus interruptus

عزل

عمل جماع بدون ادخال منی به عنوان

جمع‌آوری - مجموعه - Collection

گردآوری

- رفتار جمعى** Collective behavior **فرهنگ** Collection Culture
- پارك (R.E.Park)، مبدع واژه، رفتار جمعى را رفتارى مى‌داند كه «از هر تجمع انسانها منشأ گيرد و در آن اندیشه و عمل هر فرد تحت تأثير حالات ذهنى جمعى قرار مى‌گيرد كه هر كس در آن مشاركت دارد و بدان كمك مى‌كند.»
- (Collective behavior, P.63)
- از اين رو، موضوعهاى از قبيل طغيانهاى جمعى، هراسها، انقلابها، نهضتها، عقايد عمرى و شايعات، در اين مبحث مورد مطالعه قرار مى‌گيرند. بعضى از اين موضوعها آنى هستند، نظير هراسهاى جمعى، شايعات و... بعضى ديگر طولانى و مستلزم برنامه ريزى مانند نهضتها و...
- رفتار جمعى داراى ويژگيهاى زير است:
- (۱) رفتارى است كه در آن تعداد قابل توجهى از افراد كه تمامى آنها در جريان برانگيزى متقابل قرار گرفتند، مشاركت دارند.
- (۲) اين رفتار تابع هنجارهاى معمول گروه نيست. از اين رو مفاهيمى چون فرهنگ و ساخت گروه منعكس كننده ماهيت آن نيستند.
- (۳) رفتار جمعى معمولاً به طور ابدى تجالى آغاز مى‌شود و بيان احساسات و انگيزه‌هاى
- جمع - جمعى** Collective
- به عنوان صفت هر آنچه را كه با هر جمع (گروه، طبقه و...) ارتباط يابد، مى‌رساند. و در تعبيرات بسيارى بكار مى‌آيد:
- عمل جمعى** Collective action
- كنش ناشى از اقدامى جمعى جهت تغيير وضع كنونى، چه براى هميشه، چه براى زمانى کوتاه.
- مذاكره جمعى** Collective bargaining
- در اصطلاح فرايند و حق گفتگو بين يك كارفرما يا جمعى از كارفرمايان با كارگران يا يك واحد سنديكائى، به منظور پيدا كردن راه حلى جهت احقاق حقوق متقابل آنان را مى‌رساند.

طبیعی گروه است. ليك مى تواند گسترش یافته و با توجه به مجراهایی که در آن جریان پذیرد، صوری خاص و گوناگون یابد.

— در مورد ارزشیابی پدیده های جمعی، دو اندیشه به کلی مغایر به قرارزیر وجود دارد:

۱- بعضی تجمع افراد بسیار را امری خطرناک می بینند. اعتقاد دارند زمانی که افرادی بسیار به هر جهت درجایی جمع می شوند، خصلتهای زیر پدید می آید: الف: فقدان احساس مسئولیت: فرد در بین جمعی انبوه قرار می گیرد و حالتی غیر فردی (Deindividualized) می یابد. می داند هیچ کس انگشت به سوی او ندارد، بنابراین خود را در انجام هر عمل آزاد می بیند.

ب: کاهش هراس: جمع همچون پوششی محافظ فرد را در بر می گیرد، بنابراین او به عملی که در تنهایی از آن هراس دارد، در بین انبوه به سادگی دست می زند.

ج: هیجان: يك شعار، يك فریاد عوام پسند، جمع را به هیجان می آورد و بنابراین عمل جمع صورتی غیر عقلانی (Irrational) و غیر قابل پیش بینی (unpredictable) می یابد.

د: تبلور: بدین سان و در این شرایط، آنچه در وجدان ناآگاه یا آگاه فرد به صورتی

مبهم و غیرکارا جمع گشته، یکباره تبلور می یابد، تند وحاد می شود و اقداماتی جنون آمیز را برمی انگیزد. از این رو، فردی آرام با عقایدی کم و بیش مخالف سیاهان، در يك جمع نژاد پرست اقدام به لینج یا قطعه قطعه کردن سیاهپوستی می نماید. معروفترین دانشمندی که به این ویژگیهای جمعی اعتقاد دارد، گوستا دلون (G. Le Bon) است.

۲- بعضی دیگر، جمع را چندان بی خرد نمی دانند: به عنوان مثال، ژرژ رود (George Rude) با بررسیهایی که در زمینه طغیانهای کارگری به عمل آورد، نتیجه گرفت که جمع برخلاف اندیشه لوین با آگاهی عمل می کند، می اندیشد و قابل کنترل است. در سال ۱۹۶۰ در جریان شورش مردم برای غذا، به هردکانی حمله نشد، بلکه مغازه هایی خاص با پیشینه های ویژه مورد تهاجم قرار گرفت، در دیگر شورشها نیز می بینیم که در آغاز معمولاً شورشیان با پلیس به بحث و گفتگو می پردازند، پس آن طور که لوین می پنداشت وحشی نیستند.

برغم تخالف دو عقیده فوق و با استفاده از دستاوردهای تحقیقات جدید، اخذ چند نتیجه ممکن به نظر می رسد.

۱- نخست آنکه جمع برخلاف اندیشه لوین همواره وحشی نیست. جمع می تواند مظهر خشونت تام و یا رأفت و عواطف سرشار

باشد . زمانی که در يك زمین لرزه کودکانی کشته می‌شوند ، همه به کمک می‌شتابند و درمددکاری بر یکدیگر سبقت می‌جویند .
۲- جمع می‌تواند به پیوند آنانی انجامد که در جریان عادی حیات از هم جدا هستند . در يك واقعه هراس آمیز ، افراد بدون تعلق طبقاتی وبدون توجه به ظواهر ، گرد هم می‌آیند ، انس می‌گیرند و می‌آمیزند .

۳- جمع هرچند که در صورت فقدان رهبر وتراکم هیجان دست به اعمالی غیر عاقلانه می‌زند ، ليك این نتیجه قابل تعمیم نیست . زمانی که نهضتی از قبل تمهید شده ، رهبری مقبول داشته باشد ، عمل جمع هم قابل کنترل وهم تا حدودی پیش بینی پذیر خواهد بود .

Crowd / LeBon . ر . ك .

وجدان جمعی Collective Conscience

اصطلاحی است در ترجمه استفاده دورکیم قرارگرفت . وی وجدان جمعی را مجموعه‌ای از باورها و احساسات جمعی می‌دانست . بزعم او وجدان جمع یا «روح جمیع» دلیل تداوم جامعه و پیوند نسلیها در خلال اعصار وقرون است . منبع وسرچشمه ارزشهاست ، خوبی وبدی عمل ، نیک یا بدشمردن آن تابع وجدان جمع است ، هنجارهای اخلاقی از آن منبث می‌شود و بالاخره بعدی فرامادی دارد واصلاتی مافوق هر نسل .

Durkheim . ر . ك .

خودخواهی جمعی Collective egoism

تعصب در باورهای جمعی و دفاع مفرط از منافع وآرمانهای گروه در برابر دیگر گروهها . خودخواهی جمعی همان جلوه‌های خودخواهی فردی را این بار در سطح جمع داراست .

Egoism . ر . ك .

خودگرایی جمعی Collective egotism

تجلیات خود گرایی در سطح جمعی است با این تفاوت که چون صورت فردی ندارد ، در مواردی افراط و گزافه بیشتری می‌یابد . نظیر آنکه میثاقهای اجتماعی امریکا به يك شهروند اجازه نمی‌دهند بگویند «من بهترین فرد جهانم» وليك این احساس را که ملت امریکا مطلوبترین ملت جهان است ومن هم يك امریکایی هستم ، مجاز می‌شمارند

مزرعه اشتراکی Collective farm

با اضمحلال مالکیت زمین زراعی یا ملی سازی آن ، مزارع اشتراکی ایجاد می‌شود که زارع در آن به کشت می‌پردازد ومحصول آن را در اختیار دولت می‌گذارد . درین شرایط زارع مانند کارکنان دیگر بخشها ، همچون کارمندی در اختیار دولت قرار می‌گیرد .

Collectivism . ر . ك .

احساس جمعی Collective feeling

احساسی که در جمع پدید می‌آید و صورتی گوناگون دارد ، از جمله :

۱) احساسی که در جمعی به خاطر همدلی پدید می‌آید ؛ ۲) احساسی که در جمعی به جهت

واگیری صرف پدید آید (احساس مشترك در يك انبوه خلق) .

طرز تفكر **Collective mentality**
جمعی

در سطح فردی، طرز تفكر چنین تعریف می شود «مجموعه حالات ذهنی، عادات روانی و بساورهای اساسی يك فرد» (Lalande).

همچنین، باز از دیدگاه فردی، طرز تفكر به معنای چگونگی اندیشه خود به خود یا ارتجالی (Spontaneous) است، که در هر محیط و هر دوره تابع زمینه اجتماعی - فرهنگی است. پس طرز تفكر بعد اجتماعی دارد و از همین روست که از طرز تفكر جمعی سخن می رود.

طرز تفكر جمعی، ویژگی روانی پایاو مشترك در يك گروه یا جامعه را می رساند. عقاید اساسی مشترك و همچنین طرز تلقیهای یکسان افراد يك جمع بصور گوناگون تجلی می یابد. مانند طرز تفكر بورژواها و ...

روح جمعی **Collective mind**

ر. ک. **Collective Conscience**

عقیده جمعی **Collective opinion**

گونه ای از افکار عمومی (Public Opinion) و به معنای وفاقی است که در گروهی خاص، یا جمعی به هر صورت پدید آید و به عنوان عقیده مشترك آن جمع ابراز شود.

مالکیت جمعی **Collective ownership**

ر. ک. **Ownership / Collectivism**

فرآورده جمعی **Collective Product**

هر موفقیت در دستیابی به هدفی یا هر نتیجه حاصل از رفتار یا کار جمعی در هر سطح از سازمان یا پیوند آنان. به عقیده مارکس و مارکس گرایان فرآورده جمعی را x بدانیم و حاصل کار x يك تك افراد را نیز x' و چنانچه تعداد افراد ۱۰ نفر باشد همواره x (فرآورده جمع) بر x' ۱۰ (فرآورده ۱۰ نفر) فزونی دارد. این تفاوت مثبت را ارزش افزوده می خوانند و معتقدند که کار فرمای خصوصی آن را به نفع خود برداشت می کند.

جمع روان **Collective psyche**

روانشناسی جمعی

Collective Psychology

جزئی از روانشناسی اجتماعی که در آن بالاخص رفتار جمعی، انبوه خلق و ... مطالعه می شود.

ر. ک. **Crowd / Collective behavior**

Collective representations

تصورات جمعی

اصطلاحی است از امیل دورکیم. محتوای طرز تفكر جمعی و نمادهای مورد تفهم يك جمع از آن برمی آید. همچنین مجموعه تصاویر، نمادها، مدلها و آرمانهای يك جمع از آن مستفاد می شود، مخصوصاً آنچه با تصور نظام جهان و ترتیب ارزشها مرتبط است. از این رو با توجه به محتوای

- وسیعش، مفهوم در مواردی مبهم به نظر می‌رسد. در مواردی به معنای عقاید جمعی و افکار قالبی يك جمع و هم آرمانهای اخلاقی، مذهبی و محتوای حافظه جمعی نیز به کار رفته است. در برابر تصورات فردی (Individual representations)
- پاسخ جمعی** Collective response
- در اصطلاح به پاسخ تعدادی از افراد علی‌الخصوص تحت تأثیر حالات هیجانی اطلاق میشود چنین واکنشهایی در شرایط نابسامان اجتماعی یا دگرگونیهای سریع رخ می‌دهند.
- امنیت جمعی** Collective security
- پیمانهای امنیت جمعی در سطح گروهی و مخصوصاً در سطح ملل به تأمین نسبی و در مواردی کاهش تسلیحات و هزینه‌های جنگی انجامیده است.
- در روزهای قبل از آغاز جنگ بین‌الملل دوم، فرانسه و روسیه از انگلستان و آمریکا خواستند تا چنین پیمانی منعقد شود. لیک این طرح با سیاست عدم دخالت در صحنه جهانی در آمریکا رایج بود از طرفی و این اندیشه که این پیمان از جانب بین‌الملل کمونیستها مطرح شده، رد شد.
- هدف جوئی جمعی** Collective telesis
- ر. ک. Social telics / Telesis
- وحدت جمعی** Collective unity
- نظام اشتراکی - جمع‌گرایی** Collectivism
- الف : از نظر معنا، دو محتوای متخالف بدین قرار یافته است :
- (۱) «باورها، اهداف و روشهای کسانی رامی‌رساند که طرفدار کنترل متمرکز و جامعی بر امور اجتماعی (مخصوصاً اقتصادی) هستند».
- (Dictionary of social sciences. Gould(ed) P:101)
- (۲) علاوه بر این، آیینی است که کار جمعی و کنترل جمعی را در جهت تحقق هدفی مشترك مورد تأکید قرار می‌دهد.
- ب : با توجه به محتوای اول : (۱) در معنای محدود، نوعی سوسیالیسم سوم رادر برابر گونه‌های مارکس‌گرا و پرودن‌گرا می‌رساند. در این نوع از سوسیالیسم، هدف استقرار جامعه‌ای غیر دیکتاتوری است ؛ (۲) در معنای وسیع، می‌توانست تمامی مکاتب سوسیالیستی را در برگیرد.
- ر. ک. Communism / Socialism
- جمع آسماء** Collectivity, Human
- انسانی
- ر. ک. Human Collectivity
- اشتراکی کردن** Collectivization
- اشتراکی شده** Collectivized
- استعماری** Colonial
- استعمارگری - استعمار** Colonialism
- الف - از واژه Colony گرفته شده است که در زمان رومیان به معنای ملکی روستایی بود. سپس، معنای گروهی خاص را یافت که در سرزمین دیگری استقرار یابد.

با گسترش محتوای این واژه، امروزه استعمارگری (یا به تساهل استعمار) به معنای (۱) فرایندی است که سلطه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ای را توسط قدرتی خارجی موجب می‌شود. (هرچند در فارسی واژه آن برخلاف محتوا از باب عربی استعمال به معنای طلب آبادی کردن اخذ شده است) (۲) همچنین نتایج اعمال چنین سلطه‌ای را می‌رساند. به عنوان مثال، لسکی (H.J. Laski) در سال ۱۹۲۰ می‌نویسد: «امریکایی‌ها در باره اروپاییها دارای عقده حقارت بودند... در عقاید و نظراتشان استعمار دیده می‌شد.»

(The American Democracy, P:63)

ب - هرچند از نظر تاریخی، استقرار گروههایی چند در سرزمینهای خارجی بقصد تجارت سابقه طولانی دارد، اما استعمار به معنای جدیدش از قرن پانزدهم توسط اروپاییان آغاز شد و آنچه بیش از همه به استعمار - گران اروپایی در این کار کمک کرد، گسترش کشتیرانی و صنایع نظامی بود. لیک جریانهای اقتصادی نیز در آن بی تأثیر نبود. تحقق انقلاب صنعتی اروپا و در آغاز در انگلستان، نیاز به مواد اولیه و جزء لاینفک تولید یعنی بازار، اروپاییان را به استعمار دیگر مناطق جهان واداشت. این روند تا جنگ جهانی اول ادامه یافت و عصر طلایی استعمار جهانی با آن پدید آمد. لیک پس از آن نهضت برای ضد استعماری آغاز گردید، آنچنانکه دوران بین دو جنگ جهانی را باید دوران تلاش و رهایی برای جهان استعمارزده خواند. پس

از جنگ دوم جهانی اکثر جوامع استعمار زده آزاد شدند، بدون آنکه استعمار هنوز از جهان رخت بر بسته باشد؛ به عنوان مثال، هنوز سرزمینهای استعمار شده پرتغال در افریقا بر جای بودند (زیرا در سال ۱۹۴۵ فقط ۶ کشور از قید استعمار رها شدند و به سازمان ملل راه یافتند). پس از آن به طور وسیع استعمار زدایی در سطح جهانی آغاز شد، اما باد گرگونی شرایط، استعمار نیز چهره‌هایی ویژه یافت و با محو چهره‌ای، با چهره یا چهره‌های دیگری نمایان شد.

ج - این روند، به پیدایی انواع گوناگون استعمار انجامید، نظیر:

۱- استعمار ملازم با اشغال:

که با تسخیر ملت دیگر، محو کامل هویت ملی و حتی اخراج یا نابودی بومیان همراه است.

۲- استعمار مستقیم:

گروه خارجی و استعمارگر در منطقه حضور می‌یابند، اما بومیان را اخراج و یا نابود نمی‌کنند، بلکه آنان را به کار اجباری و بیگاری وامی‌دارند که در نهایت بهره‌کشی نیروی انسانی و غارت منابع طبیعی از آن ناشی می‌شود.

۳- استعمار مختلط:

استعمارگران به طور مستقیم ثروت جامعه را به یغما می‌برند، ضمن آنکه بعضی از گروههای بومی نیز به همکاری با آنان می‌پردازند و شریک استعمار می‌شوند.

۴- استعمار داخلی:

با گسترش معنای استعمار ، بعضی از استعمار داخلی (Internal colonialism) سخن گفته اند. و آن زمانی است که گروهی محدود ، اکثریتی را سخت به بند کشد و شیرۀ حیانش را بمکد .

۵- استعمار جدید :

صورتی ظریف و غیر مستقیم از استعمار است که بعد از جنگ جهانی دوم پا گرفت . وابستگی های فنی ، اقتصادی و حتی نیاز به کالاهای حیاتی از پیامدهای استعمار جدید است . هر چند به نظر میرسد استعمار غیر مستقیم در روزگار ما باید مضار کمتری داشته باشد ، لیک در واقع چنین نیست . زیرا در استعمار غیر مستقیم ، استعمارگر بدون آنکه چهره نماید ، بدست ساکنان کشور استعمار زده به غارت تمامی ارکان حیات انسان می پردازد ، بدون آنکه خود کوچکترین اقدامی در جهت تعبیه زیربنای اقتصادی نماید ؛ نابودی مواهب طبیعی آنانرا موجب می شود .

هر چند اروپاییان از جهاتی بسیار به استعمار توجه می کنند و حتی آنرا وسیله برخورد جهان غیر صنعتی با صنایع غرب و مخصوصاً جریانات جدید فکری می دانند ، لیک باید گفت استعمار بالای سهمگین جهان ماست . از نظر اقتصادی یغمای ثروت ملی و غارت نیروی انسانی با اسارت ، بهره کشی بی حساب آنرا فراهم آورد ، از نظر سیاسی ، وابستگی محض و از نظر فرهنگی محو هویت و وحدت ملی با فرهنگ زدایی ، همانند سازی

(Assimilation) ، تقلید ، اضمحلال شخصیت و اعتماد به نفس استعمار زدگان را باعث شد .
ر. ک. Colony/Decolonization/
Assimilation/Anticolonialism/
Imperialism/Acculturation/
Neo colonialism

استعمار Colonization

مستعمره ساختن Colonize (to)

مستعمره - گروه خارجیان مستقر Colony

۱) در معنای وسیع ، استقرار گروهی از انسانها را در کشوری دیگر می رساند ، در حالی که پیوند هایی را با کشور اصلی خود حفظ کرده اند . بلاکستون (Blackston) بین خارجیانی که به طور قانونی در کشوری استقرار یافته اند و آنانکه در انجام این عمل به زور تمسک جسته اند ، همچنین خارجیانی که محلی را به طور دائم در اشغال گرفته اند و آنان که به طور موقت بدانجا روی کرده اند ، تمایز قائل شده است .

۲) بعد از جنگ جهانی معنای این واژه دگرگون گشت و سرزمینی را رساند که از جهات گوناگون (سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی) به کشوری قوی تر و توسعه یافته تر وابسته است . بنابراین ، امروزه ، این واژه کشوری توسعه نیافته را می رساند که در کنترل کشوری دیگر (معمولاً اروپایی یا امریکایی) است .

ر. ک. Colonialism

هم سفرگی - Commensalism

همزیستی تعاونی

الف : از نظر لغوی به معنای صرف غذا در کنار يك ميز است . در مورد این واژه تعاریف یکسان نیست . همانطور که عقاید نیز همگن نیستند . کاربرد چهارگانه آن در محیط شناسی بدین قرارند :

(۱) در محیط شناسی انسانی (Human ecology) ، این واژه معمولاً مشخص کننده روابط افرادی است که هم بر اساس تعاون و هم بر پایه رقابت، در سازمانی به هم پیوسته و ظایفی را بین خود توزیع نموده اند .

(۲) بعضی نظیر اسمیت (T.L.Smith) در اثرش بانام جامعه شناسی حیات (دستایی آن را مترادف با همزیستی تعاونی (Symbiosis) به کار می برند و از آن روابط مبتنی بر همیاری بین گروههای همجوار را مستفاد می دارند .

(۳) بعضی دیگر نظیر هولی (H.Hawley) آنرا روابطی می دانند که « بین افراد یا گروههایی برقرار می شوند که وضعیت تخصصی مشابهی (به عنوان مولد یا مصرف کننده) در چارچوب ساختی دارای تقسیم کار داخلی دارند ؛ در مقابل ، همزیستی تعاونی (Symbiosis) بین افرادی پدید می آید که درون مجموعه ای ساخت یافته ، شرایط نامشابهی دارند » .

(Human Ecology, P:39)

(۴) برخی دیگر نظیر فرچایلد آن را در معنای گروههایی به کار می برند که با نقشها،

کارکردها و اهدافی خاص و مستقل با یکدیگر در يك بوم زندگی می کنند ، بدون آنکه در تعارض با یکدیگر باشند و یا آنکه به یکدیگر مدد رسانند .

ب : علاوه بر این ، این مفهوم در دیگر رشته های علم انسان مطرح شده و به کار رفته است . به عنوان مثال ، به زعم برگل (E.E.Bergel) « این مفهوم در مبحث طبقات اجتماعی دارای کاربرد است ؛ چون افرادی که دارای اعتبار مشابه یا یکسانند، دور يك ميز غذا می خورند (این عمل دال بر برابری و نزدیکی است) . افراد متعلق به طبقات بالا ، گوناگون چنین عمل نمی کنند ، طبقات بالا ، افراد طبقه پایین را طرد می کنند » .

(Urban Sociology, P:181)

ر. ک . Symbiosis

تفریح تجاری Commercial recreation

ر. ک . Recreation

Commercial revolution

انقلاب بازرگانی

گسترش سریع و وسیع روابط تجاری که متعاقب انقلاب صنعتی و در پیوند با آن رخ داد . اهم آثار آن عبارتند از : (۱) پیدایی و گسترش بازار جهانی ؛ (۲) بسط امکانات حمل و نقل ؛ (۳) پیچیدگی روابط سیاسی - اقتصادی جهانی ؛ (۴) پیدایی شرکت های چند ملیتی .

Industrial revolution/ Revolution	مشترك - همگانی - عام - Common ر. ك .	پیش پا افتاده
Commercialization تجارى ساختن	Common experience تجربه معمولی -	تجربه مشترك
نهاد، واحد یا سازمانی را چنان ماهیتی بخشیدن که سودجویی تنها انگیزهٔ عمل گردد.	Common good رفاه عمومی - نفع و	خیر عامه مردم
Commercial amusement سرگرمی تجاری شده	Common law marriage ازدواج عرفی	بر اساس عرف برخی از ایالات امریکای شمالی، چنانچه زن و مردی مدت ۷ سال بدون انقطاع با یکدیگر زندگی کنند، به عنوان زن و شوهر قانونی به حساب می آیند. لیکن این عرف در بسیاری از ایالات دیگر پذیرفته نیست و زن بسا استناد بدان نمی تواند از نام و ارث مرد برخوردار شود.
بسط زمان فراغت در جامعهٔ صنعتی و پیدایی آنچه دومازدیه (Dumazdier) تمدن فراغت می خواند، در ارتباط با عوامل بسیار دیگر، مشاغل تازه ای را در بخش خدمات پدید آورده است که در تمامی آنان گذران فراغت انسانها وسیله امرار معاش شده است. بدین سان سرگرمی انسانها از دیدگاهی به دو صورت غیر تجاری و تجاری قابل تقسیم است. همچنین درهم شغلی جامعه، مشاغلی نو از این روند مایه می گیرند.	ر. ك . Marriage	
Sociology of leisure ر. ك .	Common market بازار مشترك	بعضی از کشورهای اروپایی، نظیر فرانسه، انگلستان، هلند، آلمان غربی، بلژیک، لوکزامبورگ و... پیوندی بین خود پدید آوردند که آنرا بازار مشترك خواندند. در آغاز این پیوند بعد اقتصادی داشت سپس نوعی وحدت سیاسی و بدنبال آن تکوین قدرتی دیگر در صحنهٔ سیاست جهان مطرح شد.
Commercial vice تجارت فحشا - فحشا	Common ownership مالکیت مشترك	ر. ك . Collectivism / Ownership
در زبان جامعه شناسان مترادف با فحشا به کار میرود، چه به صورت تن فروشی رسمی و نهادی شده (آن طور که در برخی از کشورها رایج است) چه به صورت فحشای نهانی و غیر قانونی .	Common sense نقل سلیم	
Commodity fetishism کالا بتواره سازی	Common weal رفاه عمومی	
Fetishism ر. ك .		

مشارك المنافع - Common wealth**همسود - رفاه عمومی**

- از يك نظر بامفهوم Common weal

مترادف است و معنای رفاه عمومی از آن برمی آید .

- در معنای دیسگر ، جمعی آزاد را

می رساند که بر پایه خواست هر يك از افراد و جهت بهزیستی آنان پدید آید .

- بیشترین کاربرد این واژه در مشخص

ساختن پیوندی است که بین کشور انگلستان ، کانادا ، پاکستان ، استرالیا ، هند ، ژلاندنو ،

مالایا ، غنا ، نیجریه و سری لانکا برقرار شد .

- از نظر دیگر دولت جمهوری در انگلستان ،

مستقر بین سالهای ۱۶۶۰-۱۶۴۹ ، را می رساند .

کموننی - اجتماعي - Communal**زناشویی فرضی محارم**

(۱) مرتبط با کمون یا دارای ویژگیهای

خاص آن ؛ (۲) در معنایی وسیعتر ، مرتبط با

اجتماع یا يك جماعت (Community) به

طور کلی ؛ (۳) مرتبط با زناشویی فرضی همه

برادران ، خواهران ، پسرعموها و دخترعموها

در يك رده سنی که به نظر برخی قبل از پیدایی

نظام زناشویی وجود داشته است .

ر. ك. Promiscuity ، Incest

Communalism**جمع اندیشی - نظام اشتراکی -****خودمختاری خواهی - تنازع گروهی**

(۱) گرایش به خودمختاری مناطق برای

تمامی گروههای کوچک ؛ (۲) ارجحیت دادن

به آرمان گروهی در برابر آرمانهای فردی ؛ (۳)

نوعی نظام اشتراکی که در آن غذا ، زمین و

یا دیگر وسایل اساسی از مالکیت فردی بیرون

می آیند و صورت جمعی می پذیرند ؛ (۴) در

مواردی نیز این مفهوم جهت مشخص ساختن

تنش بین گروههای مختلف در يك کشور به کار

رفته است . در این معنی ، گروههای نژادی ،

دینی ، زبانی و ... ضمن همزیستی در يك

منطقه از یکدیگر تجزی یافته در تنازع قرار

می گیرند .

کمونها Communes

به گروههای کوچکی اطلاق می شود که

عضویت در آنان اجباری نیست . در این

گروهها نیازهای اساسی اعضاء توسط خود

آنان و با همکاری اعضاء رفع می شود ؛ در

گروههای مذکور مالکیت شخصی نیست و

اساس زندگی بر تعاون استوار است .

کمونها سابقه ای بس طولانی دارند :

- گاه فلسفه تشکیل آنان فرار از واقعیتهای

جامعه صنعتی و مادی گراست ، نظیر کمونهای

هیبی که در دهه ۱۹۶۰ در روستاهای امریکا

پدید آمدند .

- در مواردی تشکیل کمون از اندیشه

رؤیا گرایان منشأ می گیرد ، نظیر آنچه در اروپا

با الهام از آثار فودیبه (Charles Fourier)

و در امریکا از اوان گرایان (Ownists) ملهم

گردید .

ارتباط Communication

— از نظر لاندبرگ (G.A.Lundberg)،
شراکت (C.C.Schrag) و لارسن
(O.N.Larsen) «ارتباط عبارت است از
انتقال معانی یا پیامی از طریق نمادهایی چند.
زمانی که انسانها از طریق نمادها به تأثیر بر
یکدیگر می پردازند، در ارتباط با یکدیگر
قرار گرفته اند». (Sociology, P:366)

درفراند ارتباط پنج عناصر اساسی است
بدین قرار: ۱) ارسال کننده پیام؛ ۲) گیرنده؛
۳) وسیله انتقال؛ ۴) پیام یا معانی یا محتوای
ارتباط؛ ۵) اثر ارتباط

Communication, Types of

انواع ارتباط

ارتباط مورد آرزو ~ Aspired
ارتباط مستقیم ~ Direct

ارتباط بیواسطه بین انسان با انسان یا
انسانهایی با انسان یا انسانهایی دیگر.
بیواسطه بودن ارتباط صوری بسیار دارد:
۱) در مواردی چند ارتباط فرد (افراد) با فرد
یا افراد دیگر بدون نیاز به فردی واسطه صورت
می گیرد؛ ۲) در موارد دیگر، ارتباط مستقیم
بدون نیاز به فرد یا افراد واسطه و هم وسایل
یا ابزار واسطه (وسایل ارتباط جمعی) صورت
می گیرد؛ ۳) در مواردی چند، ارتباط مستقیم
بدون نیاز به فرد یا افراد واسطه، وسایل یا
ابزار واسطه و هم نمادهای بیانی (زبان)
صورت می گیرد (ارتباط اشاره ای و...)

ارتباط اجباری ~ Forced

ارتباط اشاره ای ~ Gestural

ر. ل. Body language / Semiology/
Sign language

ارتباط غیر مستقیم ~ Indirect

ارتباط برانگیخته ~ Induced

ارتباط بین المللی ~ International

با در نظر گرفتن محدوده ارتباطات (در
درون مرزهای ملی یا فراتر از آن) ارتباط
را بدین سان به دو نوع تقسیم می کنند: ارتباط
ملی و ارتباط بین المللی، گسترش وسایل حمل
و نقل از جهتی و پیدائی ابزار جهانی ارتباط
و وسایل ارتباط پیامها، خواستها و نظرات
آنان و ... خواهد بود.

فرا ارتباط ~ Meta-communication

به معنای ارتباطی است که قواعد ارتباط
یا ارتباطهای بعدی را مشخص می نماید.
جمله «من می خواهم در مورد سیاست با
تو حرف بزنم»، فرا ارتباط مستقیم است،
ایک، وقتی بدون هیچ مقدمه شروع به گفتگو
در زمینه سیاست می کنیم، این خود فرا ارتباط
غیر مستقیم است، زیرا، مفهوم «من می خواهم
با تو در زمینه سیاست صحبت کنم»، در آن مستتر
است. ماورای ارتباط می تواند یک حرکت
بدنی، لبخند یا حتی یک نگاه باشد: وقتی
کسی سخن می گوید، ابرو درهم می کشیم،
این خود فرا ارتباط به شمار می آید، چه، از
این طریق پیامی بدو رسانده ایم و قاعده ای
را در زمینه ارتباط بدو گفته ایم. (در اینجا ممکن
است معنای عمل ما دعوت شخص به خاموشی

یا تغییر سخن باشد)

ارتباط Personal Communication
شخصی

ارتباط احساس انگیز Phatic ~

– فرایند ارتباطی است که از طریق سخن و یا نمادهای گوناگون برقرار می‌شود، بدون آنکه معنای دقیقی (محتوا) انتقال یافته باشد. در جریان آن، صرفاً حالاتی احساس گونه منتقل می‌شوند که همبستگی اجتماعی و آمادگی‌های روانی مشترک پدید می‌آورند.
– مفهوم Phatic در آغاز توسط

مالینوفسکی (Malinowski) به کار رفت : او در علت کاربرد این مفهوم می‌نویسد : «در جوامع ابتدایی زبان به عنوان یک پیوند در فعالیت‌های انسانی سنجیده شده و جزئی از رفتار انسانی شناخته می‌شود. زبان (در چنین جوامعی) شیوه عمل و نه یک ابزار تفکر است. بی‌شبهه، در این مورد با نوع خاصی از کاربرد زبان مواجهیم که من می‌خواهم آن را با وسوسه‌ای در اختراع لغت بدین نام بخوانم و آن نوعی ارتباط است که در آن پیوندهای وحدت صرفاً با مبادله کلمات پدید می‌آیند. آیا در این نوع ارتباط، کلمات در مرتبه اول به جهت انتقال معنی، معنایی که از نظر نمادی از آن آنان است، به کار رفته‌اند؟ مسلم خیر؛ آنان کارکردی اجتماعی به عهده دارند که هدفشان تحقق مطلوب آن است. لیکن، آنان (کلمات) نه ناشی از تفکر عقلانی هستند و نه آنکه در مخاطب تفکر برمی‌انگیزند.

بار دیگر باید بگویم، زبان در اینجا (جوامع ابتدایی) به عنوان وسیله‌ای در انتقال اندیشه (آنچه ناگه مابدان می‌نگریم) به کار نمی‌آید.»

(The problem of meaning in
Primitive languages, P. 315)

– امروزه، این نوع ارتباط را ارتباطی می‌دانند که در آن نمادها موجبات انتقال آمادگی‌های روانی را فراهم می‌سازند و همبستگی پدید می‌آورند. به نظر هاکت (C.F. Hockett) قسمت اعظم ارتباطهایی که از طریق هنر و موسیقی برقرار می‌شوند، از این نوعند.

با مفهوم Phatic Communion مترادف است.

ارتباط برنامه‌ای Planned ~

ارتباط معطوف به هدف Purposive ~

ارتباطی که در آن برقرار کننده دارای هدفی خاص، از پیش تعیین شده و برخوردار از برنامه‌ای مدون است، نظیر ارتباط پزشک با بیمار، پرستار با پاسخگویش و...

ارتباط بازتابی Reflexive ~

ارتباطی که در آن هدفی خاص و از پیش تعیین شده وجود ندارد.

ارتباط اجتماعی Social ~

۱) ارسال هر نوع پیامی است، با استفاده از هر وسیله و یا هر مجرا چه در سطح فردی و چه در سطح گروهی در راه تحقق هدف (هدفهائی) اجتماعی. ۲) فرایند ارتباط است بین فردی با یک جمع یا جمعی با جمع دیگر. پس

ارتباط اجتماعی مستلزم چند عنصر است :
- وجود بیش از يك نفر که مرادۀ دویا
چند انسان را شامل می شود .

- وجود نشانها ، علائم و یا نمادهایی که
معنای ارتباط را مشخص سازند . در این میان
زبان یکی از ابزارهای ارتباطی است . اما
نه تنها ابزار ارتباطی است و نه کاملترین آنان :
زبان تنها وسیله ارتباطی نیست ، چون در
دنیای گسترده نمادها، يك حرکت ، يك علامت ،
يك نگاه ، حاوی معناست و ایجادکننده ارتباط ؛
کاملترین وسیله نیز نیست . چه ، پیام انسانی ،
مخصوصاً پیامهایی که در چارچوب عواطف
جای می یابند ، چنان کیفی ، عمیق و پیچیده اند ،
که هیچ کلام ، سخن یا زبانی را یاری
کنجانبیدن همه محتوای آنان نیست . پس ،
زبان ، ابزاری در ارتباط اجتماعی و جزئی از
دنیای نهادهاست .

ليك ، در بسیاری از موارد ، ظرفی است
که گنجایش مظلوفی غنی و سرشار به نام پیام
انسانی را ندارد .

- کاربرد گسترده مجراها در انتقال پیام و
ایجاد ارتباط اجتماعی ، یکی از ابعاد ارتباط
مخصوصاً در جامعه جدید است . هر چند مجراها
در همه زمانها وجود داشته اند (نظیر جارچیهها
و چاووشها در گذشته های دور) ليك ، پیدایی
عصر ارتباطات با اختراع وسایل ارتباط جمعی
نظیر رادیو ، تلویزیون و مطبوعات ، تحقق پذیر
گشته است و در آن ، ارتباط از صورت مستقیم و
چهره به چهره در آمده صورت جمعی ، همه
جایی ، با بردی بی سابقه یافته است .

ژرژ میل (G.A.Mill) در کتابش زبان
و ارتباط ، چهار هدف برای ارتباط اجتماعی
برمی شمارد : ۱) یکسان تر کردن اطلاعات ؛
۲) یکسان تر کردن افکار عمومی ؛ ۳) دگرگونی
سلسله مراتب گروهی ؛ ۴) اظهار و انتقال حالات
عاطفی . ليك ، باید گفت ، تنها اهداف ارتباط
اجتماعی موارد مذکور نیستند ؛ ارتباط
اجتماعی ، سرآغاز پیدایی و عامل اساسی در
تداوم جامعه است . با آن فرایند اجتماعی
شدن (Socialization) تحقق پذیر است ،
موجب پیدایی فرهنگ می شود و انتقال آن
را از نسای به نسل دیگر میسر می سازد .

ارتباط ارتجالی - ~ Spontaneous
ارتباط خود به خود

ارتباط ترکیبی ~ Syntactic
ارتباطی خاص که در آن حاملهای گوناگون
با یکدیگر می آمیزند .

ارتباط تام ، ارتباط همه جانبه ~ Total
ر. ک . Body language / Mass media /

Sign language / Intercommuni-
cation / Semiology

ارتباطی Communicative

ارتباط غیرنده - Communicator

ارتباط یا بنده

سلك Communion

گروهی است از نظر کمی محدود ، از نظر
کیفی بسیار منسجم ، با بستگی نسبی در برابر
خارج ، وحدت عمل و اجماع . در برابر توده
(Mass)

- از نظر تاریخی به متنی اطلاق می شود که مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ انتشار دادند و در آن خطوط اصلی اندیشه هایشان را جهت بنای جامعه کمونیستی اعلام داشتند.
- سوسیالیسم Communist Socialism**
کمونیستی
- ر. ک. Socialism
- جامعه کمونیستی Communist society**
Community
- اجتماع - جماعت - جمع ساکنان یک محل - صاحبان یک حرفه - وابستگان یک نژاد یا قوم.
(۱) در یک معنی، سازمان اجتماعی در رابطه با بستر جغرافیایی آن را می رساند.
(۲) در معنای دیگر همبستگی و احساس تعلق گروهی را بین افراد مشخص می دارد.
(۳) در معنای سوم گروهی خاص است که بین تسوده (Mass) از طرفی و سلسله (Communion) از طرف دیگر قرار می گیرد.
مرداک (G.P. Murdock) معتقد است دوسازمان انسانی جنبه جهانی دارند: اجتماع و خانواده.
- ر. ک. Mass / Communion
- کانون محلی - Community center**
کانون قومی
- (۱) مرکزی جهت دیدار با یکدیگر و گذران فراغت در سطح افراد محل.
(۲) مرکزی با همین هدف برای گروههای نژادی، دینی و قومی خاص
- ر. ک. Sociability/Mass/Community/Sacred Society Communism
- کمونیسم
- از نظر واژه و به طور نظری، نظامی اقتصادی - اجتماعی را می رساند که در آن ثروت و قدرت بین توده ها تقسیم شده اند، در اصطلاح، به نظامی اطلاق می شود که با الهام از اندیشه های مارکس بعد از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه شوروی و پس از آن در چند کشور دیگر ایجاد شد. کاربرد این واژه سابقه ای طولانی دارد:
- (۱) برای اولین بار در گروه های نهان و کوچکی به کار آمد که در سالهای ۱۸۳۰ در فرانسه پدید آمدند.
- (۲) در سال ۱۸۴۰ این واژه وارد انگلستان شد و گودوین بادمبی (Goodwyn Barmby) آن را در نامه هایی که برای انتشار در مجله دنیای اخلاقی جدید ارسال می داشت، به کار برد.
- (۳) در سال ۱۸۴۸ مارکس و انگلس در بیانیه ۱۸۴۸ این واژه را به کار بردند و از آن مبارزه رنجبران را علیه بورژوازی مستفاد داشتند.
- ر. ک. Socialism / Marx
- Communism / Collectivism
- کمونیسم، Primitivism
- ابتدایی
- ر. ک. Primitive Communism
- بیانیه Communist manifesto
- کمونیست

- Community facilities** تسهیلات محلی
وسایل حمل و نقل عمومی و امکانات رفاهی برای ساکنان محلی خاص .
- Community , Moral** جماعت اخلاقی
ر. ک. Moral Community
- Community organization** سازمان محلی - سازمانیابی محلی
فرایند یکپارچه سازی ساکنان یک محل از طریق تمهید برنامه‌ای کلان (Macroplan) و با ایجاد مراکز تفریح ، رفاه ، آشنایی ، خرید و ...
- Community organization, Rural** سازمان محلی روستایی
ر. ک. Rural social / Organization
- Community , Planned** جماعت برنامه‌ای
ر. ک. Planned Community
- Community , Prison** اجتماع زندان
ر. ک. Prison Community
- Community property** دارایی مشترك زوجین
کل دارایی‌های مشترك بین زن و شوهر را برائزدواج شامل می‌شود. در برخی از قوانین ، دارایی‌های مرد (به‌دست آمده قبل یا بعد از ازدواج) متعلق به زوجین است ، و حال آنکه برطبق قوانین دیگر، فقط دارایی‌های
- به‌دست آمده بعد از ازدواج بین زوجین مشترك خواهد بود. اندیشه اشتراك دارایی‌های زوجین در غرب در قرون وسطی پدید آمد ، ليك با مخالفت حقوقدانان انگلیسی مواجه گردید.
- ر. ک. Donatio / Marriage / Bride wealth / Bride Price / Mahriyeh
- Community recreation** سرگرمی‌های محلی
انواع وسایل و امکاناتی که جهت گذران زمان آزاد ساکنان یک محل ، بدون آنکه صرفاً جنبه انتفاعی داشته باشند، پدیدمی‌آیند.
ر. ک. Recreation
- Community , satellite** اجتماع اقماري
ر. ک. Satellite Community
- Community Studies** جماعات شناسی
شناخت گروههای کوچک و همگن که افراد آن از بستگی خود به آن (جماعت) آگاهی دارند .
- Community, village** جماعت روستایی
ر. ک. Village Community
- Commutation** تخفیف در مجازات-رفت و آمد بین شهر و حومه
۱) در حقوق ، کاهش مجازات در حدیك درجه یا حدود آن است .
۲) در بحث از مهاجرت روزانه ، ورود روزافزون ساکنان حومه شهر در جریان کار ، خرید ، تفریح روزانه به شهر و بازگشت آنانرا

- برای تقبل مسئولیت‌های آنرا ندارند، با راهنمایی‌های لازم (مخصوصاً در زمینه جلوگیری از حاملگی) زندگی مشترکی آغاز می‌کنند. با تولد فرزند (یا حتی آبستنی)، این ازدواج صورت طبیعی و عادی می‌یابد.
- ر. ک. Marriage
- مقایسه پذیر-مقایسه شدنی- Comparable هم سنجی پذیر
- رویکرد Comparative approach مقایسه‌ای
- ر. ک. Comparative method , Conceptual approach
- روش Comparative method مقایسه‌ای
- روش مبتنی بر مقایسه گروه‌ها یا جوامع مشابه یا متمایز در یک زمان یا زمان‌های گوناگون به منظور شناخت تشابه یا اختلافها. در مواردی به منظور بررسی سیر حرکت یا تطویر یک پدیده و یا شناخت چهره‌های گوناگون آن با توجه به زمینه‌های اجتماعی متفاوت، به کار می‌آید. عدم امکان دستکاری عوامل اجتماعی توسط محقق، روش مقایسه‌ای را فایده‌ای بسیار می‌بخشد. به عنوان مثال، مالینوفسکی (Malinowski) جهت اثبات این امر که عقده اودیپ پدیده‌ای جهانی نیست، به مقایسه خانواده‌ها در جوامع مختلف پرداخت. وی در جزایر تروبریاند، با فقدان عقده اودیپ مواجه شده، به این نتیجه می‌رسد؛ چون در این جامعه جامعه مادر سری رایج است و از
- می‌رساند. این نوع جدید مهاجرت نیروی کار فضای شهر را دگرگون می‌سازد، همچنانکه بافت شهر را صورتی دیگر می‌بخشد.
- ر. ک. Migration
- حوزه رفت و آمد Commuter's zone
- بین شهر و حومه
- فضایی وسیع که شامل شهر و مجموعه روستاها یا حومه آن است و زمینه رفت و آمد مهاجرین روزانه قرار می‌گیرد.
- Companion, Cooperating یارچالاک - یار مددگار
- ر. ک. Cooperating Companion
- یارمجاز Companion , Tolerated
- ر. ک. Tolerated Companion
- جرم چند نفره Companionate crime
- جرمی است که توسط بیش از یک نفر علیه فرد یا افراد دیگر صورت می‌گیرد. از جرم سازمان یافته (Organized crime) از آن رو متمایز است که فاقد ساخت و سازمان است، از توالی برخورددار نیست و صورت اتفاقی دارد. از جرایمی نظیر زنا یا محارم زنا یا محصنه و قمار، از آن جهت متمایز است که در آن فرد یا افرادی قربانی می‌شوند.
- ازدواج Companionate marriage
- دوستانه
- با عنوان Marriage of comradeship
- نیز خوانده می‌شود. گونه‌ای است نظری از ازدواج که در آن دو جوان که علاقمند به زندگی زناشویی هستند، لیکن هنوز آمادگی لازم

اقتدار پدرخبری نیست ، این عقده نیز به چشم نمی خورد .

— در آغاز ویکو (Vico) و منتسکیو

(Montesquieu) به عنوان پیشگامان جامعه شناسی جدید بدان پرداختند . لیک در قرن نوزدهم بود که این روش بسیار مطمح نظر قرار گرفت و بسیاری از جمله آگوست کنت بر آن صحنه گذاردند . به زعم او ، چنین روشی ، موجبات مقایسه ای عقلانی را بین حالات متفاوت ، مستقل و در عین حال موجود در جوامع پراکنده انسانی بر روی زمین ، فراهم می سازد .
(K.E.Bock, The Acceptance of Histories, P : 8)

وی در بحث از تطور انسانیت (مراحل سه گانه) نیز به طور تلویحی بدین روش تمسک جست . همچنین ماهیت مباحث داد و پس (Darwin) نیز استفاده از این روش را در حدی وسیع توسط وی موجب گردید .

علاوه بر این ، روش مقایسه ای در آثار بنیانگذاران جامعه شناسی نظیر دورکیم نیز مورد استفاده قرار گرفت . نظریه های دورکیم در مورد خودکشی بر اساس مقایسه های آماری صورت یافت . وی ملاحظه کرد که در جوامع و گروه های مختلف میزان خودکشی ارتباطی معکوس با میزان همبستگی گروهی دارند ، از این رو ژوزف (H.W.B. Joseph) در ستایش از این روش می نویسد . « آنچه روش مقایسه ای یا تاریخی خوانده می شود ، در بین نسل اخیر ، در بسیاری از رشته های تحقیق .

انقلابی پدید آورده است . این روش کار برد اصل کلی دگر گون سازی شرایط است ، به منظور کشف بهتر علل يك پدیده .

(An Introduction to Logic, P:522)

— با این همه ، روش مقایسه ای مخالفان مسائل خاص خود را به همراه دارد :

در سال ۱۹۳۲ گینسبرگ (M.Ginsberg)

در اثرش « مطالعاتی در باب جامعه شناسی » (P : 85) نوشت : « کاربرد این روش نه قرابت ژنتیک را مشخص میدارد و نه توالی زمانی را » . (studies in sociology, P:85) گذشته از این ، روش مقایسه ای با

دیدگاه های ساخت گرایان و مخصوصاً کارکرد گرایان و طرفداران مکتب تفهیمی سازش پذیر نیست . زیرا ، در این سه مکتب ، توجه به مجموعه کارکردی یا زمینه کلی است ، و حال آنکه بهنگام مقایسه باید جزئی را از کل متزع ساخته با دیگر اجزاء جدا شده از جوامع دیگر سنجید . به همین سبب ، به زعم کلود لوی استروس (C.Levi-Strauss)

آنگاه که پدیده ای از متن خود جدا می شود ، دیگر حیات و معنای خود را از دست داده است . از دیدگاه اصحاب مکتب تفهیمی ، فهم يك پدیده جز با توجه به بافت کلی که خود جزئی از آن را تشکیل می دهد ، ممکن نیست . از دیدگاه دیگر ، هنگامیکه با صاحب نظر اصلی این مکتب ، وبر (M.Weber) ، هر پدیده را منحصر بفرد و غیر قابل تکرار در تاریخ تلقی کنیم ، پس چنین مقایسه هایی ، اعتباری چندان

گفت: «از طریق کاربرد محدود روش مقایسه‌ای در مطالعه عمقی منطقه‌ای خاص با توجه به تمامی مردمان ساکن در آن، (که اطلاعاتی در موردشان وجود دارد) و با مقایسه دقیق اشکالی که پدیده اجتماعی معین در بین آنان یافته است، از طریق فرایند تعمیم، سعی در ایجاد یک یا چندگونه اساسی خواهیم نمود که اشکال گوناگون پدیده‌ها در درون آنان قابل طبقه‌بندی است».

(Some Comments on Comparative Method in Social Anthropology
P:359)

جامعه شناسی مقایسه‌ای
Comparative Sociology

ر. ک. Comparative method

جبران Compensation

۱- در اقتصاد، ارائه خدمت، کالا یا هر آن چیزی است که در جبران خسارت وارد آمده صورت می‌گیرد.

۲- در تنکاشناسی (Physiology)

تلاش اندامهای موجود زنده است در جهت محو آثار خسارت یا زیان و بازبایی تعادل.

۳- در روانشناسی، واکنش موجود زنده است در جهت تصحیح خطاها، محو ضربه‌های عاطفی و بازبایی توازن.

۴- در جامعه شناسی، واکنش در برابر پایگاهی مورد تهدید، ایجاد روندی نو در برابر روندهای اجتماعی به خطر افتاده است.

۵- در حقوق، میزان جبران

نخواهد داشت.

- از ابلاي اين موضع گيريهای گاه تند، می‌توان به نتایجی چند دست یافت و آن اینکه، هرگز روش مقایسه‌ای بی‌فایده و پردشدنی نیست و همواره مورد استفاده دانش انسانی قرار خواهد گرفت. چه، این روش می‌تواند، چنانچه با دقت به کار گرفته شود. فقدان امکان پژوهشهای آزمایشگاهی را تا حدودی در این دانشها جبران نماید، حرکت پدیده را تا حدی مشخص دارد و روزه‌های دردرد نه منطقه‌ای بلکه جهانی پدیده به دست دهد. از نظر مسائلی که به جدا کردن پدیده، به هنگام مقایسه، از متن آن مطرح گردیده است، باید به همراه نادل (S.F. Nadel) گفت:

«انسانشناس یا هر دانشمندی که شعارش این است که هرگز از مبتن و زمینه جدا نشود، فراموش کرده است که ما انسانها وسایل و ابزاری ذهنی جهت جدا ساختن عناصر از زمینه آنان داریم، بدون آنکه معنای آنان ناپدید گردد».

(Social Anthropology, P:228)

گروهی نیز که سخت بر زمینه‌ها و بستر پدیده‌ها تأکید داشتند، خود ناچار بدین روش تمسک جستند (نظیر لوی استروس به هنگام بحث از زنای با محارم و جهان‌شناسی دانستن آن).

چنانچه نمونه‌ها به دقت گزیده شوند و در مورد تشابه و صور اختلاف آنان با دقت بحث گردد، می‌توان همراه با شاپرا (I. Schpera)

تنش‌های عاطفی منشاء بدنی دارند و واکنش بدنی را موجب می‌شوند تا از آن تعادل پایای شخص و آرامش طبیعی پس‌دیدد آید .

رقابت Competition

— عمل تعقیب هدفی را (نظیر غذا، کار، یا ...) آگاهانه یا ناآگاه و به طور مشترک می‌رساند. چون کالاها و مواهب در دسترس نادرند، لذا هم چشمی مستلزم پیدایی تنازع و کشمکش است. زمانی که در قرآیند هم چشمی موضوع، منصب، سمت یا مقامی سیاسی است، رقابت سیاسی خواهد بود، در موارد دیگر از رقابت اقتصادی، فرهنگی، حرفه‌ای و ... سخن به میان می‌آید .

— کولی (C.H. Cooley) در اثری با نام رقابت شخصی بسال ۱۹۳۰ نوشت : «رقابت لزوماً جدایی خصمانه و یا حتی چیزی نیست که شخص از آن آگاهی داشته باشد . شایستگی در انجام کاری اجتماعی است که يك فرد را به صورت رقیب مطرح می‌کند. او ممکن است از آن اطلاع داشته باشد یا خیر، حتی اگر مطلع هم باشد، ممکن است از اینکه در برابر دیگران قرار گرفته است، آگاهی داشته باشد یا خیر».

(Personal competition, P:165)

— از جانب دیگر پارک (R.E. Park) و

برگس (E.W. Burgess) در اثرشان مقدمه برداشتن جامعه‌شناسی رقابت غیرآگاهانه و غیرشخصی را سنگ بنای محیط‌شناسی انسانی تلقی نمودند. آنان رقابت را شکل اساسی

(Compensation rate)، ناظر بر میزان کمک دولت یا سازمانی خاص (بیمه) جهت جبران خسارت ناشی از تصادف، هزینه‌بیماری و... میباشد .

ر.ک. Sublimation

Compensation mechanism

سازوکار جبرانی - مکانیسم جبران
به صورت Compensatory mechanism نیز آمده است. نظام یا الگویی مرتبط با ساخت و کارکرد روانی است که از طریق آن فرد یا گروه واکنشی جهت مقاومت در برابر کاستی‌ها و مسائل نشان می‌دهد تا موازنه، تعادل و تمامیت خود را حفظ کند، از این دیدگاه می‌توان گفت همه حیات از دیدگاهی حاوی فرایند جبرانی است .

ر.ک. Defense mechanism ,

Escape mechanism

Compensation, Unemployment

مستمری بیکاری

ر.ک. Unemployment Compensation

Compensatory principle اصل

جبرانی

(۱) از فیزیک گرفته شده است. بدین معنی که کنش و واکنش با یکدیگر تساوی و تقابل دارند .

(۲) در زیست‌شناسی نظریه‌ای است که بقای موجود یا عضو زنده را بر میزان رعایت این اصل و بازیابی مستمر تعادل متکی می‌داند.

(۳) در روانشناسی براساس این نظریه

و جهانی کنش و واکنش بین انسانها حتی بدون تماس اجتماعی می دانند .

(*Introduction to the Science of Sociology*, P:500)

— از دیدگاه معاصران ، رقابت معنایی وسیعتر دارد و پیگیری خواسته هایی نادر را چه بطور شخصی، چه غیر شخصی، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه شامل می شود .

از این رو ، از نظر یونگ (K.Young) «رقابت صورتی از تقابل است که در آن دویا چند نفر یا چند گروه جهت دستیابی به خواسته هایی چند با یکدیگر با خشونت کمتر مبارزه می نمایند. اما در جریان آن توجه بیش از همه معطوف به دستیابی به هدف است تا شکست رقبا» .

(*Sociology: A study of Society and Culture*, P: 64)

همچنین، سعی در دستیابی به خواسته هایی نادر و بسیار مورد توجه که تشارك پذیر نیز نیستند، از جانب افراد یا گروههایی چند می تواند موجب رقابت را فراهم سازد. از این رو دوپ (L.Doob) می نویسد : «از دید گاهی روانشناختی، رقابت شامل کوشش در دستیابی به هدفی است نادر، که قابل تقسیم بادیگران نیست»

(*Social Psychology*, P : 210)

Competition , type of ,

انواع رقابت ها :

Causative Competition

۱- رقابت سببی :

کوشش در جهت کسب مطلوبی (Desideratum) نادر است علی رغم میل دیگران . در عمل ، رفتاری است پیشین که به طور مثبت با دستیابی به مطلوب در ارتباط است ، به عنوان مثال ، تحمل هزینه های تبلیغاتی چون با رشد بعدی فروش ارتباط دارد، نوعی رقابت سببی است .

Cooperative ~

۲- رقابت آمیخته با همیاری :

رقابتی که به سبب وجود هدفهای مشترك و مطلوب همه رقبا ، هم حدود و هم شدتی ناچیز پذیرد و در مواردی به قرارداد همکاری منجر شود.

Ecological ~

۳- رقابت محیط شناختی :

همزیستی افراد، گروهها ، یا به طور کلی موجودات زنده در يك محیط روابط گونا گونی را پدید می آورد که اکثر شامل لحظاتی از تنازع (به جهت پایان ناپذیر بودن خواستها و محدودیت امکانات) است و هر يك از آنان اشکال و صور خاصی می یابد؛ نظیر همزیستی تعاونی (Symbiosis) و یا هم سفرگی (Commensalism) (به هر يك ر. ك.)

۴- رقابت اقتصادی ~ Economic

شرایطی خاص که در بازار فراهم می آید و انواعی ویژه می یابد نظیر :

Pure competition

الف - رقابت ناب یا سالم

با تعدد خریداران و فروشندگان، شفافیت

بازار، آگاهی طرفین و تحرک بازار که رقابت کامل هم خوانده می شود .

Imperfect ~

ب - رقابت نادره یا ناقص که آنرا صورتی متعدد است ، از جمله :

Monopolistic ~

ج - رقابت انحصارگر-رایانه قیمتها انحراف می یابند، يك عامل خواست خود را بردیگر عوامل تحمیل می کند، بازار فاقد شفافیت است . این نوع رقابت را در شرایطی چون تراست (Trust) و کسارتل (Cartel) می بینیم .

Oligopolistic ~

د - رقابت انحصاری ناقص که همان شرایط را در قطبهای انحصاری پدید می آورد .

Effective ~ ه - رقابت کارآ

نوعی همچشمی که در نهایت به توزیع مواهب مورد تنازع بین طالبین آن می انجامد.

Institutional ~ ع - رقابت نهادی

فرایند تعامل اجتماعی که موجب بقای بعضی از نهادها یا رشد و گسترش آنان و یا نزول و حتی محو بعضی از نهادهای دیگر بر حسب دگرگونی نیازها و شرایط اجتماعی می شود .

Political ~ ۷ - رقابت سیاسی

گاه از آن در شرایط سخت و خشن با تنازع قدرت (Power struggle) یاد می کنند. متضمن مبارزه (Contestation) ، ستیزه

(conflict) و احیاناً دوران سرآمدان سیاسی (Political Elite Circulation) است.

۸ - رقابت اجتماعی ~ Social

به معنای سبقت جوئی گروهها و افراد است جهت اخذ پایگاهی مطلوب .

۹ - رقابت ارتجالی ~ Spontaneous

رقابتی نه درچارچوب برنامه یا سازمان و یا نهادی خاص .

۱۰ - رقابت شغلی ~ Occupational

۱۱ - رقابت فرهنگی ~ Cultural

Competitive cooperation

همکاری مبتنی بر همچشمی - همکاری رقابت آمیز

ر. ک . Competition / Antagonistic

Cooperation

عوامل رقابت Competitive factors

انگیز

قیمت رقابت پذیر Competitive Price

سوسیالیسم رقابتی Competitive Socialism

رقابتی

ر. ک . Socialism

Complementary projection

فرا فکنی تکمیلی

ر. ک . Projection

عقد - پیچیده - مجموعه Complex

- در روانشناسی اجتماعی و روانکاری به معنای عقد به کار می رود و انواعی چند نظیر عقد اودیپ (Oedipus complex)، عقد الکترا (Electra complex) و ... می یابد، که تماماً نوعی ناهنجاری روانی را

- حسابگرانه (Calculative) و اخلاقى (Moral) را از جانب اعضا پدیدمی آورند
- ر. ک. Charismatism / Authority
- جزء - مؤلفه Component
- گروه متشکله Component group
- ر. ک. Group
- جامعه از نظر Component society
- عناصر تشکیل دهنده
- در برابر مفهوم جامعه از نظر تشکیلاتی (Constituent society) که توجه به یک جامعه از نظر ساخت، سازمان و هرم سازمانی آن را می‌رساند، از این مفهوم توجه به یک جامعه از دیدگاه عناصر تشکیل دهنده آن، برمی‌آید.
- خانواده مرکب Composite family
- ر. ک. Family
- ترکیب Composition, Demotic
- جمعیتی
- ر. ک. Demotic Composition
- ترکیب Composition, Social
- اجتماعی (جمعیت)
- ر. ک. Social Composition
- گروه مرکب Compound group
- ر. ک. Group
- محاط به مفهوم Comprehended
- محیط به مفهوم Comprehending
- قابل فهم - احاطه Comprehensible
- پذیر
- می‌رسانند ناشی از سرکوفتگی و حرمان.
- در جامعه شناسی سازمانها به معنای پیچیده به کار می‌رود، نظیر سازمانهای پیچیده (Complex organizations) که شاخصهای آنان وسعت، تراکم، کاهش شخصیت فردی (Deindividuation)، گسترش روابط صوری (Formalism) و از خود بیگانگی (Alienation) است - به هر یک ر. ک.
- ر. ک. Electra Complex / Oedipus Complex
- مجموعه فرهنگی Complex, Culture
- ر. ک. Culture complex
- عقدة الکتر Complex, Electra
- ر. ک. Electra Complex
- عقدة اودیپ Complex, Oedipus
- ر. ک. Oedipus Complex
- مجموعه کارای فرهنگی Complex, Trait
- ر. ک. Trait Complex
- تعقد - پیچیدگی Complexity
- نظریه اجابت Compliance Theory
- نظریه ای است از اتزیونی (A. Etzioni)
- در زمینه هرم سازمانی و میزان آمادگی اعضا در مرتبه پایین، جهت پذیرش قدرت و اطاعت از صاحبان مناصب. به نظر اتزیونی، سه نوع قدرت متکی بر سرکوب یا اجبار (Coercive)، متکی بر پاداش (Remunerative) و هنجار ساز (Normative) به ترتیب سه نوع مشارکت بیگانه ساز (Alienative)،

Comprehensive school مدرسه جامع

نظام آموزشی که در آن آمیزش درسهای نظری با عمل در محیط آموزشی، مطمح نظر قرار می گیرد.

Consolidated School ، ر. ک.

Centralized School

Comprehensive School

مکتب تفهیمی (در تاریخ) (in history)

— در برابر مکتب اثباتی یا تحصالی، نحلده ایست، مخالف با استفاده از روشهای علوم طبیعی در حوزه تاریخ و سایر علوم اجتماعی و معتقد به لزوم مشارکت محقق اجتماعی در جامعه و درک مسائل.

— در آغاز، دیلتای (W. Dilthey)

بدان اندیشید. او علوم را به دو گونه تقسیم می نمود: علوم روانی و علوم طبیعی. به نظرش علوم روانی که در آن انسان مورد پژوهش قرار می گیرد، ماهیتی بسیار خاص و متمایز از علوم طبیعی دارند. در واقع، ابعاد ذهنی، پیدچیدگی و آزادی جویی انسان در برابر قوانین مانع اعمال شیوه های تبیینی علوم طبیعی در مورد این خانواده از علوم است. پس باید به فهم انسان و مسائل رفتارش پرداخت. این اندیشه ها که خود متأثر از دیکرت (H. Rickert) فیلسوف آلمانی بود، اندیشمند شهیر این آیین فکری، یعنی وبر (Max Weber) را برانگیخت تا در همه آثارش به گسترش مبانی آن پردازد.

— در این مکتب بر ذهنی، کیفی و عمقی بودن پدیده های اجتماعی تأکید می شود. جستجوی قوانین جهانی حاکم بر اندیشه و رفتار انسانی را عبث می دانند. تکیه بر تمامیت (Totality) در پدیده های اجتماعی دارند. به جای کاربرد شیوه های ریاضی همچون علوم طبیعی پژوهشگر را به درک حیات انسانی دعوت می کنند بدین سان در مشاهده همراه با مشارکت، سعی در درک ارزشهای درونی پدیده ها، عدم تحمیل الگوها و معیارهای خویش به موضوعات مورد تحقیق دارند.

— هر چند اصول این اندیشه بحث پذیر نیست، لیکن کاربرد شیوه هایش بحثهای انتقاد آمیز برانگیخت و یکی از بهترین منتقدان این مکتب ژرژ گودویچ (G. Gurvitch) است، بعضی از این انتقادهای بر افراط در این اندیشه ناظرند، چنین اند:

— در این مکتب با کوشش مفرط در فهم اعماق، پژوهشگر در مواردی به نوعی درون نگری (Introspection) دچار می شود. از فرط سعی در درک و مراجعه به حالات روانی، بطور نا آگاه حالت روانی خود را به همگان تعمیم می دهد.

— زمانی که فهمیدن بدون استدلال تبیینی هدف قرار می گیرد، جامعه شناسی به جای شناخت علمی که نوعی تعمیم مبتنی بر نسیت رami جوید، دچار نام گرایی (Nominalism) می شود.

— در نهایت، این شیوه پژوهش به جای

- اثبات برائت از
 طریق شهادت
 نظامی حقوقی که در آن یکی از شیوه‌های
 دفاع متهم، آوردن افرادی به دادگاه جهت
 شهادت به بیگناهی وی با ادای سوگند است.
- ازدواج
 Comradship marriage
 دوستانه
- ر. ک. Companionate marriage
- Comte (Isidore, Auguste Marie
 Francois xavier) اگوست گنت
 فیلسوف فرانسوی (۱۸۵۷-۱۷۹۸) و
 بانی و نامگذار جامعه‌شناسی است. به مذهب
 انسانیت می‌اندیشید و بر روشهای تاریخی در
 برابر شیوه‌های ریاضی تأکید داشت. اعتقاد
 داشت که جوامع از سه مرحله الهی، فلسفی و
 اثباتی می‌گذرند. به طبقه‌بندی علوم دست زد
 و جامعه‌شناسی را در صدر آن جای داد. چه،
 بنظرش این علم از همه دانشها پیچیده‌تر است
 و در مقابل، امکان تعمیم داده‌ها در آن از همه
 کمتر وجود دارد. برخی از آثارش عبارتند از:
 — *Cours de philosophie positive.*
 — *Discours sur L'esprit positif*
 — *Le système de politique positive.*
 — *Appel aux Conservateurs.*
 — *Calendrier positiviste.*
- ر. ک. Mechanicism / Positivism,
 Social physics
 Philosophy of history
- تأکید بر مطالعه ذهنیات به صورتی هر چه عمقی‌تر
 صورتی از شهودگرایی (Intuitionism)
 و اشراق می‌باشد و به همان نسبت از قوانین
 دانش فاصله می‌گیرد.
- ر. ک. Ideal Type / Max weber
 Subjectivism/Verstehen/Intropathy.
 Introspection
- مصالحه
 Compromise
 فرهنگ و بستر چنین تعریفی از آن به
 دست می‌دهد: «حل مشکل از طریق جلب
 رضایت یا امتیاز متقابل و یا داوری». بدین
 سان، در مصالحه هر طرف امتیازی می‌دهد تا
 از تعارضی بی‌حاصل اجتناب گردد. شیوه‌ها یا
 راههای مصالحه بسیارند و هر یک متمایز از
 دیگری.
- Compulsatory education
 آموزش اجباری
 اغلب کشورهای توسعه‌یافته در تعمیم آموزش،
 رایگان بودن آن (مخصوصاً در دبانی) و تعبیه
 ساز و کارهایی در ارتقاء آموزشی جوانان
 مستعد از خانواده‌های بی‌بضاعت (نظیر
 بورسهای تحصیلی و ...) دارند، به‌لحظه
 می‌کوشند تا جزء مقدماتی آموزش اجباری
 گردد. آستانه اجبار در همه جوامع یکسان
 نیست، لیک در هر حال موجب ریشه‌کن‌سازی
 بیسوادی، عدم اشتغال زود رس و بهره‌کشی
 از کودکان خواهد شد.
- ر. ک. Education

Concentration - مجتمع هم محور -

مرکزیت بخشی - تمرکز حواس

(۱) فرایند گردآوری پدیده‌هایی متفرق بر گرد يك محور. این مفهوم در اصل با جغرافیا مرتبط است (نظیر تجمع هم محور شهری و...) در معنای مجازی به هر تجمع حول يك محور اطلاق می‌شود (نظیر تجمع هم محور اقتصادی، فنی و...) (۲؛ ۳) فرایند تمرکز قدرت؛ (۳) افزایش غلظت مایع با کاستن حجم آن؛ (۴) تمامی توجه را به امری معطوف داشتن.

Concentration camp اردوگاه کار

اجباری، بازداشتگاه نظامی - سیاسی

۱- مراکزی جهت نگهداری افرادی که از نظر سیاسی نامطلوب شناخته می‌شوند.
۲- همچنین مراکزی جهت نگهداری افرادی که به عنوان اسیر جنگی یا ... از نظر نظامی بازداشت آنان ضروری بوده است. معروفترین اردوگاههای کار اجباری توسط نازیها پدید آمد.

Concentration , Ecological

تجمع هم محور محیطی

ر. ک. Ecological Concentration

Concentric city شهر هم مرکز

ساخت خاص شهری است که در برابر دو ساخت دیگر، یعنی قطاعی (Sectorial) و چند هسته (Multiple nuclei) قرار می‌گیرد.

در ساخت متمرکز شهری، همه انسانها

برای رفع هر حاجت اداری یا بازرگانی ناچارند به مرکز واحد شهر مراجعه کنند و این امر موجبات بروز انواع گوناگون مسائل از آن جمله رفت و آمد سنگین، آلودگی هوای مرکز شهر، اتلاف وقت ساکنین و تراکم بیش از حد در مرکز شهر را فراهم میسازد.

ر. ک. Multiple nuclei city /

Sectorial city

Concentric structure ساخت هم مرکز

مجموعه‌ای از عناصر که ترکیبی همگرایا بند.

Concept مفهوم

تفکر انتزاعی انسان در باب اشیاء یا دانسته‌های جهان پیرامون را با توجه به ویژگیهای مشترك آنان نام و هویت می‌دهد. و همین فرایند (مفهوم سازی) خود تفکر تجربیدی را قوام می‌بخشد و تفاهم و استدلال را یاری می‌دهد. زمانی که مفاهیم به ظرایف روانی و غیر ملموس می‌رسند، سازه (construct) خوانده می‌شوند، نظیر عقیده قالبی (stereotypes) بدین سان، در شبکه بیکران حالات روانی، عقایدی که سخت، تعصب‌آلود، اکثر نادرست، پیگیر و پایا باشند، بدین نام خوانده می‌شوند.

Concept , Age - area مفهوم قدمت -

وسعت

ر. ک. Age - area Concept

کنترل حاملگی Conception control

ر. ك. Contraception , Birth Control

رویکرد Conceptual approach
مفهومی

شیوه‌ای است در مطالعه يك دانش که در آن شناسایی و طبقه‌بندی مفاهیم اساسی اولویت می‌یابد، با تکمیل آن بادیگر شیوه‌ها، نظیر رویکرد تاریخی (Historical approach)، یا رویکرد مقایسه‌ای (Comparative approach) شناخت واقعیت باغذای بیشتری صورت می‌یابد.

آشتی Conciliation

آشتی، مروت و همکاری را در زمره تعامل پیوسته (Associative interaction) می‌دانند. در برابر تقابل (opposition)، کشمکش و... تعامل یا کشش و واکنش گسسته (Dissociative interaction) نام دارند.

ر. ك. Interaction

عینی - انضمامی - مشخص - ملموس Concrete

متعہ گونگی Concubinage

زندگی مشترك يك مرد با يك یا چند زن بدون قرارداد زوجیت، با متعه اشتباه نشود.

ر. ك. Concubine/Marriage/Sigha

Morganatic marriage/Cohabitation

متعہ گون Concubine

زنی که هم‌خواهگی مردی را می‌پذیرد به‌خانه وی می‌رود و با هم زندگی می‌کنند؛

جامعه از آن اطلاع دارد و پنهانی نیست. این زن یا جانشین زن رسمی اوست و یا آنکه به زن یا زنان عقدی وی اضافه می‌شود. پایگاه چنین زنی در همه جا یکسان نیست، اما از این مرد حق نفقه دارد و فرزندان قانونی‌اند. لیکن او و فرزند یا فرزندان حق ارث بردن از این مرد را ندارند. گاه به اجازه مرد فرزند (ان) نام خانوادگی مرد را احراز می‌کنند.

ر. ك. Cohabitation

بازتاب شرطی Conditioned reflex

رفتاری ساده در برابر رفتارهای خود به‌خود ذاتی که پاسخها یا بازتابهای غیرشرطی (unconditioned reflex) خوانده می‌شود.

Conditioned participation

مشارکت شرطی

ر. ك. Participation

پاسخ شرطی Conditioned response

محرک شرطی Conditioned stimulus

شرطی سازی Conditioning

فرایندی خاص در آموزش از طریق تداوی است. دونوع عمده آن بدینقرارند:

۱- شرطی سازی کلاسیک یا شرطی سازی متداول (classical conditioning)

نمونه بارز آن مطالعات پاولوف (Ivan pavlov) دانشمند روسی است. دومحرک با یکدیگر آورده می‌شوند و بالطبع

شرایط - اوضاع واحوال Condition

کندورسه Condorcet (Antoine
Nicolas caritat, Marquis de)

نویسنده، فیلسوف و انقلابی فرانسوی است که بین سالهای ۱۷۴۳ و ۱۷۹۴ زندگی نمود. آثارش رشته‌های گوناگون دانش اجتماعی را دربرمی‌گیرند، اثر برجسته‌اش طرحی درباب تصویب تدریجی ترقی روح انسان نام دارد. در آن رشد مداوم انسانیت را در خلال نه دوران برمی‌شمارد و بزعم او دوران دهم که مصادف با انقلاب است (انقلاب کبیر فرانسه) حاکی از کمال غایی بشر و تساوی انسانهاست.

آموزش را کلید ترقی می‌دانست، بسط آن و دستیابی همه فرزندان جامعه را بدان، مطمح نظر داشت. دیدگاه خوش بینانه او مبنی بر ترقی و توسعه و تکامل غایی انسانها، مورد توجه اگوست کنت قرار گرفت.

کنفدراسیون Confederation

- در معنای سیاسی، کنفدراسیون پیوند دولتهایی است که ضمن حفظ خودمختاری و هویت خویش، به اتحاد با یکدیگر و ایجاد نیرویی تازه پرداخته‌اند. تفاوت آن با فدراسیون در این معنا، آزادی بیشتر دول تشکیل دهنده اتحاد است. نمونه خاص و منحصر آن در جهان کنفدراسیون سوئیس است.
- در مقابل، زمانی که سخن از کنفدراسیون سندیکاها، انجمنها و غوره به میان می‌آید، معمولاً منظور پیوند چند فدراسیون است.

پاسخ را مشروط می‌سازند؛ بدینقرار، يك محرك (نظیر غذا) که معمولاً پاسخ خاص (ترشح بزاق) را برمی‌انگیزد، به همراه محرکی دیگر که معمولاً چنین پاسخی را ایجاد نمی‌کند، مرتباً تکرار می‌شود. در نهایت، موضوع تحقیق (سنگ) شرطی گردیده به محض شنیدن صدای زنگ، بزاقش ترشح می‌نماید.

۲- شرطی Operant conditioning
سازی عملی

که خود به صورت‌های مثبت و منفی تجلی می‌کند:
الف - تقویت Positive reinforcement
مثبت

شخص وزنه‌ای را بلند می‌کند و در پی آن جایزه‌ای می‌گیرد. تکرار این دو موجب پیوندشان می‌شود و این پیوند موجبات تکرار عمل را توسط فرد فراهم می‌سازد.

ب - تقویت Negative reinforcement
منفی

همان شخص درمی‌راند و شاید ضربه‌ای الکتریکی به او وارد می‌شود، تکرار عمل به تکرار ضربه می‌انجامد و پیوند این دو به منفی عمل و گرایش به عدم تکرار آن منتهی می‌شود. شیوه شرطی‌سازی مورد توجه بسیار رفتارگرایان قرار گرفت.

ر. ک. Behaviorism

شرطی شدن Conditioning, Panel

نسبت به پانل

ر. ک. Panel

- کشمکش طبقاتى Conflict , Class
 ر. ک. Class Conflict
- کشمکش مبتنى بر همکارى Conflict , Cooperative
 ر. ک. Antagonistic cooperation
- کشمکش فرهنگى Conflict , Culture
 ر. ک. Culture conflict
- کشمکش آشکار Conflict , Manifest
 ر. ک. Manifest Conflict
- کشمکش ذهنى Conflict , Mental
 ر. ک. Mental conflict
- کشمکش نژادى Conflict , Race
 ر. ک. Race Conflict
- رفع کشمکش - Conflict resolution
 کشمکش زدایی
- شیوه‌هایی چند که در رفع کشمکش به کار می‌آیند. این شیوه‌ها می‌توانند صلحجویانه (نظیر آشتی، مصالحه و...) بوده یا باثبیت به اعمال خشن (جنگ و...) یا از طریق رسمی (دادخواست) و یا بادستپازی به حکمیت، اتخاذ شوند.
- کشمکش Conflict , Revolutionary
 انقلابی
- ر. ک. Revolutionary conflict
- وضع مبتنى بر Conflict situation
 کشمکش - شرایط پر کشمکش
- مجموعه شرایطی که در روابط متقابل افراد یا گروه‌ها پدید آیند و حاکی از بی‌مهری و قهر آشکار و تخریب باشند.
- کنفدراسیون بین‌المللی، به پیوند چند فدراسیون ملی در سطح جهانی می‌انجامد.
 ر. ک. Federation
- دفتر Confidential exchange
 محرمانه خدمات اجتماعی
- بامفهوم Social Service Exchange
 مترادف است. (بدان ر. ک.)
- هیأت Configuration
 ترکیب عناصر و مجموعه‌های گوناگون فرهنگی است که با هم کلی دارای کار کرده می‌سازند. این مفهوم متضمن توجه به فرهنگ به عنوان یک کل با عناصری بهم پیوسته است. چنانچه یک عنصر آسیب بیند یا دگرگون شود، دیگر عناصر از آن متأثر می‌شوند. همچنین این مفهوم متضمن دیدگاهی کارکرد گراست. چه، پیکر، کلی است دارای کارکرد. در زبان آلمانی مفهوم گشتالات به عنوان معادل نزدیک آن به کار می‌رود.
- ر. ک. Holism/Gestalt
- کشمکش Conflict
 از واژه‌ای لاتینی به معنای مبارزه کردن، برخورد و ضربه زدن، گرفته شده است. هنگامی است که دو یا چند نفر، یا دو یا چند گروه با یکدیگر به هر دلیل (مادی یا اندیشه‌ای) در ستیزند. کشمکش، حالتی از مبارزه و تنازع را پدید می‌آورد که در آن هر یک از طرفین به وسایلی متشبث می‌شود تا دیگری را وادار به تسلیم کند. کشمکشها به نسبت تعداد ابعاد حیات تعدد دارند.

ر. ك . Opposition
 كشمکش اجتماعى Conflict , Social
 ر. ك . Social Conflict
 خرده فرهنگ Conflict subculture
 ستیزه آمیز

فرهنگ خاص گروهى مثلاً جوانان یا
 اقلیتها که نسبت به فرهنگ رسمى جامعه وضعى
 ستیزه جویانه دارد .

نظریه كشمکش Conflict Theory
 از مهمترین اندیشه های جامعه شناسى در
 قرون اخیر است. در آغاز مارکس بدان اشاره
 کرد و بدان تبلور بخشید. سپس، بحثى رایج
 گردید و دیدگاههای گوناگون یافت، ابتدا،
 مفهوم را مطرح می داریم و تمایز آنرا از مفاهیم
 نزدیک عنوان می کنیم، سپس، به انواع آن
 می رسم و پس از آن سه نحله گوناگون را که
 بر حول آن پدید آمدند، مطمح نظر قرار
 می دهیم:

I - معناشناسى كشمکش:
 از دیدگاه معنی شناسى (Semantics)،
 بسیاری از اندیشمندان بین كشمکش و رقابت
 تمایز قائل شده اند. «رقابت به معنای كشمکش
 بر سر کنترل منابع یا امتیازات مطلوب برای
 تعداد زیادی از انسانهاست بدون آنکه در آن از
 خشونت استفاده شود، رقابت منظم نوعى
 كشمکش آرام است که در چارچوب قواعد
 پذیرفته توسط همگان راه حلى مقبول می یابد.
 بازار حاوى رقابت منظم و غیر منظم است.»
 (Abercrombie:50) از دیدگاه پارک و
 برگس، كشمکش از این جهت از رقابت تمایز
 می یابد. چه همواره آگاهانه صورت می گیرد و

موجبات ارتباط مستقیم (بین طرفها) را فراهم
 می سازد. «هر دو نوعى از تعامل به حساب
 می آیند، اما رقابت كشمکشى است بین افراد یا
 گروهى از آنان که لزوماً در تماس متقابل
 نیستند. كشمکش رقابت ستیزه جویانه است که
 در آن تماس شرطى اجتناب ناپذیر است در
 حالیکه رقابت ناآگاهانه است، كشمکش لزوماً
 آگاهانه صورت می گیرد. با اینهمه، هم
 كشمکش و هم رقابت اشکالى از تنازع به حساب
 می آیند، رقابت مستمر و غیر شخصى است، در
 حالیکه كشمکش متواتر و شخصى است.»

(E.W. Burgess , R. E.park ,
 1921: 574)

II - انواع كشمکش:

۱- كشمکش اجتماعى (Social
 conflict) و كشمکش نظامها (Social
 System). از دیدگاه لاک وود (D.lock
 wood) باید بین دو كشمکش فوق تمایز قائل
 شد، در حالیکه كشمکش اجتماعى بین افراد
 صورت می گیرد و در چارچوب تعامل اجتماعى
 اتفاق می افتد، كشمکش نظامها، زمانى اتفاق
 می افتد که نهادها در یک جامعه هماهنگ
 نیستند، بعنوان مثال، زمانیکه نظام سیاسى یک
 جامعه اهدافى را تعقیب کند که با نیازهای
 اقتصادى آن هماهنگ نیستند، ما می گوئیم
 كشمکش نظامها صورت یافته است. زیرا از
 دیدگاه نظام سیاسى و نظام اقتصادى هر دو به
 منزله زیر نظام (Sub- system) بحساب
 می آیند.

۲- كشمکش آشکار (Manifest
 conflict)، كشمکش نهان (Latent
 conflict)

- شد که نظریه کشمکش محور اندیشه متفکران در قرون ۱۹-۲۰ گردد. اندیشه‌ها بر محور این نظریه به چند گروه تقسیم می‌شوند، بدینقرار:
- ۱- کارکرد گرایان و اندیشه دژ کارکرد کشمکش
- کارکرد کارگران نه تنها امتداد تاریخی پدیده‌های اجتماعی را کم اهمیت جلوه دادند، بلکه در تمامی آثارشان کوشیدند تا «کشمکش را نیز به فراموشی سپارند و هماهنگی جامعه و فرهنگ را مطمح نظر دارند. آنان بر یکپارچگی اجتماعی (Social integration) تاکید نمودند و اثر هماهنگ ساز ارزشهای مشترک را تبلور بخشیدند. آنان کشمکش را حالتی آسیب (Pathological) یا مرض آلود قلمداد می‌کردند و آنرا برای یک جامعه سالم امری عادی تلقی نمی‌نمودند.» (Abercrombie P:50)
- از اینرو باید آنانرا در زمره کسانی دانست که کشمکش را دارای کارکردی منفی یا نامطلوب (Dysfunction) می‌دانند.
- ۲- زیمل گرایان و اندیشه به کارکرد کشمکش
- زیمل از مهمترین دانشمندانی است که بعد از مارکس، این نظریه را بسط داده است. به عقیده او کشمکش دارای کارکردی مثبت و یا مطلوب (Eufunction) است. همین اندیشه توسط دیگر دانشمندان نظیر کوزر (L. Coser) مطرح گردید. خطوط اصلی این اندیشه چنین‌اند:
- کشمکش موجب می‌شود که دوگانگی‌های جامعه تخفیف یابند: در اثرش
- ر.ک: Covert conflict
- ۳- کشمکش نژادی
- ر.ک: Race Conflict
- ۴- کشمکش مبتنی بر همکاری
- ر.ک: Cooperative conflict
- ۵- کشمکش‌های مستقیم و غیر مستقیم
- مک‌آیود (R.M. Mac Iver) بین این دو نوع کشمکش تمایز قائل می‌شود. از دیدگاه او کشمکشهای غیر مستقیم بنوعی با رقابت شباهت دارند.
- ۶- کشمکش‌های ذهنی. کشمکشهای فرهنگی
- ر.ک: Mental conflicts
- Culture conflicts
- III - نحله‌ها:
- در پدیرش یا طرد کشمکش بعنوان یک پدیده اجتماعی سه نحله یا مکتب مختلف از یکدیگر تمایز می‌یابند:
- ۱- مارکس گرایان و نظریه دوگانگی متعارض
- مارکس و مارکس گرایان، کشمکش را کانون جامعه و محور حرکت تاریخ می‌دانند. از نظر آنان جامعه صورتی دوگانه و متعارض (Dichotomic) دارد. از جانی بورژوازی حاکم و از جانب دیگر گروه وسیع رنجبران به چشم می‌خورد. تاریخ نیز چنین است، در تمامی قرون و اعصار اسامی گران و استمارشده‌ها در برابر یکدیگر قرار داشته‌اند. از طرفی صاحبان سرمایه و از طرف دیگر صاحبان نیروی کار در مقابل هم حرکت تاریخ را آفریده‌اند و همین کشمکش آنان موجبات بروز تغییرات تاریخ را فراهم ساخته است. این دیدگاه خاص، موجب

«کشمکش و شبکه تعلقات گروهی، می نویسد: اگر هر تعامل (Interaction) بین انسانها نوعی حرکت اجتماعی است، کشمکش نیز چنین است. با کشمکش دوگانگی های حاد جامعه راه حلی مطلوب می یابند و کشمکش نیز خود راهی در جهت تحقق نوعی وحدت به حساب می آید، حتی اگر به قیمت امحاء یکی از طرفهای آن (کشمکش) انجامد.» (Simmel 1955:13)

- در جامعه چندگانه، کشمکش نیز پیچیدگی می یابد: کورر (L. Coser)، با بسط نظریه زیمل، به این نتیجه می رسد که در جامعه ای که نقشها تکرر می یابد، یک فرد ممکن است از دیدگاهی با فردی دیگر در کشمکش باشد، اما در گروه دیگر با هم جای گیرند و وحدت علایق و منافع یابند. همین اندیشه توسط دارند دورف (R. Darendorf) مطرح شد، بنابراین این دیدگاه که جامعه صرفاً از دو گروه در کشمکش دائمی و متقابل تشکیل یافته است (مارکس) مورد انتقاد قرار گرفت.

بنابراین، ملاحظه می شود بنظر این دانشمندان، ۱- باید کشمکش در متن جامعه پیچیده جدید مطمح نظر قرار گیرد.

۲- کشمکش می تواند همچون شیر اطمینان از انفجار جامعه جلوگیری کند. ۳- برای حرکت جامعه و تجلی استعدادها حداقل کشمکش ضروری است.

ر.ک: Conflict, Competition

همنوایی Conformism

فرایندی است روانی - اجتماعی که به موجب آن فرد الگوها و ارزشهای مسلط محیط پیرامون خود را بی چون و چرا می پذیرد و رفتار خود را با آن منطبق می سازد. جامعه

شناسی بیشتر نتایج همنوایی را مطالعه می کند و حال آنکه روانشناسی اجتماعی به مطالعه علل روانی - اجتماعی پیدایی همنوایی و با عوامل اضمحلال آن می پردازد.

در صورت افراط، همنوایی صورتی از تسلیم، محافظه کاری و انفعال می یابد. در فارسی آن را دنباله روی، همواگری و همگانواری نیز ترجمه کرده اند.

ر.ک. Mimetic response

کنفوسیوس آیینی Confucianism

آیینی دینی - فلسفی که کنفوسیوس مطرح کرد و متعاقب آن دگرگونیهای چند توسط رهروان یافت. از این رو سخن از کنفوسیوس آیینی جدید (Neo - Confucianism) نیز به میان می آید.

مادرزایی Congenital

با مفهوم ارثی (Hereditary) از آن رو متمایز است که این مفهوم مشخص کننده صفاتی است که در آبستنی تثبیت می شوند.

تجمع موزاییکی Congeries

تجمع فضایی عناصری از فرهنگ که چون نا همگن اند، کارایی نمی یابند. این مفهوم به هنگام بحث از فقدان پیوند متقابل بین خوشه های فرهنگی در چارچوب یک فرهنگ به کار می رود.

Congruent attitude change

دگرگونی متوافق طرز تلقی

دگرگونی طرز تلقی است در همان

جهت قبلی، به عنوان مثال، شخصی در گذشته نظری مخالف نسبت به جنگ داشته است و حال نیز همان نظر را اعلام می‌دارد. تنها تفاوت در شدت یا ضعف طرز تلقی و یا ... دیده می‌شود.

ر. ک. Incongruent attitude change

Congruence theory

نظریه همگرایی

حوادث جدید در صحنه‌های اقتصادی - سیاسی موجب نوعی تغییر درین نظریه یا دست کم ایجاد ظرافت بیشتر در آنرا فراهم ساخت. از طرفی شاهد امحاء سریع اندیشه‌های رویا گران سوسیالیستی شدیم: آنان برین عقیده بودند که باید هر کس گذشته از هر سمت یا تخصص، صرفاً طبق نیازش از مواهب و امکانات جامعه برخوردار شود (اندیشه‌های ناکجا آباد گرایان نظیر توماس مود که در جزیره موهوم او هیچکس هیچ چیز ذخیره نمی‌کرد، هر کس از انبار عمومی بر حسب نیازش برداشت می‌نمود) از طرف دیگر نیز شاهد از بین رفتن سرمایه‌داری لیبرال (Liberal capitalism) آنطور که در اندیشه اندیشمندانش نظیر ریکاردو، استوارت میل و ... تجلی می‌نمود شدیم. بزعم آنان باید انگیزه سود موتور هر عمل اقتصادی باشد، رقابت تقویت شود و دولت صرفاً عامل برقراری نظم بحساب آید (نظریه عدم دخالت دولت Non-interventionism یا شعار آزاد گذارید Laissez-faire - و تکیه بر اصل انسان اقتصادی - Homo oeconomicus).

بدینقرار، حرکت بسوی مرکز یا به تعبیری همگرایی آغاز شد. سرمایه‌داری لیبرال قرن

نوزدهم و با آن عصر طلایی بورژوازی به تاریخ سپرده شد، از جانبی مکانیسمهای تعدیل بخش نظیر سندیکاها، قوانین کار و ... به حمایت از نیروی کار پرداختند. ارتش ذخیره بیکاران (Reserve army) که هر روز در برابر کارخانه صف می‌کشید و قیمت نیروی کار را کاهش می‌داد از بین رفت. از جانب دیگر، دولت خود کارگزار اقتصادی شد: سرمایه‌گذارهای اساسی جامعه را خود تقبل نمود (آب، برق، راه آهن). صنایع مادر را نیز از دسترس سرمایه‌های خصوصی که خطر سود آنی بینی (Incrementalism) داشت خارج ساخت و به این نیز بسنده نکرد.

دولت بصورت گوناگون کار بخش خصوصی را زیر نظر گرفت (با شرکت در سرمایه - با وضع مالیاتهای مستقیم - با سیاستهای گمرکی ویژه و ...) و بدینسان، نظام سرمایه‌داری بصورت هدایت شده (Directed Capitalism) یا ارشادی درآمد. در درون نظام عناصری از سوسیالیسم پا به هستی نهاد و حتی نظام قشر بندی اجتماعی (Social stratification) نیز دگرگونی پذیرفت. دیگر از دوران مراتب گذشتیم و تولد جامعه باز (open society) به تعبیر پوپر یک واقعیت اجتناب ناپذیر گردید. بالاتر از این پیدائی اندیشه‌هایی چون نظریه کارکردی قشر بندی (Functional Theory of stratification) و تبلور آن در نهضت‌های سیاسی (نظیر فابیوس گرانی در انگلستان) موجب شد که فاصله طبقات بشدت کاهش پذیرد و با آن تفاوت دستمزدها نیز کمتر شود.

با این اقدامات که در اردوی سرمایه‌داری صورت می‌گرفت می‌توان پذیرفت که آزادی

سرمایه بشدت محدود شد و گامهای بلندی بسوی همگرایی ازین طرف طیف برداشته شد. لیک، حرکت در دنیای سوسیالیسم اهمیتی کمتر از این نداشت: عصر اشتراکی سازی روستاها (Rural collectivization) در عصر استالین چنان خساراتی به بار آورد که هرگز تاریخ از یاد نخواهد برد و بزودی جای خود را به توجه به انگیزه های کار در روستاها داد. کشاورز می توانست مالک جزئی از کار خود باشد. در حیات شهری و صنایع نیز آرام آرام توجه به بسط انگیزه خصوصی معطوف گردید. در برابر کار بهتر مزد بیشتر یا پاداش بیشتر داده شد و در نهایت کوشش گردید تا نظام از تصلب (Sclerosis) دولت سالاری (Dirigism) بیرون آید. برنامه ریزی متمرکز رو به افول نهاد و مقرر گردید در هر منطقه بر اساس امکانات آن برنامه ریزی شود و مالکیت خصوصی روز به روز بیشتر مطرح گردید. امکان تجلی استعدادهای برتر فراهم آمد. آنان که کار بیشتر و بهتر ارائه دادند روز به روز مواهب بیشتر یافتند و این پایان راه نبود. اردوگاه سوسیالیسم نیز کوشید تا سرمایه را در درون خود راه دهد و نظام آمیزه ای از هر دو اندیشه شد (تحولات جدید این حرکت را وسعت داده و جلوه های ملموس سیاسی بدان بخشید).

بنابراین می توان بدرستی اندیشید که هر دو نظام به نیروهای مرکزگرا (Centripetal forces) امکان تجلی داد و در نهایت گرایش بسوی یکدیگر شتاب یافت و تا این حد نظریه همگرایی بخوبی تحقق پذیر بنظر می رسید. با اینهمه، عواملی دیگر در صحنه اقتصادی - سیاسی جهان نوعی بازگشت دنیای سرمایه داری

را از مرکز موجب گردید: پیدائی و بسط احزاب محافظه کار (جمهوری خواهان در آمریکا، محافظه کاران در انگلیس و ...) به تکوین اندیشه ای دامن زد که آنرا «انقلاب محافظه کاران» تعبیر می کنند. با این حرکت، نظام سرمایه داری در بسیاری از کشورها به اقداماتی چون تعدیل مالیاتهای مستقیم و تصاعدی (Progressive Taxes) تفویض بسیاری از واحدهای بزرگ دولتی به بخش خصوصی (Privatization process) یا غیر ملی سازی (Denationalization) آنان و ... دست زد. با اینهمه نباید تصور رود که عصر بازگشت فرا رسیده و باید سخن از ناهمگرایی رانده شود. بالعکس می پذیرفت که توجه به عقلانی شدن (Rationality) و کارکردی اندیشیدن، رو به تقویت است. تجربه های کشورهای اسکاندیناوی روشنگر این مدعاست: آنان که روزی دستمزدها را بسیار نزدیک ساختند، در عمل متوجه شدند که انگیزه قبول مسئولیتهای سنگین و تحمل سالهای دراز و سخت آموزش را از بین برده اند. دیگر هیچ جوانی در کشور حاضر نبود سالهای سخت درس در دانشگاه و آنهم در عنفوان جوانی را گاه در مدتی بیشتر از ۱۵ سال (با احتساب تخصص) تحمل کند و در پایان نیز سخت ترین اعمال جراحی را انجام دهد (که کوچکترین اشتباه در آن جانی را بخطر می انداخت و با آن خود پزشک به محاکمه کشیده می شد) در حالیکه یک فرد دیپلمه از امتیازاتی مشابه با او برخوردار است. بنابراین، دوران تعدیل نظام فرا رسید و بدون آنکه با برخوردهای جزئی یا ناشی از اندیشه های رؤیا گرایانه پیامزد، عدالت و نه برابری (Egalitarianism) تجلی یافت

و دولت کار کردهائی نو یافت، جامعه بسوی نوسازمانی (Reorganization) حرکت کرد و اندیشه‌ها به قبول انسان روی نمود؛ که باید از سوئی به مهار غرایزش پرداخت و از سوی دیگر پذیرفته شد که تا حد قاعده نخستین اسلام (لاضرر ولاضرار) انگیزه کار و تولید یابد و بتواند از نتایج حاصل از تلاش خود بهره‌مند شود.

ر. ک. Dirigism. classical school. Functional Theory of social stratification. pauper. Morus, Fabianism. Affluent worker

زن و شوهری - مربوط به Conjugal
زناشویی - تاحی

علاقه زن و شوهری Conjugal affection

خانواده زن و شوهری Conjugal family

حقوق زناشویی Conjugal rights
ر. ک. family

اوضاع واحوال Conjuncture

ترکیب نیروها، شرایط و مقتضیات در يك وضع اجتماعی معین. به بیان دیگر، به مجموعه عناصری اطلاق می‌شود که در ارتباط متقابل اند و وضع يك واحد در زمانی خاص بدان وابسته است.

ازدواج بسته Connubium

از ریشه‌ای لاتینی به معنای زناشویی گرفته شده، حقوق و همچنین الزام گروهی

از مردان را در زمینه ازدواج با زن یازنایی از گروه یا قشری معین می‌رساند. این نوع ازدواج در برابر ازدواجهای آزاد، باز و بدون محدودیت قرار می‌گیرد. هر چند در نوع اخیر زناشویی (آزاد) نیز عملاً فرد همسر خود را از میان افرادی برمی‌گزیند که دارای ویژگیهای خاصی هستند.

ر. ک. Homogamy/Endogamy/
Assortative mating/Arranged marriage

فتح طبیعت Conquest of nature

نتیجه نهایی یا حاصل تلاش انسان در تسلط بر طبیعت و مهار نیروهای آن است. به نظر فرانسیس بیکن (F. Bacon) فتح طبیعت از طریق شناخت طبیعت و اطاعت از آن امکان پذیر است.

خانواده همخون Consanguine family

ر. ک. Family

گروه همخون Consanguine group

گروهی که بر پایه همخونی قراردادی با رسمی و یا واقعی پدید آید.

ر. ک. Lineage/Moiety/Kinship/
clan

همخونی Consanguinity

نوعی پیوند بین انسانهاست و صوری خاص دارد، نظیر:

۱) خطی (Linear) مانند همخونی بین

- والدین ، اجداد ، فرزندان و اخلاف .
- (۲) جنبی (Collateral) نظیر همخونی
برادران ، خواهران ، پسرعموها و تمامی
آنان که از نیایی مشترک منشأ گرفته‌اند .
- (۳) قراردادی (Contractual) همه
اعضای یک کلان خرد را همخون می‌دانند و
منبت از یک نیای مشترک (توتم) .
- (۴) واقعی (Real) همخونی واقعی نه
تابع قوانین خاص بلکه منبت از طبیعت است .
در هنگام هرج و مرج جنسی (Promiscuity)
انسانها بدون آنکه پیوندی قانونی بسازند ،
رابطه جنسی برقرار می‌ساختند و بدین سان ،
همخونی خاصی دور از نگاه جامعه پدیدمی‌آمد
که نه قانونی ، بلکه واقعی است .
- ر. ک. Kinship/Promiscuity/Clan/
Totemism
- وجدان Conscience
نظام فکری - احساسی که با آن فرد با
مسائل مواجه می‌شود. وجدان از این نظر که معین
می‌کند در شرایط معین و برای فردی معین ،
چه چیز درست و چه چیز نادرست است ، جهات
اخلاقی و هنجارگذار دارد .
- وجدان Conscience , Collective
جمع
ر. ک. Collective conscience
- بی‌وجدان Conscienceless
معارض اخلاقی Conscientious
آنکس که عملی را تقیح نماید یا از
- ارتکاب بدان به جهت عدم سازگاری آن با
وجدان اخلاقی یا اعتقادات دینی خود اجتناب
ورزد. نمونه چنین کسانی ، افرادی هستند
که علی‌رغم قوانین حکم ، در جنگ ویتنام
شرکت نجستند .
- آگاه Conscious
تجربه Conscious experience
آگاهانه
- طرز تلقیها ، تمایلات و یا دیگر امور
کیفی که از طریق حواس قابل شناخت هستند ،
هرچند کاملاً و یا مستقیماً از طریق تستها و
سنجه‌ها ، قابل اندازه‌گیری نیستند .
- آگاهی طبقاتی Consciousness, Class
ر. ک. Class Consciousness
- آگاهی Consciousness, Ethnic
قومی
ر. ک. Ethnic consciousness
- کانون Consciousness , Focus of
آگاهی
ر. ک. Focus of Consciousness
- آگاهی Consciousness of kind
نوعی
مفهومی است از گیدینگز (F.Giddings)
به معنای آگاهی فرد نسبت به جهات تشابه
او با افرادی دیگر. این آگاهی از سویی
مقدمه مطلوبی خواهد بود در رفع تنهایی ،
نگرانی و تقویت احساس مشترک (Empathy)
یا همدلی و همچنین همکاریها ، ایثار

- اتفاق نظربین اعضای يك گروه است، به صورت تلویحی، نهان یا آشکار. وفاق عاملی مهم در پیدایی گروه و ضامن دوام آن است. مفهوم مخالف آن نا هم رأیی (Dissensus) است.
- ر. ك. Communion
- حداقل سن Consent , Age of ازدواج - حداقل سن مقاربت
- ر. ك. Age of Consent
- محافظة كاری Conservatism فرهنگ لاروس قرن بیستم، محافظه كار (Conservative) را چنین تعریف می كند: «محافظه كار كسی را گویند كه در سیاست به تداوم دولت سیاسی موجود معتقد باشد و از انقلاب اجتناب كند» بدین سان، محافظه كاری در برابر آزاد اندیشی و ترقی گرایي (Progressivism) قرار می گیرد و با مكتب خواهان تغییرات اساسی (Radicalism) مغایر است.
- ر. ك. Reactionism/Progressivism/ Traditionalism, conformism
- نگاهداشت Conservation ذخیره کالا یا هر شیء ذیقیمت برای استفاده بعدی.
- محافظه كار - محافظه كارانه Conservative
- هدخوانی Consistency ازدیدگاه روانشناسی اجتماعی، هماهنگی نسبی اندیشه هاست كه مستلزم پایداری است.
- (Abnegation) و انواع فداکاریها. ازسوی دیگر آغازی خواهد بود در تنازع، رقابت و ستیز با آنانكه در زمره ملك وی نیستند.
- برخی را عقیده بر اینست كه آنچه این خلدون عصیت می خواند و آن را عاملی در راه تفوق يك جمع بر دیگران می دانست، همان آگاهی نوعی است. ازدیدگاه ماركس گرایان صرفاً زمانی طبقه اجتماعی پدید می آید كه آگاهی نوعی حاصل شود. یعنی افراد طبقات رنجبر از وضع خود آگاهی یابند، از تجانس با يكدیگر آگاه شوند و گروه استثمارگر را در برابر خود یابند.
- ر. ك. Ibn Khaldun / Social class
- آگاهی Consciousness , Public عمومی
- ر. ك. Public consciousness
- آگاهی نژادی Consciousness , Race
- ر. ك. Race Consciousness
- آگاهی اجتماعی Consciousness , Social اجتماعی
- ر. ك. Social consciousness
- اعتبار Consensual validation وفاق
- توافقی است ضمنی بین گروهی از افراد در مورد معنی، ماهیت یا حالت امر یا شرایطی در محیط پیرامون و اعتبار و اکتشی كه در قبال آن باید صورت پذیرد.
- وفاق - اجماع - هم رأی Consensus

- یکسان شمرده شوند ، بدان دست می زنند.
مصرف تظاهر آمیز، نشان از تقلیدی رنگ
پریده از دیگران دارد ، بیگانگی فرد از
خویشتن را می رساند، و در جامعه ای رخ
می دهد که در آن کالاهای ارزشی کاذب و فرق
انسانی یافته انسانهارا مقهور خویش ساخته اند.
- ر. ک. Consumption/Alienation/
Reification
توطئه Conspiracy , Seditious
بلوا انگیز
ر. ک. Seditious conspiracy
جامعه توطئه آمیز Conspirital Society
مرحله ای در حرکت جامعه که در طی آن،
گروه های رنجبر از رنج خود خبر یافته و در صدد
قیام علیه بهره کشان بر می آیند و لیک به سبب
وجود سرکوب، امکان پیدائی سازمانهای رسمی
نیست. بلکه گروه های زیر زمینی که در
اصطلاح حاکمان توطئه گر خوانده می شوند،
تعدد می یابند.
- جامعه توطئه Conspirital Society
آمیز
پدیده ثابت Constant
در آمار ، پدیده ایست است که در
سراسر فرایند پژوهش لای تغییر است یا چنین
به حساب می آید .
ر. ک. Variable
اشتباه ثابت Constant error
در آمار اشتباهی است ناشی از ابزار
تحقیق، شیوه های مشاهده و به طور کلی بررسی
- (constance) محوره های اندیشه و التزام
منطقی است .
ر. ک. Attitude consistency
مجتمع Consolidated school
آموزشی
آموزشگاهی که جایگزین چند آموزشگاه
محلی کوچک شود و خدمات آموزشی وسیعتری
را چه از نظر سالهای آموزش و چه از نظر
رشته ها ارائه دهد. بدان آموزشگاه متمرکز
(Centralized school) نیز اطلاق می شود.
چنین آموزشگاههایی امکان سرمایه گذاریهای
زیر بنایی آموزشی را (نظیر گسترش تکنولوژی
آموزشی، غنای کتب و رسانه...) فراهم می سازند.
بسط مدرسه از دیدگاه دیگر، موجبات پیوند
بخشیدن بین نظریه و عمل میگردد که از آن اندیشه
مدرسه جامع (Comprehensive school)
مستفاد میشود. (بدان ر. ک.)
ر. ک. Centralized School
هماهنگی Consonance , Cognitive
شناختی
ر. ک. Cognitive consonance
مصرف تظاهر آمیز Conspicuous consumption
وېلن (T.veblen) در اثرش نظریه طبقه
مرفه (۱۸۹۹)، از این اصطلاح استفاده کرده
و از آن مصرف کالاهای گران ، به صورتی
اسراف آمیز و به منظور تظاهر توسط کسانی
را مستفاد می دارد، که در حقیقت ، استطاعتی
ندارند و لیک به منظور آنکه با طبقه مرفه

- که صورت آنی یا اتفاقی و یا زودگذر ندارد. بدان اشتباه پایا (Persistent error)، اشتباه منتظم (Systematic error)، اشتباه ناشی از سوپافنگی (Biased error) نیز اطلاق می شود. در برابر اشتباه تصادفی (Chance error).
- Concept ر. ک.
- Constructive approach رویکرد سازنده
- بر خوردی سالم، مؤثر و در جهت سازندگی با مسائل یا پدیده های حیات.
- Constructive typology گونه شناسی سازنده
- شیوه ای علمی که در آن تأکید بر ساختن گزینه هاست و بزعم برخی چون ژرژ گورویچ کار اصلی دانش جامعه همین است. بدین سان، هر زمینه تحقیق (جامعه، خانواده و...) به انواعی چند با توجه به تعداد ابعاد آن تقسیم می شود و هر نوع شناسنامه، ویژگیها، مسائل و آینده ای خاص خود را می یابد.
- Typology ر. ک.
- Consumer Credit اعتبار مصرف
- اعتباری که جهت خرید کالاهای مصرفی ارائه می شود. صور گوناگون این اعتبار (نظیر پرداخت قسطی، وام و...) می تواند به بروز تورم از طرفی و اسارت و مغبون شدن انسانی که حاصل کار انجام ندادن سالیان دراز هستی اش را از قبل به فروش می گذارد، از طرف دیگر بیانجامد.
- Consumer goods کالاهای مصرفی
- Consumption goods ر. ک.
- Consumers' cooperation تعاون مصرف کنندگان
- Cooperation ر. ک.
- Constituent Society جامعه از نظر تشکیلاتی
- توجه به جامعه از نظر سازمان بندی، هرم سازمانی و...؛ با مفهوم جامعه از عناصر تشکیل دهنده (Component Society) مشتبه نشود (بدان ر. ک).
- Constitution سرشت - قانون اساسی
- Constitution, Criminal سرشت جنایی
- Criminal Constitution ر. ک.
- Constitutional inferiority حقارت سرشتی
- حقارت ناشی از نارساناییهای جسمانی یا روانشناختی.
- Constitutional monarchy حکومت سلطنتی مشروطه
- Limited monarchy ر. ک.
- Constitutionalism مشروطه خواهی - هواداری از حکومت قانون
- Constraint, Social اجبار اجتماعی
- Social Constraint ر. ک.
- Construct سازه

Consumers' rights movement	نهیضت حقوق مصرف کنندگان	بود. کالاهای مصرفی همواره بعد از یک بار ،	از دست نخواهند رفت، همان طور که در مورد
	در سال ۱۹۶۰ در امریکا پدید آمد تا	گردن بند الماس چنین است .	
حافظ منافع مصرف کنندگان در برابر انواع	انحصارها باشد .	Contact, Competitive	تماس رقابت
Monopoly	ر. ک.	Competitive Contact	ر. ک.
Consumption	مصرف	Contact, Cooperative	تماس تعاونی
استفاده از مواهب، امکانات و فرصتهاست	که می تواند، شامل استفاده از کالاهای مصرفی	Cooperative Contact	ر. ک.
(Consumption goods) در برابر کالاهای	مولد (Production goods) ، یا خدمات و	Contact, Direct	تماس مستقیم
به طور کلی هر پدیده مفید، نادر و تمام شدنی	باشد .	Direct Contact	ر. ک.
Consumption, Conspicuous	مصرفی تظاهر آمیز	Contact, Group	تماس گروهی
Conspicuous consumption	ر. ک.	Group Contact	ر. ک.
Consumption , Deferred	کامجویی معوق	Contact, Indirect	تماس غیر مستقیم
Deferred Consumption	ر. ک.	Indirect Contact	ر. ک.
Consumption goods	کالاهای مصرفی	Contact, Individual	تماس فردی
اشیاء مادی جهت ارضاء نیازها ، امیال	و خواسته های انسانها که در پایان دور تولید	Individual Contact	ر. ک.
جای دارند. کالاهای تولیدی و مصرفی نه از	نظر شکل ، بلکه از نظر کارکرد از یکدیگر	Contact, Primary	تماس نخستین
تمایز می شوند. الماسی که به صورت یک	گردن بند در آمده ، کالای مصرفی است .	Primary Contact	ر. ک.
زمانی که همان الماس در دست شیشه برقرار	می گیرد ، کالای مولد یا سرمایه ای خواهد	Contact, Secondary	تماس دومین
		Secondary Contact	ر. ک.
		Contact, Social	تماس اجتماعی
		Social Contact	ر. ک.
		Contact, Symbolic	تماس نمادی
		Symbolic Contact	ر. ک.
		Contact, Tertiary	تماس سومین
		Tertiary Contact	ر. ک.
		Contacts of (historical) continuity	تماسهای تداوم بخش (از نظر تاریخی)

را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

۱- عملی Pragmatical

که علائم را با توجه به علل وجودی آنان طبقه بندی می‌کنند.

۲- معنایی Semantical

که علائم را با توجه به معناهای آن طبقه بندی میکنند.

۳- علامت - حامل Sign - Vehicle

که محتوا را بر حسب ویژگیهای روانی- مادی علائم طبقه بندی می‌کنند، مثلاً شمارش دفعاتی که يك نام در متنی تکرار شده است.

ب - مراحل :

تحلیل محتوا از دیدگاه‌های همانندپرسش از محتوای يك پیام است. از این رو، مراحل بدینقرار دارد :

۱- تعیین هدف و تحدید آن :

در آغاز باید دید موضوع مورد تحلیل چیست ، از چه دیدگاهی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، هدف از تحلیل آن چیست .

۲- تعیین جامعه آماری

به عنوان مثال ، چنانچه موضوع تحلیل ، محتوای سرودهاست ، باید دید کدام نوع سرود، به چه زبانی ، در کدام محدوده زمانی و... مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۳- تعیین گروه نمونه (چنانچه امکان مطالعه کل جامعه آماری یعنی تمامی سرودهای موردنظر نباشد) .

۴- تعیین پرسشنامه که اصطلاحاً پرسشنامه

تماسهایی که در آن محرکات ذخیره شده از گذشته منتقل می‌شوند و موجبات تداوم فرهنگ و سنن را فراهم می‌سازند. در برابر تماسهای ناشی از تحرك قرار می‌گیرد؛ هرچند که در شرایطی هر دو نوع تماس با هم دیده می‌شوند .

تماسهای Contacts of mobility ناشی از تحرك

تماسهایی که با گردش و تحرك افراد، اخبار و پیامها از جایی به جای دیگر پدید می‌آیند. چنین تماسهایی موجبات داد و ستد فرهنگی (Cultural exchange) را فراهم می‌سازند. روزنه فرهنگها به سوی یکدیگرند و برپیدایی فرهنگی جهانی اثر می‌نهند.

واگیری اجتماعی Contagion, Social

ر. ك. Social contagion

جادوی سرائتی Contagious magic

ر. ك. Magic

آلوده سازی Contamination

تحلیل محتوا Content analysis

کنشکاش علمی در شناخت محتوای پیامهاست. به عنوان مثال، می‌توان سخنرانیهای فردی را در زمانهای مختلف مورد تحلیل قرار داد، یا آگهیهای تبلیغاتی روزنامه‌ای را از این طریق تحلیل کرد و یا به تحلیل محتوای فیلمها، نوارها و ... پرداخت .

الف - انواع :

جانیس (I. Janis) سه نوع تحلیل محتوا

معکوس (Inverso questionnaire) میخوانده می شود. چه ، در تحقیقات دیگر ، پرسشگر با طرح سؤالا و یادداشت پاسخها پژوهش را به انجام می رساند، لیک در تحلیل محتوا ، پاسخها موجودند و در دسترس ، فقط با پرسشنامه بیرون آورده می شوند.

۵ - جمع آوری اطلاعات .

۶ - تجزیه و تحلیل داده ها و نگارش نهایی اثر تحقیقاتی .

Contest education

آموزش سبقت جویانه

آموزش بالنسبه باز (به هنگام ورود) که در جریان آن بسیاری نظر به دشواری دروس به ترک تحصیل می پردازند و یا سالها مردود شده و دوره را در مدتی بسیار طولانی به اتمام می رسانند. در مقابل شاهد شیوه ها و سازمانهای دیگر آموزشی هستیم. از جمله، زمانیکه نظام آموزش چنان تنظیم می شود که افراد بدشواری بدان راه می یابند (مسابقه های بسیار سخت) اما بعد از گذشتن از دیوارهای بلند این مسابقه ها، بسادگی دوره را به پایان می برند. نظام اخیر را می توان همچون قیفی معمولی دانست؛ در حالیکه نظام نخست قیفی وارونه است.

Contest mobility

تحرک سبقت جویانه

Sponsored mobility ر.ک:

Context متن - زمینه

Continence in marriage

پرهیز جنسی در زناشویی

اجتناب از برقراری رابطه جنسی بین زوجین . این رسم در آغاز مسیحیت ، تحت تأثیر ریاضت گرایهای متداول پدید آمد و زوجین با امساك جنسی در صدد جلب مراحم خداوند بر می آمدند. امساك يك جانبه موجبات سستی خانواده و آسیب پذیری آن است . از این رو بزرگان مسیحیت دستور دادند که پرهیز جنسی باید با توافق زوجین صورت گیرد .

ر. ک. Malthus/Moral restraint/

Marital abstinence

Continence, Ritual پرهیز جنسی

ناشی از شعائر

ر. ک. Ritual continence

Continuity of Culture استمرار

فرهنگ

این اصطلاح در دو معنای متفاوت به کار رفته است : ۱) ثبات فرهنگی خاص ضمن انطباق با شرایط زمان، آنچنانکه در جریان این انطباق ، زنجیره فرهنگ نگلد ؛ ۲) زنجیره کل فرهنگ جهانی و حرکات تاریخی آن ؛ باید گفت دوره هایی از فرهنگ دارای تسلسل بیشتری هستند، همان طور که برخی از فرهنگهای خاص در مقایسه با دیگران از چنین حالتی در زمان معینی برخوردارند و در زمانی دیگر همان کشورها در معرض گسست استمرار فرهنگی هستند (نظیر کشورهای جهان سوم در روزگار ما در برابر تهاجم فرهنگ مادی غرب).

Continuous variable	متغیر پیوسته	Contractual Consanguinity	همخونی قراردادی
Variable	ر. ک.	Consanguinity	ر. ک.
Continuum	زنجیره - پیوستار	Contractual kinship	خونیانازی
Contraception	جلوگیری از حاملگی	قراردادی	قراردادی
Birth control	ر. ک.	Kinship	ر. ک.
Contraceptor	جلوگیری کننده از حاملگی	Contradiction, Social	تناقض
فرد یا خانواده‌ای که به یکی از شیوه‌های		Social Contradiction	اجتماعی
جلوگیری دست زند.		Contradictory	ر. ک.
Contract	قرارداد	Contradictory	متناقض
مناسباتی که بین فردی با فرد دیگر،		Contrast	تضاد
گروهی با گروه دیگری یا فرد و گروهی با جامعه		Contra - Suggestion	ضد پیشنهاد
بر پایه تعهدات متقابلی که اساس قرارداد به		صورت دیگـــــر آن	
حساب می‌آیند، پدید آیند.		Counter - suggestion	است.
Contract labor	کارگر قراردادی	Control, Birth	کنترل موالید
۱- در معنای عام، در مورد هر نیروی کار		Birth Control	ر. ک.
موقت که کارفرما قبل از استفاده از آن مکلف		Control, Conception	کنترل آبستنی
به ارائه تمهیداتی است، معمول می‌شود. به		Birth control	ر. ک.
عنوان مثال، قرارداد با مهاجرین و ...		Control, Formal	کنترل رسمی
۲- در معنای خاص، در کاربرد نیروی		Control, culture	کنترل فرهنگی
کار زندانیان معمول می‌گردد. بدین سان که		social control	ر. ک.
کارفرما وسایل تولید، محل، نور و ... را		Control, Informal	کنترل غیررسمی
تمهید میکند و در مقابل زندانی مکلف به		Social control	ر. ک.
رعایت شرايطی در دریافت مزد کار است.		Control, Institutional	کنترل
Contract, Marriage	قرارداد	نژادی	نژادی
زناشویی		Institutional control	ر. ک.
Marriage Contract	ر. ک.	Control, psycho - social	کنترل روانی - اجتماعی
Contract, Social	قرارداد اجتماعی	Psycho - social control	ر. ک.
Social Contract	ر. ک.		

Control, Rational	کنترل عقلایى	Liberalism/Mixed economy/	ر. ک.
Rational Control	ر. ک.	Directed economy	
Control ' Representative	کنترل از طریق نمایندگان	Controlled sampling	نمونه گیری کنترل شده
Representative Control	ر. ک.	Sampling	ر. ک.
Control ' self	خودکنترل	Control, Subhuman	کنترل دون انسانی
Self Control	ر. ک.	Subhuman Control	ر. ک.
Control, Social	کنترل اجتماعى	Conurbation	شهرگان
Social Control	ر. ک.	این واژه را گدز (Patrick Gedds)	
Control, Societal	کنترل جامعه	در اثرش با نام شهرها در حال تطاود	
Societed Control	ر. ک.	(cities in evolution) سال ۱۹۱۵ ،	
Control, Sub - Social	کنترل دون اجتماعى	ابداع نمود و با آن شهرهاى را که با هم	
Sub - Social Control	ر. ک.	در جنوب لنکاشاير رشد مى کردند ، مطرح	
Control, Super - Social	کنترل فرا اجتماعى	ساخت . امروزه ، از این واژه آن مناطق	
Super - social Control	ر. ک.	شهرى که با پیوند شهرهاى چند با یکدیگر	
Controllable, variables	متغیرهای قابل کنترل	(به سبب بسط صنایع) پدید مى آیند، بر مى آید.	
Variable	ر. ک.	در آمریکا اصطلاح Metropolitan area	
Controlled economy	اقتصادکنترل شده	و در سازمان ملل urban agglomeration	
در برابر اقتصاد آزاد یا لیبرالیسم		در معنای مشابه با آن به کار مى آیند.	
اقتصادى از طرفى و اقتصاد مبتنى بر ملى شدن		میثاق اجتماعى Convention, Social	
وسایل تولید. در اقتصادکنترل شده ، ضمن		Social Convention	ر. ک.
حفظ مالکیت خصوصى ، به کنترل آن از نظر		مرسوم - مرتبط بامیثاق Conventional	
حجم دارایی ، نوع فعالیت ، پیوند تولید		Conventional imitation	تقلید متداول
کنندگان (تراست ، کارتل) پرداخته مى شود.		تقلید عمدى الگوهای رفتارى و عقاید	
		گروه سنى و معاصران توسط فرد یا گروه .	
		G. Tarde	ر. ک.
		Conventionalism	میثاق گرایى

جنگى با ابزار	Conventional war	همگرای	Convergent
مرسوم	Conversion	تغییر مسلک دادن	
جنگی که در آن از ابزار و وسایل اتمی استفاده نمی شود		۱) فرایند فرهنگ پذیری که در آن يك فرد به پذیرش داوطلبانه الكوهای گروه بیگانه میردازد .	
همگرایی	Convergence	۲) فرایندی در انطباق شخصیت که بر اساس آن رفتار و عقاید غیر متعارف جای خود را به باورهای پذیرفته گروه می بخشند .	
۱) پیدایی ویژگیهای مشابه در بین گروههای نژادی یا فرهنگی در نقاط مختلف و بدون ارتباط قبلی با یکدیگر ؛ ۲) تمایل دو خط به يك مرکز و در نتیجه گرایش دو اندیشه ، دوینش به یکسو .		۳) پیدایی بالنسبه ناگهانی ویژگی با ویژگیهای نوینی در شخصیت: الف) مجموعه ای از طرز تلقیهای مکنون یکباره بروز می کنند و فرد شخصیتی نومی یابد ؛ ب) جهش ناگهانی شخصیت با وارد شدن ضربه ای، پیدایی بحرانی و ... آنچنانکه تداوم آن بگسلد .	
همگرایی فرهنگی	Cultural Convergence	نومسك	Convert
ر. ك.	Convergence theory	آنكس كه باورها ، آيينها و عادات معمول در نظام خاصى را بعد از مدت ها مخالفت پذيرد .	
نظریه		کولی (Charles Horton) Cooley	
همگرایی		روانشناس اجتماعى و عالم اقتصاد امريكايى است (۱۹۲۹ - ۱۸۶۴) . به گسترش مبانی رفتار گرایی اجتماعى كه از ويليام جيمز (W. James) اخذ كرده بود ، پرداخت . او مبدع مفهوم گروههای نخستين و ثانوى از دیدگاهی خاص است . مفهوم خود آيينه ای (Looking - glass self) نیز از ابداعات اوست .	
در اصطلاح ، نظریه برخی از دانشمندان است مبنی بر اینکه جوامع گوناگون (سوسیالیسم و سرمایه داری) آرام آرام با یکدیگر تشابه می یابند و روند این تشابه روبه گسترش نهاده است ، بعضی نیز عامل این همگرایی را گسترش روز افزون علوم و فنون در این کشورها می دانند . بدین سان به نظر می رسد که حتی در جوامع سرمایه داری ، دیگر نشانی از سرمایه داری لیبرال قرن نوزدهم نیست ، مدیران بیشتر از مالکین ابزار تولید ، قدرت و اختیار می یابند ، تحرك اجتماعى رو به افزایش می رود ، طبقات اجتماعى به یکدیگر نزديك می شوند ، بیمه های اجتماعى رونق یافته اند و ...		در بحث از زنجیره ارتباطات ، بنظر	

کولى ، درموردى فرد در درون يك-كـل مشترك ذوب مى شود، بطوريكه «من» هاى واقعى چنان با آرمان جمعى مى آميزند كه همه صورت «ما» مى يابند. كولى بشر را از جامعه غير قابل تفكيك مى داند و فرد و جمع را دو جزء مكمل مى شناسد، اين ديدگاهها با بسيارى از خطوط اصلى اندیشه فرد گرایی تباین دارد.

از جانب ديگر، كولى در ورطه جامعه نگران افراطى نيز نمى افتد. با آنانی كه فرد را هيچ مى انگارند، آزادى او را نفى مى كند و سرنوشتش را منحصرأ تابع ساختهای اجتماعى مى دانند همواره در ستيز است. انديشمندان بد رستى راهى ميانه را مى يابد و بر همان تأكيد مفرط و مستمر دارد. راهى كه در ديالكتيك مقابل فرد و جامعه جاى مى يابد و از فعل و انفعال هر دو بر هم سخن دارد. از اين ديدگاه كولى با همه انديشمندان جديد در آنسوى اقيانوس (اروپا و مخصوصاً فرانسه زبانان) نظير گورويچ همسو و هم زبان است. چه، او جامعه را كلى كه از اجزائى متمايز از يكديگر ولى پيوسته با هم و هر يك داراى كار كردى خاص هستند مى ديد. از نظرش جامعه كلى داراى روان نيز هست، داراى روحى اجتماعى است كه از طريق نهادها و سازمان تجلى مى نمايد.

برخى از آثار كولى :

- *Human nature and social orders*
- *Social process* (1918) .
- *Social organization* .
- *Sociological theory and Social research* .

ر. ك. Looking glass-self/Group
Cooperating companion

يار چالاك - يار مددكار

عضوى در يك گروه (بازى ويا ...) كه در همه فعاليتهاى گروه شركت دارد ، به نظراتش توجه مى شود و در مواردى نيز به عنوان رهبر موقت عمل مى كند.

همكارى Cooperation

هر كنش متقابل اجتماعى كه در آن افراد يا گروهها كار و فعاليت خود را به صورتى كم و بيش سازمان يافته ، و با كمك متقابل بهم مى آميزند ، تا هدفى مشترك تحقق پذيرد.

انواع Cooperation , types of
همكارى

همكارى خصمانه ~ Antagonistic

نوعى همكارى است كه على رغم وجود ضديتهاى اجتناب ناپذير و صرفاً در جهت تحقق هدفى مشترك و آنى صورت پذيرد . در صورت گاهش به تعارض، اين نوع همكارى به صورت رقابت آميز (Competitive cooperation) در مى آيد.

اين مفهوم را سامنر (W.C.Sumner) وضع كرد و تعريف زير را از آن ارائه نمود:

«همكارى خصمانه يا همكارى در عين خصومت عمل والای فرد است در جهت فراتر از خصومتهاى كوچك نگرستن و اهدافى والا را تحقق بخشیدن.» (Folkways P. 18)

چنين بنظر مى رسد كه سامنر خود از آدام اسميت كه معتقد بود انسان در جهت تحقق منافع خود نياز به هميارى ديگران

است . همکاری تولید کنندگان ، فروشندگان
در مواردی به پیدایی تراست (trust) و کارتل
(cartel) می انجامد
(به هر يك ر . ك) .

همکاری محیط شناختی ~ Ecological
ر . ك . Commensalism/Symbiosis
همکاری ناخواسته ~ Forced
همکاری برانگیخته ~ Induced
همکاری عمدی ~ Intentional
همکاری نهادی شده ~ Institutionalized
همکاری طبیعی ~ Natural
همکاری برنامه‌ای ~ Planned
همکاری ارتجالی ~ Spontaneous
در برابر همکاریهای مرسوم یا به صورت
نهادی درآمده ، یا برنامه‌ای و یا حتی طبیعی.
این نوع همکاری به صورت خود به خودی
و بدون قصد یا هدف قبلی تحقق می‌پذیرد .
برخی بدان همکاری باؤتسابی
(Reflexive cooperation) نیز اطلاق
می‌کنند .

همکاری داوطلبانه ~ Voluntary
نوعی همکاری است در برابر همکاریهای
دیگر (نظیر همکاری خصمانه
(Antagonistic cooperation) و یا
همکاری رقابت آمیز .
(Competitive cooperation) در این نوع
همکاری ، پیشرفت يك نفر ، پیشرفت جمع
به حساب می‌آید و بالعکس . همکاری

دارد الهام میگرفت .

این مفهوم را که در اصل جامعه شناختی-
اقتصادی است ، بعضی نظیر هیلر
(E.T.Hiller) فقط در قلمرو اقتصاد به کار
برده‌اند . او می‌نویسد : «هر چند همکاری در
تولید ضرورت دارد ، ولی به هنگام تقسیم
درآمدها بین تولید کنندگان اختلاف بروز
می‌کند و این بهم آمیزی توافق و عدم توافق ،
سازش و ناسازگاری ، همکاری رقابت آمیز
یا همکاری در عین خصومت نامیده می‌شود.»
(Social relations and structures
PP , 154 - 7)

ر . ك . Coerced cooperation
همکاری دوجانبه ~ Bilateral
همکاری اجباری ~ Coerced
نوعی همکاری است که در آن مشارکین
هدفی مشترک ندارند و یا هدف مورد نظر ،
آرمان آنان نیست . اما به ظاهر وجهت نرس
از تنبیه بدان تن در می‌دهند .

همکاری رقابت آمیز ~ Competitive
ر . ك . Competition

همکاری مصرف کنندگان ~ Consumers
روندی در جامعه که پیدایی شرکتهای
تعاونی

(Consumers cooperative associations)
یکی از جلوه‌های آن است . جامعه جدید
مبتنی بر تعدد گروههای دومین و تکثر اتحادیه‌های
رسمی ، انواع گوناگونی نیز از اتحادیه‌ها
جهت دفاع از مصرف کنندگان پدید آورده

داوطلبانه در زمرة همكاريهاى عمدى (Intentional cooperation) است و در برابر همكاريهاى اجبارى ، برانگيخته و ... نیز قرار مى گيرد .

تعاونى - شركت تعاونى Cooperative

سازمان خاص اقتصادى كه با شركت داوطلبانه اعضا پديد مى آيد و افراد در درون آن از تساوى آراء عليرغم تفاوت سهم برخوردارند. هدف از آن تأمین نیازهای انسان بدون دچار شدن به سودجویی محض است.

انواع Cooperative , Types of تعاونى ها

تعاونى مصرف ~ Consumption
تعاونى اعتبار ~ Credit
تعاونى بهداشتى ~ Health

۱) سازمان خاصى متشكل از افرادى چنده كه با پرداخت مقررى معين و استخدام متخصص برپايه قرار دادى خاص، كاردردمان احتمالى خود و خانواده خود را بدان وا ميگذارند . ۲) سازمانى متشكل از چنددكتر كه برپايه قرارداد و پيش پرداخت معين و منظمى كار درمان احتمالى مشتريان را تقبل مى كنند .

تعاونى توزيع و بازاریابی ~ Marketing
تعاونى توليد ~ Production
تعاونى پژوهش و برنامه ریزی ~ Research and planning

تعاونى پژوهش و برنامه ریزی گذشته ازین ، تعاونیها در هر رشته از تولید مى توانند پدید آیند . پس تعاونیهای

كشاورزى ، صنعتى ، خدماتى و ... انواع گوناگون ديگرى از تعاونند كه هريك درصدد مردمى و انسانى كردن حيات اجتماعى - اقتصادى و جايگزينى همگرايى (convergence) و هم انديشى (Syncretism) به جاي رقابت تند و سودجويى (Profiteering) هستند .

شركت تعاونى Cooperative association اتحادیه تعاونی

نوعى خاص از همبستگى بين انسانها كه برپايه مالكيت و ديدگاه تعاونى شكل مى گيرد: نظير شركت تعاونى روستائيان (Cooperative farmers' association) كه به منظور فروش كالاهاء و خريد وسايل اوليه و سرمايه اى بطور دستجمعى ، پديد مى آيد : Association

پاسخ تعاونى Cooperative response

فعاليت جمعى از افراد به منظور دستيابى به هدفى مشترك در برابر مسائل گوناگون طبيعى و يا اجتماعى ، يكى از واكنشهاى انسانها ، حل مشكل از طريق تعاونى است (به صورت طبيعى ، نهادى و يا ارجالى) .

با راي اعضا برگزیدن Coopt (to)

قبول عضوي جديد با راي اعضا حاضر .

تقسيم قدرت با عناصر Cooptation ناراضی

واگذاري بخشي از قدرت به آناني است كه صاحبان قدرت در پيم از آنانند. آنانكه در حاشيه با انتقادشان هرم قدرت را در سازمان

بسته و شرکت ملی یا چند ملیتی .

Corporation , Multinational

شرکت چند ملیتی

ر. ک. Multinational corporation

Corporatism - قدرت یابی

اتحادیه‌های صنفی

آیین نظامی است که سازمان بندی اقتصادی بر پایه قدرت یابی اصناف رامطرح می‌سازد، چنین نظامی در قرون وسطی وجود داشته است واز دیدگاه اولیویه مارتین (Olivier Martin) سازمان جامعه بر اساس قدرت اصناف نوعی خاص از جامعه را پدید می‌آورد که در آن گروههای شغلی به صورت صنف انسجام می‌یابند و سپس در مقابل به دست آوردن امتیازاتی، فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند. به صورت Coporativism نیز آمده است.

Coporal punishment

تنبیه بدنی هر مجازات که بر آسیب جسمانی در برابر و احتمالاً معادل خطای مرتکب شده تکیه یابد .

ر. ک. Poetic punishment

Correlate function

کارکرد همبسته

در روشهای تحقیق در علوم اجتماعی مطرح می‌شود. در قلمرو پدیده‌های اجتماعی، کمتر اتفاق می‌افتد که یک پدیده (X) در راه پیدائی (Y) هم شرط لازم و هم شرط کافی باشد. ازینرو، در اکثریت وسیع موارد، Y بعنوان

متزلزل می‌سازند، گاه با رسیدن به قدرت و با درك مسئولیت و مشکلات مدیریت موضع واقع بین‌تری اتخاذ می‌کنند .

Coordination

تنسيق

اقدامی رامی‌رساند که به منظور هماهنگی، هم‌جهتی و تشریک مساعی اعضاء در يك واحد پدید آید . یکی از دلایل توفیق آن، درك درست هدف از جانب اعضاء و درونی شدن یا جذب آن توسط آنان است، آنچنانکه آنرا از خود بدانند و حرکت درین جهت را حرکت در جهت خویش شمارند .

ر. ک. Coadaptation

Corporate action

عمل جمعی متشکل

Corporate state

دولت متشکل - دولت یکپارچه

Corporation

شرکت سهامی - مؤسسه

- در معنای خاص، به يك شرکت سهامی اطلاق می‌شود که سهامدارانش مسئولیتی محدود دارند .

- در معنای وسیع به مؤسسه‌ای اطلاق می‌شود که توسط عده‌ای بر طبق موازین قانونی پدید آید و شخصیتی حقیقی یسابد (می‌تواند به مراجع حقوقی مراجعه کند، وام بگیرد ویا ...)

بدینسان می‌تواند انواعی بسیار متنوع پیدا کنند، نظیر شرکت رسمی (De jure corporation) ویا غیر رسمی (De facto Corporation) و غیر قانونی (De facto Corporation) و شرکت خارجی یا داخلی، شرکت باز یا

معلول از عواملی بسیار تاثیر می پذیرد. بعنوان مثال، چنانچه Y را دزدی در تهران در سال ۱۳۶۷ تصور کنیم، هرگز تنها عامل آن مشکلات اقتصادی نیست؛ زیرا تمامی انسانها به صرف کاهش در آمد به کار سرقت دست نمی زنند. باید عوامل دیگر پدید آید، از آنجمله کاهش اعتقادات، بی هنجاری (Anomie) و ... پس تحقیق اجتماعی باید صورت چند متغیره (Multivariation) یابد. حال چند پرسش اساسی بدینقرار مطرح می شوند:

۱- تمامی متغیرها را در نظر بگیریم؟
به عنوان مثال، می توان پذیرفت که در یک سرقت در تهران در سال ۱۳۶۷ عامل اساسی تفنن بوده ولی آیا می توان این عامل را نیز بعنوان متغیری مهم مطرح ساخت؟ پاسخ منفی است؛ زیرا محقق در هر حال باید بنوعی دست به کار گزینش (Selection) زند و آستانه ای (Threshold) در نگهداشت متغیرها وضع نماید. ۱- بعنوان مثال در تحقیق فوق الذکر پدیدورد عواملی که کمتر از ۱۰٪ سرقتها را موجب شده اند از نظر دور دارد. بنابر این در پاسخ به سوال اول باید گفت که هر پدیده متأثر از عوامل بسیار فراوانی است و لیک محقق در جستجوی عوامل اساسی است و از عوامل کوچک، فرعی، دارای فراوانی اندک می گذرد.

۲- متغیرها را جدا جدا مورد توجه قرار دهیم؟

بی هیچ شبهه، محقق در برهه ای از تحقیق به کار تجرید (Abstraction) و جداسازی موقت، یک عامل می پردازد، اما امروز، بعنوان یک امر بدیهی (Axiom) می پذیریم که هیچ عامل یا متغیری در واقعیت جدا از دیگر عوامل

نیست و هرگز نیز بطور مجزا تاثیر گذار نخواهد بود. مفهوم کارکرد همبسته نیز همین جا مطرح می شود. چه همواره منظومه (Constellation) متغیرها دارای کارکردهایی همبسته اند. البته محقق در نهایت می کوشد تا سهم هر متغیر یا عامل را (x) در پیدائی معلول (y) مشخص سازد و این فرایند تحقیق را همبستگی جزئی (Partial Correlation) اطلاق می کنند. پارسنز (T. parsons) مفهوم وحدت کارکردی و بهم پیوستگی کارکردها را در اثرش «رساله هایی در نظریه جامعه شناختی» مطرح می نماید.

ر.ک: Multivariation. Path: analysis, Function, Gestalt Theory, Correlation. Holism.

Correlation Coefficient

ضریب همبستگی

میزان پیوند یا ارتباط بین دو متغیر را می رساند؛ کمتر از (۱-) نخواهد بود، همانطور که به بالاتر از (۱+) نیز نخواهد رسید. ضریب همبستگی می تواند در جهت یکسان صورت گیرد؛ به عنوان مثال دو متغیر x و y هر دو در یک جهت دگرگون شوند. اما همبستگی می تواند صورت منفی نیز داشته باشد، یعنی x و y در اثر عاملی در دو جهت مخالف حرکت کنند، در صورت وجود دو متغیر معمولی، فرمول ضریب همبستگی چنین است:

$$r = \frac{\sum (x - m)(y - m')}{\sqrt{\sum (x - m)^2 - \sum (y - m')^2}}$$

که در آن m و m' میانگینهای توزیع y و x اند.

همبستگی Correlation , Multiple

چندگانه

Multiple correlation ر. ک.

Correlation , partial

همبستگی جزئی

Partial Correlation ر. ک.

Correlation ratio نسبت همبستگی

Correlation , Social همبستگی

اجتماعی

Social correlation ر. ک.

Correlation table جدول همبستگی

Correlate function کارکرد پیوسته

Corruption فساد

Corvee بیماری

(۱) لزوم انجام کار و خدماتی چند برای

ارباب (در نظام فئودالی) (۲) کار اجباری ،

بدون پاداش مناسب .

Coser (Lewis A.) کوزر

جامعه شناس امریکائی است (متولد

۱۹۱۳). او متولد آلمان بود و زمینه خاص

مطالعاتش شناخت علمی تنازع اجتماعی است.

به نظر او کشمکش یا ستیز مثبت

(Positive Conflict) در حرکت جامعه

امریکائی اهمیت بسیار دارد . ستیزی که در

نهایت به کار و تولید بیشتر انجامد. این

اندیشه سراسر اثرش را با نام کاد کردهای

کشمکش اجتماعی

(The Functions of social Conflict)

که در سال ۱۹۵۶ تهیه شد ، در برمی گیرد .

به نظر کوزر در اکثر موارد ، اندیشه ها و

ایدئولوژیهای بسیار غنی که دیگر گونی اجتماعی

را موجب می شوند ، در پایان بدست صاحب

منصبان اداری دچار رکود می گردند. این

اندیشه در اثر دیگرش با نام «مردان اندیشه»

دیدى اذيك جامعه شناسى « تجلى می نماید.

آثار دیگرش :

1) Masters of Sociological

Thought. 2) Continuity in the study

of social conflict. 3) The American

communist party Today .

4) Sociological theory: A book of

reading .

Cosmic کیهانی

به صورت Cosmical نیز آمده است.

Cosmogeny کیهان زادی

Ward ر. ک.

Cosmogony کیهان آفرینی

Cosmography کیهان نگاری

Cosmology کیهان شناسی

به توصیف جهان وسیع می پردازد و

روابط متقابل انسان و کیهان را مطرح می سازد.

هر چند در آغاز به نظر می رسد که کیهان شناسی

مبحثی بکلی در قلمرو علوم دقیقه است، ولی

چنین نیست. باورها، خرافات و سلسله عقایدی

خاص در مورد پیدایی کیهان و روابط زمین

و ستارگان وجود دارد که تحلیل هر يك موضوعی

- بسیار جالب است. این باورها از امکانات فضایی، مشکلات و مسائل مردم در زمان و مکان پرده برمی گیرد.
- Cosmopolitan** جهان وطن
کسی که دور از تنگناهای ملی، جهان را وطن خود می داند، (با مفهوم cosmopolite نزدیک است).
- Cosmopolitanism** جهان وطنی
نظام اندیشه، مکتب و یا آیین جهان وطنان. با مفهوم جهان شمولی تنها در منزلت مورد آرزو تمایز می یابد.
- Cosmopolitism** جهان شمولی
نظام اندیشه، مکتب یا آیین جهان شهروندان (cosmopolites).
- Cosmos** کیهان
رایزنی - مشاوره
- Counselling** مشاوره در
زنشویی - مرکز یا مؤسسه مشاوره درزنشویی
- Marriage counselling** ر. ک.
مشاور، رایزن
- Counsellor** یکی از مهمترین کاربردهای پژوهش در تحقیقات انسانی - اجتماعی ارائه پیشنهادی مفید و عملی به مسئولان سیاسی است. از این دیدگاه، دانشمندان راههای گوناگون عمل را نشان می دهد، مشکلات و مواهب هر یک را مطرح می سازد و همچون رایزنی سنجیده در کنار اصحاب مسئولیت عمل می کند.
- Counter culture** فرهنگ ستیز
- به گروههایی اطلاق می شود که ویژگی اساسی آنان ضدیت با فرهنگ کلی جامعه ای است که در آن زندگی می کنند.
- اینان بسیارند، از آنجمله اند، فرزندان گل (Flower children) هپی ها (Hippies) بیتنیک ها (Beatniks). این گروهها معمولاً از جوانان تشکیل می شوند و بطور کلی در فرهنگ غرب مخصوصاً در امریکا پدید آمده اند؛ افراد آنان در برابر ارزشهای مسلط جامعه نظیر مالکیت، روابط تنظیم یافته جنسی، لباس، رفتار، به مقاومت برمی خیزند و آنانرا نفی می کنند.
- ر. ک. Dropout, youth culture
- Counter - dependence** ضد وابستگی - ضد قدرت
- در معنایی ستیز با وابستگی در جهت تأمین استقلال ملی است.
- در معنایی دیگر، اصطلاحاً به روندی در گروههایی خاص اطلاق می شود که در جهت مبارزه با تکوین قدرت و پیدایی رئیس به هر صورت، پدید می آید.
- ر. ک. Croup process/Croup Dynamics
- Counter - factual** ضد رویداد
- گزاره یست که بر مبنای آن اظهار یک عقیده یا ارائه یک نظریه متضمن شناخت مورد (موارد) خلاف آنست. بعنوان مثال، زمانی که کسی می گوید فلان شاگرد تنبل است، باید بعد دیگر امر، یعنی زرتنگ بودن و خصایص آنرا

نیز بشناسد.

فرهنگ جامعه شناسی، مثالهای زیر را در این مورد ارائه می دهد: «مثال اول: چنانچه گفته شد، فلان امر خلاف مصالح فلان گروه است، فرض اینست که از امور یا اعمال موافق با مصالح آن گروه اطلاع حاصل است.

مثال دوم: استدلال درین باب که انقلاب صنعتی سقوط خانواده گسترده را باعث گردید، بدین معناست که شخص (استدلال کننده) از آنچه بر سر خانواده در صورت عدم تحقق انقلاب صنعتی می آمد، اطلاع داشته است.» (Abercrombie: 56)

ضد طغیان Counter insurgency

- در معنای عام درهم شکستن هر نوع مقاومت در برابر قدرت متمرکز است.
- در معنای خاص، درهم شکستن حرکت چریکی در درون يك کشور است به منظور حفظ قدرت موجود.

ضد انقلاب Counter - revolution

ر. ک. Revolution

کودتا Coup d'Etat

بدست آوردن قدرت به صورتی سریع و با اعمال قدرت توسط فرقه ای سیاسی.
کودتا معمولاً توسط نظامیان و یا با حمایت آنان صورت می گیرد. این یکی از شوره های دستیابی به قدرت است مخصوصاً در جهان سوم.

ر. ک. Revolution

دژگزینش Counter-selection

موجب بقای ارزشها، صور و اشکال حیات

اجتماعی و بطور کلی موجوداتی از نوع پست می شود در برابر گزینش مطلوب که از پی آن بقاء اصیل حاصل آید.

ر. ک. Dysgenic

تلقین مخالف Counter - suggestion

تلقینی ضد تلقین پیشین، بدان contra - suggestion نیز اطلاق می شود.

ر. ک. Suggestion - Auto -

suggestion - Crowd suggestion

کشور مقصد Country of destination

در برابر کشور مبدأ، کشوری است که امواج مهاجرین بسوی آن درحرکتند.

کشور مبدأ Country of origin

خاستگاه

کشوری که مهاجرین از آن برمی خیزند.

دایی زاده ها Cousins , Cross

عمه زاده ها

ر. ک. Cross - cousins

Cousins . Parallel

عموزاده ها - خاله زاده ها

ر. ک. Parallel cousins

زالو نمایی Couvade

I - مفهومى است از لافیتو

(I.E.Lafitau). او این رسم را در قرن ۱۸

در بین سرخپوستان کانادا ملاحظه کرد براساس

آن، شوهری که زنش وضع حمل کرده است،

به رختخواب می رود، فرزند را در آغوش

می کشد و زن که بعد از زایمان برخاسته، از او و فرزند هر دو مراقبت می کند. این رسم نه تنها به صورت علمی توسط لافیتو مطرح شد، بلکه جهانگردانی چون مارکوپولو و لیونیز به آن اشارت داشته اند:

مارکوپولو گزارش می دهد که در نزد میوتسه ها (Miav-tse)، مرد مدت بیست روز بعد از زایمان زن در تخت می ماند گزارشی که در همین کشور (چین) توسط لیو (Liu) نیز تأیید شده است.

II- در پاسخ به این پرسش که علت پیدایی چنین رسمی چیست، عقاید یکسان نیست:

بزعم باخوفن (Bachofen)، مردی که فرزند از اوست، بابرگزاری این رسم فرزند را از آن خود دانسته و در برابر اندیشه های قبیله مادر از خود دفاع می کند.

همین است اندیشه ثورن والد (Thurnwald) که درین رسم کوششی از جانب شوهر جهت تصاحب فرزند و مقاومت در برابر رسم مادر سری در قبیله می بیند بدین وسیله شوهر نشان می دهد که در همه مراحل تکوین و تولد کودک سهمیم بوده است و نتیجه ای که

گونتو (Günther) ازین رسم می گیرد چنین است «می توان پذیرفت که این رسم مخصوصاً زمانی که قبیله در حالت تبدیل از مادر سری به پدر سری است ملاحظه می شود، با آنگاه که مادر سری در حال ضعف به سر می برد. با این رسم نقش پدر برجسته شده و برابری آنان مطرح می شود»

(Hans F.K.Günther: le Marriage. ses Forms, -P:183)

فرهنگ پوشیده - Covert culture
نهان فرهنگ

آن جزء از فرهنگ که نا آشکار است و باید توسط محقق کشف و شناخته شود

- راد کلیف براون (Redcliffe-Brown)

به نیاز فراتر رفتن از آنچه افراد عضو یک فرهنگ بطور شفاهی و یا با نوشته و با آن طریق نمادهایشان ارائه می دارند، اشارت دارد، بدعیم او در ورای این همه تنوع شماراندکی از اصول به دست می آیند که در هر شرایط به صورتی خاص جلوه می کنند.

- کلوکهن (Kluckhohn) این مفهوم را در سال ۱۹۴۱ به کار برد، اما در سال ۱۹۴۵ به همراه کلی (W.Kelly) واژه ضمنی (Implicit) را به جای پوشیده (covert) به کار برد. چه، به زعم آنان واژه پوشیده، این اندیشه را که بومیان از ارائه اجزائی از فرهنگشان سر باز می زنند، به ذهن متبادری سازد. در حالی که این معنی منظور ما نیست.

ر. ک. Esoteric

کوواریانس - همپراش Covariance

مفهومی در آمار اجتماعی است. چنانچه دو متغیر (x و y) به دفعات (n) با یکدیگر مورد مشاهده قرار گیرند، ضریب همپراش آنان عبارت خواهد بود از:

$$\frac{1}{n} \sum (x_i - \bar{x})(y_i - \bar{y}) = \frac{1}{n} \sum x_i y_i - \bar{x} \bar{y}$$

Creator	آفريننده	اعتبار مصرف کننده
Creation	آفرينش	ره، ك. Consumer credit
Creative accommodation	همسازى خلاق	كرسى Cressy (Donald Ray)
	آن همسازى كه آگاهانه و با تصميم افراد در جهت بازيايى راه حلى از طريق كشف و بسط زمينه هاى توافق و به منظور ارضائى نيازها و خواستها، صورت بندد. الف) در مقابل مصالحه (Compromise). در همسازى اخلاقانه هر دو طرف به حداكثر رضايت و قربانى نساختن هيچ خواست دست مى يابند. ب) در مقابل عدالت رسمى، در همسازى خلاق راه حله با جوشش درونى و داوطلبانه رخ مى نمايند.	جامعه شناس امريكايى است (متولد ۱۹۱۹). زمينه خاص تخصص او عبارتند از: جرم، كجروى و همچنين روانشناسى اجتماعى. آثارش مشحون از موضوعاتى است كه معمولا حايز آميزه اى از اين زمينه هاى خاص است. به عنوان مثال در اثرش با نام پول ديگر-دان (other peoples' money) به رشوه خواران انگيزه ها و خواستهاى آنان مى پردازد كه هم جنائيت، هم كجروى را در بررمى گيرد و زمينه هاى روانشناسى اجتماعى مى يابد. آثار ديگرش عبارتند از:
Accommodation	ره، ك.	Delinquency, Crime and Differential association.
Creative evolution	تطور خلاق	Theft of nation.
	آن دگرگونى اجتماعى كه طبق برنامه و با هدفى معين صورت گيرد و در آن هر جزء در بطن كل در حال تطور جاى گيرد.	The structure and operations of organized crime in America.
Evolution	ره، ك.	جرم Crime
Creative synthesis	همنهشت خلاق	تخطى از حقوق جنايى. در زبان روزمره، اين واژه به نادرست در مورد هر رفتار مغاير با الگوهاى پذيرفته جامعه (هر چند در حقوق جنايى مطرح شده باشند) به كار مى رود. پيختنى مى توان تمامى علل جرم را را- برشمرد. چه، وضعى كه جرم در آن صورت
Synthesis		
Credit, Consumer		

می گیرد. از مجموعه ای منحصر به فرد و متشکل از عواملی بیشمار تشکیل می شود.

این مجموعه در يك آن تاریخی پدید می آید، غیر قابل تکرار است، دارای ابعاد کیفی و کمی از يك سو، فردی، اجتماعی از سوی دیگر و تاریخی و آنی است.

Gang, Band

ز. ک.

Crime, Companionate

جرم چند نفره

Companionate crime

ر. ک.

Crime, Etiology of

علت شناسی جرم

Etiology of crime

ر. ک.

Crime, Multiple cause of

چند سببانی علل جرم - تعدد علل جرم

Multiple cause of crime

ر. ک.

Crime, Organized جرم سازمان یافته

Organized Crime

ر. ک.

Crime gradient

مدرج جرم

مفهومی که توسط برخی از جرم شناسان به هنگام بحث از توزیع محیطی - جغرافیایی جرم مطرح شده است. با آن، منحی خاصی به دست می آید که نمایشگر میزان جرم مرتکب شده در جغرافیاهایی است که در يك خط مستقیم جای می گیرند.

Crime rate

میزان جرم

ثبت میزان تبهکاری شناخته شده در بین

مردم و جغرافیایی معین. میزان ناخالص (Crude rate) جرم (در هزار نفر جمعیت) را، از میزان خالص آن (در هزار نفر که قادر به ارتکاب جنایت هستند) و میزان خاص آن (مثلا بین ۱۵ تا ۱۹ ساله ها) متمایز می سازند.

Crimes without victim

جرمهای بدون قربانی

معمولاً در هر جرم قربانی خاصی به چشم می خورد که خود موجبات علنی شدن جرم را از طریق شکایت به مراجع ذی صلاح فراهم می سازد. اما از دیدگاه جرم شناسی و هم جامعه شناسی جنائی، تعدادی از جرائم فاقد قربانی تلقی می شوند، نظیر قمار، فحشا، اعتیاد به مواد مخدر. این نوع جرائم را در اصطلاح جرائم خدمتاتی (Service crimes) نیز می خوانند.

ر. ک. Criminology/ Deviance

Delinquency

Criminal abortion سقط جنین جنائی

Abortion

ر. ک.

Criminal anthropology

انسان شناسی جنائی

Anthropology

ر. ک.

Criminal argot گویش جانیان

زبانی خاص، مرکب از نمادها و واژگانی ویژه که جانیان ابداع کرده، بین خود بکار می گیرند.

Criminal association انجمن جانیان

(۱) گروهی سازمان یافته که در جهت

- ر. ک. Exogenic criminal
مجرم پناه Criminal fence
فرد یا شرکتی که کالای مجرمین را مورد خرید و فروش قرار می دهد . زمانی چنین عنوانی به کار می رود که خریدار مال دزدی را نه به منظور مصرف شخصی بلکه تجارت و سود بخرد . (مال خر)
- بازد جنایی Criminal gang
هر گروه مرکب از مجرمین . چنین گروههایی کوچک ، دارای پیوست درونی ، بسته ، دارای فرهنگ و زبانی ویژه اند . همیشه مجرم Criminal , Habitual
ر. ک. Habitual Criminal
قصد جرم Criminal intent
هنصوری ذهنی در تحلیل جرم . انجام جرم یا جنحه یا جنایت با قصد قبلی بر نوع ، حجم و ابعاد مجازات اثر می گذارد .
- عدالت جنایی Criminal justice
در معنای وسیع تمامی نهادها ، سازمانها و افرادی را شامل می شود که در ارتباط با دستگیری مجرم ، محاکمه و نگاهداری او به کار می پردازند .
- انسان جنایی Criminal man
این مفهوم با این دید به کار می رود که جنایتکار دارای علایم جسمی و روانی خاصی است .
- بلوغ جنایی Criminal maturation
(۱) با این فرض که رشد رفتار جنایی از مراحل مشخصی همانند رشد بدنی با افزایش
- حمایت از منافع جنایتکاران پدید آید . (۲) پیوند متقابل جانیان در جهت پیدایی الگوهای خاص رفتاری در بین آنان و جذب این الگوها .
- ر. ک. Criminology/Association
رفتار جنایی Criminal behavior
رفتار مخالف با قوانین متعارف جامعه . در عرف ، بطور مترادف با جرم یا بزه به کار می رود .
- زیست شناسی جنایی Criminal biology
مطالعه علمی روابط بین صفات جسمانی - موروثی با شخصیت جنایی .
- مجرم بالفطره Criminal , Born
ر. ک. Born Criminal
سرشت جنایی Criminal constitution
صفات ارثی و ذاتی (جسمی یا روانی) که به زعم برخی (چون لومبروزو) از قبل فرد را برای جنایت آماده می سازند .
- فرهنگ جنایی Criminal Culture
مجموعه ای از ویژگیهای ملموس و مادی و یا فکری و معنوی ، خاص مردمی که شکننده قانون جامعه اند . این فرهنگ که خود ، زاده جنایت است ، به تدریج خود قوام بخش آن بشمار می رود .
- Criminal , Endogenic
مجرم درون زاد
ر. ک. Endogenic criminal
مجرم برون زاد Criminal , Exogenic

سن می گذرد (۲) این مفهوم در معنای رشد جانی با انباشت تجربیات جنایی توسط او نیز به کار می رود .

Criminal , Pathological

مجرم روان نژند

Pathological criminal . ر. ك .

Criminal , Professional

مجرم حرفه ای

Professional criminal . ر. ك .

Criminal responsibility

مسئولیت جنایی

مجرم باید به اراده و میل خود دست به جنایت زده باشد، باید از توان تمیز بین خوب و بد برخوردار باشد ، همانطور که از نتایج مترتب بر اعمالش آگاهی داشته باشد، این عوامل و عوامل بسیار دیگر مسئولیت جنایی وحده آن را مشخص می دارند. بدینسان، مسئولیت جنایی تابع کودکی، نارسایی دماغی، مسنی و یا هر عاملی که موجب بی خبری از خود و عدم کنترل فرد بر خود گردد می باشد.

Criminal saturation, Law of

قانون اشباع جنایی

Criminal statistics

آمار شناسی جنایی

در امریکا شامل داده های آماری در زمینه مجرمین و ویژگی های روانی ، جسمانی آنان، انواع جنایت ، شرایط وقوع جرم ، همچنین دستگاه قضایی و پلیس است . در اروپا، آمار

قضایی فقط در معنای مجرم و جنایت به کار می رود و دستگاه قضایی و پلیس و هر آنچه بامجرم ارتباط می یابد عدالت قضایی خوانده می شود .

Criminal justice . ر. ك .

Criminal sub-culture

زیر فرهنگ جنایی

فرهنگی منتسب به گروهی بزهکار و در صدد انجام فعالیتهای غیر قانونی . زیر فرهنگ در بطن فرهنگ کل جامعه جای دارد. بالنسبه بسته و مقاوم در برابر رسوخ عناصر خارج از آن است .

Criminal tendencies

گرایشهای جنایی

گرایشهایی چند که در صورت بی توجهی جامعه و مسئولین آن می توانند پیش در آمد جنایت باشند و در نهایت به رفتار ملموس جنایی بینجامند. در جرم شناسی نیز پیشگیری با شناخت این گرایشها ، مهمتر از درمان بعد از اعتیاد به جنایت است .

Criminal , white - collar

مجرم طبقه بالا

White collar criminal . ر. ك .

Criminality (Rate of)

میزان تبهکاری

احتساب کل تخلفها در جامعه ای خاص و زمانی معین (n) بر حسب تعداد کل جمعیت . (N) . حاصل به دست آمده ، معمولا در ۱۰۰ ضرب می شود .

Criminality , Maximum

سن حداکثر جنایی age of

سنی که در آن ارتکاب جرم به حداکثر می‌رسد.

Criminology جرم‌شناسی

- شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که در آن جرم، مرتکبین آن، سازمان کنترل‌کننده و سازمانها و نهادهای اصلاح‌کننده مورد بحث قرار می‌گیرند.

- شناخت علمی جرم به صورت جدید از قرن ۱۸ آغاز شد. بنّام (J.Bentham) در صدد اصلاح قوانین آن برآمد. در قرن ۱۹ مکتب اثباتی به شناخت علمی علل جنایت پرداخت. از سال ۱۹۰۰ در آمریکا جرم‌شناسی را شاخه‌ای از علم انسان و در قلمرو جامعه‌شناسی به حساب آوردند.

در زمینه علل و عوامل جرم نیز تطوری خاص رخ داد. زمانی علل جرم را جسمی، ذاتی و ارثی دانستند. لومبردو حتی سخن از مجرمین بالقظه راند. به عقیده او کمّانی هستند که ذاتاً جانی خلق شده‌اند و علایمی خاص در بدن دارند (نظیر چشمان مسورب و ...) اما این نظر نادرست نمود، پس از آن به علل اجتماعی جرم را توجه شد و جرم پدیده‌ای در مرحله اول معلول نظام اجتماعی قلمداد شد.

در زمینه شیوه‌های مبارزه با جرم نیز شاهد دگرگونی‌هایی هستیم. زمانی به صرف ارتکاب جرم از جانب فردی تمام کسان او مورد

مجازات قرار می‌گرفتند، بعدها، جرم عملی مربوط به مجرم شناخته شد و صرفاً مسؤولیت متوجه او شد. زمانی در صدد مبارزه با جرم از طریق سرکوب برمی‌آمدند. پس از آن حقوق ردعی (Repressive law) یا حقوق مبتنی بر سرکوب و مکافات جای خود را به حقوق تدارک‌کسی یا جبرانی (Restitutive law) سپرد. به عقیده پیروان این طرز اندیشه که بهترین آنان دودکیم (E.Durkheim) است، باید نه در صدد انتقام از مجرم بلکه اصلاح و بازسازی او برآمد.

E.Durkheim/Restitutive law/
Repressive law ر. ک.

بحران‌آجل Crisis , precipitating
Precipitating crisis ر. ک.

بحران اجتماعی Crisis , Social
Social crisis ر. ک.

معیار - ملاک Criterion
در جمع صورت Criteria می‌یابد.

Criterion of evaluation
معیار ارزشیابی

Criterion related validity
اعتبار پیوسته با معیار

شناخت اعتبار یک شیوه پژوهش از طریق
سنجش پیوسته آن با معیار است و به دو صورت
نحقی می‌پذیرد:

۱- معیارهای همزمان
سنجش نتیجه با معیار آن بطور همزمان

است . مثلاً می‌توان شیوة اعمال شده در مورد مردمی جهت سنجش عقاید مذهبی آنان را با میزان شرکتشان در مراسم مذهبی یا انجام فرایض مذهبی سنجید . بدینسان شیوه‌ای که نشان دهد عقاید مذهبی این مردم شدیداً است، اما در عمل ملاحظه شود که آنان به انجام فرایض دینی نمی‌پردازند ، این شیوه فاقد اعتبار است .

۲- معیارهای ناهمزمان

در مواردی سنجش به این صورت ممکن نیست . زیرا معیار مربوط به آینده است . مثلاً شیوه‌ای خاص جهت سنجش و پیش‌بینی موفقیت یا ناکامی محصلین به کار می‌آید و نتیجه‌ای نیز به دست می‌آید . به منظور سنجش نتیجه و تعیین اعتبار شیوة تحقیق درین مورد به معیارهای مرتبط توسل می‌جویند، مثلاً نتایج به دست آمده را با معدل کل دروس می‌سنجند . اگر این دو تطبیق نسبی داشت ، به اعتبار پیش‌بینی رأی می‌دهند .

ر. ک . Validity/Reliability

Critical moment

لحظه حساس - بحبوحه بحران

نقطه عطف يك بحران . لحظه‌ای تاریخی و تاریخ ساز که در آن بحران به اوج می‌رسد .

Critical sociology

جامعه‌شناسی انتقادی

در برابر دیدگاههای محافظه‌کارانه ، مخالف با دگرگونیهای اساسی و همچنین پذیرش وضع موجود و سعی در توجیه آن ،

جامعه‌شناسان انتقادی اصل را بر نقد نهادها ، سازمانهای اجتماعی و یساده‌آوری ابعاد منفی ، غیر منطقی و تداوم ناپذیر آنان نهادند .

انتقاد - نقدگرایی Criticism

Cross cousins

دایی زادگان - عمه زادگان

مفهومی عام و در بر گیرنده :

Matrilateral cross - cousins

دایی زادگان

Patrilateral cross - cousins

عمه زادگان

در برخی از فرهنگها فرزندان يك برادر و يك خواهر حق ازدواج با يكديگر را دارند و حال آنکه عموزادگان و خاله‌زادگان (فرزندان دو برادر یا دو خواهر - Parallel cousins) از چنین حقی برخوردار نیستند .

ر. ک . Parallel cousin

بین فرهنگی Cross cultural

مقایسه داده‌هاست بین چند فرهنگ . مخصوصاً در جامعه‌شناسی مقایسه‌ای و مردم‌شناسی مطمح نظر قرار می‌گیرد .

Cross - fertilization of cultures

پووند فرهنگی

به هم آمیزی عناصری متمایز از چند فرهنگ مختلف به آن منظور که ویژگیها و مجموعه‌هایی نو پدید آیند . به عنوان مثال ، آمیزش هنر حکاکی در چین با القباۃ فنیقی‌ها و دستگاه عصاره‌گیری سیب در اروپا ، با

عناصر دیگری به پیدایی صنعت چاپ انجامید که جهان را منقلب ساخت .

Cross - sectional study

مطالعه بین مقطعی

مطالعاتی است که در آن گروهی چند از دیدگاههای گوناگون (طرز تلقی Attitudinal ، یا رفتاری Behavioral) در زمانی خاص مورد بررسی قرار می گیرند. مطالعات مقطعی در برابر مطالعات طولی (Longitudinal studies) قرار می گیرند.

Longitudinal study ر. ک.

Cross - tabulations

جداول متقاطع چند بعدی

هنگامی است که یک داده (Data) با توجه به چند متغیر (Variable) توزیع می شود . به عنوان مثال، می توان پاسخ یکصد نوجوان را به این پرسش : « آیا مرد برتر از زن است؟ » با توجه به جنس و سن آنان توزیع کرد و از آن جدول متقاطع یا چند بعدی به دست آورد.

Bivariate univariate ر. ک.

Crowd

انبوه خلق

انبوهی از انسانها که بطور موقت در فضایی یا به دعوت قبلی یا در پاسخ به انگیزه ای آنی گرد آمده اند . (در انبوه خلق سازمان یافته تجمع فضایی وجود ندارد.) انبوه خلق معمولاً فاقد ساخت و سازمان است (مگر در حالات خاص انبوه خلق سازمان یافته) و ساخت پذیر نیز نیست . دارای بعد عاطفی است، همانطور که توجه آن به محور یکسانی است .

بسیاری به مطالعه آن پرداخته اند: بعضی آن را فاقد خرد، قابل دستکاری و وحشی می دانند (نظیر گوسمستادلسون، G. LeBon) بعضی دیگر عکس این نظر را دارند .

باید گفت ، در جمعی از این نوع حالات درونی انسان تبلوری افراطی می یابد، انسان تحت تأثیر جمع و سرایت حالات دیگران اگر زمینه ای به عنوان مثال ضد سیاه داشته باشد و در جمعی نژاد پرست قرار گیرد، قادر به تکه تکه کردن یک سیاه پوست است . چه، انبوه همچون پوششی می ماند که او در درون آن جای یافته است ، چون علامتی خاص ندارد ، خود را بی نام و بی هویت و بالطبع غیر مسئول نیز می داند . پس می تواند از عواقب جنایت نیز بری ماند. اما چنانچه فرد با زمینه انسان دوستی در انبوهی انسان دوست جای یابد، احتمال سرایت و تقویت این بعد و شدت ابعاد عاطفی آن وجود دارد.

Lynching-Collective ر. ک.

behavior-Le Bon

Crowd , Active انبوه فعال

Active crowd ر. ک.

Crowd , Expressive

انبوه عاطفی - بیانی

Expressive crowd ر. ک.

Crowd intoxication انبوه مستی

از خود بی خود شدن ، سرمستی و نشئه گشتن در درون انبوه خلق . این حالات به اعمالی غیر عادی ، غیر عقلانی و در مواردی

- در انبوه خلق بالاست.
- Crowding** ازدحام
تعداد بیش از اندازه ساکنان يك خانه،
يك اتاق يا هرواحد مسكونى .
- Crude rate of natural increase** میزان ناخالص رشد طبیعى
پیشی گرفتن شمار باروری نا ویژه بر
میزان ناخالص مرگ و میر . این سنجش در
مورد جمعیتی خاص و در زمانی خاص
(يك سال) انجام می شود.
- Cult** کیش
سلسله مناسکی دینی و اعمالی در ارتباط
با پرستش خداوند و یا اشیای فوق طبیعى یا
صرفاً مقدس و تمسك به آنها .
- Cult , Ancestor** زیاکیشی
ر. ك. Ancestor cult
- Cult , Ghost** کیش اشباح
ر. ك. Ghost cult
- Cult , Hero** قهرمان کیشی
ر. ك. Hero cult
- Cult of the dead** کیش مردگان - مرده کیشی
ر. ك. Ghost cult
- Cult of personality** کیش شخصیت
اسطوره سازی از رهبران سیاسى با
انتساب صفاتی فوق عادى به آنها و جای دادن
آنان در خارج از حیطه حیات معمول .
- Faschism/ Charismatism**
- کنترل ناپذیر می انجامد و «جنون جمع» را
پدید می آورد . با مفهوم انبوه خلق در اوج
هیجان (orgiastic crowd) مشبه نشود
(به آن ر. ك)
- Crowd , Mobile** انبوه باتحرك
ر. ك. Active crowd
- Crowd opinion** افكار انبوه خلق
واكنش بیانی يك انبوه خلقی در برابر
انگیزه و حوادث . افكار انبوه ها برخلاف
افكار عمومى (Public opinion) جهانی
آنی تر، احساسی تر و تغییر پذیرتر دارد.
- Crowd organized** انبوه خلق سازمان یافته
ر. ك. Organized Crowd
- Crowd , Orgiastic** انبوه در هیجان
ر. ك. Orgiastic crowd
- Crowd , Participant** انبوه خلق مشارك
ر. ك. Participant crowd
- Crowd , Psychological** روان انبوه
ر. ك. Organized Crowd
- Crowd suggestion** القای انبوه خلق
محركاتی چندكه از جانب سخنگویان ،
حاضران دیگر در انبوه خلق و بطوركلى
فضای جمعى برآمده بر شخص وارد می شوند.
موجبات تراكم ، تبار و تصعيد اندیشه هاى
مرتبط با جمع و سرکوب دیگر اندیشه ها را
(فردی) فراهم می سازند . درجه القا پذیری

Cultural accumulation**انباشتگی فرهنگی - انباشت فرهنگی**

فرایند رشد فرهنگ را از طریق ابداع، اختراع، کشف، اخذ و به عاریه گیری عناصر فرهنگی نو می‌رساند. به زعم وایت، (L.A. White) فرهنگ فرایندی نمادی، انباشت پذیر، مستمر و پیشرو است، در همین سیاق به نظر کروبر (A.L. Kroeber): بطور کلی، فرایند توسعه فرهنگی، فرایندی انباشت یاب و افزایشنده است.

انباشتگی فرهنگی به بیان بیکن (F. Bacon) موجب می‌شود که انسان جدید بر شانهٔ میلیون‌ها انسان پیشین جای یابد و چشم انداز وسیع‌تر داشته باشد.

Cultural action **کندش فرهنگی****Cultural adaptation** **انطباق فرهنگی**

انطباقی خاص انسان با دیگر گویه‌های فرهنگی محیط پیرامون است. ویژگی آن در برابر انطباق موجودات دیگر این است که انسان صرفاً با محیط پیرامون سازگار نمی‌شود تا بقای خود را تضمین کند، بلکه مخصوصاً سعی در انطباق محیط با نیازها و امیال خویش می‌کند.

Coadaptation / Adaptation **ر. ک.****Cultural alternative** **شقوق فرهنگی**

این واژه و واژگان همسایه‌اش نظیر Cultural speciality و

Cultural universal در آغاز به سال

۱۹۳۶ توسط لیتن (R. Linton) در اثرش

با نام «مطالعهٔ انسان» عنوان شدند. به زعم ردفیلد (R. Redfield) لیتن این واژه را در مورد دو دسته از ویژگی‌ها و الگوهای فرهنگی به کار برده است:

الف: آن ویژگی‌ها یا الگوهایی که بعضی از اعضای جامعه پذیرفته‌اند. بدون آنکه تمامی اعضای جامعه به آن تن در داده باشند. ب: آن ویژگی‌ها یا الگوهایی که مورد قبول همه اعضای جامعه است، اما فردی تواند در بین آنان دست به انتخاب زند.

Cultural annexation **انضمام فرهنگی**

ضمیمه کردن يك حوزه فرهنگی توسط حوزه‌ای قوی‌تر است با شیوه‌هایی چون همانند سازی و فرهنگ پذیری و ...

Cultural anthropology

انسان‌شناسی فرهنگی

Anthropology **ر. ک.**

Cultural assimilation

هدا نند گردی فرهنگی

Assimilation **ر. ک.**

Cultural background

زمینه فرهنگی

Cultural base **شاوذه فرهنگی**

Cultural change **دگرگونی فرهنگی**

Social change **ر. ک.**

Cultural chaos **آشفته‌گی فرهنگی**

Cultural cohesion

به هم پیوستگی فرهنگی

Cultural colonialism**استعمار فرهنگی**

از خطرناک‌ترین، عمیق‌ترین و نامرئی‌ترین انواع استعمار است که از آن مسخ انسانها، زدایش هویت آنان و در نتیجه محو وحدت و ریشه‌های تاریخی ملل مستعمره منشأ می‌گیرند.

Colonialism ر. ک.

Cultural communication**ارتباط فرهنگی**

فرایند تماس با فرهنگ دیگر می‌تواند یکسویه یا دوسویه باشد، که در حالت اخیر داد و ستد یا مبادله فرهنگی (Cultural exchange) پدید می‌آید.

Acculturation/communication

ر. ک.

Cultural competition**رقابت فرهنگی**

(۱) رقابت بین عناصر گوناگون يك فرهنگ با يكديگر (همچشمی درونی) (۲) رقابت بین فرهنگها با يكديگر جهت بقا و نفوذ در يكديگر (نظیر رقابتی نابرابر که در خانواده کنونی جهان بین فرهنگهای صنعتی و غیرصنعتی است و به اشغال فرهنگی جهان سوم و در مواردی امحای فرهنگ آن می‌انجامد).

Cultural confrontation**برخورد فرهنگی**

با تماس فرهنگی (cultural contact) اشتباه نشود.

Acculturation

ر. ک.

Cultural convergence**همگرایی فرهنگی**

پیدایی و رشد ویژگیهای مشابه فرهنگی در نقاط مختلف بطور مستقل و بدون ارتباط با یکدیگر (نظیر سر تیر که بطور مشابهی از مس در پرو و مصر پدید آمد).

Convergence/Telepathy ر. ک.

Cultural creativity**Cultural determination**

عوامل تعیین‌کننده فرهنگ -

عملکرد و اثر عوامل زیستی، جغرافیایی، روانی، اقتصادی و اجتماعی که پیدایی، رشد، انتشار و دیگر گونی فرهنگها را میسر می‌سازند.

Cultural determinism

Culturalism ر. ک.

Cultural dependence**وابستگی فرهنگی**

Colonialism ر. ک.

Cultural discrimination**تبعیض فرهنگی**

یکی از اشکال تبعیض در نظامهای مبتنی بر آپارتاید، کاست یا درگیر با شکاف طبقاتی است.

Social class/ Caste / Apartheid

ر. ک.

Cultural disintegration**ازهم پاشیدگی فرهنگی**

پاره پاره شدن عناصر فرهنگی، ناهمسازی

وناهمخوانى آنان با يکديگر .	Social function/ Functionālistm
Cultural integration ر. ک .	ر. ک .
Cultural dynamics	Cultural hegemony
پويایى شناسى فرهنگى	سلطه جويى فرهنگى
Cultural dynamism پويایى فرهنگ	Cultural heritage ميراث فرهنگى
Cultural evolution	Cultural heterogeneity
نطور فرهنگى - تکامل فرهنگى	ناهمگنى فرهنگى
دگرگونى يك فرهنگ (پا عنصرى از آن)	در برابر مفهوم همگنى فرهنگى
از صورتى ساده تر، ناپيوسته تر ، به صورتى	(Cultural homogeneity)، ناهمگنى
پيوسته و پيچيده تر ؛ از دو ديد قابل طرح	فرهنگى مفرط گروهها در چارچوب مرزهاى ملى
است :	مى تواند به تجزيه طلبى و نفى تعلق ملى انجامد.
۱- تطور عمومى :	Cultural integration
General evolution	يکپارچگى فرهنگى
که خطوط کلى و جهانى حرکت	I- به معنای اضمحلال محدوده های بسته
فرهنگى را مى بيند .	(Isolates) و حتى فرهنگ-هاى جزئى
۲- تطور خاص	(Sub- cultures) ويگانگى درونى يك
Specific evolution	فرهنگ است .
که به تطور تاريخى و خاص يك جامعه	- اين واژه در جوامعى با فرهنگ-هاى
اطلاق مى شود .	مختلف کاربرد دارد : نظير جامعه امريكايى
Evolutionism ر. ک .	که متشکل از اقليتهای نژادى ، ملى ، دينى
Cultural fixism	و قومى است .
تجبر فرهنگى - تغيير ناپذيرى فرهنگى	از سويى مقاومت اين گروههاى اقليت
حد نهايى ايستايى فرهنگى	در برابر كل فرهنگ موجب پيداى پاره
(Cultural staticism) است که در آن	فرهنگها ، فرهنگهاى زيرين يا جزئى و در
فرهنگ دچار تصلب (Sclerosis) مى شود ؛	شرایط حاد ، گروه-هاى منزوى است که
نظير جامعه بيزار از تغيير (Misoneist) .	همبستگى ملى را به مخاطره مى افکنند . از
Misoneism ر. ک .	سوى ديگر ، جذب اين گروهها در بطن كل
Cultural function کارکرد فرهنگى	فرهنگ با همانندگردى يا فرهنگ پذيرى ،
	به محو هويت آنان و از دست رفتن گوناگونىهاى

اجتماعی می‌انجامد، که در هر دو حال، اذهان بسیاری را به‌خود معطوف داشته است :

فرهنگ علوم اجتماعی گولڈ و کلب از آن تعریفی به این قرار ارائه می‌دهد :

«فرایندهایی که از طریق آن يك فرهنگ به صورت يك كل یا تام درمی‌آید» (۲) حالتی که در آن يك فرهنگ به صورت تام یا كل درآمده است. این حالت الف) همسازی منطقی، احساسی یا زیبا شناختی بین محتوا و معناهای فرهنگی؛ ب) همسازی رفتارها و هنجارنپ - وابستگی متقابل کسارکردی و تقویت عناصر گوناگون عرفی و نهادهای نظام را می‌رساند.

(*Dictionary of Social sciences*, J.Gould, L.Kolb (eds) P.158)

II - با توجه به وسعت این مفهوم، سه معنا یا دیدگاه بالنسبه متمایز از آن در اندیشه متفکران تجلی یافته است :

۱- دیدی که براساس آن، يك فرهنگ متشکل از عناصری بهم پیوسته است. هیچ عنصری بدون عنصر دیگر معنا ندارد و از كل، معنایی خاص و فوق معنای هر يك از عناصر بر می‌آید. به بیان صامنو (W.G.Sumner) چنانچه عناصر يك فرهنگ، در راه تجلی کامل آن، تجلی عناصری دیگر را ایجاب کنند، این جهت از سازمان فرهنگی حاصل آمده است؛ همین دید، یعنی پیوند متقابل عناصر يك فرهنگ و ضرورت متقابل آنان،

زیربنای اندیشه‌هایی چون کارکردگرایی، گشتالت و ساخت گرایی است.

۲- از دید دوم، یکپارچگی فرهنگ در الگوهای مشخص می‌شود، این دیدگاه دوٹ بندیکت (R.Benedict) است که در اثرش «الگوهای فرهنگ» مطرح ساخته است. بزعم او «يك فرهنگ، همانند يك فرد، همچون الگوی همسازی از اندیشه و عمل است. در درون هر فرهنگ، اهدافی ویژه پدید می‌آیند که لزوماً در دیگر گونه‌های جامعه مطرح نیستند و مردم با اطاعت از این اهداف، به استحکام هرچه بیشتر تجربه می‌پردازند و متناسب با میزان ضرورت این سائقها، عناصر ناهمگن رفتار، شکلی بیش از پیش هماهنگ به‌خود می‌گیرند».

(*Patterns of culture*, 1935, P. 48)

۳) از نظر برخی دی‌گر، یکپارچگی فرهنگی فرایندی است که از طریق آن عناصر تازه فرهنگ در درون آن جذب می‌شوند. بطوری که در جریان تاریخ فرهنگ ضمن تغییر، هویت خاص خود را حفظ کنند. در این صورت اولاً هر عنصر می‌تواند وارد فرهنگ شود، در ثانی هر عنصر بیگانه در درون فرهنگ نو هویتی تازه می‌یابد و دگرگونی خاصی می‌پذیرد.

ر. ک. Culture / Enculturation ,

Acculturation / Cultural lag / Social integration / Assimilation

Cultural interrelation

روابط متقابل فرهنگی

Cultural interrelationship

مناسبات متقابل فرهنگی

Cultural invasion اشغال فرهنگی**Culturalism** فرهنگ گرایی

در برابر مکاتبی چون جغرافیا گرایی (Geographism)، اقتصاد گرایی (Economism)، مکتب زیست‌پژ-

(Biologism) و ... مکتبی را می‌رساند که بر اثر فرهنگ، بر جامعه تأکیدی مفرط دارد. هیوم (Hume) از اولین کسانی بود که تفاوت‌های جوامع و انسانها را ناشی از تمایز فرهنگ جامعه دانست.

Cultural isolate تک‌افتاده فرهنگی

محدوده بسته فرهنگی، فاقد هر تماس یا عبادله فرهنگی

Cultural - island جزیره فرهنگی

ناحیه‌ای خاص که در آن فرهنگی ویژه و متفاوت از فرهنگ‌های مناطق اطراف پدید می‌آید. عدم ارتباط متقابل (گاه به جهت موانع طبیعی)، موجبات پاسخ خاص گروهی را به جغرافیایی ویژه فراهم می‌سازد و تا زمانی طولانی دست نخورده باقی می‌ماند.

Cultural lag تأخر فرهنگی - پس

افتانگی فرهنگی - دیر کرده فرهنگی

مفهوم‌ومی است از آگبرن (William F. Ogburn) جامعه شناس امریکایی. نوعی عدم تعادل فرهنگی

(cultural disequilibrium) به حساب

می‌آید و به معنای تمایز اجزاء يك فرهنگ از نظر آهنگ حرکت آنان است. در واقع بعضی از عناصر فرهنگ، نظیر زیر ساخت (Infrastructure) یا فنون و ابزار مادی زودتر از اندیشه‌ها و عقاید یا سازمانهای اجتماعی دیگرگون می‌شوند. بدینسان در درون يك فرهنگ، اجزاء از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شوند.

I - در مورد تأخر بعضی از اجزاء فرهنگ و مقاومت آنان در برابر تغییر، اندیشه‌ها بسیار است؛ بسیاری را عقیده بر این است که حرکت ابزار با موانع انسانی و اجتماعی کمتری مواجه می‌شود. يك اختراع انقلابی در دنیای فنون پدید می‌آورد و سرعت در جهان شایع می‌شود، اما سازمانهای اجتماعی، عادات و مراسم اجتماعی بعد انسانی بسیار نیرومند دارند. جزئی از طبیعت اجتماعی مردم می‌شوند، بناچار دیگرگونی آنان بطلی است. همچنین، در قشرهای مختلف انسانها نیز پذیرش یکسان نیست. جوانان کمتر خود را پای بند سنت‌ها می‌دانند و کمتر به آن خو گرفته‌اند. پس آهنگ حرکت در آنان سریعتر است، یا پیوند آنان با آینده نزدیکتر.

زندگی شهری آهنگی سریعتر نسبت به روستا دارد و عشایر دورتر از کانوهای پویا قرار می‌گیرند و آهنگ حرکت آنان باز بطلی‌تر است.

II - پدیده‌های خاص در جامعه‌بادرننگ
فرهنگی تجلی می‌کنند. نظیر شکاف نسلها
(Generation gap) که فاصله فکری و
رفتاری فرزندان از والدینشان را موجب
می‌شود، یا شکاف فرهنگی (cultural gap)
که مثال آن تمایز حرکت در بین ابزار فنی
و نهادهای اجتماعی - فرهنگی است؛ تأخر
فرهنگی در صورت افراط به تبعیض فرهنگی،
فاصله فرهنگی و نیز به خطر افتادن همبستگی
ملی می‌انجامد.

Ogburn

ر. ک.

Cultural maladjustment

دژ سازگاری فرهنگی

Maladjustment

ر. ک.

Cultural models مدل‌های فرهنگی

Model

ر. ک.

Cultural recreation تفرج فرهنگی

Recreation

ر. ک.

Cultural relativism نسبی‌اندیشی

فرهنگی

از مردم‌شناسی آغاز شد و به معنای
پذیرش نایکسانی اقوام بشری است. در آغاز
اروپائیان جوامع دیگر را با الگوهای خود
مورد سنجش قرار می‌دادند؛ آنان را ابتدایی،
وحشی و در مراحل ماقبل خرد می‌دانستند.
ولی با پذیرش تمایز بین فرهنگها سعی در
فهم اعماق فرهنگی کردند، برتری فرهنگ
غرب را رها ساختند و قبول کردند که جوامع
به اصطلاح ابتدائی از بسیاری از مواهب و

همکاریه‌ای اجتماعی برخوردارند که در
جوامع به اصطلاح پیشرفته نیست. نسبی
اندیشی فرهنگی از سویی بمعنای مبارزه با
قضاوت‌های ارزشی است. لذا جامعه‌ای از
نظر فرهنگی پیشرفته و دیگری عقب مانده
خوانده نمی‌شود؛ و از سویی دیگر به معنای
مبارزه با هر گرایش مبتنی بر قوم‌مداری
(Ethnocentrism) و بیگانه‌بیزاری
(Xenophobia) است.

Cultural rites مناسک فرهنگی

Cultural segregation

انفکاک فرهنگی - تجزی فرهنگی

در مباحث مربوط به تبعیض فرهنگی

(cultural discrimination) و طرد

(ostracism) مطرح می‌شود.

Ostracism/Racial segregation ر. ک.

Cultural system نظام فرهنگی

Social system ر. ک.

Cultural traits ویژگیهای فرهنگی

در مواردی مترادف با

cultural characteristics به کار می‌رود.

Cultural transformation

تبدیل فرهنگی - گشتار فرهنگی

Cultural unadjustment

ناسازگاری فرهنگی

Adjustment/Maladjustment/ ر. ک.

Unadjustment

Cultural values ارزشهای فرهنگی

Value ر. ک.

Cultural vicissitude

فراز و نشیب فرهنگی

یا نوسانهای فرهنگی
(Cultural fluctuations) عمیق با ایجاد
مقاطع سخت متفاوت .

Cultural ascension ر. ک.

Culture فرهنگ

مفهومی گسترده که تمامی الگوهای
را که در جامعه آموخته می‌شوند ، در آن غنا
می‌یابند و از طریق نمادها منتقل می‌شوند ،
در برمی‌گیرد. پس فرهنگ به‌عنوان وجه
مميز انسان از دیگر موجودات شامل تمام
دستاوردهای جامعه یا گروه نظیر زبان ، هنر ،
صنعت ، حقوق ، دانش ، دین ، اخلاق ،
سنتها و حتی ابزار مادی می‌شود. معنای علمی
آن از کاربرد عامیانه‌اش متمایز است . در
دانش هر آنچه را که از طریق ارتباط متقابل
آموخته می‌شود، در برمی‌گیرد. معنای آن در
مورد فرد و جامعه نیز متمایز است . هنگامیکه
در مورد فرد به کار می‌رود، معنای فرهیخته یا
پرورش یافته را می‌رساند. هنگامیکه در مورد
جامعه به کار می‌آید، همه آموخته‌ها و آموختنی‌ها
را در برمی‌گیرد .

I - تعاریف :

دانشمندان آنگلو ساکسون تمدن را در
درون فرهنگ جای می‌دهند. ولی نظر همگان
چنین نیست ، چه، بعضی آنرا مترادف با تمدن
می‌دانند. مایسلر (Edward.B.tylor) در
اثرش با نام فرهنگ ابتدایی

(Primitive Culture) «فرهنگ یا تمدن»

را کلی پیچیده می‌داند که شامل باورها ،
هنرها ، اخلاق ، عادات و هرتوانایی که انسان
به‌عنوان عضو جامعه کسب می‌کند می‌شود
دیدگاه مایسلر کلی است ، مرادش از
انسان ، نوع انسان است و منظورش از مجموعه
پیچیده یا فرهنگ ، همه عادات و تواناییهای
نوع انسان است . او به فرهنگی خاص و
جامعه‌ای مخصوص اشارت ندارد و دوشالوده
اساسی محور اندیشه‌اش هستند :

۱- ذهن انسان در همه زمانها و مکانها
دارای پایه‌های یکسان است . (آیین وحدت
روانی) .
۲- تاریخ انسان مجموعه‌ای بهم پیوسته
می‌سازد که با یک نظریه کلی نیز قابل تبیین
است .

بدینسان تعریف فرهنگ از طرف مایسلر
مبتنی بر اندیشه‌ای است که دیدی جهانی دارد،
به محورهای اساسی جهانی می‌نگرد، و تشابهات
را بجای نایکسانیها در جهان می‌جوید.

در برابر مکتب آنگلو ساکسون و تمایزات
درونی آن ، در آلمان ، بسیاری بعد از هردر
(Heder) فرهنگ معنوی (Kultur) را در
برابر تمدن مادی (Zivilisation) قرار

می‌دهند؛ به نظر آنان تمدن عبارت است از
مجموعه‌ای بهم پیوسته از عناصر مادی ،
فنون و اشکال سازمان‌نای اجتماعی که هر یک
بیانی خاص از جامعه‌اند، در حالیکه فرهنگ
مجموعه آثار ادبی ، هنری و ایدئولوژی

است که واقعیتی بهم پیوسته، بدیع و خاص يك ملت در زمانی خاص اند.

اما کلی نگری، تاپلو، و شاگردانش در تعریف فرهنگ دیری نپایید. بسیاری بر آن شدند تا از نظریه پردازی مفرط به پرهیزند، عینی تر، واقعی تر و نزدیکتر به حیات انسانها بیندیشند. آنان در برابر تاپلو و دیگران که جزو کلاسیکهای پیرخورد با فرهنگند، در زمره نسبی اندیشانند (Relativists) که شمارشان بسیار است. از جمله: بوآمی (F. Boas) مالینوفسکی (B. Malinowski)، لینتن (R. Linton) و گلسدن دایز (A. Goldenweiser) در رویکردی دایستی مبتنی بر تکثر

(Pluralistic-relativistic approach)

که دواثر برجسته خطوط اصلی آنها مشخص می دارد: «الگوهای فرهنگ» از بندیکت، (Ruth Benedict) و «الگوهای انسانشناسی فرهنگی» از ژاکوب، (M. Jacob) هر گروه هر جامعه دارای فرهنگ خویش است (که هویت، وحدت و تداوم آنها را تضمین می کند) و فرهنگی بر فرهنگ دیگر مرجع نیست.

II - ویژگیها:

- برخلاف تمدن که چند جامعه را می تواند دربرگیرد، فرهنگ صفت ویژه هر جامعه است.

- فرهنگ در خلال زمان انباشتگی می یابد. پس قابل اعتلاء و تکامل است.

- فرهنگ خاص انسان است و تمایز

اصلی انسان و حیوان، فرهنگ سازی انسان است.

- فرهنگ نسبی است و هیچ فرهنگی را فروتر و کمتر نمی توان خواند.

- فرهنگ در معنای علمی، شامل هر گروه یا جامعه می شود، لذا، برخلاف تمدن که متضمن شهرنشینی است، هر دوستان یا قبیله ای نیز دارای فرهنگ است.

- هر فرهنگ قابل انتقال و آموختنی است؛ از این رو میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، یا از جوامعی به جامعه دیگر انتقال می یابد.

- در هر جامعه عناصر فرهنگی با یکدیگر سخت پیوسته اند، هر تغییر، موجبات بروز امواجی را فراهم می سازد که دیگر ارکان فرهنگ را دگرگون می کند.

- هر چند حرکت تاریخی جوامع به انباشتگی محتوای فرهنگی آنان می انجامد؛ ولی، مخصوصاً در زمینه فرهنگ معنوی، رد و بندی ارزشی امکان پذیر نیست. يك اثر ادبی یا يك تابلوی هنری هرگز گزینهنه و پس افتاده نمی شود. هرگز با گسترش صنعت عکاسی يك تابلوی تاریخی اصالت، معنا و مقام خود را از دست نمی دهد.

III - تطور فرهنگ

انسانشناسان تطور فرهنگ را در سه مرحله یا عصر بدینسان خلاصه می کنند:

عصر دیرینه سنگی Paleolithic age

قبل از عصر میانه سنگی تحقق یافته و در سالهای ۱۲۰۰۰ قبل از میلاد پایان یافته

است؛ در جریان آن انسان هنوز غار نشین است و جز اولین گامها در راه تراش سنگ در آن حرکت دیگری به چشم نمی خورد.

عصر میان سنگی Mesolithic age

دورانی در سیر فرهنگ است بین دیرینه سنگی و نوسنگی. بین سالهای ۱۲۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پیش از میلاد جای داشته است. ابزار سازی در این دوران رواج داشته است. صیقل دادن سنگها صورت پذیر بوده است. جمع آوری دانه های گیاهی تحقق یافته است و ساختن ابزار مرکب (از چند جنس) به انجام رسیده است.

عصر نوسنگی Neolithic age

دورانی است در سیر تطور فرهنگ که بین سالهای ۶۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد پدید آمده است. در این دوران صیقل دادن ابزار سنگی، ساختن ظروف سفالی، تهیه ابزار ساده فلزی و تیر و کمان صورت پذیر بوده است. با آن، چرخ و حرکت وارد حیات بشر شده است و کشاورزی توسط انسان صورت یافته است. اهلی ساختن حیوانات آغاز شده است گامهای نخستین انسان در راه ایجاد فرهنگ برداشته شده است.

فرهنگ انطباقی Culture, Adaptive

ر. ک. Adaptive culture

Culture and personality

فرهنگ و شخصیت

ر. ک. Personality and culture

اعتلاء فرهنگی Culture ascension

طرح واقعیت دیگر گونی فرهنگی است از دیدگاه ارزشی که در برابر آن انحطاط فرهنگی (Cultural decadence) یا سقوط فرهنگی (Cultural descent) قرار می گیرد

شالوده فرهنگی Culture base

مجموعه ویژگیهای فرهنگی معمول در زمان و مکانی خاص.

Culture case study

مطالعه موردی فرهنگی

کاربرد روش موردی در زمینه فرهنگهاست. بدینسان فرهنگی خاص در زمان و مکانی معین از دیدگاههای مختلف مورد شناخت قرار می گیرد.

مطالعات و بر نمونه های جالبی از مطالعات موردی فرهنگهاست. او بر منحصر به فرد بودن هر فرهنگ از طرفی و غیر قابل تکرار بودن آن از طرف دیگر تکیه داشت. شناخت هر مورد خاص فرهنگی، گونه ای خاص وابسته به زمان و مکان به دست می دهد و حال آنکه گونه های آرمانی و بر، انواع مافوق زمان و مکانند.

مرکز فرهنگی Culture center

محلی خاص در درون يك فرهنگ که در آن يك خوشه یا مجموعه فرهنگی تبلور یافته و به صورت اصلیش ملاحظه می شود. این مرکز به عنوان خاستگاه و معیاری در مقایسه های

فرهنگی و سنجش اصالت فرهنگها، مورد استفاده قرار می گیرد.

دوایر فرهنگی Culture circles

بر پایه اندیشه اسمیت (Smith) فرهنگهای امروز جهان از خاستگاههای مشخصی سرچشمه گرفته دایره وار بخش شده از این رو، عناصر مشترك درین فرهنگها بسیارند و می توان چگونگی و مسیر حرکت يك عنصر فرهنگی را مشخص ساخت .

Culture , Collection

فرهنگ جمع آوری

Collection culture ر. ك .

Culture complex مجموعه فرهنگی

چند خوشه یا منظومه مرکب از عناصر بهم پیوسته فرهنگی، تشکیل مجموعه ای فرهنگی می دهند. از پیوند مجموعه ها نیز كل يك فرهنگ شكل می گیرد . يك مجموعه فرهنگی خود دارای محور یا محورهای خاصی است. فرهنگهای برنج در جنوب آسیا نمونه هایی از مجموعه های فرهنگی هستند. کنش انسانها در چارچوب این مجموعه ها معنی می یابد، شناختنی و تبیین پذیر می شود. آداب و رسوم، مراسم و مناسك به عنوان زاده های این مجموعه، همچون نمادهایی موجبات تداوم آنها فراهم می سازند.

Culture conflict کشمکش فرهنگی

زمانیکه دو یا چند گروه از نظر فرهنگی متشابه و در تماس با یکدیگر، به رقابت یا ستیز می پردازند، عناصر فرهنگ رقیب را با

افراد آن یکسان می شمارند، همانطور که فرهنگ خویشان را به عنوان عنصر همبستگی خویش می پندارند. از این رو کشف ابعاد فرهنگی می یابد و هر عنصر فرهنگ رقیب خطرناك و نامیمون شناخته می شود .

Culture , Continuity of

استمرار فرهنگ

Continuity of culture ر. ك .

Culture control کنترل فرهنگی

Social control ر. ك .

Culture , Covert نهان فرهنگ

Covert culture ر. ك .

Culture , Criminal فرهنگ جنایی

Criminal culture ر. ك .

Culture diffusion اشاعه فرهنگ

فرایند بسط، نشر و پخش يك عنصر، مجموعه یا خوشه فرهنگی از خاستگاه خود به ناطق و حوزه های فرهنگی پذیرنده (Recipient culture).

Diffusionism ر. ك .

Culture displacement

جابجایی فرهنگی

در برابر واژه پیوند فرهنگی (Cross - fertilization of culture) این مفهوم به معنای ورود عنصری نو به يك فرهنگ و طرد عناصر دیگر است؛ آنگاه که آسیای بادی پدید می آید، با خود جهانی دیگر، روابطی نو و بالاخره بافتی تازه می آورد که به نفع بسیاری از ابزار و روابط می انجامد.

Culture , Elite	فرهنگ نخبگان	می کنند، یا به آن اتکاف نمی نمایند
Mass culture	ر. ک.	۱- از خانواده های از هم گسیخته و یا فاقد
Culture ,Folk	فرهنگ عوام	وفاق (Consensus) منشأ می گیرند .
Folk culture	ر. ک.	۲- از محلات آشفته و نابسامان برخاسته اند.
Culture , Fuzion of	ذوب فرهنگی	۳- کار را به عنوان سرمایه ارتقاء
Fusion of culture	ر. ک.	نمی پذیرند .
Culture , High	فرهنگ بالا	بدینسان به نظر آنان علاج فقر، دگرگون
Mass culture	ر. ک.	ساختن این شبکه روانی است . ولی به نظر
Culture , Implicit	فرهنگ ضمنی	می رسد که این استدلال فاقد بینش اجتماعی
Covert culture	ر. ک.	است؛ ابعاد اجتماعی فقر از دو نظر مطلق نظر
Culture , literary	فرهنگ ادبی	قرار می گیرد :
Mass culture	ر. ک.	۱- از طرفی باید گفت همه این حالات
Culture , Mass	فرهنگ توده ها	روانی که لوئیس و دیگران به آن اشاره
Mass culture	ر. ک.	می کنند نه زائیده فقر، بلکه منبث از
Culture , Material	فرهنگ مادی	شرایط اجتماعی است .
Material culture	ر. ک.	۲- از طرف دیگر باید پذیرفت که فقر
Culture , Non-material	فرهنگ غیرمادی	یک انسان تنها و در همه موارد تابع حالات
Non - material culture	ر. ک.	روانی شخص او نیست ، گاه فقر سیاه فرزند
Culture , popular	فرهنگ مردمی	شرایط پیچیده اجتماعی است که در آن نابرابری
Mass culture	ر. ک.	فرصتها ، فقدان امکانات ، به بیکاری ، فقر ،
Culture of poverty	فرهنگ فقر	جهل و بیماری می انجامد .
در آغاز اسکالر لوئیس (oscar Lewis)		ر. ک.
از آن یاد کرد او و دیگر دانشمندان پس از		Pauperization/
وی عتقاد دارند که فقرا دارای روانشناسی		Absolute poverty/Relative poverty/
خاصی هستند به قرار زیر :		Depauperize (to)
۱- تقدیر گرایی (Fatalist) . اراده		Culture organization
انسان را در ساختن سرنوشت خویش نفی		سازمان فرهنگی
		Cultural integration
		ر. ک.
		Culture people
		مردم فرهیخته
		در برابر واژه غیر علمی «مردم طبیعی»

به کار می رود. بطور تلویحی چنین می رساند که جوامع صنعتی دارای فرهنگند و جوامع ابتدایی فاقد آنند. بعدها پذیرفته شد که هر جامعه دارای فرهنگ است. فرهنگ برتریا کمتر معنی ندارد. انباشت فرهنگی دلیل بر تکامل آن و بی ارزش بودن فرهنگهای کهن نیست.

Culture , Preliterate

فرهنگ قبل از کتابت

Preliterate culture ر. ک.

Cultures , Cross fertilization of

پیوند فرهنگی

Cross fertilization of cultures ر. ک.

Culture , Traditional سنتی فرهنگ

Mass culture ر. ک.

Culture trait خصیصه فرهنگی

ساده ترین واحد دارای کارکرد درون يك فرهنگ که به منظور تحلیل تجزیه و تفکیک می شود. تجمع ویژگیهای فرهنگی برگرد يك محور صوری چون مجموعه ها، منظومه ها، مجتمع ها و خوشه های فرهنگی را پدید می آورد.

Culture type گونه فرهنگی

مجموعه ای بهم پیوسته ، خاص ، یکتا و غیر قابل تکرار از عناصر و ویژگیهای فرهنگی.

Culturology فرهنگ شناسی

مطالعه علمی و تفسیر پدیده های فرهنگی فی نفسه .

(۱) این واژه ، در آغاز توسط فیلسوف و شیمی دان آلمانی اسوالد (W.Ostwald) در سال ۱۹۰۹ عنوان شد. او بین جامعه شناسی و فرهنگ شناسی تمایز قائل می شد. همانطور که امر فرهنگی را از امر اجتماعی جدا می کرد. جامعه شناسی را بسیار وسیع تر می دانست .

(۲) جدا از اسوالد ، متفکری دیگر بنام وایت (C.L.A.White) در سال ۱۹۳۹ ، این مفهوم را با معنایی دیگر به کار برد و در انسان شناسی وارد ساخت . او فرهنگ شناسی را مترادف با آنچه تیلور «دانش فرهنگ» می خواند به کار برد .

(A problem of kinship

Terminology ,

P: 571)

وایت ، فرهنگ شناسی را مطالعه علمی پدیده های فرهنگی فی نفسه می دانست . در سیاق اندیشه های همین دانشمند لوی (R.H.Lowie) می نویسد : «روز به روز روشن تر می شود که فرهنگ محدوده ای خاص یافته و چنین محدوده ای باید با دانشی خاص مطالعه شود که فرهنگ شناسی این نیاز را برآورده می سازد .

(Cultural Anthropology, A .

Science, P : 301)

(۳) انتقادات بسیاری بر تعبیه این دانش و انتزاع آن از دانش اجتماع (نه برماهیت

آن) وارد گردیده است. از این رو، بی‌دنی (D. Bidney) پیشنهاد می‌کند که «پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان کلی دارای کارکرد مطرح شده مورد مطالعه قرار گیرند و امر فرهنگی از امر اجتماعی منتزع نشود»

(Theoretical anthropology,

PP: 69 - 106)

Cumulated frequency

فراوانی انباشته، تراکمی

در برابر فراوانی ساده یا مطلق، فراوانی ناشی از تجمع ارقام هرستون در ستون پایین‌تر است. مانند جدول زیر:

توزیع سنی جمعیت نمونه

فراوانی	فراوانی	گروه‌های	ردیف
انباشته	مطلق	سنی	
۱۰	۱۰	۰-۱۰	۱
۲۲	۱۲	۱۱-۲۰	۲
۳۹	۱۷	۲۱-۳۰	۳
-	۳۹	جمع	

Absolute frequency ر. ک.

Cumulative evolution

تطور تراکمی

آن جریان تطوری که در هر مرحله، با انباشت و نگهداشت عناصر پیشین، پیچیده‌تر، غنی‌تر و درموردی سریع‌تر شود

Social evolution ر. ک.

Cumulative process

فرایند تراکمی یکی از ویژگی‌های پدیده‌های حیات اجتماعی است. در جهت منفی پدیده نامطلوب

با پیدایی دور بسته (vicious circle) و از طریق تأثیر وارونه (Retroaction) یا (Feed - back) تقویت شده و روبه افزایش می‌گذارد؛ به عنوان مثال، هنگامیکه در اثر حادثه‌ای ناراحت می‌شویم، کم‌حوصله، عصبانی، زود رنج گردیده و بالطبع رفتاری نامناسب خواهیم داشت، این حالات روانی و رفتار در دیگران تأثیر منفی می‌نهد، و ناآگاه آنان را نیز علیه فرد برمی‌انگیزد و یکباره شل، خانواده و تمامی هستی فرد در مخاطره می‌افتد. در جهت مثبت، فرایند تراکمی موجب پیدایی زنجیره توفیق و فزاینده‌گی آن می‌شود.

Customs رسوم

شیوه‌های اندیشه و عمل که پا گرفته و استقرار یافته‌اند، آداب اجتماعی و غیر فنی که اعضا گروه به عنوان سنت بر عایت آن می‌پردازند و به عنوان عادت، آنرا فرامی‌گیرند. این مفهوم مخصوصاً در انسان‌شناسی رایج شد. تایلر (E.B. Tylor) در اثری به نام فرهنگ

ابتدایی (primitive Culture) به سال ۱۸۷۱، آن را به عنوان تواناییها و عادات مکسب توسط انسان به عنوان یک عضو جامعه تعریف می‌کند. بیللی (F. Bailey) شیوه‌های مرسوم عمل و اندیشه را مطرح می‌کند و بر ارتباط آنان با یکدیگر به عنوان یک کل تکیه دارد و کار انسان‌شناسان را باز یابی الگویی در رفتار می‌داند که افراد خود از آن آگاه نیستند.

(*Anthropology in N. Mackenzie ed, A Guide to the Social Sciences*)

آنچه ویژگی رسوم را تشکیل می‌دهد، استقرار آنان در خلال قرون و پایایی آنان برورای حیات افراد است که به عنوان شاخص گروه، هویت و وحدت آن را موجب می‌شوند و بر ورای زمان پیوند نسلها را با یکدیگر فراهم می‌سازند.

Cybernetics سیه‌رنیتیک

شاخه‌ای از علوم طبیعی است که با نگاهداری و کنترل درونی و منکی به خود دستگاهها از طریق فرایند تأثیر به عناصر پیشین سروکار دارد. این دستگاهها می‌توانند یک ماشین و یا موجود آلی باشند. در این شاخه از دانش، مطالعه نحوه انتقال اطلاعات در دستگاه نیز مطرح نظر قرار می‌گیرد. به بیانی ساده می‌توان گفت، زمانی بود که گرم یاسرد کردن دستگاهها توسط عاملی بیرونی یعنی انسان صورت می‌گرفت. ولی با پیدایی ترمواستات دستگاه بطور خودکار تنظیم شد و نیازش به عامل بیرون از بین رفت. حال تصور کنیم که دستگاهی پیچیده‌تر داشته باشیم که نه تنها حرارت درونی خود را طبق برنامه خود تنظیم کند، بلکه در شرایطی دیگر نیز که درجه حرارت دیگری لازم است باز بتواند خود برنامه حرارتی تازه‌ای پدید آورد. بدینسان، در سیه‌رنیتیک، جریان خبر در درون واحد صورت می‌یابد، عناصر متشکل واحد

در پیوند با یکدیگر و در تأثیر و تأثر با یکدیگر دیده می‌شوند، هر عنصر نه تنها بر دیگری اثر دارد، بلکه از اثر خود بر دیگری نیز تأثیر می‌گیرد.

در آغاز، واینر (N. Wiener) در اثرش با نام «سیبرنتیک یا کنترل و ارتباط دیک موجود زنده یا ماشین» (۱۹۴۹) به آن پرداخت. گیلبد (G. T. Guibaud) در اثرش تحت عنوان «سیبرنتیک چیست» در سال ۱۹۴۹ به تشریح مبسوط آن همت گماشت و ارتباط آن با جامعه شناسی نیز در اثر مک‌رای (D. G. MacRae) با نام سیبرنتیک و دانش اجتماعی مطرح شد.

Cycle, Industrial life

دور حیات صنعتی

Industrial life cycle ر. ک.

Cycle, life دور حیاتی

Cyclism ر. ک.

Cycle, Secular دور سده‌ای

Secular cycle ر. ک.

Cyclical fluctuations

نوسانهای دوری

نوعی دیگرگونی است که در جریان آن وقایعی نه در یک خط، بلکه در مسیری دوری و بالنسبه قابل تکرار تپور می‌پذیرند.

Social change ر. ک.

Cyclism دورنگری

دورنگری یا توجه به فرایندهای دوری

(cyclical process) نظریه و طرز اندیشه کسانی است که حرکت جوامع را به صورت دوری می‌نگرند. به عنوان مثال، ابن خلدون به عنوان یکی از بانیان این طرز اندیشه عقیده داشت که در آغاز قبایل با توجه به برخورداری از «عصیبت»، و هم زندگی ساده، بر شهر نشینان که هم در تجمل فرو رفتند، هم فاقد همبستگی کافی هستند، مستولی می‌شوند و خود نیز شهری میشوند،

پس در نهایت رو به زوال و افول می‌نهند و باز جای برای قبایل بازمی‌شود. همچنین، باز از دیدگاه این اندیشمند، در آغاز بانیان سلسله‌ها، از سادگی و سلحشوری برخوردارند ولی جانشینان آنان بعد از چندی به تجمل خومی گیرند و باز افول و از صعود فرامی‌رسند.

ر. ک. Philosophy of history/

Social change/Ibn khaldoun

D

Darendorf (Ralf) دارندورف (*Out of utopia , Toward a Resorientation of Sociological Analysis .*)

جامعه شناس آلمانی است (متولد ۱۹۲۹) دارندورف به اقامت دو گانه در آلمان و امریکا پرداخت . او به بررسی و غنا سازی نظریه های لوپس کوژد (Lewis Coser) در زمینه های مربوط به « کشمکش اجتماعی » دست زد. آثاریکه تا کنون تهیه کرده در سه مقوله جای می گیرند :
۱- کشمکش اجتماعی : در این زمینه آثارش عبارتند از :

1) *class and Class Conflict in industrial Society.*

2) *Theories in social conflicts*

۲- جامعه شناسی عمومی : درین زمینه مهمترین اثرش که با آن به اشتها در رسید عبارت است از : پرون از نا کجا آباد ، به سوی مسیری نو در تحلیل جامعه شناختی :

۳- جامعه شناسی سیاسی : درین زمینه از او اثری با نام جامعه و حکومت مردم در آلمان (*Society and Democracy in Germany*) انتشار یافت .

Darwinism داروین گرایی

مکتبی که بر اساس تفکر چارلز داروین پایه گذاری شده است ، و برطور انسان از حالت میمونی و همچنین تنازع بقا و بقای اصلح تأکید دارد .

ر. ک. *Struggle for existence*

Survival of the fittest

Darwinism , Social

داروین گرایی اجتماعی

ر. ک. *Social darwinism*

Data	داده‌ها	- Human society - the
جمع Datum به فارسی یافته‌ها نیز ترجمه شده است.		population in India and pakistan
Data bank	بانك داده‌ها - بانك یافته‌ها	Davy (G)
مخصوصاً در پژوهش‌های اجتماعی در جهت تأمین هدفهای زیر بکار می‌آید:		داوی
(۱) موجبات تجمع داده‌ها و امکان طبقه‌بندی آنان را فراهم می‌سازد. (۲) از تکرار يك تحقیق که قبلاً صورت گرفته جلوگیری می‌کند. (۳) اقدامی ضرور جهت استفاده از تجربیات پیشین در تحقیق و بالتابع تکامل دانش است (۴) برنامه ریزی کلان در امر پژوهش را ممکن می‌سازد.		از ادامه دهندگان مکتب دورکیم است. با این تفاوت که از ابعاد جامعه‌شناسی گرایى (Sociologism) دورکیم اجتناب کرد. یعنی با قبول دقت علمی مکتب دورکیم، آن را از افراط در قبول اهمیتی بیش از اندازه بر جامعه‌شناسی بازداشت. وی نشان داد که تفکر علمی و تفکر مذهبی، هیچکدام محصول وجدان جمع نیستند و لذا نباید یکی از آنان را حاصل دیگری دانست. به نظر او، جامعه‌شناس باید همبستگی‌هایی (Correlations) را بجوید که بطور نهادها را نشان می‌دهند. بدین ترتیب با مطالعه عادات مربوط به پوتلاچ (در کتابش «ایمان سخت») در بین سرخپوستان نشان می‌دهد که چگونه مفهوم قرارداد، از روابطی که صورت قانونی و سخت‌یافته‌اند برمی‌خیزد. در کتاب دیگرش «اذ کلان تا امپراتوری» با همکاری مورت (Moret) نشان می‌دهد که چگونه مفهوم قدرت در خلال نهادهاى نوئمی در استرالیا و پوتلاچ (Pottlach) تجلی می‌یابد. قدرت، بدعزم وی، ابتدا به صورت مبهم در کلان بروز می‌کند و سپس به صورت متمرکز در اختیار رئیس قرار می‌گیرد.
Data editing	ویرایش داده‌ها	مردۀ کیشی
یکی از مراحل کار تحقیق است، شامل تصحیح، تنظیم، شناخت میزان دقت و اعتبار داده‌ها همچنین حذف داده‌های غیر معتبر و گذاری نیز در مواردی درین مرحله صورت می‌گیرد.		ر. ک.
Validity	ر. ک.	Dead , Cult of the
Davis (Kingsley)	دیویس	Chost dance
جامعه‌شناس امریکایی است (متولد ۱۹۰۸)، زمینه‌های تخصص وی جمعیت‌شناسی و همچنین جامعه‌شناسی شهری است. او از پیروان سرسخت مکتب کارکردگرایی در جامعه‌شناسی است و این شیوه‌اندیش و عمل در تمامی آثارش تجلی یافته است. دو اثر برجسته‌اش بدینقرارند:		میزان مرگ و میر
		سنجش ناخالص آن با همان فرمول

مرتبط با Mortality rate به دست می آید.
لیک این سنجش ناویژه با انواع متغیرها به
صورت ویژه انجام می شود، نظیر:

میزان مرگ و میسر بر حسب سن

(Age specific death rate)

کل مرگ و میر در یک جمعیت و در سن $n = x$

کل جمعیت (میانگین یکسال) در سن $N = x$

۱۰۰۰x

ر. ک. Mortality , (Rate of)

بردگی ناشی از بدهی Debt - slavery

اسارت بدهکار بر اساس تعهداتش در
برابر طلبکار. در معنای خاص، اسارت ناشی
از زندگی قسطی جدید را می رساند. فرد کار
سالهای آینده اش را بدون آنکه به انجام
رسیده باشد، از قبل به فروش می گذارد. به
ناچار به بدهی نازلتری می فروشد و در قبال
آن نیز تا سالهایی دراز آزادی عمل را از
خود سلب می کند.

انحطاط Decadence

نظریه های مربوط به انحطاط، بهرین
فرض استوارند که در جوامع عوامل ساختی
بسیاری است که در آغاز موجبات رشد می شوند
ولی بعد از چندی سقوط و انحطاط را
جانشین می سازند. این نظریه ها معمولاً از آن
جهت کمتر مورد توجه قرار گرفته اند که با
اندیشه ترقی مداوم که جوامع قرن بیستم به
آن دلبسته اند، مغایرت دارند پنج اندیشمند
نظریه انحطاط را بخوبی عنوان کرده اند:

۱- ابن خلدون که به نظرش رژیمها در

آغاز توسط افرادی برجسته بنیان می یابند،
لیک، پس از این بانیان، جانشینانی می آیند
که با تجمل و رفاه خو می گیرند، ارزش
دستاوردهای بنیانگذار را نمی شناسند و با
این روند انحطاط آغاز می شود.

۲- توکویل (Alexis de Tocqueville)

او در اثرش مردم سالاری در آمریکا،
به مطالعه این امر در آمریکا و همچنین رژیم
سلطنت در فرانسه پرداخت. به زعم او، سقوط
سلطنت در فرانسه ناشی از تمرکز بیش از حد
قدرت بود و به نظرش قدرتهای مبتنی بر مردم
سالاری (دموکراتیک) نیز به جباری اکثریت
منتهی می شوند.

۳- پادئو (Vilfredo Pareto)

در اثرش با نام ذهن و جامعه
(Mind and Society) انحطاط سرآمدان
را در دموکراسیهای مبتنی بر حکومت
ثروتمندان مطرح می سازد. او تاریخ را
قبرستان اشراف می داند.

۴- مونتسکیو (Montesquieu):

در اثرش عظمت و انحطاط دوم قدیم،
به علل و عوامل سقوط اجتماعی توجه کرد.
به نظرش جوامعی با رشد معتدله در ورطه
استبداد می افتند و سقوط از آن منبعث می شود؛
در مباحث او همچنین انحطاط اخلاقی به
عنوان عامل اساسی در سقوط جامعه مطرح
می شود.

بدینسان همه کسانی که سخن از انحطاط
به میان آورده اند، ترقی جوامع را بآبیدگایی

بدین معنی که افراد يك ملت ، اعضاى يك حزب ، كاركنان يك واحد اقتصادى در اداره كار خود و تحقق نظرات خویش، قدرت مى یابند؛ اهالى يك روستا مى توانند در دخل و خرج حوزه جغرافیایى خود نظارت کنند و تصمیم بگیرند و ...

— احساس مسئولیت

اما عدم تمرکز ، تنها به ایفاء قدرت نمى انجامد، بلکه بعد دیگر آن توزیع مسئولیت و ادراك آن از جانب مردمان است؛ با عدم تمرکز دیگر نمى شود هر اشتباه را به گردن مرکز و یا يك نفر انداخت ؛ یا نابسامانی را متوجه يك مرکز ثقل قدرت و یا يك نفر نمود، همانطور دیگر امکان آن نیست که همه مردم بنشینند و منتظر آن باشند تا از مرکز همه چیز برسد. هر دو ستا باید کانون حرکت ، جنبش و خلاقیت باشد؛ خود هستی خود را تمهید کند، به آن نظارت کند و از آن منتفع گردد ؛ پس باید به همراه تفویض اختیار ، پیدایی و تقویت ادراك مسئولیت ، صورت پذیرد .

Decentralization , types of

انواع عدم تمرکز - گونه های تمرکز زدایی

Economic decentralization

عدم تمرکز اقتصادى

مستلزم لغو برنامه ریزی تولید برای همه مناطق در مرکز است .

Geographic decentralization

عدم تمرکز جغرافیایی - تمرکز زدایی جغرافیایی

۵- بالاخره اسپنگلر که در اثرش «انحطاط غرب» نداشتنها در برابر ترقی اندیشان قرار گرفت، بلکه هم نظریه انحطاط و هم مصداق آن (غرب) را تشریح کرد

ر. ك . Ibn khaldun/Montesquieu/
Tocqueville/Pareto

Decadent منحط

Decentralization

عدم تمرکز - تمرکز زدایی

به معنای لغو تمرکز (Centralization) و افزایش حوزه عمل واحدهای تابعه است. آنچنانکه اتخاذ تصمیم صرفاً از مرکز و توسط يك نفر یا يك گروه صورت نگیرد .

بدین قرار عدم تمرکز سر آغاز مشارکت جمعی در تصمیم گیری است ؛ اولین گام در راه تحقق دموکراسی سیاسى و بالطبع اقتصادى است ؛ مایه اولیه ارتقای بلوغ سیاسى - اجتماعى مردم است ، به تراکم و غنای تجربه سیاسى - اجتماعى توده ها مدد مى رساند و چنانچه درست تحقق یابد، بزرگترین گام در راه توسعه همدانیه و پیگیر يك ملت ، يك واحد تولیدی و یا يك سازمان است . سیاستهای عدم تمرکز دارای دو بعد اساسى است :

— تفویض اختیار :

(Delegation of authority)

به حفظ هویت مناطق در يك كشور مى انجامد
 و در ارتباط با مكتب منطقده گرایى
 (Regionalism) و ایالت گرایى
 (Provincialism) است .

Political decentralization

عدم تمرکز سیاسى - تمرکززدایى سیاسى
 به معنای بسط خود مختارى
 (Autonomy) است .

Regionalism/Provincialism/ ر.ك .
 Centralization

Declass تنزل گروهى
 انجام رفتارى نامتناسب با معیارهاى
 طبقه خویش و یا گروه اجتماعى خود که در
 نهایت به کاهش موضع طبقاتى و طردمى انجامد.

Decadence ر.ك .
 Decolonization استعمارزدایى

اضمحلال استعمار و تحقق حاکمیت ملی
 است که از سالهای بعد از جنگ دوم جهانی با
 سرعت بیشتری تحت تأثیرات جنگ، پدیدار
 شد. در آغاز در آسیا و سپس در آفریقا و پس
 از آن در تمامی جهان شایع شد. استعمارزدایى
 چنانچه به صورت واقعى یعنى ناسبودى
 وابستگیهای اساسى، محو استثمار
 (Exploitation)، رهایی عملى و واقعى هم
 در صحنه سیاسى و هم در ابعاد اقتصادى و
 مخصوصاً از دیدگاه فرهنگى تحقق پذیرد،
 صرفاً صورتى، سطحى و ظاهرى خواهد بود.

ر.ك . Imperialism/Colonialism/
 Exploitation

قیاس Deduction

شیوه ای است در استدلال منطقى که در
 آن برخلاف استقرا از کل به جزء راه برده
 مى شود .

قیاس صوری (Syllogism) نوع معمول
 استدلال قیاسى است و شامل سه جزء مقدمه
 کبرى (Major premise)، مقدمه صغرى
 (Minor premise) و نتیجه است. معروفترین
 مثال قیاس صوری این است : انسان فنانى
 است (کبرى)، سقراط انسان است (صغرى)
 پس سقراط فانى است (نتیجه)

ر.ك . Extrapolation/Induction/
 Generalization/Interpolation

روش قیاسى Deductive method

استدلال قیاسى Deductive reasoning

قیاس گرایی Deductionism

بالفعل - عملاً - غیر رسمى - واقعى Defacto

در برابر مفهوم De juré که در معنای
 رسمى و قانونى به کار مى رود. این مفهوم
 کاربردهایی بسیار مى یابد :

- در فرهنگ سیاسى، دولت یا قدرتی را
 می رساند که بهر طریق (از جمله انقلاب، کودتا
 و ...) جایگزین دولتی دیگر شده باشد.

در مواردی چنین دولتی مورد شناسایی
 عملی (De facto recognition) قرار
 می گیرد .

- در اقتصاد، واحد اقتصادى است که نه

قانوناً ، بلکه عملاً به کار مشغول است (شرکت غیررسمى (De facto Corporation) .

— در جمعیت شناسی و جامعه شناسی خانواده معنای واقعی می یابد (نظیر جمعیت واقعی De facto population ؛ جدایی واقعی زن و شوهر De facto separation)

سرزمین دفاع شده Defended territory
ر. ک. Territoriality

Defense mechanism

مکانیسم دفاعی - سازوکار دفاعی

نظام یا الگویی مرتبط با ساخت و کار کرد روانی است که از طریق آن فرد یا گروه واکنش لازم را جهت مقاومت یا دفع خطر خیالی یا واقعی به منظور حفظ تعادل و تمامیت خود نشان می دهد.

کارگر فرمانبر Deferential worker

کارگرانی که تن به تمکین در برابر قدرت مستقر می دهند. بنظر لاک وود (D. lock wood) چنین کارگرانی را می توان در بین دهقانان و در مزارع کوچک یافت. درین شرایط کار، تماس منظم با کارفرما و وابستگی بدو قطعاً موجبات تمکین در برابرش را فراهم می سازد. این کارگران که دچار همخوانی (Conformism) و اکثر محافظه کاری (Conservatism) هستند، گاه چنان در نقش خود بعنوان زیر دستی مطیع پیش می روند که به همانند سازی (Assimilation) روی می کنند. بدین معنی که سعی در تقلیدی کورکورانه از افراد مافوق می نمایند. می کوشند تا دقیقاً در اندیشه و فعل مانند آنان شوند.

ر. ک. Assimilation
conformism

Deferred consumption

کامجویی معوق

امساك زوجین در استقرار روابط جنسی تا مدتی بعد از ازدواج بر حسب بعضی مناسك اجتماعی .

ر. ک. Marital continence/

Marital abstinence/Marital

restraint

Deficiency نقص - کاستی - نارسایی

در برابر عیب ، نقص کمبود یا نارسایی را با توجه به آستانه حالت طبیعی (Threshold of normality) می رساند . در اقتصاد به معنای عدم تکافوی امکانات در برابر تعهدات است .

Definition , Operational

تعریف عملکردی

ر. ک. Operational definition

Definite مصرح - مشخص - معین

Definitive قطعی

Deflation ضد تورم - انقباض پولی

کوشش در زمینه مبارزه با تورم را می رساند ؛ به منظور اعاده ارزش پول، کاهش قیمتها و ارتقای قدرت خرید .

اقدامات ضدتورمی به شیوه های گوناگون صورت می گیرد که بعضی از آنان چنین اند: — کاهش هزینه های دولتی

- افزایش نرخ بهره و جذب پولهای
زاید که احتمالاً به سوی بازار مصرف میل
می یابند و افزایش قیمت‌ها را موجب می شوند.
- افزایش میزان مالیات به منظور کشیدن
هر چه بیشتر پول به سوی خزانه دولت.

- کنترل اعتبار و کاهش هر چه بیشتر آن .
- تثبیت حقوق و دستمزد ضمن افزایش
بازده کار و سرمایه .

اما ، چنانچه این اقدامات یا دیگر
کوشش‌ها که در زمینه مبارزه با تورم صورت
می گیرند، چهره‌ای افراطی یابند، بدفع شدن
اقتصاد ، رکود و در نتیجه افزایش بیکاری
و ورشکستگی می انجامند.

Inflation ر. ک.

Deflationary policy

سیاست ضد تورمی

Deflationary pressure

فشار ضد تورمی

Defloration بکارت زدایی

از بین بردن بکارت يك دختر مخصوصاً
قبل از ازدواج با وسایلی چند یا از طریق
مقاربت با مردی که شوهر او شمرده نمی شود.

Degeneration تبهنگی

فلاسفه بدبین و انداموش انگار نظیر
اشپنگلر (Spengler)، همچنین جامعه‌شناسان
انداموش انگار ، چون شفل (Shacffle)
و آمون (Ammon) پیچیدگی روزافزون
جامعه، فزونی تنشها و کشمکشهای متعدد

فرهنگی در حال تطور را با این مفهوم مشخص
می دارند. امروزه به جهت بار ارزشی و
وابستگی این مفهوم به مکتب انداموش انگاری
(organicism) از کاربرد آن کاسته شده و
به جای آن از بی سازمانی استفاده می شود.

Disorganization/ ر. ک.

Decadence

Degradation تنزل رتبه

Dehumanization انسانیت زدایی

نا انسانی شدن - انسانیت باختگی

در فرایند دیوانسالاری و همچنین از خود
بیگانگی، می توان شاهد زدایش ابعاد انسانی
در روابط اجتماعی شد.

Bureaucracy ر. ک.

Dehumanized غیر انسانی شده -

انسانیت باخته

به هنگام تشریح دیوانسالاری ، مرتن
(Merton) از اضمحلال خصوصیات انسانی
در آن یاد می کند. چه به زعم او در دیوانسالاری
روابط انسانی نقصان می پذیرد و ظاهرسازی
اوج می گیرد .

Bureaucracy ر. ک.

Dehypnotize خوابواره زدایی

Hypnotism ر. ک.

Deiform یزدان وار - یزدان وش

Anthropomorphism ر. ک.

Deindividuation محو فردیت -

فردیت زدایی

- فرایندی که برپایه آن، فرد در انبوهی هویت خود را از دست دهد و هیچ چیز وجه مشخص او نباشد. درین حالت، اوبه اعمالی دست می‌زند که در حال عادی از آن سخت ابا دارد.
- ر. ک. Collective behavior
- یزدان پذیری Deism
- با theism از این دو متفاوت است که در یزدان پذیری مفهوم پذیرش خداوند بدون وحی نهفته است.
- Agnostic, Theism
- رسمی - قانونی De jure
- ر. ک. De facto
- واکنش متأخر Delayed reaction
- ر. ک. Interaction
- تفویض اختیار Delegation of authority
- در فرایند عدم تمرکز به منظور افزایش مشارکت صورت می‌گیرد.
- ر. ک. Participation/Authority/Decentralization
- بزهکاری Delinquency
- انجام عملی است مغایر با قوانین موضوعه، نسبی است و انواعی چند نظیر بزهکاری جوانان، بزهکاری نابالغان و ... دارد.
- در شناخت علل و عوامل بزهکاری نیز دیدگاههای بسیار پدید آمدند، از آنجمله:
- ۱- رویکرد زیستی:
- (Biological approach)
- به‌زعم بعضی نظیر لومبروزو بزهکاری از عوامل ارثی منشأ می‌گیرد. آسیبهای مغزی، نارسایی غده‌ها، عدم توازن کسروموزومها یا ساخت ناموزون بدنی علل آنند.
- ۲- رویکرد روانشناختی:
- (Psychological approach)
- نارساییهای نظریه زیستی در تبیین بزهکاری به پیدایی نظریه‌های روانشناختی انجامید؛ ازین رو در شناخت بزهکاری نا سازگاری شخصیت، انواع عقده‌ها و ... عنوان شد.
- این رهیافت با روانپزشکی، روانکاوای یا روانشناسی بالینی (Clinical psychology) در ارتباط است.
- ۳- رویکرد جامعه‌شناختی:
- (Sociological approach)
- بسیاری، بزهکاری را معلول نظام اجتماعی پیرامون می‌دانند، از این رو فقر، فرصت‌های مسدود شده (Blocked opportunities)، زیر فرهنگهای مشوق بزهکاری که جوان در آن جای یافته و ... را عامل اصلی در تبیین آن می‌دانند. ازین دیدگاه، حتی عوامل روانی نیز از محیط پیرامون ناشی شده‌اند.
- ر. ک. Ward/Deviance/crime
- Delinquency areas
- حوزه‌های بزهکاری
- محله‌هایی در شهرها که شاهد فزونی مفرط و غیرعادی جرایم در مقایسه با دیگر

محلّه‌ها هستند . چنین محلّه‌هایی با انباشتگی جمعیت ، آمیزش چندقوم ، وجود ایستگاههای مرکزی وسایل حمل و نقل و ... مشخص می‌شوند .

Delinquency , Juvenile

بزهکاری جوانان

Juvenile delinquency ر. ک.

Delinquency measurement

بزهکاری سنجی

Delinquency prevention

پیشگیری بزهکاری

Delinquent

بزهکار

Demagogue

مردم فریب

آن کس که به اغوای عوام با شعارهای دلفریب دست زند .

Machiavellism ر. ک.

Demagogic ideas

اندیشه‌های مردم فریب

Demagogism

مردم فریب مآبی

آیین یا اندیشه و راه ورسم مردم‌فریبی

Demagogy

مردم‌فریبی

Demand , Labor

تقاضای کار

Labor demand ر. ک.

Demobilization

بسیج زدایی

در برابر بسیج (Mobilization) امحای

اقداماتی را می‌رساند که جهت بسیج عمومی

(احضار به خدمت ذخیرگان، گسترش صنایع جنگی ، تولید اضافی سلاح و ...) بعمل می‌آیند .

Mobilization

ر. ک.

Democracy مردم-مردم سالاری

حکومت مردم است بر مردم و برای مردم؛ از ریشه‌های یونانی در معنای «مردم» و «قدرت» گرفته شده است .

I - انواع تاریخی:

(Historical types)

در یونان باستان نوعی ویژه از حکومت مردم پدید آمد. در آتن به عنوان مثال ، شهروندان بطور مستقیم در کار حاکمان و گزینش آنان دخالت می‌کردند، همه در میدان شهر گرد می‌آمدند ، قانون وضع می‌کردند، حاکم را عزل یا نصب می‌نمودند. اما این نوع مردم سالاری محدودیتهای خود را داشت . بردگان و خارجیها شهروند به حساب نمی‌آمدند، پس حق دخالت نداشتند. گذشته ازین ، گسترش جوامع ، پیچیدگی امور و پیدایی تخصص امکان تداوم این نوع حکومت را نمی‌دادند؛ ازین رو نوعی دیگر با نام مردم سالاری مبتنی بر مجلس یا مجالس مقننه پدید آمد ؛ تفویض اختیار (Delegation of authority) در اتخاذ تصمیمات مربوط به سر نوشت جامعه برای زمانی خاص به گروهی اندک به نام نماینده مردم صورت گرفت. این نوع مردم سالاری

در غرب گسترش یافت ولیك همگان را قانع نکرد. پس نوعی دیگر از مردم سالاری پای به عرصه وجود نهاد که مردم سالاری خلق (People's democracy) خوانده شد و در جوامع سوسیالیستی رواج یافت. با اینهمه در دهه های اخیر، نوعی تازه از حکومت مردم در اندیشه ها جلوه نموده است که آن را مردم سالاری مشارکتی :

(Participatory democracy) می خوانند

تجربه ای است که در گروه های کوچک تحقق یافتنی است (در کمونها به عنوان مثال) همه افراد در همه تصمیمات جمعی شرکت می گیرند؛ سعی در پیدایی اجماع به جای رأی گیری و پذیرش نظر اکثریت می شود.

بدینسان، می بینیم که بحث از مردم سالاری تا زمانی که جمعی با هم حیات می گذرانند و ارزش انسان مطمح نظر آنان است مطرح می شود و با آن اشکالی هر روز تازه تر عنوان می شوند.

II - انواع تحلیلی (Analytic types)

الف : بر حسب نوع مشارکت.

۱- مردم سالاری مستقیم :

درین نوع حکومت مردم بطور بی واسطه سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند و نمونه آن حکومت آتن باستان است.

۲- مردم سالاری غیرمستقیم :

از جانب ملت افرادی برگزیده می شوند تا حال که وسعت خاک، کثرت جمعیت، پیچیدگی امور و پیدایی تخصص امکان

مشارکت مستقیم به همگان را فراهم نمی سازد، آنان برای مدتی خاص بدان پردازند.

ب - بر حسب شیوه تصمیم گیری:

می توان حکومت مردم را از طریق تفویض اختیار تام به يك فرد دانا، یا رأی گیری و قبول نظر اکثریت، یا به شرط وفاق یا اجماع (Consensus) تحقق بخشید.

پ - بر حسب تأکید بر برابری اقتصادی یا نظام پارلمانی :

بعضی بر مردم سالاری اقتصادی (Economic democracy) تأکید دارند.

عدالت اقتصادی، برابری فرصتها مخصوصاً امکانات بهداشتی، آموزشی، رفاهی و ... را اولویت می دهند، بعضی دیگر مردم سالاری سیاسی را مرجح می دانند؛ آنان بیشتر به وجود مجلس مقننه یا مجالس از طریق آرای عمومی و ... تأکید می ورزند.

ر.ك. Absolutism/Authoritarianism

Fascism/Autocracy/Despotism/

Totalitarianism/Oligarchy/

Meritocracy/Dictatorship

Democracy, Industrial

مردم سالاری صنعتی

ر.ك. Industrial democracy

Democracy, political

مردم سالاری سیاسی

ر.ك. Political democracy

Democracy , Trade union

مردم سالاری در اتحادیه‌های صنفی

ر. ک. Trade union democracy

Democrat خواهان مردم سالاری

Democratic socialism

سوسیالیسم مردمی

ر. ک. Socialism

Democratization

مردم سالار سازی - مردمی سازی

Demographer جمعیت شناس

Demographic approach

رویکرد جمعیت شناختی

بررسی پدیده‌های حیات انسانی از دیدگاه جمعیت شناسی و با کاربرد شیوه‌ها ،
قنون و ابزار آن .

Demographic balance

توازن جمعیتی

ر. ک. Population optimum

Demographic pressure

فشار جمعیتی

به معنای عدم هماهنگی بین افزایش جمعیت از یک سو و گسترش منابع حیاتی از سوی دیگر است . دارای ابعاد زیر است :

- افزایش میزان باروری و یا ثبات میزان آن در برابر کاهش میزان مرگ و میر که موجبات رشد سریع جمعیت را فراهم کند .

- افزایش تراکم جمعیت که خود گستردگی مسائل مربوط به تأمین منابع حیاتی را برای جمعیت پدید می آورد .

- فقدان امکانات طبیعی و یا عدم

برخورداری کافی از آنان که شکاف بین تعداد جمعیت و امکانات حیاتی را موجب می شود و حد متعارف جمعیت را ناپدید می سازد

ر. ک. Malthusianism/Population optimum/Demography

Demographic revolution

انقلاب جمعیتی

Demographic transition theory

نظریه گذر جمعیتی

دگرگونیهای اوضاع جمعیتی يك جامعه را در اثر دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی آن می رساند؛ در شرایط ماقبل صنعت ، میزان مرگ و میر و باروری هر دو بالاست و رشد جمعیت کند. با ورود صنعت میزان مرگ و میر رو به کاهش می گذارد اما باروری در حد بالا می ماند؛ در حد توسعه آغازین صنعت، انفجار جمعیت رخ می دهد (جوامع امروز جهان سوم) ليك با ورود به جرگه جوامع صنعتی ، مرگ و میر و باروری هر دو کاهش می پذیرند و رشد جمعیت بطئی می شود .

ر. ک. Birth rate/ Mortality

Demography جمعیت شناسی

I - از ریشه های یونانی در معنای «مردم» و «نگاشتن» گرفته شده است .

به مطالعه علمی جمعیت اطلاق می شود که در «فرهنگ چند زبانی جمعیت شناسی» از انتشارات سازمان ملل (۱۹۵۸) در تعریف آن آمده است : «مطالعه علمی جمعیت های

ومیر» منتشر ساخت .

در این اثر، او آمار مرگ ومیر را در نواحی گوناگون لندن به مطالعه نهاد تا به کلیاتی در باب جمعیت دست یابد. او نشان داد که نسبتهای مرگ ومیر که از عواملی مشخص منشأ می گیرند، ثابت اند و سعی در تهیه جدول حیاتی (یا جدول مرگ ومیر) کرد. کارگرونت در زمینه مرگ ومیر توسط آمارگران پزشکی در قرن ۱۷ و ۱۸ مورد پیگیری قرار گرفت و بسط سرشماریها و همچنین ثبت آمار حیاتی در اروپا در قرن نوزدهم به بهبود داده های حیاتی و بسط داده های اساسی برای جمعیت شناسی انجامید و با آن، روشهای آماری بسط یافت که در قرن بیستم، به تهیه مدلهای جمعیتی توسط **لوتکا (A.J. Lotka)** منتهی شد .

III- جمعیت شناسی، به عنوان يك

علم، انواعی بسیار می یابد :
الف - از يك دیدگاه این دانش دارای دو بعد است :

۱- مطالعه ساختهای جمعیتی در زمانی خاص یا ترکیب جمعیت از نظر سن، جنس، شغل، وضع زوجیت، محل اقامت محل تولد و ...

۲- مطالعه دگر گونیهای جمعیت یا حرکات جمعیت : میزان باروری، میزان مرگ ومیر، رشد جمعیت، مهاجرت و ...

ب - از دیدگاه دیگر جمعیت شناسی به دو صورت رسمی

انسانی است، مرجحاً با توجه به حجم، ساخت و رشد آنان». کیارد (A. Quillard) در اثرش با نام «مبانی آمار انسانی یا جمعیت شناسی مقایسه ای» می نویسد: «جمعیت شناسی شناخت ریاضی جمعیتها، حرکات عمومی آنان، شرایط مادی، بدنی و روانی و اخلاقی آنان است» پس در حیات اجتماعی هر آنچه به صورت کمی در رابطه با جمعیت قابل مطالعه باشد، توسط جمعیت شناس مورد مطالعه قرار می گیرد که این تعریف وسیع جمعیت شناسی است .

در فرهنگ جامعه شناسی میچل (D. Mitchell) (۱۹۶۸) جمعیت شناسی به عنوان «مطالعه فنون آماری و روابط موجود در داخل يك جمعیت و همچنین عوامل اجتماعی و تاریخی که حرکات جمعیت را تحت تأثیر قرار می دهند» تعریف شده است .

امروزه این دانش بطور کلی مطالعه پدیده های مرتبط با جمعیت های انسانی را نظیر تولد، ازدواج، مرگ ومیر، مهاجرت و عواملی که بر آنان اثر می نهد، شامل می شود، هر چند زیست شناسان نیز گاه از آن به عنوان دانشی در مطالعه جمعیت های حیوانی یاد کرده اند.

II- احتمالاً واژه جمعیت شناسی برای

نخستین بار توسط کیارد به کار رفت . ليك به سال ۱۶۶۲ صورتی علمی یافت . در آن

سال گرونت (John Graunt) اثرش را با

نام «ملاحظات سیاسی و طبیعی دباب مرگ

۲- آمار حیاتی (Vital statistics)

بر خلاف سرشماری که تصویر دقیق جمعیت را در یک زمان می‌رساند، آمار حیاتی پیوسته‌ای شناسایی جمعیت (Population dynamics) را نشان می‌دهد (نظیر میزان سالانه طلاق، باروری، ازدواج و مرگ و میر).

ر. ک. Malthusianism/Population

روحیه زدایی - Demoralization

تزلزل روحی

اضمحلال روحیه گروهی و تمامیت شخصیت فردی. به عنوان مثال، یک خانواده تزلزل یافته (Demoralized family) ممکن است از نظر حقوقی برجا مانده باشد، اما، انسجامش ناپدید شده است. در مورد یک فرد، تزلزل روحی به ناسازگاری، تعارضهای درونی و بیرونی و گسست انسجام شخصیت می‌انجامد.

زدودن روحیه - Demoralize (to)

متزلزل ساختن روحیه

به هم ریختن عادات، الگوهای ارزشی اجتماعی و طرز تلقیهای یک فرد که از طریق آن با حیات گروهی و توقعات آن سازگاری می‌یابد. از نتایج آن اضمحلال شجاعت، مقاومت و به هم پیوستگی گروهی خواهد بود.

جذب جمعیتی Demotic attraction

بامفاهیم Integration یا Absorption

یا Assimilation اشتباه نشود، (به هر یک

(Formal demography) یا تحلیل جمعیت

شناختی (Demographic analysis) و

مطالعات جمعیتی (Population studies)

تقسیم می‌شود. که شاخه اخیر، صرفاً به باروری و عقاید مرتبط با آن و کنترل احتمالی آن ارتباط می‌یابد. در حالیکه در جمعیت‌شناسی صوری مطالعه متغیرات جمعیتی نظیر حجم جمعیت، توزیع و ترکیب آن، دگرگونیهای آن و همچنین عوامل اساسی این دگرگونیها نظیر مهاجرت و ازدواج، مرگ و میر و ... مطرح می‌شوند.

دیگر شاخه‌های آن عبارتند از:

Applied demography

جمعیت‌شناسی کاربردی

جمعیت‌شناسی مقایسه‌ای ~ Comparative

جمعیت‌شناسی توصیفی ~ Descriptive

جمعیت‌شناسی تاریخی ~ Historical

جمعیت‌شناسی ریاضی ~ Mathematical

~ Social and economic

جمعیت‌شناسی اجتماعی و اقتصادی

ژنتیک جمعیت Population genetics

IV- جمع‌آوری داده‌ها در جمعیت‌شناسی

به شیوه‌هایی گوناگون نظیر پانل، روند پژوهشی و ... از دو منبع منشأ می‌گیرند:

۱- سرشماری (Census)

که شناخت کل جمعیت را در یک مقطع

زمانی و بطور منظم در فواصل خاص زمان

موجب می‌شود.

ر. ك) در اینجا، جذب به معنای بسوی خود کشیدن یا ربایش است در برابر دفع جمعیتی (بصورت‌های Demotic Push و یا Demotic repulsion) مفهوم نزدیک آن Demotic pull است.

ر. ك. Integration/Absorption
Demotic composition

ترکیب جمعیتی

ترکیب جمعیت را با توجه به عوامل بسیاری چون سن، جنس، نژاد و ... معین می‌دارند.

تراکم جمعیتی Demotic density
ر. ك. Density of population

توزیع جمعیتی Demotic distribution

انفجار جمعیتی Demotic explosion
رشد بیش از حد سریع (بیش از سه درصد در سال) است.

ر. ك. Population optimum

خصوصی کردن، از صورت ملی
بیرون آوردن Denationalization

در برابر فرایند ملی کردن یا دولتی کردن دارائی‌ها و ابزار تولید، روندی است که بر واگذاری هر چه بیشتر امحانات و دارائی‌ها به بخش خصوصی تکیه دارد. اهم دلایل این امر چنین‌اند:

بخش دولتی اغلب با قرطاس بازی و دیوانسالاری می‌آمیزد و با گذشت زمان این خطر فزونی می‌پذیرد.

- چون مدیریت دولتی است و سود و زیان واحد کار نیز متوجه دولت است، اتلاف سرمایه بیشتر صورت و وقوع می‌یابد.

- استخدام نیروی کار نه بر اساس شایسته سالاری (Meritism) و گزینش شایستگان بلکه بر پایه روابط خویشاوندی (Nepotism)، پارتی بازی (Favoritism) و بالاخره تابعیت، وفاداری و بیعت (Allegiance) شکل می‌گیرد و همین، موجبات پیدائی و بسط فتودالسم سازمانی را فراهم می‌سازد.

- ترس که در آغاز و در شرایطی خاص موجب کار بیشتر و بهتر را در حدی فراهم می‌ساخت، بمرور رو به کاهش می‌گذارد و جای خود را به کرختی (Inertia)، بی‌حالی و بی‌تفاوتی می‌سپارد.

- ذخیره لازم جهت جبران استهلاک (Amortization) نیروی انسانی و هم ابزار صورت نمی‌پذیرد و بطور کلی آینده‌نگری واحد (با توجه به امکان تعویض مدیریت) رو به ضعف می‌گذارد.

البته، باید توجه داشت که سپردن واحدها به بخش خصوصی بمعنای:

۱- امحاء کامل نقش دولت و بازگشت به سرمایه‌داری لیبرال نیست. دولت همواره در صحنه اقتصاد حاضر است و بصور گوناگون بر آن تاثیر گذار است

۲- ادغام مدیریت و مالکیت نیز نیست. چه در بسیاری از شرکتهای بزرگ خصوصی، مدیران نه سرمایه‌دار یا مالکان بزرگ بلکه صاحبان صلاحیت و تخصص‌اند.

۳- تعلق همه سطوح اقتصاد به بخش

- عواملی چون اقتصاد، جغرافیا و ... تعیین شود.
- Depauperize** از فقر رستن
ارتقای سطح زندگی به درجه‌ای بالاتر از آستانه فقر
- Pauperization/vital minimum** ر.ك.
Subsistence economy
- Dependability** وابستگی پذیری - اعتماد پذیری
- Dependency** وابستگی
(۱) وضعی که در آن فرد، نهاد، سازمان یا ملتی، به جهت ناتوانی در برآوردن نیازهای اولیه‌اش ناچار به اتکاء به ملت، فرد، نهاد یا سازمان دیگری است. (۲) وضع حقوقی خاص (وابستگی کودک به والدین). ر.ك نک
- Dependency, Economic** وابستگی اقتصادی
ر.ك. **Economic dependency**
- Dependency, Emotional** وابستگی عاطفی
ر.ك. **Emotional dependency**
- Dependency, old age** وابستگی سالمندان
ر.ك. **Old age dependency**
- Dependency ratio** نسبت وابستگی
بطور نظری، در مواردی جمعیت زیر ۱۴ سال و جمعیت بالای ۶۵ سال را غیر فعال و جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال را فعال تلقی می‌کنند و فرمول احتساب آن چنین است:
- خصوصی نیز نیست. چه همواره دولت، صنایع اساسی، مادر و مورد نیاز عام را خود در اختیار دارد (آب، برق، فولاد).
ر.ك: **Nationalization**
- Denazification** نازی زدایی
فرایندی که بعد از جنگ دوم جهانی به امحاء بقایای نازیسم انجامید
- National socialism/** ر.ك.
Fascism/Nazism
- Denaturalization** غیرطبیعی سازی - غیرطبیعی گردیدن - تابعیت زدایی
(۱) خارج ساختن (شدن) از حال یا صورت طبیعی است؛ در گردونه دیوانسالاری، به عنوان مثال، روابط طبیعی انسانها محو می‌شود و جایایش را به روابط صوری، (Formalism) پیدایی انسان سازمانی یا ماشینی (Robot) می‌دهد.
- (۲) امحای تابعیت و حقوق مترتب بر آن.
ر.ك. **Naturalization/**
- Dehumanization/Bureaucracy**
- Density of population** تراکم جمعیت
نسبت تراکم جمعیت به فضا، شامل:
میزان تراکم ناخالص:
(Crude density rate)
میزان تراکم معین:
(Specific density rate)
به این معنی که نسبت تراکم با توجه به

$$DR = \frac{\sum_{p=1}^w p + \sum_{p=1}^w p}{\sum_{p=1}^w p}$$

ثوربك

اما، در عمل و در عالم واقع همیشه چنین نیست، لذا در چنین مواردی فرمول زیر مورد استفاده قرار می گیرد:

$$DR = \frac{\text{جمعیت غیر فعال}}{\text{جمعیت فعال}}$$

جمعیت غیر فعال / جمعیت فعال DR واقعی

ر. ک: Economic dependency

Dependency. Emotional dependency

متغیر وابسته / Dependent Variable

Variable

تشنخ زدایی / Depersonalization

وضعی است که در آن فرد احساس روشنی از هویت شخصی خویش نداشته باشد؛ نسبت به خود بیگانه شود و چنین پندارد که رفتار و شخصیت او ناسازگار و در مقابل نیازهایش بی معنایند. فقدان تعادل در شخصیت به این صورت، در درون شهرهای بزرگ و فرایند صنعتی شدن پدید می آید.

Alienation/Denaturalization

Deindividuation/Personality/ ر. ک.

تهی سازی اجتماعی / Social Depletion

ر. ک. Social depletion

تقلیل جمعیت / Depopulation

کاهش جمعیت است به علت مهاجرت برونی (که صورت دائمی به آن می دهد) یا رده گردانی (که صورت موقت به آن می دهد) یا توازن منفی بین مرگ و میر و زاد و ولد، یا بیماریهای همه گیر و یا جنگ و ...

نقی بلد / Deportation

ر. ک. Ostracism/Expatriation/Exile

دژ نهاد اندیشی / Depravity theory

نظریه ای است که بر طبق آن فساد و تباهی در ذات انسان است، این نظریه در برابر اندیشه کسانی است که معتقد به پاکیزگی ذاتی انسانند. پاک نهاد اندیشان که در رأسشان ژان ژاک روسو قرار می گیرد، محیط پیرامون را (تمدن جدید بزع روسو) عامل فساد انسان می دانند، در نظریه سوم انسان همچون خمیرمایه ای است که بالقوه استعداد خوبی و بدی دارد. پس در ذات نه خوب است نه بد.

قابل کاهش بها - Depreciable

کاهش بها پذیر

کاهش بها / Depreciation

در معنای کلی، فرایندی است که بر پایه آن چیزی یا ارزش خود را بتدریج از دست می دهد. (نظیر پول، خانه، ماشین و ...) کاهش بها در جامعه جدید صور بسیاری می یابد، از جمله:

— کاستی بهای يك کالا بدجهت استفاده
مستمر از آن و در نتیجه فرسایش .

— کاهش بهای يك کالای مولد (ماشین)
بدجهت قدمت . در این حال ، کالا حتی اگر
نوماند باز بدخاطر عواملی چون پیدایی
ماشینهای مجهز تر در نتیجه پیشرفت صنعتی ،
جزئی از ارزش خود را از دست می دهد .

— کاهش بهای حقوق ؛ (کاهش ارزش
يك قرارداد، امتیاز بهره برداری از منابعی
معین و ...) که با مرور زمان بدجهت نزدیکی
به انقضای آن ، صورت می پذیرد .

مؤسسات اقتصادی جدید به کاهش
تدریجی بهای وسایل تولید توجهی روز
افزون دارند .

ر.ك. Devaluation/Amortization

کسادی - افسردگی - Depression

ارزش زدایی

(۱) ازدیدگاه اقتصادی، به معنای کسادی،
رکود و کاهش رونق بازار است (۲) در
روانشناسی اجتماعی بدمعنای نوعی بیماری
روانی است که شخص دچار بحران روانی
منبعث از پریشانی، دلنگی و افسردگی می شود
(۳) در جامعه شناسی بدمعنای زدودن ارزش در
جامعه کاستی است .

افسرده - راکد - نجس Depressed

در جامعه شناسی طبقات اجتماعی به
گروههایی اطلاق می شود که در خارج از
کاست زندگی می کنند (out-caste) . فاقد
ارزش و اعتبار اجتماعی هستند، مطرود جمعند

و این سرنوشت اجتناب ناپذیر آنان است .
اصطلاحاً آنان را نجس می خوانند.

ر.ك. unouchable/crisis/Stagnation
ostracism/out-caste/parian

محروم ساختنی Deprivable

محرومیت Deprivation

محروم Deprived

Deph - psychology

ژرفا روانشناسی - روانشناسی عمقی

ر.ك. Psycho - analysis

Deph - sociology (In)

ژرفا جامعه شناسی - جامعه شناسی عمقی

هر چند به هر مکتبی اطلاق می شود
که ابعاد پیچیده ، کیفی و ذهنی در پدیده های
اجتماعی را مطمح نظر قرار دهد ، اما بیشتر
به ژرژ گورویچ (Georges Gurvitch)
منتسب شده است ؛ وی با تأکید بر این که جامعه
شناسی پدیده اجتماعی را تمام (Total)
می شناسد ، لایه های چندی بر آن قایل است
که از صورت یا شکل (Morphology) آغاز
می شود ، و به وجدان جمعی
(collective conscience) و شور و
هیجانان جمعی ختم می شود .

ر.ك. Comprehensive school/

Explanation/Gurvitch

مشتقات Derivations

در جامعه شناسی پارتو (Pareto) شامل
همه جلوه های خارجی رسوبها (Residues)
است .

- Pareto/ Residues ر. ك . نگارش واقعیت بدون قضاوت ارزشی
Derived group ویا تعلیل (بازیابی شبکه علی)
- گروه اشتقاقی - گروه مشتق ر. ك . Causality/ Explanation
در برابر گروه اصلی یا آعازین :
(Original group)
- جامعه شناسی توصیفی ر. ك .
Group آن جامعه شناسی که در آن ارائه تصویری
Descent تبار - سقوط از واقعیت ، بدون تعلیل ، مطمح نظر قرار
می گیرد. در برابر جامعه شناسی عمقی .
- آمار توصیفی Descriptive statistics کاربرد آمار جهت تشریح داده ها .
ساده ترین نوع آمار توصیفی توزیع فراوانی
(Frequency distribution) است .
محقق از این طریق میانه ، میانگین و یا
ضریب پراش را محاسبه می کند و در قدم دوم
می تواند همبستگیها را بسنجد .
- نظریه توصیفی Descriptive theory (۱) در اصطلاح گذشتن از قضاوت ارزشی
(Judgment of value) است بدینسان
محقق با فراغت از بعد ارزشی
(Value - freedom) به شناخت پدیده ها
می پردازد، او پدیده را آنطور که هست
می بیند، نه آنطور که او می خواهد باشد .
(۲) در لغت به معنای تشریح فاقد تبیین است .
- تبار دوسویه Descent , Bilateral ر. ك .
Bilateral descent Social theory/value freedom/ ر. ك .
تبار مضاعف Descent , Double ر. ك .
Double descent Judgement of value
- تبار مادر سویه Descent , Matrilineal ر. ك .
Matrilineal descent تجزى زدایی
- تبار پدر سویه Descent , Patrilineal ر. ك .
Agnate/ Patrilineal descent به مجموعه قوانین ، مقررات و اقداماتی
Description توصیفی اطلاق می شود که موجبات امحاء تبعیضات

استبداد

Despotism

از ریشه‌ای یونانی به معنای ارباب، آقا گرفته شده است. اعمال قدرت به صورتی نامحدود و در فقدان شیوه‌های مردم سالار است. مفهومی است گسترده که به صورت مرکب نظیر استبداد دولت، استبداد حزب و ... به کار می‌آید.

ر. ک. Totalitarianism/
Authoritarianism/Absolutism/
Autocracy/Dictatorship/Monocracy
Faschism/Tyranny

مهارت زدائی

De - skilling

جامعه جدید صنعتی را برخی جامعه فوق صنعتی (post-industrial) می‌خوانند و ویژگیهای آن را علمی شدن، عقلانی شدن و منطقی شدن امور می‌دانند. در همین راستا، دانیل بل در اثرش «پیدائی جامعه فوق صنعتی» در سال ۱۹۷۶ این عقیده را ابراز می‌دارد که حد متوسط مهارت لازم در کارهای صنعتی رو به افزایش است و این امر هر م اشتغال را دگرگون ساخته بر ساخت شغلی و روابط کارکنان و کارفرمایان اثر خواهد گذارد (Bell, D: 1976). نیک، این نظر مورد قبول همگان نیست. از جمله مخالفان برادمن است که بزعم او کارهای یدی و حرف پاتین غیر یدی مشمول فراگرد مهارت زدائی شده‌اند و سیاست کارفرمایان نیز در همین است. آنان با بسط تکنولوژی، خود کاری (Automation) و در نتیجه ساده سازی کار، از فشار نیروی کار کاسته‌اند. چه، احراز مهارت، مقاومت نیروی

اجتماعی، تجزی گروهها بر پایه جنس، نژاد و یا ... را فراهم می‌آورند

باید افزود که جدایی انسانها تنها با وضع قوانین از میان نمی‌رود. قوانین و مقررات تجلیات صوری اندیشه‌ها، خرافات و عقاید قالبی است که این جدایی‌ها را موجب می‌شوند. پس امحاء تجزی، اضمحلال هر نوع نژاد پرستی و قوم مرکزی (Ethnocentrism) متضمن تغییر ارزشها، پذیرش آنان توسط مردم و پرورش اذهان از کودکی است.

ر. ک. Integration/ostracism/
Segregation

ترك خانه - ترك خدمت Desertion

(۱) ترك خانه از جانب يكی از والدین بدون اطلاع قبلی، یا طلاق رسمی و بدون هر قرارداد.
(۲) ترك خدمت (از جانب يك سربازو..)

Desideratum مطلوب

آنچه مورد طلب گروهی خاص و در زمانی خاص است. در برابر نام مطلوب (Negative desideratum) که مورد طلب گروه نیست و کاستی آن اثری در فرایند گروهی ندارد.

غیر اجتماعی شدن - Desocialization

غیر اجتماعی کردن - زدودن ابعاد اجتماعی

Socialization ر. ک.

کار را در برابر صاحبان سرمایه افزایش می دهد. به همین جهت، از نظر برآورمن، کارمندان و کارکنان واحدهای تولید به جای آنکه در سلک طبقه متوسط در آیند، بیش از پیش بسوی فرایند رنجبری (Proletarianization) کشانیده می شوند. (Braverman, H, 1974) باید پذیرفت که بسط صنایع سرمایه طلب (Capital intensive)، پیدائی و رونق خود کاری از یکطرف موجبات تخصصی و پیچیده شدن حرف را فراهم ساخته و اصولاً ساخت شغلی را با ایجاد مشاغل نو (نظیر ساخت و تعمیر رایانه ها و ...) در کل دگرگون ساخته است و از طرف دیگر، بسیاری از فعالیتها را (در سطح پایین) ساده تر ساخته است. پیدائی بسیاری از کارهای زنجیری که در آثار چادلی چاپلین (فیلم عصر جدید) کاریکاتور آن به صحنه آمد، به یکنواخت شدن و تکراری شدن فعالیتها انجامید و اندیشه و ابداع را از کارگر گرفت.

قابل تعیین Determinable

تعیین کننده Determinant

تعیین - تصمیم Determination

Determination, Cultural
عوامل تعیین کننده فرهنگ

Cultural determination ر. ک.

جبرگرایی - علت گرایی - Determinism
جبر

۱- در علم، گزایشی را می رساند که بر طبق آن هر پدیده ناشی از علتی است و هدف دانش شناخت روابط بین علت و معلول.

۲- به عنوان نظامی فلسفی: نظریه ای است که بر اساس آن، سر نوشت تمامی جهان، از جمله انسان، تابع نیرویی قاهر است که تمامی پدیده ها را به صورتی مطلقاً در قدرت خود دارد. پس انسان مختار نیست، عملش تابع نه اراده او بلکه سر نوشتی است که برایش رقم خورده است.

Libertarianism/Fatalism

Determinism, Biological

جبر زیستی - جبرگرایی زیستی

Biologism ر. ک.

Determinism, Cultural

جبر فرهنگی - جبرگرایی فرهنگی

Culturalism ر. ک.

Determinism, Economic

جبرگرایی اقتصادی - جبر اقتصادی

Economic determinism ر. ک.

Determinism, Ideological

جبر ایده اولژیک

Ideological determinism ر. ک.

Determinism, Social

جبرگرایی اجتماعی - جبر اجتماعی

Social determinism ر. ک.

Deter (to) بازداشتن

Deterrence ممانعت

در زمینه های گوناگونی از جمله در جامعه شناسی حقوقی به کار می آید و به معنای تمهیداتی است که به منظور بازداشتن از انجام

کشور توسعه یافته	عمل جنایی یا تکرار آن اتخاذ می‌شوند.
ملتهای در حال توسعه	Deterrence , Social
توسعه	ممانعت اجتماعی
Development	Social deterrence ر. ک.
در معنای اخلاقی یا زیستی ، به معنای گسترش ، شکوفایی ، بسط و رشد است . از دیدگاه اجتماعی رشدی هماهنگ ، همبسته ، موزون در همه ابعاد مادی ، روانی و معنوی است . پس تفاوت توسعه با رشد (Growth) در گستردگی معنای آن است . در حالیکه رشد به معنای بسط زیربنای اقتصادی است ، توسعه نه تنها متضمن رشد ، بلکه مستلزم آن است که همه ابعاد مادی حیات به صورتی هماهنگ شکوفا شوند ؛ تنها رشد مادی به گستردگی فنون نینجامد ، بلکه رشد مادی در خدمت انسان ، تعالی و رفاه وی باشد ، هدف جامعه نیز تنها بسط رفاه مادی نشود ، بلکه شکوفایی همه جانبه انسانی مطمح نظر باشد ، آرمانهای انسانی - اخلاقی بسط یابند و حیات معنوی شکوفایی پذیرد . پس توسعه اجتماعی متضمن توسعه اقتصادی نیز هست ، همچنانکه محتوای رشد در بطن آن است .	
ر. ک. Undevelopment/ Less developed countries/ Growth	توسعه یافته
Development , personality	شکوفایی شخصیت
personality development ر. ک.	Development ر. ک.
Development , Societal	Devaluation - کاستن ارزش پول - تضعیف پولی
	از دیدگاهی کم کردن ارزش پولی در مقایسه با پولهای رایج دیگر است و از دیدی دیگر کاستن بهای فلزی پول رایج .
	توسعه یافته
	در برابر مفاهیمی چون کم توسعه (underdeveloped) و همچنین توسعه نیافته (undeveloped) .
	Development ر. ک.
	Developed Country

توسعه جامعه - توسعه جامعه‌ی

ر. ك. Societal development

Deviance كجروى

I - رفتارى است مغاير با معيارهاى پذيرفته يا انتظار اجتماعى گروه يا جامعه‌اى خاص. با اين تعريف، رفتارهاى بسيار گوناگون نظير تقلب، ارتشاء جنائت، اعتياد انحرافهاى جنسى و... را در بر مى‌گيرد.

كلينارد (M.B. Clinard) در اثرش «جامعه‌شناسى رفتار كجروى» (۱۹۶۳) معتقد است اين اصطلاح را بايد براى شرايطى به‌كاربرد كه در آن، رفتار صورتى ناپسند مى‌يابد و ناپسندى آن چنان است كه از حدود اغماض جامعه فراتر مى‌رود.

II - در گذشته از آثار دانشمندانى چون فرويد (Freud) و توماس هابز (Thomas Hobbes) چنين بر مى‌آمد كه كجروى ناشى از كشمكشهاى اساسى بين اميال و خواستهاى طبيعى فرد و فشار تحميل شده براى از جانب جامعه به‌عنوان عضوى از آن، ناشى مى‌شود. ولى، در تحقيقات جديد، مخصوصاً با آثار مرتن (نظير نظريه اجتماعى و ساخت اجتماعى - ۱۹۴۹) كجروى محصول يا نتيجه‌اى از الگويى شناخته مى‌شود كه نهادهاى اجتماعى در يك جامعه معين يافته‌اند. بزعم مرتن مسئله اساسى مخصوصاً در جوامع داراى تحرك اجتماعى شديد، اين است كه جامعه اهدافى را در راه فرو قرار مى‌دهد. حركت در راه آنان را مشروع

مى‌شناسد، معيارهاى جهت تعيين ميزان پيشرفت تعيين مى‌كند و بر اساس هر يك، پاداشهاى تفويض مى‌دارد و ابزار و وسايل را نيز در دستيابى به اين اهداف تعيين مى‌كند، آنگاه فشار جامعه بر فرد جهت دست يابى به اهدافى و در نتيجه گرفتن پاداشهاى چندفزونى مى‌پذيرد. در مقابل وسايل مشروع وصول به هدف در دسترس نيست، فرد به ناچار، راههاى غير مشروع مى‌يابد و كجروى آغاز مى‌شود. از اين روى رفتار كجروى را «نشانى از فاصله بين تمنياتى كه از نظر فرهنگى تجويز شده و راههاى تعيين شده از جانب جامعه جهت تحقق اين تمنيات» مى‌دانند. (اثر بالا صفحه ۱۲۶).

مرتن بين شعائريستى (Ritualism)

كه در آن رعايت دقيق مقررات اجتماعى تجويز مى‌شود و فرد و اهداف شخصى اهميتى نايابى مى‌يابد و گوشه نشينى (Retreatism) يا طرد اهداف تعيين شده از جانب فرهنگ و شيوها و وسايل دستيابى به آنان و طغيان (Rebellion) يا عدم پذيرش ارزشهاى تعيين شده از جانب جامعه، تميز قايل مى‌شود، چه، هر يك شيوة دفاعى خاصى را در برابر حرمانهاى كه فرد در يك نظام خاص اجتماعى از آن رنج مى‌برد، ايجاد مى‌كند.

I - كجروى پديده‌اى آسبى :

هر چند هيچكس درست رفتارى منطبق

با الگوهای اجتماعی ندارد، چه در رفتارش تابع خطوط خاص شخصیت خود نیز هست، اما انحراف گسترده از معیارهای اجتماعی غیر معمول و آسیبی شناخته می‌شود. در تبیین کجروی، در آغاز این آسیبها به عنوان نابسامانی زیستی، روانی و گاه فطری شناخته می‌شد. لذا مفهوم آسیب شناسی فردی (Individual Pathology) پدید آمد. سپس کجروی تابعی از شرایط محیط پیرامون قلمداد شد و مفهوم آسیب شناسی اجتماعی (Social Pathology) وضع شد.

بدینسان فرد کجرو به جای آنکه دشمن مردم به حساب آید و به زنجیر کشیده شود، بیمار شناخته شد و ترحم برانگیخت. همین دیدگاه ارزشی در مقابله با کجروی نیز به کار آمد. قوانین به جای آنکه صورتی سرکوبگر (Repressive) و منتقم یابند، بعدتدارکی (Restitutive) یا سازنده و اصلاح کننده یافتند.

— کجروی پدیده‌ای نسبی :

کجروی تابعی از فرهنگ و منبعث از آن است، از این رو با تنوع فرهنگها، معیارهای کجروی نیز تفاوت می‌یابند. بدینسان عملی معین می‌تواند در جامعه‌ای عادی و حتی پسندیده به حساب آید، در حالیکه همان عمل در فرهنگی دیگر نادرست، ناپسندیده و حتی جرم شناخته شود. همینطور، در یک فرهنگ، در زمانی خاص به جهاتی يك عمل معین عادی است در

حالیکه همان در زمانی دیگر کجروی تلقی می‌شود.

نسبیت فرهنگها و تنوع معیارها در رابطه با کجروی گاه عدم تفاهم و کشمکش بین ملل را موجب می‌شود.

Criminology/Crime/Labeling|theory
Delinquency/offence

کجروی جنسی
Deviance/Sexual
Sexual deviance ر. ک.

Deviancy amplification

بسط انحرافات

بسیاری را عقیده بر اینست که در جامعه جدید عناصر بسیاری وجود دارد که همچون عواملی در راه بسط جنایت عمل می‌کنند. از جمله این عوامل عبارتند از:
— کنترل شدید پلیس:

هنگامیکه تنها به قانون در راه امحاء جنایت اتکاء می‌شود، نه تنها جنایت از بین نمی‌رود، بلکه اعمال سخت شدید قانون و خشونت مجریان آن می‌تواند خود عاملی در راه بسط جنایت گردد. چه، پیدائی مافیاهای جنائی (سازمان یافتن جانیان)، خشن شدن بیشتر جنایتکاران، پیدائی گروههای بسته متشکل از جنایتکاران و ... را موجب می‌شود.

— وسایل ارتباط جمعی:

آنطور که تحقیقات اجتماعی در قلمرو ارتباطات نشان می‌دهد، وسایل ارتباط جمعی در دنیای امروز بیش از پیش عمل جنائی را مطرح می‌سازند. ژان کازنودر اثرش، جامعه شناسی

می سازند. اگر تاکنون جنایت شنیع به حساب می آمد، حال می بینیم فلان قهرمان جنائی سخت مورد توجه است. پس ناآگاه انسانها تیرگی ارزشی دنیای انحرافات را از ذهن می زدایند.

— چهارم آنکه نهادها و سازمانهای بالطبیعه غیر جنائی را آلوده می سازد. اگر در تمامی قرون و اعصار خانواده مظهر صمیمیت و حرمت انسانی بود و بعدی قداست آمیز داشت، حال در برخورد با وسایل ارتباط جمعی، آن نیز در درون خود جنایت را جای می دهد و ازین دیدگاه بعدی جنائی می یابد.

— طرد اجتماعی:

«هنگامیکه جامعه ای گروهی را بعنوان منحرف معرفی کرد، آن گروه به انزوا تمایل می یابد و با جامعه بیگانه می شود و در تک افتادگی اجتماعی (Social isolation) فرهنگ جزئی و خاص خود را می سازد» (Abercrombie: 67) باید پذیرفت که طرد اجتماعی (Ostracism) و پیدائی عقاید قالبی (Stereotypes) در برابر انسانهای منحرف خود به پیدائی نوعی گرایش جنائی می انجامد. دو نظریه در جامعه شناسی انحرافات با نامهای نظریه رنگ (Stigmata theory) و نظریه برچسب (Labelling theory) برین گرایش صحنه می گذارند و تمایل طبیعی هر انسان از دیدگاه روانشناسی نیز چنین است: هنگامیکه انسانی تصور کرد انسان مقابل او، وی را جانی می داند و منتظر بروز عمل جنائی اوست، خواه ناخواه به ابراز چنین عمل یا حرکتی گرایش می یابد.

«نتیجه این عمل (واکنش جامعه در برابر

وسایل ارتباط جمعی درین باره می نویسد: «دیل در بین ۱۱۵ فیلم پلیسی، ۴۰۶ جنایت می بیند. هیوامس در تلویزیون آمریکا ۶۵۰ جنایت یا عمل خشونت آمیز را در ۱۰۰ فیلم طویل ملاحظه می کند. همیویت در انگلستان ملاحظه می کند که ۲۰٪ برنامه های تلویزیونی که در ساعات فراغت کودکان پخش می شود، حائز جهاتی از خشونت است. هدهد پس از تحلیل یش از ۱۰۰ برنامه تلویزیونی نتیجه می گیرد که میزان اعمال جنائی در آنان ۲۲ بار بیش از زندگی واقعی است.» (کازنو، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی: ۱۱۸). این بار سنگین خشونت آمیز در محتوای ارتباطات جمعی حتی موجب شده است بسیاری از هنرمندان جدید «حرفه ایهای نمایش جنایت» به حساب آیند، حتی بنظر لارسن تحقق هدفهای مطلوب نیز با اعمال شیوه های نامطلوب صورت می پذیرد.

بسط جنایت در دنیای ارتباطات از جهات زیر به بسط جنایت می انجامد:

— از جانبی بی تفاوتی (Indifference) یا بی حالی (Apathy) انسانها را در برابر عمل جنائی موجب شوند. حال که هر شب در خانه ها جنایت واقع می شود و حال که به هر فیلم سینمائی نظر می کنیم، تصاویر قتل و مرگ در آن سکه رایج بازار است، پس دیدن صحنه های واقعی نیز چندان واکنشی تند بر نمی انگیزد.

— از جانب دیگر، تکنیکهای جنائی را می آموزد. در گذشته زندانها را آموزشگاه جنائی می دانستند، حال وسایل ارتباط جمعی در تمامی جامعه چنین نقشی را ایفا می کنند.

— سوم آنکه موجبات قلب ارزشها را فراهم

- ر. ک. Diabolism
- تطور غیر تکاملی Devolution
- مفهومی است که در برابر تکامل (آنطور که اسپنسر آنرا به کار می برد) قرار می گیرد. فرایند حرکت از شرایطی است مشخص تر، منسجم تر، ناهمگن تر، تمایز یافته تر، پیچیده تر به شرایط و اوضاعی نامعین تر، غیر منسجم تر و اما همگن تر و با تمایزات درونی کمتر، ساده تر و با تخصص و سازمان کمتر.
- ر. ک. Evolution/Evotulionism
- شیطان صفتی Diabolism
- در حدی کمتر از شیطان پرستی. سقوط انسان با ماده پرستی و تمکین در برابر خواسته های جسمانی را می رساند.
- در زمانی Diachronic
- در برابر هم زمانی (Synchronic).
- دگردیسی يك پدیده نظیر زبان را در طول زمان می رساند.
- ر. ک. Synchronic/Anachronic
- زبان شناسی در زمانی Diachronic linguistics
- تشخیص آسیب Diagnosis, Social
- اجتماعی - تشخیص بیماری اجتماعی
- ر. ک. Semiology/Symtoms
- نمودار لکسی Diagram, Lexis
- ر. ک. Lexis Diagram
- جنایت (پیدائی مارپیچ انحرافات) Spiral of (deviancy) از دیدگاهی و دور جهنمی (Vicious circle) در دنیای جنایت از طرف دیدگاهی دیگر است.
- ر. ک. Ostracism. Labelling Theory
- Crime. Deviance. Delinquency
- انحراف Deviation
- ازسویی مفهومی است آماری با کاربردهایی متنوع، از آن جمله :
- انحراف متوسط Average deviation
- Quartile deviation
- انحراف ربعی - انحراف چارگی
- انحراف معیار Standard deviation
- ازسوی دیگر، در فرهنگ سیاسی، جدایی از مرام، آرمان یا مسلکی را می رساند. بدینسان کج اندیش (Deviationist) کسی است متهم به ناراست دینی (Heterodoxy) و چنانچه از سرچشمه های اصلی اندیشه فاصله یابد؛ یا تجدید نظر طلبی (Revisionism) (چنانچه آگاهانه یا نا آگاه بدعتی وضع کرده باشد).
- کج اندیشی Deviationism
- ر. ک. Heterodoxy/Fundamentalism/
- Orthodoxy/Revisionism
- شیطان پرستی Devilism
- از واژه Devil، شیطان، گرفته شده است به صورت Devil Worship نیز آمده است.

گوش - لهجه Dialect

— دريك معنا ، نوع بیان و تلفظ خاص منطقه‌ای یا مردمی است . درین معنا مفهوم لهجه از آن برمی آید .

— درمعنای دیگر مجموعه واژگان خاص منطقه یا محلی است که گویش آن خوانده می شود .

لهجه‌ای - گویشی Dialectal**لهجه شناسی - گویش شناسی Dialectology****دیا لکتیک Dialectic**

این واژه در آغاز در نزد یونانیان باستان مطرح شد و آن را هنر بحث و گفتگو و بررسی در باب حقیقت از این طریق می دانستند . بعضی آغازش را با **هراکلیتوس** می دانند ، ولسی بسیاری افلاطون را آغازگر واقعی آن می شناسند بزعم **افلاطون** ، دیا لکتیک گرا کسی را گویند که کلیت و جامعیت پدیده را بپذیرد و در هر زمینه رویه‌ای فراگیر داشته باشد . بالاتر ازین ، بزعم **افلاطون** ، دیا لکتیک نقطه اوج اندیشه است : « کسی بحد علم معقول می رسد که توسط دیا لکتیک بدون یاری از هیچیک از حواس و تنها به وسیله عقل بکوشد تا به مثال هر چیز واصل شود . این شخص قبل از آنکه مثال خیر را ، آنهم تنها به مدد عقل ، دریابد ، از پای نخواهد نشست » (گورویدج ، دیا لکتیک ، ترجمه حسن حبیبی ، صفحه ۳۶) .

پس از آن در ابده آلیسم هگل (Hegel)

دیا لکتیک جایی خاص یافت . در نظریه دیا لکتیک حرکت اندیشه است در سه مرحله : **وضع (Thesis)** وضع مقابل (Antithesis) و وضع جامع (Synthesis) .

پس از کانت ، هگل ، پرودون ، ماردکی (مبدع ماده گرایی دیا لکتیکی) و سادو ، نظرات عمیق گورویدج در مورد دیا لکتیک حائز اهمیت است :

از دید او دیا لکتیک از سه جنبه قابل بررسی است . جنبه اول : دیا لکتیک به کلیت و تمامیت پدیده های متحرک و در حال شدن نظر دارد . پس کلیتهایی که در جریان پایان ناپذیر ساخته شدن و ویران شدن و سپس بازسازی هستند ، مورد شناسایی دیا لکتیکی است ، جنبه دوم : دیا لکتیک يك روش است ، روش شناخت و فهم کلیتهای در حرکت و پویا بطور نامتناها ، پس با این شیوه ، هیچ قالب بسته ، خشک و متحجر پژوهشی پذیرفته نیست و هیچ پژوهش جزئی يك بعدی و سطحی نیز قابل قبول نیست . جنبه سوم : دیا لکتیک و اسلوبهای آن است . حال که پذیرش يك اسلوب بر دیا لکتیک تعصب آلود است ، پس به چند اسلوب آن (در جریان کنونی معرفت بزعم **گورویدج** به پنج اسلوب آن) توجه می توان کرد که عبارتند از : تکمیل متقابل ، تضمن متقابل ، ابهام دیا لکتیکی قطبی شدن دیا لکتیکی و تقابل دیدگاهها .

Dialectical hyper - empiricism

قرا تجربه گرایى دیاکتیک

اصطلاح خاص ژرژ گورویش (G.Gurvitch) است که کلیت، جامعیت و تأمیت پدیده‌های پویا و در حال شدن را زیر لوای تجربه گرایى عمقی مورد نظر دارد.

ر. ک. Gurvitch

Dialectical materialism

ماده‌گرایی تاریخی

Marx

Dialectician دیاکتیک شناس

Dialecticism دیاکتیک‌گرایی

Dialectics منطق دیاکتیک

Dictator دیکتاتور

Dictatorship دیکتاتوری

در یونان باستان، دیکتاتور به قضای فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شد که دارای قدرتی نامحدود بود و برای مدت شش ماه برگزیده می‌شد. او در همه موارد صاحب قدرت بود، مگر در زمینه پولی که جز با موافقت مجلس سنا نمی‌توانست به آن به‌پردازد.

درفر هنگ علوم اجتماعى گولد و کلب (صفحه ۱۹۸) دیکتاتوری با چند ویژگی به قرار زیر آمده است:

- (۱) فقدان قانون یا رسمی که بر اساس آن حاکم ناچار به پاسخگویی در برابر اعمالش باشد.
- (۲) فقدان حدودی برای قدرت.
- (۳) کسب قدرت عالی از طریق زیرپا نهادن قوانین موجود.
- (۴) کاربرد قدرت صرفاً در

راه منافع گروهی محدود. (۵) انقیاد زیردستان برپایه ترس. (۶) تمرکز قدرت در دست یک فرد. (۷) اعمال وحشت.

پس دیکتاتوری در هر واحدی می‌تواند نضج یابد؛ خانواده، کارخانه، مدرسه، کلاس و ... اما معمولاً این واژه در جامعه شناسی سیاسی به کار می‌رود و تبلور قدرتی را می‌رساند که خواست خود را به دیگران تحمیل کند، بدون آنکه نظر و علایق دیگران را استفسار نماید، یا به آن وقعی نهد، پس دیکتاتوری هم انحصار قدرت و هم اعمال آن را با تکیه بر جبر و فشار می‌رساند. دیکتاتوری می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی تجلی کند؛ نظیر فاشیسم، هیتلریسم و ...

ر. ک. Fascism/Totalitarianism/

Absolutism/Autocracy/

Authoritarianism/National -

Socialism/Despotism/Tyranny

Dictatorship of |proletariat

دیکتاتوری رنجبران

از دیدگاه مارکس بعد از انقلاب پدید می‌آید و تا استقرار نظام سوسیالیستی ادامه می‌یابد.

Difference of social potential

تفاوت توان اجتماعى بالقوه

در اصطلاح به تفاوت انسانها از نظر قابلیت یا ظرفیت پذیرش دگرگونیهایی اجتماعى و انطباق با آنان اطلاق می‌شود.

Differences , Social**تفاوتهای اجتماعی**

ر. ک. Social differences .

Differentia وجه افتراق - ممیز

— در منطق به عنوان ممیز یا تمیز بخش به کار می رود .

— در دانشهای اجتماعی در معنای وجوه افتراق اشیا یا موجودات يك رده با رده های دیگر مورد استعمال قرار می گیرد.

Differentia specifica وجوه خاص -

یا ویژگی مخصوص يك گروه یا يك رده

Differential افتراقی - تفاضلی**Differential association**

پیوند افتراقی - تداعی ناموزون

(۱) در معنای خاص ، نظریه ای است از ساترلند (E. Sutherland). برپایه آن يك شخص از آنرو بزه کار می شود که در محیط پیرامونش تخطی از قوانین برپسندیش آن مرجع قلمداد می شود. درین نظر، جرم چندان تابع فقر نیست که ناشی از شرایط محیطی . (۲) پیوندهای نا یکسان يك فرد با افراد جنایت پیشه و عادی ، آنچنانکه پیوند با جانیان غلبه یابد و موجبات بسط رفتار جنایی شود. فرض این است که یکی از بزرگترین عوامل جنایت همین استقرار پیوندهای غالب با جنایتکار است .

ر. ک. Association:

Differentials , class**ضرایب تفاوت طبقاتی**

ر. ک. Class differentials

Differential fertility**باروری تفاوتی**

باروری نا یکسان گروههای اجتماعی است . (نظیر نایکسانی باروری بین کارگران دهقانان ، دارندگان مشاغل عالی و ...)

Differential migration**مهاجرت تفاوتی**

همه ساکنان يك منطقه هر چند تحت تأثیر مسائل و ویژگیهای آن (منطقه) قرار می گیرند، يك همگی تمایلی یکسان به مهاجرت ندارند، بدینسان مشاهده می شود که مجردین و جوانان بیشتر تمایل به مهاجرت نشان می دهند . همانطور که در سطح کشورهای صنعتی، ارتقای میزان سواد تمایل مهاجرت را فزونی می بخشد.

Differential perception**ادراك تفاوتی**

هر انسان با توجه به زمینه ذهنی ، تمایلات و نیازهای آنی جهان هستی را به صورتی متمایز از دیگران ادراك می کند. ادراك تفاوتی معلول تفاوت بین انسانهاست همانطور که خود به عنوان عاملی زمینه تمایز بیشتر افراد را فراهم می سازد .

Differential psychology

روانشناسی تفاوتی - روانشناسی اختلافی - افتراقی

اولین بار فرانسیس گالتون (F. Galton) به آن توجه کرد . مطالعات او در مورد شجره النسب یا دودمان شناسی وی را بر آن داشت که هر انسان را دارای گذشته ای ویژه و

مشخصاتی خاص بدانند و بنا بر این، هر ، موجود انسانی را خاص ، ممتاز و بسی نظیر بشناسد. این اختلاف بین انسانها ، یا کتاب مخصوص روح هر بشر و یا آنچه هویت يك انسان را می‌رساند، حتی در مورد شبیه‌ترین انسانها یعنی دوقلوهای یکسان یا سیامی نیز مصداق دارد .

Differential response

پاسخ تفاوتی .

پاسخی نه یکسان و يك گونه، بلکه متمایز، مختلف بر پایه‌های خواستی، عقیدتی و زمینه‌های ذهنی پاسخ دهنده .

Differential sociology

جامعه‌شناسی تفاوتی-

در برابر جامعه‌شناسی کلاسیک قرار می‌گیرد. اصول آن از دیدگاه گورویچ چنین است :

(۱) جامعه‌شناسی نباید در جستجوی قوانین عام و جهان شمول برآید، بلکه بر پایه نظریه مورتن (R. Merton) در صدد یافتن نظریه‌هایی بسا برد متوسط (Middle range theories) باشد. نظریه‌هایی که نه بر همه جوامع در جهان و در طول تاریخ نظر داشته باشند. بلکه تابع نسیت منبعث از زمان و مکان باشند. (۲) جامعه‌شناسی تفاوتی بر فرا تجربه گسریه دیا لکتیک (Dialectical hyperempiricism) متکی است. (۳) در جامعه‌شناسی تفاوتی در صدد بازیابی قوانین دقیق و جهان شمول برای

آینده جوامع نخواهیم بود، بلکه جستجوی نظم تمایلی (Tendentious regularity) مطمح نظر است .

Differentiate (to) تفکیک کردن -

تمایز کردن - تمایز یافتن

Differentiated متمایز

Differentiation تمایز یابی

(۱) پیدایی تمایزهای درونی در يك گروه یا جامعه با تعدد نقش‌ها ، پایگاه‌ها و طبقات (۲) در ریاضیات احتساب ضرب تمایز (۳) در زیست شناسی ، تکامل تدریجی يك عضو از سادگی به پیچیدگی و تنوع آن.

Diffusion اشاعه

I - این مفهوم در انسانشناسی بسط عناصر فرهنگی را به صورت منفرد و یا جمعی از گروهی به گروه دیگر (کمتر در درون يك گروه) می‌رساند. قایلر (E.B. taylor) به عنوان واضع این مفهوم در اثرش فرهنگ ابتدائی (۱۸۷۱) ، سه گونه مشخص از فرایندهای تاریخی را که از طریق آنان فرهنگ بسط می‌یابد، قابل تمیز می‌داند :

الف : گاه بسط فرهنگ ، از طریق مهاجرت صورت می‌یابد. (نظیر بسط بسیاری از عناصر فرهنگی انگلستان در امریکا) که اشاعه نخستین (Primary diffusion) خوانده می‌شود .

ب : گاه اشاعه از طریق استقرار مستقیم گروه گیرنده صورت پذیر می‌شود .

پ : گاه در راه اشاعه فرهنگی تنها القای

خود اندیشه کافی است .

II - چگونه می توان پدیدهای را مستقل یا ناشی از اشاعه دانست ؟ یا کدام معیار یا معیارهایی را در شناخت اینکه پدیده A در گروه x ناشی از پدیده B در گروه y است، یاری می دهد ؟ بزعم دابرتسون

(W. Robertson) زمانی می توان پیدایی پدیده ای را در گروهی ناشی از اشاعه از گروهی دیگر دانست که : ۱) دو گروه دارای جوی مشابه باشند . ۲) از نظر سطح معیشت تشابه نسبی داشته باشند .

ر. ک . Diffusionism/culture diffusion

اشاعه فرهنگ Diffusion , Culture
ر. ک . Culture diffusion

مکتب اشاعه Diffusionism

نظریه ای است مبتنی بر یکتایی فرهنگی (Cultural monism) بدین معنی که فرهنگ در جهان سرچشمه ای یگانه دارد و از طریق تماس یا دیگر شیوه ها در جهان جغرافیا گسترده شده است . این نظریه توسط اشمیت پدید آمد .

دیلتای Dilthey , (Wilhelm)

فیلسوف آلمانی (۱۸۳۳-۱۹۱۱) او علوم اجتماعی را از علوم طبیعی جدا کرد . چه معتقد بود، علوم طبیعی به تبیین علی دست می یابند و حال آنکه علوم اجتماعی با فهم اشرافی معنای درونی پدیده های فرهنگی سروکار دارند که اساس آن را يك روانشناسی

توصیفی و تحلیلی توانا در تسهیل فهم وحدت ساختی (ارگانیک) فرد و حیات اجتماعی و توسعه تاریخی آن که در نظامهای فرهنگی دانش ، دین و هنر تجلی یافته است ، تشکیل می دهد .

Diminishing desirability

مطلوبیت رو به کاهش

با مضامین دیگر - ری چون Diminishing gratification و Diminishing utility در تعبیر دانشمندان گوناگون ، بطور مترادف به کار می رود، يك قانون اقتصادی - اجتماعی است که بر پایه آن شدت تمایل ، میل یا مطلوبیت يك کالا با تصرف هر واحد از آن که نیاز را فرو نشانند، کاهش می پذیرد .

Diminishing returns

بازده رو به کاهش

در اصل ، مفهومى است اقتصادى ، در رابطه با جمعیت و منابع طبیعى . شرایطى است که در آن هر افزایش خالص جمعیت به کاهش سرانه بازده منابع مى انجامد .

دیپلماسى Diplomacy

۱) برخی آن را هنر مصالحه در مسائل سیاسى جهانى مى دانند، آنچنانکه با آن امنیت و منافع ملت تأمین شود .

۲) برخی دیگر، آن را در معنای رسمیش یعنی تحقق بخشیدن به روابط بین المللی به کار مى برند . درین سیاق ، هودجنتو (H.J. Morgenthau) در اثرش سیاست بین

ملتها (۱۹۵۴) آن را عنصرى در قدرت ملی به حساب می آورد .

بنابراین ، سیاست خارجى به عنوان يك هدف و دیپلماسى به عنوان يك روش یا وسیله مطمح نظر قرار می گیرد . بدینسان از دیدگاه نیکلسون درجهانمی که کاربرد بزرگمخوف جنگی به اضمحلال غالب و مغلوب می انجامد، دیپلماسی کاربردی گسترده تر می پذیرد . چه، دیپلماسی همچون ابزاری است که از خلال آن سیاست خارجى سعی در دستیابی به هدف دارد، بدون دستیازی به جنگ.

(H.Nicolson , the congress of vienna : A Study in allied unity . P . 164)

Direct action عمل مستقیم

۱- فعل یا عمل بی واسطه ۲- فعل یا عمل بی تفکر ۳- در فرهنگ جنبشهای سیاسی ، از آن دستیازی به شیوههایی چون اعتصاب ، خرابکاری ، مقاومت خشن یا آرام به منظور تحقق بخشیدن به اهداف سیاسی یا اقتصادی در برابر عمل سیاسی که با حزم ، احتیاط و گفتگو تلازم دارد، برمی آید.

Direct contact تماس بی واسطه

استقرار تماس دایم یا موقت بین افراد یا گروهها با حذف وسایل یا افراد رابط .

Direct contact group

گروه با تماس بی واسطه

Group ر . ك .

Direct democracy مردم سالاری مستقیم

Democracy ر . ك .

Direct projection فراقتنی مستقیم

Projection ر . ك .

Direction , Social راهبری اجتماعى

Social 'direction ر . ك .

Direct observation مشاهده مستقیم

Observation ر . ك .

Dirigism دولت سالاری

تسلط دولت است بر ارکان اقتصادى و اجتماعى ، آنچنانکه دولت محور همه امور شود؛ با مفاهیم دولت گرایی Statism و دولت محوری (Etatism) نزدیک است - statism

Etatism/centralization ر . ك .

Discipline , Self خود انضباطی

Self-discipline ر . ك .

Discipline , Social انضباط اجتماعى

Social discipline ر . ك .

Discontinuity ناپیوستگی - گسست

اصطلاحی که توسط روث بندیکت (Ruth Benedict) در سال ۱۹۳۸ به کار

رفت . به نظر بندیکت جوامعی هستند که در آنان پیوستگی در زمینه های مختلف به چشم می خورد ، (مثلاً کودک از آغاز آرام آرام احساس مسئولیت را فرا می گیرد . بین پایگاه زن و مرد شکاف نیست و ...) و حال آنکه در جوامعی چند، چنین نیست (به عنوان مثال در برخی از جوامع، کودک صرفاً اطاعت و انقیاد را فرا گرفته و یکباره با مراسمی با نام

- تبعیض جنسى Discrimination , sex
ر. ك. Sex discrimination
- تبعیض اجتماعى Discrimination , Social
ر. ك. Social discrimination
- عوامل زیان آور برونى Diseconomies , External
ر. ك. External economies
- بیكاری پنهان Disguised unemployment
ر. ك. Unemployment
- ازهم پاشیدن Disintegrate (to)
۱) كلسی را متلاشی ساختن ۲) در روانشناسی اجتماعى اضمحلال احساس «ما» و اشتراك منافع در يك گروه و تجزى افراد آن.
- Disintegrated group
گروه از هم پاشیده
- ازهم پاشیدگى - Disintegration
نايكاتنگى
- فروریختن وحدت سازمانى ، تمامیت ، همبستگی (ساختی - کارکردی) يك فرد ، يك گروه یا سازمان ، آنچنان که ساخت به هم ریزد و با محور پیوند ، تعادل آن واحداز بین می رود ، این مرحله معمولاً قبل از انحلال (Dissolution) كل و یا جدایی اعضا (Dismemberments) صورت می پذیرد.
- Integration/cultural integration
ر. ك.
- پاگشایی (Initiation) درزمره افرادی دیگر قرار می گیرد و باید فرمان دهد ، مستقل شود و احساس مسؤولیت نماید).
- متغیر ناپیدا Discrete variable
ر. ك. Variable
- تبعیض Discrimination
از ریشه لاتینی به معنای تجزى گرفته شده است . تبعیض اجتماعى به دو صورت تحقق می پذیرد :
- صورت اول ، تبعیض براساس قوانین موضوعه است ، بدینسان ، گروهی با تکیه بر قوانین موجود از امتیازاتی ویژه برخوردار می شود. نمونه خاص این نوع تبعیض ، تجزى (Segregation) ارادی گروههای نژادی در يك جامعه مبتنی بر آپارتاید (Apartheid) است .
- صورت دوم: تبعیض اجتماعى نه براساس قوانین جامعه ، بلکه درعمل صورت میگیرد. بدینسان بظاهر همه در برابر قانون یکسانند و قوانین نیز برای همه برابر ، اما اساس زندگی اجتماعى چنان است که گروههای محروم درحاشیه جامعه متولد میشوند و در همانجا نیز حیات خود را پایان می برند. هر چند همه طبق قانون حق دارند از همه فرصتها برخوردار گردند ، لیک در عمل امکانات صرفاً برای تعدادی حاصل میگردد. در برابر تبعیض نوع اول که رسمی است ، نوع دوم را عملی یا واقعی و غیررسمی میخوانند.
- Ostracism / Segregation
ر. ك.

Disintegration , Group	پراکندگی	Dispersion
ازهم پاشیدگی گروهی	جابجایی فرهنگی	Displacement , Culture
Group disintegration ر. ک.	ر. ک.	Culture displacement
Disintegration , Social	جابجایی جمعیت	Displacement of population
ازهم پاشیدگی اجتماعی	به صورت موقت (نظیر رومه گردانی	(Transhumance) یا دایم (نظیر مهاجرت
Social disintegration ر. ک.	Migration با اشکال داخلی	Immigration ، خارجی Emigration
Disinterestedness	یا متقابل Intermigration آن) جلوه	می کند. در صورت اجباری بودن با مفهوم
بی نظری - بی طرفی	جابجا سازی (Relocation) جمعیت ترادف	می یابد .
در معنای خاص وضع کسی است که در	Migration / Geographic	ر. ک.
امر مورد تنازع نه سود و نه زیانی متوجه	mobility / Exodus	
اوست ، پس می تواند داوری کند و سخنش		
مسموع افتد .	Dissensus	ناهمرایی
Dismemberment جدائی اعضاء	Concensus ر. ک.	
جدائی عمدی یا غیر عمدی ، درون زاد	Dissociation گستگی - پیوند زدایی	
یا ناشی از عوامل بیرونی يك یا چندعضواز	Dissociative interaction	گزش متقابل گسته
يك گروه .	Interaction ر. ک.	
Disorganization	Dissolution of marriage	گستگی ازدواج
سازمان شکنی	در برابر فسخ ازدواج که بسا گسیختن	
اضمحلال يك سازمان و ایجاد هرج و	قرار داد آن همراه است ، گستگی ازدواج	
مرج است بایی سازمانی (Inorganization)	می تواند با مرگ زوجین صورت وقوع یابد.	
يكسان نیست وليك ، در اصطلاح وبه تساهل	Dissolved گسیخته	
بی سازمانی در برابر آن نهاده می شود .		
رك. Inorganization / organization		
Dispersed farmsteads		
زراعتگاههای پراکنده - مزارع پراکنده		
قطعه ای زمین زراعی که زارع و خانواده اش		
در همانجا اقامت دارند ، این نوع زراعت		
خصوصیاتی می یابد که با زراعت ساکنان در		
يك دهکده بطور مجتمع تمایز می یابد.		

Dissonance , Cognitive

ناهماهنگی شناختی

Cognitive dissonance ر. ک.

Dissuasion انصراف - انصراف

سلسله اقدامات یا استدلالهایی، درست یا نادرست، که هدف از آن جدا ساختن دیگری یا دیگران از يك عقیده، يك نظر، یا يك خط عمل سیاسی-اجتماعی است.

Distance , Social فاصله اجتماعی

Social distance ر. ک.

Distribution توزیع

Descriptive statistics ر. ک.

Disutility , Marginal

عدم مطلوبیت نهایی

Marginal disutility ر. ک.

Division of labor تقسیم کار

تجزی کارها به اجزایی که هریک توسط گروهی به انجام رسد، تقسیم کار در مراحل نخستین پیدایی جامعه پدید آمد، ليك در آغاز صورتی بدوی داشت. تقسیم کار بر پایه جنس (زن و مرد) از نخستین شیوه های تجزی وظایف است. در اثربرجسته اش با نام «د تقسیم کار اجتماعی» دورکیم (E. Durkheim) تقسیم کار در جامعه نخستین را ناچیز می داند، از این رو، سخن از نوعی خاص از همبستگی در آن می راند بانام همبستگی مکانیکی (Mechanical solidarity). انسانها نیازهایی ابتدایی و ساده دارند و اکثر آنان را تأمین می کنند؛ مرد، خود کلبه اش را می سازد، خود مزرعه اش را کشت

می کند وزن بقیه کارها را به انجام می رساند. پس انسانها همبستگی کمتری با یکدیگر دارند، وليك تكثر نیازها، تنوع آنان و مخصوصاً پیچیدگی حیات اجتماعی، موجبات تخصص و با آن تقسیم کار را فراهم می سازد. وابستگی انسانها به یکدیگر بیشتر شد و نوعی تازه از همبستگی با نام همبستگی عضوی (organic solidarity) پدید آمد.

Division of labor ,

تقسیم بین المللی کار

International division ر. ک.

of labor

Division of labor , Sexual

تقسیم کار بر اساس جنس

Sexual division of labor ر. ک.

Divorce طلاق

طلاق به عنوان پدیده ای اجتماعی حدود و اشکالی بسیار دارد. اهم وجوه آن به سه قرار زیرند:

(۱) انحلال قانونی پیوندهای زناشویی
(۲) اظهار فقد زناشویی (۳) جدایی زن و شوهر.

(۱) انحلال قانونی پیوندهای زناشویی سابقه ای همانقدر تاریخی دارد که زناشویی به صورت رسمی و قانونی تحقق یافته است، ليك با افزایش آن در جوامع صنعتی و کاهش امید بقای زناشویی بنوعی چند همسری ناهمزمان برمی خوریم که موجب می شود يك فرد در جریان حیات چندین بستر عوض

کرده باشد.

(۲) اظهار فقد :

و در بسیاری از جوامع . ازدواج زمانی
بدسمیت می یابد که فرزندی تولد یافته باشد.

(E. Westermarck , *History
of Human Marriage*
PP. 22-3)

در برخی دیگر ، ازدواج بدون انجام
مقاربت بین زن و مرد رسمیت ندارد . به عنوان
مثال ، هودوز در بین قبایل تالسنسی (Tallensi)
ملاحظه می کنند و زمانی که يك زن از ایجاد
رابطه جنسی با همسرش خودداری کند، ازدواج
رسمیت نیافته و می تواند با مرد دیگری مقاربت
کند بدون آنکه متهم به زنا شود.

(M. Fortes , *the Web of
Kinship among the Tallensi*
P. 106)

(۳) جدایی :

جدایی زن و شوهر در بعضی جوامع از
طلاق تمیز نمی یابد. امریکه در بسیاری از
جوامع در جهان به چشم می خورد. هم در
جوامع تاریخی هم در جوامع کنونی.

(Barnes, *Measures of divorce
frequency in some societie*
P. 39)

لیک، از نظر حقوقی، بین جدایی و طلاق،
تمایزات بسیاری به چشم می خورد که در
مواردی با توجه به علل جدایی و مدت آن

می تواند خود به خود طلاق به شمار آید، به زعم
اشتاند (D.N.Schneider) «در. مواردی
تمیزی تلویحی بین روابط زناشویی و برخی
از مناسبات حقوقی که از ازدواج قانونی منبث
می شود، به چشم می خورد . بدین معنی که
جدایی جسمانی زن و شوهری که بطور قانونی
پیوند یافته اند، فی نفسه پایان پیوندهای
قانونی بین آنان را موجب نمی شود»

(A Note on Bridewealth and
the stability of marriage, P : 55)

نحوه تحقق طلاق Divorce procedure

- یا با تصمیم یکجانبه یکی از زوجین
صورت می گیرد ، به عنوان مثال ، در آتن
مرد فقط با اطلاع به زن، او را مطلقه می ساخت.
یا آنکه در برخی از جوامع در افریقای مرکزی
زن شوهرش را بدین عنوان که نمی تواند
جامه وی را بدوزد، طلاق می داد.

- یا با مراجعه به مراجع شرعی و قانونی.
- یا صرفاً در نتیجه جدایی (Separation)
نظیر ترك خانه (Desertion) توسط یکی از
زوجین .

میزان طلاق Divorce rate

بطرق مختلف بدست می آید:
- با احتساب نسبت ازدواج و طلاق در يك
جمعیت خاص و زمان معین
- با احتساب نسبت طلاق بین کسانی که در
یکسال ازدواج کرده اند و مقایسه آن در خلال
سالهای مختلف در يك جامعه.

Divorced	مطلق	Domestic service	خدمتگزاری خانه - خدمات خانگی
Divorcee	مطلقه		انجام خدمات خانگی توسط فرد یا افرادی که از جانب رئیس خانه بدین منظور اجیر یا استخدام شده‌اند. سیاهان به عنوان برده، در تاریخ بیش از همه درین پایگاه خدمت کرده‌اند.
Doctrine	آیین - نظر		در برابر نظام کارخانه‌ای (Factory system) است و نظامی را می‌رساند که در آن تولید صورت انبوهی (Mass - production) و زنجیری (Chain production) نیافته است. مدیریت از سرمایه جدا نشده و خانواده تنها واحد مصرف نیست، بلکه يك واحد تولیدی نیز هست.
Doctrinairism	آیین پردازی		ر. ک. Family, Mass - production
	با Doctrinarianism مترادف است.	Dominance	استیلا
Document	سند		به نظر ماکس وبر (Max weber) استیلا یا منبعث از پایگاههای سنتی است یا بر قانون و فرد، متکی است و یا از فره (charisma) منشاء می‌گیرد، يك در عمل گاه يك رهبر دویا استثنائاً هر سه معیار را در خود جمع می‌کند.
Documentary method	روش سندی		ر. ک. Authority / charisma / Leadership
	یکی از انواع روشهای مشاهده‌ای است (Observational method) به صورت غیر مستقیم که بر اساس آن شناخت نمودهای هستی از طریق جمع آوری اسناد و مدارك صورت می‌گیرد.	Dominance relationships	مناسبات متکی بر استیلا - مناسبات استیلایی
	با این روش، پژوهنده مستقیماً با واقعیت در تماس نیست، بلکه آن را از طریق داده‌های دیگران می‌شناسد.		نظامی است در توزیع وظایف بر پایه میزان قدرت هم در جمع حیوانات، هم در جامعه
Documentation	استناد - جمع آوری اسناد و مدارك		
Dogma	اندیشه جزئی		
	اندیشه‌ای متحجر که به شیوه‌ای نابخردانه رفتاری هیجانی و بدون استدلال منطقی را پذیرفته تجویز نماید.		
Dogmatism	جزمیت - جزم اندیشی		
Dogmatist	جزم اندیش		
Domestic life	زندگی خانوادگی		

انسانى تحقق پذیر است . گاه این مناسبات بر پایه قدرت جسمانى شکل مى گیرد ، ليك با پیشرفت ، معیارهائى دیگر نظیر استعداد ، کار، دانش و ارزشهای تحصیلى مطرح مى شوند.

Dominant ideology

ایده‌اوتزى حاکم

مفهومی است از هارکس (K.Marx) که به زعمش در هر جامعه مجموعه‌ای خاص از اندیشه‌های سیاسى - اجتماعى تعیین کننده ارزشهای حاکم بر اندیشه و عمل به حساب مى آیند .

Ideology

Dominant postion وضع مسلط

موضع ، مقام یا پایگاهی که در درون سلسله مراتب اجتماعى از اقتدار و نگاه احترام بیشتری برخوردار است .

Dominant trait

صفت غالب

در دانش وراثت، آن صفات یا ویژگیهائی است که شانس بیشتری در بقا و تجملى در نسل را دارا هستند.

Dominant wish خواست غالب

خواستى که بر دیگر خواستها رجحان یابد و موجبات هدایت منظومه رفتار را در جهت ارضای خود فراهم سازد.

Domination سلطه

گونه‌ای از روابط اجتماعى که در آن معیار پذیرش میزان قدرت باشد و خواست، اراده و تصمیم سلطه گر ، (Dominator) بر

افراد مورد سلطه (Dominated) تحمیل شود .

Donatio مالاکابین

جزئی از داراییهای مرد که با ازدواج در امپراطورى رم ، به عنوان «هدیه ازدواج» از تعلق او بیرون مى آمد و مالکیتى ویژه مى یافت. این جزء از دارایی در صورت فوت شوهر یا طلاق زن از جانب مرد بدون دلایل متقن، به تعلق زن در مى آمد ؛ ليك در شرایط عادى در اختیار مرد قرار داشت بدون آنکه در صورت نیازوى یا حتى ورشکستگى حق فروش یا ارائه آن را در برابر بدهى داشته باشد.

Marriage/Dower/ Mahriyeh/ ر.ك.

Community property/Bride wealth

Double descent

تبار دوگانه - تبار مضاعف

در برابر نظامهای پدر سر یا مادر سر ، نظامى در خویشاوندی است که طبق آن فرد با يك گروه اجتماعى از طریق تعلق پدرى و با گروهى دیگر از طریق مادر، بستگى مى یابد. با تبار دو جانبى (Bilateral descent) از این رو، متفاوت است که در نوع اخیر فرد به تبار مادر یا پدر، بدون هیچ تمایز تعلق مى پذیرد.

Descent ر.ك.

Double sampling نمونه گیری مضاعف

Sampling ر.ك.

Double standard of sexual

behavior معیار دوگانه رفتار

جنسى

استاندارد دوگانه در رفتار جنسى Double Standard of sexual behavior

تمایز، تعارض و گاه تضاد هنجارها و ارزشها در یک جامعه و در زمانی معین در رابطه با رفتار و آزادیهای جنسی زن و مرد است. در جوامع پدر سر، این تمایز بنفع مرد است و در اندک جوامعی که مادر سر خوانده می شوند، می تواند به نفع زن تحقق پذیرد.

دوگانگی معیارهای اخلاقی مرتبط با خودداری از مقاربت بدون قرارداد زناشویی برای زن و مرد معیارهای اخلاقی مسیحی بعنوان مثال ناقرنها چنین روا بطلی را برای مرد با اغماض نگریست و حال آنکه در مورد زن چنین نبود.

ارث زن Dower

حق زن ازداری شوهر و فوات یافته اش؛ باید بین این مفهوم و سه مفهوم زیر ۱) کالا کابین (Donatio) و ۲) مهریه (Mahriyeh) و ۳) دارایی زن (Bride wealth) تمیز قابل شد. (به هریک ر. ک)

جهاز Dowry

هر آنچه زن با خود به خانه شوهر برد یا به خانواده شوهر از جانب پدر یا خانواده اش هدیه شود.

ر. ک. Bride Wealth, Bride price

سائق Drive

انگیزه ای طبیعی که موجبات حرکتی بدون توجه دقیق به هدف، یا شناخت درست آن را فراهم می سازد.

ر. ک. Impetus / Incentive ,

Impulse / Motivation

Drive - reduction theory

نظریه کاهش سائق

مفهوم از کلارک هال (Clark Hull) است. به نظر او فقط زمانی آموزش تحقق می پذیرد که سائقی اساسی کاستی یا بد، به عنوان مثال، زمانی که حیوانی می آموزد عملی را انجام ندهد تا ضربه الکتریکی به او وارد نشود، پاسخ یا نحوه عملش ترس از ضربه را کاهش می دهد و این کاهش ترس اجتناب را تقویت می کند.

ر. ک. Conditioning

سائق اجتماعی شده Drive, Socialized

ر. ک. Socialized drive

Drive, unsocialized

سائق غیر اجتماعی

ر. ک. Unsocialized drive

افت تحصیلی - تارکان تحصیل Dropout

۱- در یک معنا به مجموعه کسانی اطلاق میشود که ترک تحصیل نمایند. ۲- در معنای دیگر، جوانانی را با آن می خوانند که بطور دایم یا موقت بدنبال ارزشهای مسلط جامعه، مخصوصاً در مورد شرایط لازم جهت اشتغال، بسر آیند. ایشان بیشتر در غرب صنعتی پدید می آیند؛ رفتار، لباس و حتی نوع تغذیه آنان خاص است و فرهنگی فرد در بطن کل فرهنگ پدید می آورند.

ر. ک. Counter - culture

اعتیاد به مواد مخدر Drug addiction

کاربرد منظم مواد مخدر (نظیر مورفین، هروئین و...) با چنان گرایشی که تأخیر در آن موجب زدایش تعادل روانی و جسمانی شود.

دوگانه Dual**Dual consciousness****آگاهی دوگانه**

در اصطلاح به دوگانگی و ناممیزی نظام ارزشها و اعتقادات در یک انسان یا گروهی از انسانها اطلاق می شود. از یک طرف، وابستگی فرد به جامعه و ارزشهای مسلط در آن (که از طریق نظام آموزشی انتقال می یابد)، موجب می شود ارزشهای رسمی مردم پسند را پذیرفته از آن خود کند، از طرف دیگر، شرایط کار و سختی های آن، موجبات جذب ارزشهایی را در عمل و بطور غیر رسمی فراهم می سازد. ارزشهای نخست ناشی از فرهنگ مسلط جامعه است و ارزشهای دوم در جریان کار و از تجربه عملی شرایط طبقاتی منشاء می گیرد، ارزشهای نوع اول پاسخهایی جبهه ای (Frontal responses) را بر می انگیزد و ارزشهای دوم با واقعیت و شرایط ملموس حیات نزدیک است. اصطلاح معمولاً در مورد کارگران صنعتی در جوامع جدید بکار می رود، «بعنوان مثال ملاحظه شده است به هنگام مصاحبه رسمی با همین کارگران، اعتصاب غیر رسمی را تأیید نکرده اند، اما در عمل و در شرایط خاص کار بدان دست زده اند.» (Abercrombie: 75)

ر.ک: Attitude dissonance

دوگانه انگاری، ثنویت Dualism

در برابر مفهوم وحدت گرایی (Monism) قرار می گیرد، واصل اندیشه را بردو تایی، دوگانگی و تجزی پی می نهد.

بدینسان این آیین در گرایشهای گوناگون صوری متفاوت می پذیرد، از جمله:

– در مکاتب فلسفی، ایده و ماده را از هم منفک می سازد و ایده آلیسم (Idealism) و ماده گرایی (Materialism) را مقابل هم می نهد.

– در آیینهای عقیدتی، خوب و بد، اهریمنی و اهورامزداپی را از هم جدا می سازد و جهان را در دو بخش آشتی ناپذیر و متضاد می بیند.

دوگانه انگاری، بطور غیر مستقیم با نوعی دیگر از وحدت گرایی (unitarianism) تمایز می یابد. بدینسان که یکتایی قدرت، تمرکز و در هر حال یگانگی و وحدت کلی را نفی می کند.

ر.ک. Monism / unitarianism / Dichotomy

دوگانگی اخلاقی Dualism, Ethical

ر.ک. Ethical dualism

رهیافت دوگانه Dualistic approach**رهیافت مبتنی بر دوگانگی**

برخورد با يك موضوع تحقیق، یاشی، یا هر پدیده، با دو معیار.

دوگانگی Duality

Dual organization

سازمان دوسمانه - سازماندهی دوسمانه

(۱) فرایند سازماندهی برخی از قبایل به دویخش یا مویتی . (۲) نتایج یسا سازمان حاصل از این فرایند .

Moiety ر. ک.
Du Bois (W.E.B) دویبوآ

جامعه شناسی امریکایی است (۱۹۶۳-۱۸۶۸) جامعه شناسی را با مبارزات سیاسی به منظور کسب حقوق سیاهان درآمیخت .
ازین رو آثارش رنگی خاص او دارد. در آغاز همه کوششهایش در جهت جذب سیاهان در جامعه امریکا بود، اما پس از مدتی ، با از بین رفتن امیدش در این جهت ، خواهان تجزی سیاهان شد و سپس به افریقا عزیمت کرد و همانجا نیز در گذشت .
برخی از آثارش :

Suppression of the African slave trade . the philadelphia Negro .

The souls of black folk . Black reconstruction . color and democracy .

Dumb barter

مبادله کالا با کالا بدون حضور طرفین

مبادله کالا با کالا در جوامع ابتدایی بدون حضور طرفین . بدین قرار ، اعضاء يك

قبیله کالاهای خود را در محلی مشخص جای می دهند و سپس محل را ترك می کنند؛ قبیله دوم با کالاهایش می آید و چنانچه کالایی از کالاهای قبیله نخستین را پسندید ، برداشته ، کالای مشابهی در برابر آن می گذارد ؛ پس از آن ، قبیله نخست باز گشته ، کالاهای اولیه و احیاناً کالاهای مبادله شده را برمی دارد .

به آن معامله بی گفتگو (Silent trade) نیز اطلاق می شود.

Dumping رقابت مکارانه

فروش خدمت یا کالایی به بهایی ارزانتر از بهای واقعی آن ، توسط فرد ، سازمان یا مؤسسه ای ، بطور موقت و به منظور از پسا در آوردن رقبا و در نهایت تسخیر بازار و انحصار آن .

Competition ر. ک.

Duolocal دو مکان

در جامعه شناسی خانواده بکار می رود و امکان انتقال زن یا مرد را به مکان یکدیگر برای اقامت می رساند. با واژه Bilocal نزدیک است و در برابر انواع تك مکانی (Monolocality) نظیر رن مکان (Uxorilocal) یا مادر مکان (Matrilocal) و یا پدر مکان (Patrilocal) قرار می گیرد ، نظام دومکانی چون هنگام ازدواج زن یا مرد را بدرقن به خانه دیگری مجبور نمی کند. دوسویه (Bilateral) و دویتباری (Bilinear) است . واز تسلط تنها مرد (Androcracy) و یا زن (Gynocracy) در آن اجتناب می شود.

ر. ک. Uxorilocal / Matrilocal /
Bilocal / Patrilocal

دو مکانی Duolocality

مدت - فضای زمانی Duration

Duration of observation

مدت زمان مشاهده

اصطلاحی که در روشهای تحقیق به کار می رود و زمانی را می رساند که گروههای گسواه و کنترل تحت نظر پژوهنده قرار می گیرد؟

این مدت زمانی می تواند مستمر به صورت زنجیره یا تسلسل (Continuum) یا نوسان (Fluctuation)، دوره ای (Periodic) و یا دوری (cyclic) باشد.

ر. ک. Trend study / observation /
Panel

Duration - specific fertility

میزان باروری بر حسب مدت زناشویی

ر. ک. Fertility

امیل دورکیم (Emile) Durkheim

جامعه شناس - فیلسوف و اندیشمند فرانسوی است (۱۸۵۸-۱۹۱۷) بسیاری را عقیده بر این است که اول بار، دورکیم جامعه شناسی را به صورتی علمی عرضه کرد. هم او بود که این رشته از علوم را قوامی خاص بخشید و راههایی نو بر آن گشود. امروزه، بهیچوجه قابل تصور نیست که تحقیقی

اساسی آغاز کنیم، بدون آنکه قبلاً آثار برجسته این مؤلف را نظیر «قواعد روش جامعه شناسی» مطالعه کرده باشیم. این کتاب از بسیاری جهات، مرجع برجسته این علم جدید است. بدون شك فصولی از آن، حاوی عقایدی است که قابل بحث و امان نظر بیشتری هستند و در این میان، می توان از نظر دورکیم در مورد تطور صورتی و ظاهری جامعه که درین کتاب به آن اشارت می ورزد یاد کرد. یا آنکه امور اجتماعی عادی و آسیمی را از دیدگاه وی به بحث و انتقاد کشانید، گذشته از این بعضی از بیانات دورکیم نظیر این جمله که «باید امور اجتماعی را همچون اشیاء مورد بررسی قرارداد» به تفاسیری سخت انتقاد آمیز دامن زده اند. با اینهمه، در این امر، اهمیتی که نویسنده بر عینیت و تحلیل امور اجتماعی با علل اجتماعی و مخصوصاً تأکیدی که بر روشهای گونه شناختی (با تمام احتیاطی که درین جهت باید رعایت کرد) قابل می شود، قابل ستایش است.

در کتاب «دو تقسیم کار اجتماعی» خود به اعمال بعضی از روشهایی می پرداخت که در کتاب پیشین عنوان کرده بود و در آن مسائلی را طرح می کرد که جامعه شناسی همواره با آن روبرو است. از آنجمله، مسئله پیوند متقابل اجتماعی در انواع جوامع را باید نام برد. در این اثر، مفاهیمی بدیع نیز نظیر بی هنجاری عنوان می شد که بعدها اهمیتی شایان توجه به خود گرفتند. بی شبهه باید

«خودکشی» را اثری دانست که در آن دورکیم به نحوی مطلوب برد و فایده روشهای تجربی متکی بر آمار و همچنین اهمیت داده‌های کمی و کیفی را در روشن ساختن پیوند متقابل پدیده‌های اجتماعی و در جهت تجسس علل با استفاده از مجموعه‌های سنجیده نظری روشن ساخته است. بعدها، افرادی نظیر هالباکس (M. Halbwachs) توانستند با ایجاد تغییراتی جزئی روش دورکیم را در استخراج و تحلیل داده‌های مربوط به خودکشی کامل تر کنند. ولی نباید فراموش کرد که اثر دورکیم خود برجسته و قابل توجه است و مطالعه آن برای دانشجویان ضروری است، مخصوصاً زمانی که با اثر هالباکس در همین زمینه همراه شود، جالب تر و مفیدتر می‌شود. آخرین اثر بزرگ دورکیم «اشکال اولیه زندگی دینی» است، در این اثر دورکیم را شاید بیش از آنچه باید متوجه به مکتب اصالت جامعه شناسی می‌بینیم. در آن بیش از اندازه بر جامعه شناسی در برابر دیگر علوم انسانی تأکید می‌ورزد، اما در همین اثر است که وی استفاده از اسناد و مدارک مردم شناسی را در جامعه شناسی باب می‌سازد و امروزه با توجه به چنین آثاری می‌پذیریم که شناخت مردم شناسی برای جامعه شناس ضروری است. زیرا بررسی شرایط دیگر-جوامع بشری برای وی اجتناب ناپذیر است.

ر. ک. Mechanical solidarity / organic solidarity / Division of labor / Restitutive law / Repressive

law / Holism - Anomie

Dyad

جفت

مولکولی که ازدو اتم تشکیل شده است در گروه سنجی به شبکه ارتباطی متشکل از جفت دونفر اطلاق می‌شود.

ر. ک. Sociometry / Tetrad / Triad

تعادل پویا Dynamic equilibrium

به زعم ژرژ گودویچ (G. Gurvitch) ساخت همواره تعادلی پویا را می‌رساند، به معنای دیگر، تعادلی را می‌رساند که هر لحظه در حال دگرگونی است، پس ناپایدار و موقت است. از این روست که هر لحظه با ریزش ساخت (Destructuration) و ساخت یابی مجدد (Restructuration) مواجه هستیم.

ر. ک. Social equilibrium

Dynamics, Group

پویایی شناسی گروهی

ر. ک. Group dynamics

Dynamics, population

پویایی شناسی جمعیت

ر. ک. Demography

Dynamics, Social

پویایی شناسی اجتماعی

ر. ک. Social dynamics

پویایی Dynamism

دربرابر Staticism

دژکارکرد Dysfunction

در نظریه تعادل و در چارچوب کارکرد انگاری به کار می رود. هر آنچه در مجموعه ای، کار کردی ناموزون و مغایر با اجزاء دیگر باشد.

تباہ کننده نسل Dysgenic

(۱) مضر در راه تداوم ویژگیهای یک نسل
(۲) مانع تجلی صفات ارثی مطلوب، در برابر اصلاح کننده نسل (Eugenic).

روند تباہ کننده نسل - Dysgenic trend دژ روند

دگرگونیهایی که به تباہی صفات ارثی یک جمعیت می انجامد.

Dysphoria , Social

ناآرامی اجتماعی

ر. ک. Social Euphoria

Dysplastic بدریخت

در شناخت انواع شخصیت ازدیدگاه کرچمر، به گونه ای از خصایص جسمانی اطلاق می شود که در برابر انواع خاصی از بیماریهای روانی حساسیت دارد؛ (به نظرش بدریخت یا بدریختان نسبت به سکیزوفرنی Schizophreny حساسیت دارند) دو گونه دیگر عبارتند از پیک نیک (Pyknic) و لیپتوزوم (Leptosome)

E

- Eclectic** آمیختگاری
 به فارسی التقاطی نیز ترجمه شده است.
 حال آنکه با آن یکسان نیست. يك نظام
 التقاطی، در زبان روزمره، نظامی است
 ناهمگن، ناسازگار، ناسازگار و
 حال آنکه در این مفهوم محتوایی چنان منفی
 نیست. نظامی را می‌رساند غیر انحصاری،
 غیر اختصاصی و باز که در صدد گزینش بهترین
 شیوه‌هاست.
- Ecological concepts** مفاهیم محیط شناختی
 مجموعه واژگانی است که حرکت،
 انبوهی و سایر ویژگیهای انسانها را در بستر
 محیطی مشخص می‌کند، نظیر: اشغال محیط
 جغرافیائی، تجزیه فضایی جمعیت
 (Segregation) و ...
- Integralism, Holism**
- Eclecticism** آمیختگاری
Syncretism ر. ک.
- Ecological competition** رقابت محیط شناختی
 رقابت چند موجود زنده که در يك محیط
 باهم زندگی می‌کنند در تقسیم مواهب حیاتی.
- Ecological concentration** تجمع هم محور محیطی شناختی
- Ecological distance** فاصله محیطی - فاصله محیط شناختی
 جدایی دو نقطه در فضا است که با فنونی
 چون زمان - هزینه درجا بجایی از يك نقطه به
 نقطه دیگر احتساب می‌شود. بدینسان فاصله
 محیط شناختی بین محل x تا y ، با احتساب
 زمان لازم، بودجه نیروی انسانی ضرور جهت
 جابجایی افراد یا کالاهایی مشخص تعیین
 می‌شود.

Ecological gradient

مدرج محیط شناختی

(۱) میزان افزایش یا کاهش يك متغیر محیط شناختی در محدوده فاصله‌ای است که بین دو نقطه پدید می‌آید. (۲) منحنی حاصل از این افزایش یا کاهش .

Ecological interaction

گش متقابل محیط شناختی

Interaction

ر. ک.

Ecological mobility

تحرک محیط شناختی

توان حرکت ، میزان ، آهنگ، مسیر یا مسیرهای حرکت در بستر محیط .

Ecological position

وضع محیط شناختی

شرایط يك واحد زنده (انسان ، حیوان یا نبات) در يك محیط از نظر استیلا یا ضعف، برتری یا فروستى .

Ecological symbiosis

همزیستی تعاونی در يك محیط

ر. ک. Commensalism , Symbiosis

Ecologist

امحیط شناس

عالم در شناخت انسان و محیط - طرفدار

حمایت از محیط طبیعی

Ecology - شناخت روابط انسان و محیط

محیط شناسی

این مفهوم از زیست شناسی اخذ شده و بطور کلی عبارت است از مطالعه روابط بین گروههای انسانی و محیط آنان .

سه معنای خاص و متمایز از آن بر می‌آید:

- از طرفی روابط متقابل بین موجودات

زنده با یکدیگر و با محیط طبیعی است . به

این معنی شناخت روابط انسان و محیط از آن

مستفاد می‌شود . از دیدگاه کنزری

(Mac Kenzie) محیط شناسی انسانی ،

وابستگی متقابل و همچنین چگونگی تجمع

انسان را در سطح جغرافیایی رساند، محیط شناسی

اجتماعی ، به زعم او، مطالعه روابط زمانی و

فضایی موجودات انسانی است به این جهت

که این روابط از نیروهای گزیننده ، توزیع

کننده و انطباق یا بنده تأثیر بر می‌گیرند .

به زعم مودنو (I. Moreno) محیط شناسی

اجتماعی مطالعه روابط گروههای انسانی است

با مجموعه محیط آنان . به عبارت درست تر

وابستگی نهادها و چگونگی توزیع انسانها

در فضا و تعامل آنان با محیط است . بدینسان

ملاحظه می‌شود که از دیدگاهی روابط انسان

و محیط یا محیط شناسی به دو نوع انسانی

(Human) و اجتماعی تقسیم می‌شود . از

دیدگاه دیگر، شاهد گسترش شاخه‌ای دیگر از

آنیم یا نام محیط شناسی شهری

(urban ecology) . نظریه‌های گوناگونی

در مورد آن ارائه شده است ، از طرفی اولمن

(E. Ullman) از هسته‌های متمم‌ایز

(Separate nuclei) نام می‌برد، از طرف

دیگر هویت (Hoyt) نظریه قطاعی

(Sector theory) را عنوان می‌کند .

- در دیدگاه دوم ، این دانش صرفاً

- روابط انسان و محیط را دربر می گیرد . از
 این رو ، وایت (C.L.White) و دنو
 (G.T.Renner) در اثرشان «مقدمه‌ای بر
 محیط‌شناسی انسانی» مطالعه مناسبات مستقیم
 بین جمعیتها و محیط طبیعی آن را مطمح نظر
 قرار می‌دهند و تبیین تفاوتها را بیش از آنکه
 با توجه به مناسبات بین انسانها بجویند ، با
 در نظر گرفتن تمایزات محیط طبیعی به انجام
 می‌رسانند .
- (An Introduction to Human Ecology 1936)*
- در دیدگاه سوم ، که مخصوصاً توسط
 پارک (R.E.Park) عنوان شده است کنش و
 واکنش محیط‌شناختی که صرفاً جزئی از مناسبات
 گروهی است و در رابطه با محیط طبیعی
 صورت می‌گیرد ، با کنش و واکنش اجتماعی
 واقعی که زبان در آن دخالت دارد ، تمایز
 می‌یابد . «بدینسان ، محیط‌شناسی انسانی ، به
 مطالعه جهات غیرشخصی و دون اجتماعی
 گروه می‌پردازد ، در برابر روابط سیاسی و
 اخلاقی که جزئی از کنش و واکنش اجتماعی
 به حساب می‌آیند» .
- (Human ecology, PP : 1-15)*
- Synecology / Autecology / Commensalism/ Symbiosis
- Ecology , Human
 محیط‌شناسی انسانی
 ر. ک. Human ecology
- Ecology , Social
 محیط‌شناسی اجتماعی
 ر. ک. Social ecology
- Ecology, urban
 محیط‌شناسی شهری
 ر. ک. Urban ecology
- Economic approach
 رویکرد اقتصادی
 بررسی پدیده‌های اجتماعی از دیدگاه
 اقتصادی .
- Economic behavior
 رفتار اقتصادی
 بحران اقتصادی
 ر. ک. Economic crisis
- Crisis
 وابستگی اقتصادی
 ۱- وابستگی فرد یا گروهی است به
 جامعه به جهت کمکهائی که برای ادامه حیاتش
 بدون ارائه متقابل کالا یا خدمتی دریافت
 می‌دارد (سالخوردگان ، بی‌سرپرستان) .
- Economic dependency
 ۲- در مقابل ، این واژه ، آن روابط طبیعی
 را نیز که در خانواده به جهت نیاز حیاتی
 کودک به والدینش برقرار می‌شود ، می‌رساند .
 این واژه را نباید با وابستگی مالی
 (Financial dependency) که شرائط
 طبیعی فرد یا گروهی را می‌رساند کد برای
 استفاده و نه مبادله کار می‌کند (نظیر فعالیت
 خانه‌داری که قابل تبدیل به پول نیست)

- مشتبه ساخت .
Economic functions
 کارکردهای اقتصادی
 در کارکرد گرایی (Functionalism)
 به بافتیابی توجه می شود که در پیدایی شبکه
 کارکردهای عناصر اجتماعی در ارتباط با
 یکدیگر پدید می آیند . این کارکردها انواع
 گوناگون دارند که از آن جمله کارکردهای
 اقتصادی است . باز این کارکردها از نظر
 فایده و یا زیانی که حاصل می کنند ، انواع
 گوناگون دارند ، که از آن جمله اند کارکردهای
 مطلوب (Eufunctions) و کارکردهای
 نامطلوب (Dysfunctions)
 ر. ک .
Functionalism
Economic geography
 جغرافیای اقتصادی
 I - دو معنای بالنسبه متمایز از آن
 بر می آید :
 الف : مطالعه تاثیر محیط طبیعی بر
 فعالیت های اقتصادی انسان و یا رابطه بین
 پدیده های اقتصادی با توزیع جغرافیایی منابع .
 ب : مطالعاتی که هدف از آنان جای
 دهی و تنسيق پدیده های اقتصادی است در
 مناطق مختلف سطح زمین .
 II - در سالهای اخیر ، این بحث
 دامنه ای گسترده تر یافته است و تقریباً تمامی
 پدیده های اقتصادی را با در نظر گرفتن فضای
 جغرافیایی مطمح نظر دارد .
 در سال ۱۹۴۰ کلیم (L.E.Klim) و
 استادکی (O.P.Starkey) و هال
- ر. ک .
Dependency
 ر. ک .
Economic depression
 رکود اقتصادی
 ر. ک .
Economic recession
 رکود اقتصادی
 ر. ک .
Depression
Economic determinism
 جبر اقتصادی
 اعتقاد به اینکه عوامل اقتصادی تنها
 عوامل تعیین کننده در جامعه اند .
 ر. ک .
Determinism / Economism
Economic development
 توسعه اقتصادی
 بعدی است از توسعه به معنای وسیع آن
 که هم شامل توسعه اقتصادی و هم دربرگیرنده
 رشد (Growth) مادی است .
 ر. ک .
Development
Economic disorganization
 بی سازمانی اقتصادی
 اختلال در یک نظام که در جهت تولید یا
 توزیع یا مصرف ثروت اقتصادی فراهم
 آمده است .
Economic doctrines
 نظریات اقتصادی
 ر. ک .
Doctrine
Economic domination
 سلطه اقتصادی
 ر. ک .
Dominance
Economic fluctuations
 نوسانهای اقتصادی

(N.F.Hall) آن را مطالعه توزیع فعالیت‌های اقتصادی و ارتباط آنان با محیط جغرافیایی خواندند.

(Introductory Economic geography, P, 1)

به نظر هانتینگتن (E.Huntington)، توجه اساسی جغرافیای انسانی معطوف به کشف راههایی است که در آن توزیع شرایط طبیعی، شیوه‌هایی را که مردم در ارضای نیازهایشان نظیر غذا، پناهگاه، لباس و... به کار می‌برند، تحت تأثیر قرار دهد.

(Principle of Economic geography, PP, 1-2)

کالاهای اقتصادی Economic goods

I - کالاهای اقتصادی که شامل کالاهایی نادر، مفید و قابل عرضه در بازارند، موضوع اصلی مطالعات اقتصادی را تشکیل می‌دهند و در برابر کالاهای آزاد (Free goods) نظیر نور آفتاب، قرار می‌گیرند که معمولاً فراوانند و بهایی ندارند.

II - کالاهای اقتصادی را به دو نوع کالاهای مصرفی (Consumer goods) و کالاهای مولد (Productive goods) تقسیم می‌کنند. کالاهای مصرفی را بدان جهت که در پایان دور تولید جای دارند، کالاهای نهایی (Final goods) می‌خوانند، در برابر کالاهای مولد. این کالاهای مستقیماً در ارضاء خواسته‌های انسانی به کار گرفته می‌شوند.

Economic growth, Stages of مراحل رشد اقتصادی

ر. ک. Stages of economic growth
Economic incentives
انگیزه‌های اقتصادی

شبکه‌ای از عوامل و محرکاتی است که رفتار اقتصادی فرد را موجب می‌شوند.
Economic independence
استقلال اقتصادی

گامی در جهت استقلال سیاسی محسوب می‌شود که از طرق مختلف تحقق پذیر است: کاربرد حمایت از تولیدات داخلی (Protectionism)، اعمال شیوه‌های خودبستگی (Self - Sufficiency) به هر یک ر. ک.

Economic insecurity فقدان امنیت اقتصادی

عدم اطمینان به آینده اقتصادی. به جهت عواملی چون احتمال بیکاری، سالخوردگی، آسیب پذیری نهادها و سازمانهای اجتماعی.

حیات اقتصادی Economic life
امید بقاء و یا مدت زمانی است که هر یک از عوامل تولید، قدرت بهره دهی مقرون به صرفه داشته باشند، حیات اقتصادی کالاهای ثابت در جهان سوم با عوامل خاصی که استهلاک آنان را تشدید می‌کنند مواجهند که از آن جمله اند فقدان فرهنگ تولید صنعتی، عدم مهارت کارگران و ...

مدلهای اقتصادی Economic models
ر. ک. Models

Economic planning برنامه ریزی اقتصادی

راهبری و کنترل حیات اقتصادی یک

کشور در زمانی معین بر حسب الگوهای چند به منظور تحقق هدفهایی معین . برنامه ریزی جامع اقتصادی در آغاز در سال ۱۹۲۸ در روسیه با استقرار اولین برنامه پنج ساله صورت یافت . رژیم سوسیالیست ملی در آلمان نیز طرح اصلاح شده ای را در برنامه ریزی اقتصادی به منظور تقویت بنیه نظامی کشور و تحقق سیاست توسعه پذیرفت و اعمال کرد . جنگ دوم جهانی اعمال برنامه ریزی را ضروری تر ساخت ، همانطور که پیدایی نظامهایی چون سرمایه داری کنترل شده ، سرمایه داری ارشادی و...

فشار اقتصادی Economic pressure

هر نوع فشار که با کاربرد قدرت از طریق ابزار اقتصادی به کار رود. در معنای محدودتر، این واژه تحمیل منافع گروهها و یا شرکتهای خاص را از طریق فشار بر قانونگذاران می رساند . تحمیل گرایی (Lobbyism) ، سندیکالیسم ، پیدایی ، رونق و تعدد گروههای فشار (Pressure groups) ، در این زمینه موثرند .

ترقی اقتصادی Economic progress

Economic recession

پسرفت اقتصادی - بحران خفیف اقتصادی صورتی از صور نامطلوب حرکت در ماشین اقتصادی است . بعضی که به دوری بودن بحرانهای اقتصادی معتقدند، چنین می پندارند که در برابر رونق اقتصادی (Economic Prosperity) السوء

گونا گونی از رخوت ، کساد جلوه می کند که یا به صورت سستی اقتصادی (Economic flop) یا در چهره عسرت اقتصادی (Economic stringency) و یا رکود اقتصادی خود را می نمایاند و هر يك می توانند جزیی از بحران اقتصادی باشند . بحران خفیف اقتصادی نوعی خاص از آن است..

Economic sanctions

مجازاتهای اقتصادی - با دافرههای اقتصادی اعمال شیوههایی گوناگون نظیر محاصره کامل یا محدود اقتصادی است به منظور وادار ساختن کشوری به قبول شرایط مورد نظر. مجازاتهای اقتصادی می تواند صورت فردی یا جمعی ، کامل یا ناقص ، محدود یا نامحدود داشته باشد .

ر. ک. Social sanctions

Economic self - sufficiency

خود بسندگی اقتصادی

ر. ک. Economic independence, Autarky

Economic sociology

جامعه شناسی اقتصادی

شاخه ای است از جامعه شناسی که موضوع آن شناخت مناسبات و ابعاد اقتصادی در حیات اجتماعی است ، بدون پذیرش جبر اقتصادی (Economic determinism) و یا اقتصاد گرایی (Economism) . می توان پذیرفت که ماهیت و ویژگیهای اقتصادی يك جامعه

- درماهیت ، ویژگی و تطور آن جامعه تأثیری
بسیار دارد و شناخت این رابطه متقابل بین
اقتصاد و جامعه مورد توجه این شاخه از دانش
انسانی است .
- Economic stagnation** رگود اقتصادی
- Economic statistics** آمار اقتصادی
- Economic structures** ساختهای اقتصادی
- Economic substructure** زیر ساخت اقتصادی
- مفهومی است از ماركس (K.Marx).
به نظر او مهمترین متغیر در شناخت جامعه
است با دو جزء به این قرار :
۱- وسایل تولید :
(Means of Production) . ۲- روابط
تولید (Relations of Production)
- Structure/Infrastructure** ر. ك .
- Economics** علم اقتصاد
- دانشی است از خانواده علم انسان که
تولید، توزیع کالاها و خدمات را مورد نظر
دارد. با توجه به ابعاد گسترده اش شاخه ها و
رشته های بسیار دارد، از آن جمله :
- Applied economics** اقتصاد کاربردی - اقتصاد اعمالی
- Econometrics** اقتصاد سنجی
- Macro-economics** اقتصاد کلان
- Micro-economics** اقتصاد خرد
- Practical economics** اقتصاد عملی
- Theoretical economics** اقتصاد نظری
- Economic systems** نظامهای اقتصادی
- مجموعه هایی بهم پیوسته که در درون
آنان روابط متقابل اقتصادی شکل می گیرند.
نظامهای اقتصادی جهان گوناگونند. از جمله :
سرمایه داری لیبرال ، نظام اشتراکسی ،
سرمایه داری ارشادی و ...
- Liberalism , Communism** ر. ك .
- Capitalism , Collectivism**
- Economic theories** نظریه های اقتصادی
- Economic thoughts** اندیشه های اقتصادی
- Economic under-development** توسعه نیافتگی اقتصادی
- اقتصادی است که در آن شاخصهایی
نظیر فقر، بیسوادی ، نارسایی تغذیه ، بیکاری
رشد سریع جمعیت ... به چشم می خورد .
- Under-development** ر. ك .
- Economic values** ارزشهای اقتصادی
- Value** ر. ك .
- Economies , External** صرفجویی های برونی
- External economics** ر. ك .
- Economism** اقتصاد زندگی
- تأکید بیش از اندازه و افراطی بر بعد
اقتصادی است در حیات انسانی . از دیدگاه
معتقدان به این مکتب ، همه پدیده های حیات

- انسانی از اقتصاد منشاء می گیرند، پس تابع نظام اقتصادی هستند .
- Geographism / Sociologism / ر. ک.
- Economic determinism
- اقتصاددان ، عالم اقتصاد Economist
- Economists , Classical
- اقتصاد دانان کلاسیک
- Classical school ر. ک.
- Economy اقتصاد ، دستگاه اقتصادی
- سازماندهی وسایلی است که با آنان کالاها و خدمات لازم و مورد آرزو تولید می شوند و بین اعضاء يك جامعه توزیع می گردند .
- Economy , Collecting
- اقتصاد جمع آوری
- Collecting economy ر. ک.
- Economy , Deficit اقتصاد کاستی
- Pain economy ر. ک.
- Economy, Handicraft
- اقتصاد صنایع دستی
- Handicraft economy ر. ک.
- Economy of abundance
- اقتصاد فراوانی
- در برابر شرایطی چون اقتصاد ندرت (Economy of scarcity) و اقتصاد رنج (Pain economy) شرایطی را می رساند که در آن (۱) میزان مصرف بالاست. (۲) تبذیر کالاها و فراورده های تولید شده به وفور به چشم می خورد. (۳) رفاه زدگی از ارکان حیات اجتماعی بحساب می آید. (۴) تغذیه بیش از اندازه (Over - nutrition) موجبات پیدائی بیماریهای تازه ای را فراهم می سازد.
- ر. ک: Affluent society
- Economy of abundance
- اقتصاد وفور
- Economy of Scarcity
- اقتصاد ندرت
- Pain economy ر. ک.
- Economy of Subsistence
- اقتصاد بخور و نمیر، معیشتی
- نوعی خاص از نظام اجتماعی - اقتصادی است که در آن تولید کننده فقط برای مصرف خود بد تولید می پردازد و حداقل معیشت را تأمین می کند. اقتصاد سنتی و مخصوصاً کشاورزی از نوع خانوادگی یا عشایری چنین نوع تولیدی را تشویق می کرد . این اقتصاد از خود بسندگی (Autarky) در حد افراد برخوردار است و باید آن را اقتصاد بسته نامید. این اقتصاد در برابر اقتصاد بازار و پولی قرار می گیرد .
- Economy , Pain
- اقتصاد رنج
- Pain economy ر. ک.
- Economy , Pleasure
- اقتصاد لذت
- Surplus economy ر. ک.
- Economy , Surplus
- اقتصاد دارای مازاد
- Surplus economy ر. ک.

- Ecosystem** زیست بوم
محیط طبیعی خاص و همه گیاهان و حیواناتی که در آن زیست می کنند .
- Editor** ویراستار
- Editorship** ویراستاری - ویرایش
- Education** پرورش - تربیت - پرورش و آموزش
در برگردان این واژه ، ابتدا فرهنگ به کار رفت . آنچه چنانکه واژه Ministry of Education وزارت فرهنگ خوانده شد . سپس مفهوم آموزش و پرورش در برابر آن بکار آمد و وزارت آموزش و پرورش از آن ناشی شد . انجمن لغات و اصطلاحات علوم اجتماعی ، واژه پرورش را در برابر آن قرار می دهد که آموزش عمقی با ایجاد گرگوئیهای اساسی در شخصیت متعلم را در بر می گیرد .
- بدین معنی ، پرورش هم به معنای انتقال تمامی میراث فرهنگی بشر از نسلی به نسل دیگر با ابداع شیوه های بدیع آموزش است و هم به معنای ساختن فکر متعلم است ، آنچه چنانکه آموزش تنها صورت پرکردن مغز و انباشتن آن نیابد . بلکه چنان توانایی و کارایی در جوان پدید آورد که خود نیز بتواند بیندیشد و مخصوصاً چنان اشتیاق آموزش را در او برانگیزد که خود آموز شود .
- Education , Adult** آموزش بزرگسالان
Adult education ر. ک.
- Education , Sociology of** جامعه شناسی - پرورش و آموزش
Sociology of education ر. ک.
- Education , Compulsory** آموزش اجباری
Compulsory education ر. ک.
- Educational homogamy** همسرهمسانی تحصیلی
Homogamy ر. ک.
- Educational organization** سازمان پرورشی
- Educational Psychology** روانشناسی پرورشی
- Educational quotient** بهره پرورشی
که به صورت E. Q. نشان داده می شود .
Intelligence quotient ر. ک.
- Educational Sociology** جامعه شناسی پرورش و آموزش
Sociology of education ر. ک.
- Educational System** نظام تربیتی ، نظام آموزش و پرورش
کارایی ، کارآمدی Efficiency
- نسبت کارایی در شرایطی معین با متغیرات گوناگون تعیین می شود ، لیکن معمولاً با احتساب میزان هزینه ها (انسانی - فضایی - تجهیزاتی) ، زمان و بازده نهایی صورت Efficiency rate نسبت کارایی

- و همچنین دیگر خواهی (Altruism) . پذیر است .
- Efficiency , Technical** کارآیی فنى
- Technical efficiency** ر. ك. ك. ر. ك.
- Efficient capital** سرمایه کارآ
- فرانسوا پارد (F. Perroux) آن سرمایه را که بدون افزایش کار و حتی با کاهش آن، موجبات حفظ و حتی افزایش کالاها و خدمات مورد لزوم را فراهم سازد، به این نام می خوانند .
- Capital** ر. ك. ك. ر. ك.
- Efficient cause** علت کارآ
- Cause** ر. ك. ك. ر. ك.
- Egalitarianism** برابر انگاری
- آیینی است در اندیشه که بر اساس آن همه قشرها، گروهها و طبقات اجتماعی بطور نسبی حایز نقاط ضعف و قوت مشابهی هستند، از این رو برابر انگاری سرپیچی از بدرسمیت شناختن دیگری است به عنوان موجودی متفاوت و عسدم پذیرش تمایز انسانهاست مخصوصاً از نظر تواناییهای ذاتی .
- Equalitarianism** ر. ك. ك. ر. ك.
- Ego** من
- Egocentrism** خود مرکزی
- بد صورت Egocentricism نیز آمده است .
- Egoism** خود خواهی
- و همچنین دیگر خواهی (Altruism) .
- Egoism , collective** خود خواهی جمعی
- Collective egoism** ر. ك. ك. ر. ك.
- Egoism , National** خود خواهی ملی
- National egoism** ر. ك. ك. ر. ك.
- Egoistic suicide** خود کشی خود خواهانه
- در برابر خود کشی دیگر خواهانه (Altruistic Suicide) . به زعم دور کیم نوعی خاص از خود کشی است که در آن عوامل مثبت از خویشتن عامل دست زدن به خود کشی است .
- Suicide** ر. ك. ك. ر. ك.
- Egolatry** خود پرستی
- Egology** خود شناسی
- Egotism** من گویی ، خود گرایی
- حالت روانی خاصی است که در آن فرد لایق قطع کلمه «من» را تکرار می کند، در تعبیر وسیع تر نوعی خود گرایی است .
- Egotism , collective** من گویی جمعی - خود گرایی جمعی
- Collective egotism** ر. ك. ك. ر. ك.
- Egotist** من گو - خود گرای
- Elaboration** تعبیه آمایی
- ۱- در روشهای تحقیق، کار بر روی داده های خام آماری و تجزیه و تحلیل آنان .
- ۲- در فلسفه، وضع و تعبیه (يك نظریه، يك

مکتب) . ۳- در علوم طبیعی، کاربرد روی مواد خام طبیعی (نظیر نفت) جهت دگرگون ساختن آن و بدست آوردن مواد و کالاهای دیگر .

انعطاف پذیر، دارای کشش Elastic

انعطاف پذیری Elasticity

رغبت Elective affinity

این اصطلاح در آغاز در علوم طبیعی به کار رفت و ویژگی خاص برخی از اجسام را می‌رساند که تمایل به ترکیب با جسم خاصی بیش از اجسام دیگر دارند . در علم انسان توسط متفکرانی چون ماکس وبر ، ماکس شلر، کارل مانهایم و ... به کار رفت . در جامعه‌شناسی دانش‌پیدایی اندیشه‌ها به هنگام آمادگی شرایط اجتماعی از آن برمی‌آید. در جامعه‌شناسی خانواده ، گرایشهای عاطفی خاص به بعضی از انسانهاست توسط انسانی دیگر که در نهایت فرایند گزینش همسر را برمی‌انگیزد .

عقدة الکترای Electra complex

واژه‌ای است از فروید (S.Freud) که از اساطیر یونان اخذ شده است . به نظر فروید در جریان کودکی (حدود سه سالگی) دختر به فقدان آلت مردانه در خود و مادرش پی می‌برد . پس از آن در صدد برمی‌آید که با پدر ارتباطی نزدیکتر برقرار سازد، این حالت روانی در مواردی با آگاهی بیشتر دختر رفع می‌شود و گرایش او به مادر و پدر هر دو صورتی طبیعی می‌یابد، لیک همواره چنین نیست، از این‌روست که چنین شخصی از پذیرش نقش

خود به عنوان زن عاجز می‌شود و ارتباطش با مردان و زنان صورتی غیرعادی می‌یابد .

ر. ک. Complex / Oedipus complex

برگزیدگان ، زبدمان ، سرآمدان Elite

برجستگان ، نخبگان

I - آنانکه در رأس جامعه ازدیدگاه اقتصادی ، فرهنگی ، سیاسی و ... جای می‌گیرند. بدینسان از نظر زمینه یا قلمرو انواعی بسیار گوناگون از سرآمدان می‌توان شناخت (نظیر سرآمدان مالی Financial elite ، سرآمدان فنی، سرآمدان سیاسی و ...) در زمره اولین متفکرانی که به آن توجه کردند، پارثو (V. Pareto) ، موسکا (G. Mosca) و میچلز (R. Michels) را باید نام برد. هر سه آنان به برگزیدگان سیاسی توجه داشتند. پارثو در جلد سوم اثرش «ذهن و جامعه» (۱۹۳۵) سرآمدان سیاسی را از سرآمدان غیرسیاسی جدا کرد و توجه خود را معطوف به گروه اول نمود . موسکا در اثرش «طبقه حاکم» (۱۹۳۵) معتقد به تقسیم تاریخی طبقه حاکم و طبقه‌ای است که بر آن حکومت می‌شود. این دو به تقسیم قدرت در کل جامعه می‌انديشند و حال آنکه میچلز در اثرش «احزاب سیاسی» (۱۹۵۹) به توزیع قدرت در درون احزاب توجه کرده ، نوشته آن کس که سخن از سازمانی می‌راند، باید سخن از حکومت گروهی اندک راند. این هر سه سرآمدان را اقلیتی می‌بینند

و جزئی از آنان را (سرآمدان سیاسی) به تحلیل می‌نهند و حال آنکه دایت هیلز (C. Wright Mills) در اثرش با نام «سرآمدان قدرت» (۱۹۵۶) کل سرآمدان یک جامعه (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و...) را مطمح نظر قرار داده، پیوند درونی آنان را به سنجش نهاده است، او در این اثر به الف) تشابه خانوادگی، فکری، طرز تلقی سرآمدان. ب) رفت و آمد و ارتباط خانوادگی سرآمدان. پ) ارزشهای بالنسبه مشابه آنان اشارت دارد.

در برابر این اندیشمندان در سالهای اخیر لاسول (H.D. Lasswell) سرآمدان را آنانی می‌داند که بیش از همه حایز ارزشها هستند و کنترل جامعه را در دست دارند. درین معنی، باید به تعداد ارزشها، سرآمدان تعدد پذیرند (سرآمدان سیاسی، علمی، مالی، اعتباری و...)

(H. D. Lasswell, D. Lerner, C. E. Rothwell: *the Comparative Study of elites*. P. 6)

II - عوامل ارتقای سرآمدان، تبلور و تبحر آنان و تعارضی که با مردم سالاری می‌یابند، زمینه‌های گسترده‌ای در مباحث جامعه شناسی یافته‌اند:

الف) از نظر علل و عوامل ارتقا نخبگان به انواعی چند تقسیم می‌شوند نظیر آنانکه به جهت خاندان خود در زمره سرآمدان جامعه

به حساب می‌آیند (آریستوکراسی)، یا آنانکه با کار و کوشش خود ارتقا یافته‌اند (که آنان را نخبگان خود ساخته *Self-made elite* می‌خوانند). در قوم مرکزی نژادی، ویژگیهای اساسی سرآمدان ارثی تلقی می‌شود. درین نظریه در صورت تعدیل پذیرفته می‌شود که برجستگان از پیوندن برتر با شرایط اجتماعی ممتاز تبلور می‌یابند.

ب) از نظر قشر بندی اجتماعی، زمانی که سرآمدان یک جامعه تثبیت می‌شوند، تمایل به بستگی و تبحر یا بند و سرآمدان مستقر یا جا افتاده (*Established elite*) خوانده می‌شوند. همین قشر مستقر، زمانی که فرسایش درونی می‌یابد عوامل ارتقا در آنان محو می‌شوند و جزو چهره‌ای از آن برجای نمی‌ماند، پیدایی دو نوع زبندگان را موجب می‌شود: سرآمدان رسمی (*Formal elite*) یا صوری و سرآمدان واقعی (*Real elite*)، یعنی آنانکه به ظاهر در رأس هرم قدرت یا منزلت جای دارند و آنانکه بواقع حایز شرایط لازم هستند. پ) از این رو بسط زمینه‌های مردم سالاری و ایجاد امکاناتی در تغییر پذیری نخبگان، امکان تأثیر غیر نخبگان بر سرآمدان، موضوع مطالعاتی اساسی در جامعه شناسی شد. شوهمپتر (J.A. Schumpeter) در اثرش سرمایه‌داری، سومیلیسم و مردم سالاری (۱۹۵۹) تعدد گروههای نخبه را به صورت احزاب سیاسی، رقابت آنان و همچنین باز بودن این احزاب را راهی در تحقق مردم سالاری می‌داند.

Elite , circulation of

دوران نخبگان

Circulation of elite ر. ک.

Empancipation رهایی

Empancinator رهایی بخش

Emergent evolution تطور برآینده

تطوری اجتماعى یا زیست شناختی که صورت جهشی یابد و نه در یک بعد بلکه چند بعد صورت گیرد.

Creative evolution / ر. ک.

cumulative evolution/ evolution,
Social evolution

Embourgeoisement بورژوا شدن

گرایش به اخلاق، ارزشها و شیوه زندگی بورژواهاست مخصوصاً در طبقه کارگر در درون جوامع صنعتی، چنین گرایشی به دیگر گونی در ساخت مصرف، ساخت شفلی و بطور کلی نوع و ویژگی جامعه صنعتی منتهی می شود، از نظر طبقاتی نیز همگنی نسبی جامعه را موجب می گردد.

Bourgeoisie ر. ک.

Emigration مهاجرت به خارج

Migration ر. ک.

Emotion عاطفه، هیجان

Emotional dimensions ابعاد عاطفی

در تحلیل عمل انسان در برابر ابعاد عقلانی و ... به کار می رود.

Emotional dependency

وابستگی عاطفی

تعلق مفرط عاطفی به فرد، گروه یا یک سبک. این حالت روانی می تواند به ازخوابستن دورماندگی، تقلید کور کورانه و دیر کرد بلوغ ذهنی بینجامد.

Dependency ر. ک.

Emotional response

پاسخ عاطفی

در برابر پاسخهایی مبتنی بر خرد (Rational)، این نوع پاسخها بدون تأمل صورت می گیرند، معمولاً انفجار آمیز، تند و پراکنده، بدان پاسخهای هیجانی نیز اطلاق می شود. چه، ابعاد حرکتی در آنان بسیاری قوی است.

Collective response ر. ک.

Emotionalism عاطفه گرایی

مکتبی که عواطف را مرکز حرکت و عامل اساسی در تشکّل واکنشهای انسانی می داند.

Empathy همدلی - یکدلی

خود را بد جای دیگری نهادن و احساس او (غم، شادی و ...) را درک کردن.

Intropathy / Apathy / ر. ک.

Sympathy / Antipathy / Telepathy

Empirical data

داده های تجربی، یافته های تجربی

Empirical knowledge دانش تجربی

در برابر دانش نظری

(Theoretical Knowledge)، دانش متکی

بر تجربه را می‌رساند.

Empiricism

تجربه‌گرایی

از واژه Empirikos به معنای تکیه بر

تجربه و مشاهده در هر مرحله از تحقیق گرفته شده است. در فارسی معادلهائی نظیر اصالت

تجربه، مسلک تجربه، تجربه‌حسی یافته‌است.

مکتبی است فلسفی که بر پایه آن هر دانش بر

تجربه حسی متکی است. برجستگان این

مکتب لاک (Locke)، هیوم (Hume) بیکن

(Bacon) بوکلی (Berkeley) و همچنین

هربرت اسپنسر (Spencer) هستند.

درین آیین اندیشه آنچه از طریق درون‌نگری

(Introspection) به دست آید و فرد

صرفاً با تعمق در خود سعی در درک دیگران

کند، مطرود است. باز درین مکتب آنچه

صرفاً بر قیاس اتکا باید نیز مطرود است.

تجربه‌گرایی به عنوان یک نظریه علمی

(۱) آیینی است که در آن هر چند نظریه اساسی

و مطلوب تلقی می‌شود، ولی اعتبار نظریه

بر مشاهده و تجربه قرار دارد. (۲) در معنای دوم

آیینی است که در آن هر نظریه مطرود تلقی

می‌شود.

در معنای اول، این مکتب، طرفداران

بسیاری در دنیای امروز دارد و حال آنکه

معنای دوم از آن مکتبی نامقبول پدید می‌آورد.

اگر در قلمرو دانش، تجربه‌گرایی، نظریه و

تجربه را در مقابل هم می‌نهد، (که در نهایت

باید پایه و اساس هر نظریه بر تجربه استوار

باشد و در غیر این صورت قابل پذیرش نیست)

در قلمرو اخلاق و سیاست در تجربه‌گرایی

اصول و تجربه در برابر هم قرار می‌گیرند،

یعنی طبق این آیین باید اصول اخلاقی و

سیاسی تماماً بر تجربه متکی باشند و در غیر

این صورت قابل پذیرش نیستند.

Empiricist

تجربه‌گرای

Employee, Household

کارمند خانگی

Household employee

ر. ک.

Employment

اشتغال

Employment, Full

اشتغال کامل

Under-employment,

ر. ک.

Unemployment

Employment, Household

اشتغال در خانه

Household employment

ر. ک.

Employment, Rate of

میزان اشتغال

Employment volume

حجم اشتغال

کل افرادی که در زمان و جامعه‌ای خاص

مشغول کارند.

Empty nest

آشیانه خالی

در معنای خاص، بد زمانی اطلاق می‌شود

که خانه از فرزندان (بد جهت مهاجرت آنان

بد خاطر ازدواج و یا ...) خالی شده است.

Emulation

هم چشمی

سبقت جویی در جهت وصول به هدفهایی پذیرفته شده از جانب جامعه است. با رقابت (Competition) ازین جهت تمایز دارد که در آن شرایط انحصاری توفیق و موفقیت يك یا چند نفر وجود ندارد. از نظر روانی آموزه‌ای است از تقلید و رقابت.

Competition

ر.ك.

Enculturation

فرهنگ آموزی

I - این مفهوم توسط هرسکودیتس (M.J. Herskovits) به سال ۱۹۲۸ وارد دانش اجتماعی شد. تعریف وی از آن چنین است: «جهانی از تجربه آموزشی که انسان را از وجودات دیگر مشخص می‌دارد و از طریق آن فرد به احراز صلاحیت در فرهنگ خویش دست می‌یازد، فرهنگ آموزی خوانده می‌شود».

(Man and his work.s,

P. 48)

به نظر هرسکودیتس، فرهنگ آموزی فرایندی است پیچیده که در تمام عمر صورت می‌پذیرد، ليك در مراحل مختلف حیات صوری متمایز می‌پذیرد. بعنوان مثال، فرهنگ آموزی در کودکی صورت فرایندی تحمیلی می‌یابد، ليك با رشد فرد و رسیدن به بزرگسالی، فرد با آگاهی بیشتری می‌آموزد که ارزشهای جامعه‌اش را بپذیرد یا طرد کند. هرسکودیتس

تلویحاً می‌پذیرد که فرد با سلسله سازوکارهایی (مکانیسم) ارثی به دنیا می‌آید که ناچار برای زندگی در جامعه باید آنرا با فرهنگ آموزی در جهت موافق با زندگی اجتماعی دیگرگون سازد.

II - فرهنگ آموزی با فرهنگ پذیری

(Acculturation) از طرفی و اجتماعی

شدن (Socialization) از طرف دیگر تمایز

می‌یابد. چه، فرهنگ پذیری را بیشتر در مورد آموزش فرهنگی جامعه‌ای دیگر به کار می‌برند و به زعم هرسکودیتس «این مفهوم وسیع‌تر از اجتماعی شدن است، زیرا نه تنها تمامی سازگاریها با حیات اجتماعی بلکه تمامی فرایند ارضای خواستها هر چند جزئی از تجربه اجتماعی بشمار می‌روند ليك بیش از آنکه از پیوند با دیگران منبث شوند، تجلی فردی دارند» (Ibid, PP: 39-40)

ر.ك. Socialization, Acculturation

Endocannibalism

«هنوع خواری درون گروهی

اقدام به خوردن گوشت هنوعی متعلق به گروه اجتماعی خویشان.

ر.ك. Anthropophagy/cannibalism

Teknophagy/Homicide.

درون همسر Endogamous

درون همسری Endogamy

در برابر برون همسری (Exogamy)

از پیشوند Endon به معنای داخل، در و Gamos ازدواج گرفته شده است. به معنای رسم گزینش همسر از درون گروه خویش است. این گروه می تواند يك گروه نژادی باشد، یا يك کلان، یا يك گروه هم مسلک. درون همسری به ثبات گروه كمك می کند و شدت یا ضعف آن میزبان بسته بودن گروه را در برابر خارج نشان می دهد. این مفهوم توسط مك لئنان (J.F. McLennan) وارد مردم شناسی شد.

Endogamy, Types of

انواع درون همسری

Cultural endogamy

درون همسری فرهنگی

ناشی از بستگی فرهنگی است. برخی از فرهنگها ذاتاً تمایلات درون گرایانه دارند؛ برخی دیگر در وضعی خاص بدان تن در می دهند، نظیر فرهنگ يك اقلیت که در بطن فرهنگ وسیع نوعی زیر فرهنگ (Sub-culture) یا پاره فرهنگ (Part-culture) فراهم می آورد.

Ethnical endogamy

درون همسری قومی

توماس و زنانیخی در بین لهستانیهای مهاجر در امریکای شمالی چنین پدیده ای را بوضوح مطرح ساخته اند.

Geographic-endogamy

درون همسری جغرافیایی

شرایط خاص جغرافیایی در يك منطقه

موجبات دور افتادگی آنرا فراهم می سازد و ساکنان هر جغرافیای منزوی یا تك افتاده (Isolate) بناچار به ازدواج درونی می پردازند.

Partial endogamy جزئی

زمانی است که يك جامعه درون همسری را نه به عنوان پدیده ای عام و رایج بلکه جزئی و خاص قسمتهایی از کل آن تلقی می کند (در برابر درون همسری تام)

Racial endogamy نژادی

پیدایی نظامهایی چون آپارتاید (Apartheid) به تجزیه نژادی هم از نظر قانونی و هم در عمل منتهی می شود.

Racial mixture / Miscegenation

درون همسری دینی ~ Religious ر. ک

Social endogamy

درون همسری اجتماعی

بسته بودن طبقات اجتماعی موجبات ازدواج اضطراری اعضای آن را با یکدیگر فراهم می سازد. در نظام مراتب (Estate) درون همسری و همچنین ارثی بودن مشاغل رایج است؛ يك نظام کاستی، مشخص ترین نمونه درون همسری اجتماعی است، چه، بناچار در چنین نظامی انسانها محکوم خواهند بود در درون کاست خویش تن به ازدواج دهند.

ر. ک. Caste / Indian caste

system / Pariah / untouchables /

Social stratification

- ر. ك. Social engineering** درون همسرى تام Total endogamy
 كارفرماى اقتصادى، Entrepreneur
 گرداننده واحدهاى توليد به افرادى اطلاق مى شود كه عناصر اساسى توليد را جهت بارور ساختن آنان بهم مى آموزند. واحدى كه پديدمى آورند موسسه اقتصادى (Enterprise) است.
- ر. ك. Enterprise** گروه خودى Endogroup
 مربوط به كارفرما Entrepreneurial
 يا گرداننده واحد اقتصادى
- محيط گرایی Environmentalism**
 مكتبى است كه بر محيط پيرامون انسان، اعم از محيط انسانى و طبيعى تأكيد مى ورزد. محيط طبيعى را از آن رو سخت مورد توجه دارد كه بستر حيات است و سلامت و درستى حيات بدان وابسته است. در آغاز، محيط طبيعى عامل اصلى تعيين كننده حيات بود، ليك با ارتقاى فرهنگ فنى بشر بر آن چيرگى جست، با اينهمه، همين چيرگى سخت و انقياد تام طبيعت، بدانجا كشيد كه بستر حيات انسانى سخت فاقد تعادل شد و مجموعه محيط طبيعى خاص (Ecosystem) آشفته گشت. درياها زباله داني بزرگ شدند و رودخانه ها به كثافت سيالى تبديل گشتند. صدهاى مهيب و مداوم از حساسيت شنوايى كاست و آلودگى (Pollution) مشغله اساسى انسان گشت
- ر. ك. Synecology / Ecosystem** مهندسى اجتماعى Engineering, social
- ر. ك. Exogamy / Connubium** گاه رسمى چون سورورا (sororate) يا لويرا (Levirate) يا قداست زناشويى با دختر عمو به مضاعف شدن درون همسرى منتهى مى شود.
- ر. ك. Family / Marriage** حقوق مدنى بافتن - Enfranchisement
 از بند رستن - حق يابى
 به معنای رستن ورهاى است در قلمرو سهاى و مخصوصاً به دست آوردن حق رأى. در نظام آپارتايد (Apartheid) سياه حق مشاركت در سر نوشت خویش از طريق گزينش مسئولان را از دست مى دهد، در بسيارى از كشورها هنوز زنان حايز چنين حقى نيستند، در بين نژاد پرستان امريكا در آغاز حتى زمانى كه سياهان حق رأى يافتند، لزوم پرداخت ماليات و مخصوصاً شرط داشتن سواد باز بسيارى را از حق طبيعى دادن رأى محروم مى ساخت.
- ر. ك. Albocracy / Apartheid / Feminism / Suffragette**

Ecology / Autecology Human

ecology

Environmentalist

محیط‌گرایی

Ephemeral group

گروه‌گذرا

Groupe

ر. ک.

Epicureanism

اپیکورگرایی

پیروی از آیین اپیکور فیلسوف آتنی است که لذت‌جویی را هدف‌غایی می‌داند؛ لیک آن لذت که اپیکور در طلبش بود، همانند کامجویی عیاشان و دنیاداران نیست و حقیقت این است که اپیکور و پیروانش نزد مردم به خوش‌گذرانی و عشرت‌رانی معروف شدند و هم اکنون اروپایان عیاشی و کامرانی را زندگی «اپیکودی» خوانند، اما عقیده عامه درباره اپیکوریان ناشی از عدم غور در فلسفه ایشان بوده و حقیقت این است که اپیکور از مرتاضان به‌شمار می‌رود. چه خوشی که اپیکور دنبال می‌کرده، آسایش نفس و خرسندی خاطر بود که دوام دارد نه شهوات و لذات آنی که گذرنده است.

(امحمد علی فروغی سیر حکمت در اروپا،

جلد اول چاپ تهران مصور ۱۳۴۴ ص ۴۵)

خود او می‌گوید (اپیکور) در حالی که

به نان و آب روز می‌گذرانم تنم از خوشی سرشار است و بر خوشیهای تجمل آمیز آب دهان می‌اندازم نه به خاطر خود آن خوشیها بلکه به خاطر سختیایی که در پی دارند ... (نویسنده تاریخ فلسفه غرب جلد اول -

Ascetism / Hedonism .

Epidemic

همه‌گیر

۱) در زمینه بیماری، پخش سریع آن در یک جمعیت و رسوخ به تمامی مردم در زمانی کوتاه است. ۲) در زمینه‌های اجتماعی و روانی، فرایند پخش سریع یک رسم، مد، عادت یا اندیشه و رسوخ به تمامی مردم در زمانی کوتاه را می‌رساند. ۳) شرایط خاصی که نیز موجبات بسط سریع یک بیبزاری، یک مد، یا اندیشه را فراهم می‌سازد از آن برمی‌آید. که در صورت افراطی بودن، آن راهم‌گیری مفرط (Pandemic) می‌خوانند.

Epidemic social همه‌گیری اجتماعی

Social epidemic

ر. ک.

Epidemiology

شناخت امراض

همه‌گیر، همه‌گیر شناسی

به معنای شناخت امراض شایع در گروه‌های خاص و انواع عوامل و عللی است که موجبات بروز بیماری را فراهم می‌سازند.

Epistemology

معرفت شناسی، شناخت شناسی

به نظر لالاند (Lalande)، معرفت‌شناسی مطالعه انتقادی اصول، فرضیه‌ها و نتایج علوم گوناگون است. درین مبحث مبداء منطقی دانشها، ارزش و برد عینی انسان به بحث نهاده می‌شود.

در معرفت شناسی، نه تنها به دانشها در

می توانند در برابر قانون برابر شناخته شوند، ليك در عمل همگان امکان برخورداری از آن را نداشته باشند .

Equilibration

تعادل بخشی - تعادل یابی

(۱) بین نیروها و قدرتها ایجاد تعادل نمودن

(۲) شرایطی که با این فرایند پدید می آیند.

تعادل پویا Equilibrium, Dynamic

ر. ک. Dynamic equilibrium

Equilibrium, Social

تعادل اجتماعی

ر. ک. Social equilibrium

Erosion measures

فرسایش سنجی - سنجه های

مبتنی بر فرسایش

در روشهای تحقیق در دانشهای اجتماعی، وب (webb) و همکارانش، آثار مادی و ملموس را مورد توجه قرار داده، در زمره شیوه های مرتبط با سنجه های غیر واکنشی یا نامزاحم (unobtrusive measures) بکارشان می گیرند. فرسایش سنجی، اندازه گیری میزان فرسایش وسایل مادی است که در صورت صحت بیان پاسخگو به انجام عمل، می تواند گواه صحت مدعا باشد. نمونه های خاص چنین مطالعاتی را می توان بدین قرار دانست: هنگامیکه میزان استفاده از یک کتابخانه و یا کتابی خاص مورد مطالعه است، میزان فرسایش کتابها می تواند دلیلی بر حجم کاربرد آنان باشد، یا زمانی که قرار است میزان فعالیت پلیس راهنمایی

حد کلی نظر می شود، بلکه در مورد هر دانش نیز معرفت شناسی بطور اخص اظهار نظر می کند. به عنوان مثال، در معرفت شناسی جامعه شناسی سخن از شناسایی خاستگاه منطقی این دانش است، همانطور که در آن سخن از وظایف ویژه آن دانش نیز می رود.

Epoch دور

با مفاهیم Era (دوران)، Age (عصر)

یا Period (دوره) اشتباه نشود.

ر. ک.:

Equal برابر

Equalitarian family

خانواده برابری یافته

ر. ک. Family / Patriarchal family /

Matriarchal family

برابری خواهی Equalitarianism

نظریه ای که بر اساس آن سعی در یکسانی فرصتها (اعم از اجتماعی، اقتصادی و آموزشی) به منظور رفع هر تبعیض (Discrimination) یا تجزیه (Segregation) بین انسانها، بعمل می آید.

Social parity / Egalitarianism

ر. ک.

برابری Equality

همانندی پایگاه اجتماعی، فرصتها، حقوق، سمتها و امکانات و نیز مسائل و مسئولیتها. به نظر مارکس گرایان برابری رسمی با برابری واقعی متمایز است: همه

- مشتبہ نشود .
 نھان گروه
 Esoteric
 اسپرانتو
 Esperanto
 پیدائی وسایل و ابزار ارتباط، چه بصورت
 وسایل ارتباط جمعی، چه ابزار حمل و نقل، با
 خود، کوچک شدن کره زمین و نزدیکی ملل
 را بهمراه آورد. کشورهاییکه فرسنگها دور از
 یکدیگرند، درین عصر، همسایه دیوار به
 دیوار یکدیگر شدند. انسانهاییکه نیاکانشان
 هرگز از شهر خود خارج نشدند، تحرک
 جغرافیائی بی سابقه ای یافتند. پیدائی اقمار
 موجبات انتشار اخبار و اطلاعات را در سطح
 جهانی با سرعتی بی سابقه فراهم ساخت، همانطور
 که برد وسایل ارتباط را بطرزی بی سابقه
 گسترش بخشید. تمامی این عناصر به تکوین و
 سپس بسط فرهنگ جهانی کمک کرد که از
 مهمترین عناصر آن زبان است؛ چه، مردمی که
 هر روز بیشتر در تماس با یکدیگرند، نیازمند
 زبانی برای گفتگو با یکدیگرند، از همین
 روست که پیشازان اندیشه در جهان از اواخر
 قرن ۱۹ درصدد پاسخ بدین نیاز برآمدند.
 متعاقب کوششهای دکارت و لایپ نیتز که بر
 اساس اثر بر جسته ریموند لول درصدد ایجاد
 زبانی جهانی برای فلسفه و علم برآمدند، زبان
 ولاپسون در سال ۱۸۹۷ پدید آمد، زبان اینتر
 لینگو در اوایل قرن بیستم، لیک مهمترین این
 تلاشها توسط دکتر زامنهوف صورت یافت. او به
 سال ۱۸۸۷ جزوه هایی با نام «یک زبان جهانی»
 منتشر ساخت و نام مستعار دکتر اسپرانتو را
 برگزید. او لهستانی بود، از اهالی ورشو و لیک
- سیار سنجیده شود، سنجش کیلومتر شمار ماشین
 می تواند بکار آید.
 Accretion measures
 ر.ک:
 لغزش - اشتباه
 Error
 از دیدگاه آمار اجتماعی، تفاوت ریاضی
 بین ارزش واقعی یک متغیر در یک بردسی و
 ارزش به دست آمده از طریق ابزار خاص
 سنجشی است .
 اشتباه سویافته -
 Error , Biased
 اشتباه ناشی از سو یافتگی
 ر.ک .
 constant error
 اشتباه ثابت
 Error , Constant
 ر.ک .
 Constant error
 اشتباه پایا
 Error , Persistent
 ر.ک .
 constant error
 لغزش منظم
 Error , Systematic
 ر.ک .
 Constant error
 مکانیسم فرار ، سازوکار فرار
 Escape mechanism
 الگویی در ذهن و رفتار که بر پایه آن فرد
 از طریق فرار ، اجتناب ، به تعویق اندازی
 یا هر صورت دیگر سعی در طفره روی از
 مسائل و یا موضوع نامطلوب کند .
 ر.ک .
 Utopianism / Escapism/
 Evasion / Retreatism
 معاد شناسی
 Eschatology
 با مفهوم فرجام شناسی (Teleology)

کوشید این زبان به هیچ ملتی تعلق نداشته باشد. از خصوصیات این زبان سادگی و سهولت آموزش آنست. مظهر عقلانی شدن کامل پدیده ایست که در طی قرون بصورت خود جوش و اکثر فاقد هر قاعده پدید آمده بود.

Esprit de corps تعصب گروهی

پیوندهایی سخت عاطفی با گروه خویشان و وفاداری بدان

Consciousness of kind / ر. ک.
Ibn khaldun

Esoteric نهان گروهها

در برابر غیر نهانی (Exoteric) و در معنای مخصوص خواص و نه در دسترس عام. نهان گروهها دارای ویژگیهایی چند بدین قرارند:

- ۱- کوچکی گروه : وسعت حجم گروه نه تنها با نهان بودن آن تناقض دارد، بلکه خود امکان نهان بودن را زایل می سازد.
- ۲- بسته بودن گروه : نهان گروهها تا زمانی باقی می مانند که بر روی افراد خارج بسته اند و ورود بدان مستلزم احراز شرایط بسیار ویژه ای است.

۳- وجود آرمانی مشترك : وفاق یا اجماع نهان گروه بر گرد محوری غیر مصادی، پایا صورت می پذیرد که اعتقاد قلبی بدان استمرار نهان گروه را موجب می شود.

۴- وجود آداب و مراسم، شعایر و مناسکی خاص که هم تأمین کننده هویت نهان گروهند، هم با توجه به تداوم و مراسمی که در مقاطع خاص زمانی با آنان برگزار

می شود، به صورت عاملی در تجمع افراد در زمانهای معین درمی آیند.

Communion / Exoteric / occultism ر. ک.

Essence ذات- گوهر - ماهیت

Essential ذاتی- اساسی

در برابر عرضی، غیر ضروری، غیر ذاتی

Essential element عنصر اساسی

در يك مجموعه، یا نظام یا هر نوع انبوهه (Aggregate) به جزیی اطلاق می شود که با توجه به معیارهایی حایز ارزش است. همین عنصر در مجموعه ای دیگری می تواند چنین ماهیتی اساسی را نداشته باشد.

Essential industry صنعت اساسی

اصطلاحی است که در جنگ دوم جهانی در آمریکا وضع شد و صنایعی را می رساند که در جریان جنگ از اهمیتی خاص برخوردارند. (با صنایع مادر مشتبه نشود). چه صنایع مادر به صنایعی اطلاق می شود که همواره اساس صنعتی شدن جامعه به حساب می آیند (صنایع فولاد ...) در حالی که مفهوم صنایع اساسی اولویت صنایعی را در زمانی معین می رساند.

Essential unit واحد اساسی

Essentialism, Methodological

ذات گرایی روش شناختی

Methodological essentialism ر. ک.

Estate نظام مراتب . اموال

(۱) در يك معنی، اموال، دارایی و املاك را می رساند : مانند اموال منقول

(Personal estate) و اموال غیر منقول
(Real estate) .

(۲) در معنای دوم، نظامی است که در آغاز در روم باستان دیده شد و سپس در اروپا تداوم یافت. برخلاف نظام کاستی، نظام مراتب تمامی جامعه را در برمی گرفت و نه ناشی از قوانینی مذهبی بلکه قوانینی ساخته انسانها و بالطبع قابل تغییر بود، نظام مراتب را در نظام فتووالی می توان یافت و در مواردی این دو اصطلاح بطور مترادف نیز به کار می رود .

در این نظام قشر بندی، مرتبت پست و ظایفی خاص در برابر مراتب برتر داشت . نظام قشر بندی اجتماعی متحجر بود. وضع و شرایط شخص در نظام قشر بندی مهمتر از خود فرد بود . مرتبت به شخص اعتبار مربوطه را تفویض می کرد. جز اعضای برترین مراتب هیچکس شهروند واقعی نبود.

Social stratification / Ascriptive
Position / Feudalism / Caste /
Social class

Estrangement بیگانگی

افزایش فواصل روانی - عاطفی بین انسانها، گروه یا جماعتها . گام فراتر از آن به انزوا (Isolation)، عدم تفاهم (Misunderstanding)، و احتمالاً بروز کشمکشهایی چند منجر خواهد بود.

Alienation ر. ک.

Etatism دولت محوری

گرایش به اینکه همه چیز در زیر سلطه دولت قرار گیرد. چنین فرایندی که به تکرر وظایف دولت، تمرکز و اقتدار آن در جامعه می انجامد، با استبداد متمایز است . فلسفه اساسی این مکتب اینست که دولت نماینده جامعه است و با این عنوان از حق تصحیح روند اقتصاد و تأمین عدالت اقتصادی برخوردار است . این اقدام جز با تمرکز کنترل میسر نیست .

Eternalism پایا انگاری

واقعیت را همچون پدیده ای ابدی و لا یتغیر انگاشتن . (۱) در فلسفه ایده اولوی مبتنی بر غلبه «بودن» بر شدن . (۲) در جامعه شناسی در برابر نظریه ناپایا انگاری (Temporalism) که دگرگونی مستمر را واقعیت اساسی می شناسد، قرار می گیرد.

Temporalism ر. ک.

Eternal life

حیات جاودانی - حیات سرمدی

Eternal Punishment کیفر جاودانی

Poetic punishment ر. ک.

Promethean

Eternal Principles اصول جاودانی

زمانی که کلاسیکها در ادبیات (نظیر راسین، کورنی و...) در صدد تشریح نیازهای جاودان انسان نظیر محبت، عشق و تعارض آنان با وظیفه و غیره برمی آمدند، در واقع آثاری جاودان و نامیرا پدید می آوردند، بر پایه اصولی ابدی که هرگز گرد زمان محوشان

- ر. ك. Social ethics
 قومی Ethnic
 از واژه یونانی Ethnos به معنای گروه اجتماعى با ویژگیهای خاص گرفته شده است.
- طبقه قومى Ethnic class
 به طبقه یا طبقه‌ای جزئى (Sub class) اطلاق می‌شود که مردمش از قومى یا نژادى خاص باشند. ر. ك. ق.ك
- آگاهى قومى Ethnic consciousness
 (۱) آگاهی از عضویت و تعلق به يك قوم. (۲) علایق و حالات عاطفی که از پیوند با آن قوم پدید می‌آیند.
- ر. ك. Consciousness of Kind
 گروه قومى Ethnic group
 شامل مردمی است با ویژگیهای خاص دینی، نژادی، جغرافیایی و با عادات و رسوم مخصوص که در داخل يك مجموعه اجتماعى-فرهنگی گسترده جای یافته است. از این رو، اقلیتهای چینی، لهستانی، یونانی و ... در کشورهای اروپایی یا امریکایی گروههای قومى هستند. مطالعه این اقوام از نظر میزان تمایل به یکپارچه شدن با کمال جامعه (Integration) یا همانندی (Assimilation) و یا مقاومت در برابر جامعه و تشکیل خرده فرهنگهای خاص حایز اهمیت است. یکی از مهمترین مطالعات در زمینه گروههای قومى توسط توماس (W.I. Thomas) و ژانسیخی
- نسازی؛ همچنین است کوشش جامعه شناسان کلاسیک که سعی در شناخت اصول جاودان جامعه بشر داشتند.
- Eternize جاودان ساختن
 Ethic اخلاق
 Social ethic ر. ك.
 Ethical dualism دوسانگى اخلاقى
 (۱) وجود مجموعه دستورات اخلاقى خاصى برای افراد يك گروه و مجموعه‌ای دیگر (منعطف تر) برای خارجیان در جهت جلب سیاحان (به عنوان منبع درآمد و گاه از تراق).
 (۲) وجود مجموعه الگوهای اخلاقى متمایز در يك گروه اجتماعى برای زن و مرد.
- Ethical ideal آرمان اخلاقى
 Ethical phenomenon پدیده اخلاقى
 Phenomenon ر. ك.
 Ethical relativity نسبیت اخلاقى
 Ethical values ارزشهای اخلاقى
 Value ر. ك.
 Ethics علم اخلاق
 مطالعه ارزشها در جهت تعیین درستی یا نادرستی اندیشه، عقیده یا عمل. این دانش را دستوری یا هنجار گذار (Normative) می‌خوانند.
- Ethics, Philosophical اخلاق شناسى فلسفى
 Philosophical ethics ر. ك.
 Ethics, Social اخلاق شناسى اجتماعى

مرجح شناخته می شود.»

(*Man and his works* ,

P : 68)

II - این واژه را ساحنوبه سال ۱۹۰۶

وارد دانش اجتماعی ساخت. در سالهای اخیر با پیدایی نظریه نسبیت فرهنگی، قوم مرکزی با قاموس دانش اجتماعی ناسازگار شناخته شد. از این رو در سال ۱۹۲۸. کروبهر (A.L.Kroeber) در اثرش «انسان شناسی» نوشت. «در انسان شناسی هیچ جایی برای قوم مرکزی نیست».

(*Anthropology* , PP.265-6)

همانطور که به زعم جامعه شناسانی چون ملک آیود (R.M. Mac Iver) و پیچ (C. Page) «دانشجوی حیات اجتماعی باید در لحظه مراقب آن باشد که در تحلیل شیوه های گروه های مختلف دچار انحراف ناشی از قوم مرکزی نگردد».

(*Society , An introductory*

analysis , p : 167)

بنابراین، قوم مرکزی را بعضی جلوه ای از خودخواهی (Egoism) و یا خودمرکزی (Egocentrism) می دانند که باصوری چون ملی گرایی افراطی (Chauvinism)، طرد (Ostracism) بیگانه پیزی (xenophobia)

در اندیشه نزدیکی می یابد.

(F.Znaniecki) با نام روستایی لهستانی در

اروپا و امریکا صورت یافته است.

ر. ك. Minority group , Marginal group

Ethnicity قومیت

Ethnic manners آداب قومی

Ethnic pluralism چندگانگی قومی

جامعه ای را مشخص می دارد که در آن اقوامی گوناگون با حفظ هویت فرهنگی و تاریخی خود در کنار یکدیگر زندگی می کنند. با مفهوم ذوب گاه (Melting pot) و هم ذوب اقوام (Ethnic fusion) اشتباه نشود، زیرا در آن عناصر با یکدیگر پیوند یافته و صورت ترکیبی می یابند.

Ethnic traits ویژگی های قومی

Ethnocentric

قوم محور - مربوط به قوم محوری

Ethnocentrism قوم محوری - قوم مرکزی

I - سامنر (W.G. Sumner) قوم مرکزی

را چنین تعریف می کند:

«دیدگاهی که بر اساس آن گروه خویشتن مرکز همه چیز است و همه چیز با توجه بدان سنجیده و ارزیابی می شود.»

(*Folkways* , P : 13)

و یا به نظر هر سکودیتس

(M.J. Herskovits) «دیدگاهی است که بر

اساس آن شیوه زندگی خویشتن بر دیگران

Ethnocide امحای فرهنگ قومی

بر خلاف مفهوم نسل کشی (Genocide)، درین معنی قوم از نظر عینی باقی است، لیک فاقد فرهنگ است.

Ethnogenesis تکوین قوم**Ethnogenics** شناخت پیدایی و رشد اقوام

مرتبط با شناخت علل، ریشه‌ها و نحوه توسعه گروه‌های قومی

Ethnographer مردم نگار**Ethnography** مردم نگاری

امروزه، به عنوان مطالعه توصیفی حیات اجتماعی ملت یا قومی معین شناخته می‌شود. ازین روکین (A.H. Keane) می‌نویسد: «به بیان درست‌تر... مردم نگاری بیش از آنکه دانش به حساب آید، در زمره ادبیات محسوب می‌شود، چه، صرفاً توصیفی است و وصف ویژگی‌ها، عادات، شرایط اجتماعی و سیاسی مردم بدون توجه به روابط مادی و قریبتهای آنان را مد نظر دارد.

موضوعات آن را گروه‌های مختلف مردم مجزا از یکدیگر تشکیل می‌دهند و از مردم شناسی ازین رو متمایز می‌شود که در دانش اخیر، تمامی این مردم به عنوان اعضای مرتبط بایک یا چند خانواده مهم مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

(Ethnology, P, 2-3)

لیکن، چون هیچ مطالعه توصیفی بدون

روش یا ابزار علمی نیست و چون هیچ دانشمندی نمی‌تواند، صرفاً در حد وصف ساده پدیده‌ها ماند، مردم نگاری نیز، ابعاد وسیع‌تر می‌یابد. ازین رو، در سال ۱۸۹۱، تیلور (E.B. Tylor) وظیفه مردم نگاری را «بررسی علمی میدانی که پیدایی پدیده فرهنگ را موجب شده‌اند و همچنین قوانینی که بر آنان حاکمند...»

(Primitive Culture ,

PP:19- 23)

بدینسان، توصیف و تحلیل با هم مطرح میشوند، لیک، در حدی نه کلی، بلکه منفرد. ازین رو هر سکودیتس (M.J. Herskovits) در اثرش «انسان و آثارش» (۱۹۴۸) مردم نگاری را توصیف فرهنگها به صورت منفرد می‌داند و حال آنکه به نظرش مردم شناسی به مطالعه مقایسه‌ای فرهنگها و بررسی مسائل نظری که از تحلیل عادات انسانی منبعث می‌شوند، می‌پردازد. بهمین جهت و نظریه تحلیلی بودن توصیفها در مردم نگاری است که در انگلستان تک نگارهای مردم نگارانه (Ethnographic monographs) در معنای وسیع و به عنوان مطالعاتی مبسوط از جانب انسان شناسی اجتماعی در زمینه شیوه‌های زندگی مردمی معین به کار می‌آیند.

Ethnohistory تاریخ قومی

اصطلاحی است در مردم شناسی که شناسایی اقوام را از دیدگاه تاریخی می‌رساند،

مخصوصاً اقوامى که فاقد تاریخند. آنچه درین هدف دانشمند رایارى می‌دهد، عبارت است از :

- ۱- نمادهای فرهنگى (Cultural Symbols) که شامل ابزار ، وسائل و اشیایى می‌شود که در فرهنگ حایز معنایى خاص هستند. ۲- اسطوره‌ها (Myths) ۳- سنتهای شفاهى (Oral traditions) ۴- گواهی خارجیانى که از آن قوم بازديد کرده‌اند .

Ethnologist مردمشناس

Ethnology مردمشناسى

I - واژه مردمشناسى در اواسط قرن نوزدهم وارد قلمرو مطالعات انسانشناسى شد. در آغاز نوعى تاریخ به حساب می‌آمد چنانچه پرپیچاد (J.C. Prichard) در اثرش «تاریخ طبیعى انسان» (۱۹۲۳) از آن به عنوان «تاریخ ملل تحت عنوان مردمشناسى» یاد می‌کرد ، و یا اینکه در سال ۱۹۳۶ رادکلیف براون (Radcliffe Brown) آن را «مطالعه تاریخى مردم مى‌دانست، شامل تاریخ نژادها ، تاریخ زبانها، تاریخ فرهنگها، خواه با مطالعه مردمان کنونى و یا با استفاده از بقایای آثار باستانشناسى»

(The development of Social anthropology , P , 30)

II - در دهه‌های اخیر ، چند تغییر اساسى در آن پدید آمد :

الف : ازجانبى مردمشناسى از صورت تاریخ صرف بیرون آمدوبه انسانشناسى اجتماعى نزدیک شد. تفاوت اصلی در این است که در انسانشناسى اجتماعى توجه به ساخت اجتماعى بیش از فرهنگ معطوف می‌شود . ازینرو کروب (A.L. Kroeber) در اثرش با نام «انسانشناسى» می‌نویسد : «مردمشناسى ، دانشى درباره مردم و فرهنگهای آنان و تاریخچه حیات آنان به عنوان گروه‌هایى چند است»

(Anthropology , P:5)

برخی دیگر چون بیدنى (D. Bidney) در اثرش با نام «انسانشناسى نظرى» (۱۹۵۳) مردمشناسى را با انسانشناسى فرهنگى یکسان شمرد .

ب : ازجانب دیگر علیرغم نظر برعى، مخصوصاً در فرانسه، که مردمشناسى را دارای قلمرو وسیع شامل مطالعات اجتماعى و فرهنگى اقوام به اصطلاح ابتدایى و یا فاقد خط و کتابت مى‌شناسند، امروزه اعتقاد بر این است که مردمى خاص و یا زمانى خاص برای مطالعات مردمشناسى مطرح نیست، در تعریفى که از مردمشناسى در سطور بالا از جانب کروب عنوان شد، مخصوصاً قید شده است که این مطالعات فارغ از میزان پیشرفت يك جامعه صورت می‌یابند. بدینسان ، مردمشناسى ، به عنوان یکى از اعضای خانواده دانش ، با دید و روش خاص خود به جامعه در هر سطح و

شناخت موسيقى Ethnomusicology

قومى ، موسيقى شناسى اقوام

مخصوصاً مطالعہ صور و اشکال موسيقى را در جوامع غیر صنعتى در بر مى گیرد، درین شاخه از دانش ، جای موسيقى در جسامه و روابط متقابل آنان مورد شناسایی قرار مى گیرد.

قوم Ethnos

گروهى از انسانها که بر پایه معیارهاى چون نژاد ، ملیت و ... پدید مى آید. افراد يك قوم ، مخصوصاً آن هنگام که در درون اکثریتی متمایز قرار گیرد، از پیوندهای خود آگاهی بیشتری مى یابند و تعلق قومى گاه به جدایی طلبی (Separatism) مى انجامد.

مردم شناسى علوم Ethnoscience

در مواردی با مفهوم معنا شناسى قومى (Ethnosemantics) بطور مترادف به کار مى رود و به معنای شناسایی آن نظامهای محلی و بومی در اقوام گوناگون است که به منظور طبقه بندی عناصری از جهان واقع تعبیه شده اند.

معنا شناسى Ethnosemantics

قومى

۱) گاه در معنای دانش قومى به کار مى رود. ۲) به معنای شناخت ابعاد معنایی نظامها ، نمادها و واژگانی است که در انواع طبقه بندی جهان خارج در اقوام گوناگون به کار مى روند.

ر. ک. Anthropology

رفتار نما Ethogram

نمایش الگوهای رفتاری نوعی خاص

در هر مقطع زمانى مى نگرد.

ر. ک. Anthropology

مردم روش Ethno-methodology

واژه ای است از گارفینکل

(H.Garfinkel) و مطالعاتی را شامل مى شود

که چگونگی خلق و تفهم پایه ها و میناهای عمل انسانها را در حین اجرا و در بطن جامعه در بر مى گیرد. بعضی از ویژگیهای آن چنین است :

— در مردم روش مشاهده و تشریح بطرز معمول در علم انسان مطرود شناخته مى شود. اعتقاد بر این است که درین قبیل مشاهده ها دانشمند با الگوهای فکری و حیات خود بر مردمی دیگر مى نگرد و به بیان مولانا :

هر کسى از ظن خود شد یار من

از درون من نجست اسرار من

— مردم روش رسوخ به عمق ارزشهای

مردمی را از طریق دخول در بین آنان و زندگی

با آنان توصیه مى کند که در اصطلاح مشاهده

همراه با مشارکت خوانده مى شود.

— در مردم روش عمل تنها مطرح نیست،

بلکه نحوه درك عمل از جانب عاملین نیز مورد

نظر است .

— از دیدگاه محقق ، در مردم روش باز

تنها توصیف عمل مطمح نظر نیست ، بلکه

شناخت ، درك و فهم شبکه ارزشی در پس آن

مورد توجه است .

Indexicality

ر. ک. Participant observation

از موجودات بر پایه مشاهدات مستمر.

Ethology

ر. ک.

Ethology

رفتارشناسی

این اصطلاح توسط استوارت میل (J.S.Mill) در اثرش با نام «نظام منطق» (۱۹۴۳) به عنوان دانشی در باب منش مطرح شد. در اصطلاح، دانشی است خاص که در آن الگوهای رفتاری موجودات زنده به دقت مورد تحقیق قرار می گیرند. این دانش مخصوصاً در مورد حیوانات گسترش یافت. بسیاری از آنجمله لودنس (Lorenz) بدان پرداختند و با دقتی خاص ابعاد گوناگون رفتار حیوانات نظیر رفتار جنسی، کشمکش و غیره را مورد مطالعه قرار دادند. در رفتارشناسی نه تنها نوع رفتار، بلکه علل و نتایج آن مطرح می شوند.

Ethos ویژگیهای قومی - اهداف و

ویژگیهای قومی، ارزشهای قومی

I- ساحنر (W.G.Sumner) آن را

چنین تعریف می کند: «تمامی ویژگیهای که از طریق آنان، یک گروه هویت می یابد و از دیگر گروهها، تمایز می پذیرد».

(Folkways و P, 70)

از این روست که او، در همان اثر (صفحه ۷۳) مردم چین را صنعت پیشه و مادی می داند، در برابر مردم ژاپن که به نظرش دارای خوی نظامی هستند.

II- از نظر برخی دیگر چون جیلین

(J.Gillin). هدفهای یک فرهنگ با این

مفهوم مطرح می شوند، ازین رو، آن را شامل «منظومه انگیزه ها و سائقهای کسب شده» که شاخص یک فرهنگ اند، و همچنین اهدافی که فعالیت های فرهنگی در جهت تحقق آنان صورت می پذیرند و ارزشی والا بر آنان ملحوظ است» می داند.

(Ethos and Cultural aspects of personality, in S.Tax (ed), Heritage of Conquest.

P : 195)

III- در همین سیاق و با تأکید بر ارزشها کروب (A.L.Kroeber)، این مفهوم را مترادف با ارزشهای اساسی یک قوم دانسته، می نویسد: «این مفهوم نظام آرمانها و ارزشهایی را می رساند که بر فرهنگی مستولی هستند و ازین جهت به کنترل نوع رفتار اعضای آن گرایش دارند».

(Anthropology, New york,

Harcourt, Brace, 1948. P.294)

Etiology علت شناسی

ابتدا در طب بکار رفت و به معنای شناخت علت بیماری و معالجه بیمار است. لیک، بعدها در علوم انسانی نیز به کار رفت و به معنای جستجوی علل بیماریهای اجتماعی است، بدین جهت واژه علت شناسی اجتماعی (Social etiology) پدید آمد، به صورت Aetiology نیز به کار می رود.

Causality ر. ک.

علت شناسی جرم Etiology of Crime

(۱) در معنای خاص شناخت علل جرم از طریق مطالعات موردی یا شیوه‌های کلینیکی را می‌رساند. (۲) در معنای عام برخورد با جنایت نه در سطح، بلکه با توجه به شبکه بهم پیوسته حال و عوامل آن.

Etymology

ریشه شناسی (دروازمان)

از مفهوم Etymon به معنای ریشه گرفته شده است و در دو معنای زیر به کار می‌آید: - در یک معنا به وقایع، ریشه‌ها و عواملی که پیدایی یک واژه را موجب شده‌اند اطلاق می‌شود.

- در معنای دیگر، دانشی را می‌رساند که ریشه واژگان را بررسی می‌کند در این معنی به عنوان شاخه‌ای از واژه شناسی (Philology) شناخته می‌شود.

ر. ک. Semantics, Philology,

Sociolinguistics

یا اقتصاد بسته (closed economy) که در آن سیاست‌هایی چون (Autarky) خود بسته (Self-sufficiency) اعمال می‌شوند (بدان ر. ک.).

ر. ک. Economy of subsistence
classical school

Etzioni (A) اتزیونی

صاحب‌نظر اجتماعی در امریکا است (متولد ۱۹۲۹)، بعضی از زمینه‌های تخصص او عبارتند از:

۱- سازمانهای اجتماعی، که درین زمینه اثر زیر فراهم آمد:

تحلیل مقایسه‌ای سازمانهای پیچیده

(A Comparative Analysis of Complex organizations) که در آن

نظرات ماکس وبر (Max weber) و

تالکوت پارسنز (T. Parsons) در باره

سازمانهای اجتماعی رودر رو قرار می‌گیرند؛

ویژگیهای بنیادی سازمانهای جدید اجتماعی

مطرح می‌شوند و سپس ابرازی در راه مقایسه

این سازمانها با یکدیگر ارائه می‌شوند.

۲- جامعه شناسی سیاسی، که در آن اثر

زیر را نگاشت:

نظریه‌ای در باب فرایندهای سیاسی و

اجتماعی (A Theory of Societal

and Political Processes)

۳- جامعه شناسی کاربردی در جهت حل

مسائل اجتماعی، با اثر زیر:

راهنمای جامعه (Societal Guidance)

که در آن ارکان و عناصر راهنبری در حد

جامعه شناسی کلان (Macrosociology) و

مدیریت کل نظام مطرح می‌شود. در برابر

شیوع مطالعات خردنگر (Microsociology)

مخصوصاً گروههای کوچک که در امر یکارایج

شد، وحدت و پیوند عناصر را در درون کل جامعه

مطرح ساخته، اثر بر هر یک را در رابطه با دیگر

عناصر مطرح نظر قرار می‌دهد.

Eudaeonia سعادت

Eudaemonism سعادت آیینى

به نظامى خاص در اخلاق اطلاق مى شود که سعادت افراد را مبنای دستورات اخلاقى قرار دهد. درین مکتب، فرد دارای اصالت است و محور نظام اجتماعى تلقى مى شود.

Individualism / Utilitarianism, Hedonism / Humanism / Singularism .

Eufunction

به کار کرد - کار کرد مطلوب .

Dysfunction / Functionalism / ر. ک.

Function

Eugenic sterilization

سترون کردن برای بهبود نسل

Eugenics علم بهبود نسل - بهنژادشناسى

I - دانشى در خانواده های دانش طبیعى و انسانى و ناشى از پیوند آنان است که هدف

از آن اصلاح نسل انسانى است و روشهایش بدینقرارند :

- روشهای منفى: جلوگیری از ازدواج افراد معلول یا عقیم سازی آنان که احتمال انتقال بیماری آنان از طریق وراثت مى رود.
- روشهای مثبت: سعی در گسترش کمى افراد سالم از نظر جسمى و روانى با تمهید انواع شیوه های روان - تنى .

II - کوشش در راه اصلاح نسل سابقه ای

طولانى دارد و ليك طرح آن بـه عنوان يك امر علمى ، با انتشار كتاب اصل انواع در سال ۱۸۵۹ توسط داروين صورت يافت كه بعدها توسط فرانسيس گالتون و كارل پيرسون (K. Pearson) ادامه يافت .

درین دانش نه تنها امور و مسائل مربوط به دانش جسمانى و زیستى مطرح مى شوند. بلکه مباحث اخلاقى نیز عنوان مى شوند، در آلمان هیتلر و طرفداران برترى نژاد آلمانى، آن را با سیاست و ایدئولوژى نیز آمیختند.

Dysgenic ر. ک.

Eugenism اصلاح نسل

Euphoria , Social

شادمانى اجتماعى ، وجد اجتماعى

Social euphoria ر. ک.

Euthanasia قتل مجاز

نظریه ای است که پزشکان را در صورت سخت درمانى یا بى درمانى بیمار، مجاز به کشتن بیمار مى سازد. اساس این نظریه را این ایدئولوژى که حیات در صورت تمتع معنى مى یابد، تشکیل مى دهد. قوانین موجود، اعمال این نظریه را مجاز نمى سازند.

Evaluative function

کارکرد ارزش سنجی

Reference group

ر. گ.

Evans Pritchard (Edward Even)

اوانس پریچارد

انسانشناس و افریقا شناس معروف انگلیسی، (متولد ۱۹۲۰). زمینه‌های اصلی مطالعاتش را، مصر، سودان، کنگو، کنیا و اتیوپی تشکیل می‌دادند. کرسی انسانشناسی را در دانشگاه آکسفورد، پس از دادکلیف برادون بدست آورد و در پی نظرات او و مالدینوسکی در گسترش پایه‌های نظری مکتب ساختار-فعلی - کسار کوردی (Structural - functionalism) همت گماشت. دو اثر مهمش به‌قرار زیرند:

Witchcraft, oracles and
Magic Among the azande | Nuer
Religion

Evasion

گریز

در یک زمینه (روانشناسی اجتماعی) طفره، فرار یا گریز از واقعیت را می‌رساند و در اینصورت با گریز گرایسی (Escapism) نزدیک است.

همه پیروان مکتب رویاگرایی (Utopianism) که جهت فرار از واقعیت زمانه، به برج عاجی خود ساخته پناه بردند و ناکجا آبادی (Utopia) خاص و ویژه

برای ارضای تمنیات (Aspirations) و اوهام

(Hallucinations) خود ساختند، به آن

پرداختند.

— در معنای معمول گریز از هر عمل، یا وظیفه را می‌رساند، نظیر: گریز از مالیات

Tax evasion

Escape mechanism/ ر. گ.

Utopianism/Escapism/Retreatism

جاودان، سرمدی Everlasting

در برابر میرا (Mortal) یا فانی

(Ephemeral) قرار می‌گیرد و با مفهوم

Eternal مترادف می‌پذیرد.

Eternalism ر. گ.

Evil eye شوم چشم، بدچشم

این اعتقاد که برخی دارای نگاهی نه آکنده از مهر بلکه مشحون از حسد، خشم و یا دیگر پلیدیهامی باشند و بر دیگری (مخصوصاً کودکان) اثر سوء می‌نهند.

Evolution

تطور-تکامل

(۱) ازدیدگاهی حرکت پدیده‌ها را در چارچوب پیوستاری (Continuum) مشخص می‌رساند و چون درین حرکت تدریجی و مداوم، نه انقطاع بلکه تسلسل به چشم می‌خورد، تطور در برابر انقلاب، جهش (Mutation) و ... قرار می‌گیرد.

(۲) از دید تکامل‌گرایان، این مفهوم بار ارزشی می‌یابد و حرکت به سوی خاص

- مکتبی است که حرکت تدریجی جوامع را در بستر زمان درجهتی خاص می بیند.
- ر. ک. Evolutionism/Tendentious regularity/Philosophy of history
- ر. ک. Philosophy of history / Tendentious regularity
- علوم دقیقه Exact - Sciences
- با توجه به اینکه علوم طبیعی به قوانین نسبتاً دقیق و جهان شمول می رسند، آنها را در مقایسه با علم انسان که اصل اول آن نسبیست و عدم شمول جهانی است، بدین نام می خوانند.
- مبالغه کردن، اغراق Exaggerate (to)
- کردن، شدت بخشیدن، وخیم کرساختن توسعه مفرط Excess development
- توسعه ای آنچنان مفرط (و بی برنامه) که تعادل جامعه را به هم زند و با رابطه انسان و محیط را ناموزون سازد. با بیش توسعه محیط (overdevelopment) یکی نیست.
- Development / under-development
- ر. ک.
- اختیارات ویژه Ex-cathedra
- انجام هر عمل (شرکت در جلسه ای و...) به جهت اختیارات محدود و خاص در برابر Ex officio (بدان ر. ک.)
- مبادله Exchange
- از پایه های حیات اجتماعی است، با پیچیدگی جامعه، پیدایی اقتصاد پولی، رشد تخصص بر مبنای تقسیم کار، روندی روبه افزایش دارد، آنچنانکه پایه های همبستگی عضوی از آن قوام می یابد. بسیاری از دانشمندان تمامی حیات اجتماعی را از دیدگاه مبادله می نگرند حتی ازدواج را که در جریان
- را مشخص می دارد.
- ر. ک. Evolutionism/Tendentious regularity/Philosophy of history
- ر. ک. Revolution/Devolution
- تطور خلاق - تکامل خلاق Evolution, Creative
- ر. ک. Creative evolution
- تطور تراکمی - تکامل انباشتی Evolution, Cumulative
- ر. ک. Cumulative evolution
- تطور غیر منتظره Evolution, Emergent
- ر. ک. Emergent evolution
- تطور اجتماعی - تکامل اجتماعی Evolution, Social
- ر. ک. Social evolution
- تطور عام Evolution, universal
- ر. ک. Universal evolution
- تطور عام و شامل Evolutionary change
- ر. ک. Change
- تطور عام و شامل Evolutionary universals
- اصطلاحی است از پارسونز (T. Parsons). او در سال ۱۹۶۴ مقاله خود را بدین نام خواند و با آن برخی از عناصر اجتماعی (نظیر قشر بندی) را جهانی دانست.
- ر. ک. Universal evolution
- تکامل گرایی Evolutionism

آن خانواده‌ای با دادن دختری به خانواده دیگر، ارزشی یا امتیازی در مقابل می‌جوید. مبادلات می‌توانند از طریق پول یا مستقیم و بدون واسطه پولی صورت گیرند. همواره صورتی عینی نیز ندارند، چه انسانها گاه خدمت یا کالایی ارزشمند را در برابر ارزشی غیرمادی مبادله می‌کنند.

ر. ک. Marriage by exchange

Exchange, Confidential

دفتر محرمانه خدمات اجتماعى

ر. ک. Confidential exchange

Exchange, Cultural

مبادله فرهنگی

ر. ک. Acculturation

Exchange cycles

دوره‌های مبادله

یا مبادلات دوری (Cyclical exchange).

درین نوع مبادلات نه تنها کالاها به صورت

دوری و متقابل مورد تبادل قرار می‌گیرند،

بلکه در مواردی نیز تبادل زنان در اقوام

ابتدایی بدینصورت تحقق پذیر است: این

نوع مبادلات به دو صورت تحقق می‌پذیرند:

۱) مستقیم که براساس آن خانواده A و B

بطور منظم به یکدیگر دختر به عنوان همسر

می‌دهند. ۲) غیرمستقیم که براساس آن خانواده

A به B و خانواده B به C و سپس C به A

همسر ارائه می‌دارند.

Exchange economy

اقتصاد مبادله‌ای

نظام اقتصادی که بر پایه تبادل قوام

می‌یابد و ادامه حیات آن نیز ازین طریق

صورت پذیر است. در برابر نظام بسته.

Exchange, Marriageby

ازدواج مبادله‌ای

ر. ک. Marriage by exchange

Exchange Medium of

وسیله مبادله

ر. ک. Medium of exchange

Exchange theory

نظریه مبادله

شرایط تحقق مبادله و جریان آن است.

به عنوان مثال بلسو (Peter M. Blau)

چگونگی جریان مبادله و شرایط مبادله کنندگان

را مورد سنجش قرار داده است به نظر او

پایه‌های اصلی مبادله را باید در تحلیل قدرت

طرفین و تمایز و میزان نیاز متقابل آنان دانست.

Exclusion, Policy of

سیاست طرد

مجموعه اصولی که طرد گروه یا گروه‌هایی

را به منظور حفظ همگنی و تمامیت جامعه،

تجویز می‌کنند.

ر. ک. Ostracism

Exclusiveness, Mutual

مانعیت متقابل

ر. ک. Typology

Exhaustiveness

جامعیت

ر. ک. Typology

Exhibitionism

عورت‌نمایی

ر. ک. Voyeurism

Existentialism

مکتب اصالت وجود

در فارسی وجودگرایی نیز ترجمه شده

است. آیینی را می‌رساند که سرخسی از

ویژگیهای آن چنین‌اند:

(۱) انسان آزاد است و در هر زمینه هستی باید تا حد امکان آزادی وی محترم و محفوظ ماند. (۲) تقبل مسئولیتها، باید مبتنی بر آزادی باشد که این خود وثیقه تضمین کار و تداوم

آن خواهد بود. بیان آندره ژید به عنوان یکی از بانیان مکتب میثقی بر اینکه من خود به ناپایانی هستی واقف و لیک زمانی که به اختیار مسئولیتی را برگزیدم، آن را از آن خود می دانم و در آن سعی می کنم. در تأیید این ویژگی مکتب است. ۳- حیات پدیده ای است چنان پیچیده که فقط با اندیشه شناخته نمی شود. باید به زندگی در آن پرداخت تا درک عمیق آن میسر گردد. ۴- در

معنایی دیگر، چگونه می توان به درک مشکل یک انسان دردمند فقط با اندیشه یا درون نگری (Introspection) نایل گشت، باید برآستی با مشکل او زندگی کرد. بانسی اصلی این مکتب را کیر کگارد می دانند. بعد از اوها پدگر و یاسپرس و همچنین ژان پل سارتر این مکتب را رشد و غنا بخشیدند

Exodus مهاجرت جمعی
Migration ر. ک.

Ex officio به اعتبار سمت
انجام فعالیتی خاص (امضای اسناد، شرکت در جلسات و ...) به اعتبار سمت، در برابر اختیارات ویژه (Ex cathedra)

Exogamy برون همسری
در برابر مفهوم درون همسری (Endogamy)؛ به معنای گزینش همسر برون از گروه خویش است. این گروه می تواند یک کلان باشد (که افراد آن به جهت اینکه خود را از نیایی واحد و همخون می دانند، در

شرایطی از گزینش همسر از بین اعضای کلان اجتناب می کنند) یا یک گروه خویشاوند و... دلایل برون همسری بسیارند. از این رو، برون همسری با توجه به هر دلیل یا علت، بنوعی خاص تجلی می کند، نظیر:

Partial exogamy برون همسری جزئی

Totemic ~ برون همسری توتمی

Total ~ برون همسری تام

Economic ~ برون همسری اقتصادی

Social ~ برون همسری اجتماعی

Exogenic criminal

مجرم برون زاد

مجرمی که عامل اصلی جنایت او از محیط پیرامون منبث می شود.

Criminology ر. ک.

Exogroup گروه بیگانه

در برابر گروه خودی (Endogroup)
و با گروه ما (We group)

Group ر. ک.

Exoteric غیر نهان، غیر باطنی

(۱) هر آنچه نه مخصوص خواص یا گروهی اندک است. (۲) گروهی نه نهانی، مرموز و یا بسته و با آداب ویژه؛ (۳) آئین، پیام یا هر اندیشه قابل فهم برای همه افراد معمولی ر. ک. **Occultism / Esoteric**

Expansion گسترش

Expansion, Group گسترش گروهی

Group expansion ر. ک.

Expansionism توسعه طلبی

فرد یا نظامی سیاسی - اجتماعی و یا گروهی خاص که در صدد بسط خیطه نفوذ خود باشند.

Hegemony ر. ک.

Expansionist توسعه طلب

Expectancy, Life امیدزنده ماندن

Life expectancy ر. ک.

Expectation, Social

انتظار اجتماعی، توقع اجتماعی

Social expectation ر. ک.

Expectation, Rising توقع فزاینده

Rising expectation ر. ک.

Expectation of life at birth

امید زندگی در بدو تولد

با این شاخص مشخص می شود که یک نوزاد با توجه به خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی جامعه بطور متوسط چند سال شانس زندگی کردن دارد. از پرکاربردترین شاخصهاست و بطور خلاصه با آن نشان داده می شود. این شاخص بر اساس جدول زندگی یا بقا احتساب می شود. بدان امید زنده ماندن در بدو تولد نیز اطلاق می شود.

Life Expectancy ر. ک.

Experiential تجربی

هر آنچه منبعث از تجربه باشد. بامفهوم

Experimental که معنای تجربه و آزمایش

از آن برمی آید یکی نیست.

Empiricism ر. ک.

Experiential attitude

طرز تلقی تجربی

در برابر حالات روانی و عقایدی که

مبتنی بر پیشداوری (Prejudice) و یا عقاید

قالبی (Stereotypes) هستند، طرز تلقی های

تجربی، عبارتند از آن آمادگیهای روانی که

منبعث از تجربه های شخصی فرد هستند.

Prejudice / Attitude ر. ک.

Opinion / Stereotypes

Experiment آزمایش

عملی یا سلسله اعمال و یا فعالیت هایی که

به منظور شناخت پدیده ای و درجهت سنجش

فرضیه ای صورت گیرند. آزمایش یا بطور

تصادفی انجام می شود که در آن فردی بدون

شناخت قبلی محلولی را با محلولی دیگر می آمیزد

تا نتیجه حاصل را ببیند، یا با شناخت قبلی

صورت می گیرد که در اینجا دانشمند با توجه به

اطلاعات ویژه خود در مورد پدیده خاص

می کوشد تا با دستکاری حساس شده در آن،

فرضیه اصلی خود را به آزمون نهد.

آزمایش رکنی اساسی در شناخت قانون

یا رابطه منتظم بین پدیده هاست و از طریق

آزمایش و شناخت قوانین طبیعی تسلط بر

آنان صورت پذیر شده است اما در علم انسان

آزمایش با مسائلی بسیار مواجه است که اهم

این مشکلات چنین اند.

— در جامعه شناسی کلان امکان تغییر حتی موقت يك نظام به منظور آزمایش و شناخت نتایج، موجود نیست.

— در روانشناسی و روانشناسی اجتماعی، عمل آزمایش بر روی انسان و یا گروهی از انسانها صورت پذیر شده است. اما خود با مسائلی بسیار مواجه گشته است:

۱- فردی که در جریان آزمایش، مورد استفاده قرار می گیرد، از وضع خود آگاهی دارد (می یابد)، بنابراین رفتار طبیعی و حتی اندیشه طبیعی نیز نخواهد داشت.

۲- محیط آزمایش انسانی برخلاف آزمایشها در علوم طبیعی علیرغم همه کوششها باز غیر طبیعی می ماند. روابط بین انسانها در يك گروه آزمایشی با واقعیت فاصلهمی گیرد و بالطبع آنچه در نهایت به عنوان قانون تلقی می شود، نه واقعی، بلکه صوری است.

Experimental anthropology

انسانشناسی تجربی

ر. ل. Anthropology

آزمایش گرایی Experimentalism

اندیشه و بینش کسانی را می رساند که در صدد وارد کردن علل یا متغیراتی چند در جریان کار تحقیق و سنجش نتایج مترتب بر آنند. سه زمینه اصلی درین حوزه قابل تمیز است:

الف: از طریق آمار

هر آمارشناس که قوانین را بشناسد. می تواند بدان دست زند. درین حال، متغیری را

وارد مجموعه ای عناصر می نماید، با احتساب میزان احتمال بروز نتایج، به سنجش آنان می پردازیم.

ب: از طریق آزمایشگاه

مهمترین نوع از انواع آزمایش است. بدرستی می توان گفت، يك آزمایش دارای سه وجه متمایز است:

۱- مشاهده دقیق يك متغیر تابع
۲- وارد کردن يك متغیر و درستکاری
منظم آن

۳- کنترل تمامی عوامل درونی و بیرونی.
در کار تحقیق از طریق آزمایشگاه ناچار باید موقعیتی ویژه پدید آورد، متغیر یا متغیرهایی چند را برگزید سپس به کار دستکاری منظم و حساب شده متغیرهای مستقل و سنجش واکنش یا واکنش های متغیر یا متغیرهای تابع پرداخت. مطالعه کلاسیک آش (Asch) در سال ۱۹۵۸ در زمینه تاثیر متقابل بین افراد نمونه جالبی ازین قبیل مطالعات است.

«هدف غائی آش و همکارانش مطالعه

شرایط شخصی و اجتماعی خاصی بود که موجب می شوند يك فرد در برابر فشارهای گروهی

تسلیم شود یا بایستد؛ حتی زمانیکه این فشارها با واقعیت تناقض داشته باشد. آزمایش بدینصورت برگزار شد: هشت نفر انتخاب شدند. قرار شد، هر يك از آنان طول يك خط مشخص را با یکی از سه خط نابرابر دیگر اندازه گیری نمایند. درین آزمایش، می بایست یک نفر در موقعیتی ویژه قرار گیرد. بدینمعنی که نظرش با هفت نفر دیگر سازگار نباشد درین حال حق نیز با او باشد. یعنی گفته هفت نفر

دیگر با واقعیت تطابق نداشته باشد. بنابراین به هفت نفر دیگر گفته شد. اندازه هائی نادرست و خلاف واقع ارائه دهند. اندازه های بدست آمده را هر کس در مورد خود بصلای بلند تکرار کرد. آزمون نیز چندین بار تکرار شد. اشتباهات هفت نفر دیگر فاحش بود. یعنی ۵۰٪. اینج تا ۱/۷۵ اینج نوبان می یافت. تمامی آنان نیز نظراتی یکسان ارائه می کردند. نفر هشتم در شرایطی قرار گرفت که در آن هفت نفر دیگر به اتفاق آراء او را اشتباه کار تلقی می کردند. یعنی صحت کار حواس او را مورد تردید قرار می دادند. هدف غائی واکنش این فرد بوده و تمامی آزمایش نیز بهمین جهت فراهم آمده بود. حرکت سریع فرد بسوی قضاوت های جمع بود. او در برابر جمع تسلیم می شد، تا آنجا که درستی کار حواس خود را نیز مورد تردید قرار می داد.

«همین آزمایش را در مورد گروه های دیگر نیز بکار برد. حتی درجات تمایز نظر فرد هشتم را با هفت نفر دیگر کاهش داد، اما نتیجه باز همان بود: پذیرش هنجار جمع و تسلیم در برابر آن».

(Nachmias (D): 80)

درین آزمایش و هر آزمایش دیگر، باید توجه داشت:

- افراد مورد نظر از اینکه در موقعیت آزمایشگاهی قرار دارند، آگاهند. به بیان دیگر، بزعم پاسکال، حتی آنگاه که طوفانی کودکى را از بین می برد، خود نمی داند چه می کند و حال آنکه آن کودک در نهایت ضعف می داند توسط طوفان از بین می رود.

- موقعیت آزمایشگاهی همواره با

موقعیت طبیعی تمایز دارد. بنابراین باید ضریب انحراف خاصی ناشی از این تمایز در هر مطالعه بدست آید.

- متغیرهای درونی و بیرونی در جریان کار آزمایش باید در نهایت دقت کنترل شوند.

- متغیر یا متغیرهای مستقل مؤرد دستکاری منتظم قرار گیرند. بدین معنی که محقق جزئی از یک متغیر را وارد آزمایش کند و تأثیر آنرا بسنجد. سپس جزء دیگر را. بعنوان مثال، در صورتیکه مطالعه پدیده ای چون ترس و واکنش های مترتب بر آن مورد توجه است؛ باید بتوانیم عوامل ترس را با مرور و با شدت های متفاوت وارد کنیم. سپس، ترس و میزان آنرا احتساب کرد، یادداشت کنیم.

- در جریان هر آزمایش باید تکثیر آزمونها مطمح نظری قرار گیرد. تاهنجاریا قاعده قابل تصمیم احراز گردد. به بیان دیگر و با توجه به مثال فوق الذکر، باید بتوانیم فرد مورد نظر (در این آزمایش نفر هشتم) را چندین بار در معرض آزمون قرار دهیم تا بنوعی واکنش میانگین یا متوسط برسیم.

- هر آزمایش زمانی منتهی به نتیجه مطلوب است که کنترل کلیه متغیرها در تکرار آزمون با نغرات متفاوت صورت بندد. به عنوان مثال، در تحقیق بالا، باید بتوانیم فرد مورد آزمایش را از گروه های مختلف برگزینیم، تا واکنش های متمایز آنان احتساب شود و علل و عوامل تمایز واکنش ها (با توجه به تمایزهای افراد برگزیده چه از نظر سن، جنس، تعلق طبقاتی، وضع تاهل، تحصیل و....) سنجیده شوند.

نمونه دیگر این نوع مطالعات از آزرین

- چنانچه در جریان طولانی آزمایش از چند آزمایشگر استفاده کنیم، به احتمال زیاد همسازی داده‌ها (Data Consistency) از بین می‌رود یا دچار کاستی می‌شود. بدینصورت که هر یک آزمایش را بصورتی خاص هدایت خواهد کرد و کنترل متغیرها را بصورتی که با خواست و سلیقه آنان تطابق یابد به انجام می‌رساند.

- چنانچه در جریان کار آزمایش، یک یا چند محقق ثابت بکار آیند، اما، موازین و معیارها از ثبات لازم و حداقل انتظام بی‌بهره باشند، کار آزمایش به نتیجه نخواهد رسید.

- باز چنانچه در هر کار تحقیق، از جمله آزمایش، فرضیه‌ها چنان در ذهن رسوخ کنند که هدف تحقیق حتماً اثبات آنان باشد. باز کار آزمایش بی نتیجه خواهد بود.

نمونه‌ای در این نوع آزمایش را می‌توان در تحقیق معروف کامر در زمینه انتقال صفات اکتسابی از طریق وراثت ملاحظه کرد.

پ - از طریق مطالعه میدانی

«این نوع مطالعه را آزمایش طبیعی (Natural experiment) نیز می‌خوانند. مطالعاتی را می‌رساند که در آن بررسی تغییرات حاصل در متغیرهای تابع صورت می‌گیرد، بعد از آنکه خود در معرض تاثیر متغیر یا متغیرهایی مستقل قرار گرفت، بدون آنکه محقق شخصاً موقعیت ویژه‌ای فراهم آورده باشد» (Dictionary of Social Sciences, Kolb (ed): 252)

این نوع مطالعات دارای این امتیاز هستند که در آن موقعیت کاملاً طبیعی است. انسانها در

و همکاران اوست. هدف از مطالعه آنان شناسایی و سنجش اثرات پاداش مشترک در کار جمعی بود؛ آزمایش آنان با صور گوناگون به انجام رسید: در آغاز از کودکانی، که جفت جفت تقسیم شده بودند، خواستند کاری مشترک به انجام رسانند و سپس در صورت توفیق جمعی، به هر یک بعنوان پاداش شیرینی داده می‌شد. همانطور که گفته شد، این مطالعه صور گوناگون می‌یافت:

- از جانبی می‌توانستیم تعداد کودکان را با توجه به کار معین و پاداش معین مورد سنجش قرار دهیم آنگاه که تعداد بالاتر می‌رود، مسؤولیت جمعی کمتر احساس می‌شود، (پاداش بیشتر تجزی می‌یابد و به هر کس سهم کمتری می‌رسد)

- از جانبی دیگر و در آزمون دیگری می‌توانستیم، انواع گوناگونی از کار را در شرایط تساوی تعداد کودکان و هدایا مورد سنجش قرار دهیم.

- در حالت سوم، می‌توانستیم، نوع هدایا را که جهت تقویت (Reinforcement) رفتار جمعی ارائه می‌شد، در رابطه با چند متغیر دیگر به سنجش نهم.

همچنانکه ملاحظه می‌شود، در مطالعات خاصی که با گروههای کوچک در ارتباط هستند، اعمال آزمایش شدنی است. بشرط آنکه، وجوه گوناگون مورد آزمون واقع شوند. در اخذ نتایج هیچ تعجیل صورت نگیرد. نسبت به متغیرهای بیرونی (Extrinsic) و درونی (Intrinsic) نهایت حساسیت نشان داده شود. علاوه برین، باید توجه داشت، آزمایش کنندگان تعدد نیابند: منظور اینکه:

جریان واقعیت عمل می کنند، هم ضریب آگاهی از موقعیت آزمایشگاهی وجود ندارد، هم صفات ویژه و خاص موقعیت آزمایشگاهی.

ترکیب شیمیائی محیط زندگانی پدر و مادر تغییری داده شود صفات اکتسابی به ارث به نسل بعد منتقل می شود. وی درباره نتایج آزمایش خود کتابها نوشت و سخنرانی ها کرد. مدتی نیز همه نظرات او را ثابت شده می پنداشتند. اما بعدها معلوم شد یکی از دستیارانش از فرط علاقه به اثبات نظر استاد خود همان تغییراتی را که دانشمند در محیط پدر و مادر داده بود، در نسلهای بعد نیز میداده است و هیچگونه انتقال ارثی که کامرر مدعی آن بود در کار نبوده است (کلاتیرگ: ۲۷۰)

در راه آزمون ضریب خطای آزمایش کننده (Experimenter bias) باید، علاوه برین، به تقویب روح علمی محقق سخت توجه کرد.

Empiricism

ر. ک.

انحراف تجربه گر Experimenter bias

انحراف داده های تحقیق است ناشی از پیش فرضهای تعصب آلود محقق. هنگامی که وی بادی خاص خود و درجهت اثبات نظراتش دست به تحقیق می زند، نا آگاه نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار می دهد و از صورت طبیعی منحرف می سازد.

Interviewer/ Durkheim

ر. ک.

موضوع تبیین Explanadum

تبیین (Explanation) درجات نهائی کار پژوهش را مشخص می دارد. با آن از مرحله

توصیف ساده یا جامعه شناسی وصفی (Sociography) خارج می شویم و به شبکه علی پدیده ها دست می یابیم. به اصطلاح باشلارد اندیشمند فرانسوی، هدف دانش دستیابی به امور نهان است در تبیین این هدف تحقق پذیر می شود، آنچه مورد تبیین قرار می گیرد یا موضوع آنرا تشکیل می دهد، بدین نام خوانده می شود.

ر. ک.: Explanation. Explanans

ابزار تبیین Explanans

در جریان نهائی ترین و در عین حال مهمترین فراگرد پژوهش (تبیین) محقق از وسایل، شیوه ها و ابزاری چند استفاده می کند که مجموعاً بدین نام خوانده می شوند.

ر. ک.: Explanadum. Explanation

تبیین Explanation

به معنای بیان علل و عواملی است که وقایع جهان را پدید آورده اند. گاه در تبیین به قوانین کلی و جهانی اشارت می رود. اولین اثبات گرایان (Positivists) نظیر اگوست کنت (Auguste comte) سعی می کردند حوادث دنیا را از طریق قانون حالات سه گانه تبیین کنند. بدینسان که هر اتفاق یا هرواقعه را در جامعه به دوران خاصی که در آن قرار دارد پیوندند. این نوع تبیین کلی (عام) جهانی مردود شناخته شد و امروزه جامعه شناسان بر آنند تا از نظریه های متوسط الحد (Middle range theories)

به بیان مرتن (Merton) یا نظم تمايلى ويا احتمالى (Tendentious regularity) به بیان ژرژ گورویچ (G.Gurvitch) ودر هر حال نسبيت (Relativity) سخن رانند که خود نوید بخش تجلی جامعه شناسی تفاوتی (Differential Sociology) است .

از دیدگاه دیگر ، تبیین از صورت تک عاملی بیرون آمد و از طریق بازبینی زمینه جامع واقعیت صورت پذیرفت . پس دیگر يك واقعه یا عمل اجتماعى تابع يك عامل نیست ، بلکه مجموعه ای پیوسته به شکل گهری آن كمك می کند .

Explanation , Probabilistic

تبیین مبتنی بر احتمالات

Probabilistic explanation ر.ك .

Explanation , Scientific

تبیین علمى

Scientific explanation ر.ك .

Explanation , Sociological

تبیین جامعه شناختی

Sociological explanation ر.ك .

Explanatory research

پژوهش تبیینی

در برابر پژوهش وصفی

(Descriptive research)

Explanation ر.ك .

Exploitation بهره گشى ، استثمار

هر نوع استفاده نامشروع از دیگری است .

بهره گشى می تواند به صورت رایج آن يعنى تملك حاصل کار دیگری درآید ، یا آنکه صور دیگر می پذیرد .

Imperialism/colonialism ر.ك .

Hegemony

Expressive عافى - بیانى

اصطلاحى است که در تحلیل رفتار

گروهها به کار می رود . اگر در گروههای کار ، هدف انجام وظیفه است ، گروههای متشکل از دوستان ، بر پایه روابط عاطفی - بیانی تشکیل می شوند . پارسنز (T.parsons)

و شیلز (A.Shils) در سال ۱۹۵۲ ، این واژه را به کار برده آن را رفتار افراد در

گروههایی می دانند که در آن رجحان عاطفی نظیر دوستی یا نفرت اظهار می شوند . از نظر

پارسنز در خانواده های جدید نیز نقش مادر عاطفی - بیانی است و حال آنکه نقش پدر

مادی - ابزاری (Instrumental) است ؛ چه ، اومسؤل تمهید امکانات مادی خانواده

است . دانشمندان دیگر ، چون بیلز

(R.F.Bales) در اثرش «تحلیل فرایند تعامل»

(۱۹۵۱) و کلین (J. Klein) در اثرش

«مطالعه گروهها» (۱۹۵۱) ، این مفهوم را

بطور مبسوط مطرح ساختند .

Expressive crowd

انبوه عاطفی - بیانى

انبوهی از انسانها که حالانی بسیار عاطفی

- این قوانین و شیوه‌های عمل با فضای درونی گروه می‌آمیزند و پیدایی احساسات، کنشها و واکنشهایی را در گروه موجب می‌شوند که خود نظام درونی گروه را می‌سازند.
- برونی سازی Externalization**
- در برابر Internalization که فرایند درونی سازی را می‌رساند؛ برونی سازی بر تجلی عینی بخشیدن، ملموس ساختن و در منصفه ادراک دیگران قرار دادن عقیده، اندیشه و یا هر حالت روانی است. رفتارگرایان (Behaviorists) همین تجلیات عینی را مبنای مطالعه قرار می‌دهند. به هنگام بحث از بسیاری پدیده‌ها، برونی سازی به صورتی غیر مستقیم صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال زمانی که از فردی نژاد پرست خواسته می‌شود، نظیر خود را در مورد حالت روانی فردی که به مثله کردن يك سیاه پوست پرداخته تشریح کند، او در حقیقت عقاید خاص خود را درین باب به منصفه ظهور می‌گذارد و گاه به فرا فکنی (Projection) و انتساب عقاید خاص خود به دیگری می‌پردازد.
- Internalization/Projection** ر. ک.
- فرا زیست شناختی Extra-biologic**
- ر. ک. **super-organic**
- استرداد Extradition**
- باز پس گیری مجرمان فراری را به کشوری که جرم در آن به وقوع پیوسته می‌رساند. استرداد معمولاً در مورد نقض حقوق مدنی و نه مخالفت سیاسی صورت می‌پذیرد.
- را با رفتارهایی چند (پایکوبی، آواز دستجمعی و ...) بیان می‌دارد.
- ر. ک. **Crowd**
- خانواده گسترده Extended family**
- ر. ک. **Family**
- پژوهش پهنانگر Extensive research**
- در برابر پژوهش ژرفا نگر (Intensive)، پژوهشی است (۱) بر روی جمعیتی وسیع (۲) کمتر با ابعاد عمقی، ذهنی و کیفی و بیشتر با جهاتی عینی، ملموس و آماری، سرشماری در زمره پژوهشهای پهنانگر است.
- قلع وقوع، انهدام Extermination**
- ر. ک. **Genocide**
- External economies**
- صرفه جوییهای برونی**
- عناصری در اطراف يك واحد تولیدی که موجب افزایش بازده را فراهم می‌سازند. در برابر عوامل زیان آور برونی (External diseconomies)
- External system** **نظام برونی**
- هومانس (G.C.Homans) در اثرش «گروه انسانی» (۱۹۵۱) دو مفهوم نظام برونی و نظام درونی (Internal) را مطرح ساخت. برای آنکه يك گروه بتواند به کار پردازد، قوانینی لازم است، نظامی و همچنین شیوه‌هایی جهت تشویق و تنبیه. این قوانین و شیوه‌ها را نظام برونی می‌خوانند، ليك،

Extramarital relations	روابط نامشروع	Extra - social	فرا اجتماعی برورای روابط اجتماعی و انسانی .
استقرار روابطی بین فردی متأهل با دیگری (متأهل یا مجرد).	ر. ک.	Extra-somatic	فرائنی
Adultery/Rape/Fornication	ر. ک.	Super-organic	ر. ک.
Extrapolation	فرا فکنی روند - استنتاج قیاسی	Extraversion	برون گرایی
هنگامی است که روند حرکت پدیده‌ای خاص را (بعنوان مثال حجم و ابعاد خانواده) در چند برهه از زمان بدست می‌آوریم و سپس آینده آن را در صورت ثبات شرایط و متغیرهای موجود تخمین می‌زنیم؛ زمانیکه در منطق از چند گزاره مبرهن؛ گزاره‌هایی تازه استنتاج می‌نمائیم.	ر. ک.	در برابر مفهوم درون گرایی (Introversion) به صورت Extroversion	نیز آمده است .
Interpolation, syllogism	ر. ک.	Extrovert	ر. ک.
استنتاج قیاسی	Extrapolation	Extrovert	برون گرایی
صورتی خاص از استنتاج مبتنی بر قیاس که در جریان آن از سلسله‌ای از امور معلوم به اموری مجهول دست می‌یازیم .	ر. ک.	یونگ در گونه شناسیهای شخصیت ، به دو گونه اساسی توجه کرده است. او آدمیان را به دو دسته برون گرا و درون گرا (Introvert) تقسیم می‌کند. فرق عمده میان این دودسته آن است که برون گرایان بیشتر به خارج و به سوی شیء تمایل دارند و حال آنکه دسته دوم و درون گرایان از شیء دور شده به خود و جریانهای روانی خود می‌نگرند. برای برون گرایان شیء از بالاترین اهمیت برخوردار است و حال آنکه برای دسته دوم ملاک یا مدرک اهمیت اساسی دارد. (بنقل از روانشناسی اجتماعی ، اتوکلاپنبرگ، ترجمه علیمحمد کاردان ، ص ۴۱۰) .	ر. ک.
Induction/Deduction/	ر. ک.	Social realism/Introvert/	ر. ک.
Interpolation/Logical inference/	فرا خرد	Dysplastic	
Inferential statistics	ر. ک.		
Extra - rational	ر. ک.		
Rationalism			

F

سوسیالیسم فابیوسی Fabian socialism

ر. ک. Fabianism/Socialism

فابیوس گرایی Fabianism

نهضتی است در انگلستان که در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۸۳) به وجود آمد و از طرفداران آن سیدنی وب (S.Webb)، بناتریسی وب (B.Webb)، دزد پرناد شاد و ... بودند و هدف آن ایجاد نوعی سوسیالیسم است که حاوی مشخصات زیر می باشد :

— ارزشهای معنوی انسان در آن احیاء شوند .

— اصلاحات بدون خونریزی و کشتار تحقق پذیرند .

— اقدامات اصلاحی صورت تدریجی و نه انقلابی یا بد (شعار آنان تحقق سوسیالیسم در چارچوب جامعه موجود بود).

— مسائل اجتماعی با استفاده از روشهای

علمی تحلیل شوند.

— نه بر توده ها ، بلکه بر برجستگان جامعه اتکاء شود .

— دخالت دولت در اقتصاد تحقق یابد.
بنابراین ، فابیوس گرایان معتقد به مداخله دولت (Interventionism) و نوعی دولت سالاری (Dirigism) انعطاف پذیر بودند و از سیاستهای لیبرالیستی از طرفی و مارکسیستها از طرف دیگر انتقاد می کردند . آنان اصلاحات اجتماعی را بعدی علمی و دانشگاهی بخشیدند ، در اعمال آن کوشیدند و هر چند به سال ۱۹۱۸ اهمیت خود را از دست دادند ولی در تاریخ سوسیالیسم وارد شدند .

ر. ک. Controlled economy/

Interventionism/Mixed economy

Face - to - Face group

گروه چهره به چهره

Group	ر. ك.	(Mass) یا انبوه خلق (Crowd) نیست .
Face validity	اعتبار صورتى	Gang/Band/Party ر. ك.
Validity	ر. ك.	تحليل عوامل Factor analysis
Facilitation	تسهيل	نوعى خاص از تحليل علمى است كه در آن وضعى با توجه به عناصر پديد آورنده آن مورد تجزيه قرار مى گيرد و هريك از عوامل آن با يكديگر مقايسه مى شوند. در ارتباط با يكديگر سنجيده و با ابزار رياضى شناساى مى شوند. به صورت Factorial analysis
Facilities , community	تسهيلات محلى	نيز آمده است .
Community facilities	ر. ك.	Factors of production عوامل توليد
Facts , social	امور اجتماعى	شمار عوامل توليد و همچنين ضريب اهميت هريك در هر مكتب سياسى - اقتصادى تمايز مى يابد . اما اكثر شامل كار، زمين ، سرمايه ، مديريت يا تصدى ، مى شود.
Social facts	ر. ك.	ر. ك. Entrepreneur
Faction	فرقه	كارخانه - نمايندگى تجارى Factory
از ريشه اى لاتينى به معناى «حزب سياسى» گرفته شده است. گروهى است ويژه ، با بعدى حاكى از استهجان و خصوصياتى چند كه برخى از آنان از اين قرارند :		يك كشور در كشورى ديگر
- محدوديت زمانى :		كشت و صنعت Factory farm
با توجه به هدفهايش ، همبستگى فرقه يا فرقه بازى زمانى لايتنها ندارد.		واحدهاى بزرگ با جدائى مديريت از سرمايه و كار و همچنين خانواده ، اداره شده با شيوه هاى عقلايى ، رعايت تخصص ، تنوع كشت و بطور كلى با آميزش كامل صنعت و كشاورزى بدان Large scale farm نيز اطلاق مى شود .
- ابعاد غرض آلود :		نظام كارخانه اى Factory system
فرقه نه در جهت تحقق هدفهاى كسل جامعه ، بلكه به منظور تأمين خواست گروهى پديد مى آيد ، از اين روست وجود حالاتى چون غرض ورزى (Favoritism) يا خویشاوندگرایی (Nepotism) ، بطور كلى فرقه فاقد بى طرفى (Impartiality) يا بى نظرى (Neutrality) است ؛ چه برپايه جانبدارى غرض آلود و تحقق اهدافى خاص بنا يافته است .		نظام توليدى كه در آن ابزار توليد انباشته مى شوند ، تراكم و پيچيدگى مى يابند . توليد
- كوچكى گروه :		
از نظر كمى فرقه هرگز به وسعت توده		

- مغالطه - مغلطه** Fallacy
اصطلاحی در منطق که با سفسطه (Sophism) نزدیک است .
- خطا پذیری** Fallibility
- تمثیل دروغین** False analogy
- تبلیغ کاذب - تبلیغ غیر قانونی** False advertisement
ر. ک. Advertisement/Propaganda
- استدلال باطل** False argument
- قیاس صوری غلط** False syllogism
- زمانی که رابطه منطقی بین دو پدیده وجود نداشته باشد و به غلط یا سفسطه پیوندی بین آنان مفروض شده باشد، نظیر آنکه گفته شود، دیوار موش دارد، موش گوش دارد، پس دیوار گوش دارد .
- ر. ک. Syllogism/Induction/
Deduction/Premise/Logic
- جعل اسناد** Falsification of documents
- روح خانوادگی** Familial spirit
(۱) دارای توجه به خانواده و برخورداری از علائق نسبت به آن (۲) وفاق و همبستگی خانوادگی .
- خانواده** Family
- I - گروهی از افراد که با یکدیگر پیوندی بر پایه همخونی (نسبی) یا ازدواج (سببی) و یا فرزند پذیری (Adoption) دارند. ساخت خانواده، هرم قدرت در درون آن، کارکردهای خانواده، حجم خانواده،
- انبوه (Mass production) و کار زنجیری** رونق می یابد. نظام کارخانه ای در آغاز در انگلستان بسال ۱۷۵۰ پدید آمد .
- آیین بی طرفی در** Fairness doctrine
ارتباطات جمعی - آیین نصفت
- اصلی است پذیرفته که بر پایه آن رادیو و تلویزیون به محض انتشار عقیده ای سیاسی باید عقاید مخالف آن را نیز بخش کنند، تا تا بینندگان یا شنوندگان بطور يك جانبه تحت تأثیر قرار نگیرند .
- ر. ک. Mass media
- ایمان - وفا - وعده** Faith
- در معنایی، اعتقاد و ایمان رami رساند و مترادف است با نظام باورهای دینی.
- در معنای دیگر، وفا و صمیمیت را می رساند و مترادف است با Fidelity.
- درمان از طریق ایمان - شفا بخشی** Faith healing
درمان بیماران با استفاده از معتقدات آنان در اکثر ادیان جهان دیده می شود. از جمله در مسیحیت که شیوه های بسیار در راه شفای بیماران بدون استفاده از ابزار طبی را مطرح می سازد. دستیابی طب جدید به بیماریهای روان - تنسی (psycho - somatic)، در حقیقت به معنای پذیرش تأثیر عمیق حالات روانی بر مسائل جسمانی است. به پدینسان ایمان با ایجاد آرامش روانی می تواند در راه درمان بسیاری از بیماریها کار ساز باشد.
- مغالطه آمیز** Fallacious

دگرپرسی خانواده در خلال زمان ، همگی مباحثی اساسی در شناخت خانواده اند؛ تعریف خانواده و کارکردهای آن ، نظر به اهمیت این واحد مهم اجتماعی و گستره حیطه عمل آن یکسان نیست . برگس (E.W.Burgess) و لاک (H.J.Locke) در اثرشان «خانواده» به سال ۱۹۵۳ در تعریف خانواده چنین می نویسند : «خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی ، همخونی یا پذیرش با یکدیگر به عنوان شوهر ، زن ، مادر ، پدر ، برادر ، خواهر و فرزند در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می کنند»

(Family , P :VII)

این تعریف نسبت به تعاریف دیگری نظیر تعریف دیویس (Kingsley Davis) که خانواده را همچون گروهی از افراد می داند که روابط آنان با یکدیگر بر اساس همخونی شکل می گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می شوند ، برتری دارد . چه ، در تعریف اخیر ، فرزند پذیری یا قبول فرزند دیگری به عنوان عضوی از خانواده ملحوظ نیست . همچنانکه در آن به قراردادهای اجتماعی در امر خانواده توجه نشده است . چه ، افراد تشکیل دهنده خانواده همواره خویش و همخون واقعی نیستند . به عنوان مثال ، در جزایر ملانزی ، عضو خانواده شدن مستلزم داشتن

رابطه خویشی نیست ، مردی که پول قابله را می پردازد ، پدر کودک محسوب می شود ؛ اما این تعریف نیز بی عیب نیست ، چه صرفاً به خانواده هسته ای نظر دارد و دیگر اشکال جهانی خانواده در آن به فراموشی سپرده شده است . از این رو به تعریف فراگیرتر زیر می پردازیم : در جستجوی باز یابی تعریفی که از قالب یک جامعه خارج شود و ابعاد جهانی خانواده را در بر گیرد ، مک آیور (McIver) در اثرش ، «جامعه» می نویسد : «خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان پایا و مشخص که به تولید مثل و تربیت فرزندان منتهی شود .

(Society , a text book of

sociology , p : 196)

همین تعریف نیز که قالبهایی چنان باز را عنوان می کند تا خانواده را در سطح جهانی در بر گیرد ، باز فاقد مشکل نیست : از جمله آنکه صرفاً به ابعاد زیستی خانواده توجه دارد و حال آنکه خانواده تنها زمینه روابط جسمانی مشروع نیست ، بلکه دارای ابعاد فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی غنی است ؛ لوی (R.H. Lowie) در راه باز یابی تعریفی جهانی از خانواده وهم تعریفی که تنها یک بعد آنرا مطرح نسازد و در عین حال ساده ترین و عام ترین تعاریف باشد ، می نویسد «خانواده واحدی اجتماعی است که بر اساس ازدواج پدید می آید» .

(*An Introduction to the Cultural anthropology*,
P , 246)

در اثری دیگر ، همین نویسنده ، در توضیح بیشتر برای تعریف خود می نویسد : خانواده پیوندی است که با نهاد ازدواج ، یعنی صورتی از روابط جنسی که مورد تصویب جامعه قرار گرفته است ، مرتبط است .

(*Social organization* ,
P , 215)

بدینسان ، تعریفی فراگیر ولی کم محتوی در برابر تعاریف دقیقتر اما ناظر به نوع خاصی از خانواده ارائه می شود. در جستجوی تلفیق این دو در تعریف خانواده ، می توان گفت : ۱) خانواده براساس ازدواج بین دو جنس مخالف پدید می آید ، در آن مناسبات نسبی (واقعی یا قراردادی) و همچنین سببی و فرزند پذیری به چشم می خورد ۲) برخلاف خانوار که لزوماً اعضاء آن در یک مکان حیات می گذرانند و اشتراک اقتصادی برخوردارند خانواده مستلزم تحقق هیچیک از این دو شرط نیست . ۳) ابعاد خانواده نه تنها زیستی، بلکه اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی است ، ۴) کارکردهای خانواده نه تنها تولید مثل، بلکه نگاهداری و پرورش کودکان و همچنین تامین نیازهای متقابل زیستی ، روانی و اجتماعی زوجین است .

Marriage

د.ک:

انواع خانواده Family , Types of

خانواده زیستی Biological family

در برابر خانواده راهبایی (Family of orientation) ، خانواده ای است که در آن پدر به صورت والد و مادر والدۀ تجلی می کنند. زیرا نه پدر و نه مادر نقشهای دیگری جز تولید مثل ندارند. با تکامل فرهنگ و ورود آن به حریم خانواده نقشهای والدین نیز تعدد و تنوع یافت . رابطه پدر و فرزند دیگر تنها رابطه زیستی نبود و او مسئول اجتماعی شدن کودک خویش نیز شد ؛ خانواده نقشهای اقتصادی ، فرهنگی و حتی سیاسی به خود گرفت ، به دورانی تازه راه یافت و صورتی تازه یافت.

خانواده مرکب Composite family

گروهی اجتماعی است شامل دو یا چند خانواده هسته ای که در یک خانه زندگی کنند. مانند یک خانواده چند زنی ، یک خانواده گسترده .

خانواده زن و شوهری Conjugal family

خانواده ای است که در آن تأکید بر روابط زن و شوهر است و نه بر روابط بین خویشان بدمعنای گسترده کلمه .

در این نوع خانواده که بعضی آن را با

خانواده هسته ای (Nuclear family)

مترادف می دانند ؛ استقلال زن و شوهر در قبال والدین ، با فاصله مکانی آنان و گذران زندگی نه در خانه والدین شوهر یا زن، بلکه در مکانی دیگر بیشتر است. از این رو خانواده هسته ای معمولاً نو مکان (Neolocal) ، است.

از نظر حجم ، تعداد کمتری فرزندان در آن است ، نسل پدر یا مادر بزرگ در آن دیده نمی شود ، متعلقات سنتی خانواده های بزرگ (مستخلمین و ...) نیز در آن دیده نمی شود . در خانواده هسته ای هرم قدرت عمودی نیست فرزندان با تعداد کمتر ، ارزش والاتری می یابند ، بطوری که گاه سخن از فرزندمداری (Filocentrism) در آن می رود . کارکردهای

خانواده هسته ای نیز کاهش یافته اند . چه ، دیگر همانند خانواده های بزرگ ، فرزندان به اشتغال در خانه و زیر نظر پدر (کارکنان خانوادگی) نمی پردازند . از نظر آموزشی نیز خانواده هسته ای دارای انحصار مطلق نیست . چه ، رقاباتی تازه (مدرسه ، وسایل ارتباط جمعی و ...) آموزش فرزندان را به عهده می گیرند .

خانواده همخون Consanguine family

در این نوع خانواده تأکید بر روابط مبتنی بر همخونی والدین و فرزندان ، خواهران و برادران است . همخونی بین زن و شوهر می تواند طبیعی ، قراردادی ، توتمی و ... باشد .

خانواده گسترده Extended family

خانواده ای که در خود سه نسل یا بیشتر را که با یکدیگر رابطه نسبی دارند ، جای می دهد . به این قرار ، یک خانواده گسترده می تواند شامل جد ، جده ، زن و شوهر و احتمالاً فرزندان مزدوج آنان باشد .

Equalitarian family

خانواده برابری یافته

در برابر خانواده های پدرسر ، یا مادرسر . خانواده ای است با پذیرش برابری رسمی زوجین .

Filocentric family

خانواده فرزند محور

ر. ک . Filocentrism

Independent family

خانواده مستقل
برخی خانواده هسته ای را به این نام می خوانند .

Joint family

خانواده پیوسته

Matriarchal family

خانواده مادرسر
ر. ک . Matriarchy

Matricentric family

خانواده مادر مرکز

ر. ک . Matricentrism/Filocentrism

Nuclear family

خانواده هسته ای

واحد اولیه خانواده که شامل والدین و فرزندان می شود . این فرزندان می توانند طبیعی یا فرزند خوانده باشند .

برخی آن را با خانواده زن و شوهری مترادف می دانند ؛ لیک ، بنظر بسیاری از محققان خانواده زن و شوهری می تواند بدون فرزند باشد و حال آنکه خانواده هسته ای مستلزم داشتن فرزند یا فرزندان نیز هست .

ر. ک . Conjugal family

Family of orientation

خانواده راهیابی

برخلاف خانواده زیستی که در آن پدر صرفاً نقش والد (Genitor) را ایفا می‌کند و مادر در نقش والدۀ عمل می‌کند، در خانواده راهپایی، پدر نه تنها رابطه زیستی با فرزند دارد، بلکه مسئولیت راهبری او را از دیدگاه اجتماعی شدن، فرهنگ آموزشی، حتی آموزش حرفه به عهده دارد.

خانواده پدرمادری Parental family

در برابر خانواده ناقص

(Single - parent family)

خانواده پدرسر Patriarchal Family

Patriarchy ر. ک.

خانواده پدرمرکز ~ Patricentric

Patricentrism ر. ک.

Procreation family

خانواده فرزند زایی

خانواده روستایی ~ Rural

در برابر خانواده شهری، مشخصات آن باروری گسترده، کاهش طلاق، گسترش حجم و ... است

خانواده ناقص ~ Single Parent

خانواده‌ای فاقد پدر یا مادر، به علت

طلاق؛ فوت و ... ر. ک. : Zadrouga family

Family allowance

مدد معاش خانواده

هر نوع کمک به خانواده از جانب دولت

یا سازمانهای رسمی است. به دو صورت

اعمال می‌شود: صورت اول آن، برای اولین

بار در ویلز جنوبی (South Wales)

اعمال شد بر طبق آن حداقل حقوق يك مرد متأهل بدون فرزند تعیین می‌شود و برای هر فرزند نیز میزانی در نظر گرفته می‌شود. ۲) صورت دوم آن توسط فرانسه، بلژیک و ایتالیا بعد از جنگ جهانی دوم و به منظور افزایش تعداد فرزندان و در نتیجه جلوگیری از کاهش کل جمعیت به کار آمده، پذیرفته شد، بر اساس آن برای هر فرزند کمکی به صورت نقدی، جنسی یا خدماتی (نگهداری فرزندان توسط مددکار اجتماعی)، در نظر گرفته می‌شود که با افزایش آنان جنبه تصاعدی خواهد داشت

رفتار خانوادگی Family behavior

در اصطلاح به کنش متقابل اعضاء يك

خانواده در برابر یکدیگر، اطلاق می‌شود

بودجه خانواده Family budget

میزان درآمد خانواده، منابع و نحوه توزیع آن. این ارقام نه تنها درآمد سرانه افراد جامعه در طبقات و مشاغل مختلف را می‌رساند، بلکه، میزان مخارج، شیوه‌های آن و همچنین نقش بودجه در انواع رفتارهای خانواده را نشان می‌دهد. با افزایش درآمد، شبکه نیازها دگرگون می‌شوند، گذران فراغت سهمی در بودجه خانواده می‌یابد و حتی در اقلام مواد غذایی خانه و نحوه مصرف آنان دگرگونی پدید می‌آید.

Family disorganization

دژ سازمانی خانواده

گسست رشته‌های پیوند بین اعضاء

خانواده با فروریزی هرم قدرت و پیدایی

تفرد. انحراف خانواده از معیارها، الگوها و مدل‌های رایج و خلل در وحدت و هویت خانواده.

مزرعه خانوادگی Family farm

در برابر واحدهای کشت و صنعت (Factory farms) یا واحدهای بزرگ زراعی (Large scale farms) واحدی است بالنسبه کوچک، اداره شده توسط کارکنان خانوادگی با مدیریت همه جانبه رئیس خانواده. درچنین چارچوبی خانواده فاقد توزیع وظایف برحسب تخصص است. روشهای تولید و شیوة مدیریت کمتر عقلایی است؛ محصولات تنوع بیشتری دارند و تکیه در آن بیشتر بر خودکفایی و اقتصاد معیشتی است.

Family life cycle

دور حیات خانواده

به معنای تبدلاتی است که يك خانواده در جریان عمر خود در مقاطع زمانی می‌پذیرد. در مقطع اول گزینش همسر و ازدواج مطرح می‌شود. مقطع دوم شامل فرزندآوری، مقطع سوم پرورش فرزند (ان) و مقطع بعدعزیمت فرزند یا فرزندان را از خانه شامل می‌شود.

Family life of animals

زندگی خانوادگی حیوانات

بدون آنکه پایایی، پیچیدگی و تعدد ابعاد خانواده انسان را یابد، در بین برخی از حیوانات چیزی همچون شبه خانوادگی ملاحظه می‌شود که بیشتر در بین پستانداران و

کمتر از همه در بین پرندگان ملاحظه شده است. روابط در آن غریزی است گاه فصلی (با تولد فرزندان) و گاه فرا فصلی بدون انقطاع.

خانواده ملل Family of nations

استعاره‌ای که ملل را همچون خانواده‌ای گرد یکدیگر و درکنش متقابل مطرح می‌سازد پیدایی و بسط وسایل ارتباط جمعی به زعم ملل‌لوهان، دهکده جهانی را پدید آورد، فضا را کوچکتر ساخت و هر حادثه بسرعت در اقصی نقاط انعکاس یافت و واکنش برانگیخت.

Family planning

برنامه ریزی خانواده

تعیین تعداد فرزندان، فاصله زمانی تولد آنان و گزینش زمان تولد برای هر فرزند. برنامه ریزی خانواده به معنای کم کردن یا لزوماً زیاد کردن فرزندان نیست، بلکه کنترل و تنظیم آگاهانه طبیعت توسط انسان را می‌رساند.

Birth control

ر.ک.

Family relationship

مناسبات خانوادگی

Family size

حجم خانواده

Family social work

مددکاری خانواده

کمک به حل مسائل خانواده با در نظر گرفتن بافت کلی آن و با توجه به هر خانواده به عنوان يك مورد خاص.

Famine

قحطی

قرارداد . و سعادت انسانها را منوط به میزان همبستگی آنان می‌داند.

۲- جامعه‌نیز به مدیریت دارد. رئیس او باید يك فیاسوف باشد اما تنها فلسفه و دانش برای اداره جامعه کافی نیست، او باید دارای قدرت فرماندهی باشد و این کرامات در طبیعت او وجود داشته باشد. ازین اصل که بگذریم، رئیس جامعه باید دارای دوازده شرط باشد: (نظیر سلامت کامل، هوشمندی، کرامت انسانی، بلاغت، عدالت، خودداری، تعادل در خوراک و ... و این خصایص را در يك فرد می‌توان ملاحظه کرد.

چنانچه فردی با این ویژگیها یافت نشد، جامعه باید، زیر نظر يك شورا اداره شود؛ در هر حال، ریاست جامعه آرمانی نقشی بسیار اساسی در سعادت انسانهایش داراست.

۳- باید انسانها را به سوی حکم و منی جهانی رهنمون شد و به بیان او بهترین راه، استقرار اجتماع واحد جهانی است. ازین دیدگاه او را می‌توان با جهان‌وطنان (Cosmopolitans) به مقایسه نهاد.

۴- آرمانشهر فارابی از طبقاتی بسته تشکیل شده است، محور فضیلت هر طبقه علم، آگاهی و اخلاق است.

۵- آن مدینه می‌تواند شایان توجه باشد که موجبات رستگاری را نه تنها در جهان مادی، بلکه دنیای آخرت نیز فراهم سازد، زمینه دوم: دانش شناسی:

آنچه در آثار و اندیشه‌های فارابی به

ندرت فوق العاده، مخصوصاً در مواد اولیه (غذایی)

متعصب - Fanatic

تعصب - جمود فکری Fanaticism

دارای عقاید قالبی (stereotypes)، تغییر ناپذیر و جزمی (Dogmatic) بودن.

Farabi (Abu Nasr)

ابو نصر فارابی

از متفکران اسلامی است. (۲۵۹-۳۳۹ هجری) آثارش بسیارند، اما به دو زمینه قابل تقسیم: الف: رؤیاگرایی (utopianism) ب: دانش شناسی

زمینه اول:

در این زمینه، سه اثر از او باقی است با نامهای: کتاب آداب اهل المدینه الفاضله کتاب سیاست المدینه. کتاب الملک، هر سه اثر. دنباله کارهایی بود که قبل از او افلاطون به آن پرداخته بود و او در صدد برآمده بود تا در دنیای اسلام چنین اندیشه‌هایی را مطرح سازد. مدینه فاضله فارابی دارای ویژگیهایی چند است، به این قرار:

۱- جامعه همچون موجودی است زنده که تمامی اجزا و عناصر آن با یکدیگر در پیوند متقابلند و بقای آنان متضمن این پیوند و تعاون ناشی از آن است. این دیدگاه را امروز، انداموش انگاری (organicism) می‌خوانند که خود از جهاتی مقدماتی بر پیدایی کارکردگرایی شد. او اصل را بر همین وحدت و همکاری

- این نام می خوانیم نه به معنای تفکراتی است منتظم در زمینه آنچه امروزه دانش شناسی (Epistemology) یا جامعه شناسی دانش (Sociology of knowledge) می نامیم ، بلکه اندیشه هایی چند در باب ماهیت دانشها و کوششی در راه طبقه بندی آنان است که برای نخستین بار به سبک دانشمندان امروزی مطرح می شود؛ او در اثرش با نام «احصاء العلوم» در آغاز علوم را به دو گروه نظری و عملی تقسیم می کند : علوم نظری خود شامل سه قسمت اند : علوم طبیعی ، الهیات ، علوم ریاضی . علوم عملی را نیز به دو جزء : اخلاق و علم سیاست قابل تقسیم می داند.
- ر. ک. *Utopianism , organicism*
Comte/ Epistemology/ Sociology of knowledge/ Cosmopolitanism/ Hierarchy of Sciences/ Sciences
 مزرعه خانوادگی Farm , Family
 ر. ک. Family farm
 مزرعه ، کارخانه Farm , Factory
 واحدهای کشت و صنعت
 ر. ک. Factory farm
 درآمد مزرعه Farm income
 به دو صورت ، درآمد ناخالص مزرعه (Gross farm income) و درآمد خالص مزرعه (Net farm income) تقسیم می شود. اولی مجموع دریافتها را با کاهش مخارج می رساند و حال آنکه در دومی به استهلاك (Amortization) و انواع صور کاهش بها (Depreciation) توجه می شود. (به هریک ر. ک.)
 کارگر زراعی Farm laborer
 آن کس که در خدمت گرداننده مزرعه در می آید. او می تواند یک عضو خانواده مدیر مزرعه باشد (کارکنان خانوادگی) یا کارگر مزد بگیر ؛ بطور تمام وقت بدان پردازد و یا نیمه وقت، محلی باشد یا مهاجر، فصلی باشد و یا در تمام سال بدان پردازد.
 مزرعه بزرگ Farm large scale
 واحدهای بزرگ زراعی
 ر. ک. Factory farm
 مزرعه اشتراکی Farm , collective
 ر. ک. collective farm
 تعاونی روستایی Farm cooperative
 ر. ک. Cooperative
 جمعیت کشاورز Farm population
 آنانکه در هر شغل یا تخصص از درآمد مزرعه حیات می گذرانند .
 مزرعه ، خودکفایی Farm , Self - Sufficiency
 خودکفایی مزرعه
 ر. ک. Subsistence farm
 مزرعه معیشتی Farm , Subsistence
 ر. ک. Subsistence farm
 زارع ، مزرعه زارع ، زارع بخور و نمیر Farmer , Subsistence
 ر. ک. Subsistence Farmer

Farmers' association ,

شرکت تعاونی روستایی cooperative

Cooperative farmers , ر . ك .
association

Farmers' organizations

سازمانهای زراعی

سازمانهایی متشکل از روستاییان به هر صورت با هر ساخت و در جهت تأمین هر هدف.

Farming , Subsistence

زراعت معیشتی - زراعت بخور و نمیر

Subsistence farming ر . ك .

Farmsteads , Dispersed

زراعتگاههای پراکنده

Forms of settlement ر . ك .

Dispersed farmstead

Fascism فاشیسم

I - از ریشه‌ای ایتالیایی در معنای

«دسته‌ای از شاخه‌های بهم پیوسته» که عمال دولت به عنوان نشان انتخاب در روم قدیم به کار می‌بردند، به دست آمده است. اخذ این نماد از جانب فاشیستها به معنای آن است که در صدد احیای افتخار روم قدیمند. موسولینی بعد از آغاز جنگ اول جهانی آن را بنیان نهاد و در مارس ۱۹۱۹ رسماً بنا شد و با راهپیمایی ۱۹۲۲، با نام «راهپیمایی در رم» رونق یافت. برخی از ویژگیهایش چنین اند: - ملی‌گرایی. فاشیسم ملی‌گرایی را تا حد افراطی آن (Chauvinism) عنوان می‌کند.

- از بین بردن هر نوع آزادی بیان و

اندیشه، ازین نظر نظام فاشیستی همه‌خطوط اصلی نظام دیکتاتوری را داراست و به امحای هر نوع سازمان سیاسی مخالف دست می‌زند. - دخالت در حیات اقتصادی جامعه با تشکیل سندیکاها و تفویض اصناف و همچنین امحای حق اعتصاب.

- عدم اعتقاد به صلح و تحقق‌پذیری آن.

- رسوخ در اندیشه و سعی در تجلی به

صورت يك ایمان سیاسی با تکیه بر تبلیغات شدید.

- مخالفت با مارکس‌گرایی و هر نوع

اندیشه سوسیالیستی.

بدینسان نظام فاشیستی معمولاً مبتنی بر

قدرت فرهی (charismatic) يك فرد پدید

می‌آید، وی را نماد (Symbol) همه‌دارکان

جامعه می‌دانند و وحدتی مبتنی بر فشار پدید

می‌آورد.

II - برخی فاشیسم و نازیسم را یکی

می‌دانند، بعضی دیگر چون مك گادرن

(W.M. Mc. Govern) بر این اعتقادند که

«آنان هر چند دو جریان نزدیک به یکدیگرند

ولی متمایز به حساب می‌آیند».

(From Luther to Hitler ,

P. 617)

از نظر وی، فاشیسم با سنت‌گرایی پیوند

دارد و حال آنکه نازیسم دارای جهاتی ضد

سنت‌گرایی است و ملت را بجای دولت

مطرح و ستایش می کند ، و بر داروینوسم اجتماعى تکیه دارد .

به زعم کوپن (A. Cobban) . «اصل تمایز از اینجا پدید می آید که فاشیسم پیشینه ای سندیکایی دارد و حال آنکه نازیسم از سوسیالیسم دولتی تأثیر برگرفته است» .

(Dictatorship, London:

P , 131)

در هر حال ، در این هر دو مکتب انجام فعالیت سیاسى بدون تعقل و بطور کلی تعقل ستیزی مطرح است ؛ به زعم الیوت (W.Y. Ellioth) «فاشیسم و نازیسم ، هر دو بر پایه تهاجم علیه نظریه های عقل گرایانه دولت پدید آمدند» .

(The pragmatic Revolt in

Politics , P , 11)

سرانجام باید گفت این هر دو انقلاب طبقه متوسطند علیه نهادهای مردم سالار ناقص همراه با کارکرد بدنظام اقتصادی مبتنی بر سرمایه داری لیبرال قرن ۱۹ .

ر. ک . Despotism / Dictatorship /

Nazism / Authoritarianism

Absolutism / Totalitarianism .

Charismatic/ Autocracy/ Tyranny

Fashion

مد

(۱) دگر گونی هایی که زود رواج می یابند ، عمری نسبتاً محدود دارند (در هنر ، لباس ،

سخن و...) (۲) هرچهره ای از فرهنگ که جنبه ای ناپایا دارد و افراد به جهت اعتباری که بدان وابسته است ، بطور سطحی گرایش به آن نشان می دهند .

تقلید از مد Fashion imitation

تقلید از شیوه هایی نو به منظور کسب اعتبار ناشی از پیشتاز بودن ، در این حال شخص به مخارجی غیر ضرور و گاه هنگفت تن در می دهد (خرید لباسهای خاص ، ماشین خاص و...) .

قدری - تقدیری Fatal

تقدیرگرایی - قدرگرایی Fatalism

پذیرش بی چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آنان منبعث از اندیشه ای که آنان را خارج از حیطه تسلط انسان می داند .

ر. ک . Libertarianism

Determinism Necessitarianism

تقدیرگرایی - قدرگرایی Fatalist

Fatalistic submission

انقیاد تقدیرگرایانه - انقیاد قدرگرایانه

پدرسروزی Father right

تفویض تقدم بر مردم ، مخصوصاً بدعنوان پدر . پدرمکانی پدرتباری ، پدرنامی و انتقال میراث ، اعتبار و قدرت از طریق صلب (پدر) از شاخصهای آنند . با پدرسری (Patriarchy) و پدرسالاری (Patripotestal) مشتبه نشود . به هر يك ر . ک .

معرض ورزی Favoritism

از Favor به معنای لطف ، گرفته می شود

و تعبیه روابطی را نه براساس شایستگی (Meritism)، بلکه پیوندهای شخصی موجب می‌شود. پس غرض ورزی صورتی از تبعیض (Discrimination) است و چنانچه در جهت تفوق خویشان صورت گیرد خویشاوند گرایی (Nepotism) خوانده می‌شود.

ر. ک. Meritism / Nepotism /
Authoritarian personality

فرزند آوری Fecund

قابلیت فرزند آوری Fecundability

Fecundity , Rate of
میزان قابلیت فرزند آوری

در برابر مفاهیمی چون نازایی یا سترونی به معنای قابلیت یک زوج یا یک زن در به وجود آوردن فرزند زنده است. در برابر مفهوم باروری که تولید مثل واقعی را می‌رساند، قرار می‌گیرد. شناخت قابلیت فرزند آوری در جوامعی که تنظیم خانواده یا کنترل باروری صورت نمی‌پذیرد امکان می‌یابد. اصطلاح دیگر آن Reproductive Capacity است.

ر. ک. Fertility

دولتهای فدرال Federal states

فدرالیسم Federalism

I - هر چند این مفهوم در مورد اتحاد کلیساها، کارگران و سازمانهای بازرگانی به کار می‌رود، اما کاربرد اساسی آن در زمینه حکومت صورت می‌گیرد. پیوند بین چند دولت یا چند واحد سازمانی است نه در

جهت اضمحلال کامل آزادی هر یک، بلکه با حفظ حدودی از آزادی و به منظور پیدایی قدرتی تازه منبعث از اتحاد آنان، فدرالیسم در دو سطح پدید می‌آید: در سطح داخلی و در سطح خارجی.

II - ماک ماهون، در اثر برجسته‌اش ویژگیهای فدرالیسم را بدینقرار برمی‌شمارد: «الف: یک نظام فدرال قدرت را بین سازمانهای تشکیل دهنده آن به نحوی تنظیم و توزیع می‌نماید که فرایند عادی قانونگذاری متمرکز نتواند بدان آسیب‌زند. ب: آنچه بعد از پیدایی فدرالیسم، به عهده سازمانهای تشکیل دهنده می‌ماند، باید حایز اهمیت باشد.

پ: واحدهای مرکزی (که با فدرالیسم پدید می‌آیند) تا حدودی بطور مستقیم با واحدها یا عناصر متشکل در ارتباطند، چه به منظور احراز قدرت از طریق آنان (با انتخابات)، چه در جهت اخذ مالیات.

ت: دولتها، سازمانها و یا بطور کلی واحدهای تشکیل دهنده یک واحد فدرالیسم از امکان لازم جهت تغییر در شکل حکومت و جریان آن برخوردارند.

(A.W. Macmahon (ed) ,

Federalism mature and emergent
, PP : 4 - 5)

III - چگونگی پیدایی فدرالیسم و نحوه توزیع واحدهای تشکیل دهنده یک

دولت فدرال، مورد بحث بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است. به زعم لیوینگستون (W.S.Livingston)، «حکومت فدرال وسیله‌ای است که از طریق آن خصوصیات فدرال یک جامعه تبلور یافته و ارائه می‌شوند. چنانچه (گونا گونیها) بطور جغرافیایی گروه‌بندی شوند، نتیجه این خواهد بود که یک جامعه فدرال پدید آید و هرگاه که این خصوصیات چنین توزیع نشوند، در آن صورت، جامعه را نمی‌توان فدرال خواند.

(*Federalism and constitutional change*, P. 2) d

تأثیر وارونه Feed back

اثری است که جزئی از آن بر موثر باز می‌گردد و عمل آن را عمل وارونه (Retroaction) می‌خوانند. پس هنگامی که x بر y اثر می‌نهد و خود نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد تأثیر وارونه صورت گرفته است. بدینسان، x بعد از انجام کار کرد یا عمل با توجه به تأثیری که از y می‌گیرد، به صورت دیگر یا x' در می‌آید.

Retroaction ر. ک.

احساس Feeling

۱) عقیده‌ای که پایه‌های مشخص، عینی و عقلانی یا منطقی ندارد. ۲) تجربه‌ای عاطفی، مخصوصاً مبتنی بر مطلوبیت یا عدم مطلوبیت. ۳) تجربه‌ای ناشی از تماس جسمانی (یا تصور تماس)، به صورت لذت، درد و...

احساس جمعی Feeling , Collective

ر. ک. Collective feeling

Feeling , Group

احساس تعلق گروهی

ر. ک. Group feeling

Feeling , Nationality

احساس تعلق ملی

ر. ک. Nationality feeling

احساس تعلق نژادی Feeling , Race

ر. ک. Race feeling

Feeling , We

«ما» شدن - احساس عمیق تعلق جمعی

ر. ک. We - feeling

Feminism دفاع از حقوق زنان

نهضتی اجتماعی که هدف از آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان است. ر. ک. فمینیسم

Femininity ویژگیهای روانی-اجتماعی زن

مجموعه ویژگیهایی که در یک جامعه مخصوصاً از دیدگاه روانی - فرهنگی به زن نسبت می‌دهند. بعضی معتقدند این صفات تابع عوامل زیستی است. اما به زعم بعضی دیگر، که مارگریت مید (M.Mead) از آن جمله است، ویژگیهای زن و مرد (Masculinity) تابع عوامل اجتماعی - فرهنگی است. بدینسان به نظر آنان، پذیرایی و انفعال، ترحم، وسعت بعد عاطفی، ظرافت، دقت و نظافت که در جوامعی صفت زن دانسته می‌شوند،

نشود.

ج: از بین بردن عقاید قالبی مرتبط با تقسیم کار در خانواده، آنچنانکه زن و مرد هر دو بتوانند در صورت اشتغال زن به کارهای خانه بپردازند. این امر مستلزم ارزش زدائی در کارهای خانه خواهد بود. بدینمعنی که هیچ کاری پست و مادون شان شناخته نشود و مرد از الگوی سنتی توزیع وظایف در خانواده انصراف یابد.

۲- امحاء دو گانگی معیارهای اخلاقی،

(Dual morality) بطور کلی و مخصوصاً آنچه امروزه استاندارد دو گانه رفتار جنسی (Double standard of sexuality) خوانده می شود. آنچنانکه زنان و مردان در برابر تخطی از قانون جامعه، تجاوز، قتل، خیانت و ... مجازاتی مشابه پذیرند؛ همانطور که در مورد طلاق موضعی برابر با مرد یابند.

ر. ک: Suffragette, women's occupation, Feminism Engalitarianism, Androgynous society. Equalitarianism, Equalitarian family, Androcracy

زن - آزاد شغلی Feminization

ورود زنان به حریم شغلی یا مشاغلی است که در گذشته صرفاً به مردان اختصاص داشته است. بعنوان مثال، در بسیاری از کشورهای جهان نمایندگی مجلس حرفه ای صرفاً مردانه به حساب می آید، چنانچه هر یک از آنان در نظر گیرند زنان را نیز به ورود به چنین حرفه ای مجاز

جهانی نیستند. در بعضی از جوامع زنان خشن، تند خو و جنگجویند و حال آنکه صفات منتسب به زنان را در آن جوامع مردان در خود دارند.

ر. ک: M.Mead / Masculinity

Feminist movements

نهضت های دفاع از حقوق زنان

نهضت های دفاع از حقوق زنان در جهان، فعالیت های خود را در زمینه هایی چند متمرکز ساخته اند:

۱- ارائه حق رای به زنان در انتخابات گوناگون (محلی، ملی، ...): و کوشش در راه احقاق حق انتخاب شدن.

۲- ایجاد دگرگونی های بنیادی در نظام اشتغال جامعه که خطوط اصلی آن چنین است:

الف: امحاء حقوق انحصاری مردان در برخی از مشاغل.

ب: تمهید امکانات و شرایط لازم جهت مهاجرت وسیع زنان از خانه و مشارکت آن در حیات اقتصادی و اجتماعی.

پ: آماده سازی زمینه های مکمل اشتغال زن نظیر مهد کودک و ...

ت: انعطاف پذیر ساختن هرم اشتغال زن، آنچنانکه در زمانهای حساس (نوزادی کودک) بتواند به کارخانه اولویت بخشد و تا مدتی از مسائل اشتغال فاصله گیرد بدون آنکه شغل و فرصت های شغلی را از دست دهد.

ج: اضمحلال عوامل نابرابر کننده اشتغال بین زن و مرد. آنچنانکه کار زن تنها در مشاغل غیر کلیدی نظیر خدمات، ماشین نویسی و ... خلاصه

دارند، به فرایند زن-آزاد شغلی در آن حرفه خاص دامن زده‌اند.

مثال دیگر، حرفه کشیشان است که در طی همه قرون در انحصار مردان بوده‌است و امروزه در صدد بازکردن آن بسوی زنان بر آمده‌اند.

Fence, Criminal پناه جنایی

Criminal fence ر. ک.

Feral child کودک وحشی

به کودکانی اطلاق می‌شود که دور از جامعه بشری و در بین حیوانات زنده‌گی کرده‌اند. نمونه خاص این نوع کودکان ویکتور نام دارد که به کودکی فراموش شده در بین حیوانات اطلاق شد؛ مطالعه این نوع کودکان معمولاً به منظور سنجش اثرات اجتماعی شدن (Socialization) تحقق یافته است. بدین معنی که فرض می‌شد تمامی آنچه در این کودکان دیده می‌شود ناشی از فقدان جامعه بوده است. اما این فرض قابل ارزیابی دقیق نیست. زیرا، اگر ویکتور مانند چارپایان راه می‌رود و یا زوزه می‌کشد، احتمالاً ممکن است از آغاز دارای ضعف ذهنی بوده باشد و چه بسا همین ضعف عاملی در ترك اوتوسط والدینش باشد، ازین روست که این مفهوم نیز امروزه کمتر بکار می‌رود و به جایش مفهوم تك افتادگی اجتماعی (Social isolate) به کار می‌آید. این مفهوم حالتی ناقص از اجتماعی شدن را می‌رساند که بر کودک آثاری پایا برجای می‌گذارد.

Anthropic / Enculturation / Socialization ر. ک.

Fermentation, Social

تهییج اجتماعی

Social fermentation ر. ک.

Fertility باروری

در برابر مفهوم Fecundity که از آن قابلیت باروری مستقادی شود؛ مفهوم باروری بر تعداد فرزندان دلالت دارد و این، در تداوم دیگر معانی آن است، نظیر زمین بارور، ذهن خلاق و...

Fertility, types of انواع باروری

Completed fertility باروری نهایی

Female ~ باروری زنان

General ~ باروری عمومی
شمار فرزندان زنده به دنیا آمده در خلال

یک سال معین بر حسب یک هزار زن در سن

باروری. در مواردی به صورت **Fertility** با حذف صفت عمومی عنوان می‌شود.

Generation ~ باروری نسلی

Illegal ~ باروری غیر قانونی

Induced ~ باروری برانگیخته

Intentional ~ باروری عمدی

Legal ~ باروری قانونی

Man ~ باروری مردان

Natural ~ باروری طبیعی

Planned ~ باروری برنامه‌ای

با پیدایی شیوه‌ها و ابزار گوناگون

جستجوی، باروری از صورت طبیعی

به درآمد و تابع خواست انسانها شد.

- ر. ك. Natality , Birth rate ,
 Planned Parenthood , Fecundity
 Fertility rate , Age specific
 میزان باروری بر حسب سن
 ر. ك. Age specific fertility rate
 Fertility rate , Marital
 میزان باروری زنان مزدوج در سن باروری
 ر. ك. Marital fertility rate
 Fertility rate , Standardized
 میزان باروری استاندارد شده
 ر. ك. Standardized fertility
 Fertilization , cross پیوند
 cross - fertilization of culture
 بتواره Fetish
 شیئی یا هر پدیده مصنوعی یا طبیعی ،
 جاندار یا بی جان ، که دارای توان و نیرویی
 فوق طبیعی شمرده می شود .
 بتواره پرستی Fetishism
 از واژه پرتغالی به معنای بت سیاهان
 گرفته شده است و در فارسی معادل‌هایی چون
 فیتیش پرستی و بت پرستی یافته است .
 در برابر واژه عام بت پرستی
 (Idolatry) عقاید مردم در بعضی از جوامع
 را شامل می شود که اشیای طبیعی ، نظیر سنگ ،
 درخت و ... یا اشیای ساخته شده نظیر مجسمه
 و ... را دارای ارزشی ذاتی می دانند و از
 این رو ، شایسته پرستش . در دانش اجتماعی ، این
 واژه صوری بسیار یافته است :
 - مارکس آن را در تعبیر نوعی از خود
 بیگانگی به کار می برد که بر اساس آن زمانی
 انسان تحت سلطه کالاهای حاصل از کار خود
 قرار می گیرد ، آنان را حاکم بر حیات خویش
 می سازد ، ارزشهای متعالی به آنان می بخشد
 و سپس بعد از زمانی آنان را می شکند و
 بیرون می ریزد . همچنین مفهوم کالا بتواره
 پرستی (Commodity fetishism) نزد
 مارکس (Das capital vol.1) به منظور
 متمایز ساختن ارزش رایج يك کالا از ارزش
 دقیقاً مبتنی بر فایده آن به کار رفته است .
 - در روانشناسی به نوعی انحراف
 روانی اطلاق می شود که موجب ارضای
 جنسی را با دیدن اشیایی چند (چون لباس
 زیر و ...) فراهم آورد .
 ر. ك. Appropriation/Idolatry/
 Exhibitionism/Alienation/
 Totemism
 فئودالیسم Feudalism
 I - نظامی سیاسی - اجتماعی - اقتصادی
 است که بر پایه اقتصادی زراعی در جزئی وسیع
 از قرون وسطی (بین قرن دهم تا هفدهم) در
 اروپای غربی رواج داشت .
 اساس آن بر تیول داری (Fief) است .
 تیول معمولاً زمین است ، اما می تواند يك
 منصب ، يك منبع عایدی ، حق دریافت مالیاتی
 به صورت پول یا کالا باشد . هر تیول معمولاً
 قلمرو يك واسال (Vassal) بود که از جانب
 ارباب در برابر تقبل خدماتی نظامی ، قول
 وفاداری و اطاعت محض به او تفویض می شد .
 بزرگترین تیولها توسط اشراف قدرتمندی

اداره می‌شدند که مستقیماً زیر نظر شاه عمل می‌کردند. ارباب نیز در برابر واسال‌هایش مسئول حمایت از آنان و سرزمینشان بود. بدینسان «فئودالیسم قبل از آنکه نظامی اقتصادی و اجتماعی باشد، شیوه‌ای در اداره کشور بود، هرچند که محیط اجتماعی و اقتصادی را متأثر می‌ساخت و از آن نیز تأثیر بر می‌گرفت».

(J, R. Strayer & R. Coulliorn
(ed's) Feudalism in history ,
P : 4)

۵۷

II - ویژگیهای اساسی ساخت سیاسی مبتنی بر فئودالیسم عبارتند از :

الف - وجود یک هرم معین قدرت شامل تمامی افراد حاکم؛ هرچند این هرم همواره یکی نیست؛ یک واسال تیولش را از لرد گرفته، در برابر او مسئول بود. یک فرد سلحشور، تیولی مستقیماً از شاه دریافت می‌داشت، همانطور که یک کشیش از یک اسقف تیول می‌گرفت.

ب - غیر کارکردی بودن هرم (به هم آمیختگی قدرتهای اداری، نظامی، قضایی و ...)

پ - عدم تمرکز محض در سطح کشور با توجه به تعدد قدرتها و عدم انقیاد متقابل. بعد از پیدایی نظام اداری است که تمرکز و عقلانی شدن نظام اداری تبلور می‌یابد.

ج - انقیاد محض زیر دستان، بسودن

هیچ امکان انتقاد یا تقاضای تجدید نظر در احکام.

III - ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی فئودالیسم از دیدگاه آندرسکی (S. Andreski)، چنین‌اند : ۱) «تمایز یا به عبارت بهتر شکاف بین فقرو غنا . ۲) ارثی بودن مناصب، یا به عبارت بهتر، تفوق میراث بر کار و توان شخصی . ۳) سلسله‌مالکین بزرگ ارضی که در اصطلاح بزرگ مالکان (Latifundists) خوانده می‌شوند . ۴) اتکا بر نظامی اقتصادی که در آن: الف) زمینهای بزرگ وجود دارند . ب) خودکفایی در هر یک از زمینهای بزرگ کشاورزی به چشم می‌خورد . ۵) مصونیت لرد یا ارباب (Seigneur) . درحقیقت، اوبرگروههای زیر دست تسلط محض داشت، استثمار آنان را در نهایت قدرت به انجام می‌رساند، اما مافوقی نداشت و به میل خود حکومت می‌کرد. ۶) در برابر خدمات بزرگ نظامی و اداری، زمین واگذار می‌شد که در صورت ادامه خدمت، شخص گیرنده می‌توانست به نگاهداری از آن پردازد».

(Dictionary of social sciences,
G . Gould, L. Kolb (eds) PP: 269-70

IV - فئودالیسم در عصری به وجود آمد که زمین مهمترین منبع ثروت، قدرت و امنیت اجتماعی به‌شمار می‌آمد، وسایل ارتباط جمعی ناچیز بودند، بازرگانی و گردش پول

گسترش نداشت، بیسوادى رایج بود و دستگاه
ادارى ضعیف، بسا استیلاى سلطنت بتدریج
فئودالیسم به نابودى گرایید. امروزه، این
مفهوم وسعت یافته و در زمینه‌هاى گوناگون
به کار مى‌آید، نظیر:

۱- در مواردی از آن نظامى مبتنى بر
سلطه گروهمى خاص که به ارث مواهبى را به
دست آورده‌اند، مستفاد مى‌شود.

۲- در موارد دیگر، تأکید بر زمین‌هاى
بزرگ است، که درینصورت با بزرگ‌زمین
دارى (Latifundia) مترادف مى‌شود.

۳- گاه وجود قدرتهای مسلط منطقه‌ای
و مقاومت آنان را در برابر قدرت مرکزی
مى‌رساند. درینصورت، معنای عدم انتظام در
سطح کشور از آن برمی‌آید.

۴- در مواردی، فئودالیسم، به معنای
روابطی است خاص که در آن ضوابط جای
خود را به روابط دهد، انقیاد محض حاکم
باشد و ... (نظیر فئودالیسم اداری که در آن
رئیس يك واحد در برابر قدرتهای مرکزی
مقاوم در برابر افراد زیر دست مطاع محض
است).

ر. ك. /Serf/Fief/

Feudal relationships

مناسبات فئودالی

جامعه فئودالی Feudal society

ر. ك. Feudalism

تیول Fief

۱- سرزمین، منصب و بسا حقى (نظیر

حق جمع‌آوری مالیات در يك ناحیه و ...)
که از جانب يك ارباب فئودال در قبال اطاعت،
حمل اسلحه، وفادارى به واسال‌ها در طی
قرون وسطی و در چارچوب نظام فئودالی
سپرده مى‌شد. همچنین، شاه مى‌توانست
مستقیماً ته‌ولسى را در اختیار يك سلحشور
نهد؛ یا اسقفى در اختیار يك کشیش. فرزند
تیولدار، تیول ونه مالکیت آن را به ارث
مى‌برد، پس مى‌بایست حق مربوط به آن را
در برابر مافوق ادا نماید.

مطالعه میدانی Field study

Field work

کارمیدانی - کار در میدان

در اصطلاح پژوهش در متن واقعیت را
مى‌رساند. از آن مطالعه میدانی (Field
Study) نیز تعبیر شده است. منظور مطالعه
ایست که در آن محقق بصورتى بى واسطه با
واقعیت روبرو مى‌شود. به جای آنکه اطلاعاتش
را از منابع دیگر (اسناد و مدارک) اخذ کند،
خود مطالعه‌ای تجربی و زنده را به انجام
مى‌رساند.

کار در میدان Field work

در بررسیهای اجتماعى. و در برابر مطالعات
اسنادی به شیوه‌ای اطلاق مى‌شود که بر جمع
آوری داده‌ها مستقیماً از جمعیتی معین تکیه
دارد.

Filial regression

گذشته بازگشت فرزندان

قانون معروف گالتون (F. Galton) را

- فرزند محوری** Filocentrism
در برابر پدرمحوری (Patricentrism)
و مادر محوری (Matricentrism) به نوعی
خاص از خانواده اطلاق می شود که در آن
فرزند مقامی والا دارد. به بیان آلفردسوی
(A.Sauvy) درین خانواده، هزینه آماده
سازی انسان به صورت سرمایه گذاری در
آموزش فرزندان، میزانی بی سابقه می یابد.
- ر. ک.** Family
علت غایی Final cause
ر. ک. Cause
- سرمایه داری مالی** Financial capitalism
ر. ک. Capitalism
- هنرهای مستظرفه** Fine arts
شیوه هایی ظریف در بیان ارزشهای
متعالی در حیات انسانی که به صورت،
مجسمه سازی، حجاری، نقاشی و ... تجلی
می یابد.
- انشعاب** Fission
تقسیم يك گروه، یاخته، بافت به دو یا
چند گروه، یاخته یا بافت کوچکتر.
- بقای اصلح** Fittest, Survival of the
ر. ک. Survival of the fittest
- تعلق عاطفی مفرط به والدین** Fixation, parental
می رساند که برپایه آن فرزندان معدل مسائل
و تواناییهای خانوادگی را دارا هستند.
- ر. ک.** Regression
روابط والدین - فرزندی، Filiation
تکامل زیستگونه
(۱) مکتب فلسفی - جامعه شناختی تکامل
گرایان که براساس آن تمامی پدیده های طبیعی
با یکدیگر پیوندی طبیعی، زیستی و حیاتی
دارند. بدین معنی که پدیده های ساده تر
موجبات پیدایی پدیده هایی پیچیده تر و دارای
تمایزهای درونی بیشتر را فراهم می سازند.
(۲) در انسانشناسی در برابر مفهوم تبار
(Descent) که ضوابط حاکم بر روابط فرد
و خویشان را می رساند، این مفهوم رابطه
فرزند و والدین را مشخص می دارد. بدین
معنی که درجه شرايطی x فرزند y شناخته
می شود و چه نتایجی بر آن مترتب است.
- ر. ک.** Evolutionism/Spencer
فرزندکشی Filicide
رسمی است در بعضی قبایل با انواعی
چند، چون دخترکشی به صورت رایج تر و
پسرکشی. فرزندکشی در مواردی به جهت
احساس شرم (دخترکشی در زمان جاهلیت).
در مواردی دیگر به منظور تغذیه و گاه نیز بسا
توجه به شاعیری جادویی صورت می گرفت.
- ر. ک.** Infanticide/Teknophagy
Ethnocide/Genocide/Patricide/
Matricide/Homicide

ژیسان دوری

- ر. ک. Cyclical fluctuation
نوسان منظم Fluctuation, Regular
ر. ک. Regular fluctuation
سیلان - رفت و بازگشت Fluidity
واژه‌ای در محیط شناسی که حرکات جمعیت را بدون تغییر محل اقامت می‌رساند. (نظیر جابدهایی جمعیت از اطراف به سوی شهرهای بزرگ برای انجام کار روزانه)
کانون توجه Focus of attention
(۱) شیء، چیز یا هر موضوعی در خارج که هسته اصلی توجه شود. (۲) آن قسمت از محتوای وجدان که فرد بیشترین آگاهی را از آن در زمانی معین دارد.
کانون آگاهی Focus of consciousness
آن جزء از وجدان که روشنی یابد، توجه فرد را به خود معطوف سازد و بالقوه قدرت بر انگیزی عمل یا رفتار را دارا باشد.
کنش متقابل کانونی - تعامل کانونی Focused interaction
ر. ک. Interaction
مصاحبه کانونی Focused interview
ر. ک. Interview
قوم Folk
(۱) ازدیدگاهی، این مفهوم در معنایی وسیع با بعدی فرهنگی به کار می‌رود و درین معنی با ملت که شماری قابل اندازه‌گیری از یک جمعیت را در درون مرزهای ملی می‌رساند، تمایز می‌یابد. (۲) در معنایی دیگر قوم به عنوان جانشین مفهوم نژاد به کار می‌رود. در آلمان هیتلری با کاربرد واژه قوم یهود، نژاد دیگری مطرح می‌شد که مورد شکنجه و تعقیب قرار می‌گرفت، در نظریه‌های گوپلویچ (Gumplovicz) نیز چنین معنایی ازین واژه برمی‌آید. (مخصوصاً آنگاه که تعارض نژادی را عامل حرکت جامعه و گزینش و بقای قوم اصلاح می‌شناسد).
(۳) در معنای سوم این واژه در برابر دولت به کار می‌رود. سازمانهای دولتی و بطور کلی جامعه مورد تسلط دولت، دارای روابطی سخت قرار دادی، خشک، و رسمی است و حال آنکه شیوه‌های قومی و جامعه قومی، مبتنی بر روابطی غیر رسمی و داوطلبانه است.
(۴) فرهنگ قومی در برابر تمدن. درین معنی فرهنگ مظهر تمامی فرایندها، محصولات و دستاوردهای یک قوم خواهد بود و حال آنکه تمدن مظهر پیشرفت، پیدایی شهرها و فنون است.
فرهنگ قومی Folk culture
I - فرهنگی است همگن، دارای ابعادی سخت اخلاقی و مقدس که بطور شفاهی انتقال می‌یابد و با لنسبه ایستاست. درین فرهنگ رفتار فرد بر پایه‌های خویشی شکل می‌گیرد، صورتی مشخص دارد، بطور غیر رسمی و با استناد به امور مقدس مورد کنترل قرار می‌گیرد،

الف : جهات مثبت :

۱) برمفاهیمی چون جامعه ابتدایی و جامعه ساده مرجح است ، چون ، جوامع غیر صنعتی هرگز نه ساده ، بلکه از جهاتی بسیار پیچیده تر از جوامع صنعتی هستند و در معنای متعارف ابتدائی نیز نیستند. اما این مفهوم تمامی جوامع به اصطلاح ابتدایی را در بر نمی گیرد. ۲) در زمره دیدگاه آنان که جوامع را در حد کلی و تام می دیدند ، قرار می گیرد و از جهاتی چند برطور گرایان که حرکات اجتماعی ناپذیر برای همه جوامع و آنها در مسیری خاص می دیدند، مرجح است .

ب : جهات منفی :

انتقادات بسیاری برین مفهوم وارد شده که معروف ترین آنسان از جانب تاکس (S.Tax) صورت یافته است . او معتقد بود برخلاف نظر رد فیلد ، در یک جامعه دارای فرهنگ قومی ، روابط غیر شخصی و ارزشهای اقتصادی می توانند رونق و رواج یابند .

(Culture and Civilization in Guatemalan societies pp , 463 - 7)

منتقد دیگر لوئیس (O . Lewis) است که به مطالعه مجدد تپوزتلان (Tepoztlan) یعنی قومی که به سال ۱۹۳۰ مورد مطالعه رد فیلد قرار گرفته بود، پرداخته و حتی معتقد است برخلاف نظر رد فیلد همین قوم نیز دارای

دارای بعدی سنتی است .

II - مفهوم فرهنگ قومی و جامعه قومی را رد فیلد (R.Redfield) برای جوامع به اصطلاح ابتدایی در سال ۱۹۳۰ به کار برد. در مقاله اش به همین نام، جامعه قومی را جامعه ای می داند که کمتر از هر جامعه دیگر به جامعه ما شباهت دارد و برای آن «مفهوم ابتدایی ساده» نیز رسا نیست .

(the Folk society, American Journal of Sociology, Vol L II, 1946 - 47 , P , 293)

ویژگیهای چنین فرهنگی از نظر رد فیلد، تعلق آن به گروههایی است کوچک، پراکنده، منزوی، بدینسان ، چون جوامع قومی کوچک و منزوی هستند ، مناسبات شخصی در آنان مخصوصاً در چار چوب روابط خویشاوندی برتری دارد و فرد در برابر آن منقاد است . ارزشهای دینی بر ارزشهای غیر دینی سلطه دارند، نظام اخلاقی بسیار نیرومند است و خود موجب پیدایی جامعه ای با انسبه ایستا می شود که در آن کنترل اجتماعی صورتی غیر رسمی دارد، سنتی و دینی است (در برابر فرهنگ شهری و جامعه شهری) . فرهنگ جامعه قومی کلی به هم پیوسته می سازد که در آن نیازهای اساسی فرد از تولد تا مرگ مشخص شده است (Ibid, P, 298)

III - این مفهوم از جهاتی چند قابل

ارزیابی است .

فرهنگ قومی نیست. ليك، شايد بتوان گفت سخت‌ترین انتقادات برین مفهوم از آنجا ناشی شد که حتی، زندگی روستایی را نیز بسختی می‌توان در قالب فرهنگ قومی جای داده مورد مطالعه قرار داد. حتی به سال ۱۹۵۳ خود ردفیلد نیز برین نکته اذعان کرده نوشت: «زندگی روستایی از بسیاری جهات چنان بسط و رشد یافته است که از نوع آرمانی فرهنگ قومی به دور است».

(Primitive world and its transformation
P. 39)

فرهنگ عامه - فرهنگ مردم Folklore

I - این مفهوم در آغاز توسط ویلیام مرتن انگلیسی بیش از يك قرن قبل وضع شد انسان‌شناسان و مردم‌شناسان آنرا در دو معنی به کار می‌برند:

الف: معنای وسیع: که شامل تمامی ادبیات روستایی و جامعه ابتدایی می‌شود. درین معنی، این مفهوم با فرهنگ و مخصوصاً فرهنگ قومی نزدیک است.

ب: معنای محدود: شامل اسطوره‌ها، باورها، ادبیات، سنتها و روایات رایج و غیرمکتوب. درین معنی، فرهنگ عامه شامل جزئی از فرهنگ قومی خواهد بود.

II - با توجه به معنای اول این مفهوم،

بدزعم وادنیاک (varagnac) فرهنگ عامیانه دارای سه ویژگی است:

- مربوط به گذشته بودن یا ریشه در گذشته تاریخی جامعه داشتن،
- فاقد زیربنای علمی و تشکیلاتی منظم بودن.
- تأثیری نسبی از فرهنگ و تمدن نو یافتن.

که با در نظر گرفتن معنای محدود دوم، باید غیرمکتوب بودن آن را نیز بدین ویژگیها اضافه کرد.

فرهنگ عامه در دو سطح توصیفی و تبیینی قابل مطالعه است.

جامعه قومی Folk society

ر. لک. Folk culture

جامعه شناسی قومی Folk sociology

شاخه‌ای از جامعه شناسی که در آن قوم به عنوان شالوده‌ای در مناسبات اجتماعی شناخته می‌شود و تکون آن، دگرگونیهایش و همچنین محدوده منطقه‌ای و فضایی آن به تحلیل نهاده می‌شود. درین شاخه از جامعه شناسی، شناخت آداب، رسوم و سنن قومی و اشکال متنوع آنان به عنوان نمادهایی از نیازها و ویژگیهای حیات قومی مطرح می‌شود.

شیوه‌های قومی Folk ways

I - این مفهوم را در دو معنای بالنسبه مشابه به کار می‌برند.

۱) عادات و رفتار رایج در بین يك قوم،

قانونگزاری قرار می گیرد.»

(An American Dilemma,

P, 1031 - 2)

نظیر شیوه‌های تعارف آب درخت-زینة حمام ، برداشتن کلاه به رسم احترام و ... (۲) رفتار مشترك يك قوم در برابر انگیزه‌های مشابه .

II- صاحبن (W.G.Sumner) درکنایه

که به همین نام در سال ۱۹۰۶ منتشر ساخت آن را مطرح کرد .

او بین شیوه‌های قومی و رسوم (Mores) تفکیک قایل می‌شد. چه، عدم رعایت شیوه‌های قومی به نظرش به تمسخر ، یا طرد اجتماعی (ostracism) مساوی انسجامد و حال آنکه بی‌اعتنایی بد رسوم جامعه عواقب سخت‌تری دارد . به نظر سامنر شیوه‌های قومی از تکرار اعمالی چند منشأ می‌گیرند و زندگی در جامعه پیدائی و کاربرد آنسان را صورت پسندیر می‌سازد .

III - انتقاد ازین مفهوم (مخصوصاً

در معنای عام آن) به شدیدترین وجه از جانب میردال (C.G.Myrdal) صورت گرفت ؛ اساس انتقادات او برین است که چنین مفاهیمی:

الف) ابزار نادرستی در جهت تحلیل جامعه غربی جدید هستند که در حال صنعتی شدن سریع است . ب) بنادرست ارزش گذاریهایی چند را با ارائه تصویری بالنسبه ایستا ، فاقد مسئله و همگن از جامعه به انجام می‌رساند . پ) با سوگیری خاصی در دانش اجتماعی مرتبط است که در برابر دیگر گونیه‌های برانگیخته و مخصوصاً در مقابل هر کوششی در جهت دخالت در فرایند اجتماعی از طریق

پیگری

Follow up

در بسیاری از زمینه‌ها ، مخصوصاً در پژوهشهای علوم اجتماعی به کار می‌رود و آن موردی است که تحقیق بر روی موضوعی معین نه یک بار بلکه بطور مداوم صورت می‌گیرد. بعنوان مثال ، هنگامی که آموزش بزرگسالان با هزینه نسبتاً بیشتر به علت کبر سن آنان تحقق نمی‌پذیرد. با این شیوه ، در صد آن برمی آیم تا کار برد سواد و همچنین بقا و یا فراموشی اطلاعات آموخته را در طول زمان بپاییم ؛ بدینسان ، پیگیری ، شیوه‌ای است در مجموعه ابزارهای طولی (Longitudinal) در پژوهشها، که گاه صورت پانل (panel) و گاه صورت دیگر می‌پذیرد.

ر. ک. Trend study/Longitudinal study/Panel

دنباله روی - پیرو Follower

دنباله روی - پیروی - ذیل Following

که با علامت اختصاری Foly مشخص می‌شود .

دنباله روی مآبی Followism

پذیرش بی‌چون و چرای افکار و عقاید دیگران ، این شیوه اندیشه و عمل که با همنوایی (Conformism) نزدیک است ، موجبات از خود بیگانگی فرد، تصلب اندیشه و محو هویت و خلاقیت را فراهم می‌سازد.

Food chain

رنجیره غذایی

تعدادی از موجودات زنده که در محیطی طبیعی زندگی می کنند ، زنجیره ای را تشکیل می دهند که هر موجود توسط موجود فوق خود خورده می شود. بنظر بسیاری از اندیشمندان . انسان در بالای این زنجیره قرار می گیرد.

جمع آوری خوراك Food - gathering

ب عنوان دوره اول از ادوار سه گانه تاریخ انسان شناخته شده است که دوره های بعدی آن عبارتند از: تولید خوراك و تولید ماشینی
ر. ك. Mechanical production

تولید خوراك Food - production

دومین دوره از ادوار سه گانه تاریخ انسان است . دو دوران دیگر چنین اند:
۱- گردآوری خوراك :

(Food - gathering)

۲- تولید ماشینی :

(Mechanical - production)

در دوره تولید خوراك ، برخلاف دوره اول (گردآوری خوراك) شاهد حرکت انسان و آغاز تأثیرگذاری وی بر طبیعت هستیم . تعامل فعال بین انسان و طبیعت آغاز می شود؛ انسان به کشت یعنی تأثیر بر تولیدات طبیعت دست می زند، بدینسان ، این دوران مظهر پایان انفعال (Passivity) انسان است در قبال نیروهای طبیعی ، انسان سازنده (Homo - faber) یا ابزار سازی (Tool - making) و بامدگیری از خصلت طبیعی خود به عنوان موجودی اندیشه ورز

(Homo - sapiens) به تسخیر طبیعت دست می یازد. خوی وی به عنوان موجودی جامعه زی وی را به جامعه جویی (Sociality)، اجتماعی شدن (Socialization) و جامعه زیستی (Sociation) سوق می دهد، این ویژگی با مختصه دیگر انسان به عنوان موجودی سخنگو (Homo - Loquax) می آمیزد و از آن زبان و سپس خط پدید می آید و انباشتگی تجربیات انسانی و نامیرایی موجود انسانی را نوید می دهد. تمامی این فرایندها به خلق فرهنگ توسط انسان می انجامد و با آن دوران تازه ای آغاز می شود که دوره تولید ماشینی خوانده می شود .

ر. ك. Mechanical production

Food gathering

نیروی ناآموخته Force , Appetitive

ر. ك. Appetitive force

نیروی روانی Force , psychic

ر. ك. Psychic force

نیروی اجتماعی Force , Social

ر. ك. Social force

نیروی جامعه Force , Societal

ر. ك. Societal force

اجباری - اضطرابی Forced

درین دو معنا اصطلاحات ترکیبی بسیار پدید می آورد، از جمله :

کار اجباری Forced labor

خدماتی که به زور از فرد یا افرادی

- ر.ك. Demography / Population خواسته می‌شود؛ مخصوصاً توسط دولت و با پرداخت پاداشی مختصر.
- ر.ك. Formal group گروه رسمی
- ر.ك. Group مهاجرت اجباری Forced migration
- ر.ك. Migration منطق صوری Formal logic
- ر.ك. Syllogism پس انداز اجباری Forced saving
- ر.ك. Formal organization سازمان رسمی
- ر.ك. Social organization که به صورتهای گوناگون نظیر پرداخت با قرضه‌های دولتی و یا صور اجباری دیگر که موجب کاهش حجم پول در بازار گردد و از تورم بکاهد، تجلی می‌کند.
- ر.ك. Formal values ارزشهای رسمی
- ر.ك. Value صورت‌گرایی-ظاهرآرائی Formalism
- ۱) در تعریف عام، صورت‌گرایی به توصیف مجرد اشکال زندگی اجتماعی می‌پردازد، بدون آنکه درصدد شناخت محتوای آنان و یا معنایشان برآید، درینجا تنها شکل، صورت و ظاهر مطمح نظر است بدون آنکه شبکه‌ای که موجب این صورت خارجی است مورد توجه قرار گیرد و به بیان لالاند در فرهنگ فلسفی «صورت‌گرایی توجه را منحصرأ به نقطه نظر رسمی معطوف داشتن است، که موجب نفی هستی یا اهمیت عنصر مادی در امر شناختها می‌شود» (فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، برگردان باقر ساروخانی ص ۴۱)
- ازین رو صورت‌گرایان فاقد ابزار تبیینی (Explicative) هستند، جدا از علیت (Causality)، پدیده اجتماعی را می‌بینند؛ دو سطح می‌مانند و از این جهت صورت‌گرایی با جامعه‌شناسی عمقی (Depth Sociology) تفاوت می‌یابد.
- از دیدگاه دیگر، چون نمودها را می‌بینند بدون آنکه معناهای درونی آنان را بشناسد،
- ر.ك. centrifugal forces نیروهای مرکزگریز Forces , centrifugal
- ر.ك. centripetal forces نیروهای مرکزگرا Forces , centripetal
- ر.ك. Forecasts پیش‌بینی
- پیش‌بینی در باب حوادث آینده از طریق قیاس و یا با تحلیل داده‌های آماری موجود، با توجه به روند آنان و با در نظر گرفتن ضرایبی از اشتباه.
- ر.ك. Prospective , Futurism
- ر.ك. Formal صوری - رسمی
- درین دو معنا اصطلاحات ترکیبی بسیاری پدید می‌آورد، از جمله :
- ر.ك. Formal cause علت صوری
- ر.ك. Causality / Cause جمعیت‌شناسی صوری Formal demography

در نقطه مقابل ذهن گرایی (Subjectivism) و همه شاخه‌های جامعه شناسی و یا انسان‌شناسی که در صدد درک، تفهیم و شناخت کیفی پدیده‌ها از طریق مشاهده و مشارکت هستند قرار می‌گیرد.

۲) در جامعه شناسی، صورت‌گرایان به تحلیل اشکال مناسبات اجتماعی پرداختند و یکی از مهمترین پیشروان آنسان ذیمل (G. Simmel) است. وی در سالهای ۱۹۵۰، مطالعاتی در باب مناسباتی چون همکاری، رقابت و ... به انجام رسانید که توسط جامعه شناسان دیگر آلمانی نظیر هون دایز (L. von Wiese) و دیگران ادامه یافت. بعدها این مکتب که عنوان مکتب صوری جامعه شناسی یافت توسط دامی (E.A. Ross) و اسمال (Albion Small) به امریکای شمالی راه یافت.

تشریفات Formality

صوری سازی - Formalization

رسمی سازی - صورت آرای

Forms of settlement

اشکال سکناگزینی

۱) در معنای عام، شیوه‌ها، صور و اشکال استقرار جمعیت در جغرافیا است. ۲) در معنای خاص، نحوه، الگو و نوع استقرار جمعیت‌های روستائی را در جغرافیا می‌رساند که در سه مقوله قابل طبقه‌بندی است:

الف: دهکده‌ای - روستایان نه در مزرعه

بلکه در مجموعه‌ای به نام ده یا دهکده زندگی می‌کنند. درین حال از تأمین بیشتری در برابر طبیعت و آفات آن برخوردارند و پیوندهای تعاونی امکان بسط بیشتری می‌یابد. چگونگی راه بین مزرعه و دهکده (کوهستانی، دشت و ...)، نوع وسایل موجود در طی کردن این مسیر (الاغ، ماشین و ...) بر حجم دهکده اثر می‌گذارند. در مواردی که هم‌رفت و بازگشت دشوار است و هم امکانات محدود، دهکده چند خانوار محدود خواهد داشت که در آن صورت با مشکلات زیادی در برخورداری از خدمات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و ... مواجه خواهد بود.

ب: پراکندگی روستاییان و استقرار آنان در درون مزرعه ج: دهکده خطی - روستاییان در مزرعه خود زندگی می‌کنند اما، مزارع به جهت شرایط طبیعی (وجود یک رود، جاده و ...) بهم نزدیکند.

ر. ک. Dispersed farmstead ,

Village / Settlement

Fornication رنا

استقرار رابطه جنسی بدون قرارداد زناشویی بین یک مرد و یک زن، در صورت مزدوج بودن هر یک این رابطه زنا محصنه (Adultery) نام می‌گیرد. در صورت عدم رضایت یکی از طرفین با نام تجاوز (Rape) مشخص می‌شود.

در صورت پیدایی پول یا هر وسیله تنظیمی

- خویشاوندخواندگی Foster kinship**
 رابطه‌ای است که با پذیرش کودک توسط يك مرد (که در آن صورت پسر خوانده Foster father نامیده می‌شود) یا يك زن (مادر خوانده Foster mother) به سفارش دولت و در قبال پرداخت پول، پدید می‌آید. این خویشاوندی نه نسبی است، نه سببی، نه لزوماً رضاعی و نه توتمی، اندیشه‌ی اساسی درین زمینه این است که نهادها یا سازمانهای دولتی (نظیر پرورشگاهها)، بسیار رسمی هستند و در آنان تعدد کودکان مانع شناخت دنیای روانی و مسائل عاطفی آنان است. ازین رو، دولت در قبال پرداخت پول، کودک یا کودکانی ازین قبیل را به يك مرد وزن می‌سپارد. در چنین مواردی سعی می‌شود تا حد امکان فضای خانه پیشین احیا شود و حتی چند برادر و خواهر در يك خانه گرد هم آیند.
- ر. ک. Adoption**
فرزند خواندگی Fostering
 پذیرش کودکى به فرزندى از طريق سازمانى رسمى و در قبال پرداخت وجهى معين .
ر. ک. Adoption
- فوریه آیینی Fourierism**
 پیروی از عقاید (C. Fourier) را می‌رساند. وی يك سوسیالیست از اهالی فرانسه است و در اوایل قرن ۱۹ می‌زیست. آیین وی نوعی خاص از سوسیالیسم را
- در جریان این رابطه نام‌فحشا (prostitution) خواهد گرفت (به هر يك ر. ک.)
Adultery / Rape ,
Extramartial relations ,
Heterosexuality
- تصادف‌گرایی Fortuitism**
 اعتقاد به اینکه تنظیم روابط ثابت بین پدیده‌ها، پیش‌بینی وقایع بعدی براساس قیاس و استقرا و یا استنتاج قیاسی (Extrapolation) تحت عنوان آینده‌گرایی (Futurism) و با توجه به هدفهای آینده‌نگری (prospectivism) ممکن نیست.
- تصادف‌گرایی**
 تعیین سرنوشت خویش است. دربخشی تحت عنوان «تاریخ و احتمال حدوث» (History and Contingency) ژرژ - گودویچ (G. Gurvitch) هم پیش‌بینی قطعی آینده و هم طرد قطعی هر نوع توان پیش‌بینی را ازجانب علم انسان رد می‌کند. به نظر او علوم انسانی و اجتماعی می‌توانند پیش‌بینی راههایی را بکنند که احتمالات حوادث فردا در درون آنان جریان می‌یابند.
- ر. ک. Philosophy of history**
Tendentious regularity
- کودک پناه Foster home**
 هر محل یا خانه‌ای که در آن کودکان بی سرپرست و گاه از نظر عقلی ناتوان به فرزندى پذیرفته می‌شوند .

Frankfurt school

مکتب فرانکفورت

مکتبی متشکل از دانشمندان علوم اجتماعى است که در موسسه تحقیقات اجتماعى وابسته به دانشگاه فرانکفورت بین سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰ بکار پرداخته‌اند.

این مکتب را از نهضت‌های مؤثر در اندیشه‌های جدید مارکس گرامس دانند. اصحاب آنرا بیشتر یهودیهانی تشکیل می‌دادند که در سالهای حکومت نازیسم از آلمان به نیویورک و کلمبیا عزیمت نمودند، سپس (۱۹۴۹) به آلمان بازگشتند.

فرام (E. Fromm)، بنجامین (W. Benjamin)، ماركوزه (H. Marcuse)، آدورنو (T.W. Adorno) از برجستگان این مکتب به حساب می‌آیند.

اصحاب مکتب فرانکفورت در نظریه‌های جامعه‌شناسی متبع به حساب می‌آیند، هرچند که در مطالعات میدانی نیز (مخصوصاً در آمریکا و در زمینه نژاد پرستی و عقاید قالبی و خرافه‌ها) بکار پرداختند و اثر برجسته شخصیت قدرت‌نگر (Authoritarian personality) که در سال ۱۹۵۰ انتشار یافت، مظهر کوشش زعمای این نحله درین زمینه است، کوشش‌های این مکتب را در ایجاد افقی نو در دانش‌های انسانی - اجتماعى بدینسان می‌توان خلاصه کرد: - طرد اقتصاد گرایی (Economism) و بطور کلی جبر اقتصادى

(Economic determinism) که در مارکس گرایی کانون اندیشه و گزاره اصلی شمار می‌آید و تأکید بر فرهنگ.

تشکیل می‌دهد.

Socialism

ر. ک.

Fractile

برخه

هر نقطه در يك سطح مدرج با درجات مساوی، بدینسان چهارك (Quartile)، در صدو ... هريك جزئی از سطحی مدرج را می‌رسانند.

Fragmentation of holdings

قطعه قطعه شدن داراییها

(۱) در معنای عام، تقطیع و تکه تکه شدن هر نوع دارایی را منبث از تعدد وارثان یا... می‌رساند.

(۲) در معنای خاص به وضعی اطلاق می‌شود که در آن زمینهای زراعی يك روستایی جدا از یکدیگرند. این حالت در صورت استقرار روستایی در يك دهکده (در برابر مزرعه) رخ می‌دهد.

Forms of settlement

ر. ک.

Frame of reference مبنای داوری

اصطلاحی که در حقیقت باید به معیار سنجش ترجمه شود؛ زیرا معیارهایی را نشان می‌دهد که عقاید (opinion) آساده گپهای روانی (Attitudes) و رفتارهای (Behaviors) خود را با آن می‌سنجیم و یا به سنجش می‌نهیم؛ مبنای داوری می‌تواند يك شخص برجسته و یا يك گروه مورد آرزو و مطلوب باشد.

Reference group

ر. ک.

- طـرـه ابـزار گـرانی (Instrumentalism) که بر اساس آن نه کل امور اقتصادی، بلکه صرفاً ابزار یا وسایل پیچیده تکنولوژی تعیین کننده خصوصیات اصلی جامعه به حساب می آید.

- ادغام اندیشه فروید، در بنیستان روانکاوی با اندیشه های مارکس.

- عدم پذیرش عقلانیت ابزاری بعنوان اصل اساسی در جامعه سرمایه داری و کوشش در راه تغییر مجموعه نظری منتظمی در انتقاد از سرمایه داری پیشرفته.

همانطور که ملاحظه می شود، اصحاب این مکتب در صدد برآمدند، راهی نو در دانش اجتماعی و به همراه آن سیاستهای اجرایی در جهان معاصر گشایند، از مکاتب گذشته (چه مارکس گرانی یا فروید گرانی و ...) تلفیقی نو بدست دهند تا پاسخگوی مشکلات و نیازهای انسان جدید باشد. آنان با تمتع از تجربیات نیمه اول قرن بیستم کوشیدند تا نشان دهند تاکید بر اهمیت ویژه زیر ساخت (Infrastructure) در بین مارکس گرایان و هم امید به دگرگونیهای انقلابی با قیام قشر کارگر در جوامع صنعتی هر دو با واقعیت جدید جهان انطباق ندارد. اصحاب این مکتب را به تجدید نظر طلبی (Revisionism)، آمیختگی (Eclecticism) و در مواردی ناراست آئینی (Heterodoxy) متهم ساختند. از دیدگاهی می توان آنان را در زمره مارکس گرایان جدید به حساب آورد. ر.ک.: Marxism

Eclecticism Revisionism

Heterodoxy Instrumentalism

Fraternal polyandry

چند برادر شویی

ازدواج يك زن با چند برادر بطور همزمان به آن Adelpthic polyandry نیز گویند.

ر. ک. Polygamy

برادری - انجمن اخوت Fraternity

در معنای خاص به گروههایی اطلاق می شود که بر پایه برابری اعضا، روابط نزدیک و صمیمی بین آنان و در جهت کمک متقابل پدید می آیند. چنین گروههایی در تاریخ به صورت قدرتهایی درآمده اند که موجبات حمایت از ضعفا و تأثیر بر روند سیاسی را فراهم ساخته اند. معمولاً دارای مناسک و شعایر پنهان بوده اند، به صورت تأمینی برای بی پناهان به شمار آمده اند و از نمادهای ویژه ای برخوردار بوده اند.

فریزر (Sir James George Frazer)

انسانشناس انگلیسی است (۱۹۴۱ - ۱۸۵۴) در آغاز به مطالعات حقوقی پرداخت. پس از آن با مطالعه کتاب فرهنگ ابتدایی اثر تایلور به انسانشناسی روی نمود و زمینه خاص تخصص خود را شناسایی مقایسه ای دین قرار داد. اسناد اصلی مطالعاتش را آورده ها و یادداشت های مذهبیونی تشکیل می داد که جهت تبلیغ کلیسا (Missionaries) به اقصی نقاط جهان سفر می کردند. برجسته ترین اثر فویند شاخه ذبین (The Golden Bough) است. این اثر در سال ۱۹۱۵ در ۱۲ مجلد انتشار

یافت . این کتاب فریزر را باید نوعی دایرة المعارف دانش بشری در باب افسانه‌های باستانی دانست . در آن سحر و جادو محور اصلی بحثهای فریزر را تشکیل می‌دهد ، به نظرش پایه‌های زندگی اجتماعی (نظیر سازمانهای اجتماعی، حقوقی و حتی خانوادگی) از جادو الهام یافته‌اند و تصور تدریجی اندیشه و عادات انسانی از سه مرحله جادو دانش و دین گذشته است و دانش بازگشتی به عصر جادو را می‌رساند . این عقاید بعدها مورد قبول صاحب نظران از جمله موس (M. Mauss) و دورکیم (E. Durkheim) قرار نگرفت. دیگر آثارش عبارتند از:

-Anthologica Anthropologica .

-Garned sheaves ,

-Totemism and exogamy.

آزاده - آزاد زاده Free - born

سرمایه آزاد Free Capital

در برابر سرمایه خاص یا تخصصی ، آن نوع سرمایه است که قابل استفاده در رشته‌های گوناگون و به هر شیوه است .

ر.ك. Capital

رقابت آزاد Free competition

اصلی است مورد قبول در اقتصاد کلاسیک .

ر.ك. Classical school/ Competition

واحد آزاد تولید Free enterprise

به معنای تملك كالاهاى مولد توسط بخش خصوصى است كه توسط گردانندگان واحدهاى تولیدى (Entrepreneurs) و با

آمیزشی درست از عوامل تولید در جهت ارتقای بهره وری به کار گرفته میشود .

آزادی بیان Free expression

جماع آزاد Free intercourse

ر.ك. Promiscuity

آزادی سخن Free speech

اصلی که در جوامع مردم سالار به عنوان حقى طبیعى برای انسانها شمرده می‌شود و بر اساس آن شهروندان می‌توانند آزادانه مسائل سیاسى را طرح و تحلیل نمایند.

ر.ك. Democracy

زمان آزاد Free time

ر.ك. Sociolcgy of leisure

بازرگانی آزاد Free trade

اصلی است که اقتصاد دانان کلاسیک به آن پیوستند. این اصل در برابر سیاستهای نظیر اصل حمایتی (Protectionism) و حمایت گسرایى (Protectionism) قرار می‌گیرد .

Protectionism / Dirigism

Interventionism / Protectionism

خواه‌خواه تجارت آزاد Free trader

نظریه اراده آزاد Free will theory

این نظریه که بر اساس آن عمل و اندیشه يك فرد قبل از همه تابع خواست و اراده اوست و نه شرایط بیرونى و اثرات آنان .

Freedom , Academic

آزادی در آموزش - آزادی آموزشی

Academic freedom ر. ک.

Freedom of assembly

آزادی اجتماعات

حق تجمع شهروندان به منظور بحث و تحلیل مسائل سیاسی است. این تجمع می تواند محدود یا وسیع، موقت یا مستمر، سازمان یافته یا ارتجالی باشد.

Freedom of press آزادی مطبوعات

حق نگارش و انتشار آزاد اندیشه هاست، صنعتی و تجاری شدن مطبوعات و پیدایی تراستهای مطبوعاتی، آنان را از مسائل مردم بیگانه می سازد، به اهداف فرهنگی آنان آسیب می زند. قشری ممتاز پدید می آورد که با برخورداری از این حريم منافع خود را به کرسی نشاند، درینصورت آزادی مطبوعات صرفاً اسمی است.

Freedom, value فراغت از ارزش

Value freedom ر. ک.

Frequency curve منحنی فراوانی

Frequency distribution

توزیع فراوانی

توزیع فراوانی بامشخص ساختن رده ها (در محور x ها) و فراوانی یا شدت (در محور y ها) می تواند به صورت نما (Histogram) جلوه می کند. اگر نقطه های میان دو محور x ها و y ها را به یکدیگر وصل کنیم منحنی فراوانی شکل می گیرد و چنانچه آن را با خطوط مستقیم به هم وصل کنیم چند گوش فراوانی (Frequency polygon) پدید می آید.

Freud (Sigmund) فروید

طبيب اطریشی است (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹) مطالعات طبی و موجبات پذیرش نظر شادکوت (charcot) را فراهم آورد که طبق آن بیماریهای روانی و مخصوصاً هیستری (Histery) فاقد آثار اندامی (organic) و جسمی هستند؛ پس او به شناسایی و درمان هیستری از طریق هیپنوتیسم (Hypnotism) دست یافت که در خلال آن متوجه باز آیی حالات گذشته روانی شد و از اینجا روانکاوی را پایه نهاد.

فروید به ابداع مفاهیم سه گانه نفس اماره (id) یعنی مخزن تمایلات غریزی، و «من» (ego) یعنی شخصیت اجتماعی و نفس لواحه (Superego) یعنی بخش جامعه پسند «من» پرداخت. «من» بین خواستهای نفس اماره و اوامر نفس لواحه که در صدد جلوگیری ازین گسریشهای جیبی است، میانجیگری می کند و موجبات انطباق موجود را با محیط پیرامون و تشکل شخصیت فراهم می آورد. پس از آن فروید معتقد شد که محتوای وجدان مغفوله را با تحلیل خواب یا از طریق فنون همخوانی آزاد اندیشه ها و همچنین مصاحبه های شخصی طولانی توسط روانکاوان با بیمار می توان شناخت.

فروید آثاری بسیار برجای نهاد که در خلال تمامی آنان آزادی انسان را نوید داد. آزادی از جنگال انباشته ها در وجدان نا آگاه که رفتار بشر را تحت تأثیر قرار می دهند

(Frictional unemployment) که از

پدیده‌های فوق منشاء می‌گیرد نوعی بیکاری مصنوعی در جامعه پدید می‌آورد.

ر. ک. Unemployment

فرام Fromm (Erich)

نویسنده و روان‌کاو آمریکایی است

(متولد ۱۹۰۰) هم اندیشه‌های هارکس، هم افکار فروید در لابلای آثارش متجلی است.

از دیدگاهی باید فرام را با نویسندگان

بزرگی مقایسه کرد که در جستجوی تعمق در

سرنوشت انسانند. زوایای تاریک ذهن انسانی

را می‌شکافند تا دردها، مسائل و آشفتگیهای

آن را به کنکاش گذارند. با این دید، باید

مجموعه آثارش را داستان سرنوشت

انسان جدید خواند. همانند مجموعه آثار

بالزاک که نامش را کمدهی انسانی می‌نهیم.

از مهمترین مسائلی که اندیشه فرام را به خود

مشغول می‌دارد، «آزادی» است، کودکی از

مادر به دنیا می‌آید در حالیکه نه آزادی را

می‌شناسد نه امکان آزاد زیستن دارد، اما

قدم به قدم با حرکت به سوی زندگی هم

آگاهی از نعمت آزادی از راه می‌رسد، هم

آنکه امکانات آن فراهم می‌شود. رستن از

بند سلطه والدین اولین گام در رهایی است.

اما این آزادی چندان نمی‌پاید. جوان رسته

یا جدا از والدین احساس عزلت (Isolation)

و تنهایی (Loneliness) می‌کند، پس به سوی

جامعه می‌شتابد تا این خلاء را پر کند و با آن

مرزهای آزادی‌اش نیز تنگ‌تر می‌شوند، به

بدون آنکه خود از آن آگاه باشد.

بعضی از آثارش بدین قرارند:

- دانش دژها، که در آن رؤیا را

به عنوان تجلی ناخودآگاه تمایل درونی

سرکوفته می‌داند.

- سه رساله در زمینه نظریه مربوط به

امور جنسی که در آن اهمیت نقش امور جنسی

را در حیات انسان، حتی در سالیهای آغازین

نشان می‌دهد.

دیگر آثارش عبارتند از قوتم و قابو،

مقدمه پروانکادی، روانشناسی جمعی و تحلیل

خود، بیماری تمدن، موسی و یکتا پرستی.

اصطکاک - مالش Friction

- در اقتصاد، در معنای عوامل روانی

اجتماعی مانع جریان درست اقتصاد به کار

می‌رود. به عنوان مثال، تحرك شفلی

(occupational mobility) در مواردی

با تحرك جغرافیایی

(Geographical mobility) تحقق پذیر

است. یعنی کارگری که در منطقه، شغلش به

خطر افتاده یا منسوخ شده است باید به منطقه‌ای

دیگر رود و شفلی نودست و پا کند. این فرایند

جریان طبیعی نیروی انسانی را موجب می‌شود

لیکن موانعی نظیر شبکه خویشاوندی

(Network of kinship) مانع تحقق

مطلوب این امر می‌شوند. افراد از حرکت باز

می‌ایستند و نیروی کار از جریان باز میماند.

- در جامعه شناسی کار و شغل، نوعی

خاص از بیکاری را می‌رساند با نام بیکاری،

نظر فرا۱ اجتماعی شدن (Socialization) همانند، همانند گردی (Assimilation) هر دو قوودی بردست و پای آزادی است، اما این بندها را انسانی بر آزادی خویش می نهاده که به خواست خود چنین می کند؛ زیرا تمامی آنان را «هنرزدگی» می داند. می بینیم ازدیدگاهی دیگر، این فرایند با دید «دوسو نزدیک می شود، در «قراد داد اجتماعی» «دوسو انسانی را می بیند که با جامعه خویشتن نوعی قرارداد می بندد. از آزادیش مایه می گذارد، تا به تأمین اجتماعی در بطن جامعه دست یابد، برخی از آثار فرا۱ چنین اند:

- *Escape from freedom*
- *the heart of man*
- *the sane society*
- *the revolution of hope*
- *the art of loving*
- *Man for himself*

حرمان زده - ناکام Frustrated
حرمان Frustration

حالتی است روانی که از عدم تحقق خواستها، تمنیات و امیال فرد منشاء می گیرد؛ حرمان ممکن است به پیدایی عقده (Complex) انجامد و رفتار انسان را به صورتی نا آگاه تحت تأثیر قرار دهد، فرایند حرمان گاه به جایگزینی (Displacement) و یا جبران (Compensation) و یاوالاسازی (Sublimation) و یا کناره گیری (Withdrawal) منتهی می شود و جریبان

طبیعی روانی را صورتی دیگر می بخشد.

ر. ک. Escapism / Sublimation / Compensation / Complex

F = Scale میزان ف

شیوه ای است که درجات تمایل به حکومت های فاشیست و بطور کلی استبدادی را نشان می دهد؛ این شیوه در سال های ۱۹۳۰ توسط «اس استگنر» (Ross Stagner) پدید آمد. در آن سعی شده بود گرایش های فاشیستی به صورت عینی بررسی شوند و مبنای آن تحلیل آثار مکتوب فاشیستی در ایتالیا و آلمان بود، خطوط اصلی میزان ف چنین اند: ملی گرایی، امپریالیسم، نظامی گری، آگاهی طبقه متوسط، نژاد پرستی، ستیز با اندیشه، عمل تند و ریشه ای.

ر. ک. Faschism

Function, Correlate

کار کرد همبسته

ر. ک. Correlate function

Function, Social کار کرد اجتماعی

Function کار کرد - تابع

- به نظر می رسد این مفهوم در آغاز توسط اسپنسر از فیزیکولوژی اخذ و وارد علوم اجتماعی شد. او جامعه را همچون موجودی زنده می دانست که تمامی اعضای آن به هم پیوسته اند. - از ریشه لاتینی Functio به معنای انجام یک وظیفه گرفته شده است و در فارسی معادل هایی چون نقش، عمل، خدمت، شغل

با نتایج عینی برای نظام برخورد دارد باشد که به عمد معین شده و از جانب جمع شناخته شده باشد، در آن صورت گفته می شود دارای کارکرد آشکار (Manifest function) است، حالت عکس، کارکرد نهان (Latent function) خواهد بود.

(R. Merton, Social theory

and Social structure,

P:51

پارسنز (T. Parsons) مفهوم وحدت کارکردی را عنوان می کند و بر بهم پیوستگی کارکردها و نتایج زنجیری آنان تکیه دارد. به نظرش، «تفسیر کارکردی، تنها شیوه ای است که از طریق آن وابستگی متقابل و پویای عواملی تغییر پذیر، در یک نظام مورد تحلیل قرار می گیرند، بدون آنکه ابزار فنی و ریاضی و پیش شرطهای تجربی و عملی کاربریشان لازم آید».

(Essays in sociological theory

P: 217)

Functionalism ر. ک.

Function, Latent کارکرد نهان

Function ر. ک.

Function, Manifest کارکرد آشکار

Function ر. ک.

Functional analysis

تحلیل کارکردی

Functionalism ر. ک.

یافته است.

در زبان ریاضی به معنای تابع است، در علوم اجتماعی نقشی را می رساند که يك عضو یا جزئی از کل تقبل کرده به انجام می رساند. در نظریه تعادل، زمانی که کارکردی انطباق با نظام اجتماعی را موجب شود، یا نیازهای اساسی را پاسخ دهد، کارکرد مطلوب (Eufunction) خوانده می شود، در حالت عکس، دژکارکرد (Dysfunction) خواهد بود. به نظر مرتن (R. Merton) کارکرد اجتماعی هر يك از جلوه های عینی و قابل مشاهده ای است که انطباق و سازگاری را ممکن سازد و در برابر آن دژکارکرد، عمل یا نتیجه ای خواهد بود که در جهت مخالف انطباق با نظام اجتماعی صورت پذیرد. پس، به نظر وی زمانی که واژه کارکرد آورده می شود خود تلویحاً می تواند دال بر مطلوبیت نتایج باشد و در غیر این صورت باید لزوماً دژکارکرد خوانده شود. ویلیام گود (William . J . Goode) در اثرش «دین

دین مردم ابتدایی»

(Religion among primitives)

به سال ۱۹۵۷ در مواردی چند به سلسله فعالیتها با اعمالی می رسد که دارای نتایجی مشخص برای نظام نیستند. به نظری درین صورت، نه به کارکرد و نه دژکارکرد خواهند بود.

هر پدیده دارای کارکرد (چه در جهت

مطلوب یا نامطلوب) می تواند از کارکردی

Functional autonomy

خود مختاری کارکردی

Allport ر. ک.

Functional disharmony

ناهماهنگی کارکردی

در برابر هماهنگی کارکردی (Functional harmony) که هماهنگی کارکردی اجزای یک مجموعه را می‌رساند.

Functional group

گروه کارکردی ر. ک.

Functional literacy

سواد آموزی تابعی

آموزش سواد با در نظر گرفتن نیازهای شفلی، بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی سواد آموز. بدینسان، سعی می‌شود که تنها هدف، آموزش القای زبان نباشد، بلکه فرایند انطباق فرد با محیط تسهیل شود. کارآیی حرفه‌ای افزایش یابد و فرد به صورت یک شهروند (citizen) با شناخت حقوق و تکالیف خود درآید.

Functional organigram

سازمان نمای کارکردی

sociometry ر. ک.

در گروه سنجی به کار می‌رود و روابط کاری انسانها را در یک گروه یا واحد کار نشان می‌دهد.

Functional prerequisites of

پیش شرطهای کارکردی جامعه

society شرایط اساسی پیشین و لازم در هستی یک نظام.

Functional society

جامعه کارکردی گروهی اجتماعی متشکل از افرادی چند که در جهت تحقق هدفی معین و مورد قبول جامعه گرد می‌آیند. نظیر جامعه ادبا، جامعه پزشکان و ...

Functional theory of

نظریه کارکردی قشر بندی Stratification

تبیین قشر بندی اجتماعی است ازدیدگاه کارکردی. به زعم عده‌ای، چنانچه جامعه‌ای باید به هستی ادامه دهد، وظایفی نیز باید به عهده گرفته شوند. اگر این وظایف باید بخوبی به انجام رسند، افرادی کارآ، مستعد، باید به آن گمارده شوند.

چون استعداد های برتر نادرند، پس هم قدرت آنان، هم میزان مهارتی که فرامی گیرند، هم مشاغل حساسی که می پذیرند، تماماً لزوم برتری موضع اجتماعی آنان را توجیه می کند و تبعیۀ نظامی در قشر بندی اجتماعی را. این امر که به معنای رعایت عدالت و نه برابری مطلق بین انسانهاست، در حدی که موجبات شکاف عمیق بین قشرها از نظر دستیابی به فرصتها و امکانات حیات را فراهم نسازد، مورد قبول بسیاری از صاحب نظران دانش اجتماعی است.

Social stratification ر. ک.

Social class

کارکردگرایی Functionalism

I - نظریه‌ای در علم انسان است که جامعه را همچون مجموعه‌ای از نهادهای وابسته به یکدیگر می‌بیند که هر یک در ثبات

کلی جامعه نقشی به عهده می گیرند. کارکرد گرای بیش از آنکه به دگرگونی اجتماعی توجه کند، تعادل اجتماعی را مدنظر دارد و هر يك از عناصر تشکیل دهنده جامعه از دیدگاه خاص آن در نگهداری نظام مطمح نظر قرار می گیرد؛ درین مکتب بیش از آنکه به گذشته پدیده و سوابق تاریخی نظر شود، حال مطمح نظر قرار می گیرد.

هرچند باید کارکردگرایی را منبعث از انداموش انگاری (organicism) دانست که اصحاب آن معتقد به پیوند اجزای يك جامعه با یکدیگر همانند عضو موجودی زنده بودند، اما در سده های اخیر، نظرات دورکیم در آن تأثیری بسیار نهاد. او به عناصر متشکله جامعه با دیدی کارکردی می نگریست. برای مثال مدرسه را به عنوان سازمانی در جهت انتقال میراث فرهنگی لازم می دید، یا ارزشهای طبقاتی را جهت ثبات و بقای جامعه مفید می دانست. همچنین، او وحدت ارگانیک جامعه را مورد تأکید قرار می داد. او معتقد بود رفتار افراد فهمیده نمی شود مگر زمانی که کل جامعه دیده و شناخته شود. او برای پدیده های اجتماعی «کارکرد» قایل می شد. کارکردهای مفید و غیر مفید را با توجه به میزان آنان با کل جامعه و نیازهای آن متمایز می ساخت.

II - در سالهای ۱۹۲۰، دیدگاه

مالینوفسکی (B. Malinowski) برین مکتب مؤثر افتاد. او بر تحلیل جوامع ابتدایی به

عنوان «کلهائی جامعه شناختی» تأکید کرده، همچنین بر: ۱) شناخت بافت کلی ناشی از پیوند عناصر اجتماعی، ۲) بررسی معنای آنان با توجه به نقشی که در برآوردن نیازهای حیاتی وزیستی دارند، تأکید کرد؛ مهتر از او دادکلیف براون (A.R. Radcliffe Brown) بود که به وضوح ۱) بر تشابه حیات اجتماعی با حیات زیستی صحه گذارد. ۲) و هرچند بر خلاف دورکیم از کاربرد نیازهای ارگانهای اجتماعی اجتناب کرد. ليك بر شرایط لازم جهت پیدایی و بقای آنان، تأکید کرد.

علاوه بر این دو، روانشناسی گشتالت نیز برین مکتب تأثیر نهاد. درین روانشناسی، آنطور که از بیان صاحب نظران اصلی آن نظیر کوهر (W. Kohler) و کوفکا (Kurt. Koffka) برمی آید، مجموعه تام و ارگانی روانی مطمح نظر قرار می گیرد و سپس روابط همبسته اجزا با یکدیگر در درون این مجموعه. به عنوان مثال، کوهر، در اثرش با نام روانشناسی گشتالت (Gestalt psychology) همبستگی کارکردی حافظه، اندیشه، یادگیری، تجربه های حسی را گشتالات می خواند. با از دیدگاه کوفکا، عوامل اساسی نظامهای روانی به انسجام و پیوست گرایش دارند.

III - پس از جنگ اول جهانی کارکرد

گرایی رونق بیشتر یافت. از این زمان، انسانشناسان این مکتب را با دیدی ساختی در آمیختند. کارکردگرایی ساختی (Structural functionalism) مکتب

اساسى در علم انسان گشت و پادسنز (T.Parsons) با الهام از اندیشه های دودکیم اثرى بسیار بر آن نهاد .

با اینهمه ، مکتب کارکردگرایى رواج گذشته را به آن جهت ازدست داد که بسیاری از جامعه شناسان در آن خطوطى از محافظه کارى یافتند . هنگامى که سخن از تعادل اجتماعى آورده مى شود . نگرهدارى نظام مطمح نظر قرارمى گیرد ، پس دگرگونى کمتر مورد توجه است . نظریه پردازان کشمکش (Conflict theorists) بیشتر با این اندیشه مخالفت ورزیدند . به زعم آنان زمانى که جامعه شناس سخن از کارکرد مطلوب برای عنصرى از نظام اجتماعى مى راند ، فراموش مى کند که اگر کارکرد این عنصر برای جمعى یا با دید گاهى مطلوب است ، برای جمعى دیگر و با معیارهائى دیگر نامطلوب خواهد بود . گذشته ازین ، به زعم بسیاری ، حال که جامعه صنعتى در معرض تغییرات دایمى و سریع است ، بسختى مى توان سخن از ثبات ، تعادل و نگرهدارى نظام راند . همچنین ، بسیاری ، عدم توجه این مکتب را به ابعاد تاریخى پدیده ها مورد انتقاد قرار داده و آن را غیر علمى خواندند .

Function ر. ک.

Functionalism , Structural

کارکردگرایی ساختی

Structural functionalism ر. ک.

Fundamental بنیادی

Fundamentalism بنیادگرایی

از واژه Fundament به معنای اصل و بنیان گرفته شده است . در آیین های اندیشه به مکاتبى اطلاق مى شود که اصول اولیه آیینى را محترم مى شمارند . ازین جهت ، با آنانکه به سرچشمه های دین بر مى گردند (Orthodoxy) نزدیکند . این مکتب در برابر ارتداد یا الحاد (Heresy) ، تجدید (Modernism) و تجدید نظر طلبى (Revisionism) قرار مى گیرد . که تمامی آنان را در زمره بدعت گذاران جای مى دهند و به تشب (Schism) و ایجاد فرق منتهى مى شود .

Funneling شیوه قیفی

Questionnaire ر. ک.

Fusion در آمیختگی - ذوب

آمیختن ، پیوستن و ترکیب گروه ها یا فرقه هایی که هدفهائى نسبتاً مشابه دارند و تمایز آنان بیشتر از روش ها و سلايق رهبران منبعث مى شود .

Fusion of culture ذوب فرهنگها

فرایند در آمیختگی دویا چند فرهنگ ، آنچنانکه از آن يك فرهنگ پدید آید .

Cross fertilization of culture

Fusionist طرفدار اصل پیوستگی در مدیریت سیاسى - پیوست گرا

Futurism آینده گرایی

نهضتى که در آغاز قرن بیستم در ایتالیا و در قلمرو هنر و ادبیات پا گرفت و به معنای گسیختن با شیوه های سنتى وسیع در ابداع راههای نو است ، مخصوصاً در بیان حالات عاطفى .

Prospectivism ر. ک.

G

Game theory نظریه بازیها زیان را به بار آورد .

این مفهوم که توسط نومن (J. Von , Neumann) در اثرش «نظریه بازی و رفتار اقتصادی» (۱۹۴۷) مطرح شد، بررسی شرایطی است که در آن نتیجه به عمل هر یک از شرکت کنندگان بطور پیوسته مرتبط است . ساده ترین و تحلیل پذیرترین بازیها، بازی دونفره است که در آن دوبازیکن در صحنه اند و بازنده باید به برنده نتیجه بازی را پرداخت کند . استراتژی مطلوب تابع اصل حد اقل زیان

(Minimax principle) است . مفهوم این اصل چنین است که انتخاب کننده (در اینجا بازیکن) باید دست به انتخابی از بین چندین عمل ممکن زند، او فقط باید بدترین نتیجه ممکن در هر عمل را در نظر گیرد و به انتخاب عملی دست زند که بدترین حاصل آن کمترین

این نظریه هم در تحلیل بازیهای صرفاً تفریحی مفید است و هم به جهت تشابه این بازیها از نظر داشتن استراتژی با دیگر جهات زندگی انسانها ، در سایر موارد ، مورد توجه دانشمندان است ، به عنوان مثال ، در امور اقتصادی نظیر قیمت گذاری در شرایطی که رقابت ناقص به چشم می خورد و یا در مواردی چون منازعات جمعی ، کاربرد این نظریه صورت پذیر است .

Gang دسته

I - گروههایی کوچک ، مرکب از نوجوانان یا جوانان که مخصوصاً در شهرهای بزرگ پدید می آیند . در انگلستان «تدی بویز» (Teddy-boys) خوانده می شوند، در فرانسه سیاه جامگان نام دارند و در ایتالیا با نام «گوساله های کوچک» شهرت دارند. مقاومت

در برابر هنجارهای اجتماعی، تخریب آثار هنری (Vandalism) از مشخصات چنین گروههایی است. این دسته‌ها، آداب، اخلاق و رسوم خاص خود را فراهم می‌سازند و با آن فرهنگی خرد در برابر فرهنگ جامعه پدید می‌آورند. امکان تجلی صفاتی چون مردانگی قدرت نمایی و ... را برای جوانان فراهم می‌سازند و همچون واکنشی در برابر جامعه سخت‌سازمان یافته، رسمی و قراردادی غرب‌اند.

II - کاربرد این مفهوم مخصوصاً در زمینه بزهکاری جوانان صورت می‌گیرد. توجه جامعه‌شناسان به این نکته معطوف شد که تجمع جوانان خود عاملی در جنایت به شمار می‌رود. داده‌های آماری نشان می‌دهند که فقط ۱۰٪ یا کمتر از جرائم در آمریکا توسط يك جوان تنها صورت گرفته است و اکثریت قریب به اتفاق جرایم توسط دو یا چند مجرم در همکاری با هم، صورت می‌گیرد. ازین روست که ساترلند (E.H.Sutherland) در اثرش اصول جرم‌شناسی (۱۹۲۷) نظریه پیوندهای تفاوتی را مطرح کرد.

د.ك: Differential associations

ر.ك: Band

دسته جنایتکاران Gang, Criminal

ر.ك: Criminal gang

گنز Gans (Herbert)

جامعه‌شناس امریکایی است (متولد

۱۹۳۰)، زمینه‌های اصلی مطالعاتش را

می‌توان در دو بخش عمده خلاصه کرد:

الف - مطالعات شهری

(Urban Studies)

که درین زمینه، برنامه‌ریزی شهری

(City planning)، تجدید حیات شهری

(Urban renewal) محور اصلی مطالعاتش

هستند و آثار زیر انتشار یافته‌اند:

۱- روستایان شهری

Urban Villagers -

که در آن گنز، آثار تجدید حیات شهری

را بر گروههای قدیمی شهر نشان می‌دهد.

۲- نو شهریان

که پنجسال بعد از اثر اول (۱۹۶۵)

پدید آمد و در آن انطباق طبقه کارگر را با

حیات شهری نشان می‌دهد.

ب - برنامه‌ریزی اجتماعی

(Social planning)

اثر زیر درین زمینه فراهم شد:

مردم و برنامه‌ها (People and plans) -

که مجموعه‌ای است از مقالاتش و در آن

برنامه‌ریزی اجتماعی و لزوم توجه خاص به

آن را مطرح می‌سازد.

گارفینکل Garfinkel, (Harold)

متولد ۱۹۱۷ و مبدع شیوه‌ای خاص

در پژوهشهای اجتماعی - انسانی با نام مردم

روش (Ethnomethodology) است. او به

رابطه گسست ناپذیر شاخص - نماد

(Indexicality) و شرح (Glossing) در

شناخت و تفسیر شاخصها توجه دارد، بالاخره او

به مشاهده همراه با مشارکت و ابعاد ذهنی، ارزشی

و کیفی پدیده‌های اجتماعى سخت اعتقاد دارد. «گارفینکل به تحلیل شیوه‌های خود مردم در حیات روزمره‌شان در راه تعریف و معنی بخشیدن به فعالیت‌هایشان توجه دارد.» (94: Abercrombie) اثر برجسته‌اش «مطالعاتی در باب مردم روش» بحساب می‌آید که در سال ۱۹۶۷ منتشر گردید.

ر.ک: Ethnomethodology

Indexicality Glossing

جامعه معنوی Gemeinschaft

I - واژه‌ای آلمانی است که در جامعه شناسی مطرح شده است، هر چند که در مواردی به جای آن مفهوم Community به کار رفته است، لیک، امروز، معمولاً عیناً به همان صورت مورد استعمال قرار می‌گیرد. تونیس (F. Tönnies) نخستین کسی است که این مفهوم را در معنایی دقیق به کار برد، و در اثرش «جامعه معنوی - جامعه هوئی» این دو مفهوم را در برابر هم قرار داد.

II - به زعم تونیس، در جامعه معنوی مناسبات انسانها غیر رسمی، ارتجالی (نه به خاطر سود شخصی و حساب شده) و مبتنی بر ارادهٔ ارگانیک است. ویژگی اساسی چنین جامعه‌ای، کوچکی آن، بقای روابط سنتی در درونش و «سرنوشت مشترک» اعضای آنان است بدون آنکه این امر به معنای تساوی آن باشد. روابط انسانها خودغایت‌اند، بدون آنکه وسیلهٔ تحقق هدفی (مخصوصاً مادی) باشند و حال آنکه در جامعهٔ صوری مناسبات بین انسانها، سودجویانه، جزئی (و نه تام) و

مبتنی بر قرارداد و همچنین ارادهٔ اندیشیده است.

III - این مفهوم در قرن نوزدهم به

کار آمد. نویسنده‌ای چون هانری مین (H. Maine) در همین تعبیر مفاهیمی چون «جامعه مبتنی بر پایگاه» و «جامعه مبتنی بر قرارداد» را به کار برد، یا دورکیم و اسپنسر به طوری دیگر بدان پرداختند. برخی جامعه معنوی را مقدم بر جامعهٔ صوری دانستند، لیک تونیس هیچ ترتیب تاریخی برین دونمی‌شناسد، هر چند که وی (تونیس) متهم شد که جامعه معنوی را بر جامعهٔ صوری از نظر ارزشی ارجحیت می‌بخشد، خود می‌نویسد که فرایند حرکت جوامع از معنوی به صوری نیز سالم و طبیعی است.

ر. ک. Gesellschaft / Tönnies

مفهوم اجتماعی جنس Gender

در مواردی با مفهوم جنس (sex) بطور مترادف به کار می‌رود، در حالیکه برخی از دانشمندان بین جنس (که دارای بعد صرفاً ساتی و طبیعی است) و مفهوم اجتماعی آن (که از ابعاد اجتماعی برخوردار است و می‌توان آن را جنسیت آموخته خواند) تمایز قائل می‌شوند.

تبار شناسی Genealogy

Genealogical method

روش تبار شناختی

روشی که مخصوصاً در تحقیقات انسان شناختی به کار می‌آید و با آن جدول تبار شناختی تعبیه می‌شود. شناخت شبکهٔ خویشاوندی اشکال ازدواج، محارم و بسیاری از روابط

- اجتماعی ازین طریق امکان پذیر است .
 همچنین ، با آمیزش این فن با سرگذشت
 پژوهی تاریخی (case ' story) فرد یا
 گروه با عمق تاریخی آن مطمح نظر قرار
 می گیرد . بدان ر. ک.
 Historical method of
 investigation
کلی - عمومی - عام - فراگیر - General
 همگانی
 (۱) ازدیدگاهی ، درمعنای فراگیر به
 کار می رود : نظیر انتخابات عمومی
 (General election) ، یا اعتصاب عمومی
 (General strike) . (۲) در دانشها (اعم از
 انسانی یا طبیعی) نیز درمعنایی نزدیک ، از
 این مفهوم مباحث کلی و در مواردی عمومی و
 مقدماتی آن دانش برمی آید : نظیر جامعه
 شناسی عمومی (General sociology)
 (۳) درمعنایی دیگر ، از آن معانی مبهم ، نارسا
 و کلی مستفادی شود . نظیر کلی گویی یا کاربرد
 مفاهیمی کلی (General terms) . (۴) در
 معنایی دیگر ، از آن غیر اختصاصی بودن یا
 همگانی بر می آید .
General sociology
 جامعه شناسی عمومی
Sociology ر. ک .
Generality
 عمومیت - کلیت - فراگیری
Generalization تعمیم
 روابط ثابت بین دو پدیده (علت ، معلول)
 در شرایطی مشخص را شامل تمامی پدیده های
 مشابه دانستن ، با بررسی مواردی چند (نمونه)
 تمامی موارد مشابه را با آن هکسان دانستن .
Deduction / Extrapolation ر. ک .
Induction
Generalized other دیگری تعمیم یافته
 مفهومی است از حید (G.H.Mead) . به
 نظروی این مرحله که در آن فرد دیگر مورد
 تعمیم قرار می گیرد سومین و آخرین مرحله
 رشد من در کودک است .
General theory نظریه عام
 در برابر کوشش جامعه شناسان کلاسیک
 و فلاسفه تاریخ که سعی در ارائه نظریه هایی
 عام کردند ، پذیرش نسبت در جامعه شناسی و
 همچنین قبول بعد ذهنی در پدیده های اجتماعی
 موجبات پیدایی نظریه با برد متوسط
 (Middle range theory) شد .
Merton / Middle range ر. ک .
theory/ Comprehensive sociology
Generation نسل - به وجود آوردن
Generative مولد
Generic عام - جنس
 در ارتباط با نه یک فرد ، بلکه یک جنس
 (Genus)
Genesis تکوین
 نه تنها پیدایی ، بلکه حرکت و جریان
 تکامل یا هر نوع تغییر بعدی را شامل می شود .
Social genesis ر. ک .
Genetic aggregate انبوهه تکوینی

- نخواهد شد .
 ر. ك . Parenthood / Genitor
 نبوغ Genius
 جمع كشی - كشتار جمعى - Genocide
 امحای نسل - قتل كشی
 با مفهوم كشتار (Massacre) از اى-ن جهت تفاوت دارد كه درینجا قتل عام نه به معنای كشتار جمعى كثیر ، بلكه در معنای اضمحلال كامل يك نسل به كار مى رود . مفهوم نزدیک آن قلع و قمع (Extermination) است .
 ر. ك . Ethnocide / Patricide /
 Matricide / Filicide / Homicide
 صفت ارثی Genotype
 در برابر صفت عارضی (phenotype) .
 درزیست شناسی هر آنچه از ژنها منبث شود و ابعاد ارثی داشته باشد ، صفت ارثی مى خوانند . صفت عارضی جلوه خارجى صفت ارثی و متأثر از محیط پیرامون است .
 جغرافیادان - عالم جغرافیا Geographer
 جبر جغرافیایی Geographical determinism
 ر. ك . Geographism
 توزیع جغرافیایی Geographical distribution
 همسر همدانى جغرافیایی Geographical homogamy
 ر. ك . Homogamy
- ۱) گروهی از خویشان كه از آغاز تولد با هم در يك جا زندگی كرده اند . ۲) گروهی بسته و متكى بر باروری افرادش بدون آنكه فردی از خارج به آن راه یابد . ۳) درمعنای عام گروهی همخون و متشكل از ازدواج بین خویشان .
 دگرگونى تكوینی Genetic change
 ر. ك . Change
 گروه تكوینی - گروه متكى بر زاد و ولد درونی Genetic group
 گروهی بسته ، صرفاً متكى بر باروری افرادش ، نظیر كلان
 روانشناسی تكوینی Genetic psychology
 روانشناسی ژنتيك Genetics
 شاخه ای خاص از دانشی كه از پندایی موجود و عوامل گوناگون مؤثر در تطور آن نظیر وراثت بحث مى كند .
 والد Genitor
 منظور مردی است كه بچه از نظر زیستی به او تعلق دارد . والد می تواند نقشهای دیگری یابد (تربیت ، مراقبت و ...) و به صورت پدر تجلی نماید .
 Patriarchy / Parenthood / Genitrix
 والدہ Genitrix
 زنی كه فرزند از نظر زیستی به او تعلق دارد . او جز در صورت تقبل و ظایفی چند ، مادر در معنای اجتماعی و فرهنگی آن خوانده

Geographical mobility

تحرک جغرافیایی

در برابر تحرک اجتماعى (Social mobility)، یا حرکت انسانها در لایه‌های طبقات اجتماعى، تحرک جغرافیایی جا به جایی انسانها در سطح جغرافیایى رساند که می‌تواند به صورت رَمه گردانى (Transhumance) و یا مهاجرت (Migration) به صورتهای گوناگون آن تجلی کند.

ر. ک. Transhumance / Exodus / Emigration / Immigration

Geographism جغرافیاسمى

مکتبی است که در آن بستر جغرافیا به عنوان عامل اساسی تکوین حیات اجتماعى شناخته می‌شود، به عنوان مثال هانتینگتون (Huntington) در کتابش اقلیم و تمدن (climate and civilization) توسعه و یا کم رشدی اجتماعى را ناشی از شرایط اقلیمى می‌شناسد؛ لیک با توجه به پیچیدگی حیات اجتماعى و تعدد عواملی که حرکت جامعه را متأثر می‌سازند، این آیین فکری نیز که بر اغراق در تأثیر طبیعت بر انسان و اولویت عامل جغرافیایی بر همه عوامل دیگر متکی بود، سخت مورد انتقاد قرار گرفت زیرا: - حیات اجتماعى تنها تابع جغرافیا نیست، فرهنگ، طرز تفکر، نوع آموزش نیز بر تشکل اجتماعى آثارى شگرف دارند.

- در جغرافیایی یکسان افرادى کارآمد می‌توانند سرزمینى پر بار پدید آورند، و دیگران از همان سرزمین مخروبه‌ای بسازند. - انسان صرفاً مقید و مقهور جغرافیا نیست. بلکه خود بر آن اثر می‌نهد و آنرا دگرگون می‌سازد. پس رابطه بین انسان و جغرافیا را رابطه‌ای متقابل است و با فنون جدید تأثیر انسانی فزونتر می‌شود.

- تاریخ انسان به ما نشان می‌دهد که در جغرافیایی یکسان، دو جامعه بکلی متمایز پدید آمده‌اند. اگر یونان کنونی کشوری جزو جهان سوم است، همین کشور در چند قرن قبل با همان جغرافیا، یکی از بسترهای سترگ اندیشه بشر بوده است.

- دوپدیده، یکی سریعاً تغییر پذیر (جامعه) و دیگری باحرکات بطی (جغرافیا) نمی‌توانند لزوماً علت و معلول یکدیگر باشند.

Geography, Human

جغرافیای انسانی

ر. ک. Human geography

Geometric mean میانگین هندسى

با فرمول زیر به دست می‌آید:

$$Gm = \sqrt[n]{a_1 \cdot a_2 \cdot a_3 \cdots a_n}$$

که در آن Gm = میانگین هندسى

$a_1, a_2, \dots, a_n$ = ارقامى که میانگین آنان

به دست آورده می‌شود و n = تعداد ارقام.

Geophagy**خاك خوارى**

در مناطق از جهان خوردن خاك به عنوان غذاى جانشين و تأمين كاستيهاى تغذيه‌م‌ر سوم است ، نظير آلاباما .

Geopolitics **جغرافيا - سياست شناسى****جغرافيايى - سياسى**

در آغاز، اين مفهوم توسط كجـلـن (Kjellen) عنوان شد. در نظر او هدف شناخت تأثير جغرافيا بر سياست بود و نتيجه‌اى كه در سال ۱۹۱۶ به دست آورد، برترى نژاد درمن و لزوم تسلط آن بر جهان درين رابطه بود . ليك امروزه، اين واژه معانى بسيار گوناگون يافته است : لادومى بزرگ آن راجنين تعريف مى كند : جغرافيا - سياست شناسى، با شناخت پديده‌هاى جغرافيايى سعى مى كند تا به حيات سياسى جهت بخشد .

- بعضى نظير ويلمز (Willoms)

آنها در معناى آيينى (Doctrine) به كار مى برند كه كاربرد دانش جغرافيا را در تدوين سياست ملى توصيه مى كند .

- بعضى ديگر، آن را مطالعهٔ ميزان قدرت كشورها در ارتباط با جغرافياى انساني و طبيعى آنان مى دانند.

- گروه سوم ، آن را مطالعه تـاـريـخ و سياست كنونى يك كشور با توجه به آثار عوامل جغرافيايى مى دانند .

- در معناى وسيع تر اين مفهوم سياست تنسيق منابع طبيعى با توجه به نيازهاى انسانها

را مى رساند.

Human geography

ر.ك:

Ruling class**Geriatrics****پيران پزشكى**

شاخه‌اى از دانش پزشكى كه هم خود را متوجه بيماريهاى خاص پيرى يا عوامل آن و مخصوصاً نحوه پيشگيرى از آن نموده است.

Industrial gerontology**پيران شناسى صنعتى**

شناخت پيرى در رابطه با بسط و گسترش صنعت است در همه جا، مخصوصاً در جوامع صنعتى.

پيران شناسى از لحاظ روانى - اجتماعى**Psycho-social gerontology**

شناخت نابسامانى روانى - اجتماعى پيران است و روابط آن با بيماريهاى جسمانى خاص آنان.

Social gerontology**پيران شناسى اجتماعى**

مطالعه علمى ابعاد اجتماعى پيرى و محيط اجتماعى پيرامون سالخوردگان است. همانطور كه ملاحظه مى شود، پيرى پديده‌اى جسمانى است اما عوامل اجتماعى مى تواند در تسريع آن مؤثر افتد. بعنوان مثال، ورود انسانها در سالهاى نخست حيات به بازار كار و دشواريهاى حرفه‌اى متعاقب آن، مى تواند موجبات پيرى زودرس و خروج قبل از موعد انسانها را از

Gesellschaft

گشتاوت

دگر گونی هرم جمعیت در جهان صنعتی با بسط و فراوانی تعداد سالخوردگان (چه زن و چه مرد و با اندکی تفاوت بنفع زنان) موجبات گسترش توجه به این پدیده را فراهم ساخت. در علل این گسترش کمی، باید گفت در درجه اول کاهش میزان باروری در جهان صنعتی موجد آنست و در کنار آن عللی دیگر چون گسترش مراقبتهای بهداشتی به بسط آن دامن زده است؛ شاخه‌های چند ازین شناخت بدینترارند:

کلی است بهم پیوسته ، تقسیم ناپذیر و متشکل از اجزائی هرچند قابل تمیز و لیک در ارتباط ، پیوند و وابستگی متقابل . درین کل صفاتی است که در هیچیک از اعضا نیست . واژه‌ای است آلمانی در معنای شکل یا منظومه که مجموعه‌ای ساخت یافته را آنچنانکه بطور عینی پدیدار می‌شود با تمام یکپارچگی و صور تجلی آن می‌رساند . بدینسان ، به نظر کوفکا (Koffka) نظریه گشتالت در صدد جستجوی آن است که نشان دهد کدام جزء از طبیعت به صورت جزئی از مجموعه‌های کارکردی شکل می‌یابد تا وضع آن اجزا را در مجموعه بشناسد ، پیوستگی نسبی آنان را بسنجد و همچنین تجلی «کلهای اصلی» را به صورت کل‌های وابسته مورد شناسایی قرار دهد .

ر. ک. System / configuration

Gestalt psychology

روانشناسی گشتالتی

Gesture رفتار داله

رفتار یا حرکتی جسمانی که دال بر معنایی خاص باشد . (اشاره چشم ، حرکت دست برای شناساندن معنایی خاص و...) .

ر. ک. Body language

Gestural communication

ارتباط اشاره‌ای

ر. ک. Communication

Ghetto محله محرومان

از ریشه‌ای عبری در معنای «جدایی» و «طلاق» گرفته شده است: ۱) محله‌ای که یهودیان در آن به میل خود زندگی می‌کنند و یا آنکه ناچار به اقامت در آنند . ۲) بطور کلی هر منطقه از شهر که اقلیتها در آن اقامت دارند (چه یهود و چه غیر یهود) . در مواردی چند ، این محله دارای حصار و دیواری بوده است که در آن بهنگام شب بسته می‌شد . محله‌های محرومان مخصوصاً در قرن سیزدهم پدید آمدند و نازیها در جریان جنگ دوم جهانی در سرزمین‌های فتح شده به افزایش تعداد آنان کمک کردند .

رقص اشباح Ghost dance

تجلی این اعتقاد در بین قبایل سرخپوست امریکایی است که سفید پوستان و تمام‌امی آثارشان در فاجعه‌ای جهانی ناپدید خواهد شد و جهانی نوپدید خواهد آمد متشکل از اشباح مردگان و بوفالوها . این اعتقاد نوعی دفاع روانی این انسانها بود در برابر قدرت شگرف سفید پوستان و تجاوز آنان به جریم سرخ پوستان .

ازدواج اشباح Ghost marriage

در برابر مفهوم بی‌وه ارث بری (Widow inheritance) و همچنین لویرا (Levirate) ، این مفهوم رسمی را می‌رساند که بر اساس آن بنا بر ملاحظاتی دختری را همسر برادر یا هر خویشاوند فوت شده می‌کردند .

ر. ک. Levirate / widow inheritance

Giddings (Franklin . H)

گیدینگز

دانشمند امریکایی است (۱۹۳۱ - ۱۸۵۵) ویکی از بنیان مکتب اثباتی جدید. او روانشناسی را با جامعه شناسی آمیخت و بر کمی گرایی تأکید ورزید. زمینه های تخصص وی متنوعند، از آنجمله اند، روانشناسی اجتماعی، اقتصاد و علوم سیاسی؛ دیدگاه او در هر زمینه بر تحقیقات کاربردی، استفاده از آمار در علوم اجتماعی، سود بردن از علوم انسانی - اجتماعی در تصمیمات دولتی است. بعضی از آثارش چنین اند:

Principles of sociology, studies in the theory of human society, Scientific Study of human society, Inductive sociology.

Consciousness of Kind ر. ک.

Gild صنف

Guild ر. ک.

Girard (Alain) زیوار

جمعیت شناس فرانسوی است (متولد ۱۹۱۴) زمینه خاص تخصص او جمعیت شناسی از دیدگاه اجتماعی - اقتصادی است. با این دیدگاه کلی است که اکثر آثارش در گزینش همسر، مهاجرت، مرگ و میر و تحرك اجتماعى شكل مى گیرند. ژیلارد مانند همکارش سویی (A. Sauvy) هر چند از جمعیت شناسی آغاز می کند، ليك سمي در توجه به عوامل جامعه شناختی در تکوین پدیده

دارد. برخی از آثارش بدین قرارند:

- Développement economique et mobilité sociale . L'individu la profession , la région (Meutez Le choix du conjoint (با همکاری موتز - Facteurs sociaux et cultures de la mortalité infantile , Une enquête Sur le comportement des familles dans le Nord et pas de calais (L. Henry (با همکاری هانری) La réussite sociale

Glazer (Nathan) گلایزر

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۳) کتاب انبوه آنها (Lonely Crowd) با همکاری دایزمن (D. Riesman) آغاز کارهای علمی او گشت. پس از آن اثر برجسته اش تحت عنوان یهودیت در امریکا (American judaism) را پدید آورد. شیوه خاص وی درین کتاب، بررسی های تاریخی است.

آثار دیگرش بقرار زیرند:

- the Social basis of American communism .

-Studies in housing and minority group - Beyond the melting pot (D. Patrick - (با همکاری پاتریک)

Glossing شرح

از دیدگاه متفکران طرفدار مردم روش

(Ethnomethodology) هر فعل یا عمل یا حرکت انسانها، صورتی شاخص - متن (Indexical) دارد. چه، در مجموعه‌ای جای می‌گیرد که جز در آن معنی نمی‌یابد. بنابراین در راه فهم رفتار دیگران (دیگری) انسان باید آن رفتار یا حرکت را همچون شاخص، یا نمادی در منظومه‌ای از داده‌های پیشین جای دهد تا معنای آنرا دریابد و واکنش درست را به انجام رساند. چون احصاء کل اطلاعات (منظومه یا شبکه‌ایکه رفتار در درون آن جای می‌گیرد و معنی می‌یابد) در یک آن ممکن نیست، لذا، فرد ناچار است، خطوط اصلی آنرا در ذهن نگاه دارد و با مراجعه سریع بدان، فهم رفتار (دیگری) صورت پذیرد. این جریان ظریف و عجیب ذهن انسان را شرح یا تفسیر مختصر و سریعی می‌دانند که نمادهای حیات انسانی را فهم پذیر می‌سازد.

در راه شناخت بهتر انسان و واقعیات پیرامونش، گارفینگل سخن از قطع Breaching نیز به میان می‌آورد. آزمایش قطع (Breaching experiment) زمانی صورت می‌گیرد که هدف نشان دادن اصول اساسی در ساختن مستمر واقعیت است. بدین منظور، او توصیه می‌کند، حیات عادی گسسته شود تا نشان داده شود، چگونه با این گسست، هیجان، تعجب و یا احتمالاً خشم پدید می‌آید. چند مثال:

«گارفینگل» از دانشجویانش خواست بین ۱۵ دقیقه تا یک ساعت در خانه خود چنین پندارند که صاحبخانه نیستند و بر اساس همین فرض عمل کنند... نتیجه آن شد که در اکثریت قریب به اتفاق موارد، دیگر ساکنان خانه از این رفتار سخت به تعجب آمدند؛ یا عصبانی شدند و یا... این واکنشها

نشان می‌دهد تا چه حد رفتار بر اساس خواسته‌های عادی مردم مهم است.

در مواردی چند، در برابر این رفتار دانشجوی (ظرف همان چند دقیقه)، دیگر اعضاء خانه به اندیشه می‌پرداختند، سعی می‌کردند رفتار به قول خودشان غیرعادی را تبیین کنند. مثلاً در مورد دانشجویی خانواده می‌اندیشید، چنین رفتار می‌کند، چون بسیار کار می‌کند، و یا آنکه با نامزدش گرفتاری‌هایی دارد. (G. Ritzer, Sociological Theory, PP: 358-359)

گاه اعضاء خانواده (در صورت تکرار) به این نتیجه می‌رسند که نباید سر به سرش گذارد، او بزودی از این حال بیرون خواهد آمد و زمانی که، در پایان دانشجوی اظهار می‌داشت که رفتارش صرفاً به منظور انجام یک آزمایش صورت می‌گرفت، بار دیگر هماهنگی به خانه بازمی‌گشت؛ یعنی هر کس به جایگاه خود باز می‌گشت و در چهارچوب پایگاه خود رفتار می‌نمود.

ر.ک: Ethnomethodology

Indexicality

راز-شناسی Gnosiology

از Gnosis گرفته شده و به معنای شناخت اسرار جهان ماوراء الطبیعه یا جهان ناپیدا و فوق مادی با شیوه‌هایی نه معمول در علوم معمولی است.

ر.ک: Agnostic

عارف Gnostic

عرفان Gnosticism

ر.ک: Agnostic

گفمن Goffman (Erving)

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۲)، هدف خاص او شناخت و تبیین رفتار انسانی و عوامل و محرکات مؤثر در آن است. شیوه خاصش مشاهده دقیق و تشریح جزء به جزء رفتار و سپس تبیین آن است. دید اصلی **گفین** « رویکرد درامی » (Dramaturgical approach) است. با این دید او در صدد آن است تا دانش اجتماعی را ساده تر و عوام فهم تر سازد. از جمله آثارش چنین اند:

The presentation of self in Every day Life, Asylums, Encounters. Stigma. Behavior in public place. Interaction rituals. Relations in public.

گوود (William Josiah)

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۱۷) زمینه خاص تخصص وی، ازدواج و خانواده است؛ ازین رو آثارش همگی برین محور پدید آمده اند و بقرار زیرند:

After divorce, the family. Family and society.
(توسط خانم ویدا ناصحی به فارسی ترجمه و منتشر شده است).

The contemporary American family.

Goods, consumption

کالاهای مصرفی

ر. ک. Consumption goods

کالاهای مولد Goods, production

ر. ک. Production goods

گورر (Geoffrèy Edgar)

انسان شناس انگلیسی است (متولد ۱۹۰۵) توجه خاص وی به ابعاد روانی در انسان شناسی است، ازین روست که تمامی آثارش به تحلیل حالات روانی ملل و منش ملی اختصاص یافته است. به نظر گورر کودکانی و تجربیات خاص فرد درین دوران تشکیل منش ملی را موجب می شود؛ بعضی از آثارش چنین اند:

- Death, Grief and mourning. people of Great Russia.

- Exploring English character
گولدنر (Alvin Ward)

جامعه شناس معاصر امریکایی است (متولد ۱۹۲۰) دو زمینه اصلی در آثارش پیداست. بقرار زیر:

۱- رهبری و سازمانهای اجتماعی
درین قلمرو آثارش بدین قرارند:

۲- الگوهای دیوانسالاری صنعتی

- Patterns of industrial bureaucracy

۳- یادداشت هایی در تکنولوژی و نظم اخلاقی

- Notes on technology and moral order

۴- جامعه شناسی عمومی

اثر انتقادی زیر درین زمینه است:

(316, P, 1956)

- بهران فرانس در جامعه‌شناسی غربی

-The coming crisis in Western Sociology

که در آن به جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی دست زده است. همچنین ای-جسارد مجله Transaction magazine که جدیداً با نام Society منتشر می‌شود. درین مجله، جامعه‌شناسی به زبان ساده جهت استفاده همگان مطرح می‌شود.

حکومت - هیأت حاکمه - Government
قدرت سیاسى

(۱) در لغت به معنای فعالیت یا فرایند اداره کردن است. یعنی اعمال کنترل بر دیگران، وادار نمودن برخی از مردم دیگر به رفتار کردن به شیوه‌ای خاص و مطلوب. بدینسان، عمل رهبری است از طریق اعمال قدرت

(۲) همچنین معنای هیأت حاکمه از آن برمی‌آید
ژان ژاک روسو یکی از اولین کسانی بود که این واژه را درین معنی به کار برد. او می‌پرسید حکومت چیست؟ و پاسخ می‌داد: «حکومت هیأتی است واسطه که در جهت استقرار وسیله ارتباط بین حاکم و تبعه او برقرار شده است و مسؤول تعبیه قوانین و تأمین آزادی سیاسى ومدنى است.

(Social contract, ed. E.

Barker (world classics), London,
oxford university press,

(۳) در معنای سوم، حکومت به معنای نظامی خاص یا شکلی از حاکمیت است. از این رو، می‌توان به انواع گوناگونی چون حکومت سلطنتی (Monarchy)، حکومت توانگران (Plutocracy)، حکومت متنفذان (Oligarchy) اشارت داشت. روسو در اثرش با نام قرارداد اجتماعى و منتسکیو در روح القوانین هر دو حکومت را در همین معنی نیز به کار برده‌اند. (۴) در معنای چهارم، قدرت سیاسى را می‌رساند که خود به معنای حق تعبیه قوانین و اعمال آنان است. جان لاک (John Locke) در اثرش دساله دوم این معنی را ازین مفهوم مستفاد داشته است.

کنترل حکومت Government control

نوع، میزان و حدود این کنترل با توجه به نظام اجتماعى تمایز می‌پذیرد. لیبرالها صرفاً حکومت را مسؤول تأمین نظم جامعه می‌دانستند. در سرمایه‌داری ارشادی یا کنترل شده، این کنترل در زمینه مالیاتها، گمرکات، منابع طبیعی و حتی از طریق ملی نمودن صنایع اساسی و یا مشارکت با بخش خصوصی صورت می‌پذیرد. آرمان دخالت جدویان (Interventionists) و هواخواهان حمایت از اقتصاد ملی (Protectionists)، کنترل متوازن حکومت بر اقتصاد است. کنترل فوق‌العاده حکومت در نظامهای فاشیستی صورت می‌پذیرد.

Government, Invisible

حکومت نامرئی

- Invisible government ر. ك. بر گردانده‌اند و در هر دو گروه از دانش به
Government policy معنای موجوداتی است که به صورت جمعی
خط مشی حکومتی حیات می گذرانند.
- Government protection ر. ك. حمایت دولت
Protectionism ر. ك. جمع دوستی
Gradient, Ecological جمع گرای
مدرج محیط شناختی
Ecological gradient ر. ك. میزان ناخالصی تجدید نسل
Gradualism اصلاحات تدریجی
شیوه‌ای است در ایجاد گرگونی اجتماعی
از طریق اصلاحاتی خاص که هر يك در جهت
تحقق يك هدف کلی صورت یابد. این شیوه
را معمولاً سوسیالیستهای میانه‌رو اتخاذ می کنند
و آن را در برابر شیوه‌های ناگهانی یا انقلابی
قرار می دهند.
- Grand بزرگ
واژگان بسیاری با آن فراهم می آید.
از جمله در جامعه شناسی خانواده با واژگانی
چند می آمیزد و اشکالی گوناگون از روابط
خویشی را می رساند که درجه دوم خویشان
در سطح اخلاف و اسلاف از آن مستفاد می شود
نظیر: عمه بزرگ، خاله بزرگ،
(Grand aunt) نوه (Grand child)،
پدر بزرگ (Grand father)، نوه پسر
برادر یا خواهر (Grand nephew) جد
جده (Grand parent) و ...
- Gregarious جمع دوست
در علم انسان و علوم طبیعی هر دو به کار
می رود. به فارسی آن را گروه جو نیز
- Aggregate ر. ك. جمع دوستی
Gregariousness جمع گرای
Gregarism جمع گرای
Gross reproduction rate میزان ناخالصی تجدید نسل
Reproduction, (Rate of) ر. ك. نظریه حاصل از میدان. نظریه
میدانی
Grounded Theory در برابر نظریه‌های بزرگ (Grand
Theoris) که خود توسط میلز (C. W. Mills)
طرح گردید و به معنای نظریه‌هایی
بود قیاسی، جهان شمول و اکثر مجرد،
(نظریه‌های پارسنز)، نظریه میدانی دارای
خصوصیات زیر است:
- از مطالعه‌ای عینی، زنده و مستقیم بدست
می آید که بدان مطالعه میدانی (Field study)
اطلاق می گردد.
- به دور از استنتاجهای منطقی - قیاسی
صورت می پذیرد.
- در آن بازیابی یا کشف قوانین کلی و
جهانی مطرح نظر نیست.
- از تجرید گرایی (Abstractionism)
به دور است، یعنی امر واقع را در متن یا بستر
اجتماعی آن به مطالعه می نهند.
- از تعمیم افراطی (Over-)

generalization) در آن پرهیز می‌شود و هر واقعیت خاص در نهایت ژرفایش به مطالعه گذارد می‌شود.

نظریه متوسط الحد (Middle range Theory) بین نظریه‌های بزرگ و نظریه میدانی جای می‌گیرد.

ر. ک: Theory. Middle range Theory

گروه Group

از ایتالیایی *gruppo* به معنای «چیز پیوسته» گرفته شده است. در معنای متعارف، واحد اجتماعی است دارای دوام نسبی که اعضای آن بنوعی پیوند یافته‌اند. هر گروه دارای اساس فرهنگی نسبی است که موجب تفاهم بین اعضا، تداوم و بقای گروه می‌شود. بدینسان جمعی از افراد که صرفاً يك وجه مشترك دارند (نظیر جنس مشترك یا سن و...) فقط از نظر آماری يك گروه به حساب می‌آیند.

انواع گروهها Groupes, Types of

گروه الحاقی Adherence group
گروهی که عضویت در آن مستلزم پیوستن به آن است. مانند انواع انجمنها، باشگاهها و... در برابر گروه طبیعی (Natural group) (نظیر گروههای خانوادگی) و یا انواع گوناگون گروههای غیر الحاقی (نظیر طبقات اجتماعی که عضویت در آن ناشی از شرایط زندگی است و مستلزم الحاق عمدی نیست).

ر. ک: Social class

گروه بسته Closed group

نظیر کاستها، سلکها که نه تنها ورود به آن غیر ممکن است، بلکه در مواردی خروج از آن نیز ممکن نیست. شخص در آن متولد می‌شود و در آن نیز می‌میرد. در چنین گروههایی منزلت انسان انتسابی (Ascriptive) است؛ بدین معنی که وضع یا پایگاه مکتسب و منبع از تلاش شخصی نیست. مفهوم مقابل آن گروه باز (Open group) است.

ر. ک: Open group / Ascriptive position / caste / Esoteric / Communion

گروه جزئی Component group
گروهی معمولاً کوچک که جزئی از گروهی وسیع تر را تشکیل می‌دهد و نسبت به آن دارای استقلال نسبی است.

گروه مرکب Compound group
گروهی است که در آن چنان ساختی استقرار یافته است که نه تنها روابط يك يك افراد را با گروه میسر می‌سازد، بلکه موجودیت زیر گروهها (Sub - groups) و یا پاره گروهها (part groups) نیز رسماً و عملاً پذیرفته شده است.

گروه همخون Consanguine group
گروهی اجتماعی که اساس آن راهمخونی (قراردادی یا واقعی) تشکیل می‌دهد. در صورت قراردادی بودن همخونی، برخی از همخونهای واقعی بر حسب قواعدی خاص از گروه طرد می‌شوند، در صورتی که بعضی

سالهای ۱۹۶۰ پدید آمدند، توضیح یافت.

ر. ك. Self - actualization

Sensitivity training

Endogroup گروه خودی

در برابر گروه‌های بیگانه

(Exogroups). در نظریه‌های مرتبط با

نژادپرستی، قوم مرکزی و بیگانه‌ناخواهی

(xenophobia) مطرح می‌شود. گیدینگز

(Giddings) سخن از همدردی طبیعی با

آنانکه با ما شباهت دارند و نفرت از

ناهمانندها می‌راند و رویس (Royce) نیز

همین پدیده را گرایش طبیعی انسان می‌داند

متعاقب همین دسته بندیهاست که آپارتاید

(Apartheid)، تجزیه انسانها بر مبنای نژاد

(Racial segregation) یا قوم و سرانجام

ملی‌گرایی افراطی (Chauvinism) تجلی

می‌نمایند. (به هر يك ر. ك)

Ephemeral group گروه مگذرا

در برابر گروه‌های ثابت (stable) یا

دائمی (Permanent)، گروهی زودگذر

که برای اهدافی خاص تشکیل یافته و به سرعت

ناپدید می‌شود.

Exploited group گروه بهره ده

گروهی در بند و استثمار دیگران که بدان

از دیدگاهی گروه‌ستم‌بر (Oppressed group)

و از دیدگاه دیگر گروه سرکوب شده

(Repressed group) اطلاق می‌شود. در

برابر گروه‌های بهره‌کش.

دیگر که هم‌خونی واقعی نیز ندارند، (نظیر

فرزند خوانده‌ها) در داخل گروه جای

می‌گیرند.

Derived group گروه مشتق

گروهی نه بدیع یا اصلی، بلکه مشتق

شده از گروهی دیگر یا گروه آغازین

(original group)

Direct contact group

گروه با تماس مستقیم

گروهی که افراد آن از امکان برقراری

تماس مستقیم، در يك فضا، بطور مستمر یا در

فاصله زمانی خاص و معین برخوردارند.

Primary group , ر. ك.

Gemeinschaft

Dyadic group گروه ثنوی - گروه

دو عضوی

گروهی متشکل از دو نفر یا بطور کلی

دو موجود زنده.

Encounter group گروه ممارست

گروهی مرکب از تعدادی اندك (حداکثر

۱۰ نفر) که به منظور آگاهی فرد از افکار و

احساسات دیگران، درك خویش و شکوفایی

شخصیت از طریق گفتگوی آزاد درباره

احساسات و تعارضات عاطفی پدید می‌آید.

هر گروه ممارست يك رهبر دارد و هر هفته در

ساعاتی خاص تشکیل می‌شود. این نوع

گروهها به دنبال گروه‌های آموزش حساسیت

و آگاهی (sensitivity training) که در

(Exploiting groups)

گروه رسمى Formal group

در برابر گروه‌های غیر رسمى (Informal groups) یا چهره به چهره (Face to face group) گروه‌های رسمى بر مبنای روابط قراردادی و نه عاطفی، پدید می‌آیند. در آن‌ها سمت جانشین شخص می‌شود و انسان قلب ماهیت می‌دهد.

گروه کارکردی Functional group

در اصطلاح به گروه‌هایی اطلاق می‌شود حائز کارکردی مفید یا مطلوب.

گروه تکوینی Genetic group

گروهی که اکثر یا تمامی اعضای آن با تولیدمثل در درون خود گروه تأمین می‌شوند.

Group with presence

گروه حضوری

گروهی که صرفاً در صورت حضور افراد کارآ خواهد بود. با گروه رویاروی (Face to face group) مترادف است و در برابر گروه غیابی (Group in absence) قرار می‌گیرد.

ر. ک. Intermittent group

Group without presence

گروه غیر حضوری

گروهی که بدون حضور و مواجهه اعضای کار آست. با گروه غیابی مترادف است.

گروه افقی Horizontal group

در برابر گروه عمودی (Vertical group)

به گروهی اطلاق می‌شود که در آن اعضاء از يك قشر گزیده و پذیرفته شده‌اند.

ر. ک. Vertical group

گروه‌های غیر رسمی Informal groups

در برابر گروه‌های رسمی قرار می‌گیرند. الحاق بدانها نپذیر حسب ضرورت، بلکه عواطف صورت می‌پذیرد؛ تابع مقررات خشک نیستند. با گروه‌های نخستین (Primary groups) مشتبه نشود.

ر. ک. Formal group

Primary group

درون گروه In - group

توجه به يك گروه از دیدگاه اعضاء و روابط درونی حاکم بر آن در برابر برون گروه (out - group)

گروه یکپارچه Integrated group

گروهی دارای پیوستگی و انسجام، در برابر گروه از هم پاشیده (Disintegrated group)

گروه تناوبی Intermittent group

گروهی دارای کارکرد که اعضای آن در فواصل زمانی خاص و بطور متناوب با یکدیگر روابط چهره به چهره برقرار می‌سازند، اما کارکرد گروه در این فاصله‌ها ادامه دارد.

گروه با تماس نزدیک Intimate group

از ریشه Intima که به معنای نزدیکترین و درونی‌ترین غشای پوستی رگهاست، اخذ گردیده و گروهی با تماس نزدیک و احیاناً صمیمی را می‌رساند.

- گروه کارمندی** Kindred group **گروه خویشان**
گروهی بانیای مشترك كه مى تواند يك خانواده ، يك جمع خویشاوند و یا حتی يك نژاد را دربرگیرد.
- خرد گروه** Microgroup **اصطلاحی است در گروه سنجی (Sociometry)؛ به زعم مودنو (J. Moreno)**
يك خرد گروه از چند اتم اجتماعى تشكيل مى شود. يك اتم اجتماعى در اصطلاح مودنو يك فرد در رابطه با دیگران است.
- ر. ك.** Social atom / Sociometry
Moreno
- گروه اقلیت** Minority group
در يك جامعه ، اقلیت جمعی کوچکتر را تشكيل مى دهد كه ویژگی آن بعد جسمانی یا فکری یا طرز زندگی خاص آن گروه است. این ویژگی موجب تمایز گروه اقلیت از کل جامعه و جدایی احتمالی آن مى شود. اما يك گروه اقلیت ، لزوماً جدا از جامعه نیست. همواره يك گروه حاشیه ای نیز نیست و مورد انكاز و تجزی نیز نمی باشد. معیارهایی چند چون نژاد ، قومیت ، زبان ، دین و ... موجبات پیدایی گروه اقلیت را فراهم می آورند. برپایه همین معیارها ، نوعی تجانس ، وحدت عاطفی و پیوند بین این گروهها پیدا مى شود كه حتی علیرغم پراكندگی جغرافیایی به تداوم ارتباط بین آنان و ایجاد خرده فرهنگ منتهی مى شود ؛
- گروههای اقلیت گاه از نظر تداوم تمامیت ملی مسائلی پدید می آورند و موجب تجزی يك ملت می شوند؛ از این دیدگاه ، اقلیتهای منسجم و فعال با اقلیتهای غیر فعال یا غیر**
- گروه اکثریت** Majority group
از نظر لغوی ، گروهی است كه شمار اعضای آن بیش از ۵۰ درصد كل واحد اجتماعى یا جمعیت باشد . گروه اکثریت ، در اصطلاح شامل گروههایی می شود كه اکثریت يك جامعه بدان تعلق دارند. اطلاق آن تلویحاً وجود گروههای اقلیت (Minority groups) را در يك جامعه تایید می كند. در چنین جوامعی ، كنترل گروه اکثریت و حراست از حقوق گروههای اقلیت ، چه قومی ، یا نژادی ، یا دینی مطرح می شود كه در صورت عدم تحقق آن تعادل اجتماعى در معرض تهدید قرار می گیرد و مى تواند با خود جدایی خواهی (Separatism) از جانب اقلیتهای را موجب شود .
- گروه حاشیه ای** Marginal group
گروهی كه بطور كامل جذب جامعه نشده است و به جهت مذهب ، نژاد ، زبان یا فرهنگ خاصش جدا از كل جامعه حیات می گذرانند.
- ر. ك.** Social marginality
- گروه عضویت** Membership group

منسجم تمايزى يابند. در صورت شدت انسجام و تاكيد بر حراست از هویت گروهى، گروه اقلیت به نوعى انزوا (Isolation) دچار مى شود.

گروههای اقلیت بر حسب ماهیت انواعی بسیار می یابند: نظیر اقلیت نژادی (Racial minority)، سیاسی، دینی، قومی (Ethnical minority)، یا زبانی و حتی انتخابانی (Electral minority) که در برگیرنده يك حزب یا مجموعه ای از احزاب است که آرای کمی به دست آورد.

گروه طبیعی Natural group
واژه ای است بالنسبه جدید و با محتوایی نه چندان مشخص. گروهی که (۱) با خواست و همت افراد پدید آید و نه آنکه محصول سازمان یا دستگاهی خاص باشد. (۲) بدون توجه به منافعی مشخص پدید آمده باشد. (۳) جهات آسیمی و یا مقاومت در برابر جریان طبیعی جامعه نداشته باشد. از این روهم با باند (clique) تمایز می یابد که ویژگی اساسی آن ساخت و پاخت درونی است و هم با دارو دسته جنایتکاران (Gang) که مشخصه آن بهم ریزی نظم اجتماع و دستیازی به جنایت است.

گروه همسایگان Neighborhood group
گروه متشکل از همسایگان، نوعی خاص از گروههای محلی است.

گروه سازمان یافته Organized group

گروهی اجتماعی با هرم سازمانی معین که در آن هر کس وظیفه ای خاص و موضعی معین در سلسله مراتب سازمانی یابد.

در صورت تحجر سازمان گروه و محو اعتقاد و انگیزه در اعضا، چنین گروهی سست، شکننده و فاقد کارآیی خواهد شد.

گروه آغازین Original group
در برابر گروههای متفرع، به گروهی اطلاق می شود که در آغاز پدید آمده و بدیع و بکر مانده است.

گروه دیگران Others' group
در برابر گروه ما (we - group) و یا خودی (Endogroup)؛ (به هر يك ر.ك)

ر.ك. They - group
گروه همالان Peer group

گروهی متشکل از افرادی از نظر سنی و خواستی بالنسبه مشابه. امروزه توجه به گروه همسالان از آن رومطمح نظر است که در بسیاری از موارد، نوجوانان الگوهای خود را نه از والدین و یا مراجع رسمی، بلکه از گروه همسالان اخذ می کنند. از این رو، در شبکه عوامل تربیت، باید این گروهها را بسیار مورد توجه قرار داد.

گروه همبازیها Play group
گروه فشار Pressure group
گروهی ذی نفوذ (Influent) که از نفوذ خود به منظور نه تنها حراست از منافع خویش، بلکه تحمیل خواسته ها به دیگران و در

مواردی به قیمت تضییع حقوق دیگران استفاده می‌کند. جامعه جدید شیوه‌ها و ابزارهای گوناگونی در اختیار چنین گروه‌هایی قرار می‌دهد:

۱) فشار بر اعضاء به منظور ایجاد تداوم و انسجام. ۲) فشار بر افکار عمومی به منظور بسیج جمعی از طریق تبلیغات فشرده. ۳) فشار بر نمایندگان ملت، به صورت‌های غیر رسمی (Lobbyism) و یا با استفاده از شیوه‌های رسمی. ۴) فشار بر قدرت‌های اجرایی، بدون قبول مسئولیت.

ر. ک. Syndicalism / Guild , Lobbyism

گروه نخستین Primary group

۱) در کار صنعتی به گروه کوچکی اطلاق می‌شود که اعضاء آن با یکدیگر روابط حسنه و نزدیک دارند. ۲) در معنای علمی، برای اولین بار توسط کولی (Cooley) دانشمند امریکایی مطرح شد و رونق یافت. گروه‌های نخستین در برابر گروه‌های ثانوی (Secondary groups) دارای ویژگی‌هایی است، بدین قرار:

– خود به خود یا ارتجالی (Spontaneity): گروه نخستین تابع مصالح خاص یا هدف‌های مادی نیست بلکه منبعث از انگیزه‌هایی طبیعی و غیر تصنعی است (نظیر خانواده)

– ابعاد عاطفی (Emotionality)،

گروه نخستین از فشارهای قانونی منبعث نمی‌شود، بلکه محور و انگیزه شرکت و عمل در آن کشش‌های عاطفی است؛ از این رو چون قواعد آن درونی (Internalized) می‌شوند، نیازی به اعمال قدرت در مراعات قانون نیست.

– مناسبات چهره به چهره (Face – to – face relationships) در گروه نخستین، روابط مستقیم‌اند، شناخت تنها فیزیکی و سطحی نیست.

– کوچکی: گروه‌های نخستین از نظر حجم کوچکند و می‌توانند به دو صورت طبیعی (خانواده) یا الحاقی (باشگاه‌ها، انجمن‌ها و...) پدید آیند.

ر. ک. Secondary group

گروه مرجع Reference group

I – گروهی را می‌رساند که فرد خود را با آن یکی می‌داند، اندیشه‌ها و افکارش را از آن می‌گیرد و همواره درستی یا نادرستی اندیشه و رفتارش را با معیارهای آن می‌سنجد؛ لزوماً گروه مرجع، گروهی نیست که فرد بدان تعلق داشته باشد. اما فرد در آرزوی عضویت و یا تداوم عضویت خویش در آن است.

II – شریف (Muzafer Sherif)

در اثرش «دآمدی بردانشناسی اجتماعی» سخن از دو گروه مرجع و گروه عضویت (Membership group) را می‌راند. کولی

(C.H.cooley) و مخصوصاً مید (G.H.Mead)

چه به زعم آنان، نباید هر گروهی را که در تماس یا ارتباط با آن شخص طرز تلقی یا عقیده‌ای را کسب کرده است، گروه مرجع خواند.

گروه گذشته نگر Regressive group

اصطلاحی است از استراچی (A. Strachey) در اثرش با نام «محرکات آگاهانه جنگ» (۱۹۵۷). به زعم او اکثر گروهها در بین اعضاء خود گذشته نگری یا بازگشت به گذشته را از طریق تحریک کشفهای غریزی برمی انگیزند. به عنوان مثال، یک دولت ملی دارای حاکمیت، یک گروه گذشته نگر به حساب می آید. چه، برگزیده تأکید دارد، با بازگشت به آن برآگاهانی و همبستگی ملی می افزاید؛

ر. ک. Regression

گروه ثانوی Secondary group

اصطلاح از کوولی (Cooley) است، این گروهها در مقابل گروههای نخستین اند؛ با ویژگیهای زیر:

- حجم گسترده: این گروهها در مقایسه با گروههای نخستین از حجم و وسعت بیشتری برخوردارند.

- فقدان یا کاهش تماسهای چهره به چهره و یا مستقیم بین اعضاء گروه.

- غیر ارتجالی بودن: روابط در چنین گروههایی نه طبیعی است، نه خود به خود؛ بلکه حساب شده و تابع ضوابط خاصی است.

از «دیگری» سخن به میان آورده و بسدین نتیجه رسیده اند که در بسیار از موارد جهت تبیین و شناخت رفتار یک فرد، باید دیگری را دید. چون او بدان توجه دارد. حتی سولیوان (H.S. Sullivan) در همین معنی از اثرگذاران (Significant other) سخن رانده است. یعنی آن فرد یا آن گروه که مرجع فرد به حساب می آید. مفهوم گروه مرجع توسط هایمن (H. Hyman) در اثرش «دانشناسی پایگاه» رواج یافت. به زعم او گروه مرجع مخزن و سرچشمه طرز تلقیهای اساسی و ارزشهای فرد است.

III - گروه مرجع دوکارکرد دارد:

۱- کارکرد دستوردهی یا هنجارگزاری

(Normative function)

به این معنی که به فرد دستور می دهد که فلان رفتار یا عمل یا حتی اندیشه مجاز یا غیر مجاز است.

۲- کارکردی ارزش سنجی.

(Evaluative function)

به این معنی که فرد با الگوهای گروه مرجع رفتار خود و دیگران را مورد ارزشیابی قرار می دهد و درجات درستی یا نادرستی آنها را درمی یابد.

IV - در انتقاد از ابهامهای موجود در

این مفهوم، برخی چون شریف، بر این اعتقادند که باید بجای گروه مرجع از «گروه لنگریا انکایی» (Anchoring group) یاد شود.

- سازمان یافتگی : چنین گروه‌هایی بر اساس علایق شخصی بین انسانها پدید نمی‌آیند، بلکه منبعث از نیازهایی اکثر ثانوی هستند. از این رو گاه نیاز به هرم سازمانی سخت دارند.

- وحدت منافع : در چنین گروه‌هایی افراد به جهت احساس اشتراك در منافع گرد می‌آیند. تا زمانی که آن نفع باقی است بقای گروه نیز تأمین است.

- روابط قراردادی : در چنین گروه‌هایی روابط انسانها با یکدیگر نه تابع عواطف محض، بلکه در ارتباط با قرار دادی خاص است. از این رو این گروهها در معرض ظاهر آرای (Formalism)، تحجر سازمانی، دیوانسالاری، قرطاس بازی و حتی اضمحلال ماهیت و هویت اصلی انسانها هستند.

ر. ک. Cooley / Primary group /
Encounter group / Sensivity
training

Small group گروه كوچك

I- در خلال جنگ دوم جهانی و پس از آن، مطالعه گروه‌های كوچك مورد توجه قرار گرفت. از اولین آثاری که متعاقب این توجه پدید آمد، اثر استوفر (S. A. Stouffer) با نام مرهاذ آمریکایی است (۱۹۴۹). پس از او کودت لوین (Kurt Lewin) و به همراه او لیپیت (R. Lippit) و وایت (R. K. White) در باب

گروه‌های متشکل از کودکان و رفتار آنان در چارچوب رهبریهای گوناگون، مطالعه کردند. اثر برجسته بیلز (R. F. Bales) در مورد نحوه تحلیل فعالیت گروه‌های كوچك تحت عنوان «تحلیل فرایند تعامل» (۱۹۵۱) و همچنین کار هومنس (G. C. Homans) با نام «گروه انسانی» (۱۹۵۰) و اثر اولمستد (M. S. Olmsted) تحت عنوان «گروه‌های كوچك» (۱۹۵۹) در همین زمینه‌اند.

II - ازدیدگاه جامعه‌شناسان، گروه‌های كوچك چیزی بیش از يك گروه با تعداد اندکی عضوند. در آنان، بیش از هر گروه دیگر روابط متقابل انسانی - اجتماعی به چشم می‌خورد. پایه اساسی چنین گروه‌هایی مناسبات چهره به چهره است و عضویت در این گروهها نیز با پایان یافتن چنین مناسباتی پایان می‌پذیرد.

پژوهش در گروه‌های كوچك :

۱- پژوهش در گروه‌های کار یا آزاد: گونه اول : گروه‌های کار : گروه‌هایی خاص با تعدادی معین و زمانی مشخص که به منظور انجام فعالیتی از قبل تعیین شده گرد هم می‌آیند. پس این گروهها تابع مرزهایی معین‌اند : (۱) زمان (۲) مکان. (۳) مدت (۴) تعداد اعضاء و نوع ترکیب آنان (۵) موضوع بحث و مقاطع آن (۶) نتیجه‌گیری یا اخذ تصمیمات نهایی.

در سالهای ۱۹۵۰ دوبرت بیلز (Robert F. Bales) و همکارانش درین

بین اعضاء گروه مورد تأکید باشد.

گروه ارتجالی Spontaneous group

ر. ک. Symbolic interaction

گروه پایگاه Status group

ر. ک. Social class

گروه مورد مطالعه Study group

گروهی کوچک که در آن افرادی نا آشنا با یکدیگر گرد هم آمده به کار با یکدیگر می پردازند. مشاور گروه یا مطالعه کننده نه پاسخی به سؤالی می دهد، نه به راهنمایی افراد می پردازد، بلکه صرفاً به یادداشت جریانه های داخل گروه می پردازد و حاصل کار آن را اندازه می گیرد.

این شیوه در مطالعات گروهی را بیون (A.Bion) پدید آورد.

ر. ک. Group dynamics

Sociometry

زیرگروه - گروه جزئی Sub - group

گروهی بالنسبه کوچک که با حفظ تمامیت و استقلالی نسبی، در درون گروهی وسیع جای یافته است.

گروه بیگانه They - group

گروهی که فرد نه تنها خود را از آن نمیداند، بلکه در برابر آن نیز بی طرف یا بی تفاوت نیست. در این حال، آن گروه با نامهربانی (Antipathy) نگریده می شود؛ که در صورت شدت تبدیل به کین و یا حتی خصومت خواهد شد.

ر. ک. Chauvinism / Exogroup

زمینه مطالعاتی را آغاز کردند. به این ترتیب که گروهی (مخصوصاً از بین دانشجویان) برگزیده می شد، مسأله ای به عنوان دستور جلسه تهیه می شد و سپس جریان بحث، تصمیم یا نتیجه گیری و افراد مؤثر در آن و همچنین، نحوه و زمان تحقق آنسان بدقت یاد داشت می شد.

گونه دوم؛ گروه های آزاد: نمونه خاصی چون گروه های محاوره ای در مهمانیها یا باشگاهها دارد.

۲- پژوهش قبل از تشکیل گروه:

مطالعات گفمن (E.Goffman)

برخلاف تحقیقات بیل که گروه را پس از تشکیل آن و بهنگام کار مورد بررسی قرار می داد، بیشتر متوجه گفتگوهای قبل از تشکیل جلسات است که در آنان پایگاه افراد، میزان پذیرش آنان و... تعیین می شدند. به زعم وی، تصمیم گیری در يك گروه کوچک بزودی صورت نمی گیرد؛ شکل، نوع، ویژگیهای تصمیم گروهی نه تنها با فعالیت های قبل از تشکیل عینی و رسمی گروه در ارتباط است، بلکه مخصوصاً در همان مرحله اساس گروه پی ریزی می شود.

ر. ک. Goffman / Bales / Group

dynamics / sociometry

گروه اجتماعی Social group

مفهوم گروه، خود بطور تلویحی بر ابعاد اجتماعی آن اشارت دارد؛ ولی زمانی صفت اجتماعی بر آن افزوده می شود که تعامل

xenophobia

Training group (T.group)

آموزش گروه

گروهی است از نظر تعداد اعضاء اندك كه بعمد برای مدتی محدود تحت نظر متخصصان تشكيل می شود و هدف از تشكيل آن، آموزش افراد جهت ایجاد روابط بهتر با دیگران است. مفهوم آموزش گروه در آغاز توسط کودت لوین (Kurt Lewin) و لپیپت (Ronald Lippit) مطرح شد. گروه ممارست (Encounter group)، همچنین گروه آگاهی آموزی :

(Sensitivity training group)

با همین دیدگاه پدید می آیند (به هر يك ر.ك)

Self - actualization ر.ك .

Vertical group گروه عمودی

گروهی است كه اعضاء آن از چند قشر متباین و حائز منزلتهای نامساوی برگزیده شده باشند. در برابر گروه افقی (Horizontal group) بدان ر.ك

Veto group گروه وتو

به گروههای بسیار ذی نفوذی اطلاق می شود كه می توانند تصمیمات مسئولان را بطور كامل خنثی كنند. در امریکا تا این اواخر، انجمن پزشكان چنین قدرتی داشت؛ آنچنانكه دولت هیچ تصمیمی بدون نظر آنان در زمینه بهداشت و درمان نمی توانست اتخاذ كند.

Lobbying / Pressure group ر.ك .

Voluntary group گروه به خواست

گروهی نه تحمیلی (اردوهای کار اجباری) نه طبیعی (گروه خانوادگی) و نه ناشی از شرایط زندگی (طبقه اجتماعی)، بلکه منبعث از خواست و تابع اراده يك يك انسانهای عضو.

Informal group ر.ك .

We - group گروه ما

گروهی كه در آن ما بجای من نشیند و فرد خود را در آن ذوب سازد. در چنین گروهی هنجارها عمیقاً توسط اعضاء پذیرفته و دقیقاً اجرا می شوند؛ حالات عاطفی بر روابط قراردادی غالبند. چنین گروههایی از نظر کمی وسیع نیستند.

Communion / Sociability ر.ك .

Group acceptance پذیرش گروهی

فرایند پذیرش يك فرد در يك گروه می تواند همراه با مراسم خاص پساگشایی (Initiation) صورت یابد. همچنین، می توان این فرایند را در مقیاسی جای داد كه از پذیرش محض شروع می شود و تا عدم پذیرش مطلق ادامه می یابد، در گروه سنجی شبهه ها، میزان و عمق پذیرش گروهی مورد سنجش قرار می گیرد.

Sociometry ر.ك .

Group accommodation

همسازی گروهی

(۱) فرایندی كه بر طبق آن گروهها

که در آن :

$N = \text{تعداد افراد گروه و } R(+)$
میزان گزینشهای متقابل افراد از یکدیگر است.

ر. ک. Group dynamics .

Sociometry

Group consciousness

آگاهی گروهی - شعور گروهی

ر. ک. Consciousness

Group consensus

وفاق گروهی - اجماع گروهی

Group contact تماس گروهی

(۱) تماس بین افراد در درون یک گروه.

(۲) تماس متقابل گروهها با یکدیگر .

Group differentials

ضرایب گروهی

یکی از مهمترین متغیرها در تحقیقات اجتماعی ضریب گروهی است. بدین معنی که رفتار و اندیشه انسانها تا حدودی بسیار تابع تعلق گروهی آنان است و این تعلق و میزان آن به عنوان ضریبی بهنگام تبیین رفتار و واکنش فرد مطرح نظر قرار می گیرد .

ر. ک. Class differential

Group discrimination

تبعیض گروهی

ر. ک. Apartheid / ostracism

Group disharmony

ناهماهنگی گروهی

وضع و نقش خود را جهت انطباق با یکدیگر
دگرگون می سازند. (۲) فرایند سازگاری
متقابل انسانها در درون یک گروه .

Group behavior رفتار گروهی

به زعم بعضی رفتار در گروه موضوع اصلی دانش انسان است . چه ، انسان تنها نادر است و در آن حال چنان است که نام انسان نیز نمی توان بر آن نهاد ؛ پس رفتار انسان در گروه شکل می گیرد، تنوع گروهها، انواع خاصی از رفتار انسانی پدید می آورد و در درون گروه، کنشها، واکنشها و حرکات بسیاری صورت می گیرد که با خود صوری از انطباق و همسازی به همراه دارد.

ر. ک. Collective behavior

Group belonging تعلق گروهی

Group Centrism گروه مرکزی

گرایش یک گروه به اینکه دیگر گروهها را با الگوها، ارزشها و معیارهای خود بسنجد و خود را مرکز دیگران یا بد. گروه مرکزی نشان ازین توهم است که گروه خویش را برتر از سایر گروهها تلقی کنیم .

Group cohesion index

شاخص بهم پیوستگی گروهی

به معنای میزان همبستگی ، بهم پیوستگی و وحدت عاطفی یک گروه است و فرمول احتساب آن چنین است :

$$K = \frac{\sum R(+)}{N}$$

در برابر هماهنگی گروهی (Group harmony) است، باهمگنی گروهی (Group homogeneity) اشتباه نشود. چه، در همگنی تشابه گروهها از نظر ذات و ترکیب آنان مطرح است و حال آنکه در هماهنگی تشابه از دیدگاه کارکرد، هدف و آهنگ حرکت مطمح نظر قرار میگیرد.

فاصله گروهی Group distance

در صورت وسعت فاصله بین گروهها از شکاف گروهی سخن می رود و در صورت ثبات و تغییر ناپذیری فاصله، سخن از تحجر و تصلب قشر بندی اجتماعی. فاصله متعادل بین گروهها را ناشی از عدالت و نه برابری خواهی می دانند.

Group disintegration

از هم پاشیدگی گروهی

فرایند تضعیف، یا اضمحلال پیوند افراد در درون یک گروه، آنچنانکه هویت گروهی از بین برود.

Group dynamics گروه پویایی شناسی گروه

در فارسی واژه هایی چون دینامیسم گروهی، توانمندی گروهی، در برابر آن نهاده شده است. شاخه ای است از علم انسان که در جهت شناخت حرکات درونی گروه بهنگام اندیشه، عمل و چگونگی اتخاذ تصمیم به کار می آید.

کودت لوین (K.Lewin) از بنیانگزاران این رشته است. دیگران نظیر هردن نو

(Maisonneuve) مودنو (Moreno) در جهت غنای این رشته کوشیدند. داچ (C. M. Deutsch) در اثرش «نظریه مبتنی بر تحقیقات علمی در روانشناسی اجتماعی» (۱۹۵۲) و لازارسفلد (P. Lazarsfeld) در کتاب «جامعه شناسی امروز» (۱۹۵۹) به هم پیوستگی (Cohesion) اعضاء گروه را در امر پویایی گروهی دارای اهمیت خاصی می دانند. پویایی شناسی گروهی با گروه سنجی، نزدیکی و گاه تداخل موضوع می یابد.

ر. ک. Sociometry

تعادل گروهی Group equilibrium

در برابر عدم تعادل (Group disequilibrium). جامعه شناسان کارکردگرا، با گرایش به حفظ تداوم گروهی آن را مرکز توجه قرار دادند.

ر. ک. Functionalism

گسترش گروهی Group expansion

بسط یک گروه (۱) چه از نظر تعداد اعضاء (۲) چه از نظر کارکرد و حیطه وظایف (۳) چه از دیدگاه حوزه نفوذ.

فدراسیون گروهی Group federation

سازمانی که از گرایش گروهها به همکاری با یکدیگر، ضمن حراست از استقلال نسبی خود پدید می آید.

ر. ک. Federalism

احساس تعلق گروهی Group feeling

احساس تعلق به گروه، آگاهی از پیوند

گروه را فراهم می‌سازد .

ازدواج گروهی Group marriage

ازدواج بین دو یا چند زن با دو یا چند مرد در زمان واحد. انسان‌شناسانی چون فریزر (Frazer) و مودگان (Morgan) در جوامع ابتدایی از آن سخن رانده‌اند ، اما دلایل قطعی بر شیوع آن نیست ، به عنوان مثال ، مرداک (Murdock) دلیلی بر وجود آن به عنوان هنجاری رایج و مستقر نیافته است . در جوامع جدید : با شکل کمونها یا گروههایی که سعی در نفی فرهنگ حاکم دارند ، مواردی از فاصله با هنجارهای معمول دیده شده است. با اینهمه در بین آنان نیز ازدواج تک همسری رایج ترین نوع پیوند زناشویی است.

ر. ک . Promiscuity / Communes Marriage

روح گروهی Group mind

طرز تلقی و دیدگاه همسان افراد گروه در زمینه مسائل و مباحث اساسی گروه .

گروه شتاب Group momentum

نیرو یا فشاری که بر اعضای گروه وارد می‌شود تا تمامی آنان را در یک جهت حرکت آورد ، هر تأخیر را مانع شود و وحدت عمل و حرکت را موجب آید.

اخلاق گروهی Group morality

۱) مجموعه اصول اخلاقی حاکم بر یک گروه . ۲) میزان رعایت اصول اخلاقی پذیرفته شده در یک جامعه توسط اعضا آن.

متقابل گروهی که در صورت آمیزش با خرافات به گروه مرکزی و تعصب گروهی می‌انجامد .

تشتب گروهی Group fission

ذوب گروهی Group fusion

۱) در برابر تشتب گروهی ، فرایندی در جهت بهم آمیزی دو یا چند گروه متمایز با یکدیگر است . ۲) از دیدگاه ذوب روانی انسانها در گروه ، در برابر توده (Mass) که اعضاء آن بسیار ولی ناآشنای با یکدیگرند ، در سلك با آمیزش روانی انسانها بنوعی وفاق دست می‌یابیم .

Group heterogeneity

ناهمگنی گروهی

در برابر همگنی گروهی (Group homogeneity) ناهمگنی گروهی می‌تواند از عوامل اژه باشد گنی (Group disintegration) تلقی شود ؛ مخصوصاً زمانی که با ناهماهنگی گروهی بیامیزد .

Group integration

ادغام گروهی - یکپارچگی گروهی

همسازی افراد یک گروه در جهت تشکل گروهی کارآ ، کارآمد و منسجم . یکپارچگی گروه به معنای از بین رفتن فرهنگهای جزئی و اقلیتهاست .

Group interest

منافع گروهی

انگیزه‌های خاصی که موجبات کوشش جمعی و سازمان یافته به منظور تحقق اهداف

- Group opinion عقیده گروهی را موجب می آیند.
 ر. ک. Tradition
- Group unity وحدت گروهی واکنش ذهنی - بیانی اعضای يك گروه
 در برابر يك امر یا واقعه اجتماعی.
- Group perpetuation تداوم گروهی میزان پیوند متقابل اعضای يك گروه با
 يكدیگر، هم از اشتراك هدف ناشی می شود،
 هم به ساخت و سازمان گروه وابسته است.
- Group situation وضع و شرایط گروهی اراده گروهی
 Group slavery اسارت گروهی اراده يك جمع که نه اراده يك فرد
 است و نه حاصل جمع اراده های فردی .
 ر. ک. Individual will
- Group stimulation برانگیزی گروهی رشد انطباقی
 Adaptive growth ر. ک. Adaptive growth
- Group stimulation برانگیزی گروهی رشد اجتماعی
 Growth , Social ر. ک. Social growth
- Group therapy گروه درمانی رشد شهری
 Growth , urban ر. ک. Urban growth
- Group therapy گروه درمانی پارتیزانها
 Guerilla واژه ای است در اصل اسپانیایی ، معرف
 گروهی که در صدد انجام عملیاتی علیه قدرتی
 است مستقر . پارتیزانها از نظر تعداد اندکند.
 اما سعی در استفاده از جمع به عنوان پوشش
 دارند ، حملات آنان نیز نه چهره به چهره
 و با قدرت نظامی ، بلکه معمولاً غافلگیر کننده ،
 غیر منظم و در مواردی پراکنده است .
- Encounter group , ر. ک. ر. ک. ر. ک.
 Training group
- Group tradition سنت گروهی صنف
 Guild (۱) اتحادیه های شغلی است که در قرون
 وسطی گروه هایی ذی نفوذ و قدرتمند را در
 حیات سیاسی - اجتماعی تشکیل می دادند تا

گورویچ

Gurvitch (Georges)

جامعه شناس روسی الاصل تبعه و مقیم فرانسه (بجز زمانی کوتاه از حیاتش که در امریکا و روسیه گذشت) است (۱۹۶۵ - ۱۸۹۴) از فلسفه آغاز کرد، در روسیه اسناد جامعه شناسی شد و پس از انقلاب اکتبر راه مهاجرت به خارج پیش گرفت. او بر جامعه شناسی عمقی با تکیه بر تامیت (Totality) پدیده‌های اجتماعی تأکید کرد. کمتر به تحقیقی تجربی پرداخت ولی از نظریه پردازان برجسته دانش اجتماعی است. در تحقیق بر شیوه‌های فوق تجربی (Hyper-empiricism) تأکید داشت و آن را بردیالکتیک متکی می‌دانست، از مبدعین جامعه شناسی ساختنی (Structural sociology) و تجسم یک جامعه شناس فلسفی و نظریه پرداز است. بعضی از آثارش چنین‌اند:

- *Vocation actuelle de la sociologie*
- *Essais de sociologie*
- *Elements De sociologie juridique*
- *Karl marx et la sociologie de xxeme siècle*
- *Sociologie et dialectique*
- *Determinismes sociaux et liberte humaine*

آنجا که در بعضی از کشورها (نظیر انگلستان و ایالتی) قدرت مؤثری در برگزاری انتخابات (چه برای انتخابات قوه مقننه و چه شهرداریها) به حساب می‌آمدند، لیکن با حرکت جامعه بسوی پیدایی کارخانه‌های بزرگ، نهضت اصناف نیز فروکش کرد و جای خود را به انواع گوناگون اتحادیه‌های دیگر و سندیکاها سپرد. ۲) پیوند بین افرادی که در زمینه‌هایی چون هنر، مذهب و ... خواست و منافع مشترک دارند. این مفهوم به صورت Gild نیز آمده است.

ر.ك. Pressure group/Trade union

Gumplowicz (Ludwig)

گومپلویچ

جامعه شناس لهستانی است (۱۹۰۹ - ۱۸۳۸) که به جهت لهستانی و یهودی بودنش تمایل به مطالعاتی در زمینه نزاد و کشمکشهای اجتماعی نشان داد. او از پیروان و حتی نوآوران داروینسم اجتماعی بود. اعتقادش بر این بود که تطور اجتماعی و فرهنگی بر بقاء اصلح مبتنی است که تجلی گاه آن تنازع بین گروههای نژادی، دولتها و طبقات است. گروه برتر قوانین خود را بر دیگران تحمیل می‌کند و با ابزاری چون سازمانها و نهادها، سعی در حکومت بر آنان دارد. برخی از آثارش:

Rasse und Staat . *Der Rassenkampf* . *Grundriss der Soziologie*

7- *La multiplicité des temps sociaux* .

8- *Les cadres sociaux de la Connaissance* .

9- *Etudes sure les classes sociales*

Guttman (Louis)

گاتمن

روانشناس امریکایی است (متولد ۱۹۱۶)

آنچه بیش از همه توجه او را برانگیخت ، کاربرد ریاضیات در روانشناسی و جامعه‌شناسی است ؛ زمینه خاص تخصص و کسارش مطالعه آمادگیهای روانی با دیدگاه ریاضی است ؛ اثر برجسته گاتمن که با سنجش و ابزار آن در زمینه رفتار انسانی مرتبط است ، چنین است:

Question and answer about – scale analysis .

H

ها برماس (Habermas (Jurgen

جامعه شناس آلمانی است (متولد ۱۹۲۹)
در دو زمینه خاص و متمایز اما در ارتباط
متقابل بکار پرداخت .

– زمینه اول غور در حیات پر حرکت
نهضت‌های دانشجویی در آلمان بود که اثر
بر جسته‌اش در این زمینه با نام: بسوی جامعه‌ای

عقلانی (*Toward a rational society*)

به نگارش در آمد .

– زمینه دوم، شناسایی نظری دانش است؛
درین جزء از کارهایش مکاتب گوناگون و
برجسته زمان خود را (نظیر مصلحت‌گرایی،
مکتب اثباتی، تاریخ‌گرایی) به نقد می‌کشید
و نظریه خود را در باب دانش در جوامع غربی
در اثرش با نام «دانش و علائق انسانی»

(*Knowledge and human interests*)

منتشر ساخت .

هالباواکس (Halbwachs, (Maurice

جامعه شناس فرانسوی است (۱۹۴۵ –

۱۸۷۷) زمینه‌های تحقیقاتش بسیار متنوعند.

در آغاز (۱۹۲۵) شناخت ابعاد اجتماعی

حافظه را مد نظر قرار داد و به اثبات این نظریه

که عمل حافظه با قالبهای اجتماعی صورت

پذیر است، پرداخت . نتیجه آن کتاب

«قالبهای اجتماعی حافظه» است که در پی آن

کتاب دیگری در همین زمینه با نام «حافظه

جمعی» انتشار داد . در سال ۱۹۳۰ به

عنوان مرید دورکیم و متأثر از اندیشه‌های

او و به منظور پی گیری اثر برجسته استادش

با نام «خودکشی»، به تحلیل علل و عوامل

خودکشی پرداخت و اثرش را با نام

«علل خودکشی» منتشر ساخت . سپس به

مطالعه طبقات اجتماعی پرداخت و الگوهای

رفتار طبقات گوناگون را به عنوان شاخص

تمایز طبقاتی مطرح نظر قرار داد: کتاب تطود

نیازها در طبقات کادگری منبعث ازین توجه

است . علاوه بر این، هالباواکس اثری نیز

- میانگین هماهنگ Harmonic mean با نام «شکل شناسی اجتماعی» به سال ۱۹۳۵ منتشر ساخت . ر. ک.
- Habitat زیستگاه Harmonism هماهنگ بینی
- در این نظریه ، فرد نگری (Singularism) که بر پایه آن تنها واقعیت اجتماعی فرد است و جمع نگری (Universalism) که بر اساس آن تنها جامعه دارای واقعیت پنداشته می شود ، از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و هر يك بعدی یا جنبه ای از يك واقعیت اند ، با نظریه ادغام (Integralism) مترادف است . ر. ک. Integralism , Universalism Singularism
- هماهنگی Harmony
- بورژوازی بزرگ Haute bourgeoisie در برابر خرده بورژوازی (Petite bourgeoisie) قرار می گیرد ، واژه ای است مأخوذ از زبان فرانسه و به افرادی از طبقه بورژوا اطلاق می شود که دارای ابزار تولیدی بیشتر و نیروی انسانی فراوانتر هستند . ر. ک. Bourgeoisie / petite bourgeoisie
- تعاونی بهداشتی Health cooperative ر. ک. Cooperative
- کافر - غیر مومن به کتب آسمانی Heathen ۱- در معنای خاص آنکس که نه به دین محمد، نه موسی و نه عیسی است . ۲- در معنای عام ، به کفر در معنای اعم آن اطلاق می شود
- Habitat زیستگاه
- در شناخت روابط انسان و محیط (Ecology) زیستگاهی است که توسط موجود زنده (انسان یا حیوان) اشغال شده و از آن جهت گذران حیات تمتع برگرفته می شود.
- Habitation area منطقه مسکونی
- جزئی از سطح زمین که محل اقامت گروه های انسانی بالنسبه پایا و سازمان یافته است (نظیر قبایل، جوامع شهری یا روستایی و ...) با مفهومی محله مسکونی (Residential quarter) مشتبه نشود - بدان ر. ک.
- Habitual criminal همیشه مجرم
- آن جنایتکار که شیوه زندگی را بر پایه عمل جنایی بنا کرده و جنایت جزء عادات او شده است . او ممکن است جانی حرفه ای باشد یا خیر، ولی دست کم جزء اعظم حیاتش درین راه می گذرد . ر. ک. Recidivism/Crime
- اثر هاله Halo effect ر. ک.
- Questionnaire ر. ک.
- Handicraft economy اقتصاد صنایع دستی
- آن جامعه که بنای اقتصادش نه بر ماشین و استفاده از انواع انرژی ، بلکه صنایع دستی و تولید غیر ماشینی است . هماهنگ Harmonic

که صوری بسیار گوناگون می یابد .	
Heretic	ر. ک.
Heathenism	کفر
Heresy	ر. ک.
Hedonism	لذت گرایی

I- از مکاتب مهم در نظریه های فرد گرایانه است . فرض اساسی در این اندیشه این است که بشر در جستجوی لذت است و لذت عامل حرکت . از نظر اقتصادی، مفهوم اصل لذت گرایانه (Hedonistic principle) به همین جهت ابداع شده است که بر طبق آن انسان در جستجوی حداکثر کسب لذت در قبال حداقل زحمت است. درین مکتب، ارزش غایی و انگیزه های انسان در جریان عمل لذت واقعی یا خیالی، فعلی یا غایی ناشی از آن و اجتناب از رنجی است که انجام نشدن آن برای فرد یا جامعه فراهم می سازد .

II- این نظریه در رشته های گوناگون علم انسان مورد استفاده و استناد قرار گرفته است :

الف : این نظریه در اصل از روانشناسی فردنگر منبعت شد که در آن فردحتی در درون جامعه ، به عنوان جزئی مجزا به حساب می آید و جامعه از مجموعه ای از این عناصر (افراد) جدا از یکدیگر تشکیل می شود . از این رو، این نظریه را قدمتی بسیار است و آنطور که در یونان باستان به چشم می خورد. **جورج بنتام** (Bentham) و همچنین **میل** (Mill) بدان پرداختند. در قرن هفدهم **هابز** (Hobbes)

آن را مطرح ساخت . بزعم او کسب لذت و اجتناب از رنج در چارچوب نهادهای دولتی صورت می گیرند. بدینسان که دولت فرد را در تحقق خواستهایش یاری می کند و امیالش را چنان هدایت می کند که کارهایش مفید، مطلوب و «لذت بخش» نیز باشند .

ب - در اقتصاد ، این اصل در نظریه های مرتبط با تعیین قیمت موثر افتاد. بدین معنی که دانشمندانی چون منجر (Menger) و وایزر (wieser) ، با اشاره به فایده نهایی در تعیین قیمت، بر این اصل استناد کردند. به نظر آنان بهنگام تعیین قیمت يك کالا از همه مهمتر بعد روانی طرفین معامله است. اگر خریداری يك قرص نان ، به معنای نجات از گرسنگی و مرگ حتمی باشد، این قرص نان بهایی بی اندازه زیاد می یابد و حال آنکه ممکن است قیمت تمام شده آن بسیار اندک باشد. در مواردی دیگر که کالا بهایی غیر متعارف می یابد ، باز چنین است ، به عنوان مثال ، برای فردی علاقه مند به تمیر و تشکیل دهنده مجموعه ای از آن يك تمیر ساده چنان شور و شوق برمی انگیزد که بهایی بی اندازه متفاوت از بهای معمولش را می یابد .

ب - در جرم شناسی نیز این نظریه با اندیشه های **بکادیا** (Beccaria) بسط یافت؛ او در اثرش با نام «رساله ای در باب جرم و مجازات» بر این عقیده تأکید کرد که هر انسان قبل از ارتکاب جرم به احتساب مضار و منافع حاصل از آن دست می زند. لذا ،

قانونگذار باید چنان عمل کند که قانون به عنوان امری بازدارنده مانع اتخاذ تصمیم در راه ارتکاب جنایت شود.

III - امروزه ، این نظریه از بسیاری

جهت مورد انتقاد قرار گرفته است :

الف : اصل لذت در تحلیل علل و عوامل عمل انسان چنان ساده لوحانه و نارساست که هربرت مید (G.H.Mead) ، در اثرش «نهضت‌های فکری در قرن نوزدهم» از آن به عنوان اندیشه‌ای بسیار سطحی و ساده بین یاد کرده اضافه می‌کند که بزرگترین امور زندگی ما عینی هستند و همه چیز در ذهنیت خلاصه نمی‌شود .

ب : در اثرشان «اصول جرم‌شناسی» ،

کرسى (D.R.Cressy) و سوترلند (E.H.Sutherland) نیز به این نتیجه

رسیده‌اند که این نظریه در تبیین علل اجتماعی جنایت ابزار مفیدی بدست نمی‌دهد .

پ : بسیاری دیگر بر این عقیده‌اند که این نظریه، چون بر اساس روانشناسی فردنگر و اتم‌نگری اجتماعی پدید آمده است و در آن افراد به عنوان موجوداتی مجزاتلقی می‌شوند، مطرود است .

IV - با اینهمه ، نظریه لذت‌گرایی

ابعاد تازه‌ای در تبیین عمل اجتماعی انسان گشود. نظریه مطلوبیت (ophelimity) ، همچنین نظریه مطلوبیت نهایی (Marginal utility) و حتی مکتب اصالت مطلوبیت (utilitarianism) نزدیک بدانند

و هر يك مبين وسعت و اهميت ذهنيّت در شكل‌گيري عمل انسان به حساب مى‌آيند (به هر يك ر. ك)

ارث يردنى Heritable

ويژگيهاي رواني ، تني و يا داراييهاي را شامل مى‌شود که قابل انتقال به ديگرانند.

ميراث Hereditament

ر. ك. Social heritage Patrimony

وراثت‌گرا Hereditarian

به صاحب‌نظراني اطلاق مى‌شود که وراثت را عامل مؤثرو قوی در رفتار مى‌دانند.

ارثي Hereditary

Hereditary diseases

بیماریهای ارثی

باورهای ارثي Hereditary Creed

شامل عقاید، دیدگاهها و اعتقاداتی است که از طریق والدین به فرزندان منتقل می‌شوند و به این اعتبار این اصطلاح را باورهای اجدادی نیز می‌خوانند .

Heredity , Biological

وراثت زیست‌شناختی

ر. ك. Biological heredity

وراثت اجتماعي Heredity , Social

ر. ك. Social heredity

ملحد بزرگ Heresiarch

الحاد شناسي Heresiology

الحاد Heresy

مفاهيم کجروي ، ارتداد، بدعت‌گذاري

ادراک می کند. سخن اصحاب فلسفه در باب «این همانی» گواه بر همین مدعاست. هر انسان کتابی خاص ممتاز و منحصر به فرد است. بنابراین، برخورد پدیده خارجی با این دنیای ویژه یا نشست امر خارجی در بطن دنیای ویژه روانی - ذهنی هر انسان، آمیزه‌ای خاص بدیع، ممتاز و منحصر بفرد پدید می آورد. لذا آن کلیت یا تعمیم پذیری که اصحاب مکاتب فقه الذکر در جستجوی آن بودند با ابزار ادراکی متفاوت تحقق پذیر نیست.

- ادراک انسانی، گزینشی (Selective) است. بدینمعنی که در فراخنای وسیع پدیده‌های محیط پیرامون هر انسان پدیده‌ها یا اموری را در محفظه ادراک جای می دهد که بنحوی تبلور یا برجستگی یافته باشند و توجه خاص فرد را جلب نموده باشند

- ادراک انسانی ارزشی است، یعنی بر ابعاد ارزشی متکی است، چه ارزشهای مثبت و چه ارزشهای منفی.

۴- شناخت واقعیت حیات انسانی بدون در نظر گرفتن متن یا مجموعه (Ensemble) امکان پذیر نیست. مفهوم شاخص نمادی (Indexicality) که گارفینکل (Garfinkel) در مردم روش (Ethnomethodology) مطرح ساخت؛ خود دلیلی متقن در راه اثبات این امر بسیار مهم بود.

۵- آگاهی انسان در برابر رفتار کور دیگر موجودات و در برابر دنیای فیزیکی، دلیلی دیگر درراه تردید در باب کوششی بود که اصحاب مکتب طبیعت (Naturalism) از آن

نیز در فارسی در برابر آن آمده است. کوشش یا کوششهایی است در جهت مقابل راست دینی (Orthodoxy). عقایدی است مغایر با نظام عقیدتی مستقر و قدرت یافته.

ر.ک. Fundamentalism / Orthodoxy

ملحد Heretic

میراث اجتماعی Heritage, Social

ر.ک. Social heritage

روش تاویل Hermeneutics

I- از مهمترین جریانهای اندیشه در باب روشهای تحقیق در علوم اجتماعی - انسانی است. در برابر شیوه‌هایی چون تجربه گرایی (Empiricism) مکانیک گرایی (Mechanicism)، طبیعت گرایی (Naturalism) و مخصوصاً اثبات گرایی (Positivism) قرار می گیرد. اساس این اندیشه بر گزاره‌های زیر متکی است:

۱- پدیده‌های اجتماعی دارای ابعاد ذهنی خاصی است.

۲- پدیده‌های اجتماعی با دنیای خاص ارزشها پیوند دارند و بدون اطلاع از این ارزشها قابل فهم نیستند.

۳- ادراک که در روشهایی چون رفتار گرایی (Behaviorism) اساس شناخت را فراهم می ساخت با مشکلاتی چند مواجه است از جمله:

- ادراک تفاضلی یا تفاوتی است: بدینمعنی که هر کس با توجه به دنیای خاص ضمیر خویش جهان و پدیده‌های پیرامون خود را

جان استواریت هیل به بعد برای یکسان شماردن دانش در همه سطوحش معمول داشته بودند. بدینسان، در قرون نوزدهم و بیستم، دنیای اندیشه در صدد یافتن شیوه‌هائی دیگر در تفکر انسانی بود و روش تاویل یکی از مهمترین این ابزار شمرده میشود. برآنیم تا با معرفی این جریان عظیم اندیشه، به نقد آن نشینیم و جهات مثبت و منفی آنرا باز یابیم.

II- این مفهوم در لاتین از ریشه‌ای در معنای «تاویل کردن» گرفته شده است. در اصل از لغت هرمس (Hermes) بمعنای خدای بالدار گرفته شده است. وظیفه هرمس انتقال پیامهای خداوند برای بشر است. او را در اساطیر پیغامبر خدایان می‌دانند. او بعنوان فرزند زئوس باید آنچه را که بر ورای فکر و اندیشه بشر جای دارد به حوزه فکر و اندیشه انسانها انتقال دهد. موجبات کشف رموز و معانی را فراهم سازد، انسانها را از آنچه در محیط پیرامونشان می‌گذرد با خبر سازد و بالاخره دنیای نهان و آشکار را بهم پیوندد و معانی یا معنای هر علامت یا شاخص را بشناساند. همانطور که ملاحظه میشود، در روش تاویل ورود به دنیای نهان، پیچیده و ناآشکاری مطرح است که برورای پدیده‌های عینی، ملموس و مادی جای دارند. ازینروست که در فرهنگ انگلیسی وبستر آمده است: «روش تاویل مطالعه اصول روش شناختی تاویل و تبیین است.»

تاریخچه

همانطور که گفته شد، روش تاویل از اهم جریانهای فکری است که در قرن نوزدهم

شکوفا شد. زیرا جامعه اندیشمندان درین قرن با آنچه میتوان بن بست تجربه گرائی نامید، روبرو شدند. اما از نظر تاریخی سابقه این اندیشه به قبل از قرن ۱۹ میرسد. در فرهنگ جامعه شناسی در این باب چنین آمده است: «روش تاویل که هدفش شناخت معنای عمل انسانی است، از نظر تاریخی سابقه‌ای بس طولانی دارد. در آغاز با تاویل تورات مطرح شد. قبل از آنکه صنعت چاپ پدید آید. کتاب مقدس بصورت دستنویس منتشر می‌شد و اشتباهات زیادی داشت. روش تاویل بدین منظور پدید آمد که متن اصیل انجیل را مشخص دارد. از آغاز قرن ۱۹، تاویل گرایان (Hermeneuticians) در صدد برآمدند، متون مقدس را نه فقط بمنظور تمرکز بر روی خود متن (آنطور که در تاویل انجیل صورت می‌گرفت) بلکه در جهت شناخت تجربیات خاص مولف مورد توجه قرار دهند. (Abercrombie : 100)

نام بسیاری از برجستگان دانش با این جریان عظیم فکری پیوسته است: در آغاز فریدریش آست (F. Ast) و سپس گوست ولف (F.A. Wolf) بدان توجه کردند. اما این شلایرماخر (Schleiermacher) بود که بدان منزلتی ممتاز و ویژه بخشید. او بعنوان عالم الهیات و فلسفه کاربردی وسیع از این روش ارائه داد. با اینهمه معمار اصلی این مکتب را باید ویلهلم دیلتای (W. Dilthey - ۱۹۱۱ - ۱۸۳۳) دانست. بزعم فروند در اثرش «آراء و نظریه‌ها» «او نظریه پرداز مسلم علوم انسانی بود و همواره خواهد بود. اثرش نیز فقط مرحله‌ای از تحول نظریه‌ها نیست. بلکه تغییر

جامعه‌ای خاص است (بدون آنکه ادعا کند آن صفات یا ویژگیها در هر زمان و مکان عیناً رخ میدهد)، پس بهترین شیوه در راه تاکید بر نسبت پدیده‌های اجتماعی، اعلام تاریخی بودن آنانست.

۲- ضرورت

شدن یا گردیدن یعنی حرکت مداوم پدیده‌های اجتماعی از قرن‌ها قبل مطرح شده مورد تایید اندیشمندان قرار گرفته بود. در آغاز اندیشه ضرورت یا دگرگونی مداوم به هر اکلیت منتسب گردید. ولی بعدها اندیشه‌ای رایج شد. از اینرو، هنگامیکه سخن از نوناخواهی (Misoneism) در جوامع ابتدائی می‌رود. یا آنگاه که مفهوم ایستا در جامعه‌شناسی جدید مطرح میشود، هر دو بر نسبت و نه امور مطلق متکی است. بدینمعنی که در برابر جوامعی که سر یماً دگرگون میشوند و انسانهایی نیز که دگرگونی را می‌پذیرند و با آن انطباق می‌یابند، بسیاری از جوامع کمتر به دگرگونی رغبت دارند. پس بدرستی باید سخن از شبه ایستا (Semi - static) یا ایستای کاذب (Pseudo - static) راند. چون حیات و حرکت بهم آمیخته است و ایستائی مطلق قابل تصور نیست. دیلتای این موضوع را در متن روش‌شناسی خویش جای داد و زمانرا بعنوان ظرف و بعد اجتناب ناپذیر هر منظروف (پدیده) تلقی نمود.

زمانمند بودن پدیده‌ها اجتماعی از دو دیدگاه حائز اهمیت است:

۱- گذشته:

تاکید فراوان اصحاب مکتب تاویل بر

جهتی حقیقی است. علاوه بر آنکه راه تازه‌ای را بر روی تفکر فلسفی باز میکند (که پس از وی بسیاری از متفکران آنرا در پیش میگیرند)، بحث مهمی را بر می‌انگیزد که هر فیلسوف یا روش‌شناس علوم انسانی از این پس باید بر عهده گیرد. به بیان دیگر، دیلتای نخستین کسی است که در علوم انسانی معرفت‌شناسی مستقلى را بوجود آورد» (فروند. آراء و نظریه‌ها: ص ۷۱). باید دیلتای را فیلسوف زندگی دانست. از تکیه بر عقل احتراز میجست. مخالف کاربرد روشهای علوم طبیعی در قلمرو دانشهای انسانی بود. همانند کانت متافیزیک را در حیطه شناخت معمول نمیدانست. تجربه مستقیم زندگی را جدا از حجاب فرهنگ تجویز میکرد. او که بنیانگذار دانشهای نوین انسانی است، از طرفی به مکتب رمانتیک قرن ۱۹ تعلق داشت و از طرف دیگر در صدد بنای دانش واقعی انسانی است.

«بنظر او موضوع علوم انسانی وقوف به واقعیت تاریخی به اعتبار فرد و تشخیص آن و تعیین قواعد و غایات رشد فرد معین و نیز دانستن این است که در تکون فرد معین چه ملازماتی نقش فعال دارند. (همان: ۷۶) بنابراین، تاریخی بودن پدیده‌های انسانی از دیدگاه دیلتای از دو بعد خاص مطمح نظر است:

۱- نسبیت (Relativity)

چون دانش تاریخی در زمره دانشهای تفریدی (Idiographic) است، یعنی نه در جستجوی تعمیم (Generalization) و بازایی قوانین جهان شمول، بلکه در صدد شناختن هویت خاص و ویژه هر عصر تاریخی در

بن بستى که در راه تعيين حد و مرز تاريخ يا دستیابى به آغاز تاريخى (از کجا آمده ایم) دیده مى شود و در نهايت توسل به ايمان، مصداق اين شعر زيباى مولويست در بيان مرزهاى عقل و اندیشه انسانی:

پای استدلالیان چوبین بود

پای چوبین سخت بی تمکین بود

۲- آینده

زمانمند بودن پدیده های اجتماعى بعدى دیگر دارد و آن اندیشه متفکر در باب نحوه تطور آنان در آینده است. اصحاب مکتب تاویل را درین باب عقیده بر احتمال گرایی (Probabilism)، امکان نگری (Possibilism) و به بیان جدیدتر نظم تمایلی (Tendentious regularity) است، از اینروست که باید بین اصحاب روش تاویل و فلاسفه تاریخ ازین دیدگاهها تمایز قائل شد:

الف- جبرگرایی و آزادی انسان

فلاسفه تاریخ بر آن بودند تا مسیری خاص را برای جامعه بشری پیش بینی نمایند و تمامی جوامع را ملزم به گذشتن از آن مسیر دانند. در حالیکه نظر اصحاب مکتب تاویل چنین نیست. اعتقاد اساسی آنان برینست که علم قادر نیست راجع به آینده بشر اظهار نظر کند، بلکه سخن بر سر فهم نظری انسانست بعنوان موجودی در صورت تاریخی.

ب- تعمیم بخشی مفرط (Over generalization)

فلاسفه تاریخ حرکت تاریخی یک یا چند جامعه را مطالعه نموده سپس همان مسیر را برای تمامی بشریت قطعی و اجتناب ناپذیر

زمانمندی پدیده های انسانی را میتوان با دو مثال زیر روشن ساخت: کودک، آنگاه که بدنیا می آید، میگرد، تبیین گریه او، در حالیکه در نهايت مراقبت پای به عرصه هستی می نهد، جز با توجه به گذشته او ممکن نیست: او می گرد چون از آرامش چند دقیقه پیش محروم شده است. مثالی دیگر، دو فردیست که در اطاق یک بیمارستان در شرایطی از هر نظر یکسان، دو رفتار بیمار متمایز نشان دادند. شناخت علت این تمایز جز با مراجعه به گذشته هر یک امکان پذیر نشد: یکی قهرمانی بود که در آخرین کشتی پایش آسیب دیده راهی بیمارستان شده بود. دیگری یک کارگر ساده ساختمانی بود که از نردبانی سقوط کرده در بیمارستان جای یافته بود. دومی بی تاب بود چون کاخ آمالش همگی فرو ریخته بود، دیگری آرام بود چون از کاری سخت در گرمائی سوزان نجات یافته بود. بدینسان میتوان پذیرفت که تبیین عمل انسانی یا به اصطلاح مادیگرایان شناخت معنای عمل انسانها بدون توجه به گذشته ممکن نیست.

با اینهمه نباید فراموش کرد که «هر چند تاریخ امور فعلی را به مدد امور ماضی یا آنچه را که هست به وسیله آنچه بوده است، تبیین میکند، ولی قادر نیست به منشاء یا خاستگاه مطلق برسد» (به نقل از فروند، آراء و نظریه ها: ۵۶) پس، بنظر اصحاب تاویل، مخصوصاً ددویزن که بیش از همه بر بعد تاریخی پدیده های اجتماعى - انسانی تاکید دارد، جز به مدد ايمان نمیتوان به وجود آغازی مطلق دست یافت.

تاکید بر تاریخ، تصریح در لزوم تبیین تاریخی یا تبیین پدیده های انسانی بمدد تاریخ و

آراء و نظریه‌ها: ۴۹)

– مفسر برورای زمان

در روش تاویل، مفسر (به بیان ما محقق) از جهاتی چند در وضعی برین جای دارد:

– از جانبی، هم بر محیط پیرامون خویش واقف است، هم با کوشش خاص خود دنیای خاص فرد مورد تحقیق (نویسنده، نقاش، و بطور کلی صاحب اثر) را درک میکند.

– از جانب دیگر، نویسنده یا نقاش یا هر صاحب اثری را در مجموعه‌ای وسیع مینگرد، او (مفسر) همانند ستاره‌شناسی است که در رصد خانه خود، منظومه‌ای وسیع را می‌بیند که صاحب اثر یا پیام در محدوده آن جای دارد. پس نه تنها او صاحب اثر را می‌بیند، بلکه تمامیت دنیای او را مشاهده میکند.

– با گذشت زمان و توالی حوادث، مفسر از نتیجه نهایی کار نیز آگاهی دارد.

با اینهمه کار او بس دشوار است:

– او باید بتواند علیرغم فاصله وسیع زمانی ارزشهای حاکم بر زمان نویسنده را دریابد.

– دنیای نفسانی نویسنده را بشکافد، بشناسد و در نهایت بتواند خود را بجای او نهد.

– با پدیده مورد مطالعه‌اش (نویسنده، نقاش) بنوعی تجربه زیسته دست یابد.

– خلاء تاریخی، یعنی قسمتهایی از محیط ذهنی یا پیرامون نویسنده را که بر اثر فقدان اسناد مستقل تاریک مانده است با قدرت همدلی تکمیل نماید.

– واقعیت تاریخی (اثر نویسنده، تابلوی نقاشی و ...) را در کل محیطش جای دهد و معنای آنرا مستفاد دارد.

می‌دانستند. در حالیکه اساس مکتب تاویل بر نسبیت، نسبی‌اندیشی و پذیرش روند خاص حرکت در هر جامعه انسانی است.

توجه خاص تاویل گرایان به تاریخ آنانرا با گروه دیگری از دانشمندان نزدیک می‌سازند که در اصطلاح تاریخ گرایان و یا به تعبیری تاریخ زدگان (Historicists)، خوانده میشوند، باید توجه داشت که معنای اول این مفهوم (تاریخ گرایی) با اندیشه اصحاب روش تاویل نزدیک است. چه آنان نیز همانطور که گفته شد دانشهای انسانی را تاریخی می‌دانند، اما معنای دوم واژه (تاریخ زدگی) با اندیشه این صاحب نظران قرابت ندارد.

ژولین فروند در همین باب (فاصله اندیشمندان روش تاویل از تاریخی گرایی) چنین می‌نویسد: «درست است که شلایر مایر در اهمیت نقادی تاکید میکند، ولی حاضر نیست به مذهب اصالت تاریخ که در عصر او غلبه داشت، تن در دهد. به حدی که گاه نسبت به تاریخ بدگمانی ناموجهی از خود نشان میدهد. البته او امکان تفسیر تاریخی و فایده خود تاریخ در فهم و تاویل بهتر را نفی نمیکند، اما از اینکه تاویل را تابع تاریخ سازد، سرباز می‌زند، چه به عقیده او این روش در صدد شناخت معنای عمیق و درونی نوشته‌ها و کردارهاست، در حالیکه تاریخ منحصرأ توالی حوادث و وقایع را تجزیه و تحلیل میکند و ترکیباتی که تاویل به منظور درک بهتر معنی ضمنی پدیده‌ها ترتیب میدهد با بازسازیهای مورخ برای تعیین علت حوادث کاملاً فوق دارد. از اینرو شلایر مایر تاریخ را منحصرأ وسیله تفسیر تلقی می‌کند» (فروند

از اینروست که بزعم شلاير ماخوتحقیق از دیدگاهی باز تولید است. بر بازسازی گذشته تاریخی، ذوب روانی با آن و در نهایت درک معنای نهان عمل متکی است و اینجاست که اصطلاح «نبوغ مفسر» در این خانواده اندیشه مطرح شده معنی می یابد.

— جایگاه روانشناسی:

روش تاویل از دیدگاهی دیگر سخت متکی بر روانشناسی است. ژولین فردوند پس از تشریح دیدگاههای دیلتای در زمینه تاریخ اذعان میکند که هر چند او (دیلتای) به تاریخی بودن علوم انسانی رای میدهد، اما بزعم وی، تاریخ به خودی خود معقول و درک شدنی نیست بنظر او اساس تاریخ، تاریخی نیست. بلکه روانشناسی است. او تاریخ را نوعی روانشناسی در حال شدن می بیند (فروند، آراء و نظریه ها: ۷۷)

از دیدگاه دیلتای بطور اخص و همگی پیروان روش تاویل بطور عام، روانشناسی شرط هر گونه معرفت است. زیرا اساس نظریه معرفت خود نوعی روانشناسی در حرکت است.

مفهوم انتقال ذهنی (Mental Transfer) از مفاهیم کلیدی در روش تاویل است. هدف غائی در تاویل بازسازی کلیت ذهنی نویسنده توسط مفسر و تاویل گر است. او (مفسر) باید بتواند شرایط روحی، ذهنی و بطور کلی جهان درون صاحب اثر (نقاش، نوشته و ...) را دقیقاً درک کند، تا هر کلام یا پیام را بطور عمیق بفهمد و روش خاص در تحقق این هدف همدلی (Empathy) یا درک دیگری و یا به تعبیر دیگر، توان خود را بجای دیگری نهادن است.

گادامر (H. G. Gadamer) بعنوان یکی از اصحاب مکتب تاویل چنان در راه بازسازی روانی مولف تاکید می نماید که آنرا علیرغم فاصله وسیع زمان نیز تجویز میکند بزعم او مفسر یک کتاب، باید دیدگاه یا جهان بینی مولف را بازیابد و شکاف این دو (مفسر و مولف) با ذوب افقها (Fusion of horizons) از بین می رود (Abercrombie: 100) و شلاير ماخو مفهوم «نسیان» را عنوان میکند. به عقیده او فرد باید در جریان شناخت خود را فراموش کند تا معنای مستتر در دیگری را کشف نماید. فراموشی خویشتن از این دیدگاه هم بمعنای ذوب شدن در دیگریست، یعنی درک تامیت هستی او وهم در معنای فراموش سازی دنیای ارزشهای خویشتن و انجام تحقیقی فارغ از ارزش.

در این راستا دیلتای روانشناسی وصفی را بر روانشناسی آزمایشی ترجیح میدهد. زیرا روانشناسی آزمایشی هر پدیده را جدا مطالعه میکند و کلیت نفسانی را به فراموشی می سپارد. این روانشناسی وصفی است که مجموعه روانی را بصورتی اصیل به مطالعه می کشد. در اثر دیگرش (دنیای روح) همین نویسنده در توضیح روانشناسی وصفی خویشتن چنین می نویسد:

«منظور من از روانشناسی وصفی، وصف عناصر ساده یا بفرنجی است که در سراسر حیات نفسانی به صورت همسان در برابر ما ظاهر می شوند. این حیات نفسانی رشدی طبیعی دارد و در آن عناصر مذکور مجموعه یگانه ای را تشکیل میدهند که نه چیزی افزون بر این عناصر

است (شناخت جمله یا عبارت بعنوان تجلی گاه اندیشه) تفسیر نوع دوم مثبت است، زیرا از طریق آن تمامیت خصوصیات شخصی نویسنده تجلی میکند.

گرایش خاص پیروان این روش به روانشناسی، چهار خطر عمده را در برابر آنان قرار میدهد:

۱- روانشناسی گرانی (Psychologism)

آننانکه فقط روانشناسی را محور تبیین میدانند، در زمره مکاتب مردود اندیشه اجتماعی در قرن بیستم بشمار می آیند. ژرژگوریچ در اثرش داعیه کنونی جامعه شناسی از آنان بعنوان مکاتب کاذب یاد میکند که سالها موجبات انحراف اندیشه را فراهم ساخت. کوشش پیروان روش تاویل در محور شماردن روانشناسی آنانرا با خطر آمیختن با این مکتب مطرود مواجه می سازد، اما بنظر میرسد که فاصله ای هر چند ظریف بین این دو دیدگاه وجود دارد، زیرا پیروان روش تاویل بر سر آن نیستند که صرفاً روانشناسی یا دنیای روانی انسانرا موجد غائی فعالیت بشمار می آورند. آنان بر محیط پیرامون انسانی بعنوان عاملی مهم و در خور توجه در راه هدایت عمل انسانی تاکید

دارند، تاکید صریح ديلتای در اثرش «مقدمه بر مطالعه علوم انسانی» برینست که باید حالات شخصی را به مجموع حیات یعنی طبیعت انسانی بسط داد و مفهوم طبیعت انسانی در معنای وسیع آن کل محیط اجتماعی پیرامون را بعنوان عاملی تعیین کننده در بر میگیرد.

از دیدگاه شلایرماخر، روانشناسی هنر درک عمل دیگری همچون بخشی اورگانیک

است، نه از راه تفکر استنتاج شدنی است، بلکه فقط از راه تجربه گذشته شخص شناخته میشود. بنابراین، روانشناسی وصفی شرح و تحلیل مجموعه ای است که همواره مانند خود زندگی به صورت ابتدائی موجود است» (به نقل از فروند، آراء و نظریه ها: ص ۷۸)

از این دیدگاه (جایگاه روانشناسی در روش تاویل) میتوان همراه با گادامر گفت فهم باز تولید است. زیرا فرد (مفسر) با قرار دادن خویشتن بجای دیگری سعی میکند، به بازسازی (Reconstitution) شرایطی پردازد که نویسنده در آن جای داشت و تولید اثرش را در آن مجموعه صورت بخشید. مفهوم تجربه فهمی یا تجربه زنده بلاواسطه نیز که همچون کلیدی در راه فهم بینش تاویل گرایان مطرح است نشاندهنده بعد روانشناختی درین نحله است. بزعم گادامر بدعت مهم شلایرماخر تفسیر روانشناختی است. و این روانشناسی نوعی اشراق است که فرد در جریان آن خود را بجای دیگری مینهد تا ریشه عمل خلاق او را بفهمد. از جانب دیگر، شلایرماخر دو نوع تفسیر را از یکدیگر متمایز می سازد:

۱- تفسیر دستوری

تفسیری است در حوزه زبان و بر قوانین عینی و عام تکیه دارد

۲- تفسیر فنی

بر خلاف تفسیر اول که مربوط به زبان است، این تفسیر بر روانشناسی تکیه دارد. اینجاست که نویسنده بعنوان یک فرد با همان شاخصهای خاص و ویژه اش تجلی میکند. بر خلاف تفسیر نوع اول که منفی و حد گذار

گردید گادامر نیز دیدگاه شلایرماخر را نوعی روانشناسی اشرافی میخواند. اصحاب روش با تاکید بر شناخت محیط پیرامون فرد مورد مطالعه و تاکید بر شاخصهای عینی شخصیت او، میکوشند تا خود را از این ورطه دور دارند.

- کلی نگری (Holism)

همچنانکه ملاحظه شد بینش تاویلی بیش از هر بینش دیگر تامیت (Totality) را هدف قرار میدهد: بدینمعنی که هیچ روشی بدون دستیابی به کلیت نمیتواند معنای اجزاء یا عناصر را دریابد. شناخت تامیت در مکتب اصحاب تاویل دارای خصوصیتی است بدینقرار:

حلقه تاویل (Hermeneutic circle)

شناخت اجزاء تشکیل دهنده یک مجموعه ممکن نیست، مگر با توجه و با در نظر گرفتن محل یا مجموعه و یا منظومه‌ایکه (Constellation) در آن جای دارند. در عین حال، شناخت کل نیز بدون توجه به اجزاء صورت پذیر نخواهد بود. پس حرکت دیالکتیکی از کل به جز و از جز به کل فرآیندی طبیعی در کار پژوهش انسانی است. مثالی که میتوان در تشریح حلقه تاویل زد، رابطه بین کلمه و جمله است. هر کلمه در جمله‌ای جای می‌یابد و در آنجا معنایی خاص از آن به ذهن متبادر میشود. پس بی هیچ شبهه شناخت معنای دقیق کلمات جز در جمله و متن ممکن نیست. در عین حال، درک معنای جمله نیز بدون دانستن معنای یک یک کلمات غیر ممکن است.

از کلیت زندگی (Leben) است.

از دیدگاهی دیگر و با در نظر گرفتن مفاهیم انبوهه (Aggregate) و موجود اجتماعی (Social being) میبینیم که در هر دو مبحث رای مکتب بر توجه به تعامل (Interaction) و در نظر گرفتن فرد بعنوان موجودی متأثر از جامعه و وابسته بدانست. «بعقیده دیلتای، جامعه صرفاً از انبوهی از افراد ناهمگون تشکیل نمیشود، بلکه افراد و جامعه هر دو بطور مستقیم مرتبطند و در آن واحد وجود دارند» (فروند، آراء و نظریه‌ها: ۸۲).

۲- درونگری (Introspection)

هنگامیکه سخن از همدلی یعنی توان قرار دادن خود بجای دیگریست، خواه ناخواه این امکان وجود دارد که شخص بصورتی متعصب خود را بجای دیگر نهد. بدون آنکه عملاً فرآیند «ذوب افقها» فراموشی خویشتن، بسط فراخنای شناخت از دیگری و محیط پیرامون او را تجربه کرده باشد. دیلتای دقیقاً به این مساله واقف است و در اکثر آثارش پیرامون روش، محقق را از گرایش بدان بر حذر می‌دارد. مباحثی نیز که در سطور بالا آمدند شروطی هستند که شلایرماخر در راه درک درست دیگری پیشنهاد میکند، تا راه بسوی درون نگری گشوده نشود.

۲- اشراق گرانی (Intuitionism)

همواره این خطر وجود دارد که هر پیرو روش تاویل که بر آنیت (Immediacy)، پذیرش اولین جریان ذهنی قیاس زدائی و تردید در باب کاربرد عقل تکیه دارد، در ورطه اشراق افتد، همانطور که در سطور بالا منعکس

• بعد تاریخی

شناخت کلیت نه تنها باید با بهم پیوستن مجموعه اجزاء و سپس درک معنای هر جزء در کل صورت بندد، بلکه باید هر پدیده را در مجموعه ای وسیع که با امتداد تاریخی آن مرتبط است، دید و شناخت. ازین دیدگاه تأمیت بعد طولی می یابد و توالی پدیده مورد نظر را بصورت پیوستار (Continuum) از گذشته تا زمان مطالعه مد نظر دارد.

در بحث از روشهای تاریخی (در روشهای تحقیق جلد دوم، اثر باقر ساروخانی) به بعد تاریخی پدیده ها نیز اشارت رفته است، اینجا و از دیدگاه اصحاب تاویل باید گفت:

- واقعیت حیات آدمیان شناختنی نیست، مگر آنکه در پرتو تاریخ دیده شود.

- شناخت آینده میسر نیست، مگر آنکه بازگشتی به گذشته صورت گیرد و با آن حرکت واقعیت، آهنگ و مسیر حرکت باز شناخته شود.

- شناخت بعد تاریخی پدیده در علوم انسانی به مراتب مهمتر از علوم طبیعی است. جهان طبیعت آنقدر که پدیده های انسانی به گذشته تعلق دارند و جز در پرتو آن شناختنی نیستند، به گذشته وابسته نیست.

- شناخت بعد تاریخی پدیده های حیات انسانی نه تنها عنصر اساسی در تبیین واقعیات است، بلکه راه را برای شناخت آینده هموار می کند، همانطور که اهمیتی اساسی در شناخت تام یا جامع دار است.

- جامعه شناس تاریخی، گذشته را چراغ راه

آینده می داند، از این رو تنها به شناخت کلیتهای منفصل اکتفا نمی کند، بلکه در خلال دورانها و اعصار، حرکت و مسیر آن را می جوید. اینجاست که جامعه شناس تاریخی هم از دانش تاریخ تمایز می یابد و هم از ورود در ورطه فلسفه تاریخ اجتناب می نماید.

- روح عینی

اصل از هگل است. دیلتای آنرا محور اندیشه هایش قرار داده است. «منظور نمودهای حیات انسانی است. از زبان گرفته تا دین و از جمله آثار سیاسی، هنری، اقتصادی و خود علم و خلاصه همه موضوعات علوم روحی (انسانی) در آن دخیلند» (فروند، آراء و نظریه ها: ۸۱)

- معنای اسنادی

کارل منهایم با ابداع این مفهوم، از دیدی دیگر کلیت بهم پیوسته پدیده های اجتماعی را مطرح میکند، بزعم او جلوه های فردی فرهنگ با توجه به کلی وسیعتر و اینکه آنان جزئی از آن کل را تشکیل میدهند، قابل درک است. تحلیل کننده اثر به عمل انسانی معنای اسنادی می بخشد. منظور از آن قصد و اراده نیست بلکه در درون آن جهان بینی معنی می پذیرد. بعنوان مثال، معنای اسنادی یک نقاشی زمانی فهمیده میشود که در چارچوب جهان بینی جامعه یا گروهی که در آن تولید و تهیه شده است مورد توجه قرار گیرد (Abercrombie : 101) در پاسخ به نظر کسانی که بر چنین علمی (دانشی که بر پایه روانشناسی جای یابد) انتقاد کنند، دیلتای در

اثرش «مقدمه بر مطالعه علوم انسانی» برین اعتقاد است که شناخت امور شخصی ممکن نیست ایجاد علم را موجب آید. در چنین ظنی اشتباه از اینجا ناشی میشود که فراموش میکنند حالات شخصی را به مجموع حیات یعنی طبیعت انسانی بسط دهند.

بدینقرار میتوان پذیرفت که روش تاویل بیش از هر روش دیگر کل نگر (Holistic) است و بر پیکر بندی (Configuration) نظر دارد.

- شاخص - متن (Indexical)

مفهومی است از گادفینکل در مردم روش و کاربرد آن در روش تاویل قرابت این دو سبک اندیشه را می‌رساند. هر فعل یا عمل و یا حرکت انسانی بعدی شاخص - امتنی دارد و آن اینکه هر نماد (فعل یا عمل انسانی) در هر متن یا مجموعه‌ای معنایی ویژه دارد. همانطور که کلمه در مجموعه‌ای از جملات و فضای ارتباطی معنایی خاص و متفاوت می‌پذیرد.

- شرح (Glossing)

مفهوم دیگریست از مردم روش که باز هم نزدیکی با روش تاویل را می‌رساند. برای شناخت معنای هر عمل باید به متن یا مجموعه‌ای توجه کرد که در آن اتفاق افتاده است (شاخص - متن). چون احصاء کل اطلاعات (منظومه یا شبکه‌ای که رفتار در آن جای یافته است) معنایی ویژه می‌باید و در یک آن ممکن نیست. لذا

فرد ناچار است خطوط اصلی آنرا در ذهن نگاه دارد و با مراجعه سریع بدان فهم رفتار دیگری صورت می‌پذیرد. این جریان ظریف و عجیب فکر را شرح می‌خوانند.

بدینقرار ملاحظه میشود که اساس روش تاویل را باید نماد انگاری و نمادین تلقی نمودن پدیده‌های حیات دانست. همانطور که در زبان، هر واژه یک نماد است. همانطور نیز هر حرکت یا فعل یا عمل انسانی یک نماد است، بهمان سیاق نیز هر نهاد یا سازمان اجتماعی همچون نماد است. کار دانشمند کشف رمز یا معنای این نمادهاست. وینچ در اثرش ایده علوم اجتماعی در رابطه با فلسفه در توضیح بیشتر در همین زمینه از دو حرکت یکسان یاد می‌کند، با دو معنای متفاوت. کودکی را تصور کنیم که زیر خطوطی از یک کتاب خط می‌کشد. باز دانشمندی را تصور کنیم که ضمن مطالعه همان اثر زیر برخی از سطور آن خط می‌کشد. از نظر ظاهر هر دو عمل یکی است نتیجه بالنسبه مشابهی هم میتواند بر جای گذارد، اما معنای دو عمل بسیار متفاوت است. باز در نظر آوریم، دو عمل متفاوت را که معنای آنان یکی است. به عنوان مثال، در جامعه‌ای ممکن است ایستادن ادای احترام باشد در حالیکه در جامعه دیگر نشستن. از نظر معنی این دو علامت یا رفتار بظاهر متناقض یکی است، در حالیکه دو عمل بسیار مشابه بالا متناقض بحساب می‌آیند. بدینقرار میتوان پذیرفت که روش تاویل با دانش علائم (Semiotics) و بطور کلی دال (Significant) و مدلول و در نهایت علم دلالت (Semantics) مرتبط است.

- دیدگاه فراگیر

بدینسان، در روش تاویل، هدف تنها تحلیل امور جزئی نیست، بلکه باید به نظریه‌ای عمومی و کلی دست یافت. در این جا نه تنها مفهوم پدیده اجتماعی تام (social Total phenomenon) که در آغاز توسط مارسل موس M. Mauss مطرح شد و سپس توسط ژرژ گورویش G. Gurvitch رواج یافت بدرستی معنی می‌یابد، بلکه شناخت با تمسک به شیوه گونه شناختی (Typologic) از محدوده بسته تفرد بیرون می‌آید. نظریه فراگیر بدین معناست که در راه شناخت درست یک پدیده (عمل یک انسان در هر زمینه از جمله درک درست معنا یا پیام یک نویسنده و علت اقدام او به چنین عملی) باید به دنیای درون رسوخ کرد. ارزشها را شکافت، در دنیای ذهنیت او کندوکاو کرد، از گذشته او اطلاع برگرفت، و اقدام او را در بستر زمان معنی کرد، اجزا و عناصر گوناگون ذهنی و محیطی را کنار یکدیگر نهاد و به بازسازی مجدد آن پرداخت، این فراخنای چهار بعدی را نظریه جامع یا فراگیر اطلاق می‌کنند.

- تمایز دو دانش:

در نهایت دیلتای و بطور کلی تمامی اصحاب تاویل برین اعتقادند که دانشها از دو نوعند: ۱- دانشهای روحی، ۲- دانشهای طبیعی. این دیدگاه، یعنی دیدگاهی که دانشها را از یکدیگر تفکیک می‌کند، از بنیادی ترین دستاوردهای پیروان این روش است. تا آن زمان، دانشمندان در صدد بودند علوم انسانی را نیز به همان صورت مطالعه کنند که علوم طبیعی را.

بهمان سبب نیز اگوست کنت واضح مفهوم جامعه شناسی، قبل از آنکه به این نام برسد، فیزیک اجتماعی را بجای آن نهاده بود. در حقیقت، تا زمانی که اصحاب این مکتب بر شکاف روش شناسی بین این دو خانواده از دانش تاکید کنند، تمامی مکاتب، اعم از اثبات گرایان، مکانیک گرایان، رفتار گرایان و بنوعی بدنه‌ای یگانه (Integrated Body) در دانش (اعم از طبیعی یا انسانی) می‌دیدند. حتی غایت آنان دستیابی به همان دستاوردهای علوم طبیعی در دانش انسانی بود. برخی همچون هربرت اسپنسر انداموش انگاری (Organicism) را عنوان نمودند و آن مکتبی بود که در آن بر تشابه دنیای ماده و جهان انسان اصرار می‌ورزیدند. برخی دیگر همچون سوروکین، دانشها را به غیر آلی (Inorganic) که موضوع علوم طبیعی است، آلی (organic) که موضوع علوم حیاتی است و فوق آلی (Super-organic) که موضوع بحث در جامعه شناسی است تقسیم کرده‌اند. پیروان روش تاویل با صراحتی بی نظیر دانشهای انسانی را از علوم طبیعی جدا ساخته‌اند. برخی از دلایل این تفکیک چنین‌اند:

- دنیای ارادی و غیر ارادی

همه زعمای روش تاویل را عقیده برینست که جهان طبیعت مستقل از اراده ما (انسانها) وجود دارد. در حالیکه، جهان انسانی، تابع اراده ماست. به بیان دیگر، بشر آفریننده طبیعت نیست، اما آفریننده عالم اجتماعی است. مثلاً سیارات مستقل از اراده ما وجود دارند، اما حقوق جدا از اراده انسانها وجود ندارد. دیلتای بعنوان بانی روش تاویل در همین زمینه می‌نویسد: «علوم

عالمى شاعرانه را كه بدست انسان ساخته شده است نمودار مى سازند». (همان: ۷۷)

- تجانس محقق - موضوع تحقيق

علوم طبيعى با ماده پى جان يا دنياى جاندارانى سرو كار دارد كه مورد مطالعه انسان قرار مى گيرند و حال آنكه در دانشهاى اجتماعى - انساني، محقق بعنوان انسان به مطالعه انسانهاى ديگري مى پردازد. اين تجانس بين محقق و موضوع مورد تحقيقش از بسيارى جهات موجب تفاوتهاى در دو عالم دانش خواهد بود. بعدها خواهيم ديد كه پيروان روش تاويل فهم را لازمه تحقيق در دانشهاى انسان مى دانند و حال آنكه دانشهاى طبيعى را قابل تبين مى شناسند.

- آگاهى، خصيصه ممتاز انسان:

انسانها يا دستاوردهاى اجتماعى آنان موضوعات مورد مطالعه در دانشهاى اجتماعى - انساني هستند. آنان بهنگام عمل از نتايج آن آگاهى دارند. پس بدرستى مى توان گفت، علت كور طبيعى كه در آن موجود بى هيچ شناخت از عمل و نتايج آن و بى هيچ آموزش در راه انجام آن به كار مى پردازد، با اعمال حساب شده، از پيش سنجيده و با آگاهى از نتايج آن كه خاص انسانهاست، بسيار متمايز است. بزرگم عبدالكريم سروش «علت يك مؤثرى است كه موجود را به نحو ناآگاه آن هم به نحو صد در صد و لايتخلف به واكنشى وا مى دارد. دليل عبارت است از يك حكم آگاهانه در ذهن يك شاعر معين با شعور كه او را بر مى گيرد و عاقلانه مى داند كه بر وفق او عمل كند. آدميان از روى دليل عمل مى كنند و موجودات طبيعت از روى علت. اين عده بر خلاف، پوزيتيويستها،

انسانى از مجموعه اى كه بنا بر منطق تشكيل شده باشد و ساخت آن به ساخت معرفت ما از طبيعت شبیه باشد پديد نيامده اند. اين علوم مجموعاً به گونه اى ديگر رشد يافته اند. بنا بر اين ما اينك بايد اين مجموعه را بصورتى كه در طى تاريخ رشد كرده است، مطالعه كنيم.» (به نقل از فروند؛ آراء و نظريه ها: ۷۴)

- تمايز در روش:

«در فلسفه اولاي قديم عقیده برين بود كه دو نوع واقعيت كه از لحاظ هستى شناسى نامتجانسند، يعنى يكي واقعيت روح و ديگري واقعيت ماده وجود دارند. به عكس اين ادعا، واقعيت يكي بيش نيست. لکن بر خلاف ادعاى طبيعى مذهبان اين دو واقعيت به يك شيوه قابل درك يا مفهوم نيست. از يك سو بوسيله تجربه بيرونى و از سوى ديگر بوسيله تجربه درونى مى توان بدان دست يافت و هر دو صورت نيز رواست بدون آنكه يكي بتواند ديگري را از بين ببرد» (همان: ۷۵)

بدینقرار، از دیدگاه این متفکران تمايز بين دنياى طبيعت و دنياى انساني نه از نظر ماهيت است، كه هر دو ماهيتى يكسان دارند، اما ابزار شناخت آنان بناچار بايد تمايز يابد،

- موجيت علوم طبيعى

در دانشهاى طبيعى موجيت خاصى وجود دارد كه دانشهاى انساني فاقد آنست. بزرگم ديلتاي «علوم مربوط به طبيعت چه بسا عليرغم خود ما را بسوى نگرشى مبتنى بر موجيت عالم رهبرى مى كنند، علوم انساني بالعكس، اعم از اينكه موضوع تحقيق آنان سياسى، اقتصادى، دينى، جمالى، تربيتى يا هر امر ديگر باشد

ناتورالیستها و امثال اینها که قائل به وحدت روش هستند و معتقدند که در علوم انسانی نیز همچون علوم طبیعی می توان دنبال امور مشابه و مکرر گشت و بر اساس آن قانون سازی را تسهیل کرد، بر این اعتقادند که کشف مشابَهت از بیرون میسر نیست و باید از راه دلیل مشابَهت را کشف نمود. شما باید از درون وارد شوید تا کشف مشابَهت کنید اما اگر از بیرون خواستید نگاه کنید اصلاً نمی توانید کشف مشابَهت بکنید. دو نفر برخیزند این دو برخاستند ممکن است دو معنا داشته باشد. یکی ممکن است برای احترام برخیزد. برخاستن همان برخاستن است اما این جا حادثه باطن دارد و درون دارد. عکس پدیده های عالم طبیعت که باطن و درون ندارد. این عده مطالعه علت جو یانه را مورد غفلت قرار داده اند و گفته اند که آدمیان را باید از روی نظر خودشان درباره خودشان شناخت (سخنرانی در دانشکده علوم اجتماعی تحت عنوان علت یا دلیل در علوم انسانی)

- تجربه زیسته (Lived experience)

گفتیم که دانشهای انسانی و دانشهای طبیعی باید با دو روش متمایز مطالعه شوند. حال می بینیم از نظر دیلتای «عمل انسانی مبین تجربه زیسته است و تحلیلی خاص را طلب می کند. دیلتای دو روش (متمایز) را بدین منظور مطرح می ساخت: در ابتدا، توجه او به رابطه بین خالق یک کتاب یا نقاشی یا انجام دهنده یک فعل یا عمل با تاویل یا تعبیر کننده آن معطوف گردید. مفسر می کوشد تا خود را بجای موجد

یا پدید آورنده اثر قرار دهد تا علت فعل یا عملش را بفهمد» (Abercrombie: 100) پس، «علوم روحی دارای اصالت ذاتی هستند، یعنی از مجموعه ای که بنا بر منطق تشکیل شده باشد (مانند علوم طبیعی) جدایند» (فروند، آراء و نظریه ها: ۷۴)

زیرا: «در هر حیات نفسانی فهم یک مجموعه، به دلیل ساخت این جهات، بالضروره با ارزش گذاری متلازم است و بنابراین تصورات کمال جو یانه با مشاهده واقعت همراهند. آنچه (در واقعت) هست از احساس ارزش و تصور کمالی آن انفکاک ناپذیر می نماید و بدین ترتیب هنجارها یا موازین حیات به واقعت آن افزوده می شود. آنچه در تجلیات حیات اساسی است، نمود نظام زنده ارزشهای نهفته در این تجلیات است» (همان: ۷۵)

بدینقرار، دانشهای فرهنگی (بزعم گروهی از اصحاب مکتب تاویل)، یا روحی (گروهی دیگر) که ما امروزه، با نام علوم انسانی از آنان یاد می کنیم، از دانشهای طبیعی نه از نظر معرفت شناسی، بلکه از دیدگاه روش شناسی تمایز می یابند. محدوده این دانشها با توجه به دیدگاه اصحاب تاویل بسیار وسعت دارد:

«دیلتای علاوه بر علومى چون جامعه شناسى و علوم سیاسى و اقتصادى که جنبه تجربى دارند، علوم اعتبارى مانند علم اخلاق و شناخت زیبائى و شعر را نیز در زمره علوم مربوط به روح قرار مى دهد» در یک کلام علوم روحی آزمایشی نیست، بلکه زیسته (به جان دریافته) است. (به نقل از فروند، آراء و نظریه ها: ۷۷)

- منظومه‌های نهان (Latent constellations)

امور مفروض با بدیهیات یعنی تمامی آن دانسته‌ها که در راه فهم رفتار یا عمل دیگری لازمند و انسانها بدان توجه ندارند. بعنوان مثال، زمانیکه فردی رفتار فردی دیگر را در موردی خاص درک می‌کند، این درک بر پایه منظومه‌ای وسیع از شناخته‌های پیشین صورت می‌گیرد. به بیان دیگر بهنگام تفسیر این رفتار خاص او کلی وسیع را در نظر می‌آورند. اما این اقدام سریع فکر از جانبی ارتجالی (Spontaneous) است و از جانب دیگر بصورتی ناآگاهانه (Unconscious) صورت می‌پذیرد، هر چند که بدون آن درک درست دیگری و رفتارش صورت پذیر نیست. از اینروست که این کل نامرئی را «مفروض انگاشته» تلقی می‌کنند.

- فهم (Verstehen): ابزار شناخت در دانش انسانی:

بدینسان ملاحظه می‌شود که کوشش اساسی پیروان این مکتب، فهم مجموعه‌های بهم پیوسته و سیال انسانی است.

جمله معروف دیلتای درین زمینه چنین است: «ما طبیعت را تبیین می‌کنیم، اما انسان را می‌فهمیم و یا سپرس اندیشمند دیگر این مکتب در تمامی آثارش (آغاز و انجام تاریخ، روانشناسی عمومی، کتاب فلسفه) بر ایجاد دیواری بین تبیین و فهم همت گماشته است: بنظر او تمایز منطقی میان تبیین و فهم وجود

دارد. تبیین خاص علوم طبیعی است، و تفهم به دانشهای اجتماعی - انسانی اختصاص دارد. بین تبیین و تفهم تقابل بچشم می‌خورد. بدینمعنی که یکی به دیگری باز نمی‌گردد، جانشین یکدیگر نیز نمی‌شوند. علوم طبیعی عینیت تفهم ناپذیرند. تفهم بر درونی سازی تمامیت زیسته متکی است، در فهم فرو رفتن در نفسانیات و احساس درونی مطرح است، در حالیکه تبیین علی است و با امور عینی و یا عینیت پذیر سروکار دارد. اما در اینکه تبیین یا تفهم کدامیک والاتر است، بین اندیشمندان روش تاویل اختلاف نظر بچشم می‌خورد. برخی چون دیلتای معتقدند که این هر دو از مقامی یکسان برخوردارند: به بیان خود وی «اشتباه است تصور رود که یکی از این دو نوع (تبیین یا تفهم) شایسته تر از دیگری است. در حالیکه هر دوی آنها به یک اندازه لازمند بی آنکه بتوان امیدوار بود که روزی عین یکدیگر شوند»

(فروند، آراء و نظریه‌ها: ۷۷)

«تبیین علی نه می‌تواند دلیل عدم ربط منطقی در احساسات و شور و هیجان را توضیح دهد و نه تعدد غایاتی را که آدمیان در اعمال متناقض خود بدنبال آن می‌روند.»

«تفهم فعل یا عمل دیگری از آنرو ممکن است که هر دو انسانند و یا به بیان دیگر، هر دو تجلی گاه اراده خداوندند. از این که بگذریم، ویژگیهای افراد مورد توجه نیست، روش تاویل عمل انسانرا بکمک کلی وسیعتر که بدان معنی می‌بخشد، درک می‌کند. بعنوان مثال پیام یا معنای یک نقاشی با توجه به دیدگاه یا جهان بینی جامعه‌ایکه در آن پدید آمده است،

گرانی و بطور کلی امحاء دانش انسانی غرق نشویم.

- چون پدیده‌های اجتماعی از عوامل متعدد منبعث می‌شوند و با یک علت قابل تبیین نیستند. پس روش تاویل همچون قیامی در برابر تقلیل گرانی (Reductionism) و ساده انگاری بشمار می‌آید.

دانش انسانی از پیچیده‌ترین دانشهای بشریست، از اینرو هر کوشش که در راه عوام فهم سازی درین زمینه صورت بندد، در خطر انحراف از جهات علمی این دانشهاست.

- حال که عواملی بسیار در پیدائی و تکوین یک پدیده مؤثرند، نباید چنین پنداشت که همواره عاملی بر دیگر عوامل مرجع است. مکاتب دروغینی (False schools) که مسائل نادرستی در زاه دانش انسانی مطرح ساختند، همگی بر یک عامل تکیه داشتند. برخی جغرافیا را مهمترین و گاه تنها عامل انسانی دانستند برخی دیگر بر اقتصاد بعنوان تنها محرک عمل انسانی تاکید نمودند، باز برخی دیگر تنها در جستجوی شناخت عواملی زیستی در راه تبیین عمل یا رفتار انسانها برآمدند، اما همگی در خطا بودند. باید پذیرفت که در جریان تطور دانشهای انسانی سه جریان فکری اصلی از زمان کانت تاکنون مطرح بوده است. یکی بیشتر بر معنویت و اندیشه (کانت، شلر) دیگری بر مادیات (مارکس) و سومی بر تلفیقی دیالکتیکی بین این دو گرایش (گودویچ) تاکید داشته است. (آشتیانی: ۶۹)

دراین میان، پیروان روش تاویل بر تفرد (Individuation) یعنی یگانه بینی هر واقعیت

مورد فهم و درک قرار می‌گیرد. (Abercrombie: 100) بنابراین، هدف غائی درین مکتب بازگشت به خود زندگی است. تجربه‌های بلاواسطه و زیسته از زندگی داشتن، بدون تکیه بر عقل ادراک و فهم متکی بودن، علتها به دلایل عمل روی کردن، تاریخی و زمانمند دانستن پدیده‌های انسانی - اجتماعی، تمامیت و کلیت‌ها را در نظر داشتن، راه به درون جستن و از دنیای نفسانی خبر یافتن، از خطوط اصلی اندیشه‌ایست که درین نوشته مطرح شد.

نتیجه.

همانطور که ملاحظه شد، روش تاویل از مهمترین جریانهای فکری در قرون جدید است. بر تمامی علوم انسانی نظر دارد و تحولی اساسی در روش اندیشیدن بشمار می‌آید. اصحاب این روش از عمیق ترین متفکران دانش انسانی بشمار می‌آیند و در تداوم میراث فرهنگی هگل، نیچه و ... در آلمان تبلور یافته‌اند. درین کوشش براینست که محقق با توجه به ماهیت خاص پدیده‌ای اجتماعی - انسانی عمل کند و جستجوی تحقق اهدافی چون بازیابی قوانینی جهانی مشمول نباشد. جهات مثبت این شیوه فکر بسیارند که برخی از آنان چنین اند:

- دانش پیکری یکپارچه دارد، اما از دیدگاه روش، دانش انسانی از دانش طبیعی جدا است. ازینروست که باید دانش‌های متوجه به طبیعت و دانشهای خاص انسانی را ازین دیدگاه بکلی از یکدیگر متمایز ساخت.

- کاربرد آمار در دانش انسانی مفید است، بشرط آنکه در ورطه آمارگرانی، تجرید

تکیه نمودند. بدین معنی که هرگز چنین نیست که یک علت یا عامل در تمامی موارد مرجع باشد، بلکه باید به خود واقعیت مراجعه کرد و در آن بافت خاص هر یک عناصر را کالبد شکافی نمود.

- شناخت حسی که مورد تاکید فراوان اصحاب تجربه گرایی، مخصوصاً لاک قرار داشت، ابزاری درست در راه کشف معنای عمل انسان نیست و اصولاً ادراک حسی با موانعی چند مواجه است که امکان دریافت درست از پدیده‌های انسانی را فراهم نمی‌سازد.

- توجه به رابطه انگیزه - پاسخ (Stimulus - Response) که سخت مورد توجه رفتار گرایان بود، هرگز شیوه‌ای درست در کشف معنای علانم یا شاخصهای انسانی نیست. بدون توجه به تأمیت، یعنی منظومه یا کلی که واقعیت در درون آن جای یافته، معنایی خاص و ممتاز و منحصر بفرد می‌یابد، هرگز قادر به ارتقاء شناخت در قلمرو مباحث انسانی نیستیم. ازینروست که روش تاویل در حقیقت بر کل گرایی و پیکربندی تاکید دارد و مفهوم شاخص - نماد بیشتر از همه در چارچوب این اندیشه پذیرفتنی است. ریمون بودون در تحلیل فراجامه شناختی (Meta-sociology) با طرد هر اندیشه کمیت‌گرا در محدوده روابط انسانی چنین می‌نویسد:

«لازماً سفلدبا زبانی شیوا نشان می‌دهد چگونه عینی گرایی رفتار گرایان غیرقابل پذیرش است. حتی در تبیین رفتار حیوانات نیز رفتار گرا خود را مجبور می‌بیند برای تبیین رابطه بین انگیزه - واکنش از متغیرهای واسطه که دارای

خصلتی سه گانه اند استفاده کند. این سه خصلت عبارتند از: فرضی بودن، غیر قابل مشاهده بودن و ازجهتی خودمیان‌بین (Anthropomorphic) بودن. مثال ساده آن چنین است: «من یک عنکبوت را می‌بینم که روی صفحه کاغذ من در حرکت است. انگشتم را بدان نزدیک کنم تا آنرا له کنم. آن نیز تغییر مسیر می‌دهد و بر سرعت حرکت می‌افزاید. هر بار نیز که من چنین می‌کنم، آن نیز بهمان سیاق عمل می‌کند. بطور طبیعی، من با صحبت از فرار این رفتار آنرا با متغیری فرضی، غیر قابل مشاهده و تا حدودی خود میان‌بین تبیین می‌کنم.»

«مطالعه تالمن (Talman) نیز به اینجا می‌رسد که باید پاسخ را نه همچون عملی صرفاً در رابطه با انگیزه بلکه تابعی از انگیزه و مجموعه‌ای کم و بیش وسیع از متغیرهای تابع دانست» (Boudon : 100-101)

- حال که باید از جانبی تعدد عوامل، پیوست متقابل آنان، تأثیر و تأثیریکه بطور اجتناب ناپذیر بر یکدیگر دارند و بافت منسجمی که با یکدیگر می‌سازند، مطمح نظر قرار گیرد و از جانب دیگر بین دانش انسانی و دانش طبیعی افتراق قائل شویم، پس بهتر است در حیطه عمل انسانها که خواه ناخواه آگاهانه‌تر (در مقایسه با دیگر موجودات) و آزادانه‌تر (در مقایسه با جبر طبیعی) صورت می‌بندد سس از دلیل بجای علت رانیم.

- تأمیت پدیده‌های اجتماعی تنها در توجه به «کلیت زنده» نیست. عمل انسانی در پیوستاری غیر منقطع جای می‌گیرد و بدون شناخت گذشته، معنای عمل قابل شناخت نیست.

- بر خلاف موضوعات دانشهای طبیعی، در چارچوب دانشهای انسانی هرگز بدون توجه به ذهنیت شناخت صورت پذیر نیست. دو عمل یکسان از نظر صوری می توانند دو معنای بسیار متمایز داشته و از دو سرچشمه متمایز منبعث شوند.

- بالاخره شناخت دنیای پیچیده عمل انسانی میسر نیست، مگر آنکه به درون راه یابیم. در آن زندگی کنیم و احساس مشترک با آن یابیم، چگونه می توان انگیزه خاص مولیر را در تحلیل هارپاگون شناخت، بدون آنکه با دنیای خاص او (مولیر) زیست

- با اینهمه، شناخت تنها فردی نیست بلکه اجتماعی نیز هست. هر کوشش که در راه اتمی سازی (Atomization) فرآیند تبیین صورت بندد، از آغاز محکوم به شکست است. پیدائی مفاهیمی چون انسان روانی - جامعه شناختی (Homo - psycho - sociologic) که مجرد سازی انسان و تحلیل صرف رفتار را بدون در نظر گرفتن مجموعه اجتماعی که فرد در درون آن جای دارد، طرد می کند، نشان درستی راهی بود که اصحاب این بینش مطرح می ساختند. دیسون بدون در نظر گرفتن جدیدش بحران جامعه شناسی برین عقیده است که هرگز تحلیل عمل یا رفتار یک عضو سند یکای کارگری تنها با شناخت ویژگیهای فردی او میسر نیست، بلکه باید فرد را در فضای اجتماعی و بطور کلی کلیه عناصر محیط پیرامونش تحلیل کرد.

بدینقرار، با اندیشه های صاحب نظرانی چون دیلتای، شلاپرماخر، بوکه، پی ریزی یکی از

بنیادی ترین شیوه های تفکر در جهان دانش انسان صورت یافت.. سوورکین در اثرش «هوسها و سرخوردگیهای جامعه معاصر آمریکا» مارتین دیل در «حدود کاربرد ریاضیات در جامعه شناسی» و لازار سفلد در «فلسفه علوم اجتماعی» و بسیاری دیگر دانش انسان را از نفی خویشتن با تکاثر آمار بدون زیر بنای نظری بر حذر داشتند.

گودویچ «در داعیه کنونی جامعه شناسی» همین واکنش را در مقابل آمار اجتماعی دانش انگاشته جدید داشت. اما نباید پنداشت که روش تاویل نهایت اندیشه در قلمرو دانش هر روز پویای انسانی است. حدودی چند بر آن قابل تصور است، بدینقرار:

- زمانیکه بر فهم و تاویل رفتار دیگری تاکید می شود، همواره این خطر هست که نتیجه هر تحقیق با دیگری و در مورد یک موضوع معین و در یک زمان مشخص یکسان نباشد. این امر بنای دانش را آسیب می زند و روانی صوری (Face Validity) ایزاری است که همین تشابه نتایج را مورد آزمون قرار می دهد.

- زمانیکه بر درک دیگری بر پایه همدلی تاکید می شود، باید پذیرفت که این ابزار همواره کارساز نیست. بعنوان مثال چگونه می توان در قلمرو اعتقادی، پذیرفت که یک خبرنگار خارجی می تواند دقیقاً خود را بجای یک بسیجی قرار دهد که با گامهائی بلند و استوار بر روی مین راه می رود.

- تجربه زیسته نیز همواره قابل تحقیق نیست از اینرو نیز نمی تواند شرط ضرور کار تحقیق باشد.

جامعه شناسی ماکس وبر: ۸۲)

«می توان چنین پذیرفت که در شرایطی درون فهمی درست حالت درونی دیگران باشد، این درون فهمی درست ممکن است همراه با زیست مجدد حالتی شبیه حالات دیگران نباشد. مثلاً اگر با در دست داشتن مدارکی تاریخی به درون فهمی درستی از اضطراب ناپلئون در زمان جنگ روسیه رسیدیم، این امر دلیل بر آن نیست که در زمان درون فهمی، حالتی شبیه به حالت ناپلئون و اضطراب او در جنگ روسیه بر ما حادث شود» (راد: ۲۰۲) «همچون بودون تقاضای مستمر تجربه زیسته را واکنش تاریک اندیشان می داند.

– گذشته ازین، تکیه بر فهم، رسوخ به درون نباید مانع جمع آوری داده های دقیق آماری باشد.

«نمی توان بهبود قابل توجهی در نظریه های جامعه شناسی ملاحظه کرد، مگر زمانی که این نظریه ها بر پایه مشاهدات تنگاتنگ و جزئی، یعنی تجربه های عینی زندگی عادی استوار گردد.» (Boudon: 49)

– نباید پنداشت که فهم بدون تبیین (با نفی علیت) در دانش انسانی راهی جز به ترکستان برد. درون نگری، اشراق، و بالاخره غرق شدن نویسنده در ژرفای اندیشه خویشتن بجای تحلیل واقع بینانه واقعیت اجتماعی، ورطه های اجتناب ناپذیر چنین راهی هستند. راهی که بعدها ماکس وبر با پذیرش فهم و تبیین هردو می گشاید بی هیچ شبهه، گامی بلند در راه ارتقاء دانش انسانی از دیدگاه روش شناسی است و این خود مستلزم پذیرش علیت ذاتی و هم عرضی در علوم انسانی خواهد بود. (فرونند:

کیش قهرمانان - قهرمان کیشی Hero cult

کیشی مبتنی بر بزرگداشت ارواح و قهرمانان متوفی .

Heterodox ناراست دین

Heterodoxy ناراست دینی

برخلاف کفر یا الحاد، حاوی بار ارزشی سخت منفی نیست، اما آیینی نه چندان رایج و منبعث از اصولی غیر بنیادین را می رساند. ر. ک. Orthodoxy

Heterodynamism

دگر پویایی - برون پویایی

در برابر مفهوم خود پویایی (Autodynamism) قرار می گیرد. به معنای پویایی یا حرکت یک پدیده، یک جامعه، یک فرد ناشی از عوامل برون زاد (Exogeneous) است. در فارسی برون پویایی نیز خوانده اند. دگر پویایی از تماس فرهنگی (Cultural Contact) منبعث می شود و با فرایند رخنه متقابل فرهنگی (Cultural interpenetration) به نفوذ عناصری از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر می انجامد.

ر. ک. Acculturation /

Enculturation / Autodynamism

Heterogamy

ناهمسان همسری - ناهمسان همسرگزینی

ر. ک. Homogamy

Heterogeneity	ناهمگنى	Hierarchy of the sciences	سلسله مراتب دانشها
در معنای خاص ، به جمعیتی اطلاق می‌شود که افراد آن خصایص فرهنگی و جسمانی متفاوتی داشته باشند. در برابر همگنی (Homogeneity). به عنوان مثال، ناهمگنی نژادی زمانی رخ می‌دهد که جمعیتی از چند نژاد تشکیل شده باشد؛ ناهمگنی قومی زمانی است که جمعی از اقوام ناهمگن تشکیل شده باشد و ...		رده بندی دانشهاست بر پایه معیارهایی چون: ۱) پیچیدگی (۲) دقت (۳) تعمیم پذیری (۴) وابستگی بیکدیگر . آگوست کنت. از جمله کسانی است که بدان پرداخت و دانشها را بر اساس کلیت متنازل و پیچیدگی متزاید رده بندی کرد ، همچنین اسپنسر رده بندی دیگری بر مبنای دانشهایی مرتبط با امور غیر آلی Inorganic سپس آلی (organic) و سپس فوق عالی (علوم اجتماعی) ارائه کرد. ر. ک. Comte	
Heterogeneous	ناهمگن	Hierarchy , Social	سلسله مراتب اجتماعی
Heterography	تفاوت نگاری	Social hierarchy	ر. ک.
Anthropology	ر. ک.	Hinterland	برون شهر
Heuristic	شیوه کشف	واژه‌ای است با ریشه آلمانی ، به معنای مناطقی خارج از شهرهای بزرگ ، اما در ارتباط با آنان. این ارتباط می‌تواند به صورت کار نیروی انسانی ساکن در این مناطق در روز در داخل شهر و عزیمت به منطقه خود در شبانگاه تجلی کند ، یا آنکه از طریق مبادله کالا مشهود شود .	
از ریشه یونانی به معنای بازیابی از طریق جستجو اخذ شده است ؛ در عرف علمی به معنای شناخت مسائل و بازیابی راههای حل آنان است نه از طریق جستجوی گام به گام، بلکه با کاربرد اندیشه‌هایی چند که در اسرع وقت نتیجه بخش باشد . بدینسان در شیوه کشف برخلاف روشهای دقیق علمی، آزمون، سنجشهای دقیق و حرکت آرام و مرحله به مرحله استقرایی در بازشناسی مسائل مطرح نیست ؛ از این رو با روش شناسی علمی تمایز می‌پذیرد .		Historian	مورخ
Deduction / Induction /	ر. ک.	Historical	تاریخی
Methodology		Historical approach	رهیافت تاریخی
Hierarchical Structures	ساختهای مبتنی بر سلسله مراتب		شناسایی پدیده‌ها از دیدگاه تـطـوـر

درك و فهم مستقيم آنان ممكن نيست. پس همواره بطور با واسطه مطالعه ويا ارزيابي مي شوند.

۲- گذشته تاريخي هر گز عينا قابل تکرار نيست؛ از اينجاست که مورخ خواه ناخواه با معيارهاي جامعه زمان خود با گذشته مواجه مي شود پس بايد ضريب انحراف خاصي را در ارزيابي خود بپذيرد.

۳- حوادث تاريخي هر گز تماماً در اسناد و مدارك جاي نمي گيرند و مورخ ناچار است از روشهاي استنتاجي جهت تکميل خلاء استفاده کند که طبيعتاً عنصری تازه بر واقعيت تاريخي مي افزايد.

۴- هيچ واقعه تاريخي بطور مجزا و در تجريد معنا ندارد و اين قاعده کلي پديده هاي اجتماعي در همه زمانهاست؛ آنگاه که پديده اجتماعي از متن خود جدا شود، خشک، بي معنا و گاه مضحك مي نمايد، پس بايد مورخ واقعه تاريخي را که اسناد و مدارك آن موجود

است در زمينه کلي (Global Context) جامعه ببيند؛ و چون جمع آوري مدارك متقن در مورد جامعه اي که موجود نيست غير ممکن است، مورخ ناچار است به بازسازي (Reconstitution) جامعه گذشته دست زند که اين نيز عامل نهايي در تجريد، تحريف و در هر حال فاصله از واقعيت اصلي اجتماعي است.

Historical sociology

تاريخي آنان .

Conceptual approach ر. ک .

Historical materialism

ماده گرایی تاريخي

گاه با نام تعيين اقتصادي (Economic determination) از آن ياد مي شود. نظريه اي است در برابر گرايشهاي که تاريخ و حوادث آن را با ديدگاههاي ايدۀ آليستي تبیین می کنند اين نظريه را مارکس گرايان رواج دادند. در آن بعدمادی، اقتصادي و فني امور اولويت مي يابد و فرهنگ و سازمانهاي اجتماعي مبتني بر آن شناخته مي شوند. از اين رو، اين نظريه را يك بعدی می خوانند. هر امر مطلق در آن نفی می شود و دانش به منزله ابزاري در انطباق تدريجي انسان با جهان شناخته می شود. اين ديدگاه با قبول گزاره هائي چون جبر تاريخي، تکامل تاريخي در جهت پيدايي جامعه اي بي طبقه و بي دولت، اشتراکي شدن ابزار توليد و ... همراه است

Marx / Materialism ر. ک .

Historical method of

روش بررسی تاريخي investigation
مبتي بر جمع آوري اسناد و مدارك تاريخي است. با توجه به ماهيت پديده هاي تاريخي، مورخ با مشكلاتي چند مواجه است، که بعضي از آنان چنين است:

۱- حوادث تاريخي زنده نيستند، بلکه مربوط به گذشته دور يا نزديک اند. از اين رو،

جامعه شناسی تاریخی

در يك معنى مى توان گفت ، هر پدیده اجتماعى كه مورد مطالعه جامعه شناس قرار مى گیرد ، تاريخى است ، چه ، در گذشته اى دور يا نزديك اتفاق افتاده ومورد مشاهده قرار گرفته است . اما ، در عمل ، پدیده هاى را كه ساليانى چند از آن مى گذرد ، در قلمرو جامعه شناسى تاريخى قرار مى دهند ، درين شاخه از جامعه شناسى جهات زير مطمح نظر است :

(۱) اول آنكه در آن صرفاً زندگى شاهان واميران ويا جنگها و... مطرح نيستند ، بلكه حيات تاريخى ملل مطمح نظر است ، اين ديدگاه در قرن هيجدهم توسط ويكو (Vico) آغاز شد. براساس انديشه ويكو انسانها تاريخ خود را مى سازند و لذا ، جنگها و حيات اميران جز بعدى از حيات تاريخى نيست . مطالعه جنگها ، اتحاديه ها ، قوانين ، عادات ورسوم ، زبان ، هنرها ، عقايد و افكار ، نهادها و سازمانهاى اجتماعى تماماً جزء تاريخ اجتماعى است . اين ديد در باب تاريخ كه پديده تاريخى تام را مطمح نظر دارد ، بعدها مورد توجه مشيه ، هرد ، ماركس وانگلس قرار گرفت . درحاليكه دونويسنده اخير ، بر ماده گرايى تاريخى تأكيد كردند و روابط اقتصادى را تابعى از نيروهاى مولد اجتماعى مى دانستند ، ديگران نظير توين بى (A. Toynbee) بر تاريخ اجتماعى

(Social history) به عنوان حيات كامل

يك قوم تكيه ورزيدند .

(۲) همچنين جامعه شناسى تاريخى براساس اين نظر فوستل دوكلانژ (Fustel de Coulange) كه «تاريخ انباشت هر نوع حادثه اى كه در گذشته رخ داده باشد ، نيست ، بلكه دانش جامعه انسانى است» درصدد مطالعه علمى وعمقى پديده هاى تاريخى است .

(۳) گزاره سوم جامعه شناسى تاريخى اين است كه داده هاى مرتبط به گذشته ، آنچنان منحصر بفرد وغير قابل تكر نيستند كه تجربه تاريخى را مانع شوند ، بلكه با شناخت آنان جامعه شناس مى تواند سعى در پيش بينى وقايع آتى نمايد . اما اين پيش بينى بى قيد و شرط نيست ، از اين رو ، به بيان علمى گفته مى شود كه در صورت بروز عواملى چند ، گونه خاصى از جامعه احتمال پيداى خواهد داشت ، پس جامعه شناسى تاريخى نه بر امور مطلق ، بلكه نسبى تكيه دارد ، تجربه تاريخى انسانها را سبب مى شود همچون حافظه تاريخى عمل مى كند . جامعه شناسى تاريخى با تاريخ جامعه شناسى يكسان نيست .

ر. ك. Historical method of investigation / Tendentious regularity

روندهاى تاريخى Historical trends

جریانها ومسیرهایی که در حرکت تاریخی

پدیده‌ها مطرح می‌شوند .

Philosophy of history ر. ک.

Tendentious regularity

تاریخ گرایی - مکتب تاریخی Historicism

از واژه لاتینی Historia به معنای تاریخ

گرفته شده است و در فارسی معادل‌هایی چون تاریخ‌نگاری و تاریخی شدن یافته است . در دو معنای متمایز به کار رفته است :
۱- کوششی است در جهت به حساب آوردن تمامی تجربیات انسانها و همه مقولات حیات اجتماعی در قلمرو تاریخ بر پایه دو استدلال :

الف : به منظور شناخت امور جاری ، باید گذشته آنان را شناخت و هر دانشی رنگ تاریخی دارد .

ب : این گذشته را بهتر از همه از طریق تاریخ علمی که توسط دیکو ، دنکو و دنک (Ranko) تشریح شده است ، می‌توان مورد مطالعه و بررسی قرارداد .

پس در این معنی اندیشه‌ای است که بر پایه آن شناخت تاریخی در پیش‌بینی سرنوشت آینده انسان اهمیت بی‌سزا دارد . صاحب‌نظران این مکتب را عقیده بر این است که تاریخ تصویری دقیق از واقعیات حیات به دست می‌دهد ، همان‌طور که حقایق اخلاقی و ارزشهای اساسی حاکم بر سرنوشت بشر را در خلال زمان معین می‌دارد . پس ، با شناخت تجربه تاریخی یک ملت می‌توان حال و آینده آن را تمیز داد . ۲- در معنای دوم ، این مکتب ، کوششی را می‌رساند که بر اساس آن تاریخ در برگیرنده تمامی دانشهای انسان است و هدف تمامی آنان پیش‌بینی آینده با شناخت

قوانین تاریخی جهانی است . این مکتب که تاریخ‌گرایی خوانده می‌شود با انتقاداتی مواجه است ؛ از جمله نظریون هیک (F. von . Hayek) است که به اعتقاد او این مکتب می‌کوشد تا اساسی تجربی بر فلسفه تاریخ یابد . به نظری این دید ساده- لوحانه که منظومه‌هایی که تاریخ‌مورد مطالعه قرار می‌دهد ، مجموعه‌هایی هستند مشخص ، طبیعتاً این باور را پدید می‌آورد که مشاهده صرف می‌تواند قوانین حرکت این مجموعه‌ها را به دست دهد . باز در انتقاد از این مکتب باید گفت که اولاً شناخت تاریخی همواره کامل نیست ، چه ، همان‌طور که دژدگودویچ اشاره می‌کند ، شناخت واقعیت تاریخی در حقیقت از طریق بازسازی گذشته صورت می‌پذیرد و در این بازسازی ، منظومه‌هایی را که فعلاً نیستند (پس بطور دست اول و مستقیم نیز قابل مطالعه نمی‌باشند) ، مورد مطالعه قرار می‌دهند . بدینسان دانشمندی که بدین ترتیب با وقایع گذشته ملتها ارتباط می‌یابد ، چگونه می‌تواند ادعا کند که بهترین دانستنیها را برای پیش - بینی آینده این جوامع در اختیار دارد ؟
بالا تر از همه ، همچنانکه ماکس وبر در اثرش «اخلاق پروتستانها در روحیه سرمایه‌داری» اشاره می‌کند ، تجربه تاریخی هر گز عیناً قابل تکرار نیست . پس ، تعمیم مطلق تجربه تاریخی هم باید غیر ممکن باشد . هر واقعه محصول زمان و مکان خاصی است و نمی‌توان ادعا کرد که عیناً در زمان و مکانی دیگر پدید خواهد آمد .

Historical method of investigation ر. ک.

- جامعه شناسى سیاسى خوانده مى شود تحقیق کرد و هم آنکه به تهیه آثاری صرفاً فلسفی- اجتماعى و نظری پرداخت .
- وی در باب تکامل، نظریه های افراطی معاصرانش را مطرود دانسته ، چهارمعیار برای آن ذکر می کند، بدین قرار :
- حجم ، کارآیی، آزادی و تقابل خدمات.
- کتاب «نظریه متافیزیکی دولت» (۱۹۱۸) تجلی گاه اندیشه او در باب جامعه شناسی سیاسی است . در این اثر ، دولت را نه به عنوان یک غایت ، بلکه وسیله یا ابزاری در راه تحقق عدالت و نظم معرفی می کند . کتاب «فرهنگ مادی و نهادهای اولیه اقوام ساده تر» (۱۹۵۱) را با همکاری گینسبرگ (M.Ginsberg) و ویلر (C.H.Wheeler) تهیه کرد. در این اثر به مقایسه نهادهای ۴۰۰ جامعه پرداخت و در آن نظریه اش را مبنی بر اینکه ترقی از کنترل روز افزون انسان بر طبیعت منبث می شود و این کنترل از طریق همکاری انسانها تحقق پذیر است، ارائه کرد برخی دیگر از آثارش عبارتند از :
- ۱- *The rational good .*
 - 2- *Elements of social Justice*
 - *Social development*
- فرهنگ شخم زنی Hoe Culture
ر. ک . Culture
- کل نگری Holism
۱- گرایشی است در بین برخی از موجودات در طبیعت به تجمع با یکدیگر که
- تاریخ نگار Historiographer
تاریخ نگاری Historiography
فلسفه تاریخ History , Philosophy of
ر. ک . Philosophy of history
- هابس Hobbes (Thomas)
فیلسوف اجتماعى انگلیسی است (۱۶۷۹-۱۵۸۸) ، اندیشه اش منعکس کننده نابسامانیهای زمان اوست . او معتقد بود ، انسان موجودی است ناتوان، حیاتش کوتاه، مشحون از خشونت و تنهایی و شرایط حیاتش را جنگ و ستیز تشکیل می دهند از این روست که باید به هیولای دولت و قدرت اوتن در داد. چه ، دولت ، از عقل و قرارداد منبث می شود و باید در همه جا حاضر باشد تا صلح مستقر شود .
- سرگرمی Hobby
فعالیتی که در زمان آزاد و نه جهت کسب معاش یا تحت فشار و یا هر انگیزه خارجی بلکه صرفاً بر پایه میل و انگیزه شخصی صورت گیرد.
- ر. ک . Sociology of Leisure/
Avocation / pastime
- هابس Hobhouse , Leonard
فیلسوف اجتماعى انگلیسی است (۱۹۲۹-۱۸۶۴) ، زمینه اندیشه های او گوناگونند. او هم بمطالعه اقوام اولیه پرداخت، هم در باب تکامل و معیارهای آن به تحقیق پرداخت ، هم در باب دولت و آنچه امروز

از این طریق خواص عناصر متشکل دگرگون می‌شود و در تجمع، خواص تازه‌ای علاوه بر جمع خواص عناصر متشکل پدید می‌آید. ۲- در فلسفه ینشی است که مخصوصاً با توجه به اندیشه‌های هگل شناخت و فهم پدیده‌ها را مستلزم آن می‌داند که کل آن مورد شناسایی قرار گیرد. ۳- در جامعه شناسی گرایشی را می‌رساند که بر اساس آن باید همواره کل مورد توجه قرار گیرد تا هم اجزاء و هم مناسبات آنان با یکدیگر در درون آن مورد درک و شناخت قرار گیرند. چنین ینشی که با نظریه گشتالت از سویی و ساخت گرایی از سوی دیگر نزدیک است از نظر روش شناسی عمل تحقیق را (در حد آرمانی آن) دچار مشکل می‌سازد، زیرا هیچ روشی نمی‌تواند تمامی عناصر مرتبط در یک کل را باز یابد، از نظر جامعه شناسی مقایسه‌ای نیز مشکلاتی پدید می‌آورد، چه، به بیان لوی استروس (C. Levi - Strauss) هر مقایسه بر تجزیه پدیده‌ای از درون مجموعه‌ای متکی است و چون چنین است به بی معنا شدن پدیده می‌انجامد و چون مقایسه تمامی کلها با یکدیگر در همه ترکیباتشان میسر نیست، پس جامعه شناسی مقایسه‌ای هر گز به نحو مطلوب صورت پذیر نیست.

ر. ک. Integralism / Harmonism

Gestalt

Holy war جنگ مقدس - جهاد

Jihad ر. ک.

Homans (George Casper)

هومنس

جامعه شناس، انسان شناس و فیلسوف امریکایی است (متولد ۱۹۱۰)، مطالعاتش در زمینه‌های گوناگون صورت گرفت (مخصوصاً نظریه مبادله Exchange Theory و یا رفتار اجتماعی خرد و Microsocial behavior و همچنین گروه‌های غیر رسمی (Informal groups) برخی از آثارش چنین‌اند:

- An introduction to Pareto.

- The nature of Social science

- Sentiments and activities.

- Social behavior, its

elementary forms.

- English villagers of the thirteen Century.

تنظیم خود بخود Homeostasis

فرایند خود تنظیمی دستگاه‌ها که از طریق آن تعادل درونی نظام یادستگاه علیرغم اختلالات شرایط محیط پیرامون حفظ می‌شود.

گرینکر (Roy.R.Grinker) در اثرش با نام «بسیوی یک نظریه واحد دباب رفتار انسانی» (۱۹۵۶)، تنظیم خود بخود را عاملی می‌داند در راه حفظ وضعی پایدار و همچنین بقاء موجود زنده.

ر. ک. Cybernetics

Homicide انسان کشی

کشتار انسانی توسط انسان دیگر. کشتن

انسان دیگر ممکن است غیر جنسایى (Non - Criminal) یا منبعث از تصادف، اتفاق و ... باشد، یا جنایى (Criminal) بوده وحتی با قصد و طرح قبلى صورت یابد. انسان کشى مى تواند صورت کشتار کودک یا بد با رضایت والدین (Infanticide) و یا به صورت کشتار دستجمعى انسانهای دیگر تا انحلال نسل آنان (Genocide) درآید

ر. ک. Filicide - Teknophagy
Infanticide - Genocide - Matricide .
Patricide

انسانگونه‌ها Hominid

در تقسیم بندى نخستى‌ها (primates)، (جانورانى که از سایر موجودات به انسان نزدیکتر هستند) و طبقه بندى جانداران بطور کلی و بادر نظر گرفتن خود انسان، انسانگونه‌ها به انسانهایی در گذشته اطلاق می شود که تنها از طریق سنگواره‌ها می توان بوجودشان در سابق پی برد. آن موجودات گرچه کاملاً مثل انسان امروزی نبوده‌اند ولى خصوصياتی داشته‌اند که باعث شده تا جزء دسته انسانها قرار داده شوند. با آدم نماها (Anthropoids) مشتبه نشود.

Homo هم - همسان

Homo - Centric هم مرکز.

Homo - Communicus

انسان ارتباط جو

به زعم بعضی یکی از ویژگیهای ذاتی انسان در مقایسه با دیگر موجودات زنده،

ایجاد پیوندهای ارتباطی پیچیده با دیگران است که بنای جامعه انسانی را پی می ریزد.

انسان سازنده Homo faber

همسر همان گزینی - Homogamy

همسر همسانی

در برابر ناهمسانی - همسری (Heterogamy)، به معنای گزینش همسر از بین آنانی است که تشابه یا سنخیت بیشتری با فرد دارند.

با پیدایی جامعه صنعتی و تسلط انسان بر فضا، کوچک شدن کره زمین با ظهور وسایل سریع ارتباطی، شکستن الگوهای دیرین حیات و بالاخره پیدایی دیدگاههای نودر ازدواج و آزادی، به نظر می آمد که نوعی گزینش آزاد (Pan-mixia) بر ورای قیود اجتماعی، نژادی و جغرافیایی پدید آید که نه همچون اختلاط آزاد یا هرج و مرج جنسی (Promiscuity) باشد که در جوامع اولیه دیده شده است، لیکن نویدی از پیوند انسان با انسان بر مبنای شرع و عرف، برورای مرزهای جدائی در خود داشته باشد. اما تحقیقات جدید به عناصر و مواعی خاص اشارت دارند که انواعی چند از این پدیده فراهم می آورند، بدین قرار:

Geographic homogamy

همسر همسانی جغرافیایی

به گمان والر (W. Waller) جغرافیا عاملی غیر شخصی است که زناشویی را تحت تأثیر قرار می دهد. بوساد (J. H. S. Bossard)

ضمن مطالعه‌ای که در پنج هزار زناشویی در ۵ ماهه نخستون سال ۱۹۳۱ انجام داده، مشاهده کرده است که بیش از یک سوم این ازدواجها میان کسانی صورت گرفته‌اند که در مسافت ۲۰ ساختمان از یکدیگر سکونت داشته‌اند.

والر در سال ۱۹۳۰ نشان داد که هیچ کس زن خود را از میان بی‌نهایت همسر ممکن انتخاب نمی‌کند، بلکه تنها از میان کسانی که در تماس با آنهاست، به انتخاب می‌پردازد. این ملاحظات در بررسی‌هایی که اخیراً مارش و ثودوبیل (G. Turbeville) در دولسو انجام داده‌اند، مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

آلن ڈیوید در پژوهش خود بنام «همسرگزینی» که در فرانسه انجام داده، از قرابت جغرافیایی محل سکونت نامزدها نموداری ترسیم کرده که آموزنده است: ۵۷ درصد جمعیت مورد بررسی در یک محله سکونت داشته‌اند. از این رو، به نظر گرنولد

(W. Kernold) بر پایه نظریه همجواری (Vicinity theory)، هنوز علیرغم تسلط انسان بر جغرافیا، باز این عامل یکی از بزرگترین تصمیمات انسان را (گزینش همسر) سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

Somatic homogamy

همسر همسانی جسمانی

به‌زعم کریکمانز (A. Krickemans) تنها تفاوت زن و مرد در اندامهای جنسی نیست، بلکه استخوان بندی عضلات، بافتها، وزن، قد و بسیاری صفات دیگر بین زن و

مرد تفاوت دارند؛ بر این پایه پیوسون (K. Pearsons) اعتقاد دارد، بهنگام گزینش همسر، این ویژگیهای جسمانی بی‌تأثیر نیست و زوجین بنوعی تکمیل متقابل ازین دیدگاه در هنگام گزینش یکدیگر تمایل نشان می‌دهند.

اما آنچه میان ویژگیهای جسمانی و بیرونی انسان در امر انتخاب همسر هنوز به عنوان تعیین کننده‌ترین عامل باقی می‌ماند عامل نژاد است. واین از آن‌دوست که در یک گذشته طولانی تاریخی که سیاهان در زنجیر بردگی بسر برده‌اند، این ویژگی جسمانی شدت و افزایش یافته است. در ایالات متحده، با توجه با اینکه، به گفته موگی (S. Mogey)، جماعت‌های گرچه نا همگون و نا متجانس مانند داخل یک «کوره ذوب» روی هم انباشته شده‌اند هنوز پدیده تعلق نژادی چهره‌ای آشکار دارد. صاحب نظران گوناگونی که معتقدند افراد نژادهای مختلف از تماس با یکدیگر می‌پرهیزند، در اعتقاد خود چندان به خطا نمی‌روند. کیتز و بریلی در ۱۹۳۲ بیتون در ۱۹۴۱، ویناک در ۱۹۴۹ و بوچانان در ۱۹۵۱ در پژوهشهای خود در این باره مثالهایی عرضه داشته‌اند که درجه استواری یا سستی تجزی نژادها را روشن می‌سازند.

در تحقیق کاتز و برالی (D. Katz. W. Braly) بنام «عقاید قالبی نژادی در یک هد کالج» سیاهان از نظر ذهنی کم هوش و از نظر وضع ظاهری کثیف نمایانده شده‌اند. این کینه‌ها،

نه تنها پیوند نژادها را مشکل می‌سازد، بلکه رشته پیوند را (چنانکه ملاحظه شد) سست می‌سازد.

Educational homogamy

همسر همسانی تحصیلی

حتی در جوامعی که تحرک اجتماعی زیادی وجود دارد و مهاجرتهای حرفه‌ای پیوسته روبه‌فزونی است، باز خاستگاه اجتماعی افراد همچنان نوع تحصیلات و امکان ادامه آن را مقید و مشروط می‌سازد.

در نتیجه، همگونی حرفه‌ای همسران مستلزم همتایی و تطابق سطح تحصیلات آنهاست. در فرانسه، در ۶۶ درصد از دانشویشان همسران تحصیلاتی همسان داشته‌اند، و اگر اندازه تحصیلات نزدیک بهم و مشابه را نیز به حساب آوریم، این نسبت تا ۸۸ درصد افزایش خواهد یافت. جی. پوفت در تحقیق خود به نام «تحرک اجتماعی و ازدواج» مشاهده می‌کند که در ۷۱ درصد از دواچه‌ها، نظام فکری و سطح تحصیلات زن و شوهر یکی بوده است. آی. استوارت (R. Stuart) ملاحظه کرده است که میان پرورش و آموزش فرد با آنچه که از همسر او انتظار می‌رود یک نوع تناسب منطقی وجود دارد.

اما کادلسون درباره ضرورت چنین همسانی از لحاظ فرهنگی معتقد است میان تشابه سطح تحصیلی ظاهری زن و شوهر و رضایت از زناشویی وجه مشترکی وجود ندارد. ترمان این فرضیه را می‌پذیرد. اما به نظر

اوزمانی نیکبختی کامل بدست می‌آید که شوهر در حدود پنج‌سال بیش از زن تحصیل کرده باشد. در این میان هامیلتون عقیده‌ای دیگر دارد و به نظرش، یکسانی سطح تحصیلی عاملی در سعادت خانوادگی است.

Homogeneity, Social

همگنی اجتماعی

ر. ک. Social homogeneity

Homogenetic هم‌خاندان

Homogenize همگن ساختن

Homo - loquax انسان سخنگو

در بین صفات منتسب به انسان، نظیر انسان ارتباطی (Homo - Communicus)، انسان سیاسی (Homo - Politicus)، انسان ابزار ساز (Homo - faber)، انسان سخنگو یا سخن و توان آن در انسان باید بعد از کیفیت اندیشه ورزی انسان (Homo - sapiens) از اهمیت بیشتری در راه بنای فرهنگ انسانیت برخوردار باشد. چه، از راه سخن ارتباطات انسانی قوام یافت، بنای جامعه سیاسی استوار گردید و آمیزش خط و زبان به ابدیت پیام و سپس خود انسان انجامید.

ر. ک. Culture

Homomorphy هم‌شکلی

Homo - oeconomicus

انسان اقتصادی

مفهومی است انتزاعی و غیر واقعی که اقتصاد دانان کلاسیک عنوان کردند. به‌زعم

آنان، بطور کلی یکی از ویژ گیهای انسان چنین است: او در جستجوی سود خویشتن است، آگاهانه بدان می پردازد و در آن دچار اشتباه نمی شود. نتیجه ای که آنان ازین استدلال می گرفتند، عدم دخالت دولت، آزادی تجارت، رفع گمرکات و ... بود،

Classical school ر. ک.

Homophony هم صدایی

Homo - politicus انسان سیاسی

Homo - Loquax ر. ک.

Homo - sapiens انسان اندیشه ورز

Homosexuality هم جنس بازی

ایجاد روابط جنسی با هم جنس. در معنای خاص پیوند جنسی زن با زن
Lesbianism خوانده می شود. با همسر همسان گزینی (Homogamy) مشتبه نشود.
بدان ر. ک.

Horde هورد

— وجه مشترك تعاریف آن در این است: گروهی است که در يك جامعه بیابانگرد و چادر نشین تشکیل می شود و اعضای آن منطقه ای را از نظر چرا و شکار به خود اختصاص می دهند.

— در بین تکامل گرایان شکل ابتدایی جامعه انسانی است. نظیر کاربردیکه لانگ (A. Lang) در اثرش «خاستگاههای اجتماعی» (۱۹۶۳) از آن دارد.

— در بین انسان شناسان به صورت گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است:

الف - در مواردی ساکنان اولیه استرالیا بدین نام خوانده شده اند و به این اعتبار گروههایی هستند محلی، مادر تبار؛ (نظیر کاربردی که هویت (A.W. Howitt) در اثرش «قبایل بومی استرالیا ی جنوب شرقی» (۱۹۰۴) از آن دارد.

ب - در مواردی دیگر، واحدی سیاسی متشکل از افراد غیر خویشاوند و همواره در حال حمله و دفاع را می رساند (نظیر اقوام تاتار)

Horiculture دوران شخم زنی

در بین مردم شناسان قرن نوزدهم که تصور جوامع راطی سمر حله (شکار - گله داری - کشاورزی) می دانستند. دوره سوم به دو جزء تقسیم می شود. در جزء اول که شخم زنی خوانده می شود، ابزار کار ساده ترند، زنان در کار زمین مسئولیت بیشتری دارند. زمین کمتری به زیر کشت می رود.

Hoe Culture / Culture ر. ک.

Horizontal group گروه افقی

Group ر. ک.

Horizontal mobility تحرک افقی

Social mobility ر. ک.

Horowitz (Irving Louis)

هوروویس

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۹) به جامعه شناسی سیاسی و مخصوصاً شرایط اجتماعی - سیاسی مردم امریکای لاتین توجه کرد؛ از دایست میلز (Wright Mills) شدیداً تأثیر بر گرفت،

ر. ك.

Family

بعضی از آثارش بدین قرارند :

*Masses in Latin American**Rise and Fall of Project**Camelot . Foundations of
political sociology***Hospitalism**

پرستار مادری

سلسله اشکالی خاص و بیمارگونه‌است که در انسانهای محروم از عواطف مادری تجلی می‌نماید. گسترش جامعه مصرف همراه با مهاجرت زنان و مادران از خانه به سوی بازار کار ، موجبات سپردن فرزند را به سازمانهایی نظیر شیرخوارگاه و غیره فراهم می‌آورد . این مؤسسات هر قدر در تربیت فرزند بکوشند نمی‌توانند جایگزین رابطه متعالی فرزند - مادر گردند . اثرات این فقدان در سالهای نخست حیات از همه بیشتر است و به زعم روانکاوان تا پایان حیات می‌ماند.

ر. ك. Maternal deprivation

Womens' Occupation

Household خانوار

واحدی اقتصادی و اجتماعی مرکب از افرادی که در يك واحد مسکونی زندگی کنند (يك خانه ، يك آپارتمان و ...) برخلاف خانواده که واحدی اجتماعی-زیستی است و شامل افرادی می‌شود که یا روابط نسبی و یا سببی با یکدیگر دارند ، خانوار شامل مستخدمین و حتی بزم بعضی مهمانان درازمدت نیز می‌شود .

Household administration

سر رشته داری خانوار

تعیین هدفها و شیوه‌های وصول بدان در خانوار. اداره خانوار با پیوند زن و شوهر صورت پذیر است . در این فرایند، پدر بیشتر نقش مادی و یا به بیان پارسنز (T.Parsons) ابزاری (Instrumental) خواهد داشت و حال آنکه مادر بیشتر نقش عاطفی- احساسی (Expressive) می‌یابد .

Household ,Census خانوار آماری

ر. ك. Census household

Household employee

خانه - شاغل ، کارمند خانگی

کارگری که جهت انجام خدماتی از طرف رئیس خانوار به خدمت گرفته می‌شود. بر همان پایه که در سایر مؤسسات افراد به استخدام در می‌آیند ، (تعداد ساعات کار ، مبلغ قابل پرداخت در هر ساعت . استفاده از بیمه‌های اجتماعی و ...)

Household employment

اشتغال در خانه

به خدمت گرفتن فرد یا افرادی خارج از خانوار جهت انجام کار و ارائه خدماتی در آن. در برابر کارکنان خانوادگی (فرزندانی که در خانواده و زیر نظر پدر به کار می‌پردازند) که هنوز هم نسبتی بالنسبه قابل توجه از جمعیت فعال جامعه ایران را شامل می‌شود. نسبت خانه شاغلان (افرادی که از خارج از خانه به کار

در آن گمارده می‌شوند) سخت رو به کاهش است .

Household management

مدیریت خانوار

مراقبت ، نظارت و اداره مستقیم و دقیق امور خانگی است . برخلاف سر رشته داری خانوار ، مدیریت خانوار به معنای کنترل جزء به جزء امور خانگی و نظارت در تحقق اهداف تعیین شده توسط سر رشته داران آن است .

Human behavior رفتار انسانی

ر. ک. Collective behavior

Human being موجود انسانی

واژه‌ای عام که هر انسانی را در بر می‌گیرد که می‌تواند با تعلیه و تصعید نیازها به فراموجود انسانی (Superhuman being) تبدیل شود و در غیر این صورت به دنیای دون انسانی (Sub-human being) سقوط می‌کند .

Human Capital سرمایه انسانی

در برابر سرمایه فنی . درموردی که نیروی انسانی به وفور یافت می‌شود ، سعی در سرمایه گذاری انسانی ، یعنی انجام کار سنگین توسط نیروی انسانی بسیار ، بجای ابزار پیشرفته می‌شود .

Human Coefficient ضریب انسانی

Human Collectivity

جمع انسانی

جمعی است متشکل از افرادی چند که با آگاهی از همگنی نسبی با یکدیگر ،

منافع مشترك و لزوم اقدام جمعی ، گرد هم آمده‌اند .

Human ecology محیط شناسی انسانی

شاخه‌ای است از دانش انسان که در آن روابط متقابل انسان و محیط پیرامونش به بحث نهاده می‌شود ، این دانش خود به شاخه‌هایی چند تقسیم می‌شود ، بدین قرار :

-Human autecology

محیط شناسی فردی انسان

شناخت روابط متقابل فرد و محیط پیرامونش .

-Human synecology

محیط شناسی گروهی

شناخت روابط متقابل گروه انسانی و محیط پیرامونش .

-Interactional ecology

محیط شناسی تعاملی

۱) تعامل یا کنش و واکنش انسانهاست در درون يك فضای خاص جغرافیایی و در ارتباط با آن .

۲) شناخت دگرگونی حاصل آمده در الگوهای فضایی به جهت فرایند کنش و واکنش بین انسان و محیط پیرامونش .

ر. ک. Ecology

Human geography جغرافیای انسانی

شاخه‌ای از دانش انسانی است که در آن تأثیر و تأثر متقابل و مستقیمی که بین افراد انسانی یا گروهها و محیط مادی پیرامونشان صورت می‌پذیرد ، به بحث نهاده می‌شود؛ در برابر محیط شناسی (Ecology)

نقطه تأکید آن انسانی شدن جغرافیا یا تأثیر
رو به افزایش انسان بر محیط است .

ر. ک. Anthropogeography

دون انسانی Human - Infra

ر. ک. Infra - human

طبیعت انسانی Human nature

هر آنچه در فراسوی زمان و مکان در
انسان به چشم می خورد و از ویژگی های طبیعی،
ذاتی و اصلی انسان است .

— ازدیدگاه زیستی و ویژگی های مشترك

تسمای انسانها ، توسط مالینوفسکی

(B. Malinowski) چنین تشریح شده است

«می توانیم اصطلاح طبیعت انسان را چنین

تعریف کنیم که تمامی انسانها نیاز به خوردن

نفس کشیدن ، خوابیدن ، تولید مثل و دفع

فضولات دارند. و این در هر تمدن و هر مکان

صادق است .

(A. scientific Study of Culture

and other essays' , P. 175

از دیدی دیگر، کششها و احساسات

خاص نوع انسان را می رساند با دو تعبیر: برتری

انسان بر موجودات دیگر و عمومیت آنان در

بین همه انسانها.

— در بین این تعاریف، باید گفت، تعریف

اول ، اساساً ویژه انسان نیست، چون در اکثر

این مشخصات انسان و حیوان سهیمند. تعریف

دوم نیز بیش از آنکه با انسان مرتبط باشد

با جامعه و گروه در ارتباط است و بهتر است

از آن همانند کاربردین با تعبیر شخصیت اساسی

(Basic personality) یساذکهم ، شاید

بتوان ویژگی های را که اتوکلاینبیگ

(otto Klinebiere) بر می شمارد، به عنوان

صرفاً طبیعت انسان ذکر کرد : به زعم وی ،

«با سه معیار می توان عناصر طبیعت انسان را

شناخت : ملاک اول وجود پیوستگی و استمرار

میان نوع خاصی از رفتار در بشر و رفتار

انواع جانوران دیگر خاصه رفتار میمونهای

آدم ناست ؛ نظر به خویشاوندی زیستی و

شبهاتی که در فسلتهای این دودسته دیده

می شود ، تصور اینکه این پیوستگی بتواند

دلیل وجود عنصری غیر اکتسابی در رفتار

باشد، معقول می نماید، ملاک دوم اینکه کشف

پایه های بیوشیمیک یا فیزیولوژیک دلیل

دیگری بر وجود عنصر غیر اکتسابی در آن رفتار

است و ملاک سوم همگانی بودن است .»

(روانشناسی اجتماعی، ترجمه علیمحمد

کاردان ، جلد اول ، صفحه ۹۳)

Human phenomena

پدیده های انسانی

داده ها ، عناصر و موضوعاتی که مورد

مطالعه دانش انسانی قرار می گیرند (در برابر

پدیده های طبیعی ، زیستی و ...)

Human right , Universal

declaration of ,

اعلامیه جهانی حقوق بشر

ر. ک. Universal declaration of

human right

قربانی انسان Human sacrifice

قربانی کردن يك موجود انسانی است ،

بهنگام برگزاری مراسمی یا استقبال از

شخصیتی و یا در راه عقیده ای خاص.

- Sacrifice foundation** ر. ك .
Blood sacrifice انسان گرایى
Humanism به فارسى انسان دوستى و اومانيسم نیز ترجمه شده است .
- در معنایى نام نهضتى است که در قرون ۱۴ و ۱۵ میلادى در اروپای غربى پدید آمد و دیگر گونیهای بنیادى در هنر، معماری و ادب فراهم آورد و با آن، هنر از قید یکنواختى و سکون که در تمامی قرون وسطى بر آن تحمیل شده بود، آزاد شد.
- از دیدگاه دیگر انسان گرایى يك آیین فکرى است که خطوط اصلی آن چنین اند:
 ۱- توجه به انسان به عنوان محور هستى و سعى در شکوفاسازى استعداد و توان بالقوه وی.
 ۲- توجه به وحدت انسانها
 ۳- اذعان به خوبى ذاتى انسان .
 ۴- سعى در تمهید همه امکانات در رستگارى و سعادت انسان و ارزش دادن به هر آنچه در خدمت سعادت بشر باشد. انسان گرایى با توجه به زمینه گسترده اش انواعى چون انسان-گرایی طبیعى (Naturalistic humanism) و یا انسان گرایى خرد گراییانه (Rationalistic humanism) یافته است.
- Humanist sociology** جامعه شناسى انسان گرا
- شاخه‌ای است از جامعه شناسى که در صدد بازپایى مسائل اساسى انسان و کوشش در راه خدمت به توده‌های بشرى است بجای آنکه سعى در سعادت جمعى محدود یا گروهى بنام سرآمد (Elite) داشته باشد . کاربرد: مشاهده همراه با مشارکت
- (Participant Observation)** وسعى در درك مسائل انسانى با شناخت تاريخچه حیات فردى، از شیوه‌های این رشته از دانش انسانى است .
- Ethnomethodology /** ر. ك .
Participant observation /
Radical sociology بشر دوستى
Humanitarianism انسانیت
Humanity انسانى کردن
Humanize توجه به ابعاد انسانى و تأکید بدان .
 به عنوان مثال انسانى ساختن محیط کار، رد هر اندیشه‌ایست که بهره وری را تنها هدف داند و انسان را در خدمت آن گمارد.
- Hydraulic Civilization** تمدن بر محور آب - تمدن مبتنى بر آب
Oriental Despotism ر. ك .
- Hyper** فرا - فوق
Hyperempiricism فرا تجربى
Gurvitch ر. ك .
- Hypergamy** زن فرا دست همسرى
 ارتقای زن بهنگام و از طریق زناشوى است ، این ارتقاء مى‌تواند اجتماعى ، اقتصادى و یا فرهنگى و ... باشد .
- Hypogamy / Mesalliance** ر. ك .
Hypernational فراملی
Hypnology خوابواره شناسى
 از واژه Hypnosis به معنای خواب واره
Hypnotism خواب‌وارى - خواب‌واره

کار بر خود مطرح می سازد، ارائه می دهد .
تحقیق باید پاسخ متقن آنرا بیاورد . ازدیدی
دیگر می توان گفت فرضیه علمی پذیرش موقت
يك نظر، يك پیشنهاد مدلل از جانب اصحاب
دانش است و اعتبارش تا روزی است که
تحقیق دقیق علمی به رد یا قبول آن به صورت
قانون یا نظریه متقن انجامد .

بدینسان ، فرضیه لازمه کار دانش است ،
آنکس که در برابر واقعیات بدون هیچ سؤال
قرار گیرد، نه تنها جستجوگر نیست بلکه
انگیزه ای نیز در کار تحقیق ندارد .

فرضیه محدود (Limited hypothesis)
با جزئی کوچک و قابل بررسی ازدانش بشر
ارتباط می یابد و در علوم کاربردی مطرح
می شود و حال آنکه فرضیه عمومی
(General hypothesis) نظیر تکوین کرات،
تطور جهان و ... با فراخنای باز دنیای دانش
می پیوندند . در زمره دانشهای اساسی
(Fundamental) است و به کنجکاویهای
اساسی انسان پاسخ می دهد .

ر. ک. Social research

فرضیه صفر Hypothesis , Null

ر. ک. Statistical hypothesis

Hypothesis , Scientific

فرضیه علمی

ر. ک. Scientific hypothesis

Hypothesis , Statistical

فرضیه آماری

ایجاد حالتی شبیه خواب عمیق از طریق
تلقین که در جریان آن فرد در خواب واره
(Hypnotized) تا حد زیادی تابع بیان و
یا اعمال خواب واره انگیز (Hypnotizer)
می شود و بصورتی روشن و دور از عناصر
انحراف را ، مسائل روانی خود را بازگو
می کنند . این شیوه در روان درمانی
(Psychotherapy) مورد استفاده مخصوصاً
روانکاوان قرار می گیرد .

زن فرودست همسری Hypogamy

در برابر زن فرا دست همسری
(Hypergamy) سقوط زن در اثر ازدواج
است . این سقوط می تواند به صورت گزینش
همسری باشد که از نظر اجتماعی ، اقتصادی
یا فرهنگی و ... کاستی داشته باشد ،

ر. ک. Morganatic marriage /

Hypergamy / Mésalliance

واقع پنداری Hypostatization

تفسیر يك واحد مفهومی است به عنوان
يك شیء یا امر واقعی ؛ بامفهوم شیء سروری
(Reification) یا واقع گرایی (Realism)
مشتبه نشود . (به هر يك ر. ک)

فرضیه Hypothesis

از ریشه یونانی به معنای فرض و حدس،
گرفته شده است و در فارسی معادلهایی چون
شرط و فرض نیز یافته است . فرضیه ، در
واقع پاسخ یا پاسخهای موقتی است که محقق
به پرسش یا مجموعه پرسشهایی که در آغاز

Statistical hypothesis	ر. ك .	Inferential statistics	ر. ك .
Hypothesis testing		Hypothetic (al)	
آزمون فرضیه - فرضیه آزمایی		فرضی - مربوط به فرضیه	

I

Ibn Khaldun (Abdorrahman)

ابن خلدون

از متفکران اسلامی است (۷۳۲-۸۰۸ هجری). در تونس متولد شد. در آغاز به کارهای اداری پرداخت و سپس صرفاً به کار دانش روی کرد: هم در دانشگاه الازهر به تدریس همت گماشت، هم اثر برجسته‌اش را با نام «كتاب العبر و دیوان المبتدا والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر» در هفت مجلد به نگارش درآورد که مقدمه آن شهرتی جهانی دارد؛ ابعاد شخصیت فکری این دانشمند بسیارند که برخی از آنان را می‌توان چنین برشمرد:

- تاریخ‌شناسی:

ابن خلدون را باید قبل از همه یک مورخ خواند ولی، با دیدی خاص در باب تاریخ. او تاریخ را صرفاً شرح زندگانی امیران نمی‌داند؛ بلکه دانشی خاص از آن مستفاد می‌دارد که شناخت ملتها و امتها را

موجب می‌شود. ازینرو می‌توان گفت قبل از ویکو (Vico) و ولتر (Voltaire)، او به تاریخ به عنوان یک دانش نگریسته، در صدد تعمیم تجربه تاریخی، ژرفانگری در حوادث تاریخ، و بالاخره تحلیل پدیده‌های تاریخی

به منظور شناخت حوادث بعدی، یا به عبارت دیگر درس آموزی از تاریخ، برآمده است. پس تاریخ از نظر او دارای دو جزء است: ۱) شناخت حوادث درست و ذکر آنان (توصیف) درین حد، تاریخ علم نیست، بلکه فنی است در جهت درست‌نگاری وقایع. ۲) شناخت شبکه علی که حوادث تاریخی را پدید آورده‌اند، هم قابل تکرارند و هم شناخت پذیر؛ پس از این جهت: تاریخ عبارت است از «اندیشه و تحقیق درباره حوادث و مبادی آنها و جستجوی دقیق برای یافتن علل آنها و علمی است درباره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی آنها و به همین

سبب تاریخ از حکمت سرچشمه می گیرد و سزااست که از دانشهای آن شمرده شود. (مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، صفحه ۳)

— فلسفه تاریخ :

از پیوند فلسفه با تاریخ و یا بقول خود او حکمت با تاریخ، باید به دانشی خاص راه یافت که موضوع آن شناخت حرکات تاریخی ونحوه، مسیر و غایت تطور جوامع است. در این زمینه، ابن خلدون از علل عظمت و انحطاط جوامع، یاد می کند. او به نوعی دورنگری (cyclism) یا فراینددوری (Cyclical process) می رسد. به نظرش جوامع و مخصوصاً رژیمهای سیاسی در آغاز توسط برجستگان پدید می آیند و سپس رو به انحطاط می گذارند، یعنی دستخوش لهو و لعب و کامرانی می شوند. در آغاز قبیله ها، بر شهرها پیروز می شوند سپس با شهرنشینی به رفاه و تن آسائی خو می کنند می دهد. مفهوم اساسی او در تبیین حرکات تاریخ، عصیبت است. او چنین می پندارد که راز پیدایی و صعود و سپس نزول نظامهای اجتماعی پیدایی و محو عصیبت است و از عصیبت محتوایی در ذهن دارد که مشخصه های آن چنین اند :

الف — عصیبت پیوند و همبستگی بین انسانهاست، این همبستگی در معنای خاص ناشی از خویشاوندی است و برنسب متکی است و حتی ریاست بر افراد دارای عصیبت

نیز باید از آن کسی شود که با آنان دارای نسب مشترك است. اما در معنای عام می تواند به تساهل هر نوع پیوند ناشی از مسلک یا عقیده را نیز در بر گیرد؛ برخی عصیبت را با همبستگی (Solidarity) یکسان پنداشته اند. برخی دیگر عصیبت را با آگاهی نوعی (Consciousness of kind) یکسان پنداشته اند.

ب : عصیبت در معنای وسیع می تواند در همه جا وجود داشته باشد اما، به زعم ابن خلدون این قبایل و روستا نشینانند که عصیبت آنان قوی تر است و به چنان نیرویی قابل تبدیل است که موجبات سقوط یا پیدایی نظامی را فراهم سازد؛ ابن خلدون در این مبحث، بدون آنکه از اصطلاحات جدید استفاده کند، تبدیل نیروهای کیفی (اندیشه، پیوند) به امور کمی (وقایع تاریخی) را مطرح می سازد.

پ — شدت عصیبت در بین روستائیان و اقوام بدوی به آن جهت است که آنان به تشریفات و تمدن خو ندارند. ساده ترند، ساده تر نیز زندگی می کنند.

ت : با پیدایی شهرنشینی از یکسو و استقرار نظام سیاسی از سوی دیگر، عصیبت رخت برمی بندد یا از شدت آن چنان کاسته می شود که قدرت تبدیل به امور کمی یا اثر بر حوادث تاریخی از آن سلب می شود.

— جامعه شناسی :

هر چند اندیشه های ابن خلدون چنان نیستند که او را به درستی يك جامعه شناس به معنای امروز کلمه بدانیم ولی او نخستین

کسی است که در جهان اسلام و به صورتی منظم (Systematic) اندیشه‌های اجتماعی خود را مطرح می‌سازد. این جزء از تفکر ابن خلدون را می‌توان در چند مقوله دید:

الف: اندیشه در باب کل جامعه، پیدایی تمدن‌ها و حیات و سقوط آنان. این اندیشه‌ها را باید در زمره مباحث جامعه‌شناسی کلان (Macrosociology) قرار داد.

ب: اندیشه در باب جامعه‌شناسی سیاسی و مبانی آن؛ محور اندیشه ابن خلدون را حکومت و اثرات شگرف آن بر جامعه تشکیل می‌دهد؛ او شاهد تحولات شگرفی در تاریخ جهان بود و با غور در عوامل این حرکات، نظامهای سیاسی را بسیار مد نظر داشت؛ راز پیدایی نظامها و حتی سقوط آنان را می‌جست.

پ: جامعه‌شناسی تاریخی: او در تمامی اثرش، مخصوصاً در مقدمه مبسوط آن (شامل يك ديباچه و شش باب) حرکت علمی تاریخی را از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌بیند و این بحث هم در باب کیفیت گسترده‌گی شهرها و دوران رواج و سپس فساد آنان است (باب چهارم از مقدمه) و هم در باب تطور تاریخی جوامع از بادیه نشینی به شهرنشینی (بساب دوم) و هم درباره‌ی تطور تاریخی نظامهای سیاسی و با آن کل جامعه (باب سوم).

بادنزدیگر (H. Becker, H. E. Barnes)

براین عقیده‌اند که «پس از پولیبوس، ابن

خلدون نخستین کسی است که با تفاهم علمی زمان ما، در جامعه‌شناسی تاریخی تحقیق کرد. این بزرگمرد، از همه آگاهیهای جهانگردان ذیصلاح و موارد فرهنگ یونان و بی‌سامانی عبرت آور فرهنگهای اسلامی و مسیحی و آزمایشهای سیاسی و مشاهدات اجتماعی خود بهره برداری کرده و آثار عظیمی به وجود آورد» (تاریخ اندیشه اجتماعی. برگردان و اقتباس: جواد یوسفیان. علی اصغر مجیدی، ص ۳۱۴).

ابن خلدون قرن‌ها قبل از ولتر، (Voltaire)، ویکو (Vico) و تودگو (Turgot) به جهاتی چند در حوادث تاریخی توجه کرد:

۱- ابعاد اجتماعی حوادث تاریخی: بدینسان، از نظر ابن خلدون و تمامی تاریخ پژوهان اجتماعی، حوادث تاریخی نماد یا نتیجه‌ای از زمینه‌های اجتماعی هستند. بدون شناخت بستر اجتماعی خود قابل شناخت و تحلیل نیستند و شناخت این حوادث باید مقدمه‌ای در راه شناسایی بطن یا زمینه اجتماعی باشد.

۲- پویایی حوادث تاریخی: ابن خلدون با دیدی پویا به تاریخ نگریست و تسلسل حوادث تاریخی را در بطن زمان مورد تحلیل قرار داد. ازین دیدگاه بود که او در صدد شناخت تجربه تاریخی برآمد و حوادث اجتماعی را با عمق تاریخی آن مطرح ساخت، همانطور که استفاده ازین تجربه تاریخی در

روابط انسان و محیط و همچنین در محدوده آنانی دید که جغرافیا را عامل اول در تعیین ویژگیهای حیات اجتماعی می‌دانند.

۵- جمعیت‌شناسی: این خلدون از اولین اندیشمندانی است که در مورد بعد جمعیتی در يك جامعه و تأثیر آن بر دیگر ابعاد حیات اجتماعی به اندیشه پرداخته و نظراتی بدیع اظهار داشته است؛ اهم نظراتش در چارچوب مباحث جدید چنین‌اند :

الف : او بطور تلویحی جمعیت متعارف (Optimum population) را مطمح نظر قراردادده است ؛ زمانی که سخن از مشکل شهر به جهت کمی جمعیت در آن می‌راند ، در حقیقت بطور ضمنی بر لزوم تأمین حداقل تراکم در راه رونق شهری و بسط اندیشه‌ها اشاره می‌کند؛ یا زمانی که بدون ارائه ارقامی جمعیت زیاد (over-population) در شهرها را نیز منبع آلودگی و گندیدگی می‌داند، باز در اندیشه تعادل جمعیت بوده است.

ب : مهاجرت، عوامل و همچنین عوارض و آثار آن نیز مورد توجه ابن خلدون قرار گرفته است . او رابطه‌ای بین شکوفایی و انحطاط تمدنها و مهاجرت می‌بیند. با توجه به عوامل حرکت جمعیت در سطح جغرافیا، مهاجرت‌های ناشی از قحطی، جنگ و همچنین بردگی را مطرح می‌سازد .

پ : دورهای جمعیتی :

(Population Cycles) مبتنی بر زیادی باروری و کمی مرگ و می‌روسپس کمی باروری

شناسایی آینده را مطمح نظر قرارداد .

۳- در نهایت ، می‌توان ، اندیشه جبر تاریخی را در آثار و افکار ابن خلدون باز یافت ؛ حال که تاریخ صرفاً شرح حال چند قهرمان یا حاکم نیست ، حال که حوادث تاریخی منبعث و معلول زمینه‌ای اجتماعی هستند، و حال که در پهنه زمان نیز پیوست و تداوم این حوادث را می‌توان شناخت ، پس، باید حوادث تاریخی نه صدقه یا تصادف بلکه ناشی از جبر تاریخی

(Historical determinism) باشند

مفهوم اساسی که ابن خلدون در این زمینه (جامعه‌شناسی) به کار می‌گیرد ، «عمران» است . او به این مفهوم چنان بسطی می‌بخشد که معنای پدیده‌های اجتماعی از آن برمی‌آید و «دانش عمران» همان دانش اجتماعی به معنای اعم کلمه است (مقدمه ابن خلدون ، پروین گنابادی ، صفحه ۲۳) .

– جغرافیا گرایی (Geographism)

اندیشه‌های ابن خلدون در بسیاری از موارد سخت معطوف به رابطه جامعه و جغرافیا است . ازجانبی می‌توان ملاحظه کرد که او حتی ویژگیهای روحی (نظیر سلحشوری و ...) را تابع جغرافیای مناطق کوهستانی می‌داند و برای مردم جلگه نشین روحیه‌ای خاص قائل است و از جانب دیگر، تمدن را منبعث از جغرافیا می‌بیند . این دیدگاه را می‌توان در دانشهایی چون جغرافیای انسانی،

و افزایش مرگ و میر و باز در دوری بعد از افزایش باروری و کاستی در مرگ و میر؛ با توجه به حوادثی که پیرامون ابن خلدون می گذشته است، مورد توجه او قرار گرفته است.

ف. ک. Philosophy of history /
Geographism / Historical method
of investigation / Human
geography / Ecology / Population

شمايل شكني Iconoclasm
از Icon به معنای تصویر قدسیان گرفته شده است.

شمايل پرستي Iconolatry
ر. ک. Reification / Fetishism /
Idolatry

آرمانی-آرمان-مثالی-کمال مطلوب Ideal
تمدن آرمانی Ideal civilization
تمدن مورد آرزو، با ویژگیهایی نه واقعی، بلکه مجرد، ذهنی و روانی.

شخصیت آرمانی Ideal personality
شخصیتی مورد آرزو، با ویژگیهایی نه واقعی، بلکه مجرد، ذهنی و منطبق با کمال مطلوب.

نخست آرمان Ideal, primary
ر. ک. Primary ideal
نوع آرمانی Ideal type
مفهومی است متناسب به هاکس ویر.

شبکه یا مجموعه‌ای از ویژگیها، ناشی از تجربیات محسوس که با هم نمونه‌ای ناب، خالص، اصلی و ذهنی تشکیل می‌دهند. واقعیات با آن سنجیده می‌شوند ولی هرگز همچون آن نمی‌شوند. به عنوان مثال، زمانی که نوع ناب انسان جانی مطرح می‌شود، انسانی ترسیم می‌شود با ویژگیهایی چند که افراد دیگر با توجه بدان جانی شناخته می‌شوند. برخلاف مفهوم لغوی، این واژه دارای بعد عاطفی و ارزشی نیست و از آن نوع بدتر یا بهتر بر نمی‌آید. همچنانکه دستوری نیز نیست. برخی از ویژگیهای آن چنین اند:

۱- نوع آرمانی از نظر اخلاقی بهتر یا آرمانی نیست.

۲- نوع آرمانی حد متوسط یا دارای میانگین ویژگیهای يك جمعیت نیست.

۳- نوع آرمانی را می‌توان از نظر منطقی آرمانی به شمار آورد. چه، مفهومی است ذهنی، برخاسته از واقعیت و همگام با آن که موجب رده بندی امور واقعی می‌شود. با توجه به امکان برداشتنی نادرست از کلمه آرمانی، برخی چون بکر (H. Backer) پیشنهاد می‌کنند بجای آن اصطلاح نوع ساخته (Constructed type) به کار آید.

ر. ک. Weber

اندیشه‌های مجرد Ideal faktoren
واژه‌ای است که در برابر عوامل واقعی (Real faktoren) قرار می‌گیرد و ابتدا

- توسط ماکس شلر (Max Scheler) به کار رفت : به معنای ساخت ذهنی (Mental Structure) یادنیای اندیشه‌های مستقل که تجلی آنان در واقعیت عینی مستلزم وجود امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ... است .
- ر.ك. Sluice – gates-analogy
Real faktoren
- ایده‌آلیسم Idealism
آیینی در اندیشه فلسفی است که توسط افلاطون، هگل و ... عنوان شد . درین آیین، جهان خارج بیانی از ذهنیات انسانی است و سازمانها و پدیده‌های اجتماعی با میزان تطابق آنان با نوع انگاره‌ای انسان سنجیده می‌شوند .
- ر.ك. Realism
- ایده‌آلیسم اجتماعی Idealism , Social
Social idealism ر.ك.
- آرمانی سازی Idealization
فرایند پدید آوردن اشکالی آرمانی و سعی در رسانیدن واقعیات به جدآنان . از این دیدگاه، آرمانی سازی، یا تعیین اشکال برتر، شرط اساسی در بهبود وضع موجود است .
- آرمانهای اخلاقی Ideals , moral
Moral ideals ر.ك.
- آرمانهای اجتماعی Ideals , social
Social Ideals ر.ك.
Ideas , Association of
ادعای معانی - همخوانی اندیشه‌ها
ر.ك. Association of ideas
معنویت Ideate
در جامعه شناسی سوروکین (P. Sorokin) یکی از مراحل سه گانه تطور اجتماعات بشری است .
- ر.ك. Sorokin
کمال مطلوب - Ideational
فرهنگ معنویت گرا
(۱) هر اندیشه یا رفتار که حاوی کمال و اعتلاست . (۲) آن فرهنگ که معنویت را در برابر امور مادی، اعتلا بخشد .
- Ideationalism , Active
معنویت گرایی کارآمد
ر.ك. Active ideationalism
- Ideationalism , Ascetic
معنویت گرایی مرثاضانه
ر.ك. Ascetic ideationalism
- Identification
تعیین هویت - همتا پنداری
- در یک معنی، خود را با فردی، حزبی یا گروهی یکسان و همتا پنداشتن است؛ آنچنانکه فرد خود را در قالب آن بیندرد این معنی معادلهایی چون همتا پنداری، اتحاد و ... یافته است و در فرایند آموزش

- دیدى نظرى است بیشتر منتسب به هگل (Hegel) و وېر (Weber). برپایه این بینش اندیشه‌ها و ارزشها عامل اساسى در پیدایى رفتار اجتماعى هستند. به عنوان مثال، وېر در اثرش «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» بر این عقیده است که سرمایه‌داری منبعث از اخلاق پروتستانهاست. این دیدگاه در برابر اقتصاد گرایی (Economism) یا جبر اقتصادى (Economic determinism) و همچنین ماده‌گرایی (Materialism) قرار می‌گیرد، در مقابل باروح‌گرایی (Spiritualism) نزدیکی دارد (به هر يك ازین مفاهیم مراجعه شود).
- ر. ك. Determinism
- Ideological relations**
روابط ایده‌اوتزیک
- Ideology**
ایده‌اوتزی
- مفهومی که در آغاز به سال ۱۸۰۱ توسط فیلسوف فرانسوی تراسی (Tracy) در معنای جدیدش به کار رفت. در نظر او مجموعه آرمانهای انسانی و اندیشه علمی را شامل می‌شود. در معنای لغوی دانش اندیشه‌هاست. امروزه به معنای مجموعه کم و بیش متجانس (Coherent) اندیشه‌ها، باورها و آرمانهایی است برورای دانش که فرد یا گروههایی را مخصوصاً به جهت داشتن بعدی عاطفی - هیجانی به حرکت آورد. معادلهایی خاص در فارسی یافته است چون، مسلک، بحث
- و همچنین اجتماعى شدن مؤثر است.
- در معنای دیگر تعیین هویت يك چیز، يك سازمان و یا يك فرد است.
- همتا Identical
به صورت Identic نیز آمده است.
- توآمان همتا Identical twin
دوقلوهایی بسیار مشابه
- قابل تمیز Identifiable
هویت Identity
در معنای جامعه شناختی این مفهوم، نظیر گفمن (E. Goffman) چنین است:
کوشش فرد به منظور تحقق یکتأیسی خویشتن است در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است بدینسان به نظر گفمن فرد بین من در شرایط موجود و من واقعی قرار دارد که ازین قرارند:
- من در شرایط موجود -Virtual self
فرد در چارچوب شرایطی است که در درون آن جای یافته است؛ منی است منبعث از پایگاه اجتماعى، نقشهای محول و...
- من واقعی Actual self
تواناییهای فرد و ویژگیهای اوست بیرون از شرایطی که در آن جای یافته است.
رفتار انسانی از پیوند این دو شکل می‌گیرد و صورتی بی‌همتا، خاص و ممتاز می‌یابد.
- Ideological determinism**
جبر ایده‌اوتزیک

در تصورات و مفهومات .

ژان پل سادتر آنرا چنین تعریف کرده است: اندیشه‌ای است مرکب که توسط محیط پیرامون در ما پدید می‌آید و سپس بسدان باز گشته بر آن اثر می‌نهد. (فرهنگ علوم اجتماعى، از آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی تهران، ص ۱۶۷)

دیدگاه هادکس و انگلس در این باب مخصوصاً در کتاب ایده‌آل‌ولزی آلمان (۱۸۴۶) جای یافته است. به نظر آنان، ایدئولوژی سخت متأثر از شرایط مادی است. انسان ایدئولوژی را «آگاهی دروغین» دانسته در برابر دیدگاه‌های علمی قرار می‌دهند. علاوه بر این سراسر آثار هادکس مشحون از کاربرد این واژه در معناهای متفاوت و گاه متضاد است. آنچنانکه به زعم ژرژگودویچ ۱۳ معنای متفاوت از آن در آثار مارکس دیده می‌شود. زمانی که سخن از جامعه بورژوا می‌رود ایدئولوژی را مضر یافته، آن را برآمده از طبقه حاکم و حافظ منافع آن می‌داند و حال آنکه به زعم وی وجود ایدئولوژی در جامعه رنجبران موجب حرکت و رهایی آنان است، از این روست که مارکس گرایان بعد از مارکس سخن از ایدئولوژی رانده و درصدد «بهبتر ساختن کیفیت ایدئولوژی» برآمده‌اند؛

دیدگاه مانهایم (K. Mannheim) در این مورد، در اثرش ایدئولوژی و ناکجاآباد

(*Ideology and utopia*) آمده است؛

به نظر او باید بین اندیشه‌هایی که در جهت تداوم وضع موجود به کار می‌آیند و اندیشه‌های رؤیایی (*utopian ideas*) که دنیایی دیگر و متمایز از وضع موجود را در اندیشه متبلور می‌سازند، تمایز قائل شد. از دیدی دیگر، به نظرش اندیشه ایدئولوژیک (*Ideological thinking*) تنها منحصر به طبقات حاکم نیست، بلکه هر طبقه مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، آئین‌ها، مرامها و آرمانها دارد. به زعم او بطور کلی، ایدئولوژی شامل هر اندیشه‌ای است انحرافی به منظور حفظ وضع موجود و یا رجعت به گذشته.

ر. ک. Utopianism , Ideological determinism , Reification

Ideology , Actionist

ایدئولوژی عمل‌گرا - ایدئولوژی تعهدآمیز
ر. ک. Actionist ideology

Idiographic discipline

رشته علمی تفردی

در برابر رشته علمی تعمیمی (Nomothetic) شامل رشته‌هایی است نظیر تاریخ که یک نظام، یا حکومت و... را تحلیل کرده درصدد باز یابی قوانین و گذارهای کلی و تعمیم پذیر نیستند.

ر. ک. Nomothetic discipline

Idolatry بت پرستی

ر. ک. Reification . Iconolatry.

Fetishism	در برابر ماده گرایی .	
Idolize	ر. ک . Materialism . Spiritualism	بت ساختن
	Immigration	مهاجرت بداخل
	Migration	ر. ک .
Illusion	Immobility , Social	پندار
Illusionism	عدم تحرك اجتماعى	پندارگرایی
Imaginable	ر. ک . Social immobility	قابل تخیل - تخیل پذیر
Imaginary	Immoral	تخیلی - خیالی
Imagists	در برابر اخلاقی (Moral)	تصویرگرایان
	Social ethics	ر. ک .
	Immortal	خالد - جاودان - نامیرا - سرمد
	در برابر میرا (Mortal)	
Imitation	خلود - جاودانی -	تقلید
Suggestion	نامیرایی ، سرمدی	ر. ک .
Imitation , Conventional	جاودان ساختن -	
	نامیرا کردن	تقلید متداول
Conventional imitation	Immovable	ر. ک .
Imitation , Fashion	غیر منقول - حرکت ناپذیر	مد تقلیدی
Fashion imitation	- از نظر حقوقی به دارائی‌های غیر	ر. ک .
Imitative magic	منقول، نظیر خانه و زمین اطلاق می‌شود.	جادوی مشارکتی
Magic	- در روانشناسی، شخصیتی رامی‌رساند	ر. ک .
Immaterial culture	که از ویژگی‌های آن استحکام، ثبات و	
	پایداری است. چنین شخصیتی کمتر تحت	
	تأثیر احساسات و عواطف قرار می‌گیرد .	
	- در جامعه شناسی دگرگونی‌ها، به	
	پدیده‌های پایا و با قدرت تحرك اندك اطلاق	
	می‌شود، مفهوم مقابل آن جنبش پذیر	
	(Movable) ، است .	
Culture	جنبش ناپذیری	ر. ک .
Immaterialism	Immovability	ناماده گرایی

مصون - ایمن Immune

- معاف بودن از وظایف یا مسؤولیتهایی خاص را می‌رساند ، همانطور که عدم امکان دستگیری مقامی از آن مستفاد می‌شود .
- در جامعه شناسی پزشکی به معنای ایمن بودن در برابر بیماری واگیر است .

مصونیت - ایمنی Immunity

مصون ساختن - ایمن ساختن Immunize

ر. ك . Vulnerability

امپریالیسم Imperialism

I - این مفهوم ، در جریان پیدایش ، پنج معنای متفاوت یافته است :

۱- در معنای اولیه و منبعث از ریشه لغوی ، فرمانفرمایی يك امپراطور از آن بر می‌آید .
۲- در سالهای بین ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ که در انگلستان رونق یافت ، امپریالیست به کسی اطلاق می‌شد که در صدد متحد نگاهداشتن قلمرو امپراطوری بود .

۳- در سالهای بین ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ که مصادف با بسط سلطه کشورهای اروپایی در افریقا و آسیا بود ، امپریالیسم بعدی اقتصادی داشت و بمنظور به دست آوردن منابع اولیه از دیگر کشورها صورت می‌گرفت .

۴- در آغاز قرن نوزدهم ، مخصوصاً با بسط نفوذ اقتصادی ، رقابت دول امپریالیست و پیدایی ابعاد سیاسی بر آن ، این واژه معنایی دیگر یافت . لنین بدان معنایی فنی داده در اثرش «امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری»

آنرا مرحله انحصار در سرمایه داری می‌دانست .

۵- امروزه در دومعنای متمایز و بالنسبه نزدیک به کار می‌رود ، بدین قرار :

- در معنای خاص ، توسعه طلبی و بنای شبه امپراطوری از طریق ایجاد روابط حاکم- فرمانبر در سطح جهانی را می‌رساند ،

- در معنای گسترده ، به هر نوع سلطه جوئی در روابط بین المللی اطلاق می‌شود . در فارسی معادلهایی نظیر جهانخواری ، جهانخواری ، و جهاننگشایی در برگردان آن به کار آمده است . مفهوم جهانخواری یا جهانخوار گسی بدان نزدیک است ؛ اما همه محتوای واژه را در بر نمی‌گیرد . به عنوان مثال ، زمانی که دورکیم جامعه شناسی را در بر گیرنده اکثر دانشهای انسانی تلقی می‌کرد ، بدو لقب امپریالیست داده می‌شد ؛ چه ، در جستجوی سلطه بر دیگران و تخطی به قلمرو آنان برآمده بود .

II - برگسترده این واژه موجبات بازیابی انواع گوناگونی از آن را فراهم می‌سازد :

۱- امپریالیسم سیاسی :

(Political imperialism)

به صورتهای خاص تجلی می‌نماید :

- استعمار (Colonialism)

استفاده از منابع ثروت و استعمار (Exploitation) مات دیگری است به صورتهای مستقیم و غیر مستقیم .

- انضمام (Annexation)

چون نیاز به مدیریت اداری و ... بمنظور پذیرش آن از جانب دیگرملل :

۳- در نهایت، ایجاد آنچنان شرایطی که بومیان چنین پندارند که باید همانند صاحبان فرهنگ مسلط شوند؛ در این مقطع امپریالیسم فرهنگی با استعمار فرهنگی نزدیکی می یابد.
III - امپریالیسم با شیوه‌هایی خاص همراه است :

۱- انضمام یا حذف يك ملت یا جزئی از کشوری دیگر و جذب آن در درون ملت سلطه گر .

۲- ایجاد کشورهای اقماری : در این حال کشوری بظاهر مستقل است ولی در هر مورد (مخصوصاً سیاست خارجی) تابع کشور سلطه گر است .

۳- ایجاد قلمرو نفوذی: کشور امپریالیست سعی دارد ، آن کشورهایی را که از آن از نظر جغرافیایی بسیار دورند و از نظر فرهنگی بسیار متمایز ، در حیطه نفوذ خود درآورد. این کشورها نیز بظاهر مستقلند اما از جهاتی بسیار وابسته به کشور سلطه گر .

ر.ك. Neocolonialism / colonialism
Hegemonism Ethnocide /
Acculturation / Assimilation /

سائق طبیعی Impetus

در مواردی با واژه جوششهای انفعالی (Impulse) ترادف می یابد. به معنای نیرویی

کوشش کشوری در تسخیر کشوری دیگر، حذف آن ملت از صحنه تاریخی با اضمحلال هویت ملی و نمادهای سیاسی آن .

- تفوق جوئی (Hegemony)

امپریالیسم سیاسی ، علاوه بر این، شامل هر اقدام دیگری است که هدف آن کاهش آزادی سیاسی کشوری دیگر شود، می گردد.
۲- امپریالیسم اقتصادی

Economic imperialism

خود می تواند صوری بسیار گوناگون پذیرد :

- انحصار بازار محلی با اعمال نفوذ سیاسی ، جهت فروش کالاهای ساخته خود به هر قیمت .

- تحمیل قرار دادهای خاص جهت بهره برداری از منابع ملی کشوری که در نهایت به تاراج آن منابع می انجامد .
فرایند امپریالیسم اقتصادی به تباهی، غارت و فقر کشوری در برابر غنا ، ثروت و قدرت دیگری می انجامد .
۳- امپریالیسم فرهنگی

(cultural imperialism)

از طریق توسعه طلبی فرهنگی :

(cultural expansionism) و با کاربرد

شیوه‌هایی چون :

۱- امحاء فرهنگ قومی :

(Ethnocide)

۲- تحمیل فرهنگ مسلط و ایجاد شرایطی

است که حرکت را برانگیزد، از آن به عنوان سائقه غریزی نیز یاد کرده اند؛ چه حرکت ناشی از آن منبعث از آگاهی (consciousness) تفکر (Reflection) و آیننده نگری (Prospectivism) نیست.

ر. ک. Drive / Motivation /
Stimulus / Incentive / Motive /
Instinct / Impulse.

Implemented research

پژوهش کاربردی

ر. ک. Research

Implicit culture فرهنگ ضمنی

ر. ک. covert culture

Impulsive action عمل سائقى-طبیعی

Inactive cause علت غیر فعال

ر. ک. Cause

Inadaptable انطباق ناپذیر

Inadaptability انطباق ناپذیری

Inadaptation عدم انطباق

ر. ک. Maladaptation, Adaptation

Inadequate نارسا

Inalienable انتقال ناپذیر

در مورد اموال یا حقوق به کار می رود،

پس حقوق انتقال ناپذیر

(Inalienable rights) شامل حقوق اولیه،

طبیعی و انفکاک ناپذیر از انسان است.

ر. ک. Alienation

Incentive انگیزه

محركى فراعضوى كه با آمیزش با

عواملی عضوی و درونی موجبات بروز عمل می شود.

Incest زنای با محارم

مقاربت با افرادی که رابطه زوجیت با آنان حرام شناخته شده است؛ دایره گزینش همسر از این دیدگاه در هر فرهنگ صورت و حجمی خاص می یابد؛ جامعه شناسان، روانکاوان و مخصوصاً انسانشناسان علمی خاص در مورد محرمات زوجیت یافته اند:

I - انسانشناسی :

الف) مادگارت هید (M. Mead) با مطالعه در بین آدایشها ممنوعیت برقراری رابطه زوجیت با نزدیکان را در جهت غنی ساختن شبکه خویشاوندی می داند. آراپشی در پاسخ به این سؤال که چرا با خواهرت ازدواج نمی کنی می گوید: اگر من با خواهر خود ازدواج کنم، کجا شوهر خواهر خواهم داشت و از کجا شوهر خواهر دیگری خواهم بودو بدینسان کجا می توانم پیوند با دیگران را گسترش بخشم؟

ب) از نظر تایلر (E.B. taylor) ممنوعیت زناى با محارم نقشی حساس در تطور فرهنگ داشته است، چه، تا زمانی که ازدواجها در درون گروه خویشاوندان نزدیک ممنوع نشده بود، توسعه جامعه از طریق بسط روابط سببی میسر نبود.

(on a method of investigating
the development of institutions,
Journal of the royal

anthropological institute ,

PP , 264 - 9

II- روانکاوی :

فرودید در اثرش قوتم و قابو (۱۹۱۷) و دیگر نوشته‌هایش، این اعتقاد خود را به‌رشته تحریر در می‌آورد که هر پسر باید در برابر تمایل جنسی نسبت به مادر و تعارض جنسی با پدر (موجبات عقده اودیپ) مقاومت کند و این کنترل مبنای منع زنای با محارم خواهد بود. از دیدگاه لوی استروس (C. Levi . Strauss) منع زنای با محارم امری جهانی است.

(*Les structures élémentaires*

de la parenté / , 1949)

Exogamy ر. ک.

Income , Farm درآمد زراعی

Farm income ر. ک.

Income level سطح درآمد

سطح درآمد افراد يك جامعه موجبات دسترسی به سطوحی از زندگی را چون (۱) سطح معیشتی (یا بخور و نمیر) (۲) سطح برخورداری از حداقل زندگی (۳) سطح رفاه (۴) سطح برخورداری از رفاه و تجمل را فراهم می‌سازد.

Incomplet participation

مشارکت ناقص

participation ر. ک.

Incongruent attitude change

دگرگونی نامتوافق طرز تلقی

دگرگونی طرز تلقی است در مورد يك

انسان یا يك پدیده در جهت مخالف .

ر. ک. Congruent attitude change

Increment , unearned

اضافه ارزش کار نکرده - رایگان سود

Unearned increment ر. ک.

Incrementalism گرایش به سود آئی

Independent variable

متغیر مستقل

Variable ر. ک.

Indexical شاخص - متن

Indexicality شاخص - متنی

Ethno - طرفداران مردم‌روش

(methodologists) را عقیده بر این است که

تمامی اعمال و حرکات انسانی در زمینه‌ای خاص تحقق می‌پذیرند و درک معنای آنان بدون شناخت زمینه میسر نیست.

بعنوان مثال، حرکات تند چادری

چاپلین که می‌تواند به ضرب و جرح نیز بینجامد، نه تنها ایجاد وحشت نمی‌کند، بلکه

موجب بروز خنده و شادمانی نیز می‌شود. زیرا

کل فیلم کمیک یا خنده آور است. و حال آنکه

در جریان یک فیلم تراژیک یا یک درام، یک

نگاه آرام و طولانی می‌تواند چنان معنایی یا

محتوائی یابد که وحشت یا اندوهی سخت

برانگیزد. بنابراین هر حرکت یا عمل انسانی

نمادی است که جز در کل یا مجموعه معنی

نخواهد یافت. در مورد درک معنایی علائم

(حرکات و اعمال انسانها) باید به جهات زیر

که معمولاً بدون آگاهی کارگزار یا عاملی که در جریان فرایند ارتباط با دیگری قرار دارد، احتساب می‌شود. بعنوان مثال، زمانیکه فردی با فردی دیگر در جریان فرایند ارتباطی قرار می‌گیرد، هر حرکت یا بیان مخاطب با توجه به زمینه‌ای پیشین درک و تحلیل می‌شود. معمولاً این زمینه قبلی همچون «متن» یا «ملاط» ارتباط انسانهاست و بطور آگاهانه مورد درک آنان نیست.

ر.ک: Hermeneutics

Indian caste system

نظام کاستی در هند

نظامی است دست کم با سه هزار سال سابقه. در آن يك کاست دارای ویژگيهای زیرین است:

ارثی است و نه اکتسابی (یعنی فرد در درون کاستی خاص به دنیا می‌آید)، درون همسری است (Endogamous)، افراد آن دارای شغلی ثابت اند، تغییرپذیر نیست. پس کاست سر نوشت محتوم، تحمیلی، همیشگی انسان یا گروهی از انسانهاست و کاستها بطور منتظم در سلسله مراتب جامعه جای دارند. هر يك فرهنگ و عاداتی خاص و تغییرناپذیر دارند. نظام کاستی با مذهب هندو به هم آمیخته است و به چهار کاست بطور سنتی تقسیم می‌شود. در سال ۱۹۴۹ دولت هند نظام کاستی را رسماً لغو کرد، اما عملاً این نظام هنوز حاکم بر حیات مردم هند است. با اینهمه در شهرها علایمی از تغییر دیده می‌شود.

توجه نمود:

۱- در جریان روابط انسانها، هر حرکت با توجه به زمینه ارتباطی معنا می‌یابد، از اینرو دریافت معنای آن جز در صورت شناخت کل رابطه میسر نیست. در این معنی هر حرکت همانند یک واژه است که جز در متن و جمله معنی نمی‌یابد.

۲- هر علامت یا دال که پیام یا معنایی در خود دارد، بطور مجرد قابل درک نیست، بلکه در متن روابط انسانی حیات و زندگی می‌یابد و معنایی ویژه بر آن مترتب است.

۳- شناخت کل ارتباط در جهت ارزیابی پیام هر علامت معنی دار یا دال (Significant) همواره بصورت آگاهانه و با تحلیل قبلی صورت پذیر نیست، بلکه اکثراً سریعاً و با عمل ناآگاه ذهن صورت می‌یابد.

۴- دنیای رابطه هر دو انسان، خاص، ممتاز و منحصر بفرد است، بنابراین هر علامت (کلمه یا حرکت و یا...) در متن رابطه و در کلیت آن معنی می‌یابد.

باید توجه داشت که از این دیدگاه، مردم روش با روش تاویل (Hermeneutics) نزدیکی می‌یابد. از دیدگاه اصحاب این مکتب نیز حلقه تاویل (Hermeneutic circle) بدین معناست که شناخت کل بدون شناخت اجزاء یا عناصر آن ممکن نیست و شناسائی هر یک از اجزاء یک مجموعه نیز بدون درک کلی که در آن جای دارند، امکان پذیر نخواهد بود. گذشته از این، مفهوم «مفروض شمرده» (Taken for granted) در بین اصحاب روش تاویل بدین معناست که در جهت شناخت معانی رفتار یا هر پیام، زمینه‌ای کلی لازم است

- فردى ونه تابع انگیزه‌های گروهى .
 Closed system / Caste / ر.ك.
 رفتار فردى Individual behavior
 Ascriptive position شیوه‌کنش يك فرد خاص در وضعى
 Indifference بی تفاوتى مشخص و در برابر محرك یا محرکاتى معین.
 با بی‌حالى (Apathy) و یا کرختى و در برابر رفتار جمعى (collective behavior)
 دیرجنبى (Inertia) مشتبّه نشود (بهریک (بدان ر.ك)
 ر.ك)
 لاابالى‌گرى Indifferentiaism
 تماس غیر مستقیم Indirect contact
 استقرار تماس بین دو یا چند انسان از طریق فردى یا افرادى دیگر و مخصوصاً با استفاده از وسایل ارتباط جمعى. باگسترش جامعه ارتباطات شاهد تعدد، تکثر و تنوع روز افزون تماس‌های غیر مستقیم هستیم.
 مالکیت فردى Individual ownership
 Indirect observation در برابر مالکیت جمعى :
 مشاهده غیر مستقیم
 Observation ر.ك.
 (collective ownership)
 کنش فردى Individual action
 در برابر کنش جمعى :
 (collective action)
 تفوق فردى Individual ascendancy
 برترى یا برین بودن (گشتن) يك انسان در قبال ونسبت به انسانهای دیگر.
 تصورات فردى Individual authority
 در برابر تصورات جمعى :
 اقتدار فردى
 Authority ر.ك.
 (Collective representations)
 (بدان ر.ك)
 انزجار فردى Individual aversion
 هدف جوئى فردى Individual telesis
 (۱) انزجار يك فرد در برابر انزجار يك جمع یا جماعت. (۲) انزجار منبث از حالات
 Telesis ر.ك.

Individual telics

فرد هدف شناس - هدف شناسى فردى

هر نظامى در اندیشه که غایت آن بهبود
حیات فردى باشد .

Individualism ر. ک .

Individual will اراده فردى

اراده يك فرد در برابر اراده جمع .

Individualism فردگرایی

هر نظریه ، هر آیین یا هراقصدانسی را
می‌رساند که انسان را در فردیتش ، شالوده
نظام اندیشه و تبیین قاعده رفتاری یا واقعیت
اساسی و یا بطور کلی والانسین ارزش به
حساب آورد . براین اساس فردگرایی صوری
بسیار می‌یابد ، از آنجمله :

- از دیدگاه فلسفه اجتماعى

فردگرایی از این دیدگاه نظریه‌ای است
که بر پایه آن هر موجود انسانی بخودی
خود مظهر ارزش غایی حیات اجتماعى است .
او بر جامعه مرجع است و باید جامعه در
خدمت وی باشد و موجبات شکوفایی او را
فراهم سازد .

- از دیدگاه جامعه شناسى

فرد به عنوان واحد اجتماعى بنیادی به
حساب می‌آید . مجموعه حیات اجتماعى بر
حول و حوش او برپا می‌شود و او با عمل
آگاه و برانگیخته‌اش ، کنشها و واکنشهایش و
روابطی که با دیگران برقرار می‌سازد ،
هستی اجتماعى را تشکیل می‌دهد .

- از دیدگاه اقتصادى

فرد آزاد در اقتصاد بدنبال سودخویش ،
آگاهانه و بادرایت به کار می‌پردازد . پس
هر آنچه مانع آزادی او شود ، مطرود است ،
بازار آزاد ، رقابت آزاد ، عدم مداخله
دولت ، سقوط مرزهای گمرکی تماماً باید از
این دیدگاه که آنرا مکتب اصالت فرد در
اقتصاد (Individualist school) می‌خوانند
رعایت شود .

- از دیدگاه سیاسى :

فردگرایی از این دیدگاه خواهان دخالت
هر چه کمتر دولت و گسترش حقوق فردى است .
ر. ک . Harmonism / Collectivism /
Classical school / Singularism /
Orthodox School / Hedonism /
Atomism / Economic liberalism

Individualism , Rugged

فردگرایی لجام گسیخته

Rugged individualism ر. ک .

Individualist School

مکتب اصالت فرد در اقتصاد - مکتب فردگرایی

Individualism ر. ک .

Individuality فردیت

Individualization

فردى ساختن - جهات فردى یافتن

(۱) فرایندى که براساس آن يك فرد
ویژگیهایی اخذ می‌کند که موجبات تمایز وی
از دیگران را فراهم می‌سازد .

(۲) جهات فردى بخشیدن .

Individualization of Punishment	فردی ساختن تنبیه
	تنبیه را با توجه به عوامل پیچیده‌ای چون نوع جنایت، شیوه انجام آن، موقعیت ارتکاب بدان، شخصیت فرد مجرم و گذشته‌هایش تعیین کردن.
Individuated person	شخص شکوفا شده
Individuation	شکوفایی فردی - فرد شکوفایی
	- در يك معنى مفهومی است از یونگ (Carl.G.Jung). به معنای حالت غایبی شکوفایی انسانی. در این حال، وجدان آگاه و ناآگاه روابطی هماهنگ می‌یابند و موجب آن می‌شوند که فرد به صورتی درست، ارتجالی و بدون تصنع و مطلوب دست به کنش و واکنش زند. مسلو (Maslow) فعلیت‌یابی شخصیت (Self - actualization) را به صورتی مترادف با آن به کار می‌برد.
	- در معنای دیگر تفرد و فرایند تحقق آن است؛ در برابر امحاء تفرد یا فردیت زدایی (Deindividuation).
Deindividuation, R.K.	
Self - actualization	
Individuation of punishment	تفرد در تنبیه
	توجه به علل و عوامل روحی، شخصیتی و همچنین شرایط محیطی خاص که فردی را در برابر قانون قرار داده است. با فردی سازی تنبیه
(Individualization of punishment)	
	نزدیک است، هرچند که در آن تأکید بیشتری بر فردیت صورت می‌پذیرد.
Individuation R.K.	
Indoctrinated attitude	طرز تلقی القایی
	آن طرز تلقی که بر اثر نفوذ دیگری در فرد پدید آمده باشد.
Indoctrination	تلقین
	انتقال اندیشه‌ها، طرز تلقیها و الگوهای رفتاری خاص به روشی به دیگری، تلقین با اندیشه انتقادی مغایر است؛ فکری بسته، متحجر و تعصب آلود می‌سازد.
Induction	استقراء
	شیوه‌ای است در استدلال که در آن برخلاف قیاس (Deduction) از جزء به کل راه برده می‌شود. چنانچه با وارد کردن متغیر x بر a در زمانی و تحت شرایطی، b پدید آمد و این امر در شرایط یکسان چندین بار تکرار شد و نتیجه یکسان داد، با کمک از استقراء به تعمیم (Generalization) پرداخته می‌شود و قانون از آن منشاء می‌گیرد؛
Inductive reasoning	استدلال استقرایی
Inductivism	استقراء گرایی
Industrial arbitration	داوری صنعتی
	فرایند حل اختلافات بین کارگر و کارفرما از طریق مراجعه به داوران بی طرف. رأی

داوران می‌توانند بطور اجباری مورد قبول طرفین قرار گیرد و یا آنکه پذیرش آن به میل طرفین، واگذار شود .

Industrial area حوزه صنعتی

شهر، منطقه یا هر جزیی از فضای جغرافیایی که در آن مؤسسات صنعتی تجمع یابند. این تجمع به کاهش بسیاری از هزینه‌ها و سهولت جریان تولید منتهی می‌شود هر چند که خود مسائلی دیگر پدید می‌آورد .

External economies ر. ک .

Industrial capitalism

سرمایه‌داری صنعتی

Capitalism ر. ک .

Industrial city شهر صنعتی

شهری که در آن فعالیت اصلی اکثر افرادش بر محور تولید صنعتی و توزیع کالاهای مرتبط با صنعت استقرار یابد .

Industrial democracy

مردم سالاری صنعتی

مجموعه عناصری است که در چارچوب واحدهای تولید صنعتی به تعدیل قدرت کارفرمایان، ثبات کار، امحاء ارتش ذخیره کارگران توزیع متعارف ارزش افزوده، انسانی شدن سازمان کار و ایجاد انگیزه‌های درونی در ارتقاء بهره‌وری می‌انجامد .

Democracy/Syndicalism ر. ک .

Industrial education

آموزش صنعتی

آموزش صنعتی به شناخت بهتر

ماشین از جانب کارگر و به کارگیری مناسبتر آن می‌انجامد که هم کاهش استهلاك ماشین یا کالاهای ثابت را بدنبال دارد و هم موجبات ارتقاء بهره‌وری را فراهم می‌سازد .

Industrial engineering

مهندسی صنعتی

تمهید شبکه‌ای منظم در درون واحد کار که موجب تسهیل تولید، کار و ارتقاء بازده شود .

Industrial entrepreneurs

مدیران صنعتی

Entrepreneurs ر. ک .

Industrial era دوران صنعتی

Industrial life cycle

دور حیات صنعتی

نظریه‌ای است مبهم با جهاتی از ضعف و مشتق از نظریه نوسانهای دوری پدیده‌های اجتماعی. بر پایه این نظریه، صنعت نیز آغازی شکوفا دارد، سپس مرحله‌ای از رکود و کساد پدید می‌آید که آن نیز پس از چندی جای خود را به رونق صنعتی می‌دهد . این نوسانها در جوامع سرمایه‌داری و در دوران لیبرالیسم اقتصادی بسیار عمیقتر جلوه کردند. دخالت دولتها در جوامع سرمایه‌داری کنونی موجب کاهش عمق نوسانها شد و کشورهای سوسیالیستی نیز با تمرکز همه عوامل در دست دولت، عملاً دورها را از میان بردند .

Industrial mentality

طرز تفکر صنعتی

طرزفكرى مبتنى برعينيت ، اخذحداكثر بازده و منبعث از اندیشه اى منطقى - عقلایى.

Industrial organization

سازمان صنعتى - سازمانیابی صنعتى -

سازماندهى صنعتى

سازمانى مبتنى بر استفاده حداكثر از ماشین ، تولید انبوه ، تقسیم دقیق کار، زنجیرى شدن وظایف و ...

Industrial prison زندان صنعتى

مفهومی که بیشتر در اروپا رایج است و بمعنای تبدیل زندان به يك واحد کار و تولید است . در صورت ادغام کار با آموزش و نو سازی شخصیت زندانی ، زندان صورتی چند بعدی می یابد. دلی زمانی بر بعد کار تاکید صرف می شود که امید به بازیابی تعادل برای بازگشت به جامعه در زندانی از بین رفته باشد

Industrial psychology

روانشناسی صنعتى

Psychology ر. ک.

Industrial relations روابط صنعتى

منظومه اى از مناسبات اجتماعى است که درچارچوب صنایع جدید شکل می گیرد . بسیاری سخن از آسیب پذیری روابط انسان و محو بعد انسانی آن در شرایط صنعتى می رانند .

Technocracy ر. ک.

Industrial revolution

انقلاب صنعتى

در آغاز در انگلستان ، در اواخر قرن ۱۸

و آغاز قرن نوزدهم ، رخ داد و با به وجود آمدن آن، نظام کارخانه اى تولید جایگزین نظام کارگاهی شد. دگرگونیهای اساسی در صنایع بافندگی را موجدان حرکت تاریخی می دانند؛ هرچند که تغییرات اساسی در تولید آهن و فولاد بدان کمک کرد.

بعضی از دانشمندان از دومین انقلاب صنعتی نیز نام می برند. به زعم آنان گسترش نیروی برق، کاربرد فلزات سبک و همراه با آن مکانیزه شدن صنعت در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ عواملی در پیدایی این عصر نو بشمار می آیند.

Industrial society جامعه صنعتى

جامعه اى که بر پایه شیوه های تولیدی قنّی برپا شده است؛ در آن هزینه آماده سازی انسانها با توجه به تعمیم آموزش و همچنین افزایش معتنا به سالیهای آن افزایش می یابد؛ تولید انبوه (Mass production) و مصرف گسترده، نظام پولی پیچیده، کاهش میزان باروری، سقوط مرگ و میر، ارتقاء امید زنده ماندن، رشد وسایل ارتباط جمعی، به پیدایی اشکالی تازه از مدیریت، روابط انسانی و همچنین شکل مازاد تولید منتهی می شود.

Industrial sociology

جامعه شناسی صنعتى

- رشته اى از جامعه شناسی است که مخصوصاً در امریکا توسط افرادی چون

مور (W.E.Moor)، اشنايدد:

(E. V.Schneider) و اسکات :

(W.H.Scott) بسط یافته است .

— بطور کلی ، درین رشته شناخت نهادها ، سازمانها و تأسیسات اجتماعى در جامعه صنعتى مطمح نظر است که مى توان بدان نام واحدهای صنعتى داد . همچنین روابط انسانها در چارچوب جوامع صنعتى ، شناخت ساخت طبقاتى ، نظام آموزش ، تشکلهای گروههاى حرفه‌ای و ماهیت زندگى در این جوامع مورد توجه این شاخه از جامعه شناسى است . تحرك جغرافیایى به صورتهای گوناگون (جابجایی هرروزه با برده‌روزی بیشتر بمنظور رسیدن به محل کار ، مهاجرتهاى روز افزون و با اسکان موقت و بتدریج پرشتاب تر و...) مردم جوامع صنعتى را در طیفی گردان نهاده است که عواقب آن از نظر انسانی و اجتماعى حائز اهمیت است . تحرك شغلى نیز در چنین جوامعی هم به جهت دگرگونیهای سریع در ساخت شغلى و پیدایی مشاغل نو ، و هم بخاطر تغییر خواستههای شغلى و سیلان انسانها در گروههای حرفه‌ای ، قابل توجه است . علاوه برین ، جامعه صنعتى ، مشاغل خانوادگى و مزدبگیران آنرا تقریباً ازین برده است ، از اینرو خروج انسانها از سلطه خانواده‌های پدرسر و گسترده و ورود به دنیای فنى نهایت توجه را ضرور مى سازد . مقهور ساختن حاکمان جدید جامعه (صاحبان تخصصهای فنى) و بسا آن تثبیت حاکمیت انسان بر ساخته‌هایش ضرورتى است سخت مورد توجه جامعه شناس صنعتى .

— با توجه به وسعت قلمرو ، نبودن رشته و همچنین قلت محققین آن ، هر يك از پژوهندگان ، طریق خاصى برگزیده و جامعه شناسى صنعتى را از زاویه‌ای معین دیده‌اند و هنوز این رشته صورتى متوازن نیافته است ؛ (۱) به نظر مور «جامعه شناسى صنعتى سعى در تحلیل و کند و کسایى منتظم در نظام صنعتى به عنوان يك سازمان اجتماعى و شیوه‌های صنعتى حیات اجتماعى دارد»

(Industrial relation and the social order ,

P : 3)

چنین به نظر مى رسد که مؤد جامعه شناسى صنعتى را از يك بعد و آتیم واحدهای کار مطمح نظر قرار داده است . او بیشتر به کارخانه توجه نموده و نظام صنعتى را نظامى دارای کارخانه تلقى کرده است .

(۲) میلر (D.C.Miller) و خود (W.y.Form) بعد محدود مور را مورد انتقاد قرار داده «جامعه شناسى صنعتى را مطالعه الف) گروههای کار و روابط ناشى از کار، ب) نقشی که کارگر در گروههای کار ایفا مى کند، پ) سازمان اجتماعى جامعه‌ای که کار در آن صورتى کارخانه‌ای دارد» (در برابر کارگاه) ، مى دانند .

(Industrial sociology ,

p : 16)

(۳) باز با توجه به محدودیت نسبی تعریف فوق ، و دیدگاه بالنسبه محدود این دونویسنده

(با توجه به موضوعاتی که بالقوه در این رشته جای می گیرند)، ددی (D.E.Wray) تمامی آثار کسانی را که سازمانهای اقتصادی را به عنوان پدیده اجتماعی مورد مطالعه قرار داده اند در زمره آثاری می داند که باید در قلمرو جامعه شناسی صنعتی جای گیرند. بدینسان آثار مؤلفینی چون هادکس^۱، دودکیم^۲، و... از این قبیل اند.

(۴) با توجه به وسعت عجیبی که بدینسان حاصل می شود، مؤلفی چون اشناپدر بناچار دیدگاه منطقه ای را برگزیده و در اثرش جامعه شناسی صنعتی می نویسد که «فقط امریکا را مطمح نظر قرار داده است».

(E.W.Schneider, *Industrial Sociology*,

P: 1)

ر. ک. Occupational sociology /

• Economic sociology

Industrial symbiosis

همزیستی تعاونی صنعتی

گردهمایی واحدهای صنعتی مکمل در يك فضا بدان منظور که یکدیگر را معاضدت نمایند و از بسیاری از هزینه ها (حمل و نقل، تهیه وسایل اولیه از مناطق دور دست و...) جلوگیری بعمل آید: از مواهب همزیستی تعاونی صنعتی صرفه جوئیهای بیرونی (External economies) است.

ر. ک. External economies /

Symbiosis / commensalism

اتحادیه صنعتی Industrial union

اتحادیه ای متشکل از مزد بگیران در يك کار صنعتی، بدون توجه به حرفه یا تخصص آنان.

Industrialism

صنعت زدگی - صنعت گرایی

Industrialization

صنعتی شدن - صنعتی کردن

در کتابش با نام اقتصاد مایل جوان (Economie des jeunes nations)

فرانسوا پرد (F.Perroux) فرایند صنعتی شدن را ساخت دهی يك واحد اقتصادی با ادغام نظام ماشینی در درون آن می داند، آنچنانکه کار آیی انسان ارتقاء پذیرد.

Inequality, Social

نا برابری اجتماعی

ر. ک. Social inequality

گرختی اجتماعی - Inertia, Social

دیرجنبی اجتماعی - رخوت اجتماعی

ر. ک. Social inertia

مرگ و میر نوزادان Infant mortality

ر. ک. Mortality

فرزند کشی Infanticide

کشتن فرزند بعد از تولد اوست، مخصوصاً با رضایت مادر. به انواع مراسمی اطلاق می شود که در آن قربانی فرزند صورت می گیرد.

- الى ۳۴ تخمين می‌زند، با مفهوم استنتاج آماری نزدیک است .
- ر.ك . Homicide , Filicide , Parricide , Genocide , Teknophagy
- Infanticidal rites مناسك مربوط به فرزندكشی
- Infantilism كودك وارگی - عقب ماندگی ذهنی یا جسمانی
- به افرادی اطلاق می‌شود كه سن عقلی آنان كمتر از سن طبیعی آنان است و یا آنكه از نظر جسمانی رشد متناسب با سن خود را ندارند .
- Infecund نازا
- Sterile ر.ك .
- Infecundity نازایی
- Sterility ر.ك .
- Inference , Logical استنتاج منطقی
- Logical inference ر.ك .
- Inference , Statistical استنتاج آماری
- Statistical inference ر.ك .
- Inferential statistics آماراستنتاجی
- شیوه‌ای است كه در تحقیقات اجتماعی به كار می‌آید و یکی از شاخه‌های آن تخمین (Estimation) است . از طریق آن محقق با میزانی از ضرب اشتباه ، نتیجه به دست آمده از طریق تحقیق بر روی جمعیت نمونه را در كل جامعه تخمین می‌زند . به عنوان مثال چنانچه سن متوسط جمعیت نمونه ۳۲ سال است وی با درج‌های از اعتماد (گاه تا ۹۵٪) سن متوسط جامعه آماری را بین ۳۰
- ر.ك . Statistical inference / Statistics / Descriptive Statistics Extrapolation
- Inferior پست
- در برابر عالی (Superior) .
- Inferiority complex عقده خودكم بینی
- گرایش نادرست در ارزشیابی خود در مقایسه با دیگران: در برابر خودبزرگ بینی (Megalomania) - بدان ر.ك
- Inferiority , constitutional حقارت سرشتی
- ر.ك . Constitutional inferiority
- Infertility ناباروری
- Fertility ر.ك .
- Informal groups گروههای غیر رسمی
- Group ر.ك .
- Informal Organizations سازمانهای غیر رسمی
- organization / Formal organization ر.ك .
- Information آگاهی - اطلاع - خبر
- Information theory نظریه اطلاعات و اخبار
- مطالعه آماری و ریاضی ارتباطات و اینکه چگونه پیامها كنترل می‌شوند و مورد

- منبع از درون يك پديده يا موجود است .
توارث - ميراث Inheritance
 ۱) قاعده يا قواعد ، مرتبط با انتقال
 تملك کالا از پدر (در صورت وجود نظام پدر
 تبارى) ، يا از مادر و با دايى (نظام مادر
 تبارى) به فرزند (يا خواهرزاده) .
 ۲) دارائى از هر نوع (منقول يا غير منقول)
 كه از طريق وراثت بدست آيد .
Inheritance of criminality
 به ارث برى جنايت - توارث جنايى
 نظريه اى كه با پيداى مكتب توارث
 زبستى مطرح شد و براساس آن ، چون جنايت
 مخصوصاً از نظر نوع ، وسعت و حتى نحوه
 انجام در بين اعضاء يك خانواده معمولاً بطور
 مشابه ديده مى شود ، پس بايد جهات ارثى
 داشته باشد . هر چند مى توان پذيرفت برخى
 از ويژگيهاى روانشناختى ملموس جنايت
 تحت تأثير محيط خانواده شكل گيرد . اما ،
 در اصل ، جنايت يك كمنش يا كردار است و
 از اين نظر ارث بردنى نيست ، همانطور كه
 ادب و خجالت و ... چنين نيستند .
Inhibited feelings
 احساسات سر كوب شده
 احساسات باز داشته يا متوقف هر گز
 از بين نمى روند بلكه در وجدان نا آگاه انباشته
 شده باقى مى مانند ؛ عوامل مساعد خارجى
 موجبات بروز و ظهور اين احساسات را
 فراهم مى سازند . جلو گيرى از تجلى آزادانه
 احساسات مى تواند از محدوديتها ، ممنوعيتها
 تفهم قرار مى گيرند .
آگاهى بخش - آموزنده Informative
جاسوس - سخن چين - خبر آور Informer
دون انساني Infra - human
 به انواعى از موجودات اطلاق مى شود
 كه داراي ويژگيها ، صفات و حالاتى مادون
 انسانند .
زير ساخت Infrastructure
ر. ك . Structure
Ingredient
جزء لا ينفك - جزء تجزيه ناپذير
 به معنای جزئى از يك آميخته است يسا
 عنصرى از يك مجموعه بهم پيوسته .
درون گروه In - group
ر. ك . Group
ناهماهنگ Inharmonic
 به صورت Inharmonious نيز به كار
 آمده است . در برابر Harmonic .
Inherence of Criminality
ذاتى بودن جرم
ر. ك . Criminology
ذاتى Inherent
 هر آنچه در جوهر و ذات يك پديده
 موجود است و نه در عرض .
ر. ك . Innate
Inherent characteristics
ويژگيهاى ذاتى - انفكاك ناپذير
عيب ذاتى Inherent vice
 عيبى كه نه ناشى از عوامل بيرون ، بلكه

- یا منہیات اجتماعى منبت گردد.
- Inhibition , Social** **اینکلس** **Rites / initiation** **ر. ک.**
- جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۰)؛ او به رشته های گوناگونی مخصوصاً روانشناسی اجتماعى توجه نمود، در روانشناسی اجتماعى بعضی از موضوعات مورد تحقیق او چنین اند: منش ملی و شخصیت. در قلمرو جامعه شناسی، جامعه شناسی مقایسه ای، مخصوصاً در روسیه شوروی توجه ویرا جلب نمود. بعضی از آثارش چنین اند:
- Handbook of social Psychology . Stability and social change. Social change in soviet union .*
- In - laws** **خویشان سیمی**
- در جامعه شناسی خانواده شبکه ای از خویشان ناشی از ازدواج به صورت ناپدری (Father - in - law) نا مادری (Mother - in - law) و... پدید می آید.
- Innate** **مادرزادی - جبلی**
- هر آنچه در طبیعت يك پدیده یا موجود باشد.
- Inherent** **ر. ک.**
- Innate capacity** **ظرفیت جبلی**
- در مواردی با تسامح مفهوم Inherent Capacity بطور مترادف با آن به کار می رود.
- Inner directed man** **انسان خود راهبر**
- Inhibition , Social** **اینکلس** **Rites / initiation** **ر. ک.**
- جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۰)؛ او به رشته های گوناگونی مخصوصاً روانشناسی اجتماعى توجه نمود، در روانشناسی اجتماعى بعضی از موضوعات مورد تحقیق او چنین اند: منش ملی و شخصیت. در قلمرو جامعه شناسی، جامعه شناسی مقایسه ای، مخصوصاً در روسیه شوروی توجه ویرا جلب نمود. بعضی از آثارش چنین اند:
- Handbook of social Psychology . Stability and social change. Social change in soviet union .*
- In - laws** **خویشان سیمی**
- در جامعه شناسی خانواده شبکه ای از خویشان ناشی از ازدواج به صورت ناپدری (Father - in - law) نا مادری (Mother - in - law) و... پدید می آید.
- Innate** **مادرزادی - جبلی**
- هر آنچه در طبیعت يك پدیده یا موجود باشد.
- Inherent** **ر. ک.**
- Innate capacity** **ظرفیت جبلی**
- در مواردی با تسامح مفهوم Inherent Capacity بطور مترادف با آن به کار می رود.
- Inner directed man** **انسان خود راهبر**
- Inhibition , Social** **اینکلس** **Rites / initiation** **ر. ک.**
- جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۰)؛ او به رشته های گوناگونی مخصوصاً روانشناسی اجتماعى توجه نمود، در روانشناسی اجتماعى بعضی از موضوعات مورد تحقیق او چنین اند: منش ملی و شخصیت. در قلمرو جامعه شناسی، جامعه شناسی مقایسه ای، مخصوصاً در روسیه شوروی توجه ویرا جلب نمود. بعضی از آثارش چنین اند:
- Handbook of social Psychology . Stability and social change. Social change in soviet union .*
- In - laws** **خویشان سیمی**
- در جامعه شناسی خانواده شبکه ای از خویشان ناشی از ازدواج به صورت ناپدری (Father - in - law) نا مادری (Mother - in - law) و... پدید می آید.
- Innate** **مادرزادی - جبلی**
- هر آنچه در طبیعت يك پدیده یا موجود باشد.
- Inherent** **ر. ک.**
- Innate capacity** **ظرفیت جبلی**
- در مواردی با تسامح مفهوم Inherent Capacity بطور مترادف با آن به کار می رود.
- Inner directed man** **انسان خود راهبر**
- Inhibition , Social** **اینکلس** **Rites / initiation** **ر. ک.**
- جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۰)؛ او به رشته های گوناگونی مخصوصاً روانشناسی اجتماعى توجه نمود، در روانشناسی اجتماعى بعضی از موضوعات مورد تحقیق او چنین اند: منش ملی و شخصیت. در قلمرو جامعه شناسی، جامعه شناسی مقایسه ای، مخصوصاً در روسیه شوروی توجه ویرا جلب نمود. بعضی از آثارش چنین اند:
- Handbook of social Psychology . Stability and social change. Social change in soviet union .*
- In - laws** **خویشان سیمی**
- در جامعه شناسی خانواده شبکه ای از خویشان ناشی از ازدواج به صورت ناپدری (Father - in - law) نا مادری (Mother - in - law) و... پدید می آید.
- Innate** **مادرزادی - جبلی**
- هر آنچه در طبیعت يك پدیده یا موجود باشد.
- Inherent** **ر. ک.**
- Innate capacity** **ظرفیت جبلی**
- در مواردی با تسامح مفهوم Inherent Capacity بطور مترادف با آن به کار می رود.
- Inner directed man** **انسان خود راهبر**

- other-directed-man / ر. ک. موارد به تساهل بی سازمانی اطلاق می کنیم
- Riesman ر. ک. Disorganization / Social organization
- Innovate (to) نوآوری کردن تفتیش عقاید - بازجویی
- Innovation نوآوری Inquisition - در معنای عام بررسی، تحقیق و کندوکاو را می رساند.
- در برابر نو بیزاری (Misoneism)، نه تنها اختراع و ارائه امر یا پدیده ای نو را می رساند، بلکه پذیرش امور و پدیده های نو، رایج ساختن آنان و همچنین کاربرد آنان در متن حیات از آن برمی آید. این مفهوم هسته اصلی اندیشه های شوپتر (Schumpeter) را در زمینه دگرگونی اجتماعی تشکیل می دهد. او نه تنها صفت ویژه گردانندگان مؤسسه های تولید را نوآوری می داند، بلکه سود آنان را نیز پاداش همین نوآوری آنان می شناسد. به نظر او، نوآوران توان خطر کردن، بدنیایی نو راه یافتن و راهی تازه گشودن را دارا هستند و از این جهت، عاملی در حرکت اجتماعی به حساب می آیند.
- Misoneism ر. ک. عدم تأمین اقتصادی
- Inorganic غیر آلی - غیر عضوی Economic insecurity ر. ک. بی حس - غیر حسی
- در برابر organic به فارسی غیر اندامی نیز ترجمه شده است؛
- Superorganic / organicism ر. ک. غیر مادی - غیر جسمانی
- Organic solidarity/Hierarchy of science ر. ک. - در معنای عام بی حسی را می رساند.
- Inorganization بی سازمانی - در معنای خاص در برابر مفهوم حسی (sensitive) قرار می گیرد که خود به زعم سودوکین (P. Sorokin) مرحله سوم حرکت تاریخی جامعه بشری است. در این معنا، غیر مادی و غیر جسمانی را می رساند.
- Sorokin / Sensitive ر. ک. ناآگاهی - بی حسی - بی تفاوتی
- Insensibility - در معنای خاص، مفاهیم ناآگاهی (unconsciousness) و همچنین بی تفاوتی

- تکثر نسل خبری دارد و نه آنکه در صدد خدمتی از این قبیل است .
- یکسانی در مکان : عمل غریزی نسبی یا تابع مکان نیست، قدرت انطباق با شرایط محیط پیرامون را ندارد، بعد فضا در آن مطرح نیست و بطور یکسان در ظرف فضا و جغرافیا تحقق می یابد .
- تغییر ناپذیری : عمل غریزی در بهنه زمان یکسان و فاقد انطباق است. نسبت زمانی یا حرکت در طول زمان برایش مطرح نیست، لانه سازی پرندگان در عصر حجر بالانه های امروزی آنان تفاوت چندانی ندارد .
- بدینسان، عمل غریزی دور از برنامه ریزی و تسلط موجود زنده صورت می گیرد، کششی است که موجود زنده را نا آگاه بسوی جهتی هدایت می کند .
- ر. ک. Incentive / Stimulus / Motive
- Impetus / Impulse / Drive / Residues
- غریزه گرایی Instinctivism
- مکتبی است که غریزه را عامل اساسی رفتار انسان می داند و مک دوگال (Mac Dougall) بانی آن است. اما این عقیده مورد قبول همگان قرار نگرفت، بین رفتار سنجیده، آگاهانه و معطوف به هدفهای دور دست، قابل کنترل، با برنامه ریزی و تکامل پذیر انسان و رفتار غریزی تفاوت بسیار است .
- غریزه گرایی Instinctivist
- (Indifference) و بی حالی (Apathy) از آن استنباط می شود. در معنای عام، فقدان احساس ذهنی و همچنین ضعف عاطفی است.
- ر. ک. Inertia / Apathy
- الهام Inspiration
- الهام گرایی Inspirationism
- اعتقاد بشناخت جهان هستی نه بطریق عینی و عقلانی .
- ر. ک. Intuitionism
- Mysticism / Agnosticism
- ناپایا - بی ثبات Instable
- Instability / Social
- ناپایایی اجتماعی - بی ثباتی اجتماعی
- ر. ک. Social instability
- غریزه Instinct
- ۱) تمایل ذاتی به ارضاء نیازهای اساسی و مخصوصاً زیستی که در تمامی موجودات از يك نوع، موجود می باشند، ۲) تمایل ذاتی يك موجود به ارائه پاسخ در برابر انگیزه ای بر حسب الگویی مشخص، ثابت و پایا با ویژگیهایی چند بدین قرار :
- نا آموختگی: عمل غریزی نه آموختنی است و نه نیاز به آموزش دارد .
- کور بودن یا فقدان توجه به هدفی دور دست : عمل غریزی متوجه هدفهایی سنجیده نیست، بلکه جهت تسکین موجود زنده و آرامش اشتهای غریزی او صورت می گیرد که نتیجه آن تعادل موقت اوست .
- هنگامی که حیوان به عمل جنسی مبادرت می کند، نه از تناسل دور دست آن مبنی بر

Institution

نهاد

از واژه لاتینی *Instituere* بمعنای ساختن و مستقر کردن گرفته شده است و در فارسی معادلهایی چون موسسه، تأسیس، نهاده نیز یافته است.

اما، مفهوم نهاد در برگردان آن پذیرفته شد. هرچند در فارسی نهاد مفهومی بسیار وسیع است و معانی گوناگونی از آن برمی آید: از جانبی معانی درون از آن استفاده می شود (آه از نهاد بر آوردن)، از جانبی دیگر معانی سرشت و طینت و هم طبیعت می دهد. ازدیدگاه دیگر، در علوم گوناگون به کار می رود و در هر يك معنای ویژه ای از آن استفاده می شود: در زبان مفهوم نهاد بمعنای مسند است (جزئی از جمله که خبری درباره آن ارائه می شود)؛ در روانکاوی، نهاد در ترجمه *Id* قرار می گیرد. با توجه به اهمیت نهاد، عقایدی گوناگون در موردش مطرح شده اند:

– در بین جامعه شناسان فرانسه، بیشتر بمعنای تشکیلات یا سازمانهای اجتماعی است که اغلب بعد قضایی و یا نیمه قضایی داشته دارای کارکردهای اجتماعی باشند و مستقل از خواست اعضاء خود به ادامه حیات پردازند، نظیر نهادهای قضایی، سیاسی، مذهبی و ...

– در بین جامعه شناسان آمریکایی، مفهوم نهاد اهمیتی خاص یافته و در معناهای گوناگون به کار رفته است: نهاد از نظر عده ای شیوه ای

است نسبتاً مهم در اندیشه و عمل که در اطراف کارکردهای اجتماعی پایه ای مانند ازدواج، حکومت و آموزش، شکل می یابد. به نظر فیختر (Fichter) نهاد ترکیب یا هیأتی است از الگوهای رفتاری متضمن تمایز، تعدد و تمرکز در جهت ارضاء نیازهای اساسی در گروه. از نظر لیتن (R. Linton) نهاد مجموعه ای از الگوهای فرهنگی است که کارکردهایی را به عنوان يك مجموعه به عهده می گیرد. به نظر پارسونز (T. Parsons) نهاد مجموعه ای از نقشهای (یا روابط پایگاهها) نهاده شده است که دارای ساخت پایا و منظم به هدف است. اودراثرش، «نظام اجتماعی» همین اندیشه را بدینسان عنوان می کند: «انسانها هنجارها و ارزشها را پذیرفته از آن خود می کنند، پس تطابق با آنان، برایشان معنایی شخصی دارد. از آنجا که در حیات اجتماعی تشارك وجود دارد، تا آنجا که دیگری نیز همین ارزشها را از آن خود بسازند و تطابق با آنان هم از نظر شخصی برایشان ارضاء کننده و هم لازمه برانگیزی واکنشهای مناسب از جانب دیگران باشد، يك الگوی ارزشی نهادی شده خواهد بود» بدین قرار، يك نهاد مجموعه ای از نقشهای بهم پیوسته و نهادی شده است که معنای ساختی بلند مدتی در نظام اجتماعی داراست.

(the social system ,

P.39)

اسپنسر (H. Spencer) در اثرش «اصول

- اولیه» نهاد را ارگانی می‌دانند که کارکردهای اساسی جامعه را به‌عهده می‌گیرد. صاهنو، در اثرش «شیوه‌های قومی» (Folkways)، معتقد بود، يك نهاد يك عمل یا هنجار نیست. او نهاد را با پدیده‌های اجتماعی «مهم» و حائز اهمیت خاص مرتبط می‌داند.
- از این رو می‌توان گفت: الف) نهاد جنبه‌ای از حیات اجتماعی است که بر پایه ارزشهایی استوار یافته (نظیر آموزش، ازدواج، مالکیت و...) و بر محور آن سازمانهای گوناگون پدید می‌آیند. ب) در معنایی دیگر نهاد، تشکیلات یا سازمانهای حائز اهمیت و دارای معنای ساختنی است.
- Institutional system** نظام نهادی
- در اصطلاح به مجموعه یا شبکه‌ای از نهادها اطلاق می‌شود که نیازهای اساسی انسان و جامعه را هر يك به صورتی پاسخ می‌دهند. نظیر نظام اقتصادی (نهادهای تولید، توزیع، مبادله، مصرف)، نظام زناشویی. (نهادهای ازدواج، خویشاوندی، وراثت و...)
- Institutionalism** نهادگرایی
- Institutionalization** نهادی شدن - نهادی گردانیدن
- Institutionalized cooperation** همیاری نهادی شده
- Cooperation ر. ک.
- Institutionalized habits** عادات نهادی شده - عادات جاافتاده و مقبول
- Institutionalized norms** هنجارهای نهادی شده - جا افتاده
- Institutionalized participation** مشارکت نهادی شده
- participation ر. ک.
- Institutions, Correctional** نهادهای اصلاح و تربیت
- Correctional institutions ر. ک.
- Institutions, Operative** نهادهای عملکردی
- Operative institutions ر. ک.
- Institutions, primary** نهادهای نخستین
- primary institutions ر. ک.
- Institutions, Secondary** نهادهای دومین
- Secondary institutions ر. ک.
- Institutions, Social** نهادهای اجتماعی
- Social institutions ر. ک.
- Insular** - منزوی - تنگ نظر
- در معنای مجازی در جامعه‌شناسی روحیه‌ای را می‌رساند بی تفاوت نسبت به دیگر فرهنگها.
- Isolationism ر. ک.
- Insularism** تنگ نظری - انزوا
- در معنای عام هر نوع انزوا را می‌رساند. در معنای خاص، بی تفاوتی و بالطبع بی اطلاعی و جدایی نسبت به دیگر فرهنگها از آن برمی‌آید.
- Isolation ر. ک.

Integral nationalism**ملی‌گرایی دولتی**

در برابر ملی‌گرایی لیبرال، به نوعی از ملی‌گرایی اطلاق می‌شود که در آن تأکید بر این نکته است که تنها دولت دارای اصالت است. درین نظام فکری، دولت موجود بر این است و فرد باید بخدمت آن درآید. بر اساس این نظریه، آزادی سیاسی مطرود است و فردگرایی قابل پذیرش نیست.

ر. ک. National socialism .

Nationalism

Integralism**نظریه ادغام**

نظریه‌ای است مبتنی بر پیوستن نظریه‌های فردنگر و جمع‌نگر

ر. ک. Universalism / Singularism /

Harmonism

Integrated یکپارچه - پیوسته - یگانه**Integration****یکپارچگی - انتگرال‌گیری - ادغام**

این مفهوم با انسیبه جدید در علم انسان، بدلیل کنار برد گسترده‌اش از اهمیتی ویژه برخوردار است. از ریشه لاتینی teg بمعنای لمس کردن گرفته شده می‌شود که از آن Integrar , Intactus , Integer بمعنای تجدید کردن و کامل کردن برمی‌آید، در انگلیسی، این مفهوم یکپارچه کردن را می‌رساند. در اسپانیایی تجمع منظم عناصر گوناگونی که مجموعه‌ای را می‌سازند از آن برمی‌آید. در زیست‌شناسی این واژه بمعنای

اجزاء متفاوتی است که تمامیت یک کل زنده را تشکیل می‌دهند. در زبان ریاضی نیز انتگرال از آن گرفته می‌شود، در فارسی معادل‌هایی چون همگونی، پیوستگی، عضویت نیز یافته است.

Integration , cultural**یکپارچگی فرهنگی**

ر. ک. Cultural integration

Integration , dis- از هم پاشیدگی

ر. ک. Disintegration

Integration , Formal**یکپارچگی رسمی**

ر. ک. Social integration

Integration , Group**یکپارچگی گروهی**

ر. ک. Group integration

Integration , Normative**یکپارچگی دستوری - یکپارچگی هنجاری**

ر. ک. Social integration

Integration , Personality**یکپارچگی شخصیت**

ر. ک. Personality integration

Integration , Real یکپارچگی واقعی

ر. ک. Social integration

Integration . social**یکپارچگی اجتماعی**

ر. ک. Social integration

Intellection تعقل

در برابر تخیل (Imagination)، از

- (چه بیانی، حرکتی یا عملی) از اثرات فرهنگی (۲۰) تعیین استانداردهای هوشی برای هر سن خاص.
- روشنفکران** **Intelligentsia**
واژه‌ای است روسی، گروهی را می‌رساند با اندیشه و شیوه‌ای خاص در حیات اجتماعی که طالب آزادی است و در پیشاپیش دیگر جنبه‌های اجتماعی حرکت می‌کند. گاه این واژه با بار منفی بکار می‌رود و در آن صورت به گرایشهای خودگرایانه این گروه، ابعاد ذهنی و فکری و غیر عملی اندیشه آنان اشارت می‌شود و شیوه خاص گذران حیات آنان مورد انتقاد قرار می‌گیرد.
- قابل فهم - معقول** **Intelligible**
قصد جرم **Intent, criminal**
ر. ك. Criminal intent
- سقط جنین عمدی** **Intentional abortion**
ر. ك. Abortion
- کنش متقابل - فعل و انفعال** **Interaction**
تعامل - کنش و واکنش
عمل متقابل دو یا چند موجود زنده بر یکدیگر با یکدیگر است. تعامل از پایه‌های حیات اجتماعیست. آنجا نیز که بنظر می‌رسد، ارتباط یک سویه است، باز در حقیقت بر تأثیر و تأثر متکی است. ازینروست که تعامل، شیوه‌ها و صور آن بسیار مطمح نظر دانشمندان در دانش انسانیت است.
- واژه Intellect** بمعنای استعداد یادگیری و استدلال گرفته شده است.
- اندیشمند** **Intellectual**
سرمایه ذهنی **Intellectual capital**
کل نیروی انسانی اندیشمند و متفکر در زمانی خاص و جامعه‌ای معین.
- اندیشه‌گرایی** **Intellectualism**
آیینی است که به‌زعم صاحب‌نظران آن دانش تماماً و یا بطور کلی از اندیشه و خرد منبعث می‌شود.
- سازمان جاسوسی** **Intelligence department**
بهره هوشی **Intelligence quotient (IQ)**
ضریب، یا شماره یا نمره‌ای که از توان فکری يك فرد خبر می‌دهد، موجبات رده‌بندی وی را در مقایسه با دیگران فراهم می‌نماید و در مقایسه با سن طبیعی او سن عقلی‌اش را می‌رساند. به‌عنوان مثال يك كودك ده ساله که از نظر عقلی، پاسخها یا واکنشهای يك كودك دهساله را نشان دهد ضریب هوشی او ۱۰۰ خواهد بود. زمانیکه پاسخها و واکنشهای خاص يك كودك ۱۲ ساله را بروز دهد، ضریب هوشی او ۱۲۰ است. در حالیکه پاسخ یا واکنشهایی معادل يك كودك هشت ساله داشته باشد، ضریب هوشی وی ۸۰ خواهد بود. مسائل بسیاری در راه تعیین این ضریب وجود دارد، نظیر: ۱) خالی ساختن تستهای هوشی

انواع تعامل Interaction , types

تعامل مودت آمیز Associative interaction

زمانیست که دو موجود (فرد یا گروه و یا ...) در جهتى یگانه و با هدفى مشترك عمل نمایند ، نظیر تعاون (Cooperation) یا هم نیروزائی (Synergy) .

تعامل دورى Circular interaction

بدین معنی که پدیده x بر y اثر می نهد، لیک خود نیز از آن تأثیر برمی گیرد. بدینسان x بعد از تأثیر بر y دیگر x نیست ، بلکه به صورت x' تبدیل یافته است. به عنوان مثال، هنگامی که فقر بر بیسوادی اثر می نهد، یعنی میزان آن را افزایش می دهد ، خود نیز از آن تأثیر بر می گیرد . زیرا خود بی سوادی نیز فقر را تشدید می نماید و از این طریق دورى بسته (Vicious circle) پدیدمی آید.

ر. ک. Retroaction / Causality ,

Feed - back

تعامل تفرقه آمیز Dissociative interaction

زمانی است که دو موجود در دو جهت جدا گانه عمل نمایند و کار آنان مکمل یکدیگر نباشد . نظیر خصومت (Antagonism) یا تقابل (opposition)

تعامل محیط شناختی

Ecological interaction

تعامل انسان است در درون يك محیط جغرافیایی . فرایند تعارض ، همکاری آمیخته با رقابت و یا حتی همکاری آمیخته با خصومت

بین افراد یا گروهی است که در يك محیط جغرافیایی با هم حیات می گذرانند و در برابر فرصت ها ، مواهب و مسائل مشخص قرار دارند .

ر. ک.

Human ecology / Commensalism

تعامل کانونی :

Focused interaction

کنش و واکنش دویا چند نفر (یا گروه) به منظور انجام هدفی خاص (بحث در باره موضوعی معین ، انجام کاری مشخص و...) .
تعامل چندگانه :

Multiple interaction

کنش متقابل بین دویا چند نفر (یا گروه) در زمینه های گوناگون
تعامل غیر حسابگرانه

Non - Strategic interaction

ر. ک. Strategic interaction

تعامل تأثیرگذار

آن کنش و واکنش که در جریان آن (۱) هر دو طرف (فرد یا گروه) تأثیر پذیرند . (۲) تأثیر حاصل متضمن دگرگونی بالنسبه عمیق گردد .

تعامل اجتماعی Social interaction

مفهومىست کلی که باشیوه، میزان، شدت و به طور کلی انواع گوناگون کنش و واکنش بین انسان ها در يك گروه ، جمع یا جامعه سروکار دارد .

— از يك دیدگاه سه نوع تعامل اجتماعى قابل تمیز است :

۱— در معنایى بسیار ساده ، تعامل اجتماعى با تعریف دویتر (E.B.Reuter) و هارت (C.W.Hart) بدست مى آید :
«تعامل اجتماعى تأثیر متقابل کار گزاران اجتماعى است که طبیعت (اجتماعى) انسان را پدیدمى آورد، پس (بدین معنی) فرهنگ، ناشى از تعامل اجتماعى است» .
(Introduction to sociology , P , 256)

۲— در معنای دوم که بیشتر توسط انسان شناسان و جامعه شناسان ارتباطات به کار مى رود ، تعامل اجتماعى و یا انسانی، خاص افراد اجتماع تلقى مى شود. در این معنی تعامل اجتماعى که با تعامل نمادى (Symbolic interaction) مترادف مى یابد، برپایه ارتباط صورت مى پذیرد و در جریان آن دگرگونی در رفتار پدید مى آید .

۳— در معنای سوم ، تعامل اجتماعى در دیدگاه کسانی مطرح مى شود که معتقدند «من» از نظر اجتماعى با خود در تعامل و کنش و واکنش است . نمونه بارز این طرز اندیشه را از زبان بیلز (R.F.Bales) مى توان شنید: «يك فرد تنها ، زمانى که در يك اطاق مشغول کار است ، با خود سخن مى گوید و یا به صدای بلند مى اندیشد ، از نظر فنى در تعامل قرار دارد و از آنجا که تعامل با خود (به

عنوان يك شیء اجتماعى) است عامل خود در جریان يك تعامل اجتماعى دیده مى شود.
(A Theoretical framework for interaction analysis P , 31)

تعامل حسابگرانه :
Strategic interaction
که در آغاز گفین (Erving Goffman) در تکمیل نظریه تعامل گرائی نمادى (Symbolic interactionism) بکار برد. به معنای آن است که در آغاز افراد واکنش طرف مقابل خود را در نظر گیرند و آنگاه دست به عمل زنند. در برابر تعامل غیر حسابگرانه .

تعامل نمادى Symbolic interaction
فرایند تعامل بین انسان ها با استفاده از نمادها (مانند زبان) است . مکتبى در روانشناسى اجتماعى با نام مکتب تعامل اجتماعى (Social interactionism) پدید آمده است که برپایه آن انسان فقط از طریق تعامل با دیگران انسان واقعى مى شود. بنیان مکتب اصالت تعامل نمادى را هربرت مید (H.Mead) و کولى (C. H.Cooley) گذاردند که بر نقش جامعه در شکل یابى شخصیت و احساس «من اجتماعى» تأکید ورزیده اند .

به زعم کولى هر انسان تخیلى از تصویر خود در دیگران در ذهن دارد و با توجه به همان ، سعى در تغییر خود مى نماید. او این

چنین است:

«تحقیقی در باب تاثیر روشهای آموزش (متغیر مستقل) بر پیشرفت آموزش (متغیر وابسته) نشان خواهد داد که روشهای رسمی موجبات پیشرفت تحصیلی بهتر دانش آموزان را فراهم می سازد. حال، چنانچه ضریب هوشی کودکان نیز بعنوان مستقل دوم مطمح نظر قرار گیرد، ملاحظه می شود که بین دو متغیر مستقل نوعی فعل و انفعال یا تعامل بچشم می خورد. بدین معنی که روشهای رسمی آموزش موجبات پیشرفت تحصیلی همه کودکان با هر ضریب هوشی را بطور یکسان فراهم نمی سازد، بلکه کودکان دارای ضریب هوشی بسیار بالا و بسیار پائین با روشهای غیر رسمی آموزشی و کودکان دیگر (اکثریت که از نظر هوشی رده میانه جای می گیرند) با روشهای رسمی آموزشی، پیشرفت بهتر تحصیلی نشان می دهند و تاثیر عمده روشهای رسمی درین مثال فرضی در این است که موجب ارتقاء سطح آموزش می شود، اما تعامل متغیرها بدین معناست که تاثیر یک متغیر مستقل برای تمامی گروههاییکه از نظر متغیر مستقل دوم در رده های خاصی قرار می گیرند، یکسان نیست.»

N. Abercrombie, et al , p :)

(112)

Inter communication

ارتباط متقابل

صوری بسیار می یابد، نظیر ارتباط متقابل بیواسطه یا با واسطه، فردی یا گروهی و ... واژه متقابل آن ارتباط درونی (Intra-communication) است که با آن

فرایند را با تعبیر خودآیندهای یا قضاوت خویشتن با تصور نظر دیگران در باره خود (Looking - glass - Self) مطرح می سازد. هید بر نقش زبان (مجموعه ای از نمادها) در فرایند اجتماعی شدن تاکید دارد.

ر. ک. , Looking glass self ,

Mead / Cooley

تعامل غیر کسانو-یی :

Unfocused interaction

افرادی جمع شده اند، لیک هدف معین جمعی ندارند، حتی در مواردی یکدیگر را نمی شناسند. به زعم گفمن (E.Goffman) در این شرایط نیز نحوه عمل فرد به جهت وجود جمع تغییر می کند و این دگرگونی به صورت زنجیری در عمل دیگران نیز مؤثر می افتد و تعامل صورت می گیرد.

Interactional ecology

محیط شناسی تعاملی

ر. ک. , Human ecology

Interaction of variables

تعامل متغیرها

زمانیست که دو یا چند متغیر مستقل با یکدیگر در رابطه تعاملی (کنش و واکنش) قرار می گیرند تا متغیری تابع را تحت تاثیر قرار دهند. توجه به این تعامل گامی است نخست در راه تحلیل چند متغیره (Multivariate analysis) در پژوهشهای اناسن- اجتماعی. مثالی که در فرهنگ جامعه شناسی آبر کرومبی در جهت روشن ساختن تعامل متغیرها آمده،

نه ارتباط بين چند گروه، بلکه ارتباط درونى گروه مشخص مى شود .

وابستگى متقابل Interdependence

منافع طبقاتى Interest , Class

ر. ک. Class interest

گروه هم سود Interest group

گروهى خاص که با الحاق ارادى اعضا تشكيل مى شود و هدف از آن تأثیر بر سياست و تصميم گيرىهاى مسئولان است .

منافع تثبيت شده Interest , Vested

ر. ک. Vested interest

روابط بين گروهى Inter - group relation

در برابر روابط درون گروهى (به صورتهائى Ingroup relations يا

Intragroup relations

بين انسانى Interhuman

مهاجرت متقابل Intermigration

ر. ک. Migration

گروه تناوبى Intermittent group

ر. ک. Group

Internal colonialism

استعمار داخلى

اين مفهوم در آغاز توسط نويسندگان مارکس گرا نظير لينين و گرامشى (A. Gramsci) پديد آمد. آنان با اين مفهوم نابرابرى در درون يك جامعه را مطمح نظر داشتند. پيدائى گروههاى ساکن در مناطق

محروم و اقليتها در داخل يك جامعه بدزعم آنان، موجبات استثمار درونى را فراهم مى ساخت. همچنين، در اندیشه اين نويسندگان، توسعه اقتصادى موجبات پيدائى جامعه اى يکپارچه (Integrated Society) را فراهم نخواهد ساخت و از اينرو نابرابرى مناطق پديده اى موقت نيست، بلکه در متن جامعه جديد صنعتى جاى دارد. مناطقى بسط مى يابند، از امتيازات اساسى جامعه برخوردار مى شوند، با دولت (در معنى قدرت مشروع و مسلط) پيوند برقرار مى سازند، در حالیکه مناطق حاشيه اى و دور مانده از کانونهاى توسعه از اعتبار اجتماعى شايسته، امتيازات معقول و حداقل معيشت محروم مى مانند. بعدها مفهوم در حدى وسيعتر از محدوده مارکس گرانبى مطرح گرديد. ژرژ بالانديه (G. Balandier) سخن از عدم پخش جريانهاى توسعه (مخصوصاً در جهان سوم) راند. در انگلستان مناطق سلتيک (Celtic) با همين الگو مورد مطالعه قرار گرفت. در فرانسه منطقه برتاني (Bretagne) بعنوان حوزه کم توسعه در چارچوب مرزهاى مللى مورد توجه قرار گرفت و در نهايت مفاهيمى جديد مطرح شد که در آن سخن از رشد اورگانىک يك جامعه، آنچنانکه همه عناصر رشدى متناسب يابند، بيان آمد.

ر. ک. Colonialism

ستيزه درونى Internal conflict

هماهنگى درونى Internal harmony
حرکت اجزاء و عناصر يك مجموعه در جهتي يکسان .

مهاجرت داخلى Internal migration
با مهاجرت بداخل (Immigration)

مشتبّه نشود .

Migration

ر. ك .

Internal opposition درونی

در کارکردگرایی، کشش، کشمکش و ضدیت درونی، موجبات امحاء تعادل درونی گروه است و عاملی در راه دگرگونی به حساب می آید .

Internalization درونی ساختن

در روانشناسی اجتماعی درونی ساختن هنجارها به جذب، پذیرش و یگانگی روحی با آنان می انجامد و در نهایت نفس لدوامه (Superego) را تقویت می کند و هسته اصلی شخصیت را بنامی نماید؛ این فرایند، به قوام اجتماعی می افزاید و نیاز به نیروهای اجرایی در جهت تحقق هنجارها را کاهش می دهد. در این حال، قانون از صورت خشک و تحمیلی بیرون می آید و با آشتی آن با انسانها کمی به اخلاق نزدیکتر می شود.

Externalization ر. ك .

International Communication

ارتباط بین المللی

Communication ر. ك .

International division of labor

تقسیم بین المللی کار

اساس نظریه از اقتصاد دانان کلاسیک (نظیر آدام اسمیت و دیکاردو) است، مبنای آن تفاوت کشورها و بالطبع امکان نابرابر آنان در تولید کالاها و ارائه خدمات است. از این رو به زعم آنان باید هر کشور به تولید

کالایی پردازد که از نظر «هزینه مقایسه ای» مقرون بصرفه و از نظر «امتیاز مقایسه ای» بهترین باشد. گزاردۀ های این نظریه (نظیر رقابت کامل، برابری فنی رقبا، تحرک عوامل تولید در سطح بین المللی و هم در سطح ملی) هیچیک تحقق نپذیرفتند. از اینرو، در جهان امروز، اعمال آن جز به افزونی فقر فقرا و غنای اغنیا نخواهد انجامید .

International exchange / ر. ك .

Liberalism / Protectionism ,

Interventionism

International exchange

مبادلات بین المللی

مبادلاتی که بین دو یا چند ملت صورت گیرد؛ این مبادلات یا در قلمرو فرهنگی است که در فرهنگ پذیری یا تبادل فرهنگی از آن بحث می شود، یا در قلمرو اجتماعی - اقتصادی است که در مورد آن اندیشه ها بسیار و گساده متفاوت است. اقتصاد دانان کلاسیک نظیر آدام اسمیت، دیکاردو و... معتقد به آزادی مبادلات بین المللی هستند به نظر آنان این امر به تقسیم کار بین المللی کمک می کند، چه هر ملتی با توجه به شرایط اقلیمی، سنتها و تجربه های انباشته اش کالایی خاص تهیه خواهد کرد که هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی مطلوب است. اساس این مبادلات آزادی مبتنی بر عدم دخالت دولت و سقوط مرزهای گمرکی است. اما در قرن بیستم این اندیشه ها مورد انتقاد بسیار قرار گرفت.

باز شدن بی قید و شرط - مرزهای اقتصادی
 بجای آنکه به همبستگی عضوی در جهان
 انجامد، خفقان اقتصادی جهان سوم را موجب
 شد. پیدایی شرکت‌های چند ملیتی، چهره‌های
 تازه استعمار، شیوه‌هایی چون رقابت مکارانه
 (Dumping) جوانی صنایع در جهان سوم
 و فقدان تجربه صنعتی در این کشورها، همگی
 شکست نظریه آزاد بگزارید
 (Laissez - faire ، Laissez - passer)
 را موجب گردید. پس مکاتبی دیگر مبتنی بر
 حمایت از صنایع داخلی (protectionism)
 از طریق پذیرش دخالت دولت
 (Interventionism) پدید آمدند و حقایقی
 بسیار تجلی آنان را تسریع کرد: به عنوان
 مثال از همان آغاز قرن بیستم (۱۹۲۰) کشور
 برزیل می‌بایستی در برابر یک ماشین فورد
 بیست گونی قهوه تحویل دهد و این روند هر
 روز وخیم‌تر شد تا آنجا که همین کشور، مجبور
 شد در سال ۱۹۶۲ در برابر همان ماشین ۲۶۰
 گونی قهوه به امریکای شمالی تحویل دهد.
 پس، در نیمه دوم قرن بیستم شاهد تجلی سرمایه
 داری ارشادی، ارتقاء مرزهای گمرکی،
 مقاومت جهان فقیر در برابر هجوم اغنیای
 جهان بودیم و مبادلات جهانی صورتی دیگر
 یافت.

ر. ک. Protectionism / classical
 school / Dumping ، Multinational
 corporations / Interventionism /
 underdevelopment / Third world /

Acculturation

فراملی‌نگری Internationalism

- واکنشی است در برابر ملی‌گراییهایی
 افراطی (chauvinism) و تأکیدی است بر
 امکان استقرار روابط صلح آمیز بین ملل و
 همکاری آنان. این اندیشه که با ورود جامعه
 جهانی به عصر ارتباطات جمعی و پیدایی آنچه
 مک‌لوهان قبیله یا دهکده جهانی می‌خواند،
 بیش از پیش مطرح می‌شود، خود با واکنشهای
 مخالف و موافق مواجه شده است.
 الف: موافقین.

۱- به نظر برخی همچون باکستون
 (C.R. Buxton) باید «تا آنجا که امکانات
 اجازه می‌دهد، بیش از پیش اصول فراملی-
 نگری را مورد تأکید قرار دهیم، که در واقع
 خط دیگری در راه پیشرفت جز آن نیست،
 طرز تلقی درست ... آن است که بصراحت
 اندیشه «جامعه بزرگ» را که جوامع باید با
 حفظ حاکمیت خود بدان پیوندند، بپذیریم.
 یک اتحاد کارآی ملل بیش از هر زمان دیگر
 در جهت دآوری، توسعه و یا حراست (از
 صلح و بقاء) ضروری است».

(«Intercontinental peace» in

L. Woolf (ed). *the intelligent
 Man's Way to prevent War* ,
 P , 232)

۲- از نظر لودوین (L.L. Lorwin)

فراملی‌نگری «یک اندیشه، یک خط مشی
 یا روشی است که ویژگی اصلی آن تأکید بر

منافع مشترك ملل ، وابستگى متقابل سياسى و اقتصادى همه ملتها و همكارى و هم انديشى بين آنها در مقابل جنگ و كشمكشهاى مى مى باشد .

(*Labor and internationalism*,
1929 , P . 1)

ب - مخالفين :

نظر كسانى است كه اين اندیشه را رؤيائى و محملی جهت عدم پاسخ به انتظارات مى دانند . به زعم هودجنتو (H.L.Morgenthau) ، « فراملى نگرى هيچ تماسى با صحنه بين المللى ندارد ، اندیشه اش ، اگر هم بطور كافى عام باشد ، صرفاً مى تواند در بالاي كره زمين پرسه زند ، بدون آنكه هيچ امكان برخورد با وقايع سخت جهان سياسى داشته باشد . »

(*Scientific Man . Vs . Power*
Politics , P . 88)

بين المللى گرايى با جهان وطنى (cosmopolitism) يکى نيست - بدان رك

میانگیری Interpolation

تخمين يك ارزش مياني مجهول با در نظر گرفتن دوبا چند ارزش معلوم . به عنوان مثال مى توان جمعيت ايران را در سال ۱۳۴۰ با توجه به تعداد آن در سالهاى ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ كه با سرشمارى تعيين شده است تخمين زد .

ر. ك. Extrapolation

Interpretative sociology

جامعه شناسى تاويلي

مؤلفينى چون آندرسكى (S.L.Andreski) در اثرش « مباني جامعه شناسى مقايسه اى » و كوهن (M.R.cohn) در اثرش « فرد و طبيعت » بدان توجه كردند . در اين گونه از جامعه شناسى كه به زعم آنان در برابر جامعه شناسى توصيفى قرار مى گيرد ، باز يابى شبكه على بر وراى واقعيت ملموس مطرح است ، در آن موردى ملموس و نه نظرى مطرح مى شود و مؤلف گزاره هاى نظرى در آن وضع کرده و در تحليل به كار مى گيرد .

ر. ك. Sociology

حوزه گسست Interstitial area

- مفهومی است از تراشر (F.M.Thrasher) كه در بحث از دسته هاى جوانان جنايتكار در شهر شيكاگو بدان اشارت دارد . به نظر او اين مناطق در حال گذرند . اشغال مناطق مسكونى توسط صنايع و تجارت و عوارض اجتماعى ناشى از آن نظير فحشا ، بسط جنايت و بزهكارى جوانان ، در اين مناطق بچشم مى خورد . سرزمين كانگستري حوزه اى است در درون شهر كه از نظر اجتماعى و جغرافيايى داراى گسست مى باشد . حوزه هاى گسست مظهر شكاف و گسسته هاى در ساخت و سازمان اجتماعى است ؛ دسته جنايى را بايد همچون يك عنصر گسستى در چارچوب جامعه و سرزمين

جنایی را به عنوان يك منطقه گسست در تر کیب
شهر دانست .

(the Gang, a study of 1313
gangs in chicao
P : 22)

— این اندیشه را همگان نپذیرفته اند .
به عنوان مثال ، کین (J.A. Quinn) ، فایده و
اعتبار این مفهوم را مورد سؤال قرار داده
به نظرش «نقشه جنایت ، بیشتر با احتساب
تمرکز مهاجرین قابل ترسیم است . چه ،
مهاجرین جهان کوچکی از نظر اجتماعی برای
خود پدید می آورند ، جوانترند ، ارزشهای
سنتی را رها کرده و ارزش جامعه مقصد را
نیز نپذیرفته اند» .

(Human Ecology , Newyork,
Prentice Hall , 1950 , P , 483)

روابط متقابل Interrelations

مناسبات متقابل Interrelationships

مقیاس مدرج هم فاصله Interval scale
ر. ک. Scale

متغیر مداخل Intervening variable
ر. ک. Variable

مداخله گرایی - Interventionism
هواداری از مداخله دولت در اقتصاد

در برابر مکتب اقتصادی کلاسیک
(classical school) ، که لیبرالیسم از آن
منشأ گرفت و تجلی کرد ، در این مکتب ،

ورود دولت به بازار ، حمایت از صنایع نوپا
در جهان سوم و همچنین در سطح داخلی ،
حمایت از طبقات محروم با دور نگهداشتن
کالاهای اساسی از تورم ، انحصار و ...
مطرح است .

ر. ک. Classical school / Dirigism/

Etatism/ Directed capitalism ,

Protectionism/ Protectionalism

مداخله گرایی - Interventionist

هوادار مداخله دولت در اقتصاد

مصاحبه Interview

یکی از فنون مهم در پژوهشهای انسانی
اجتماعی است ، با ویژگیهای زیر :

جلسه ای را که در آن یک نفر برای دیگران
صحبت می کند و یا مجمعی را که در آن
جمعی در مذاکره اند ، مصاحبه خطاب نمی کنیم .
دوم آنکه مصاحبه به عنوان وسیله تحقیق
باید به تعامل بین طرفین مصاحبه انجامد .
لفت تعامل که بازهم از زبان عربی گرفته شده
است ، در ترجمه interaction در فرانسه و
انگلیس به کار رفته است . این لغت بمعنای
عمل متقابل یعنی تأثیر و تأثر است . در
مصاحبه طرفین بر یکدیگر تأثیر می کنند ، لذا
می گوئیم مصاحبه حاکی از تعامل بین دو نفر
است . و بالاخره مصاحبه مستلزم هدفی است
که از پیش تعیین شده باشد . بنابراین ،
نمی توان صحبت دو آشنا را مصاحبه بمعنای
وسيلة تحقیق خواند . هدفهای گوناگونی

می‌توانند از طریق مصاحبه متحقق شوند یعنی مصاحبه می‌تواند جنبه امری، اطلاعی و یا مشورتی بخود گیرد. به ترتیب زیر:

۱- از طریق مصاحبه می‌توان به کسب اطلاعاتی در مورد امور عینی نایل آمد. محقق می‌تواند با توسل باین وسیله اطلاعاتی از پاسخگو در خصوص نوع رفتار او، با سایرین به دست آورد. مثلاً اگر هدف تحقیق به دست آوردن اطلاعاتی درباره چگونگی عبور و مرور در تهران است، محقق می‌تواند با استفاده از مصاحبه، دریابد که معمولاً رفتار تهرانیها در این خصوص چگونه است، چه ساعتی معمولاً از خانه بیرون می‌آیند، چقدر در مسیر خود وقت صرف می‌کنند و تا چه حد تراکم عبور و مرور در ساعات مخصوص از روز بالا می‌رود.

۲- مصاحبه می‌تواند اطلاعاتی در مورد عقاید افراد در اختیار ما گذارد.

اگر باز هم فرض کنیم که هدف ما تحقیق درباره چگونگی عبور و مرور در تهران باشد. می‌توانیم با توسل باین وسیله تحقیق، یعنی مصاحبه، دریابیم که تهرانیها در خصوص وضع عبور و مرور شهرشان چگونه فکر می‌کنند

و نظر آنها راجع به مؤلین این امر چیست.

۳- محقق می‌تواند با استفاده از مصاحبه

به علل رفتار و باعقاید نیز نایل شود، اگر به پذیریم که غایت علم شناخت امور پنهانی است، یعنی هدف عالی دانشمند اجتماعی به دست

آوردن صرفاً چند رقم نیست، بلکه شناسائی علل عمیقی است که در ورای کمیات و امور عینی و ظاهری قرار دارند، مصاحبه را باید یکی از مهمترین وسایل تحقیقی بشمار آوریم. زیرا در مصاحبه، مخصوصاً در مصاحبه آزاد، همانطوری که بعداً ملاحظه خواهیم کرد، می‌توان با دقت و توجه خاصی علل پیدایی پدیده‌ها را دریافت.

۴- در مصاحبه می‌توان از این هدف نیز پا فراتر گذارد، و استعدادها و توانائیهای روانی افراد را شناخت.

هدفهای مصاحبه را می‌توان با در نظر گرفتن طرفین مصاحبه در سه مقوله خلاصه کرد:

۱- در مصاحبه هدف مای تواند يك جانبیه باشد، یعنی صرفاً محققى به طرح سئوالانى پردازد تا تحقیق خود را به انجام رساند، در صورتی که مخاطب او هدفی از این سؤال و جواب نداشته باشد.

۲- هدف مصاحبه می‌تواند دوجانبه باشد. یعنی هم پرسشگر و هم مخاطب او هدفی از برخورد با یکدیگر داشته باشند. شخصی را فرض کنیم که به علت ناراحتیهای روانی به روانپزشك و یا روانکاو مراجعه می‌کند و بدین ترتیب مصاحبه‌ای بین آنها بر گساز می‌شود تا علت یا علل ناراحتیهای روانی مریض پیدا شود. در این مصاحبه روانپزشك هدف مخصوصی دارد و آن درمان درد روانی مشتری خویش است و بنوبه خود مریض نیز

هدفی دارد و آن مداوای اختلالهای روانی اوست. پس درچنین صورتی مصاحبه هدف دوطرف را متحقق می‌کند، یعنی هدف آن دوجانبه است.

۳- ممکن است مصاحبه‌ای برگزارشود و در آن مخصوصاً هدف فرد ثالث و یا سازمان دیگری در نظر باشد. فرض کنیم سازمان و یا شرکتی احتیاج به چند نفر کارمند داشته باشد. در این صورت از چند متخصص می‌خواهد تا با داوطلبان ورود به سازمان یا شرکت مصاحبه کنند و از بین آنها چند تن را برگزینند. بی‌تردید در چنین حالتی مصاحبه مخصوصاً به تأمین نظر سازمان و یا شرکت توجه دارد.

مصاحبه‌های تحقیقی را نیز با در نظر گرفتن ملاکهایی چند می‌توان به انواع گوناگون تقسیم کرد:

اولین ملاکی که ما را در تقسیم بندی مصاحبه‌ها به کار می‌آید، میزان آزادی پرسشگر در طرح سؤال و پاسخگو و در جوابگویی است. دومین ملاکی که با زهم می‌تواند ما را در تقسیم بندی مصاحبه‌ها کمک کند، درجه عمق تحقیق است. بالاخره آخرین معیار و ملاکی که بما اجازه می‌دهد تا انواع گوناگون مصاحبه را بازشناسیم، درجه عمق تحقیق و میزان آزادی طرفین مصاحبه توأماً خواهد بود.

بدین ترتیب با در نظر گرفتن این دو ملاک می‌توان مصاحبه را به انواع گوناگون تقسیم کرد:

۱- مصاحبه آزاد. در مصاحبه آزاد پاسخگو در بیان پرسشها و پاسخجو در طرح آنها، آزادی کامل دارند. از طرفی پرسشگر آنچه را که به نظرش ضروری می‌رسد مطرح می‌کند و در طرح سؤال خود هیچگونه محدودیتی احساس نمی‌کند. از طرف دیگر پاسخگو در جواب به سئوالها، آزادی کامل دارد. پرسشگر در چنین مصاحبه‌ای می‌تواند ایده‌های خود را در هر پوشش کلامی قرار دهد، یعنی او می‌تواند، سئوالهای خود را با هر عبارتی که مایل باشد، مطرح کند. از جانب دیگر پاسخگو نیز جواب خود را می‌تواند به هر صورت که مایل باشد و در هر لفظی که دوست داشته باشد، بیان دارد.

۲- مصاحبه نیمه آزاد. همانطوری که از نامش برمی‌آید در مصاحبه نیم آزاد، طرفین یعنی پرسشگر و جوابگو، محدودیت‌هایی احساس می‌کنند. از طرفی، پرسشگر، باید صرفاً موضوعهای معینی را مطرح کند و فقط در خصوص آنها جواب در یافت دارد. از طرف دیگر، پاسخگو نیز نمی‌تواند، احساس و عقیده خود را آنطوری که ترجیح می‌دهد در کمال آزادی ابراز کند. در این نوع مصاحبه که بعداً شرایط اعمال آنرا ملاحظه خواهیم کرد. پرسشگر و پاسخگو محدودیتهایی دارند. هیچیک آزادی کاملی را که در مصاحبه آزاد از آن می‌تواند برخوردار شود ندارد.

۳- مصاحبه محدود. در مصاحبه محدود،

نه تنها موضوعاتی که پرسشگر باید مطرح کند از قبل معین شده‌اند، بلکه این موضوعات بطور دقیق رده‌بندی شده‌اند. پرسشگر ناچار است هریک از موضوعات را درجای خود طرح کند و هیچیک را به سلیقه خود بردیگری مقدم ندارد. علاوه بر این، در مصاحبه‌های محدود پرسشها از قبل در قالب کلماتی معین قرار گرفته‌اند. پرسشگر باز هم ناچار است، هر پرسش را با کلماتی مخصوص و یکسان طرح کند و از پاسخگو بخواهد که هریک از سئوالها را بطور دقیق و مختصر پاسخ گوید. این بود بطور خلاصه، انواع گوناگون مصاحبه با در نظر گرفتن میزان آزادی طرفین (پرسشگر و پاسخگو). در صفحات بعد خواهیم دید که هر قدر مصاحبه با آزادتر باشد، تحقیق ما عمق بیشتری می‌یابد.

همانطوری که در سطور بالا بیان شد، در مصاحبه محدود درجه آزادی پرسشگر در طرح پرسشها و جوابگو در بیان آنها، به حداقل خود می‌رسد. مصاحبه محدود مخصوصاً بما اجازه می‌دهد که در برابر پاسخگویان گوناگون سئوالهایی یکسان با الفاظی مشابه مطرح کنیم و بدین ترتیب، واکنش هریک از آنها را در برابر انگیزه‌های یکسان بسنجیم. مصاحبه محدود باید همراه با پرسشنامه اجرا شود.

انواع مصاحبه :

مصاحبه متناوب Alternative interview

مصاحبه متمرکز Centered Interview

مصاحبه کانونی ~ Focused

مصاحبه باز ~ Open - end

مصاحبه ساده ~ Simple

مصاحبه ساخت یافته ~ Structured

مصاحبه منتظم ~ Systematic

مصاحبه بی ساخت ~ Unstructured

پرسشگر Interviewer

در چارچوب تحقیقات اجتماعی، به طرح سئوالهای پرسشنامه می‌پردازد. حساسیت پژوهش در علم انسان چنان است که نه تنها دقت در طرح پرسشها ضرورت دارد، بلکه پرسشگر با توجه به نوع ارتباطی که با مخاطب برقرار می‌سازد، زمینه‌ای که در جریان تکمیل پرسشنامه پدید می‌آورد، و طرز طرح سئوالها، تأثیری خاص در اندازه‌گیری دقیق نظرات و واکنشها برجای می‌گذارد.

در سال ۱۹۴۲ در امریکا، تحقیقی بوسیله دو پرسشگر، سیاه و سفید بعمل آمد. در این تحقیق که بر روی جمعیت نمونه واحدی صورت می‌گرفت، این سئوال مطرح شد: «آیا به نظر شما بهتر است نیروی ما صرف از بین بردن قدرت طرفداران آلمان در اروپا شود یا اینکه در راه اصلاحات داخلی کشورمان به کار آید؟» هنگامی که این سئوال بوسیله پرسشگر سفید پوست مطرح می‌شد، ۶۲٪ مردم عملیات نظامی علیه هیتلر را مقدم می‌دانستند؛ در صورتی که همین سئوال

هنگامی که در مقابل همان مردم بوسیله پرسشگر سیاه پوست، مطرح می‌شد: این بار فقط ۳۹٪ آنها عملیات نظامی علیه هیتلر را مقدم می‌دانستند. از خود سؤال می‌کنیم «کدامیک از این جوابها صادقانه‌تر است؟» به نظر مزون نوو، نمی‌توان گفت کدام پرسشگر وظیفه خود را بهتر انجام داده است، بلکه علت این تفاوت را باید در اختلاف رنگ پوست پرسشگران جست. نتیجه‌ای که مزون نوو از این تحقیق می‌گیرد، این است که هر قدر منازات اجتماعی افراد پرسشگر و پاسخگو بهم نزدیکتر باشد، طرز فکرها بهتر و صادقانه‌تر بیان می‌شوند، زیرا تماسی که بدین ترتیب برقرار می‌شود، تماسی است همه جانبه. به نظر او مخصوصاً از این نتیجه در تحقیقاتی باید استفاده شود که هدف آنها به دست آوردن علل و عوامل پیچیده و عمیق يك مساله است.

بی‌تردید هر قدر پرسشگر بکوشد، تا به عنوان فردی بی‌طرف در برابر پاسخگو ظاهر شود، باز هم ناخودآگاه، تأثیر او در نحوه جواب قابل ملاحظه خواهد بود.

تحقیق هیمان و اسمیت در این مورد شاهد خوبی است. بطور کلی، موضوع این تحقیق، انزوای سیاسی امریکا و یا شرکت این کشور در مسائل کلی بین‌المللی بود.

پرسشگران را به دو گروه تقسیم کردند: گروهی از پرسشگران با انزوای سیاسی امریکا موافق

بودند، و گروهی دیگر از آنها بر عکس اعتقاد داشتند که امریکا باید به عنوان قدرت بزرگ جهانی در حل مسائل بین‌المللی بکوشد. هنگامی که به پاسخگویانی مراجعه می‌شد که اکثر با دخالت امریکا در سیاست کلی جهانی موافق بودند، پرسشگرانی که با چنین طرز فکری موافق بودند ۷۸٪ از بین این مردم را طرفدار دخالت امریکا در سیاست جهانی یادداشت می‌کردند؛ در صورتی که پرسشگران مخالف با این نظر، فقط ۶۱٪ از همین مردم را مداخله‌جو یا طرفدار مداخله امریکا در سرنوشت سیاسی جهان قلمداد می‌کردند. در حقیقت نظر پرسشگر، خواسته‌ها و انتظارات او، موجب می‌شوند که وی مطالب پاسخگویان را بطور ناآگاه بنحو دیگری موافق با خواسته‌های خود یادداشت کند. آگاهی از این تمایل طبیعی وسعی در مبارزه با آن برای هر پرسشگر ضروری است.

Intimate group

گروه با تماس نزدیک - گروه خودمانی

Group ر. ک.

Intra - group relations

روابط درون گروهی - روابط درونی گروه

در برابر Inter - group relation

که معنای روابط متقابل بین گروه‌های امریکا و (بدان ر. ک.)

Intra - national درون مرزی

در برابر بین‌المللی (International)

- Intrinsic** خودجوش - ذاتى - طبيعى مى گيرد .
- Extrinsic** در برابر **Intrinsic** ، با مفاهيمى چون جبلى (**Innate**) ، ذاتى (**Inherent**) . مشتبّه نشود (به هريك ر.ك)
- Intrinsic rate of natural increase** ميزان افزايش خودجوش جمعيت
- ميزان افزايش طبيعى است كه در جمعيتى در صورت تداوم ميزان مرگ و مير و بارورى برحسب سن و بشرط بسته بودن جمعيت (فقدان مهاجرت بداخل يا خارج) به دست مى آيد .
- Introgression** درون سويى
- Introjection** درون فكنى
- فرايندى ناآگاه را مى رساند كه موجبات همانند سازى با ديگرى را فراهم مى سازد . در اين حالت ، شخص ارزشها ، عقايد و حتى رفتار ديگرى يا ديگران را از آن خود مى داند. در روانكاوى درون فكنى رامكانيسى دفاعى مى خوانند. بدينسان ، فرد مورد ايذاء رفتار و عقايد آزار دهنده خود را بخود مى گيرد . (از آن خود مى كند)
- Introspection / Intropathy** ر.ك .
- Introvert / compensation mechanism**
- Internalization / projection**
- Intropathy** شناخت بى واسطه ديگرى
- نوعى از شهود (**Intuition**) است كه بر مبناي آن شناخت ديگرى با بررسى حالات روانى خود و انتساب آنان بديگرى صورت مى گيرد .
- Introspection** درون نگرى
- قياس حالات روانى ديگرى (ان) بسا وجود به حالات درونى خويشتن . شيوه اى است نادرست كه بر پايه آن فرد سمى مى كند ديگران را از خود قياس كند و آنچه در خود مى بيند ، دنياى روانى ديگرى پندارد.
- Introspectionism** آيين درون نگرى
- آيينى كه درون نگرى را شيوه اى قابل قبول مى داند .
- Introspective investigation** بررسى مبتنى بر درون نگرى
- Introversion** درون گر ائى
- Introvert** درون گرا
- در گونه شناسى يونگ و در كتابش با نام «گونه هاى روانشناختى» (**Psychological types**) درون گرا ، در برابر شخصيت برون گرا (**Extrovert**) ، شخصيتى را مى رساند با گرايش به درون نگرى. در نتيجه برخلاف برون گرا كه شىء برايش حائز ارزش است ، براى درون گرا مدرك يا «من» حائز ارزش اصلى است . گرايش مفرط به درون اكثراً به دورى از واقعيت برونى يادر جهت كم شمادى (**underestimation**) و يا تبلور (**crystallization**) مفرط آن مى انجامد.
- Extrovert** ر.ك .
- Intuition** شهود
- Intuitionism** شهود گر ائى

آیینی است که ادراک حقیقت را از طریق	Questionnaire	ر. ک.
شهود ممکن می‌داند. این آیین و آیینی	Inverse questionnaire	
دیگر که شهود گرائی (Intuitionism)		پرسشنامه معکوس
خوانده می‌شود و بر پایه آن اشیای خارجی با	Content analysis	ر. ک.
شهود بطور آنی درک می‌شوند؛ درینک معنا	Investment	سرمایه‌گذاری
مصادق این بیت است :	Investigation , Social	
پای استدلالیان چوبین بود		وارسی اجتماعی
پای چوبین سخت بی‌تمکین بود	Social investigation	ر. ک.
به زعم گودویچ، مکاتب ذهن گسرا	Investigator	وارس - پژوهنده
(Subjectivist) در جامعه شناسی، از جمله	Irrational	غیر عقلانی
مکتب تفهیمی، در صورت افراط، به شهود	Rational	در برابر
گرای و دوری از واقعیت می‌انجامد.	(Anti - rational)	مشتبه نشود.
Mysticism / Gnosticism	Rationalism	ر. ک.
Intuitive		شهودی
Invention	Irrational behavior	
با کشف (Discovery) یکسان نیست،		رفتار غیر عقلانی
چه، کشف، بازیابی آن چیزی است که وجود	Irrationalism	خردگریزی
دارد و حال آنکه در اختراع یدیده‌ای نو	Rationalism	ر. ک.
تولد می‌یابد. از دیدگاه جامعه شناسی، نوع،	Irregular	نامنظم
شیوه و نتایج اختراع و کاربرد آن تابعی از	Islam	اسلام
نظامهای اجتماعی است. به بیان دیگر،		دومین دین بزرگ جهان است. کتابش
اختراع می‌تواند در زمینه‌های رفاهی، فنی،	Isam	قرآن کلام خداست و پیامبرش محمد (ص)
جنگی و یا ... بر حسب ارزشهای اصلی جامعه		ایسم
و مسائل خاص مبتلا به آن صورت یابد. از		از شناخته‌ترین، پرکاربردترین و حتی
نظر ماهیت، اختراع می‌تواند فنی یا نظری		جهانی‌ترین پسوندهاست. گستره کاربرد آن
و در زمینه اندیشه تحقق یابد.		چنان است که گاه برورای مرزها و زبانها
		عیناً تکرار می‌شود؛ بعضی از کاربردهایش
		چنین‌اند :
Inverse funneling		
روش قیفی وارونه		- در مواردی ایسم جزء واژه است،

معناى خاصى ندارد ، و گاه واژه بدون آن ارزش نمادى خاص خود را از دست مى دهد. از این قرارند واژگانی نظیر :

تن واره - اندام Organism

مکانیسم - سازوکار Mechanism

پویایی Dynamism

- در موردی دیگر ، ایسم ، گرایش ناموجه ، متکی بر منافع خاص را مى رساند که در آن صورت تعبیر دیگری در مقابل آن آمده است ، نظیر :

تحمیل گرایی - ساخت و پاخت Lobbyism

که در اصطلاح به معاملات ، مصالحات و زدوبندهای پشت پرده توسط افراد یا گروههای ذی نفوذ اطلاق می شود .

- علاوه بر این ، گاه ایسم مکتب ، آیین ، خط یا خطوط مشترك در اندیشه ، گرایش ، تمایل یا توجه خاص به عقیده ای ، فردی و یا حتی چیزی خاص را مى رساند ، گسترده ترین کاربرد ایسم در این مقوله می گنجد و در فارسی معادلهایی بسیار یافته است ، نظیر : مکتب ، آیین ، ... گرای ، ... اندیشی ، ... پرستی ... زدگی ، مکتب اصالت و حتی ایسم در این معنا کاربرد ایسم مواردی چند می یابد که از يك دیدگاه به سه گونه تقسیم می شود :

۱- درموردی مکتب بر پایه يك اندیشه پیریزی شده است ، نظیر :

ساخت گرایی Structuralism

۲- درموردی دیگر ، يك فردمحور

مکتب قرار می گیرد که باز خود به صورتهای گوناگون قابل تقسیم است :

الف : زمانی ، زندگی ، مبارزات راستین ، صداقت و وطن پرستی فرد محور مکتب است ، نظیر :

دوگم گرایی Gaullism

ب : زمانی اندیشه خلاق و ابتکاری فرد محور و مرکز مکتب را تشکیل می دهد ، نظیر :

دکارت گرایی Cartesianism

ج : زمانی اندیشه های مخرب ، نادرست و یا اعمال سبع فرد اساس مکتب را مى رساند که در این صورت مکتب یا منبعث از ریاست مانند :

Machiavellism

ماکیاول گرایی - مکتب ریا - تزویر گرایی یا متکی بر تابعیت از دژخیم :

هیتلر گرایی - سبعیت Hitlerism

۳- در مواردی چند نیز اشیاء محصور اصلی مکتب قرار می گیرند ، نظیر :

بتواره پرستی Fetishism

توئم پرستی Totemism

- کاربرد دیگر ایسم ، ایجاد واژگانی است مبین ویژگیها و مشخصات زبان ، نظیر : به کاربردن واژگان غیر معمول Archaism - دیگر مورد استعمال ایسم ، زمانی است که گرایش مغرط ، مرض آلود و نادرست از واژه برمی آید ، نظیر :

- جزء واژه است و اساساً صورت پسوند ندارد، در حالات دیگر نیز بدون هیچ قاعده مشخصی واژه با ایسم وبدون ایست آمده است، نظیر این نوع واژگان بسیارند؛ از جمله:
- Diabolism شیطان صفتی
Metabolism سوخت و ساز
Mongolism مرض بلاهت
به دارنده مرض Mongolian خطاطاب می شود و به صورت Mongolist اساساً ثبت نشده است.
- ۲- مواردی است که واژه با ایست آمده است، اما هرگز با پسوند ایسم ثبت نشده است. باز این نوع مفاهیم بسیارند، نظیر:
- Diversionist انحرافی
Essayist مقاله نویسی
Imagist تصویرگرا (کسی که در صدد روشن کردن، بیانش با کماله از تصاویر است.)
Proportionalist تناسب گرا
Monetarists کارشناسان پولی
- ۳- شامل حالاتی است که واژه با هر دو (ایسم و ایست) آمده است، ولی با دو معنای متمایز که با قاعده معمول تباین دارد، از این قرار است:
- Statism دولت گرایی
Statist آمارگر
Isolate (to) منزوی کردن
Isolate تک افتاده
- از دیدگاه جغرافیایی به محدوده ای جدا و منزوی اطلاق می شود؛ در جامعه شناسی گروهی یا فرهنگی خاص، متمایز و جدا از کل جامعه را می رساند. در این معنی به
- Hospitalism پرستار مادری
بیمار روانی خاصی که از فقدان مادر متا می گیرد.
Alcoholism اعتیاد به الکل
Morphinism اعتیاد به مرفین
کاربرد دیگرش زمانی است که مراد ساختن اسم مصدر است که یکی از مهمترین موارد استعمال ایسم را می رساند و خود صوری بسیار گوناگون می پذیرد و در فارسی با پسوندهایی نظیر: ی، ش، ترادف می یابد از این قبیلند:
- Conservatism محافظه کاری
Pessimism بدبینی
هر چند اکثر در برابر پسوند ایسم برگردان یا برگردانهای نهاده می شود؛ اما در بعضی از موارد، بناچار عیناً در فارسی به کار رفته است از جمله: لیبرالیسم (Liberalism)، سوسیالیسم (Socialism) و ...
- گذشته از این، همواره ترجمه ایسم با يك پسوند یا واژه میسر نیست؛ بلکه جمله ای معادل آن است، از این قبیلند: Tokenism
پدیده های گروهی، اندک به منظور پاسخ به ناراضیان
مکتبی که اقتصاد را محور
Economism اصلی رفتار آدمی می داند (اقتصادزدگی)
تأکید مفرط بر اهمیت
Sociologism جامعه شناسی (جامعه شناسی زندگی)
بالاخره، هر چند باید ایسم گرایش و ایست گرونده را برساند، ولی، این قاعده عمومیت ندارد و صور زیر امکان وقوع دارند:
- ۱- مواردی که واژه ایسم ثبت شده است. اما، ایست اساساً ثبت نشده است. چنین مواردی بسیارند، از جمله زمان نیست که ایسم

باشند نظیر مقاومت منفى
(Passive Resistance) از جانب ملتى در
برابر بیگانگان استعمارگر .

Intentional isolation

جدا ماندگى عمدى *

در مواردی چون نبوع فردى مطرح
مى شود و جامعه از پذیرش آرایى بسیار پیشرو
عاجز مى ماند .

Economic isolation

انزوای اقتصادى
فقدان ارتباط اقتصادى با افراد دیگر یا
گروههای دیگر است، که در صورت خود
بسندگى (Autarky) و یا اقتصاد بخور و
نمیر (Economy of subsistence) پیش
مى آید، بمنظور دفع هر نوع انزوای اقتصادى
اقتصاد دانان کلاسیک تقسیم کار بین الملى را
پیشنهاد مى کردند .

Political isolation

انزوای سیاسى
ر. ک. Isolate / classical school /
Ostracism / Social sanction /
Passive resistance

انزوا طلبى Isolationism

صورت Social isolate یا :

Cultural Isolate به کار مى آید .

انزوا ، جدا ماندگى Isolation

در دنیایی که به زعم بعضی (مک لوهان)
به صورت خانواده یا قبیله ای جهانى درآمده
است ، انزوای يك ملت معنایی حاد و متبلور
دارد . با توجه به علل و عوامل آن ، انزوا
صوری بسیار مى یابد :

Cultural isolation

انزوای فرهنگى
جدا ماندگى يك فرد یا جمعى خاص از
نظر فرهنگى و کاهش یا اضمحلال مبادلات
فرهنگى. در مواردی چند این نوع انزوا تابع
جغرافیاست .

Imposed isolation

جدا ماندگى تحمیلی

در حالت فردى با طرد اجتماعى
(Ostracism) یا عدم پذیرش فردى از جانب
جامعه مرتبط است که دلیل آن مى تواند زیر
پا گذاردن هنجارهای پذیرفته جامعه از سوى
او باشد ، یا علل سیاسى بوجود آورنده آن

J

James (william)

جیمز

است . برخی از آثارش بدینقرارند :

فیلسوف و روانشناس امریکایی است (۱۸۹۰-۱۸۹۲). او از علوم طبیعی (فیزیک، شیمی و علوم زیستی) آغاز کرد، سپس به روانشناسی روی آورد و از این دیدگاه روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی را نیز تحت تأثیر قرارداد . مفاهیم اساسی مورد نظرش غریزه و «من» است . در زمینه نخست، او اعتقاد داشت که انسان نیز دارای غریزه است، ولی، تعداد غرایزش چنانند که بر خلاف رفتار ساده حیوانی، رفتاری سخت پیچیده از خود نشان می دهد. در زمینه دوم او به «من» از دیدگاه اجتماعی نگریست . اعتقاد داشت که انسان به تعداد انسانهایی که او را می شناسند، من می یابد . هر کس او را به صورتی می بیند و اندیشه ای خاص در مورد او دارد . جیمز از پیشگامان عمل گرایی

Principles of psychology , Pragmatism . Great men , Great Thought and the environment .

Jihad

جهاد

نبرد مقدس مسلمانان را می رساند. جهاد یا جنگ مقدس برای مسلمانان واجب کفایی است و علیه کفار، یا ملحدین لازم المحاربه صورت می گیرد .

J . curve theory نظریه منحنی جی

Rising expectations ر. ک .

Joint family خانواده پیوسته

Family ر. ک .

Joking relationships

مناسبات استهزاء آمیز

— مناسباتی است بین دو فرد یا احیاناً دو

Judgement of value

قضاوت ارزشی

هر گاه در ارزشیابی پدیده‌ها، نظرات شخصی، عقاید و ارزشهای خود را دخالت دهیم و پدیده جهان واقع را ابعادی ذهنی و ارزشی بخشیم، به قضاوت ارزشی پرداخته‌ایم. در برابر قضاوت واقعی (Judgement of fact) قرار می‌گیرد. (بدان ر. ك.)

ر. ك. Value freedom

Judgemental sampling

نمونه‌گیری نظری

ر. ك. Sampling

Judicial values ارزشهای قضایی

ر. ك. Value

Justice, Criminal عدالت جنایی

ر. ك. Criminal justice

Justifiable توجیه پذیر

Justification توجیه

در برابر تبیین (Explanation) و

همچنین تعلیل که جستجوی علمی علیت را

می‌رساند، توجیه درست جلوه دادن یا

موجه قلمداد کردن امر واقع است.

موجه Justified

Juvenile delinquency

بزهکاری نوجوانان

ر. ك. Delinquency

گروه که در جریان آن یکی از طرفین یا هر دو مجاز به شوخی با دیگری و بیان کلماتی استهزاء آمیز در مورد اوست، بدون آنکه طرف مقابل حق رنجش یا اعتراض داشته باشد. این نوع روابط گاه آمیزه‌ای از دوستی و تعارض در خود دارد و در مواردی جهت جلوگیری از کشمکش آشکار پدیدمی‌آید. - (ادکلیف براون (Radcliffe Brown)

در اثرش «ساخت و کادکرد در جامعه ابتدایی» (۱۹۵۲) بین مناسبات استهزاء آمیز متقارن (Symmetrical) که در آن هر دو طرف از امکان استهزاء دیگری برخوردارند و مناسبات استهزاء آمیز نامتقارن (Asymmetrical) که در جریان آن فقط يك طرف دارای چنین حقی است، تمایز قائل شده است.

به نظر ژیرول (M. Girault) مبادله کلمات مستهجن و حتی توهین آمیز بمنزله پالایش دوستی و امحاء کشمکش است

(Alliance cathartique, Africa, vol XVIII, 1948)

Judgement of fact قضاوت واقعی

قضاوت واقعی مستلزم عدم دخالت نظرات

و عقاید شخصی و بالاخره ارزشها در داوری

است. در برابر قضاوت ارزشی

(Judgement of value) قرار می‌گیرد.

بدان ر. ك.

ر. ك. Max weber. value freedom

K

Kakistocracy حکومت ناصالحان

حکومت حمقا، فاسدان و بطور کلی
نا شایستگان در برابر حکومت صالحان

Oligarchy / Plutocracy / ر. ک.

Monarchy / Democracy, Despotism

Meritocracy / Meritism

Kalifate خلافت

سازمان سیاسی اسلام که در آن خلیفه به
عنوان وارث پیامبر، دارای ابعادی متعدد
(قدرت، نفوذ معنوی، پیشوایی دینی و ...) می باشد.

Secularization / Laicization ر. ک.

Kardiner | (Abram) کاردینر

روانپزشک امریکایی است (متولد
۱۸۹۱)، توجه او به شناخت آثار عوامل
فرهنگی بر ساخت و حالات روانی است

روانکاوی روی کرد و از فرویدگرایان
جدید (Neofreudists) بشمار آمد.

اندیشه هایش با فروم (E.Fromm) و هودنی
(K.Horney) نزدیکی دارند. تأکیدش بر

فرهنگ، ویرا بسا لیتن (R.Linton) آشنا
ساخت که نتیجه آن، تعمق در باب شخصیت
از دیدگاهی جدید است که به ابداع مفهوم
ساخت شخصیت اساسی :

(Basic personality structure)

از جانب آنان انجامید. برخی از آثارش
چنین اند :

*The individual and his
society. The psychological
frontiers of society*

Katabolism, social

فرسودگی عناصر اجتماعی

- خوانده می‌شود. در جوامع توتمی، همه
اعضاء يك كلان خود را از نیایسی مشترك
می‌دانند و همخون و خویشاوند. این نوع
خویشاوندی را توتمی و همچنین قرار دادی
نیز می‌خوانند.
- گذشته از این، باید از خویشاوندی
منبعث از عقاید دینی نیز سخن راند. بیان آن
در اسلام چنین است: انما المومنون اخوه
— در جوامع مسیحی، خویشاوندی
خاصی با نام تعمیدی نیز بچشم می‌خورد و
در بین اسلاوها نزد کسانی که در زیارتگاه یکدیگر
را می‌بینند، نوعی پیوند خویشاوندی دایم
صورت می‌بندد.
- در اکثر جوامع، خویشاوندی رضاعی
یا ناشی از شیرخوارگی به استقرار نوعی
پیوند دایم بین انسانها می‌انجامد.
- خویشاوندی می‌تواند از طریق پدر
احساب گردد که بدان پدر سوئی:
(Patrilateral) و یا صرفاً پدری
(Paternal) اطلاق می‌شود. در غیر این
صورت خویشاوندی را مادر سوئی
(Matrilateral) و یا صرفاً مادری
(Maternal) و یا رحمی (uterine Kins)
می‌خوانند.
- خویشاوندی با توجه به درجاتش از
یکسو و خط نسب، انواعی می‌یابد. خویشانی
- ر. ک. Social Katabolism
خویشاوندی Kinship
- خویشاوندی را پیوندی می‌دانند مبتنی بر
همخونی واقعی، قراردادی و گاه توتمی و
یا انواع روابط سببی، بدینسان انواع و
صوری چند می‌یابد، نظیر:
- قبل از همه باید خویشاوندی ناشی
از همخونی را نام برد که بالطبع صوری
جسمانی دارد. آنرا خویشاوندی نسبی یا
زیستی (Biological) یا ناشی از اشتراك
خونی (Blood Kinship) می‌خوانند.
- نوع دیگر خویشاوندی منبعث از
زناشویی است که بدان خویشاوندی ناشی از
ازدواج (Kinship by marriage) یا
سببی (Affinity) اطلاق می‌شود. برین
اساس، باید مفهوم Kinship را صرفاً
خویشاوندی نسبی دانسته، بین منسوبین
خونی (Kins) و منسوبین سببی (Affines)
تمایز قائل شد.
- نوع سوم خویشاوندی هائونی (Legal)
(kinship) است که بر پایه فرزند پذیری
(Adoption) پدید می‌آید.
- از جانب دیگسر، مالینوفسکی
(Br. Malinowski) نشان داده است که در
بسیاری از جوامع، نوع دیگری از خویشاوندی
وجود دارد که اسطوره‌ای (Mythical)

حساب می آیند .

بدینسان خویشاوندی ، نظام و انواع آن در جوامع گوناگون پدیده ای پیچیده و بسیار نسبی و متنوع را تشکیل می دهد . آنچنان که به زعم اسپنسر (Spencer) و گیلن (Gillen) باید پذیرفت که اقوام ابتدایی هرگز اندیشه های ما را در باره خویشاوندی ندارند . گاه به عنوان مثال در بین اقوام مالزی ، همه زنان يك نسل ، خواهران یا حتی همسران يك فرد شمرده می شوند . همین موجب گردیده است که مودگان (L.H Morgan) از هرج و مرج جنسی ابتدایی (Primitive promiscuity) سخن راند و حال آنکه چنین نیست ، در این جوامع واحد اجتماعی فرد نیست ، بلکه گروه است و خویشاوندی بین گروهها با یکدیگر تنظیم می شود .

ر. ک. Clan / Fostering / In Laws, Consanguinity / Promiscuity / Agnation / Cognate .

Kinship Constellation

منظومه خویشاوندی

هر نظام خویشاوندی ، مجموعه ای از انواع روابط را پدید می آورد که با هم منظومه خویشاوندی و در مواردی شبکه خویشاوندی (Kinship network) را پدید می آورند.

نظیر پدر - مادر - برادر - خواهر ، درجه يك به حساب می آیند و حال آنکه پدر بزرگ ، مادر بزرگ ، عمو ، عمه ، درجه دو شمرده می شوند؛ آنانکه در يك خط مستقیم خویشاوندی قرار می گیرند ، خویشاوندان خطی (Lineal Kins) شناخته می شوند نظیر فرزند ، پسرش ، پدر بزرگش و... آنانکه در دو خط جای می گیرند جانبی (Collateral) به حساب می آیند. (نظیر پسر یا دختر عموها ، پسر یا دختر عمه ها و...) زمانی که فقط خویشاوندان پدری به عنوان خویشاوند يك فرد به حساب می آیند ، پدر خویشی (Agnation) پدید می آید که در روم قدیم دیده می شد. عکس آن خویشی مادری (Cognition) خوانده می شود . در برخی از نظامهای اجتماعی نظیر یاکوها (yako) در نیجریه خویشاوندی پدری و مادری هر دو به حساب می آیند ، ليك در مواردی معین و برای تحقق اهدافی خاص ، يك تبار بر دیگری پیشی می گیرد ، بدان تبار يك سویه مضاعف (Double unilineal descent) اطلاق می شود .

- در حدنهایی ، لیچ (E.R-Leach)

در اثرش «بازاندیشی ددانشناسی» مدعی است که در جوامعی فرزند صرفاً خود را از آن و تبار پدر می داند و در جوامعی دیگر ، از آن و تبار مادر . در این صورت طرف دیگر به عنوان شوهر مادر یا زن پدر به

Kluckhohn (clyde) گلوکهاون

انسانشناس امریکایی است (۱۹۶۰ - ۱۹۰۵). او در اطریش روانکاو و در امریکا به تحصیلات انسانشناسی پرداخت. در رشته اخیر، به انسانشناسی فرهنگی روی کرد و قلمرو اصلی کار خود را درین زمینه مردم ناداهو (Navaho) قرار داد؛ خطوط اصلی اندیشه اش، ۱) تأکید بر شرکت در حیات اجتماعی مردم مورد مطالعه (اکثر سالهای حیاتش را در بین مردم ناواهو گذراند) ۲) تأکید بر تعارض بین فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی ۳) تأکید بر فرد و نقش وی در درون فرهنگ است. برخی از آثارش بدینقرارند:

-Mirror of man.

-The Navaho.

-Navaho witchcraft

Knowledge, Sociology of

جامعه شناسی دانش

Sociology of Knowledge ر. ک.

Koran قرآن

کتاب آسمانی مسلمانان جهان است شامل ۱۱۴ سوره. این کتاب پیام خداست، که از طریق جبرئیل برپیغمبر نازل شد.

Mohammad / Islam ر. ک.

Kroeber (Alfred Louis)

کروبر

انسانشناس امریکایی است (۱۹۶۰ -

۱۸۷۶) زمینه های کار و اندیشه اش در چارچوب این رشته بسیارند، از آن جمله اند ۱) انسانشناسی فرهنگی ۲) زبانشناسی ۳) فرهنگ شناسی تاریخی ۴) فرهنگ عامه ۵) محیط شناسی فرهنگی ۶) بالآخره شناخت جوامع و شرایط ماقبل تاریخ، به زعم او پدیده ها در سه سطح غیرآلی (Inorganic) آلی (organic) و فراآلی (Superorganic) جای می گیرند که تعدنها در سطح اخیر جای دارند. برخی از آثارش چنین اند:

Handbook of The Indians of California . Anthropology . Configuration of Culture growth. Cultural and natural areas of native north America

Klu - Klux -Klan

کلوکلاکس کلان

گروهی خاص در امریکای شمالی با ویژگیهای گوناگون در زمانهای مختلف: ۱) جمعیت مخالف سیاهان که بعد از جنگ داخلی در جنوب امریکا بر پا گردید ۲) همچنین، سازمانی که در سالهای ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ در جهت مخالفت با نفوذ خارجیان در امریکا پدید آمد.

Kulture فرهنگ معنوی

در آثار جامعه شناسان آلمان، این واژه نظام خاصی از ارزشها را برای تمامی مراحل

اکثر مردم رسوخ دارد و از طریق سنتها انتقال می یابد و حال آنکه تمدن در شهرها ریشه دارد، قابل رویت است، ترقی پذیر است و ابعادی مادی و ابزاری دارد، همانطور که از مرزها نیز می گذرد.

خاستگاه فرهنگی Kulturkreis

فضا یا منطقه ای که در آن فرهنگی خاص اعتبار دارد و از آن منشأ گرفته بسط می یابد.

زندگی می رساند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردد. بعضی آن را در معنای نزدیک با تمدن به کار می برند و حال آنکه برخی دیگر بدان معنایی می بخشند که متضاد با مفهوم تمدن است. از نظر این دانشمندان، این مفهوم ساخت معنوی، درونی و انتقال پذیر در حیات ملی را می رساند که اساساً غیر قابل رویت است و تغییر ناپذیر. اکثر از شرایط اولیه کشاورزی منشأ گرفته در بین

L

Labeling Theory

نظریه برچسب

در دههٔ اخیر، به عنوان ینشی در تبیین ماهیت انحرافات مطرح گردیده است. بکر (S.Becker) در اثرش، پیرونیها (outsiders) محتوای این نظریه را تشریح کرده است. از نظر وی، انحراف، کیفیت عمل يك فرد نیست، بلکه نتیجهٔ قواعدی است که دیگران علیه مجرم به کار می‌برند: پس عمل انحرافی، عملی است که از جانب دیگران چنین انگه یا نشان خورده است؛ مجرم دانستن يك فرد، او را به جنایت ترغیب می‌کند. یا به بیان دیگر، زمانی که فرد احساس می‌کند، دیگران او را مجرم می‌دانند و انتظار جنایت از او دارند، بیشتر به ارتکاب جنایت تمایل می‌ورزد. پس فرد و شخصیت

او تا حدی نیز تابع عقایدی است که ما از او داریم.

ر. ک. Criminology/ Deviance ,
Becker/ Stigma .

کار کودکان Labor , Child
ر. ک. Child Labor

کار قراردادی Labor , Contract
ر. ک. Contract labor

تقاضای کار Labor demand
میزان نیاز بازار کار (Labor market)
به نیروی کار را می‌رساند. در برابر عرضه کار (Labor supply)

Labor dispute
منازعات کارفرما - کارگر

اختلافات بین کارگران (صاحبان نیروی کار) و کارفرمایان (مشتریان نیروی کار) در

- میزان دستمزد، شرایط کار و ...
- Labor, Division of** تقسیم کار
- Division of labor** ر. ک.
- Labor exchange** بورس کار
- Labor force** نیروی کار
- شمار کل نیروی انسانی موجود در بازار کار در جامعه‌ای معین و زمانی خاص. بر اساس تعریف مراکز آماری، این شمار شامل افراد شاغل، موقتاً بیکار و آنانی است که در جستجوی کار هستند. کسانی که توانایی انجام کار را دارا هستند ولیک به کار اشتغال ندارند و تمایلی نیز به انجام آن ندارند، در زمره نیروی کار به حساب نمی آیند.
- Labor intensive** کارگر طلب
- به واحدها یا ایزاری اطلاق می شود که بیش از همه به نیروی کار متکی هستند. در برابر سرمایه طلب (Capital intensive) بدان ر. ک.
- Labor legislation** مقررات کار
- مجموعه قوانین و نحوه اعمال آنان در زمینه حجم کار، ساعات، زمان ومدت کار، همچنین، شرایط کار، بهداشت کار، تأمین کار و شرایط استفاده از نیروی کار.
- Labor market** بازار کار
- آنجا که صاحبان نیروی کار در برابر متقاضیان کار قرار می گیرند. بازار کار در اقتصاد آزاد (لیبرال) صرفاً تابع عرضه و تقاضاست. ولیک، در اقتصاد ارشادی، مقرراتی چند بر آن حاکم است. تأمین نیروی کار، تعیین حداقل دستمزد و تضمین امنیت شغلی، از جانب اتحادیه های کارگری و همچنین نمایندگان جامعه و دولت صورت می گیرد.
- بازار کار می تواند بازاری سیال و یا بسته و منقطع باشد. در حالت اخیر، بیکاری خاصی از آن ناشی می شود که در اصطلاح، اصطکاکی (Frictional) خوانده می شود. بدین معنی که در منطقه ای عرضه نیروی کار بر تقاضای آن فزونی می گیرد در حالی که در منطقه ای دیگر عکس آن دیده می شود. عدم جریان درست نیروی کار در کشور (به جهت فقدان وسایل عبور و مرور و یا چسبندگی نیروی کار به محل) موجبات انقطاع و بسته بودن نیروی کار را فراهم می سازند.
- Labor mobility** تحرک نیروی کار
- دگرگونی در وضع اجتماعی و توزیع جغرافیایی نیروی کار است. پس هم شامل مهاجرت جغرافیایی است، هم در بر گیرنده مهاجرت های حرفه ای.
- Migration / Social mobility** ر. ک.
- Labor movement** جنبش های کارگری
- مفهومی وسیع شامل هر نوع اقدام جمعی صاحبان نیروی کار است در جهت کسب امتیازات اقتصادی و یا ارتقاء پایگاه اجتماعی.

Labor productivity**بهره وری نیروی کار**

در مقایسه با بهره وری سرمایه

(Capital productivity) قرار می گیرد و

در احتساب جهانی آن معمولاً بهره وری
نهایی نیروی کار

(Marginal productivity of labor)

مطرح می شود.

Labor reserve نیروی کار ذخیره

کل افرادی که بالقوه حاضر توان کارند

ولیک بالفعل نیروی کار به حساب نمی آیند

شامل کلیه کسانی است که سنی بالاتر از ۱۴

سال دارند، نه در جستجوی کارند و نه شاغل

ولیک آماده اند به کاری در زمانی کوتاه

پردازند. نظیر خانه داران، دانشجویان و ...

با ارتش ذخیره اشتباه نشود که از دیدگاه

مارکس به کسانی اطلاق می شود که نیروی

کار خود را در بازار کار عرضه نموده اند

لیک مشتری برای آن نیافته اند. به عنوان

رقیب کارگران شاغل کاهش مزد کار را موجب

می شوند.

Labor standards**استانداردهای کار**

هنجارها و قواعد رایج، پذیرفته و

الگو شده کار است در زمینه هایی بسیار چون

باز ده - ساعت کار - زمان کار و ...

Labor supply عرضه کار**Labor theory of value**

نظریه کار - ارزش

به عقیده مارکس و پس از او مارکس

گرایان، ارزش يك کالا باید با توجه به

میزان کاری تعیین شود که در راه فراهم آوردن

آن به کار رفته است.

این نظریه در برابر نظریه مطلوبیت قرار

می گیرد که بر اساس آن کالا در بازار با

توجه به شرایط بازار و میزان مطلوبیت آن

برای خریدار ارزشیابی می شود.

ر. ک. Ophelimity / value /

Utility theory of value

Labor turnover تعویض نیروی کار

تغییر نیروی کار در درون گروه شغلی.

درجات اندکی از تعویض می تواند موجبات

ایجاد انگیزش و تنوع کار را فراهم سازد.

Labor union**اتحادیه کارگری - اتحادیه کارمندان**

اتحادیه ای متشکل از کارگران یا

کارمندان در جهت دفاع از منافع آنان.

Laconism ایجاز پسندی

به صورت Laconicism نیز آمده است.

مخصوصاً از سنتهای قهرمانی اسپارته منشأ

می گیرد که عمل را با سخن کوتاه همراه

می ساختند.

Lag, Cultural**تاخر فرهنگی - دیرکرد فرهنگی**

ر. ک. Cultural lag

Laicism گرایش به جدایی دین از دنیا

مجموعه عقایدی که بر انفکاک امر معنوی

(Spiritual) از امر دنیوی (Temporal)

تأکید می‌ورزد .

Secularism

ر. ک.

Laicization

غیر مذهبی سازی - جدا سازی دین از دنیا

Laissez - faire عدم دخالت دولت

مفهومی است فرانسوی که معنای لغوی

آن در انگلیسی Let them do است ؛ در

فارسی معنای تحت‌اللفظی آن چنین است ؛

آزاد بگذارید یا بگذارید انجام گیرد . این

مفهوم در آغاز توسط فیزیوکراتها به‌عنوان

واکنشی در برابر مرکانتیلیستها عنوان شد و

سپس آدام اسمیت (A. Smith) آنرا مبنای

مکتب کلاسیک در اقتصاد ساخت . برپایه آن

وظیفه دولت ، فقط حفظ نظم است . این نظام

در برابر دخالت خواهی

(Interventionism) قرار می‌گیرد . از

نستایج آن نفی حمایت‌گرایی

(Protectionism) ، کاهش هزینه‌های عمومی

وسیع و هر آنچیزی است که امروز با دولت

سالاری (Dirigism) پدید می‌آید . این نظر ،

بدان معنا که در آغاز مطرح شد ، کار بردنی

نیست .

Homo - Oeconomicus /

ر. ک.

Classical school

Lane (Robert. E)

لین

دانشمند علوم سیاسی در امریکا است

(متولد ۱۹۱۷) شیوه خاص او شناخت و تبیین

پدیده‌های سیاسی از دیدگاه روانشناسی

است . بدینسان ، درمهمترین آثارش به تفسیر

رفتار سیاسی امریکاییان پرداخت . برخی

از آثارش عبارتند از :

- *Political life : Why people*

get involved in politics .

- *Political ideology : Why*

the American common man

believes what he does .

Language , Sociology of

جامعه شناسی زبان

Socio - linguistics

ر. ک.

Language behavior رفتار زبانی

Signaling behavior .

ر. ک.

Linguistic anthropology

Language , Body

زبان غیر لفظی

Body language

ر. ک.

Latent function

کارکرد نا آشکار

در برابر کارکرد آشکار :

(Manifest function)

Merton , Function

ر. ک.

Latifundism

بزرگ زمینداری ، بزرگ مالکی

نظامی است مبتنی بر Latifundia که

در اسپانیایی زمین بزرگ را می‌رساند . در

این نظام ، مالکین بزرگ زمینهای وسیع را

در اختیار دارند . این نظام دارای معایبی

بدین قرار است : ۱) زمینداری بزرگ ،

موجب پیدایی مالکیت غایبانه

- انسانها حاکم است. باز نوعی قانون پدید می آید که از آن به قانون جنگل تعبیر می شود.
- Law of social gravity**
قانون جاذبه اجتماعی
- میزان توان يك فرد در جذب عواطف دیگران . این مفهوم در گروه سنجی به کار می رود .
- Sociometry** ر. ک.
- Law of regression** قانون بازگشت به گذشته
- قاعده های را می رساند که فنودول دیبوت (Theodule Ribot) در مورد حافظه مطرح ساخت . بر طبق این نظر در شرایطی که ذهن دچار از کار ماندگی گردد ، ابتدا حوادث نزدیکتر (از نظر زمانی) به فراموشی می روند و بتدریج نوبت به حوادث گذشته می رسد.
- Regression** ر. ک.
- Laws , Social** قوانین اجتماعی
- Social laws** ر. ک.
- Lazarsfeld (paul)** لازار سفلد
- جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۰۱) زادگاه او اطریش است و رشته نخستینش ریاضیات. در سال ۱۹۲۷ از وین دکترای ریاضی دریافت کرد . زمینه خاص فعالیت های علمی او ، کاربرد ریاضیات در جامعه شناسی است ؛ برخی از آثارش عبارتند از :
- Mathematical Thinking in**
- (Absentee ownership) را فراهم می سازد که بر بسی خبری از وضع ذارع و زمین دلالت دارد.
- (۲) عاملی در پیدایی نظامهای فئودالی یا شبه فئودالی به حساب می آید .
- Feudalism / Minifundism** ر. ک.
- Law , Causal** قانون علی
- Explanation/Causality** ر. ک.
- Relativism/Differential**
- Cause Diherentia]** sociology
- Law , Repressive**
- حقوق سرکوبگر
- Repressive law** ر. ک.
- Law , Restitutive** حقوق جبرانی
- Criminology** ر. ک.
- Law , Sociological**
- قانون در جامعه شناسی
- Sociological law** ر. ک.
- Law , Sociology of**
- جامعه شناسی حقوقی
- Sociology of law** ر. ک.
- Law of criminal saturation**
- قانون اشباع جنایی
- Law of jungle** قانون جنگل
- آنجا که قانونی در حمایت از انسانها نیست یا رعایت نمی شود و تنها زور بر روابط

The social sciences . The voter's choice . Quantitative analysis

لیچ (Edmund Leach)

انسانشناس انگلیسی است . (متولد ۱۹۰۱) . او در آغاز درمهندسی ازدانشگاه کمبریج فارغ التحصیل گردید . لیچ ، پس از آن به علوم انسانی روی کرد که در نهایت به احراز تخصص در انسانشناسی انجامید . کارهای لیچ را باید در دو مقوله خلاصه نمود :

۱) کوششهای وی در زمینه انسانشناسی کاربردی . در این قلمرو ، مطالعات گسترده وی در کردستان ، برمه ، سیلان ، تایوان حائز اهمیت اند ؛ نظیر نظامهای سیاسی برمه علیا (Political systems of Highland – Burma)

۲- کوششهای او در زمینه انسانشناسی نظری ، جزء برجسته‌ای از آثارش را تشکیل می‌دهند، نظیر: تکوین به عنوان یک اسطوره (Genesis as myth) ، باز اندیشی در انسانشناسی :

(Rethinking anthropology)

رهبر (Leader)

رئیس است معمولاً طبیعی که راهبری گروه را بدست می‌گیرد، هم به جهت اعتبار شخصی ، هم بخاطر پذیرش ارادی رهروان.

ر . ک . Charisma

لوفور (Lefevre (Henri)

فیلسوف و جامعه شناس معاصر فرانسوی است (متولد ۱۹۰۱) ، زمینه‌های خاص تخصص او جامعه شناسی هنر، شهر سازی و همچنین مطالعات مارکسیستی است . برخی از آثارش بدینقرار :

Urban revolution . Actual problems of marxism

Contribution to aesthetics.

چپ سیاسی Left , Political
ر . ک . Political left

Legal abortion
سقط جنین قانونی

ر . ک . Abortion

واقع گرایی قانونی Legal realism
ر . ک . Realism

Legal rational authority

اقتدار عقلانی - قانونی

مفهوم از ماکس وبر (Max weber) دانشمند آلمانی است. بعقیده او در برابر اقتدار سنتی و اقتدار ناشی از فره (Charisma)، قدرت در عصر جدید عقلانی - قانونی است. در دیوانسالاری بعنوان شیوه جدید اداره امور سیاسی - اجتماعی جهان امروز، قدرت زمانی مشروع است که از مقامی مشخص و مسئول، براساس رویه‌ای مشخص و برطبق ضوابط و مقرراتی معین منشاء گیرد.

ر . ک . Weber

مشروعیت Legitimacy

Leisure , Sociology of
جامعه شناسی اوقات فراغت

Sociology of leisure ر. ک.

طبقه تن آسان Leisure class

وبلن (T. veblen) در اثرش با نام «نظریه طبقه تن آسان» به عادات ثروتمندان تنبل (Idle rich) توجه نمود و استدلالش این بود که ثروت زمانی برای صاحبش بالاترین اعتبار را فراهم می سازد که آشکارا مورد تمتع قرار گیرد و موجبات اتلاف آشکار زمان را فراهم سازد.

لنسکی Lenski (G.E)

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۴)، زمینه های اصلی مطالعاتش را جامعه شناسی دینی و قشر بندی اجتماعی تشکیل می دهند. شیوه خاص مطالعاتش مقایسه ای با دیدگاه های تطوری است. در زمینه اول (جامعه شناسی دینی) اثر برجسته «عامل دینی» (*The Religious factor*) را پدید آورد که در آن ابعاد اجتماعی، اقتصادی و حتی خانوادگی دین را مطرح و تحلیل نمود. در زمینه دوم (قشر بندی اجتماعی) اثر برجسته اش «قدرت و امتیاز» (*Power and Privilege*)

است. خطوط اصلی اندیشه اش درین زمینه چنین اند: قشر بندی اجتماعی پدیده ای است جهانی، یعنی در هر جامعه به صورتی تحقق می پذیرد. چون ارزش اضافی نادر است،

بعضی آنرا بخود اختصاص می دهند و بادیگران تمایز می یابند. پس به نظر لنسکی روند حرکت جوامع بسوی تعدد قشر بندیها و فاصله طبقاتی است، لیک جامعه مصلحتی با ایجاد مکاتیب همایی چون سندیکاها، تقسیم کار و بطور کلی دموکراسی اقتصادی سعی در متوقف ساختن یا تعدیل این روند دارد.

ر. ک. Social stratification

لوپله Le Play (Frederic)

مهندس و اقتصاد دان فرانسوی است (۱۸۸۲ - ۱۸۰۶). هر چند زمینه های کار او لوپله متنوعند (هم در زمینه های علمی، هم در زمینه های سیاسی) لیک باید گفت اندیشه اش از جهتی از مطالعاتی که در مورد خانواده به عمل آورده سخت تاثیر بر گرفته است و از جهت دیگر از ایمان مذهبی او (کاتولیک). بدینسان می بینیم، زمانی که اثر معروفش اصلاح اجتماعی (social Reform) را تهیه می کرد، هر چند به اصلاح دولت و واحدهای تولید می اندیشید، لیک همواره الگوی خانواده را در نظر داشت.

پس، به نظرش همه سازمانها باید دارای هرمی خاص باشند و مسئولین آنان از اقتدار برخوردار گردند. اما اقتداری نظیر قدرت پدر در بین فرزندان که با عشق و دلسوزی می آمیزد. از اینروست که لوپله به تبلیغ شیوه پدرمآبدانه (Paternalism) در مدیریت می پردازد. او

- سطح زندگى Level of living
 ر. ك. Living standard
- سطح معنا يابى Level of significance
 در پژوهشهای اجتماعی، سطحی از ارقام را می‌رساند که نظر به بالا بودن آنان، معنا دار خوانده می‌شوند.
- زن همجنس باز Lesbianism
 در برابر مفاهیمی چون همجنس بازی (Homosexuality) که هم شامل مردان و هم زنان است و یا بچه بازی (Pederasty) که نوعی خاص از مرد همجنس بازی است، روابط جنسی زنان را با یکدیگر بهر صورت می‌رساند.
- لوی استروس Levi - strauss (claude)
 انسان‌شناس فرانسوی است (متولد ۱۹۰۸) ابعاد اندیشه‌اش متنوع است: او از یکطرف ادامه دهنده راه علمی ماسرسل مئوس (M. Mauss) شناخته می‌شود، از طرف دیگر، با انسان‌شناسی اجتماعی آنگلو ساکسون و مخصوصاً افکار بوآس (F. Boas) و براون (Radcliffe - Brown) پیوند دارد و از دیدی دیگر با روانکاوی و روانشناسی در ارتباط است.
 او از بنیان مکتب اصالت ساخت است؛ سعی در بازیابی ابعاد جهانی پدیده‌های حیات انسانی دارد. به عنوان مثال، در کتاب ساختهای اساسی خویشاوندی به جهانی
- دگر گونی را دورنی می‌دانست و زماسی پیشرفت را تحقق یافته می‌دید که ساخت اجتماعی نیازهای اولیه مادی و غیر مادی را برآورند، از جمله، ۳۶ گزارش جامع بانام کادگرادوپایی (European worker) انتشار یافته است.
- ر. ك. Stem family, Paternalism
- Less developed Countries
 کشورهای کم توسعه
- این کشورها که با علایم اختصاری (L.D.C) مشخص می‌شوند، با نام underdeveloped نیز خوانده می‌شوند.
- ر. ك. Underdevelopment
- Development
- سطح انتظار Level of expectation
 فاصله منفی بین آستانه انتظار (Expectation Threshold) و امکانات موجود، به حرمان (Frustration) می‌انجامد.
- ر. ك. Rising expectation

بودن زنای با محارم (Incest) توجه دارد،
یا سعی در طرح مبادله بعنوان مکانیسم
جهانی زناشویی دارد .
برخی از آثارش عبارتند:

Anthropologie structurale .

*L'homme nu . Les structures
élémentaires de la parente La
pensée sauvage. Le totemisme
aujourd'hui . Le cru et le cuit .
Du miel aux Cendres . L'origine
des manières de table. tristes
tropiques .*

Levy - Bruhl (Lucien)

لوی برول

اندیشمند اجتماعی فرانسوی است .
(۱۸۵۷ - ۱۹۳۹) او ادامه دهنده مکتب
دورکیم بود، لیک، علیرغم احساس تعلق به
این مکتب با قبول تأثیر اجتناب ناپذیر
زندگی اجتماعی بر ارزشها و تفکرات
اخلاقی یا بر مظاهر و آثار فعالیت‌های جمعی
و همچنین با پذیرش این امر که اسناد و آثار
مردم‌شناس باید در جامعه‌شناسی به کار آیند،
در بعضی جهات از جمله‌گرایی دورکیم به
خردگرایی از وی فاصله می‌گرفت .

محور اصلی اندیشه لوی برول شناخت
طرز تفکر در جامعه به اصطلاح ابتدایی است،

او در این طرز اندیشه ویژگی‌هایی می‌یابد،
بدین‌قرار: در مرحله ماقبل منطق قرار می‌گیرد،
دارای بعد عرفانی است و به نیروهایی که
خارج از قلمرو حواس جای دارند، اعتقاد
دارد . این اندیشه در برابر نظریه دورکیم
قرار می‌گرفت که معتقد بود تفکر انسان‌ها در
جوامع ابتدایی اصول اولیه تفکر عقلانی را
داراست و بتدریج و با رشد جامعه این مبانی
نیز بی‌وقفه رشد می‌یابند.

امروزه، آثار لوی برول، بیش از آنکه
به جهت محتوای نظری آن (که خود نویسنده
در آخرین سال‌های زندگی بدان شک کرد)
مورد توجه قرار گیرد؛ مخصوصاً از آن جهت
شناخته و پذیرفته است که حساسی اسناد و
مدارك وسیعی است و در آن نویسنده چهره‌های
گوناگون فرهنگ بشری را نشان می‌دهد و
خطری را که از یکسان‌پنداری تمامی آنان و
تحمیل الگوهای یکی برد دیگری ناشی می‌شود،
مطرح می‌سازد .

*The philosophy of Auguste
Comte (1900) . Morality and
Customs (1900) . Primitive
Mentality (1922) . Mental
Functions in primitive society .
(1925) . The mind of the primitive
(1927) The supernatural and
Nature in The Primitive mentality
(1935)*

Lewin (Kurt)

لوین

جامعه شناس امریکایی است (۱۹۴۷-۱۸۹۰). او در آلمان متولد شد و سپس جهت اقامت و تدریس به امریکا عزیمت نمود (۱۹۳۳). رشته تخصصی او روانشناسی اجتماعی و زمینه اصلی کارش پویایی شناسی گروهی (Group dynamics) و گروه سنجی (Sociometry) است. مفاهیمی خاص درین زمینه ها از آن اوست. از آن جمله اقلیم گروه (Group climate)، اقلیم اجتماعی. او در آثارش کمتر به ابعاد نظری و بیشتر به جهات کاربردی توجه نمود. برخی از آثارش عبارتند از :

I-Dynamic Theory of personality . Principles of Theoretical psychology

Lexicographer

واژه نگار

Lexicon

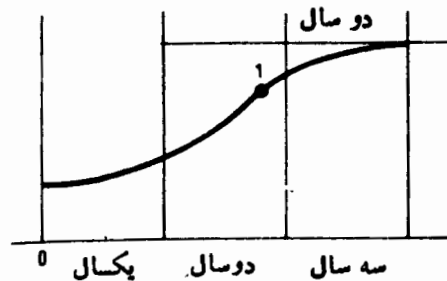
واژه گان

Lexis diagram

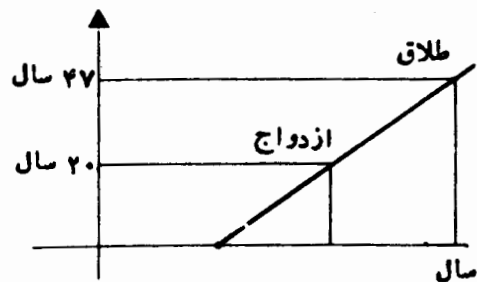
نمودار لکسیس

نموداری است خاص که توسط ویلهلم لکسیس (Wilhelm Lexis) دانشمند آلمانی به وجود آمد و در نشان دادن پدیده های جمعیتی به صورت دو بعدی معمول گردید؛ با صورتهائی بسیار که از آن جمله اند.

نمای يك

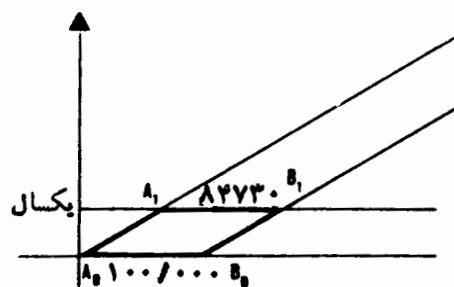


نمای دو



در نمودار بالا، در قسمت افقی افرادی مشخص می شوند که از يك نسل هستند (از نظر سال ازدواج یا از نظر سال تولد) در قسمت عمودی آنچه بعد از یکسال رخ داده مشخص می شود (نظیر مرگ، طلاق یا...)

نمای سه



در مربع $A_0 A_1 B_1 B_0$ تعداد افرادی
مشخص می‌شوند که متولدین A_0 بوده بعد از
یکسال $(A_1 - B_1)$ در B_1 قبل از رسیدن به
 $A_1 - B_1$ (یکسال) می‌میرند.
منبع: J. Sumpf . M . Hugues
Dictionnaire de sociologie ,
P . 101

قانون قصاص Lex Talionis

در بحث از مجازات مجرمی است که یا
اقرار به جرم دارد و یا آنکه دلایل متقن و کافی
آنها به اثبات می‌رساند بر اساس این قانون باید
مجرم در هر زمینه همانند نوع جرم خسارت
بیند، بعنوان مثال قتل در برابر قتل، چشم در
برابر چشم و ...

ر.ک: Retaliation. Repressive laws
Restitutive laws. Durkheim

لیبرالیسم Liberalism

I - اندیشه کسانی را می‌رساند که در
صدد کاهش کنترل دولت و دخالت هر چه
کمتر آن در حیات اجتماعی (مخصوصاً
اقتصادی) هستند لیبرالها، آغاز مبارزه درین
جهت را مبارزه بارنها علیه شاه می‌دانند که
منجر به انتشار منشور بزرگ گردید. از نظر
فکری، آنان از اندیشه جان لاک متأثر گردیده‌اند
که بر طبق آن دولت امنیت دولتی را جایگزین
تضمین امنیت توسط فرد ساخته است. لاک

معتقد بود که هیچکس حق ندارد به مالکیت،
جان و سلامت دیگران آسیب وارد سازد.
II - در اقتصاد با نام لیبرالیسم اقتصادی
(Economic liberalism) به معنای
ایده‌اولزی خاصی است که بر مبنای زیرمتکی
است:
- آزادی فردی، تشویق و حراست
از آن.

- تعبیه و نگاهبانی از فردگرایی.
- عدم دخالت دولت در اقتصاد در جهت
تأمین منافع محرومین.
- تشویق رقابت در اقتصاد به عنوان
مکانیسمی که موجبات تحرك آنرا فراهم آورد.
صاحب نظران آن اسمیت (A. Smith)
دیکاردو (D. Ricardo)، میل (J. S. Mill)
و مالتوس (Malthus) هستند.

III - در سیاست با نام لیبرالیسم سیاسی
(Political liberalism) صور و اشکال
گوناگونی می‌یابد:

- از نظر تاریخی، لیبرالیسم سیاسی در
قرن ۱۹ به عنوان جریان فکری خاصی که
خواهان ترقی یا تأمین آزادی در برابر
قدرت سلطنت و کلیسا بود مطرح گردید و
حزب لیبرال بعد از انقلاب در فرانسه جهت
حراست از آزادیهای بدست آمده با انقلاب
پدید آمد؛ لیک همین حزب که در سال
۱۸۳۰ پیروز گردید، صورتی محافظه کارانه
بخود گرفت و در سال ۱۸۴۸ در برابر نیروهای

ر. ک.

Civil liberties

آزادیخواه ایستاد .

IV- امروزه لیبرالیسم در هر کشور

صورتی خاص دارد ، حتی لیبرالیسم نو نیز به بعضی از جریانهای فکری خویشاوند آن اطلاق می شود ؛ مبانی اساسی آن عبارتند از آزادیخواهی در اقتصاد ، پذیرش سازوکار بازار در قیمت ، تعدد احزاب ، دعوت دولت به شکوفا سازی استعدادهای فردی از طریق تقویت رقابت .

ر. ک. Laissez-faire / Classical

school / Homo - oeconomicus

International division of labor

Liberalism , Reform

لیبرالیسم اصلاحی

ر. ک. Reform liberalism

Liberalization آزاد سازی

Libertarian اختیارگرایی

Libertarianism اختیارگرایی

در برابر جبر آئینی

(Necessitarianism) ۱) در اصل بمعنای

آئینی فلسفی است مبتنی بر آزادی اراده انسانی . ۲) در دوران جدید ، بمعنای نظریه ای است که غایت جامعه را تعبیه نهادهایی می داند که موجبات رهایی انسانرا از هر عامل ضد آزادی فراهم سازند. آنارشیستها آنرا اصل اول فلسفه خود می دانند.

Liberties , civil آزادیهای مدنی

امید زندگی Life Expectancy

احتمال بقا یا سالهای زندگی است در يك زمان و جامعه خاص . جامعه صنعتی با افزایش مراقبتهای بهداشتی ، موجبات افزایش امید زنده ماندن را فراهم ساخته ، در صورتی که در جهان سوم چنین نیست . جهان صنعتی با پیران و تعدد آنان مواجهه است ، در حالی که ازویژگیهای جمعیت جهان سوم جوانی آن است .

با توجه به محاسباتی که در ایران بعمل آمده است ، امید زنده ماندن در سال ۱۳۴۰ رقمی در حدود ۴۰/۳ سال بدست آمده است (۴۱/۶ سال برای زنان و ۳۹/۲ سال برای مردان) و نظریه بهبود نسبی دروضع بهداشت و کاهش مرگ و میر (به خصوص مرگ و میر اطفال) فرض را براین گرفته ایم که امیدزنده ماندن در بدو تولد در فاصله ۱۳۴۰ تا سالهای ۱۳۵۰-۱۳۴۵ از ۴۰/۳ به ۴۵ سال رسیده است ، (محمد میرزائی ، پیش بینی جمعیت ایران تا سال ۱۳۸۰ ص ۳) امید زندگی برای ۱۳۶۵ در ایران حدود ۶۰ سال برآورد شده است .

کشورهای صنعتی سابقه طولانی تری در کاهش مرگ و میر داشته اند. لذا، امید زندگی آنان بالاتر است. تا قبل از قرون جدید

میلادی تجربه امید زندگی در بدو تولد بیش از ۳۵ سال برای يك جامعه امری غیرعادی جوده است تا قبل از نیمه قرن نوزدهم امید زندگی در بدو تولد در چند کشور اروپای شمالی و غربی به ۴۰ سال رسیده بود. امروزه در تمام کشورهای پیشرفته صنعتی امید زنده ماندن در بدو تولد از ۷۰ سال هم متجاوز است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه جزوه ۲۹، جمعیت، ص ۴۱) ر.ك. تك

Life history تاریخ زندگی

شیوه‌ای مبتنی بر یادداشت گذشته يك فرد یا يك نهاد و یا گروه به منظور بازبازی ریشه‌های بیماری یا مشکل موجود.

Genealogical method ر.ك.

Life style سبك زندگی

عادات، آداب و شیوه‌های گذران حیات. با سطح زندگی اشتباه نشود.

Life table جدول بقا

که می‌تواند صوری بسیار یابد، نظیر:

Abridged life table

جدول عمر ملخص

Aggregate ~ جدول عمر مجتمع

Cohort ~ جدول عمر نسل

Complete ~ جدول عمر جامع

Current ~ جدول عمر جاری

General ~ جدول کلی عمر

Select ~ جدول عمر گزیده

Limitation of birth

محدود سازی زاد و ولد

با مفاهیمی چون کنترل موالید (Birth control) و یا برنامه ریزی خانواده (Family planning) مشتبّه نشود. بدان ر.ك.

Limited good نعمت محدود

نظریه فاستر (G.M.Foster) است مبتنی بر اینکه در اکثر جوامع توسعه نیافته، خوربیه‌ها و نعمات به علت فقر مفرط چنان محدودند که ثروت يك یا چند نفر موجبات حرمان بسیاری دیگر را فراهم می‌سازد.

Limited monarchy

حکومت مشروطه

حکومت سلطنتی که در آن قوه مقننه و دیگر سازمانهای تعدیل بخش و محدود کننده قدرت پدید آمده باشد.

Monarchy ر.ك.

Limited war جنگ محدود

جنگی که در آن طرفین متخاصم همه ابزار جنگی خود را به کار نبرند.

Limits of Confidence

حدود اعتماد

Limits of growth محدودیتهای رشد

عواملی چون آلودگی هوا، محیط زیست، اضمحلال نسل برخی از حیوانات مفید، اضمحلال تعادل طبیعی، پایان یافتن منابع مهم طبیعی، موجبات پیدائی بن بست در توسعه جوامع صنعتی را فراهم ساخته‌اند و هراس جهانیان

- نیز می‌خوانند، همچنانکه به جهت نام‌مبدع این‌اندیشه (B. Lee whorf) فرضیه ورف (whorfian hypothesis) نیز خوانده می‌شود. بدینسان، اسکیموها شناختی متمرکز بر محور برف را گسترش داده‌اند، همان‌طور زبان وسیعی را بر محور سنگ بسط و توسعه داده‌اند.
- یا شتر با توجه به نقش حساسش در حیات مردم بدوی صحرا نامهایی بسیار می‌یابد و فرهنگی خاص بر محور آن پدید می‌آید.
- لینتن (Linton (Ralph
- انسان‌شناس امریکایی است (۱۹۵۳ - ۱۸۹۳) به زمینه‌هایی بسیار توجه داشت و آثار و نظرات بدیعی پدید آورد، از آن جمله‌اند: انسان‌شناسی فرهنگی، دگرگونی اجتماعی، نظریه‌های شخصیت و همچنین باستان‌شناسی. او مبدع مفهوم شخصیت اساسی (Basic personality) است آثارش بسیارند، از جمله:
- The cultural background of personality. The Study of man*
- لیپست (Lipset (S.M)
- جامعه‌شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۲) زمینه‌های تخصص او بسیارند، از جمله: ۱) جامعه‌شناسی سیاسی و تحریک اجتماعی که درین زمینه آثاری بسیار پدید آورد، نظیر:
- را از آینده موجب گشته‌اند.
- ر. ک. Growth
- اولاد Lineage
- در نظام خویشاوندی به گروهی خاص اطلاق می‌شود که همگی خود را از نیایی مشترک می‌دانند. این نیای مشترک می‌تواند زن Ancestress و یا مرد Ancestor باشد.
- دگرگونی خطی Lineal change
- ر. ک. Social change
- ترقی خطی Lineal progress
- ر. ک. Progress
- Linguistic anthropology
- انسان‌شناسی از دیدگاه زبان‌شناسی
- ر. ک. Semantics / Socio-linguistics
- Anthropology
- Linguistic Community
- اجتماع زبانی
- Linguistic minorities
- اقلیتهای زبانی
- ر. ک. Group - Minority group
- Linguistic relativity
- نسبیت زبانی
- نظریه‌ای است که بر پایه آن زبانهای مختلف جهان را به صورتهای گوناگون به تشریح می‌نهند. متکلمین به هر زبان جهان را به صورتی خاص می‌یابند. آنرا فرضیه نسبیت زبانی.
- (Linguistic relativity hypothesis)

*Revolution and Counter-revolution
Change and persistence in
social structure*

*Political man . The social
bases of politics*

۲) کشمکشها و مبارزات دانشجویی ؛
درین زمینه آثارش عبارتند از :

*The Berkeley student revolt.
Student activism in America .
Rebellion in the university .*

Literacy , Functional

سواد آموزی تابعی

Functional literacy . ر. ک .

Literature , Sociology of

جامعه شناسی ادبیات

Sociology of literature . ر. ک .

Living , Plane of

سطح زندگی

Plane of living . ر. ک .

Living standard

استاندارد زندگی

Minimum living standard . ر. ک .

Living wage

مزد مکفی

میزان مزدی که با توجه به نوع ، میزان

و آهنگ کار از طرفی و تأمین حوایج اساسی

زندگی از طرف دیگر تعیین شده باشد.

Lobbying

اعمال نفوذ

فعالیتی خاص که توسط افراد با سازمانها

بطور مستقیم یا با واسطه جهت تماس با

مسئولین دولت و تأثیر بر تصمیمات آنان

صورت می گیرد. در لغت از Lobbys
یا سالنهای انتظار گرفته می شود که شخص
در آنان به انتظار تماس با مسئولین
می ماند . با مفاهیمی چون خویشاوندگرایی
(Nepotism) و پارتی بازی (Favoritism)
مشتبه نشود. به هر يك ر. ک .

Pressure group / Interest
group . ر. ک .

Lobbyism

اعمال نفوذ

شیوه یا ماهیت عمل آنان که به اعمال
نفوذ متکی هستند.

Local group

گروه محلی

Group . ر. ک .

Locke (John)

لاک

جان لاک (۱۶۳۱-۱۷۰۴) ، اندیشمند

انگلیسی و از پیروان مکتب اصالت تجربه

(Empiricism) است . در زمینه سیاست ،

اودولت را منبث از قرارداد متقابل می داندست.

ازینرو ، به عقیده او ، دولت باید جایگزین

کوششهای فردی در جهت تأمین امنیت گردد.

پس ، تضمین امنیت را بر مبنای نهادی و به

عنوان نماینده جمع بر عهده گیرد . در زمینه

آموزش ، بر شکوفایی هماهنگ ذهنی و بدنی

هر دو تکیه دارد. دوائر مهم او بدینقرارند:

Thoughts on education. Essay

Concerning human understanding

Lock - out

تعطیل موقت واحدکار

مفهومی است که شیوه ای خاص در حل

تنازع کارگر و کارفرما را می رساند. بدینسان

که کارفرما برای مدتی واحدکار را تعطیل می‌نماید، تا فشار اقتصادی، بیکاری، ترس از تعطیل دائم، موجبات تمکین آنان و پذیرش شرایط کارفرما را فراهم سازد

منطق Logic

دانش استدلال براساس مفروضات با کاربرد شیوه‌هایی گوناگون چون قیاس صوری (Syllogism) استقراء (Induction)، قیاس (Deduction) و یا بطور کلی استنتاج (Inference) بر مبنای براهین و حجج است.

Deduction / Induction /

Syllogism / Fallacy .

Inference

Logical Continuum

پیوستار منطقی

پیوندی درست، متکی بر استدلال و دور از سفسطه یا مغالطه. در مواردی بدان تداوم منطقی اطلاق می‌شود.

Logical positivism

اثبات‌گرایی منطقی

به کاربرد روشهای علمی در مورد اندیشه‌های فلسفی اطلاق می‌شود، به منظور وحدت دادن به دانش بشر از طریق عینیت بخشیدن به محتوای ارتباط انسانها.

Positivism ر. ک.

Logical - deductive theory

نظریه قیاس منطقی

تعیین سلسله‌ای از گزاره‌ها، واضحات

و امور بدیهی و استنتاج پدیده‌ها یا نتایج دیگر از آنان با کاربرد قوانین منطقی است.

گفتار نگار Logogram

به علائم کوتاهی اطلاق می‌شود که بجای واژگان یا عبارات می‌نشیند. این شیوه در تند نویسی به کار می‌رود.

جدال لفظی Logomachy

جدالی نه در محتوا یا معنا، بلکه ناشی از عدم تفاهم معانی الفاظ

سخن Logos

طول عمر Longevity

Life expectancy ر. ک.

Longitudinal studies

مطالعات طولی

به شیوه‌هایی خاص در تحقیقات اجتماعی اطلاق می‌شود مبتنی بر انجام پژوهش در طول زمان و در فواصل معین. فئونی چون پانل (panel) یا روند پژوهشی (Trend study) از این نوعند - بهر يك ر. ک.

Looking - glass self

خود آینه‌ای

اصطلاح از کولی (C.H.Cooley) است و فرایندی را می‌رساند که بر پایه آن يك فرد دیدش را در مورد خود گسترش می‌دهد و به قضاوت خویشتن با تصور نظر دیگران در باب خود می‌پردازد. به نظر کولی، يك فرد خود را از خلال فرایند درونی ساختن ادراکات خود می‌بیند و می‌شناسد. پس پاسخیهای

مدرک دیگران در برابر او بیش از پاسخهای واقعی آنان، در بسط هویت فردی اهمیت دارد.

این فرایند مخصوصاً درسالهای نخست حیات اهمیت دارد. پس «خود» حاصل شده يك محصول اجتماعى است شامل سه عنصر: پاسخهای واقعی دیگران نسبت به فرد، پاسخهای مدرک دیگران و درونی ساختن این پاسخهای ادراک شده.

Lucrative Capital

سرمایه سود بخش

در برابر کالاهای سرمایه‌ای (capital goods) سرمایه سود بخش به صورت پول یا مالکیت اسناد در می‌آید.

ر. ک. Capital

Lumpenproletariat

بیکاره‌ها - محرومین از حقوق اجتماعى

اصطلاحی است آلمانی که از نظر لغوی به معنای رنجبران ژنده پوش است. از نظر مارکس،

(Marx) به کسانی اطلاق می‌شود که در شرایطی سخت زندگی می‌کنند، درحالی‌که حیات اجتماعى قرار گرفته‌اند و شرایط ساخته‌شان آنانرا وادار می‌کند خود را تسلیم ارتجاع کنند. این نویسنده آنانرا بقایای جامعه ماقبل صنعت می‌داند.

از دیدگاه بوخارین (Boukharine) اینان کسانی هستند که عادت به کار کردن را از دست داده‌اند.

مثله کردن Lynching

قطعه قطعه کردن فردى توسط فرد یا گروهی پس از شکنجه و یا بدون آن در گروههای گوناگون. در امریکا به دو نوع وقوع یافته است. ۱) در نواحی مرزی که مأمورین بدلخواه فرد متهم یا مقصر را به قتل می‌رساندند. ۲) در جنوب امریکا مخصوصاً بعد از جنگ داخلی، انبوه مردم سیاهانرا دستگیر و با زجر و شکنجه به قتل می‌رساندند.

ر. ک. Crowd/Racism

M

ماکیاویل (Niccolo Machiavelli)

نویسنده، اندیشمند علم سیاست و سیاستمدار ایتالیایی (۱۴۹۱-۱۵۲۷) است. وی در اثر معروفش «شهریار»، دست به کار چند اقدام مهم در تاریخ نظریه‌های سیاسی زده است:

۱- در آغاز طبیعت بشر را می‌شکافد تا حاکم را ازین بعد مهم در کار سیاست مطلع سازد.

۲- سپس سعی در اثبات این نظریه که در تمامی جوامع خصوصیات مشترکی بین انسانهاست می‌نماید. تا با آن ویژگیها یا اصول سیاسی مشترکی برای جهان یابد؛ هر چند که در این هدف نتوانست اسناد و مدارک علمی به دست آورد تا با آن نظریه‌اش را به اثبات رسانده‌ولی کار مطالعه خصوصیات

مشترک انسانها یا آنچه امروزه طبیعت انسانی برورای تاثیر جامعه خوانده می‌شود پی‌ریزی گردید.

۳- با توجه به طبیعت بشر و اشتراك این طبیعت در جهان ماکیاویل در اثرش «شهریار» به شاهزاده توصیه می‌کند که الف: در کار سیاست دستخوش وجدان اخلاقی نشود و هیچ مانعی در راه تحقق هدف نشناسد، ب: علی‌رغم رها سازی اخلاق، سعی نماید در روانش او را اخلاقی و مبادی آداب حسنه شناسند. چه این اعتقاد آنان موجبات قوام حکومتش را فراهم می‌سازد. پ: با واقعیت بیامزد و سعی در شناخت و پذیرش آن نماید.

Machiavellian approach

رویکرد ماکیاویلی

برخورد با پدیده‌های حیات با دیدی

- معنای مجموعه باورها و اعمالی است که در جهت تأثیر گذاری بر نیروی ماوراءطبیعه و همچنین کنترل و دست کاری آنان پدید آمده‌اند. جادو بر پایه تصویری خاص از جهان، زندگی و همچنین ارتباط موجودات با یکدیگر بنا می‌شود؛ شامل اعمالی است که از نظر روش بسیار انتظام یافته‌اند و با نماد گذاری و ارتباط مفروض نیروهای جهان تمهید شده‌اند.
- II - فریژد (S.J.Frazer) انسانشناس انگلیسی بعد از تایلور (E.B.Tylor) اظهار داشت که جادو نوعی شبه دانش یا دانشی حرامزاده است. خاص جوامع ابتدایی است و باید با پیدایی دانش واقعی محو گردد. وی بر این اعتقاد بود که جادو هنری ادعایی و نه واقعی است.
- (Golden Bough, 1890)
- مارسل مومس (M.Mauss) و هوبرت (H.Hubert) پیوند بین اخفا و جادو را مطرح می‌سازند.
- «برای آنکه کار جادوگر مؤثر افتد باید بطرزی خاص، با شیوه‌هایی غیر معمول و همراه با مناسکی مخصوص صورت گیرد.»
- (Esquisse d'une Théorie générale de la magie, PP:1-146)
- روانکاوانی چون فروید و مالینوفسکی معتقدند که جادو از آنرو اثر گذار است که موجبات تزکیه روان را فراهم می‌سازد.
- ماکیاولی و اعمال این شیوه.
- ر. ک. Machiavellism
- ماکیاول گرایی Machiavellism
- (۱) گرایش به عقاید ماکیاول در کار و عمل سیاسی. (۲) اعمال خط مشی مبتنی بر فریب، نیرنگ در کار سیاست با زیرپا گذاردن مبانی اخلاقی.
- ر. ک. Idealism / Utopianism / Realism.
- بزرگ - کلان Macro
- پیشوندی است در برابر Micro که معنای خرد و کوچک دارد. در فارسی کلی و کبیر نیز در برگردان آن به کار رفته‌است.
- عالم بزرگ Macrocosm
- در برابر Microcosm
- اقتصاد کلان Macro - economics
- در مقابل مفهوم Micro - economics
- ر. ک. Economics
- Macro - sociology
- جامعه شناسی کلان
- در آن پدیده اجتماعی تام (Social total phenomenon)
- ساخت کلی (Global Structure) در سطح جوامع مطرح می‌شود.
- ر. ک. Micro - sociology
- جادو Magic
- I - از واژه هند و اروپائی Mag به معنای قدرت و بزرگی گرفته شده است و به

به نظر آنان «علايم و نمادهایی که در جریان جادو به کار می‌روند، دارای معنا هستند؛ زیرا با احساسات سرکوفته جادوگر و حاضران سروکار دارد».

(Totem and Taboo, P: 75)

III - دوزخ عمده جادو بدینقرارند :

۱) جادوی مبتنی بر سرایت (Contagious magic) بر پایه این باور استوار است که اشیایی که زمانی در تماس با یکدیگر بوده‌اند، باز بر یکدیگر اثر می‌نهند، حتی زمانی که از هم جدا شده باشند (۲). جادوی مبتنی بر مشابهت (Imitative magic) بر پایه این باور بنا شده است که اشیایی که با یکدیگر شباهت دارند، می‌توانند بر یکدیگر مؤثر افتند، بطوریکه بعنوان مثال، يك فرد با آزار رسانیدن به تصویر خویش، ممکن است مورد ایذاء و آسیب قرار گیرد.

Mana

ر. ك.

Mahriyeh

مهریه

I - مهر یا مهریه از سننهای دیرین زناشویی در ایران است؛ در برگردان آن برخی مفهوم Dower را نهاده اند ولی درست نیست؛ چون مفهوم اخیر ارث زن را می‌رساند. برخی دیگر مفهوم Donatio را معادل آن می‌دانند اما آن نیز درست نیست چون این مفهوم، میزانی از دارایی است که مرد به هنگام زوجیت بستم مهر می‌نماید و ليك وی اختیار و تصرفی، بلکه بهره برداری از آنرا دارد. از اینرو این مفهوم را کالاکابین ترجمه کرده‌اند. همچنین

مفهوم مهر یا Bride Wealth نیز مترادف نیست، زیرا مفهوم اخیر تمامی دارایی زن را در نظامی که بر تفکیک ثروت زن و شوهر متکی است می‌رساند؛ مهر یا مهریه پدیده‌ای خاص است که مخصوصاً با نظام زناشویی در ایران پیوسته است.

II - از نظر تعریف باید گفت، مهریه پول یا کالا و یا اموالی است که مرد به هنگام عقد زناشویی در اختیار زن می‌گذارد و یا آنطور که معمولتر است، تعهد می‌نماید که در قبال خواست زن بدو مقوض دارد. رایج‌ترین رسم در این باب آن است که به هنگام عقد و معمولاً بخواست زن و اصرار وی واقوامش و گاه متعاقب صحنه‌های خاص چانه زنی مبلنی بعنوان مهر تعیین و به نگارش درمی‌آید. این مبلغ که در اصطلاح مهریه زن خوانده می‌شود، در تعهد مرد است بهر هنگام که زن مطالبه کند، در اختیارش نهاده شود. اما معمولاً در صورت طلاق بدو ارائه می‌شود.

III - انواع مهر :

۱ - مهر المسمی : مهری است که میزان آن در هنگام زناشویی تعیین شده و مورد توافق زوجین قرار می‌گیرد.

۲ - مهر المثل : مبلغ مهر به هنگام عقد قرارداد زناشویی تعیین نمی‌شود ولی وجود مهر پذیرفته شده و تعیین مبلغ آن بزمانی دیگر موکول می‌گردد. در تعیین آن نیز ملاک، میزان مهر اقران و خویشان زن خواهد بود.

۳- مهرالسنه، مهری است که حضرت محمد (ص) برای دخترشان فاطمه (ع) تعیین نمودند که معادل ۵۰۰ درهم (۵ دینار طلا) است.

۴- مهرالمنعه: چنانچه قبل از مقاربت و یا بهنگام عقیق بودن مرد، طلاق رخ دهد، نصف میزان مهریه تعیین شده به زن داده می شود که بدان مهرالمنعه اطلاق می گردد. اگر میزان مهر در آغاز تعیین نشده بود، باز با توجه به میزان مهریه اقربان و خویشاوندان زن تعیین می گردد.

IV - تا آنجا که تاریخ گواهی می دهد، سنت مهریه قبل از اسلام نیز وجود داشته است. در بین اسراییلی ها، سنتی مشابه با نام موهر (Mohar) دیده شده است که از نظر لغوی بمعنای بهای خرید عروس (Bride purchase)

می باشد. لیک، موهر نه تمهد، بلکه پرداختی نقدی بود از جانب داماد یا خانواده اش به زن و یا اقوام او. بر همین سیاق آصف، در اثرش «مهر و قوانین ایران» (۱۳۳۵) بر این اعتقاد است که در آغاز در ایران باستان مهریه جنبه نقدی داشته است. مطهری نیز با

تاکید بر قدمت مهریه و وجود آن قبل از ظهور اسلام، می نویسد؛ در آغاز و بجهت جنگهای دایمی، زنان را به غارت و یار بایش تصاحب می نمودند و یا آنکه از طریق جنگ به اسارت می گرفتند؛ آنگاه که کشمکشها فروکش کرد، مردان را نیز فرصتهای کمتری

در راه دزدیدن زنان باقی ماند. از این رو راههایی تازه پدید آمدند. براساس یکی از این شیوه ها، مرد در قبال ازدواج با دختر تمهد می نمود. در خانه پدر او مدتی وایگان به کار پردازد. با افزایش ثروت، پرداخت پول یا ارائه کالایی ارزشمند، جایگزین خدمت گردید. (حقوق زن در اسلام، ۱۳۵۵) تغییر دیگری نیز که در خلال تاریخ پدید آمد، این بود که مبلغ مهر بجای آنکه به پدر زن و یا خانواده او پرداخت شود، به زن پرداخت گردید و آنیم معمولاً در صورت فسخ قرارداد زناشویی، همانطور که ملاحظه می شود، رسم مهریه به قبل از اسلام باز می گردد. لیک، باز همانطور که از سطور فوق برمی آید، حضرت محمد (ص) آنرا پذیرا گردیدند و بدین ترتیب، این رسم به صورت سنتی درآمد و بعد از اسلام نیز تداوم یافت.

V - هر چند در مورد علت پیدایی مهریه چندان قطعی بین عقاید اندیشمندان نیست. ولیک در مورد کارکردهای فعلی آن نظرات یکسان نیست بطور کلی سه کارکرد بر آن قائلند:

۱- تامین مالی: در جامعه ای که طلاق يك سويه و در انحصار مرد بود، مبلغ مهریه همچون بیمه ای می توانست زن را دست کم تا مدتی از مسائل مالی مصون دارد.

۲- تقدس بخشی به زناشویی: با توجه به رسوخ مهریه در جامعه و پذیرش آن، مهریه

همچون عنصری مهم و جزئی لاینفک از زناشویی در آمده و چون یادگار گذشتگان و اجداد قوم ایرانی است، با هاله‌هایی از تقدس آمیخته، موجبات پیوند رسوم زوجیت در خلال زمان و بر ورای اعصار می‌گردد.

۳- اعتبار اجتماعی: زنان میزان مهریه را گاه‌نشانی از میزان علایق مرد بخود می‌دانند و حتی افزایش آن دال بر فزونی ارزش زن نیز بحساب می‌آید. این کارکرد کاذب، موجبات شیء شدن زن و همچنین بروزرقابیتی ناسالم در جامعه را از نظر مهریه فراهم ساخته است و افزایش بی‌رویه آنرا موجب گردیده است.

VI- برخلاف ازدواج موقت (Temporary marriage) یا صیغه و یا مته که در آن مبلغ و مدت زوجیت باید تعیین شوند، پدیده مهریه، علیرغم آنچه در آغاز امر به نظر می‌آید، نه اجباری و نه صد در صد رعایت شدنی است ولیک، شووعی چشم‌گیر دارد. «آنچنانکه از آمار ازدواج در ایران براساس آمار قضایی ایران بر می‌آید، مهر یکی از مهمترین و در عین حال شایعترین رسوم زوجیت در ایران امروز است»

(Saroukhani B, *Le choix du conjoint en Iran et en occident* P. 162)

در تحقیقی دیگر غلامعباس توسلی اظهار می‌دارد که در سال ۱۹۵۸ ازدواج بدون

مهریه دیده نمی‌شد، اما ده سال بعد (۱۹۶۸) در شهر تهران، ازدواج بدون مهریه به ۳/۳٪ کل ازدواجها می‌رسید.

(Tavassoli *Evolution of Bride price in Tehran*, P. 6)

در تحقیقی که در سال ۱۹۶۵ در تهران و مشهد به انجام رسید هیچ ازدواجی بدون مهریه ملاحظه نمی‌شد.

(Saroukhani, *Le choix du Conjoint*, P. 122)

VII- اگر از دیدگاه تحول تاریخی، هنوز هم مهریه یکی از عناصر اصلی زوجیت بشمار می‌آید و به نظر نمی‌رسد تطوری خاص در جهت حذف آن روی داده باشد، (هرچند شاهد حرکتی تدریجی و آرام در این جهت هستیم) از نظر میزان مهریه تطور چشمگیر است:

براساس آمار جمع‌آوری شده از طرف مرکز آمار قضایی ایران، در خلال پنج سال (۱۳۴۵ - ۱۳۴۰) این تطور چنین بوده است:

در مقطع کمتر از ۲/۰۰۰ تومان، به ترتیب از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ نسبتهای ۳۸/۷٪، ۳۳/۸٪، ۲۶/۳٪، ۲۱/۷٪، ۲۳/۱٪ و بالاخره ۱۹/۸٪ نشان از کاهش میزان ازدواجهایی دارد که رقم مهر آنان کمتر از دو هزار تومان است. در مقابل، در مقطع بیش از ۳۰/۰۰۰ تومان به ترتیب از سال ۱۳۴۰

تا ۱۳۴۵ نسبتهای ۸/۲٪، ۵/۹٪، ۱۱/۵٪
۱۰/۸٪ و ۱۰/۳٪ و بالاخره ۱۱/۱٪ ملاحظه
می‌شود که حاکی از افزایش میزان مهریه در
خلال پنجاه سال فوق‌الذکر بوده است. این
افزایش را باید هم ناشی از تورم مزمن و
گاه حاد پولی و هم رواج این اندیشه دانست
که مبلغ مهریه دلالت بر ارزش زن دارد. که
خود انحراف از ریشه‌های این سنت را
می‌رساند.

Bride price / Bride ر. ک.

Wealth / Donatio / Dower

Temporary marriage/ Marriage by
Purchase, Community property

Maiming قطع عضو

شیوه‌ای در تنبیه خاطی است با قطع
جزیی از اجزاء بدن او. اکثر جزء قطع شده
با نوع جرم تعیین می‌شود مانند دست دزد،
اعضاء تناسلی تجاوزکننده از نظر جنسی.

Retaliation , Repressive ر. ک.

law, Poetic punishment, Lex talionis

Majority group گروه اکثریت

Group ر. ک.

Maladaptation دژ انطباق

این واژه که در ابتدا در زیست‌شناسی
به کار رفت. ناهماهنگی موجود زنده و
محیطش را بجهت ناتوانی آن موجود در
ایجاد ویژگی‌هایی چند که مقتضای محیط تازه
است، می‌رساند.

Adaptation ر. ک.

Maladjustment دژ سازگاری

شرایطی خاص که در آن فرد یا گروهی
از حل مسائل درونی یا بیرونی خود عاجز
ماند و طریقی نادرست در سازگاری اتخاذ
نماید.

Unadjustment / Adjustment ر. ک.

Maladjustment , Personal

دژ سازگاری شخصی

Personal maladjustment ر. ک.

Maladjustment , Social

دژ سازگاری اجتماعی

Social maladjustment ر. ک.

Malinowski (B) مالینوفسکی

برانیسلاو مالینوفسکی (۱۸۸۴-۱۹۴۲)
اهل لهستان بود، به تدریس جامعه‌شناسی و
انسان‌شناسی در انگلستان و آمریکا پرداخت.
از خلال آثار بعضی از شاگردانش نظیر
دادکلیف براون، در جریانه‌های فکری جدید
درین رشته از علوم انسانی موثر افتاد، او را
بنیان‌گذار مکتبی می‌دانند که اصطلاحاً کار کرده
گرایی خوانده می‌شود. وی مؤلف کتب
بدیعی در مورد قبایل ملانزی است. او نیز
همچون مادل موس (M. Mauss) در
جستجوی شناخت پدیده‌های اجتماعی تام بود
که به احراز دیدی کلی در مورد پدیده‌های
فرهنگی انجامد. نظر به توجهی که به نظامها
مبدول می‌داشت کوشش خود را در جهت

شناخت عواملی که موجبات پیوند متقابل نظامهای فرهنگی را پدید می آورند، مبذول داشت. او در نهایت به این نتیجه رسید که تبیین غائی پدیده های اجتماعی باید با توجه به وظیفه فرهنگی که برایشان در نظر گرفته اند، صورت گیرد، اعمال جمعی و نهادها با در نظر گرفتن این وظیفه کلی قابل تفهم می گردند، چون همگی در جهت قوام جامعه و تحقق اهداف این مجموعه به کار گرفته شده اند.

نظامهای اجتماعی، به زعم هالینوفسکی، مجموعه هایی آلی هستند که از احتیاجات، انسانی منشأ می گیرند. وظیفه از خلال پیوند دایمی بین عناصر يك واقعیت اجتماعی با محتوی و معنای آن تجلی می نماید. کارکرد گرائی فرهنگی، بی شک به جستجوی غایتی برای هر امر اجتماعی منتهی شده است؛ اما این طرز فکر، موجبات مشخص ساختن تفاوت های بین علوم انسانی و طبیعی را فراهم آورده است.

مشهورترین مطالعات هالینوفسکی را در بین مردم - تروبریاند (Trobriand)، بمبا (Bemba) و همچنین سرخ پوستان هوبی (Hopi) به انجام رسید. بعضی از آثارش چنین اند:

*Argonauts of the western
pacific, Sex and repression in
savage society. coral gardens
and their magic. Myth in*

primitive society.

بد غذایی - بی غذایی Malnutrition

(۱) از جانبی، تغذیه نارسا و ناقص را می رساند. (۲) از جانب دیگر، به هر عدم تعادلی در نظام غذایی اطلاق می شود. در این معنی شامل بیش غذایی (over - nutrition) نیز می شود. چه، در این صورت نیز با کثرت مفرط برخی مواد (قند، چربی) تعادل حیات از بین می رود. (۳) در معنای سوم، حالات مبتنی بر بد غذایی (سرخ کردن، سوزاندن و ...) را می رساند که موجبات تضعیف مواد حیاتی و یا اضمحلال کامل ویتامینها را فراهم می سازد.

Malthus (Thomas Robert)

مالئوس

جمعیت شناس انگلیسی است (۱۸۳۴-۱۷۶۶). دیدگاه خاص مالئوس در مطالعات جمعیت ابعاد اقتصادی آن بود. بدینسان در برابر خوش بینان (optimists) که به اعتلاء اقتصادی انسان و پیدائی جامعه وفور و فراوانی (Affluent Society) در جهان - می اندیشیدند، او را باید در زمره بد بینان (Pessimists) دانست. اعتقادش بر این بود که رشد جمعیت صورتی هندسی (Geometric progression) دارد در حالی که مواد غذایی افزایشی حسابی (Arithmetic progression) نشان میدهند. پس در سالهای آتی باید شاهد قحطی و کمبود حصه هر نفر باشیم، چاره چنین بلایی

II - دیدگاه این مکتب در قرن نوزدهم
توجه بسیاری را جلب کرد. پیشنهاد اصلاحات بسیار اجتماعی با توجه به رشد جمعیت صورت یافت و نشان داد که ویژگی خاص خط مشی اجتماعی در این است که اکثر بر پایه‌های غیر اجتماعی بنیان می‌یابد. این مکتب رادانشمندانی چون ساموئل اسمایلز (Samuel Smiles) و دادوین دنبال گرفتند. به زعم خود دادوین، نظریه بقا اصلاح تا حدودی زیاد از این مکتب متأثر گردیده است. بر پایه همین اعتقادات، مکتب تازه‌ای نیز پدید آمد که به صورتی افراطی تر بدینی‌های مالتوس را نسبت به آینده ترسیم نمود، به تجویز شیوه‌هایی خشن در کنترل موالید پرداخت. این مکتب، مالتوس گرایی جدید (Neomalthusianism) خوانده شد بدان ر. ک.

Marital restraint / Marital abstinence

نظریه مالتوس Malthusian theory
ر. ک. Malthusianism

انسان جنایی Man, criminal
ر. ک. Criminal man

Man, Inner - directed
انسان خود راهبر

Inner - directed - man
ر. ک.

Man - land - ratio
نسبت انسان - زمین

را او چنین می‌دانست :
الف - چاره طبیعی :
جنگ ، بیماری‌های همه گیر و ... که در زمره کنترل‌های مثبت (Positive checks) بشمار می‌آیند .
ب - چاره اجتماعی :
بالا بردن سن ازدواج ، جلوگیری و ... که در زمره عوامل مانع شونده هستند و کنترل پیشگیرانه (Preventive checks) خوانده می‌شوند تاثر برجسته مالتوس رساله‌ای در باب اصول جمعیت است : (An Essay on the Principle of Population)

مالتوس گرایی Malthusianism

I - مکتبی که از قوامش دوپوت مالتوس (T.R. Malthus) و اندیشه‌های او الهام می‌گیرد . وی که در باب جمعیت و قوانین آن بحث و اظهار نظر نموده است ، شالوده افکارش را بر این اصل بنا نهاده است : در جهان معاصر رشد جمعیت هندسی و توسعه منابع غذایی حساسی است . پس ، باید در انتظار فاجعه بود . زیرا تعادل بین تعداد انسانها (مصرف کنندگان) و منابع طبیعی در شرف فرو ریختن است . به زعم او ، باید یا کنترل مثبت نظیر قحطی ، جنگ ، بیماری‌های همه گیر به این تعادل مدد رسانند و یا آنکه کنترل‌های منفی نظیر کنترل موالید ، ازدواج متأخر ؛ علاجی که به نظر مالتوس قطعی نیست ، لیک کار آست .

نسبت بین شمار انسانها و سرزمین در زمانی خاص و جغرافیایی معین . این نسبت را (۱) عوامل طبیعی نظیر قحطی ، خشکسالی و ... (۲) عوامل انسانی مانند جلوگیری از باروری ، تجرد و ... دگرگون میسازند.

انسان حاشیه‌ای Man , Marginal
ر. ک. Marginal man

انسان سازمانی Man , organization
ر. ک. Organization - man

انسان دیگر راهبر Man , other - directed
ر. ک. other - directed - man

انسان ابتدایی Man , Primitive
ر. ک. Primitive man

مانا Mana

I- در اندونزی بمعنای کارآیی است . در هاوایی قدرت ، توان فوق طبیعی والهی را می‌رساند . تعریف مبسوط و دقیق این واژه را در آتسارکوود در پینگتون (R.H.Codrington) می‌یابیم . وی این واژه را در معناهای قدرت روحانی، جادویی و یا نفوذ قدرت فوق طبیعی تعریف می‌نماید. او معتقد بود ، «مانا قدرت یا نفوذی است نه مادی، بلکه فرق طبیعی - مانا در نیروهای طبیعی و مادی و یا هر قدرتی که انسان در اختیار دارد ، تجلی می‌کند . تمامی مذاهب ملانزی ، مانا را از آن خود می‌دانند و سعی در استفاده از آن دارند. قدرت مانا انتقال

پذیر است و آنچنان گستردگی دارد که در تمامی جلوه‌های حیات بخش است»

(The Melanesians : studies
in their anthropology and
folklore , pp . 118 - 119)

II- در اصطلاح علوم اجتماعی ، مانا نیرویی حیاتی و عالی است که در جهان وجود دارد و تجلی آن در اشیاء و یا انسانها توانایی خاصی به آنان می‌بخشد که در آن صورت از زمره انسانها یا پدیده‌ها و یا اشیاء معمول حیات خارج می‌شوند . حالتی فوق العاده می‌یابند و حائز توانائی گسترده‌ای می‌شوند. از اینروست که از آغاز ، جادوگران در صدد جلب مانا یا دست کم رام کردن آن برآمدند تا این قدرت عالی را تسخیر نمایند و از این طریق نیرویی شگرف به دست آورند .

III- در عمل از تشریحی که از مانا توسط فرت (Firth) و هوگبین (Hogbin) ارائه می‌شود ، چنین مستفاد می‌شود که مانا در بین قبایل ابتدایی مظهر توفیق و توان فوق العاده است . در جامعه نیز چنین استنباط می‌شود که افراد صاحب نفوذ از قدرت مانا برخوردارند و یا با آن در ارتباط .

ر. ک. Animatism / Magic /
Animism

مدیریت خانه Management , Household
ر. ک. Household management

Management , Scientific

مدیریت علمی

Scientific management ر. ک.

Manager

مدیر

واژه‌ای است که در معنای مدیر و سرپرست به کار می‌رود؛ بهنگام تانیت یا نشان دادن مدیر زن یا مدیره به صورت Manageress در می‌آید. این مفهوم، مخصوصاً در معنای مدیر واحدهای تولیدی، نظیر کارخانه‌ها به کار می‌رود و ابعاد معنایی زیر به آن پیوسته است:

— مدیران اقتصادی، در جامعه مبتنی بر اقتصاد آزاد، چنان قدرتی می‌یابند که سیاست را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند.

— با توجه به جدایی مدیریت از سرمایه، مدیران شرکت‌های بزرگ لزوماً سرمایه‌دار نیستند بلکه دارای قدرت اداره و آمیزش مطلوب (optimum) عوامل تولیدند.

— با در نظر گرفتن تعدد سهامداران (گاه بیش از ده هزار نفر) و عدم شناخت آنان از جریان تولید و همچنین پراکندگی آنان، قدرت اصلی در دست مدیران باقی می‌ماند.

از بن‌روست که امروزه سخن از انقلاب مدیران (Managers' revolution) می‌رود آنان همچون قدرتهایی تازه در صحنه اقتصاد و سیاست تجلی نموده‌اند.

Manifest conflict کشمکش آشکار

در برابر کشمکش نهانی (Latent conflict)

با نهان کشمکش (Covert conflict)

Entrepreneur, social conflict ر. ک.

Manifest function کارکرد آشکار

Function ر. ک.

Mannheim (karl) مانهایم

جامعه شناس انگلیسی است (۱۹۲۵ - ۱۸۹۳) زمینه‌های مطالعاتش بسیارند، همچنین حوادث حیاتش نیز گوناگونند. جوانی را در مجارستان سپری ساخت، پس از آن به آلمان رفت و در سال ۱۹۳۱ جهت اقامت دائم به انگلستان عزیمت نمود.

مهمترین زمینه‌های مطالعاتش بدینقرارند:
— جامعه شناسی معرفتی.

(Sociology of knowledge)

این رشته در واقع مهمترین قلمرو اندیشه‌اش بود؛ او همانند هادکس (K.Marx) دانش را محصولی اجتماعی (Social product) می‌داند؛ لیک به نظرش این اندیشه هادکس که عینیت (Objectivity) فقط در يك جامعه بی طبقه (classless Society) تحقق پذیر است، درست نمی‌نمود؛ او در این باب نظریه تازه‌ای وضع نمود. به نظرش دیدگاه‌های عقلانی (Rational perspectives) مناسبتر از دیگر دیدگاه‌ها هستند، چه، فرد چون کمتر با ساخت اجتماعی پیوستگی دارد، می‌تواند به دریافت (Apprehension) کاملتر و چند جنبه‌ای‌تر واقعیت نایل گردد؛ مفهوم

رایج اصالت دیدگاه (Perspectivism) از او درین زمینه باقی است .

— ایده اولوی (Ideology) و ناکجا آباد (Utopia)

او ایده اولوی را وسیله توجیه نظامی خاص می دانست و حال آنکه به نظرش ناکجا آباد حاوی سلسله اندیشه هایی است که نظام موجود را طرد می نماید و خواهان نظامی نو و گاه غیر قابل تحقق است ؛

— فرهنگ (Culture) :

زمینه ای است گسترده که در اکثر آثار منهایم مطرح گردیده است . مخصوصاً به تحلیل نهادهای فرهنگی توجه دارد که بعد از او زمینه تحلیلهای روانی را فراهم ساخت . بعضی از آثارش عبارتند از :

Essay on sociology of

Culture . Ideology and utopia

Diagnosis of our time

مارکوزه (Herbert Marcuse)

صاحب نظر و فیلسوف اجتماعیست (متولد ۱۸۹۸) . او در آلمان (برلن) تولد یافت ، تحصیلاتش را (تا اخذ درجه دکترا در سال ۱۹۲۲) در آنجا به پایان برد ، اما در سال ۱۹۳۴ به آمریکا مهاجرت کرد . اندیشه مارکوزه متأثر از تعبیری تازه از مکتبی است که با الهام از اندیشه های فروید پا گرفته است .

آثارش مشحون از عقاید او در زمینه

آزادی و رهایی انسان از قید استثمار و همچنین بندهای اجتماعی است . از این جهت نیز به اشتها رسید و الهام بخش انقلابیون جهان ، مخصوصاً آنانکه از آزادی دیدی رؤیایی دارند، گردید . او اعتقاد داشت که در جامعه آمریکا منطق سلطه حاکمیت یافته و مردم این کشور ، نه تنها مورد سرکوب قراری گیرند ، بلکه خود نیز این سرکوب شدگی را پذیرفته اند ؛ بعضی از آثارش چنین اند :

An essay on liberation . Eros and civilization . Advanced industrial society . one dimensional man . Studies in the ideology of advanced industrial society

حوزه حاشیه ای Marginal area

(۱) در انسانشناسی، منطقه یا محدوده ای است بین دو فرهنگ که در آن نیز فرهنگی خاص پدید می آید . (۲) در محیط شناسی انسانی در معنای حوزه گذر یا انتقالی (Transitional area) به کار می آید .

Marginal disutility

عدم مطلوبیت نهایی

آخرین عاملی در تولید که با خنثی شدنش توسط عامل یا عوامل دیگر از نظر سود نهایی موجبات اجتناب از آن (تولید) فراهم می شود .

ر . ك . Marginal utility

می باشد.

گروه حاشیه‌ای Marginal group

Group ر. ك.

انسان حاشیه‌ای Marginal man

مفهومی است بالنسبه جدید که سرنوشت بسیاری از انسانها را با آن تحلیل می نمایند. انسانهایی که در بطن جامعه به هر دلیل جذب نشده غریب مانده اند :

I - این واژه در ابتدا ، توسط پارک

(R.Park) در اثرش با نام «فرهنگ و نژاد»

مطرح گردید. سپس هوگز (E.C.Hughs) به

تکمیل محتوای آن پرداخت . از دیدگاه

آنان در هر زمینه اجتماعی و شغلی ، ویژگیهایی

چند بایکدیگر می پیوندند و فردی که تمامی ویا

اکثر آنها را داشته باشد ، فرد معمولی خوانده

می شود ، در غیر این صورت ، در حاشیه و کنار

می ماند. بعنوان مثال ، يك استاد دانشگاه فردیست

بزرگسال ، دارای دکترا ، از طبقه اجتماعی

متوسط روبه بالا و دارای ویژگیهای جسمانی

خاص ، و ویژه . يك خانم بسیار جوان

و شیک که فقط دارای دکتر است و به استاد آن

سمت استادی یافته است ، در حاشیه نوع

ایده آل حرفه خود باقی ماند و این منزلت

کمتر برآورنده او خواهد بود و همین امرگاه

مسائلی مطرح می سازد که بمرور تشدید شده

به هم می آمیزند ؛ بدینسان ، به زعم پارک

«انسان حاشیه‌ای سرنوشتی خاص دارد ، از

نظر فرهنگی دو رگه است و گاه نیز حامل

ارزشها و سنن دو قوم متمایز به لحاظ مهاجرت»

(Human migration and the

marginal man , P , 892)

پارک در ادامه توضیح خود در مقدمه‌ای که بر اثر استونکیست (Stonequist) نوشته است می افزاید :

انسان حاشیه‌ای (بالاخره) انسانی است که سرنوشتش او را محکوم به زندگی در دو جامعه و دو فرهنگ نه تنها متمایز بلکه متخاصم ساخته است»

(Marginal man , P , XV)

II - بعد از پارک ، استونکیست ، انواع

انسان حاشیه‌ای را بدینسان متمایز ساخت :

بیگانه مهاجر ، یهودی جدا شده از محلات

مخصوص یهودیان ، فرد تازه بدوران رسیده ،

مهاجر روستایی در شهر ، زنی که نقشهای

مردانه پذیرفته است. (ا op.cit: 3-6)

توماسی (W.J.Thomas) و ژنانیخی

(F.Znaniecki) نیز به هم خود ، نسل دوم

مهاجرین را متشکل از انسانهای حاشیه‌ای

نمونه می دانند و شاخصهایی چون جرایم زیاد ،

بی سازمانی خانواده ، ناپسامانیهای عاطفی

را برای این افراد بر می شمارند .

(The polish peasant in

Europe and America, 1918)

در سالهای اخیر ، این مفهوم رواج

بیشتری یافته است . آنچنانکه شرایط هر

انسان بیگانه با قوم خویش را با این واژه

- تحليل می نمایند و هر آنکس را که به زعم رايژمن (D. Riesman) از نظر ذهنی نتواند هویت گروهی خود را پايده حاشیه ای خطاب می کنند.
- (Individualism reconsidered and other Essays , P : 154)*
- ر. ک. Marginal group , Anomie
- Marginal uniqueness** یکتایی نهایی
- تمایزی مشهود بین اشخاصی است که جهانی از وجوه اشتراك بین خود دارند . این تمایز موجبات جذب آنان را توسط فرد حائز تمایز مثبت فراهم ساخته ، مقدمات گزینش رهبر را فراهم می سازد .
- Marginal utility** مطلوبیت نهایی
- ارزش یا اهمیت مرتبط با آخرین واحد از يك كالای خاص .
- ر. ک. Marginal disutility
- Marital abstinence** اجتناب از روابط جنسی با همسر
- خود داری کامل و ارادی از ارضاء خواست جنسی با همسر قانونی به هر جهت (ترس از باروری و ...)
- ر. ک. Moral restraint /
- Continence in marriage
- Marital continence** امساک در روابط جنسی با همسر
- ر. ک. Continence in marriage
- Marital fertility rate** میزان باروری زنان مزدوج در سن باروری
- شمار فرزندان مشروع و زنده بدنيا آمده رادر خلال يكسال معین بر حسب ۱۰۰۰ زن مزدوج در سن فرزند آوری می رساند .
- ر. ک. Fertility
- Marital roles** نقشهای زوجین
- الگوهای رفتاری مورد انتظار برای زن و شوهر . به زعم پارمنز (T. Parsons) بطور سنتی شوهر نقش راهبری و حل مشکل و مسائل مالی (Instrumental) است و حال آنکه نقش زن بیشتر عاطفی - بیانی (Expressive) است .
- Marital stability** استواری زناشویی
- Marital status** وضع تاهل
- از نظر وضع تاهل انسانها به چهار گروه قابل تقسیم اند : هنوز ازدواج نکرده ، متأهل ، بی همسر در اثر فوت ، بی همسر در اثر طلاق .
- Market , Labor** بازار کار
- ر. ک. Labor market
- Marriage** ازدواج - زناشویی
- از مهمترین نهادهای اجتماعی است . برخی راعقیده براین است که کار ازدواج جز تنظیم ، قانونی و مشروع ساختن روابط جنسی نیست ، به عبارت دیگر ، هدف ازدواج تنها تمتع است و عقد ازدواج نیاز جنسی را در قالبی جامعه پسند ارضاء می کند . جمعی دیگر ازدانشمندان مقصد ازدواج را تولید نسل و

تشکیل خانواده می‌دانند و بر آنند که صرف ایجاد رابطه جسمانی، اگر غرض آوردن و پرورش فرزندان نباشد، ازدواج حقیقی بوجود نمی‌آورد، بسیاری دیگر برآمزش روانی ناشی از ازدواج تکیه دارند و براین اعتقادند که زناشویی در حقیقت به رهایی انسان از تنهایی و پیوند با جامعه می‌انجامد.

در راه ارائه تعریف ازدواج، عناصر

اصلی مورد توافق آن را برمی‌شماریم:

الف: ازجانبی باید توجه داشت که هر ازدواج مستلزم امکان استقرار روابط جسمانی بین زوجیت است، که موجبات تأمین پدیده زوجیت را موجب می‌گردد. و آن را از بسیاری دیگر از روابط متمایز می‌سازد. استقرار روابط جنسی می‌تواند عملاً صورت پذیرد یا آنکه به هرجهت با مانع مواجه شود، نظیر آنچه امساک در روابط زناشویی (Marital Continence) یا اجتناب از روابط زناشویی (Marital abstinence) با یکدیگر خوانده می‌شود.

ب: ازدواج متضمن امکان ایجاد روابطی جسمانی بین دو جنس مخالف است. پس، علیرغم تلاش همجنس بازان، (چه مرد که

عنوان همجنس بازی Homosexuality

یافته و چه زن که زن همجنس بازی Lesbianism خوانده می‌شود) هرگز روابط جسمانی آنان به عنوان ازدواج شناخته و پذیرفته نشده است.

پ: ازدواج مستلزم تصویب جامعه است.

از همین رو است که کارلسون (Karlsson, G) در اثرش با نام «سازش پذیری و رابطه در ازدواج» زناشویی را چنین تعریف می‌کند: «ازدواج فرایندی از کنش دوسویه (متقابل) است میان دو انسان، یک مرد و یک زن که به پاره‌ای نیازهای مشروع خود پاسخ داده‌اند و این عمل ایشان همراه با تشریفات رسمی زناشویی بوده و در هر حال به عنوان ازدواج توسط قانون پذیرفته شده است».

(Adaptability and

Communication in marriage, P.93)

از تعریف بالا آشکارا چنین استنباط می‌شود که هر ازدواج برخوردی دراماتیک میان طبیعت و فرهنگ یا میان قواعد اجتماعی و تحریرسکات جنسی است. گوئتر

(Günther, H.F.K.) اثر خود را با نام

«زناشویی، اشکال و خاستگاه آن» با روابط جنسی در زندگی جانوران آغاز می‌کند و این به سبب اهمیت زیستی (بیولوژیک) ازدواج است. لیکن به این حیات جنسی فرهنگ نیز افزوده می‌شود که به گفته لوی استروس (C. Levi - Strauss) در اثر کلاسیکش

«ساختهای بنیانی خویشاوندی» حیات جنسی را غنی می‌بخشد و از آن سود می‌جوید و بدین ترتیب، ترکیبی نو ایجاد می‌شود و این بدان سبب است که انسان همچنانکه فردی اجتماعی است، موجودی زیستی نیز بشمار

می آید .

بدینقرار: ازدواج به معنای ایجاد پیوندی (چه دایم و چه موقت) با ایجاد امکان روابط جنسی بین دو جنس مخالف است، که مورد تصویب جامعه (شرع، عرف) قرار گرفته باشد: گذشته از این خطوط کلی، هریک از محققان، معمولاً تحت تاثیر فرهنگ خاص خود و گاه خواسته‌های شخصی، ویژگی‌های دیگری نیز برای ازدواج قایلند:

۱- تقدس: بسیاری را عقیده براین است که پیوند زوجیت مخصوصاً از این جهت با پیوندهای دیگر تمایز می‌یابد که دارای تقدسی خاص است. مسیحیان این تقدس را از دیدگاه ممنوعیت طلاق مورد تأکید قرار می‌دهند. به بیان دیگر، کاتولیکها، با تأکید بر همین تقدس زوجیت، گسستن آن را غیر قابل پذیرش می‌دانند. هندیان با افزودن مفهوم دهارما (Dharma) بر تقدس زوجیت صحنه می‌گذارند و از این جهت ابعاد معنوی زوجیت را در برابر روابط مادی دیگر قرار داده، آنان را از یکدیگر منفک می‌سازند.

۲- فرزند آوری (Procreation)،

بسیاری روابط زوجیت را منوط به داشتن فرزند می‌نمایند. از همین رو است که در بسیاری از فرهنگهای ابتدایی ازدواج بدون فرزند رسمیت نمی‌یابد و چنانچه زوجی بی‌فرزند ماند، نوعی خاص از طلاق رخ می‌دهد و آن این که هریک از طرفین عملاً و بدون نیاز به

فسخ قرارداد زوجیت می‌تواند، عقد دیگری با فردی دیگر بندد.

ر. ک. Sigha , Connubium ,

Hypogamy / Hypergamy /

Homogamy / Mate selection ,

Marriage , Arranged

ازدواج تنظیم شده - ترتیب یافته

ر. ک. Arranged marriage

واسطه زناشویی Marriage broker

در جوامع پدر سر از جانبی ازدواج فرزندان واقعه‌ای سخت اجتماعی و اقتصادی برای تمام جامعه است، از جانب دیگر ازدواج جوانان همچون ابزاری در خدمت بزرگترهاست جهت نیل به اهداف اجتماعی و اقتصادی (ممانعت از تقسیم زمین، آشتی با فامیل دیگر و ...). در برابر این اهمیت و همچنین توجه خاص به زناشویی، روابط بین دو جنس نیز سخت محدود است. ازینروست که کار واسطه‌ها از اهمیتی خاص در تعیین سرنوشت جامعه و فرد برخوردار است.

Marriage by Capture

ازدواج از طریق ربایش

یکی از کهن‌ترین اشکال گزینش همسر بودن اوست و تاریخ ایران که مشحون از داستان جنگها و هم‌چشمی قبایل است، شاهد موارد بی‌شماری از همسر ربایی بوده است «دراسپارت پدر و مادر مسئول تدارك ازدواج فرزندان خود بودند. داماد برای

دیده می‌شود، اما اغلب عرف جامعه آنرا نامطلوب تلقی نموده و می‌نماید» (همان اثر ص ۷۰)

از این‌رو در مورد ربایش همسر می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱- در اغلب نقاط جهان نامطلوب و حتی ممنوع است و صرفاً به صورت مواردی چند و نه نوعی ثابت به چشم می‌خورد.

۲- در برخی از جوامع اولیه همانطور که در سطور فوق آمد، ملاحظه گردیده است ولی، نه به عنوان نهادی پسندیده، رایج و پایا.

۳- در جوامعی چند (غیر ابتدایی) نیز دیده شده است و آن زمانی است که فردی قصد تخطی از قوانین موجود جامعه را داشته باشد که در این صورت عمل نه‌هنجار، بلکه ضد هنجار است.

۴- در برخی از موارد، ربایش نه واقعی بلکه به عنوان شیوه‌ای نمایشی صورت می‌پذیرد و شواهد آن بسیارند. از جمله:

ثرن والد (R. Thurnwald) از ربایش تشریفاتی در گینه جدید یاد می‌کند. (op. cit, p: 72)

۵- در مواردی چند ربایش همسر، معرف عظمت زناشویی و تغییرات عظیمی است که با آن در حیات فرد (چه زن و چه مرد) پدید می‌آید. درحقیقت، جامعه با برگزاری کردن مراسمی خاص و معمولاً وسیع

تصاحب عروس پولی نمی‌پرداخت ولی بایست عروس را به زور از خانه‌اش بیرون کشد. ولی عروس هم موظف برود در مقابل او ایستادگی کند. از این روی بود که نزد اسپارتیان کلمه زناشویی به معنی ربودن بود، در مواردی ممکن بود که جمعی از مردان و زنان مجرد را که از لحاظ عدد مساوی بودند در اتاقی تاریک گرد آورند تا در تاریکی هر يك از مردان شريك زندگى خود را از میان دختران برگزینند» (ویل دودانت، تاریخ تمدن یونان باستان ترجمه ا، ح. آریانپور ص ۱۵۰)

از نظر رواج چنین شیوه‌ای در گزینش همسر در جهان، به روایت گوئتر (Günther, F.K) «لوی (R.H Lowie) در بین سرخپوستان امریکای شمالی بدان اشارت دارد و ثورن (E.F. Thurn) در بین سرخپوستان جزایر کادی‌بی (Karibi) از آن یاد می‌نماید. همچنانکه در بین اسکیموها نیز از آن یاد شده است.

(*Le mariage, ses formes, son origine*, P. 71)

لیک این نوع ازدواج را نمی‌توان صورت یا نوعی معمول و پذیرفته از ازدواج همانند دیگر انواع آن دانست. گوئتر در مورد آن با توجه به همین نکات می‌نویسد: «ازدواج از طریق ربایش در نقاطی چند از جهان و در بین اقوامی پدرسر یا مادرسر

گذر از يك پايگاه را در حیات افرادش به پايگاه ديگر (بلوغ و بزرگسالی) مورد توجهی خاص قرار می دهد .

Marriage by exchange

ازدواج مبادله ای :

گونه ای خاص از ازدواج که بر پایه آن دو مرد دختران یا خواهران خود را بمنظور زوجیت مبادله می نمایند، یا آنکه خانواده ای در قبال ارائه دخترش برای زناشویی، خدمت، کالا یا حتی حیوانی دریافت می دارد. I - بسیاری، همچون کلود لوی استروسی

(C - Levi - Strauss) بر این عقیده اند که اساسی ترین قاعده حیات اجتماعی تبادل است . حتی آنگاه که آن ذاك دوسو (J . J - Rousseau) سخن از قرارداد اجتماعی یا میثاق اجتماعی (Social Convention) می راند، باز اندیشه اش در معنای وسیع تبادل جای می گیرد. بدین معنی که انسانها در برابر جامعه و همچنین در مقابل یکدیگر بنوعی داد و ستد دست می زنند ولی این داد و ستد همواره بر مبنای مادی و کالایی نیست و از همین جاست که

نظریه انسان اقتصادی (Homo oeconomicus)

که اقتصاد دانانی چون آدام اسمیت (A . Smith) دیوید ریکاردو :

(D. Ricardo) جان استوارت میل

(J.S.Mill) و بسیاری دیگر عنوان می نمودند محدوده ای تنگ و نارسا در تبیین گوناگونی

داد و ستدها و تعدد مبادلاتیست که انسانها در طول حیات اجتماعی خود بدان دست می زنند. انسان در اجتماع گاه در برابر داده های خود هیچ نمی ستاند ، یعنی تبادل مادی و کالایی صورت نمی گیرد . به عنوان مثال در

جریان مراسمی چون پتلاچ (Potlatch) انسانها می دهند ولی هیچ نمی گیرند و در انتظار گرفتن کالایی در برابر داده های خود نیز نیستند. اما باز تبادل در معنای وسیع صورت می پذیرد. بدین معنی که آنان در برابر آنچه می دهند، کالایی غیر مادی، یعنی اعتبار اجتماعی، احترام و وجهه جمعی طلب می کنند و در نهایت هم این خواست خود را با ستایش از خویشتن متجلی می سازند. پس نظام تبادل در حیات اجتماعی جای دارد اما همواره فرایند داد و ستد از هر دوسو عینی نیست، یعنی زمینه اجتماعی در مواردی بسیار خاستگاه انسانهایی است که در برابر داده های خود هیچ نخواهند، جز رضای درونی یا خشنودی مقام ملکوتی، که در اصطلاح بر حسب درجات آن سخن از دیگرخواهی (Altruism)، انسان دوستی و در نهایت ایثار (Abnegation) می رود.

همین اصول در زمینه ازدواج، پدیده ای را فراهم ساخته اند که ازدواج مبادله ای خوانده می شود، آندره هیشل درین باره می نویسد: «مثالی که استروس می آورد نشان می دهد چگونه ازدواج يك عنصر از زنجیر پایان ناپذیر پرداختهای دوجانبه است که از

طبق نظر وستر مارک (Westermarck)

در استرالیا مرد زن نمی گرفته مگر اینکه خواهران یا دخترانش را در ازاء زنی که می گرفته، بدهد. رسم عوض کردن دختران برای ازدواج در بین طوایف بلوچستان و ایالت کشمیر نیز شیوع داشته است.

II- ازدواج مبادله‌ای، خود صوری گوناگون دارد که هر یک بر منظومه قواعد بسیار پیچیده، ظریف و فراوان زوجیت آثاری چند می‌نهد.

الف - تبادل بر مبنای مبادله خواهران صورت می‌پذیرد: به روایت گوئتر (Hans - F.K. Günther) «در استرالیا و گینه نو و جزئی از اقیانوسیه رسم رایج این است که دو مرد خواهران خود را به عنوان ازدواج مبادله می‌نمایند».

(*Le mariage, ses formes, son origine*, P. 36)

ب: در موارد دیگری، در بین شاهزادگان اروپا، شاهد ازدواج يك برادر و يك خواهر از يك خانواده با يك برادر و يك خواهر از خانواده دیگریم (op. cit: 37) پ: ازدواج مبادله‌ای، می‌تواند بر مبنای برون همسری کلانی صورت پذیرد که در چارچوبی اجباری قرار می‌گیرد، چه، زمانی که فردی از يك کلان دختر از کلان دیگر گرفت، و با آن به رسم همخوانی توتمی احترام نهاد به ناچار باید کلانی که دختر به

ویژگیهای روابط اجتماعی جامعه ابتدایی بشمار می‌رود. اگر يك نفر بخواهد دختری به قبیله بوشمن شوهر دهد... افراد قبیله مزبور در جواب خواهند گفت که وی فقیر تر از آنست که بتواند به قبیله آنان دختر بدهد».

«اینان دلایلی هستند برای اثبات اینکه ازدواج مجموعه‌ای است از پرداختهای دو جانبه جنسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی» (میشل (آ)، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه اردلان (ف)، ص ۵۱)

به‌زعم هندداسی (Mendras (H) «کار اساسی ازدواج آن است که دوطایفه یا دو خانواده را که با هم رابطه‌ای ندارند، به یکدیگر مربوط کند و در اغلب جوامع تأمین این بستگی میان دودودمان به‌عهده زنان است. زن همچون پیوندی اجتماعی است که طوایفی متفاوت را در جامعه‌ای واحد گرد می‌آورد و از این لحاظ در حکم موضوع مبادله است، درست مانند پول در روابط اقتصادی، زنان به خاطر برقراری روابط اجتماعی مبادله می‌شوند و پول به خاطر برقراری روابط اقتصادی» (مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. ص ۲۵۹).

حتی در موارد اضطراری نیز مبادله زنان بصورت ازدواج راه حل نهایی به‌شمار می‌رفته است؛ در صورتی که در طایفه‌ای فردی کشته می‌شد، طایفه قاتل با ارائه يك زن خون بها می‌داد.

ازدواج داده خود نیز دختری در ازا آن مطالبه نماید .

چه ، با پیدایی برون همسری و پیوند ناشی از تبادل زوجیت ، نه تنها کلانها ، بلکه گروههای بسیار متفاوت و مجزا با یکدیگر پیوند بستند .

Marriage by purchase

ازدواج از طریق خرید

I- رسم خرید انسانی دیگر (مخصوصاً زن) به عنوان همسر از شیوه های معمول در بسیاری از نقاط جهان بوده است . حتی به هنگام رواج برده داری نیز ، خرید برده به عنوان همسر رایج بوده است که در آن صورت برده خریداری شده ، نام ام ولد (مادر فرزند) می یافته است . مرتضی داوندی در قادیخ اجتماعی ایران (۱۳۵۶) در این باره می نویسد : «در بابل کسانی که دختران قابل شوهر رفتن داشتند ، آنانرا به محلی می آوردند و دلای آنها را توصیف کرده می فروخت ، ولی هر يك از دختران را بدان شرط به فروش می رساند که به عنوان همسر گرفته شوند . (ص ۱۷۹) : «به همین مناسبت نیز در عصر هومر ، دریونان باستان ازدختران «گاو آور» نام برده می شود» (ویل دورانت ، تاریخ تمدن یونان باستان ، ترجمه ا - ح - آریانپور ، انتشارات اقبال - صفحه ۹) . به زعم گونسز ، (F. K. Günther) خرید زن اساسی ترین شکل ازدواج در بین اقوام هند اروپایی و در

بین مردم آلمانی نژاد بوده است . بطوریکه میتوان گفت ، ازدواج از طریق خرید ، در حقیقت همان ازدواج هند و اروپائی بوده است .

(Le mariage, ses formes ,

son origine , P : 62)

از جانب دیگر ، لوی (Lowie) در بین اقوام ساکن در امریکای شمالی نیز همین رسم برخورد نموده می نویسد : ازدواج از طریق خریداری (در بین این اقوام) افتخار آمیزترین نوع زناشویی به حساب می آید و خاص محبوبترین دختران است ، اما برای زنانی که برای بار دوم (یا بیشتر) به ازدواج می پردازند ، ممنوع است . (به نقل از گونتر همان اثر صفحه ۶۸) . برخی تا آنجا پیش می روند که معتقدند ، رسوم چون باشلق ، شیر بها ، مهریه و ... بقایای همین رسم خریداری همسر از جانب مردانست هر چند که وجود رسم جهیزیه (که از جانب زن و خانواده اش به خانه شوهر آورده می شود) چنین فرضیه ای را به تردید می کشاند .

II- با توجه به اهمیت و رواج این

رسم ، بسیاری در باب علت یا علل آن به اندیشه پرداخته اند : رالف لیمنتن (R. Linton) دریافت وجه برای فروش زنانرا در ازدواج جبران خساراتی می داند که در اثر خدمات دختر و حتی کودکان احتمالی که بالقوه در بطن دارد ، پدید می آید (سیر

- جوانان بهنگام گزینش همسر و کمک در حیل مسائل خانوادگی است .
- Marriage, Dissolution (rate of) میزان گسیختگی ازدواج
- Divorce ر. ک .
- Marriage , Endogamous ازدواج درون همسری
- Endogamy ر. ک .
- Marriage , Exogamous ازدواج برون همسر
- Exogamous marriage ر. ک .
- Marriage , Group ازدواج گروهی
- Group marriage ر. ک .
- Marriage , Matrilocal ازدواج مادر مکان
- Matrilocal marriage ر. ک .
- Marriage , Mixed ازدواج مختلط
- Mixed marriage ر. ک .
- Marriage , Morganatic متعه دائم
- Morganatic marriage ر. ک .
- Marriage , Pair ازدواج مبتنی بر برابری - برابر همسری
- Pair marriage ر. ک .
- Marriage , Patrilocal ازدواج پدر مکان
- Patrilocal marriage ر. ک .
- Marriage , Temporary ازدواج موقت
- تمدن، ترجمه پرویز مرزبان ص ۱۷۸) برخی دیگر، بر سلطه مردان و «کالا» نمودن زن اشارت دارند و پیدایی ازدواجهای مبتنی بر برابری (Pair marriage) باید مؤید افول این رسم باشد
- Marriage , Clandestine ازدواج خصوصی
- Clandestine marriage ر. ک .
- Marriage , Common law زناشویی عرفی
- Common law marriage ر. ک .
- Marriage , Companionate ازدواج دوستانه
- Companionate marriage ر. ک .
- Marriage , Comradship ازدواج دوستانه
- Comradship marriage ر. ک .
- Marriage contract قرار داد زناشویی
- (۱) هر میثاق زناشویی بین يك مرد و همسرش (۲) در معنای خاص، سلسله تمهیدات متقابل زن و مرد از نظر اقتصادی و مالی را می‌رساند. این نوع قرار دادها در اکثر موارد، از صورت شفاهی بدرآمده به صورت کتبی و رسمی در می‌آیند .
- Marriage counselling مشاوره زناشویی
- بمنظور مبارزه با بحرانهای روزافزون خانواده در جهان جدید و کاهش میزان طلاق سازمانهایی چه خصوصی و چه دولتی بدین عنوان ایجاد شده اند که هدف از آن راهنمایی

- روزنامه‌اش توقیف شد و او نیز به پاریس مهاجرت کرد. در این شهر بود که با انگلس (F. Engels) آشنا شد و دوستی پایای آنان از این جا پا گرفت.
- II- مارکس دیدی تازه از تاریخ را مطرح نمود که بنام ماده‌گرایی تاریخی (Historical materialism) شناخته شد. دیدی تازه از جامعه ارائه نمود که به زعم وی در تنازع و کشاکش طبقاتی است. پس مفهوم طبقه در جامعه‌شناسی وی مقامی خاص یافت. او در باب تملک ابزار تولید، مکتب اشتراکی (Collectivism) را عنوان نمود و این خود سرآغاز پیدایی نهضت‌های سیاسی جدیدی در جهان گردید.
- بر پایه نظراتش که آنرا ماده‌گرایی دیالکتیک نیز می‌خوانند، شیوه تولید، خصلت اساسی اقتصاد و تمامی ارکان جامعه را تعیین می‌نماید. پس به زعم او حقوق، اخلاق، هنر و ادب تماماً تابعی از زیر ساخت یا سازمان و شیوه تولیدند. این بمعنای پذیرش جبر اقتصادی (Economic determinism) از جانب اوست. او در برابر اندیشمندانی که خود آنانرا سوسیالیست رؤیایی می‌خواند؛ در صدد تمهید نوعی دیگر از سوسیالیسم است که آنرا سوسیالیسم علمی می‌نامد. این سوسیالیسم مخصوصاً به صورت واکنشی در برابر افراط سرمایه‌داری لیبرال در قرن ۱۹ تجلی کرد. او در باب حرکت جوامع پنج مرحله را ذکر
- ر. ک. Sighe
Marriage, Trial ازدواج آزمایشی
ر. ک. Trial marriage
شعائر ازدواج Marriage ritual
آداب و مراسمی که همواره همراه ازدواجند. حتی در جوامع اولیه نیز ازدواج یک دختر و پسر دور از چشم جامعه و بدون مراسم صورت نمی‌گرفت. این شعائر نه تنها موجب دوام زناشویی را فراهم می‌سازند، بلکه همچون عاملی در راه وحدت جمع تحقق می‌یابند.
- به شهادت رسانیدن Martyrize
تذکره الشهداء Martyrology
مارکس Marx (Karl)
I- فیلسوف، اقتصاددان و متفکر آلمانی است (۱۸۸۳-۱۸۱۸). او بانی مکتبی است بانام مارکس آیینی. مارکس در خانواده‌ای یهودی بدینا آمد. سپس پدرش به مسیحیت روی نمود و همه خانواده پروتستان شدند. به عنوان یک دانشجو در دانشگاه‌های بن و برلن توجه خاص مارکس به فلسفه معطوف شد و تحت تأثیر عظیم هگل (C.W.F. Hegel) و فوئرباخ (L. Feuerbach) قرار گرفت. پس از اخذ دکترا بسال ۱۸۴۱، مارکس به کار روزنامه نگاری پرداخت، لیکن

می کند که شامل کمون اولیه ، برده داری ، فئودالیسم و سپس بورژوازی و در نهایت سوسیالیسم است ؛

III- آثاری بسیار دارد که از آن جمله اند:

فلسفه و اقتصاد سیاسی ؛ خانواده مقدس ، بینوایی فلسفه ، مانیفست کمونیست . هیجده پروم لونی بنیادلات . مزد ، قیمت و سود ؛ تاریخ عقاید اقتصادی . جنگ داخلی دفرانسه ؛ مقدمه ای بر نقد از اقتصاد سیاسی ؛ سرمایه (که جلد اول آن سال ۱۸۶۷ منتشر گردید و دو جلد بعد توسط انگلیس ویراستاری و پس از مرگ هارکس انتشار یافت)

ر. ک. Communism / Dialectic

Social classe / Economic

determinism

Marxian ideology

ایده اولژی مارکس گرایانه-ایده اولژی مارکس

مارکس گرایی Marxism

مارکس شناسی Marxology

ویژگیهای روانی- اجتماعی مرد Masculinity

مجموعه مشخصاتی که در يك جامعه

خاص مردان شناخته می شوند. این ویژگیها همه جایکسان نیست؛ در بعضی از جوامع، مرد بودن با قدرت، خشونت، استقامت، عقلانی و غیر عاطفی بودن و همچنین استطاعت اداره زن و فرزندان مترادف است. ولی به زعم بسیاری از انسانشناسان، از جمله هارگاردت مید (M.Mead) این امر جهانی نیست، چه،

در بسیاری از جوامع و اقوام دیگر، نظیر آراپشها و ... مرد بودن با نرمش، عطوفت، حالات انفعالی و ... که معمولاً خاص زن بودن شناخته می شوند مترادف می شود.

ر. ک. Femininity

توده Mass

از ریشه لاتینی Massa بمعنای خمیر و انبوه گرفته شده است. در معنای وسیع، توده جمعی گسترده از مردم اما فاقد تمایز درونی، در هم، فاقد شکل و ساخت معین (Amorphous)، را می رساند. فون دایز (von wiese) آن را همچون واحدی پرتحرک می داند که در آن مجموعه ای از روابط اجتماعی شکل می گیرد، بدون آنکه افراد تشکیل دهنده آن تصویری از پیوند متداوم خود داشته باشند.

در معنای محدودتر، توده به عنوان نوعی از گروه بندی اجتماعی در برابر جماعت (Community) و سلك (Communion) قرار می گیرد و از این دید، ویژگیهایی چند می یابد: گسترده، بسی ساخت و اکشر ناهمجاست. در آن تعداد می تواند بسیار زیاد باشد، اما الفت متقابل آنان ناچیز است. در مقابل سلك که افرادش در یکدیگر ذوب می شوند، در نوعی خلسه و هیجان جمعی فرو می روند، از نظر تعداد انسداد، در برابر رسوخ عقاید و افکار خارجی مقاوم و نسبتاً بسته اند و می توانند پایاتر از توده ها باشند.

ر. ک. Sociability / Community / Crowd / Communion

توده مجتمع Mass, Assembled
ر. ک. Assembled mass

Mass communication

ارتباط جمعى
ر. ک. Communication

مصرف انبوه Mass Consumption

در برابر وبه عنوان امر ضرور بعد از تولید انبوه (Mass production) صورت مى پذیرد. با گسترش تکنولوژی تولید، چنانچه مصرف محدود ماند، تولیدکنندگان به وسایلى چون تبلیغات تجارى و ... منشعب مى شوند.

Mass culture

فرهنگ توده گیر - فرهنگ توده ها

I - از آن با عنوان فرهنگ مردمی Popular Culture نیز یاد مى شود. در برابر فرهنگ نخبگان (Elite Culture) قرار مى گیرد و یکی از عوامل پیدایی آن وسایل ارتباط جمعی است. عناصر فرهنگ توده ها، همسانى رفتار، اندیشه، لباس و حتى غذاهاى آنانست. جنبه طبقاتى ندارد، در توده هاى وسیع متجلى است، فاقد عمق است و در مصرف و فراغت جلوه گر است. هم با فرهنگ عامه (Folk Culture) که در خارج از شهرها متجلى پذیراست، متمایز است، هم با فرهنگ ادبی (Literary Culture)

که در قدیم به طبقه متوسط وابسته بود. فرهنگ توده گیر، در جامعه صنعتی و شهرهای بزرگ پدید مى آید و خاص جامعه توده ها (Mass society) است.

II - مک دونالد (D. Macdonald) بر این عقیده است که «فرهنگ توده ها با پیدایی حکومت مردم؛ آموزش مردمی که موجبات از بین رفتن انحصار فرهنگ در اختیار طبقات بالا را فراهم مى ساخت، پدیدار گشت؛ چه، برای مدت تقریباً يك قرن، فرهنگ غربی در واقع دو فرهنگ بود: فرهنگ سنتی که باید فرهنگ بالا (High Culture) خوانده شود و در کتب درسی از آن یاد مى شود و فرهنگ توده ها که یکجا برای بازار ساخته شده بود».

(A Theory of Mass culture ,

in B. Rosenberg and M. White
(eds), Mass culture,
pp. 57-73)

تمیز بین فرهنگ سنتی و فرهنگ توده ها توسط ولهايم (R. Wollheim) دقیقتر صورت یافت. به زعم او در فرهنگ قدیم ادبی طبقه متوسط را فرهنگی نو تهدید مى کند که هم از نظر ویژگیهايش و هم از دیدگاه شرایط احراز با فرهنگ قدیم تمایز دارد: «- در حالیکه فرهنگ قدیم در اصل ادبی است، فرهنگ نو فرهنگ گذران فراغت است».

- در حالیکه فرهنگ قدیم انتقادی است ، فرهنگ نو، پذیراست .
 - در حالیکه فرهنگ قدیم بر قناعت و عدم تظاهر مبتنی است ، فرهنگ نو بر خود نمایی و مصرف فراوان اتکا دارد .
 - در حالیکه فرهنگ قدیم طبقاتی است ، فرهنگ نو فاقد بعد طبقاتی است»

(Socialism and culture ,

P . 7)

از دیدگاه گرینبرگ (C.Greenberg)، فرهنگ توده‌ها ، محصول انقلاب صنعتی است که توده‌ها را در اروپای غربی و آمریکای شمالی شهر نشین ساخت و سواد را رایج نمود. توده‌های شهری خسته از فرهنگ عامه که از روستاها مایه می‌گرفت و در جستجوی سرگرمیهای تازه ، بر جامعه فشار آوردند تا فرهنگی مناسب با مقتضیات جدید، فراهم آورد . بدینسان، فرهنگ توده‌ها پدید آمد و خاص کسانی شد که بی‌اعتنا نسبت به ارزشهای فرهنگ اصیل ، فقط عطش سرگرم شدن داشتند .

جامعه از ابعاد بدیع و اصیل فرهنگ تهی شد و تنوع آن نیز جای به یکسانی بخشید.

III - از دیدگاه ارزشی (دزبرگ

(B . Rosenberg) و مک دونالد (D . Macdonald) به‌عنوان مخالف با گسترش فرهنگ توده‌ها ، معتقدند که چنین

فرهنگی ، برانگیخته از وسایل ارتباط جمعی، مانع تجلی فرهنگ متعالی با جذب و امحاء آن می‌شود . بر عوام فهم سازی (Vulgarization) متکی است .

بدینسان ، هنرمندان برجسته ناچار می‌شوند برای بازار و انبوه مردم تولید کنند و در جهت مصرف انبوه . بنابراین ، دقت ، ظرافت و هنر واقعی که مستلزم رهایی از ابتذال است ، صورت وقوع نمی‌یابد .

در مقابل ، مدافعین فرهنگ توده‌ها

مانند دایت (D.M.white) یا شیلز (E. Shils) معتقدند در شرایط فعلی، هنر متعالی و ممتاز نیز بسیار مورد توجه است ، پس فرهنگ توده‌ها، به‌اضمحلال آن نینجامیده است . همچنین ، در جامعه جدید انواع فرهنگهای خرد و جرد دارند . پس فرهنگ توده‌ها به یکسان سازی مطلق مردم منتهی نشده است . سوم آنکه پیدایی فرهنگ توده‌ها نه بمعنای سقوط فرهنگ ، بلکه ارتقاء فرهنگی بسیاری از افراد جامعه است .

ر. ک . Culture / Mass society

Mass - media

وسایل ارتباط جمعی - رسانه‌های همگانی

- خلاصه اصطلاح :

Media of mass Communication

است و به مجموعه وسایل غیر شخصی اطلاق می‌شود که انتقال پیام سمعی ، بصری و یا هر دو را بسوی مردمی بسیار و در مناطق دور

دست موجب می‌شوند. شاخص این وسایل ، ارتباط آنان با جمع است. بدینسان، رسانه‌های همگانی، وسایل و ابزاری هستند که بین جمع و جمع یا فرد و جمع ایجاد ارتباط می‌نمایند. II - گذشته از این خطوط کلی، بر حسب دیدگاه متفکران درین رشته ، وسایل ارتباط جمعی محدوده‌هایی متمایز می‌یابند:

۱- برخی چون کلپر (J.T.Klapper)

بر خود وسایل تأکید نموده، با این مفهوم تمامی وسایل ارتباطی را در نظر می‌آورند که موجبات پیدایی ارتباط غیر شخصی بین گوینده و شنوندگان یا بینندگان را فراهم می‌سازد. با این معیار، وسایلی چون رادیو، کتاب، سینما، تلویزیون و هر وسیله ارتباط غیر شخصی در این محدوده جای می‌گیرند و فقط گفتگوهای شخصی از آن خارج می‌گردند.

(The effect of mass media

P : 3)

برخی دیگر چون ویب (G.D.Wiebe)

وسایل ارتباط جمعی را با توجه به مشتریان آنان در نظر می‌گیرند. به نظر وی ، دو ویژگی اساسی وسایل ارتباط جمعی عبارتند از : ۱) محصول آنان بسادگی در دسترس اکثر مردم قرار می‌گیرد. ۲) مخارج دسترسی به فراورده‌های ارتباطی چنان اندک است که بطور کلی از نظر مالی ، مردم بسادگی بدان دست می‌یابند.

Mass Communication, in E.L

Hartley, R.E. Hartley (eds)

Fundamentals of social psychology.

PP , 164 - 5)

از این دیدگاه ، نه تنها وسایل شخصی و فردی، بلکه مجلات، کتب و یا هر نوع وسایلی که برای گروهی خاص و محدود برنامه پخش می‌کنند ، از زمره وسایل ارتباط جمعی خارج می‌شوند .

۳- شریف‌ها (C.W.Sherif, M.Sherif)

برای وسایل ارتباط جمعی ، گستردگی ، تنوع ، تعدد مشتریان و هم ابعاد زمانی را مطرح می‌سازند. به زعم آنان ، وسایل ارتباط جمعی ابزاری هستند که میلیون‌ها انسان را در يك آن و یا در فاصله زمانی بسیار اندك ، زیر پوشش می‌گیرند .

(An outline of social psychology

P : 562)

بدینسان ، وسایل ارتباط جمعی نه تنها موجبات انتقال پیام را به توده‌هایی عظیم ، فراتر از مرزهای ملی و طبقاتی فراهم می‌سازند، بلکه انفجار زمان و مکان را موجب می‌شوند. با ایجاد امکان حفظ پیام ، بقاء اندیشه را سبب می‌شوند .

وسایل ارتباط جمعی به دو نوع مکتوب و غیر مکتوب ؛ تقسیم می‌شوند. گذشته از

- این ، مارشال مك لوهان ، آنانرا به دونوع سرد و گرم تقسیم می کند. به نظر او وسایل ارتباط گرم مشارکت کمتری را از جانب استفاده کننده برمی انگیزند .
- MC Luhan / Communication/ Mass communication ر. ك.
- جنبش توده گیر Mass movement
- قیام یا حرکتی نه موضعی و محدود، بلکه وسیع ، جمعی و در اعماق.
- مشاهده جمعی Mass observation
- ر. ك. Observation
- اقناع جمعی Mass persuasion
- در جوامع کوچک ، با روابط چهره به چهره و آغازین حیات بشری که توفیس از آنان با نام جامعه معنوی یاد می کند، کمتر نیازی به دست کاری اندیشه هاست ، ولی ، در جامعه صنعتی ، با گستردگی و پیچیدگی آن و پیدایی روابط ثانوی و اراده اندیشیده که توفیس از آن با نام جامعه صوری یاد می کند، روابط نه بین فرد با فرد، بلکه فرد با سازمانها و نهادها تجلی می کند . از این جهت ، فرد در معرض تبلیغات سازمانهای ذینفع واقع می شود . ذاك الول (Jacques Ellul) در این زمینه معتقد است تبلیغات جدید، به افراد در بین توده هائی می رسد که در آن پیوندها کاهش یافته است . فرد در برابر آن بی پناه، تنها و نفوذ پذیر می ماند . با اقناع توده ها و از طریق وسایل ارتباط جمعی ، چنان وانمود می کنند که باید درست به دستور تبلیغات چنی عمل شود تا راه سعادت پیدا شود . امروزه اقناع جمعی هم در تجارت (که جهات افراطی آن تخدیر از راه دور و نفی آزادی واقعی انسانها با تلقین به آنها و اصرار در خرید کالایی خاص است)، هم در سیاست (با پیدایی مردمسالاریهای لجام گسیخته که در آن صاحبان وسایل ارتباط جمعی خصوصی به دستکاری اندیشه ها اهتمام می ورزند) بسیار مطرح است .
- ر. ك. Advertising / Mass society/ Mass Communication
- جامعه توده وار Mass society
- جامعه ای است منشکل از « شماری بسیار از افراد بدون آنکه دارای تمایز و هویتی خاص باشند ؛ جامعه ای که در آن افراد فاقد صلاحیت به داوری می پردازند ، جامعه ای که دیوانسالار است و همچنین ماشینی ؛ بالاخره جامعه ای که در آن توده ها با صفاتی چون از خود بیگانگی بی هدفی ، فقدان ساخت و سازمان عدم جذب در جمعی خاص ، گسترش می پذیرند .
- (D.Bell, The end of Ideology
- ، PP , 22 - 24)
- باید گفت ، صنعتی شدن گسترده ، توسعه شهرهای بزرگ ، بسط دیوانسالاری ، کاهش سنتها همراه با بسط وسایل ارتباط جمعی ، چنین جامعه ای را پدید می آورند :
- اهم ویژگیهای جامعه توده ها را چنین

می‌دانند :

۱- غیر سنتی و غیر کلاسیک است .
بدینسان هم تحرك اجتماعى در آن وسیع است ،
هم با طبقات متحجر و کاستهای سنتی تمایز
دارد .

۲- میزان گسترده‌ای از برابری خواهی
در آن تحقق یافته است . بدینسان تولید در آن
یکسان ، انبوه و در دسترس حداکثر توده‌هاست .
۳- دارای تراکم بالاست ، مخصوصاً
در سطح شهرهای بزرگ .

۴- هرم قدرت شکسته و یا مسطح است ؛
بدینسان ، چنین جامعه‌ای هم با سرآمدگرایی
(Elitism) تباین دارد ، هم با حکومت
صاحبان فنون (Technocracy) .

بسط چنین جامعه‌ای با این خصوصیات
موجب موضع‌گیری تقریباً همه جامعه‌شناسان
هریک به نحوی گردیده است :

۱- برخی بر تجزى گروه‌ها ، تنه‌ای
انسانها و پناه آنان به وسایل ارتباط جمعی
تکیه دارند . به عنوان مثال تورنر (R.H.Turner)
و کیلیان (L.M.Killian) توده‌ها را در
چارچوب جامعه توده‌وار به عنوان شماری از
افراد مجزا تعریف می‌کنند که هر يك مستقلاً
بشیوه‌ای واحد به انگیزه‌ای واحد پاسخ
می‌دهند ،

(Collective behavior ,

1957 , P . 167)

ولس ، این تنه‌ای از نظر دایزمن
(D.Riesman) در اثرش «انبوه قن‌ها» به
اضمحلال هویت انجامیده ، آثاری منفی بر
فرد و جامعه می‌نهد . نزدیک بدانست اندیشه
فرام (E. Fromm) در اثرش «قرس از آزادی» .
دانشمند دیگری چون کودن هازد
(W.Kornhauser) در اثرش ، «سیاست
شناسی در جامعه انبوه (۱۹۶۳)» به مطالعه
نهیضهای افراطی در جامعه انبوه و علل پیدایی
آنان در چنین جامعه‌ای می‌پردازد .

پیدایی این توده‌ها و سنتی گروه‌بندیهای
سنتی ، باید آثاری چند در صحنه سیاست
پدید آورد ؛ از اینروست که به زعم اورتگا گاست
(ortega y Gasset) در اثرش «طغیان توده‌ها»
«همواره جامعه واحدی پویاست
متشکل از دو عنصر : توده‌ها و اقلیت . آنانکه
در اقلیت‌اند و بزرگیهای خاص دارند و حال
آنکه توده از تعدادی بسیار از افراد تشکیل
می‌شود ، بدون آنکه و بزرگیهای خاص یا بد .
یکی از خصوصیات زمان ما سلطه توده‌ها و
امور مبتذل است .

Revolt of The masses ,

PP : 13 , 16)

از نظر مانه‌هایم (K. Mannheim)
جامعه توده‌وار «به تمامی نا بخردیها و واکنشهای
هیجانی که خاص تجمعات انسانی فاقد شکل
است ، مجال تجلی می‌دهد .»

Man and Society in an age

of reconstruction , New york ,

Harcourt, Brace, 1940, PP.44,61)

از دیدگاه سیاسى به زعم لدر (E.Lederer) «جامعه توده وار به یک تئورى می انجامد و رهبران سیاسى جدید با گرایشهای دیکتاتورى، توده ها را صورتی نهادی بخشیده از آنان ابزاری در راه خرد کردن هر نوع آزادی گروهی ساخته اند. دولت یک تاز، دولت توده ها است»

(State of the Masses ,

P , 45)

III- باید پذیرفت جامعه توده ها تجلی گاه سلطه روز افزون وسایل ارتباط جمعی است، مصرف گسترده تحت تأثیر چنین وسایلی در آن رایج می شود، عوام فریبی و اج می پذیرد و با آن تولید توده وار و فرهنگ توده وار رونق می یابد. بموازت رهایی از قید سنتها، الگوهای پذیرفته رفتار اجتماعی کاستی می پذیرند و انسانها، تنها ولی در انبوههای وسیع بدنیاال اسطوره هایی می روند که وسایل ارتباطی برایشان می سازند.

Matching

جور سازی

اصطلاحی است در آمار اجتماعی. بدین معنی، زمانیکه سنجش اثر یک محرک (Stimulus) یا عامل مورد نظر است، باید دو یا چند گروه برگزیده که از نظر متغیرات اصلی جور یا مشابه باشند. سپس آن محرک را بر یکی از دو گروه آزموده تفاوت بعدی

دو گروه را ناشی از آن دانست و سنجید.

فرهنگ مادی Material Culture

ر. ک. Cultur , Infrastructure

Material development

توسعه مادی

در جوامع در حال رشد، به مواردی اطلاق می شود که نه توسعه ای همه جانبه، بلکه یک بعدی و فقط مادی و ابزاری حاصل آمده باشد.

ر. ک. Development

جوهر مادی Material substance

رفاه مادی Material well - being

در تعبیر آن از اصطلاحات مشابه نیز

استفاده می شود: Material welfare ,

Material Comfort

ماده گرایی Materialism

آیینی که جهان و از جمله رفتار و اندیشه انسانرا صرفاً با فرایند مادی تبیین می نماید. از این دیدگاه، همه واقعیات از امور مادی و تبدلات آنان منشأ می گیرند و بدان نیز باز می گردند، بدین قرار، ماده گرایی را از دیدگاهی با جبر اقتصادی :

نزدیک (Economic determinism)

می دانند. چه، در آن اقتصادیا به بیان اصحاب این مکتب، زیربنای اقتصادی عامل اساسی در تکوین حوادث تاریخی شناخته می شود. از نظر تاریخی، ماده گرایی اشکالی مختلف یافته است. بعضی به نظم جهان، کیهان

شناسی، بعضی دیگر به ماوراء الطبیعه، روانشناسی و حتی اخلاق از این دیدگاه توجه کرده‌اند. چه، اپیکور، دموکریت و مادکس همگی تابع این آیین بودند حتی آن دیدگاه فلسفی نیز که پدیده‌های مختلف را در جهان جزء اشکال گوناگون یا تجلیات ماده در حرکت می‌داند ماده گراست. مادکس در صد در آمد تا از ماده گرایی مطلق به ماده گرایی دیالکتیک (این اصطلاح از انگلس است، چه مادکس جز از ماده گرایی تاریخی یاد نکرد) راه یابد

Materialism, Dialectical

ماده گرایی دیالکتیک

Dialectical materialism ر. ک.

Materialism, Historical

ماده گرایی تاریخی

Historical materialism ر. ک.

Maternal deprivation

محرومیت از مادر

انواع گوناگون نواقصی را شامل می‌شود که در روابط فرزند و مادر پدید آیند؛ از جدایی مطلق نظیر: سپردن فرزند به پرستار تا نگهداری کودک در سازمانهای مربوط و در ساعاتی از روز و آشفته‌گی روابط بهر صورت. در اینکه این محرومیت بر کودک اثراتی عمیق برجای می‌گذارد و این آثار در سالهای دیگر نیز باقی می‌ماند شک نیست، لیکن، بعضی بر درمان پذیری و کاهش شدت آن تأکید

می‌ورزند، بعضی دیگر به بقای بی‌تردید آنان تا پایان عمر اعتقاد دارند.

Hospitalism ر. ک.

Maternal drive سائق مادری

بعضی بجای غریزه مادری (Maternal instinct) این واژه را به کار می‌برند، زیرا با توجه به ویژگیهای رفتار انسانی، غریزه را متناسب با آن نمی‌دانند.

Instinct / Instinctivism ر. ک.

Maternal family خانواده مادری

گونه‌ای است خاص از خانواده که در آن اقتدار رسماً در دست مادر است و مرد در برابر خویشان مادر نیز مقید بنوعی انقیاد است.

Patriarchal family ر. ک.

Matriarchal family

Maternal mortality

مرگ و میر ناشی از زایمان

Mortality ر. ک.

Mathematical symbolism

نمادگرایی ریاضی

کاربرد علائم، نشانها و بطور کلی زبان ریاضی جهت نشان دادن مناسبات علی و یا منطقی بین پدیده‌های انسانی - اجتماعی است. ساخت گرایان مخصوصاً بعد از انتشار اندیشه‌های کلودلوی استرومی، در این زمینه، کوششهایی نمودند.

Structuralism ر. ک.

Mathematical theory

نظریه ریاضی

مادرسری

Matriarchy

- این مفهوم در قرن ۱۹ به کار رفت و نظامی را می‌رساند که در آن زنان برتری می‌یابند. بد زعم لوی (R. Lowie) در آغاز باخوفن (Bachofen) بدان اشارت نموده با آن نظامی را مشخص کرده است «مادرتبار، مادر نام، مادر مکان، مادر سالار، با تسلط زنان بر ارکان حکومت».

باخوفن و سپس بریفولت

(Briffault) حتی بر این عقیده بودند که جامعه در اصل مادر سر بوده است.

- با اینهمه، هرگز عملاً تمامی قدرت در خانه و جامعه در اختیار زن نبوده است. بد عقیده اتوکلاینبرگ (otto Klineberg)

سرخ بوستان ایر و کویی بد اغاب احتمال پیش از همه به حالت مادر سری نزدیک بوده اند. در این قبایل، زنان عقد زناشویی می‌بستند. مالک زمین و خانه بودند و برخی از مهمترین سازمانهای دینی را اداره می‌کردند. در هر خانواده سه تن از شش تن مامور تشریفات زنان بودند. وقتی در شورای روسا عضو تازه‌ای لازم بود، زنان کسی را برای این مقام نامزد می‌کردند و وقتی یکی از روسا بی‌لیاقت بود زنان حق داشتند او را تنبیه یا از کار برکنار کنند. اما حتی در این قبایل نیز، هیچ زنی در شورای عالی اتحادیه شرکت نداشت. بنابراین همی توان گفت که قدرت بیشتر در دست زنان بوده است تا در دست

در علوم اجتماعی کوششهایی را شامل می‌شود که بمنظور بیان پدیده‌های انسانی - اجتماعی با ابزار ریاضی، معمول شدند. مبنای این نظریه، ایجاد دقت، عینیت و همچنین تعمیم پذیری داده‌هاست. از اینرو پدر جامعه شناسی (اگوست کنت) قبل از وضع واژه جامعه شناسی، مفهوم فیزیک اجتماعی را به کار برد. اثبات گرایان و همچنین رفتار گرایان در زمره چنین اندیشمندانی هستند. پیتریم سودوکیان از افراط در این نظر با عنوان چون کمی (Quantophreny) و همچنین آزمون شیدایی (Testomania) یاد می‌کند. پیدایی مکاتبی چون مکتب تفهیمی، واکنشی در برابر این دیدگاهند.

ر. ک. Behaviorism / Mechanicism
Positivism

Mating , Assortative

همسرگزینی جور

ر. ک. Assortative mating

Mating , Random

همسرگزینی تصادفی

ر. ک. Random mating

Mating , Preferential

همسرگزینی ترجیحی

ر. ک. Preferential mating

Matriarchal family

خانواده مادر سر

ر. ک. Matriarchy

اساسى مى‌داند» .

(*Matriarchy or Mistake* ,
P , 36)

در همین سیاق ، پیلز (R.L.Beals) ،
مادرسرى را فقط سلطه (نسبى) زنان مى‌داند .
بدینسان ، مفهوم مادرسرى محتوایى نه
چندان روشن یافته و همین محتوای نامشخص
آن موجب گردید که تعاریف دوگانه‌ای حتی
از جانب يك دانشمند از آن ارائه شود: به
عنوان مثال دادکلیف براون
(A.R.Radcliffe – Brown) در سال
۱۹۵۰ مادرسرى را فقط نظامى مى‌داند که
«تأکید آن بر نسب يك سويه از طریق زنان
است» ، درحالی‌که همین نویسنده در سال
۱۹۵۲ مى‌نویسد «يك جامعه را زمانی
مى‌توان مادرسرخواند که نسب، میراث و
جانشینی از طریق مادر صورت گیرد، ازدواج
مادر مکان باشد و تسلط بر فرزندان از طریق
مادری اقوام اوصورت پذیرد ا .»

(*Structure and Function in
Primitive Society* , P , 22)

مادرسرى Matriarchate

با Matriarchy مترادف است (بدان يك.)

مادرمحورى Matricentrism

برخلاف مادرسرى یا خانواده مادری ،
زن در رأس هرم قدرت نیست ، بلکه از
جهاتی چند که به‌زعم پارسنز مى‌تواند عاطفى
باشد، مادر محور خانه مى‌شود .

مردان . در جوامع دیگری که مى‌گویند مادر
سرى است، قدرت زنان از این هم کمتر بوده است .
(روانشناسی اجتماعى ترجمه علیمحمد
کاردان ، جلد اول، ص ۳۱۸). گذشته از این
در اغلب جوامعی نیز که قدرت در خانه به زن
سپرده شده است باز مرد دیگری این بار به
نام دایى قدرت را بدست گرفته موجبات
پیدایی نظامى را فراهم مى‌سازد که دایى
سرى (Avunculate) خوانده مى‌شود. به
عقیده کلایپرگ ، حتی در اجتماعاتى مانند
ملانزی که مادر نسبی است و اختیار فرزندان
در دست مادر، باز این اختیار در واقع به
مردان داده شده است نه زنان . بنابراین،
كودك باید ازدایى خود اطاعت کند نه از
پدر و قدرت مادر از پدر هم کمتر است (همان
اثر صفحه ۳۱۹). از همین رو است که ذاکوبس
(M.Jacobs) و استرن (B.I.Stern) مادر-
سرى را فرضیه‌ای غیر متحمل مى‌دانند. تنها
مى‌توان گفت، نظامهائى وجود داشته‌اند که
صفت ویژه آنان سپردن جزء اعظم مالکیت،
مدیریت در امر حکومت و راهبری فرهنگى به
زنان بوده است .

– با توجه به این انتقادات ، بسیاری از
دانشمندان در صد در آمدند تا تعریفی دیگر
از مادرسرى ارائه دهند :
(G.B.Richard) در اثرى با نام «مادرسرى
یا اشتباه» مادرسرى را «فقط تسلط واقعی
زنان و توانایی آنان در اتخاذ تصمیمات

- Filocentrism ر. ک. سالاری فقط احراز قدرت را می‌رساند.
- Patricentrism ازینرو در فارسی پسوند سالاری یافتند است.
- Matricide مادر کشی ر. ک. Matriarchy ر. ک.
- Parricide / Homicide / ر. ک. Matronymic family خانواده مادر نام
- Genocide / Infanticide / Filicide ر. ک. Matriarchy ر. ک.
- Matrilateral family بلوغ یابی ر. ک. Matriarchy
- Family ر. ک. Maturation فرایند شکوفایی يك خصلت یا ویژگیست
- Matrilineal family از طریق رشد متعارف و بدون نیاز به آموزش
- خانواده مادر تبار منتظم یا رسمی
- Matriarchy ر. ک. Maturation ، Criminal بلوغ جنایی
- Matrilocal residence زن مکانی ر. ک. Criminal maturation
- اقامت مرد در بین طایفه زن . رسمی
- است کهن ، مخصوصاً رایج در بین اقوام
- آسیایی و استرالیایی . اغلب در نظام‌های
- مادر سردیده می‌شود و در مواردی نیز بطور
- متواتر مادر مکانی و پدر مکانی در فواصل
- زمانی معین جایگزین یکدیگر می‌شوند.
- Duolocal / Patrilocal / ر. ک. Maturity ، Social بلوغ اجتماعی
- Neolocality ر. ک. Social maturity ر. ک.
- مادر مکانی Matrilocality
- تأهل Matrimony موس
- ۱) پیوند ناشی از زناشویی . ۲) وضع
- یا حالت يك فرد مزدوج (زن یا مرد) . ۳) با
- مفهوم وضع تاهل (Marital status)
- مشبه نشود - بدان ر. ک.
- مادر سالاری Matripotestal
- جای گرفتن زن بر دأس هرم قدرت .
- برخلاف مادر سری (Matriarchy) ، مادر
- جامعه‌شناس ، انسان‌شناس و متفکر فرانسوی
- است (۱۸۷۲-۱۹۵۰) . وی از جامعه‌شناسی
- راه بسوی انسان‌شناسی و مخصوصاً مکتب
- اصالت ساخت (Structuralism) گشود.
- متون موس بعدها توسط کلود لوی استروس
- (C. Levi - Strauss) جمع و تحت عنوان
- «جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی» با مقدمه‌ای از
- استروس منتشر شد و مهمترین این آثار رساله‌ای
- در مورد «بخشش» است . وی با مطالعه پوتلاج
- و پدیده‌هایی از این قبیل ، نشان می‌دهد قواعد
- مبادله که خود نشان دهنده ساخت هر جامعه
- است ، قبل از همه انتقال متقابل نمادها بین

انسانهاست و این نمادها می توانند تسارو بود پدیده های مربوط به ازدواج را با پدیده های اقتصادی، زبانی و مذهب پیوند دهند.

از جانب دیگر، موس با پیوستن پدیده های روانی نام و پدیده های اجتماعی نام و با مطالعه تأثیر اجتماع پذیری انسان حتی بر امور نا آگاه و حرکات خود بخود، بساب تازه ای بر پژوهش های اجتماعی گشود که صاحب نظران مکتب اصالت فرهنگ، بعدها از آن استفاده کردند. او در خلال تمامی آثارش کوشید تا تماس خود را با واقعیت های عینی محفوظ دارد. دوائر برجسته اش عبارتند از:

*Le don / Fragment d'un plan
de sociologie générale
descriptive*

Maximization

به حداکثر رسانیدن

Maximum utility

مطلوبیت حداکثر

Hedonism / Utilitarianism

Mayo (Elton)

مایو

محقق برجسته آمریکایی است در شناخت روابط صنعتی. آغاز کار وی در سالهای ۱۹۲۰ در کارخانه وسترن الکتریک، تحقیق یافت. هدف اساسی شناخت اثرات محیط نظیر روشنائی، بهداشت در بازده کیفی و کمی کار بود. اما مدتی بعد، این هدف وسعت یافت و شناسایی همه جانبه محیط کار و همچنین روحیه

کارگران، انسجام گروهی و آثارش بر حاصل کار مورد توجه قرار گرفت؛

این تحقیقات در گسترش روانشناسی اجتماعی، شناخت گروه های کوچک، گروه سنجی و همچنین جامعه شناسی کار مورد استفاده قرار گرفت.

McLuhan (Marshall)

مارشال مک لوهان

از پر آوازه ترین دانشمندان جدید در زمینه ارتباطات جمعی است. در انگلستان، سال ۱۹۱۱ متولد شد و در همان کشور دکترای ادبیات انگلیسی گرفت. سالهاست در دانشگاه ویسکونسن تورتو (کانادا) به تدریس ادبیات انگلیسی اشتغال دارد. در کنار این کار، توجهی عمیق به فرهنگ نشان داده از همین رو نیز مدیریت مرکز جدید فرهنگ و تکنولوژی را

در همان شهر (تورتو) به عهده گرفته است. بهمین جهت در سال ۱۹۵۱ اولین اثر خود را در همین رابطه (فرهنگ و تکنولوژی) با نام عروس مکانیکی (Mechanical Bride) منتشر ساخت. دیگر آثارش عبارتند از کهکشان گوتنبگ که در سال ۱۹۶۲ انتشار یافت؛ در راه هم وسایل ارتباط جمعی (۱۹۶۴)، وسیله همان پیام است (The Medium is the Message)، که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. بالاخره در سال ۱۹۶۹ اثر برجسته اش با نام جنگ و صلح در دهکده جهانی (War and peace in the Global village) انتشار یافت.

اساس نظریه مک لوهان تبلور تأثیر فن است بر حیات انسان. بزعم او بعد از اختراع

ب - دوران تمدن دارای خط یا بصری؛ به نظر مک‌لوهان پیدایی خط و کتابت نقطه عطفی در تاریخ ارتباطات و به تبع آن تاریخ جوامع انسانی است. چه، از این طریق امکان بقای واقعی پیام انسانی فراهم می‌شود. تجربه‌ها، مهارت‌ها و یافته‌های انسانی به جای آنکه دچار فرسایش ناشی از انتقال سینه به سینه شوند، به دقت به نگارش در می‌آیند، می‌مانند و موجب بقای نام صاحب اندیشه می‌شوند. انسان بر بالای قله تاریخ می‌ایستد و تمامی دستاوردهای نسلهای پیشین را در اختیار می‌گیرد. تسلسل تجربه‌ها با جلوگیری از تکرار کوششها صورت وقوع می‌یابد. دیگر ضروری نیست هر کس آنچه را که دیگران آموخته و کسب کرده‌اند، بار دیگر بیازماید و از نو ارمغان انسانیت سازد، بلکه او می‌تواند درست در راهی گام گذارد که در تسلسل اندیشه و کار پیشینیان باشد. به نظر مک‌لوهان در این دوران بر خلاف دوران پیشین، انسانها نیازمند تجمع برای کسب پیام و اندیشه نیستند، بلکه می‌توانند در خلوت و در خانه‌های خود پیام دانشمندان را بخوانند و بدانند، پس دوران نو، به معنای ظهور فردگرایی است. همانطور که مظهر پیدایی انسانگرایی و اصالت انسانیت است.

ج - دوران تمدن مبتنی بر وسایل ارتباطی الکترونیک؛ به نظر مک‌لوهان در این دوران بشر پای به عصری نو می‌گذارد. وسایل ارتباطی جدید از سویی موجبات امتداد چشم و گوش هر دو را فراهم می‌سازند و از سوی دیگر باز تجمع انسانها را در کسب و انتقال پیام موجب می‌شوند. پس دوران سوم نوعی

زبان، انسان دیگر مصنوع تنها طبیعت نیست بلکه متاثر از خود انسان است. یعنی از ساخته‌های خود انسان (قنون) تاثیر پذیرفته ساخته می‌شود. در همین رابطه، نظریه امتداد او جالب توجه است؛ بزعم او هر وسیله ارتباطی امتداد حواس انسانست. به عنوان مثال، خط امتداد چشم است و رادیو امتداد گوش. به بیان دیگر، با پیدایی خط انسان توانست به عمق تاریخ رخنه کند و دنیاهای دور دست گذشته را ببیند. به همین سیاق، از دیدگاه او، همه وسایل چنین ویژگی‌ای را دارا هستند. بعنوان مثال، چرخ امتداد پاست، یعنی موجبات بسط قدرت پا و تحرک بیشتر و سریعتر انسانرا فراهم می‌سازد، همانطور که اساس لباس امتداد پوست است. او در جستجوی جامعه‌ای است که در آن شاهد اضمحلال تعادل حواس نشویم، یعنی با ابداع یا اختراع وسیله یا وسایلی، یکی از حواس بر دیگر پیشی نگیرد و موجبات بر هم خوردن نظم و تعادل در حیات انسانی نشود.

باز به نظر این دانشمند، ارتباط مدار هستی اجتماعی است و با توجه بدان می‌توان حرکت جوامع را مورد ارزیابی و دقت قرار داد. حرکت تاریخ به نظر او از روزنه ارتباط، در طی سه مرحله صورت می‌گیرد:

الف - دوران تمدن باستانی بدون خط؛ در طی این دوران دانسته‌ها سینه به سینه انتقال می‌یابند، گوش وسیله کسب پیام است و تماس انسانها موجبات احراز و انتقال پیامها را فراهم می‌آورد. این دوران را مک‌لوهان قبیله اولیه انسانی می‌داند که در آن انسان شفاهی پدید آمد.

بازگشت به دوران اول را موجب می‌شود، هر چند که به هیچوجه به معنای تکرار آن نیست. دیدگاههای این اندیشمند در زمینه تقسیم وسایل ارتباط جمعی به سرد و گرم، منطق موزائیکی، سوگیری ارتباط و همچنین مفاهیم محیط و ضد محیط بسیار جالب است (برای اطلاع بیشتر رک. به جامعه‌شناسی ارتباطات، از باقر ساروخانی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷، صفحات ۲۹-۳۷)

مید (Mead (George Herbert)

فیلسوف و روانشناس اجتماعی در امریکاست (۱۸۶۳-۱۹۳۱). در ابتدای تأثیر دیوئی (Dewey) و مکتب عمل گرایی قرار گرفت. پس از آن به مباحثی روی کرد که معمولاً در قلمرو روانشناسی اجتماعی و مخصوصاً چارچوب تعامل اجتماعی قرار می‌گیرند. او جامعه را از دیدگاه روابط متقابل انسانها می‌دید. ازین دیدگاه مفاهیمی چون «من»، «ذهن» و ارتباط آنان را بازینه اجتماعی مورد توجه قرار داد. به نظرش من و شعور اجتماعی (Social Consciousness) مولود جامعه‌اند و درگیرا گیر تعامل اجتماعی پدید می‌آیند. گذشته از این پوه محمل پیامهای متقابل در ارتباط انسانها (خط، زبان) توجه کرد، همچنین انگیزه‌ها، پاسخها و ارتباط آنان را مطرح ساخت و در نهایت ماهیت و صیورت عمل اجتماعی را مطمح نظر قرار داد که بعدها مورد توجه خاص پارسنز واقع شد.

مید (Mead (Margaret

انسانشناس برجسته امریکایی است. (۱۹۰۱-۱۹۷۶)؛ این خانم محقق با سفر به جوامع دوردست (مخصوصاً جامعه‌های به اصطلاح ابتدایی) کوشش نمود تا از جانبی به تفسیر رویکرد نظری (Theoretical approach) و کسار در محل: (Field Work) پردازد. و از جانب دیگر، ابعاد جهانی بر مطالعات اجتماعی گشاید: بدینسان اومی کوشید تا ملاحظه کند آیا مسائل انسانها در ورود به جامعه بزرگسالان در یک جامعه صنعتی جهانی است یا صرفاً در چنین جوامعی تجلی می‌نماید. کوششهای هارگارت مید از دیدگاهی دیگر رهیافتی است در شناخت ابعاد فطری و اجتماعی انسان: آیا ضعف جسمانی زن جهانی است یا تابعی است از نوع تقسیم کار در جامعه به اصطلاح شهری و متمدن؟ آیا خود تقسیم کار اجتماعی پدیده‌ای است فطری یا تابعی است از وضع جسمانی زن و مرد؟ آیا حالات عاطفی موکد زن در همه جهان پیداست یا صرفاً در جوامعی خاص؟ آثار مید بسیارند بعضی از آنان بدینقرارند:

Male and female . Sex and temperament in Three primitive societies . Coming of age in samoa . Culture and commitment.

میانگین Mean

مفهوم آماری، با صور و انواع زیر:

1- Arithmetic mean میانگین حسابی

بدینصورت بدست می آید:

$$M = \frac{\sum m}{N}$$

که در آن M = میانگین، N = شماره اعداد m = اعدادی که میانگین آنان مورد نظر است.

2- Geometric mean میانگین هندسی

به کمک لوگاریتم بدست می آید. به عنوان مثال، چنانچه سه مشاهده داشته باشیم، میانگین هندسی کمب نتیجه سه مشاهده خواهد بود. فرمول آن چنین است:

$$Gm = \sqrt[n]{a_1 a_2 \dots a_n}$$

n = شماره اعداد a_1 و ... = اعدادیکه میانگین هندسی آنان مطمح نظر است.
 Gm = میانگین هندسی

3- Harmonic mean میانگین هماهنگ

از شمار محاسبات گرایش سرکزی (Central tendency) است که با جمع کردن معکوس همه ارزشها و تقسیم آن بر مجموعه شماره اعداد و در پایان معکوس کردن نتیجه آن بدست می آید.
فرمول آن چنین است:

$$Hm = \frac{1}{\frac{1}{x_1} + \frac{1}{x_2} + \dots + \frac{1}{x_n}}$$

که در آن N = شماره اعداد، x_n و x_1 و ... = اعدادی که میانگین آنان مورد نظر است و hm = میانگین هماهنگ.

Means of production

وسایل تولید

Factors of production ر. ک.

Measurable

سنجیدنی - قابل اندازه گیری

Measure اندازه - مقیاس

Measurement اندازه گیری، سنجش

Mechanical مکانیکی

از مفاهیمی است بسیار رایج در دانش اجتماعی. ترجمه های بسیاری دارد. بعضی آنرا ماشینی نیز ترجمه کرده اند. در اصطلاح علوم اجتماعی معانی زیر را داراست:

- ازدیدگاهی به روابط غیر انسانی، غیر متعالی و بالطبع روابطی در زمره روابط اشیاء، (مانند ماشین) اطلاق می شود.

در این معناست که اصطلاح معروف

امیل دودکیم (E. Durkheim) پدید آمده

است و همبستگی های انسانی را بدو نوع عضوی

(organic solidarity)، ماشینی یا مکانیکی

(Mechanical solidarity) تقسیم می کند.

نوع اول با تقسیم کار، پیدایی تخصص و

ارتباط عمیق، متقابل همه انسانها شکل

می گیرد، آنچنانکه، کار يك یا چند انسان

همه انسانها را تحت تأثیر قرار می دهد،

چون همه به تخصص یکدیگر نیاز دارند و

حال آنکه در جامعه ای بدوی هر کس کارهای

خود را خود انجام می دهد و نیاز متقابل انسانها

کاهش و نقصان می پذیرد.

— از دیدگاه دیگر به هر عمل خودکار (Automatic) یا ماشینی وفاقد تفکر اطلاق می شود.

Mechanical production

تولید ماشینی

دوران سوم از ادوار سه گانه تاریخ انسان است. دو دوران دیگر به ترتیب ۱) جمع آوری خوراك (Food gathering) و ۲) تولید خوراك (Food production)، می باشند. هر قدر دوران گردآوری خوراك، مظهر ضعف بشر و انقیاد او در برابر طبیعت است، دوران تولید ماشینی، تجلی گاه تأثیر انسان بر طبیعت و آغازی بر سلطه انسان بر محیط اوست.

Food gathering , ر. ك .

Food production

Mechanical solidarity

همبستگی مکانیکی

Durkheim ر. ك .

Mechanicism مکتب مکانیکی

آیینی است خاص در اندیشه که سعی در تبیین واقعیت از طریق قوانین مکانیکی دارد. در علوم انسانی ویژگیهای چند بدین قرار می یابد:

۱) سعی در کمیت گرایی و نفسی کیفیت در پدیده های انسانی و اجتماعی ۲) کوشش در تبیین واقعیت انسانی با قوانین مکانیکی ۳) ساده گرایی و اجتناب از بررسی های عمقی

و تحلیلی. ۴) همه واقعیت انسانی را ترکیبی از نیرو و حرکت پنداشتن. ۵) علوم انسانی و علوم طبیعی را همانند و یا نزدیک بهم تلقی کردن.

مکتبی است که در آغاز توجه به علم انسان مطرح شد. دانشمندان، مغرور از پیشرفتهای علوم طبیعی و خوش بین نسبت به آینده، سعی کردند، تا همان قوانین را در علوم انسانی باز یابند، یا دست کم در این علوم به قوانینی ثابت و از سنخ علوم طبیعی دست یابند. پس هم مکتب اثبات گرایی (Positivism) هم رفتار گرایی (Behaviorism) و هم از دیدگاهی فلاسفه تاریخ و بطور کلی کلاسیکها، بعدی از مکانیک گرایی در خود داشتند، (به هر يك ر. ك . —)

Mechanism , Compensation

مکانیسم جبرانی

Compensation mechanism ر. ك .

Mechanism , Defense

مکانیسم دفاعی

Defense mechanism ر. ك .

Mechanism, Escape مکانیسم فرار

Escape mechanism ر. ك .

Mechanistic theory

نظریه مکانیکی

Mechanicism ر. ك .

Mechanization ماشینی کردن

جایگزینی انسان توسط ماشین، این

فرایند می‌تواند به بیکاری انسانها بینجامد و انسان ساخته‌های خود (ماشین) را همچون رقیب خویش ببیند، یا آنکه به رفاه انسانی و کاهش ساعات کار انجامد.

Media رسانه‌ها

جمع رسانه Medium است و در جامعه شناسی ارتباط جمعی با ترکیب Mass media به کار می‌رود. بدان ر.ک.

Media , Mass وسائل ارتباط جمعی ر.ک. Mass media

Media monopoly انحصار رسانه‌ها

متعاقب ورود آگهیهای تجاری به وسایل ارتباط جمعی، این وسایل ابعادی تجاری و سپس گرایش به انحصار یافتند. بدینمعنی که یک فرد یا یک شرکت، چندین روزنامه، مجله و نشریه را بنامهای مختلف منتشر می‌سازد. گاه این فرایند از مرزهای ملی نیز فراتر می‌رود و صورتی جهانی یافته و موجبات یکسانی اخبار و مواضع سیاسی این رسانه‌ها را فراهم می‌سازد و رسانه‌ها را در اختیار طبقه‌ای خاص (مرفه) قرار می‌دهد.

Advertising / Propaganda ر.ک.

Media violence

خشونت در رسانه‌های ارتباطی

نشاندادن صحنه‌های خشن نظیر جنگ، کشتار، غارت، طغیان در وسایل ارتباط جمعی. در مورد این فرایند دو عقیده متمایز دیده می‌شود:

۱- بعضی معتقدند که این فرایند تجاوز به حریم خانه محسوب می‌شود، خانه را حتی در دل شب صحنه جنایت و کشتار می‌نماید، آرامش ساکنان آنرا در مخاطره می‌افکند، موجبات بی تفاوتی در برابر مرگ و قتل را فراهم می‌سازد، جوانانرا به تقلید از آن وایم دارد و شیوع آنرا باعث می‌شود.

۲- بعضی دیگر را عقیده بر این است که این صحنه‌ها بنوعی مکانیسم دفاعی برای انسانست؛ با ایجاد احساس نفرت، قبح عمل را می‌رساند و از تکرار آن ممانعت می‌نماید.

Median میانانه

عددی که درست جمعیت مورد مطالعه را به دو نیمه مساوی تقسیم می‌کند، بطوریکه نصف آنان در بالا و نصف دیگر در زیر آن قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، چنانچه در نمونه‌ای سنین زیر ملاحظه شوند. ۱۰، ۱۰، ۱۲، ۱۲، سن میانه ۱۲ است، چون درست نصف جمعیت بالا و نصف دیگر زیر آن قرار می‌گیرند.

Mean / Central tendency ر.ک.

Mediation میانجی‌گری

استفاده از فرد یا سازمانی بی طرف جهت رفع مشکل یا حل مسأله‌ای خاص

Mediavalism قرون وسطایی

شیوه‌های اندیشه و رفتار قرون وسطایی.

Medical sociology

جامعه‌شناسی پزشکی

شاخه ایست خاص ازدانش جامعه که در آن مباحثی ازین قبیل مطرح می شوند :

– انواع بیماریها در رابطه با نوع تغذیه ، عادات بهداشتی و محیط اجتماعی طبیعی هر منطقه .

– روابط پزشک و بیمار ، پرستار و پزشک بیمار و پرستار در رابطه با ارزشهای اجتماعی و اثرات این روابط در درمان بیمار .

– ابعاد اجتماعی درمان و کاربرد ابزار بهداشتی با توجه به عقاید ، باورها و خرافات ، بدینسان ، هرگز وسایلی نظیر ابزار جلوگیری از بارداری ، هرچند که بوفور بافت گردند ، بطوریکسان همه جا بکار گرفته نمی شوند . چه ، گاه با باورهای مخالف برخورد نموده طرد می شوند .

Sociology of medicine نیز آمده است

Medicine , Socialized

طب اجتماعی

ر. ک . Socialized medicine

Medicine , Sociology of

جامعه شناسی پزشکی

ر. ک . Medical sociology

کاهن Medicine – man

واژه مترادف آن Shaman است . در جوامع ابتدایی به فردی – زن یا مرد – اطلاق میشود که در رابطه با نیروهایی است مرموز و ناشناخته ؛ این ارتباط به او امکان می دهد تا مریضان را مداوا کند و در جشنها انسانها را هدایت

نماید ؛ درین مردم سیبری ، کاهن مراسم دعا گوئی بمنظور افزایش محصول و شکار را بعهده می گیرد و در قبایل آفریقایی ، استرالیایی نیز افرادی با چنین نقش و وظایفی ملاحظه شده اند .

Medium of exchange

وسيله مبادله

هر آنچه در برابر کالا یا خدمتی پذیرفته شود و جریان مبادله را تسهیل نماید . پول در معنای وسیعش چنین نقشی را ایفاء می کند .

Megalomania خود بزرگ بینی

گرایشی نادرست و مرض آلود در ارزیابی خویش در مقایسه با دیگران . گرایش مخالف آن عقده خود کم بینی (Inferiority Complex) است .

Megalopolis بزرگ شهر

واژه ای است از ریشه ای یونانی که توسط گاتمن (Jean Gottman) متخصص فرانسوی جغرافیای شهری مورد استفاده قرار گرفته است .

ر. ک . Metropolis

Meliorism بهبود باوری

– آیینی که بر پایه آن جهان با کوشش انسان ساخته می شود ؛ پس با تلاش بیشتر می توان جهانی بهتر پدید آورد .

– این آیین از افراط در خوش بینی یا بد بینی پرهیز دارد و ازین بعد ، می توان آنرا تلاشی واقع بینانه در مواجهه با جهان

- سن عقلی Mental age
سن متوسط فرد برای رساندن که آزمونهاى
هوشى خاصى را گذرانیده است. سن طبیعى
همواره با سن عقلی یکسان نیست، به عنوان
مثال زمانیکه يك کودک ۱۰ ساله مى تواند به
سوالاتى پاسخ دهد که خاص يك نو جوان
۱۴ ساله است، مى گوئیم سن عقلی او چهار
سال بالاتر از سن طبیعى اوست.
- ر. ك. Intelligence quotient
Mental defectiveness
نقص ذهنی
اختلال روانی Mental disorder
اختلال روانی مى تواند صورتى ساده و
زود گذر يابد، یا آنکه بصورت عمیق، مستمر،
دورى و متواتر در آید. از اینروست که انواعى
بسیار مى یابند نظیر روان رنجورى
(Psychopathy)، روان نژندى
(Psychoneurosis) و ...
- بهداشت روانی Mental hygiene
شامل انواع شیوه ها و وسایل در ۱)
پیشگیری بیماریهای روانی ۲) شناخت
علائم بیماری و درمان علی ۳) کنترل بعد از
درمان جهت جلوگیری از عود بیماری
است.
- تحرك ذهنی Mental mobility
این مفهوم درمبحث دگر گونی از دیدگاه
روانشناسی اجتماعى مطرح است. در يك
جامعه پویا، افراد نیز چنین اند و حال آنکه
- دانست. ر. ك. Optimism / Progressivism /
Libertarianism
آميزگاه Melting pot
مفهومی است که از آن پیوند و آمیزش
افرادى گوناگون از نژادها: مذاهب و اقوام
در يك جمع مستفاد مى شود.
هرچند در شهرهای بزرگ درمـواردی
چنین حالتی رخ مى دهد و با امحاء هویت
خاص افراد و گروههای مختلف، وحدتی نو
پی ریزی مى شود، اما همواره چنین نیست؛
گروههای قومى و زبانی و نژادى هر يك
سعى در حراست از میراث فرهنگى خویش
مى نمایند و فرهنگى جزئى یا خرد
(Subculture) در بطن كل فرهنگ فراهم
مى آورند.
- ر. ك. Integration / Assimilation
مندراس Mendras (Henri)
جامعه شناس فرانسوى است (متولد
۱۹۲۷). در زمینه هاى بسیار گوناگون در
جامعه شناسى به کار پرداخته است. تخصص
اصلى او جامعه شناسى روستایى است و درین
رشته آثارى بدینقرار تهیه نموده است:
- Sociologie de la Campagne
francaise. La fin des paysans.
Terre, Paysans et politique.
Changements et innovations dans
Les sociétés rurales francaises.*

در يك جامعه شبه ایستا ، انسانها نیز به عادات گذشته چنان دل می بندند که حاضر به پذیرش نوآوریها نیستند ، امکان اینکه يك فرد از جهتی دارای تحرك ذهنی باشد و از جهت دیگر خیر وجود دارد.

ر. ك . Misoneism / Cultural lag

حضور ذهنی Mental presence

در برابر حضور جسمانی است و مخصوصاً در آموزش مطرح می شود . بهنگام بحث از میزان غیبت (Absenteeism rate) ، آنرا به دو صورت ، غیبت جسمانی (عدم حضور) و غیبت ذهنی (عدم توجه) تقسیم می کنند. در هر حال ، در هیچ مرحله از آموزش توجه مطلق و بی انقطاع دیده نمیشود و کلاس شاهد رفت و برگشت دانش آموز است . احتساب میزان حضور ذهنی بدینصورت است :

$$M.p = \frac{n}{N} \times 100$$

زمان کل حضور واقعی زمان کل درس

ر. ك . Absenteeism rate

Mercantilism

مرکانتیلیسم - مکتب سوداگری

این مکتب ، يك نظریه اقتصادی ، یا مجموعه ای از آیینها و اندیشه های خاص و بدیع نیست . بلکه صرفاً نامی است که اندیشه متفکران قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی را می رساند. آنان متفکرانی هستند که به اندیشه درباب اقتصاد سیاسی می پرداختند و همگی فکر می کردند که هدف غایی اقتصاد يك کشور

ثروتمند شدن آن است . لیکن در هر زمان و مکان شیوه ها و وسایلی خاص در راه تحقق این هدف ضرورت دارد: طلاونقره در اسپانیا ، توسعه صنعت ملی در فرانسه ، گسترش تجارت و کشتیرانی در انگلستان.

ر. ك . Physiocracy

يك نام خوانی Merging

کاربرد يك مفهوم در نشان دادن روابط خویشاوندی خطی و هم سویه یا جانبی (Colleral) است که در نظام مبتنی بر خویشاوندی مطبق (Classificatory system) صورت می گیرد. بدینسان اطلاق يك واژه برای بستگانی چون عمو و پدر، بهم آمیزی یا يك نام خوانی خوانده می شود .

ر. ك . Classificatory system

Merit appointment

انتصاب بر اساس شایستگی

گزینش ، ارتقاء و یا انتقال عضو در يك سازمان ، نه بر اساس روابط ، یا مناسبات سیاسی و یا تعلقات خاص ، بلکه بر پایه توان و شایستگی خود او . در برابر پارتی بازی (Favoritism) یا اعمال نفوذ بنفع خویشان (Nepotism).

حکومت شایستگان Meritocracy

حکومتی که در آن بهترین ها بر مسند قدرت نشینند . باید توجه داشت که مفهوم شایستگی خود ارزشی است ، از بیرون سبی و متمایز در هر جامعه . ليك ، بطور کلی ، بر توان فردی و

بعضی از آثارش بدینفرارند :

Social Theory and social structure . Mass persuasion .

Sociology today , problems and perspectives . Continuity in social research . Contemporary social problems

(باهمکاری نیست. Nisbet)

وصلت نامتناسب Mesalliance

ازدواج با همسری ناجور که می تواند از تمایز فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و یا حتی روانی و خانوادگی بین زوجین منشأ گیرد.

ر. ک. Homogamy / Assortative

mating , Hypergamy

عصر میان سنگی Mesolithic age culture ر. ک.

جامعه شناسی میانه Mesosociology

بودون (R. Boudon) در اثرش با نام منطق امر اجتماعی ، این واژه را از میشل کروزیه (M. Crosier) گرفته و در جهت نامگذاری گونه خاصی از جامعه شناسی که به مطالعه گروههای میانه (نه چندان کوچک و نه در سطح جوامع) می پردازد ، به کار می برد. بدینسان ، این جامعه شناسی بین جامعه شناسی کلان (Macrosociology) و جامعه شناسی خرد (Microsociology) جای می گیرد. مطالعه سندیکاها و گروههایی ازین قبیل در قلمرو جامعه شناسی میانه جای می گیرند.

لیاقت دلالت دارد. این حکومت در برابر حکومت اشراف (Aristocracy) و یا حکومت انبوه خلق (Mobocracy) و بالاخره حکومت ناصالحان (Kakistocracy) قرار می گیرد به هر يك ر. ک.

مرتن Merton (Robert.K.)

جامعه شناس امریکایی متولد ۱۹۲۰ است. او از شاگردان پارسنز و سودرکین بشمار می آید. تخصص وی در جامعه شناسی نظری است و آورده هایش در قوام مکتب کارکردگرایی بسیار مؤثر افتاد. مرتن ، برخلاف جامعه شناسان کلاسیک به جهانی بودن پدیده های انسانی و تعمیم پذیری آنان در سطح جهانی معتقد نیست. نظریه معروفش را با نام نظریه های با برد متوسط (Middle range theories) ارائه داد و با این نظریه هم علیه کسانی برخاست که از تبیین و تعلیل سرباز زدند و جامعه شناسی را ابعادی توصیفی بخشیدند، هم با کسانی مبارزه نمود که در جستجوی قوانین جهان شمول در امور انسانی هستند. نظریه های با برد متوسط هم بر نسبیت و هم بر علمی بودن جامعه شناسی دلالت دارد. آثار مرتن در زمینه دیوانساری بسیار حائز اهمیت اند؛ در بحث از عمل اجتماعی ، برخلاف بعضی که عمل انسانی را پیش بینی ناپذیر می دانند ، او معتقد به شناخت و پیش بینی پذیری عمل و رفتار اجتماعی انسان است.

Meta	فرا ماوراء	شیوه‌های نقد دردانش انسانی - اجتماعی
پیشوندی رایج در واژگان علوم انسانی است. برخلاف اثبات گرایان که با اگوست کنت آنرا درجهت نشان دادن حالات غیر علمی (نظیر فلسفی و مجرد) به کار می‌برند، با این پیشوند، امروز، ابعاد اساسی نظری دانش و رابطه آن با فلسفه علوم مطرح می‌شود.		
Metaphysical stage	ر. ک.	
Social metabolism	ر. ک.	
Metaanthropology	فرا انسانشناسی	فرا تجربی
Anthropology	ر. ک.	به نحوه اندیشه کسانی اطلاق می‌شود که به وجود اشیایی مافوق محسوسات اعتقاد دارند؛ بعد غیرمادی را برای تبیین پدیده‌های مادی بکار می‌گیرند و جهان هستی را تنها در امور عینی خلاصه نمی‌بینند.
Metabolism, Social	متابولیسم اجتماعی	تناسخ
		انتقال روح يك موجود انسانی یا حیوان به جسم موجودی دیگر (از يك نوع یا خیر) بعد از مرگ. با مفهوم Transmigration مترادف است.
Metacommunication	فرا ارتباط	روش
Communication	ر. ک.	I- در اثرش، «گفتار در روش»، دکارت روش را راهی می‌داند که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود. در عرف دانش، روش را مجموعه شیوه‌ها و تدابیری دانسته‌اند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می‌شوند؛ بطور دقیقتر، روش به سه چیز اطلاق می‌شود:
Metaphor	استعاره	۱- مجموعه طرقی که انسان‌را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می‌کنند.
Metaphysical stage	مرحله فلسفی و مجرد	۲- مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به کار روند.
بدان در مواردی مرحله مجرد (Abstract stage) نیز اطلاق می‌شود. مرحله دوم از مراحل سه گانه معروف اگوست کنت است.		۳- مجموعه ابزار یا فئونی که آدمی را در این مسیر از مجهولات به معلومات راهبری می‌نمایند.
A, comte	ر. ک.	بدینقرار ملاحظه می‌شود که روش لازمه
Meta - Theory	ماوراء نظریه	
بحث نظری در مورد نظریه‌ها، به منظور تعیین اصول و قواعد آنان		
Metacritic	فرا نقد	
بحث نظری در باب ابزار، روشها و		

دانش است و هیچ دانش بدون روش میسر نیست؛ اعتبار دستاوردهای هردانش نیز به ایقان روشی وابسته است که مورد استفاده قرار گرفته است؛

II- ویژگیهای خاص هر روش بسیارند؛

۱- انتظام Systematization

هر روش مبتنی بر پذیرش نظامی است که بدون آن فاقد ایقان خواهد بود.

۲- عقلانی بودن Rationality

هر روش مبتنی بر انتظامی است عقلانی یا مبتنی بر خرد و سنجش. از اینرو تنظیم داده‌ها با انتظامی که بر پایه عواطف (Emotions)، تخیل (Imagination)، یا توهم (Hallucination) صورت یابد، فاقد ایقان است.

۳- روح علمی Scientific Mind

هر روش مبتنی است بر انتظامی عقلانی با برخورداری از روح علمی که خودمستلزم احراز شرایطی است چون بی‌طرفی (Impartiality)، تسلط بر خویش، سعه صدر، و بالاخره تواضع یک دانشمند.

۴- واقعیت‌گرایی Realism

هر روش زمانی راه به کشف قوانین یا نظریه‌های متقن می‌برد که از درون‌نگری (Introspection)، یا خودکاوی و یا شهود گرایی (Intuitionism) و هر آنچه دوری از واقعیت را موجب گردد، جدائی یابد

و. ک. Introspection / Methodology

Historical method of investigation/
Comparative method .

شك دستوری Methodical doubt

شیوه معروف دکارت است که بعدها از پایه‌های اصلی دکارت‌گرایی (Cartesianism) و هم دکارت‌گرایی جدید (Neo - Cartesianism) گردید. محقق در

آغاز کار تحقیق به شکستن پتهایی می‌پردازد که مانع اندیشه او خواهند بود. بدین‌قراد، او هر گفته، اندیشه یا نظریه‌ای را می‌پذیرد که خود در آن عمیقاً غور نموده پذیرفته باشد. شك دستوری، شکی است مثبت، پس

هم از شك‌گرایان (skeptacists) فاصله می‌گیرد، هم از نا-حکومت‌گرایان (Anarchists) و هم از تمامی آنان که به نفی توان شناخت امور و اراءمادی می‌پردازند،

نظیر (Agnosticists). محقق با

این شیوه در جستجوی پی‌ریزی بنایی نو و استوار، در راه دانستن است از بی‌روست که جمله معروف «من فکر می‌کنم، پس من هستم» (Je pense , donc je suis)

می‌آید. به‌زعم دکارت، من نمی‌توانم در هستی خود تردید نمایم، چون در حال انجام عملی (اندیشیدن) هستم و این پذیرش مقدمه پذیرش‌های دیگر و ایجاد بنای استوار دانش خواهد بود.

شك دستوری مقدمه دانش مستقل، استوار و متکی بر متون‌هایی استوار است. انسانی

را راهبرى مى کنند :

ازین دیدگاه ، روش شناسی به عنوان شاخه‌ای از منطق و یا حتی فلسفه است. به عنوان

مثال ، پارسونز (T. Parsons) در اثرش «ساخت عمل اجتماعی» مى نویسد : «روش شناسی دراصل با روشهای پژوهش تجربی نظیر آمارشناسی ، مطالعه موردی، مصاحبه و غیره سروکار ندارد ، بلکه ملاحظه زمینه‌های کلی برای اعتبار کار علمى است . پس ، روش شناسی نه يك رشته فلسفی ، بلکه يك رشته علمى است»

(The structure of social action

PP : 23 - 4)

ازین دیدگاه ، سوآلهایی چند مطرح مى شوند ؛ نظیر اینکه آیا روشهای علوم طبیعی در علم انسان قابل کاربردند ؟

آیا این واقعیت که پژوهش در علم انسان با موجوداتی خاص (انسان) مرتبط است ، تعبیه شیوه‌هایی بسیار متمایز را ضرور مى سازد ؟ آیا در علم انسان ، با توجه به ابعاد ذهنی و کیفی پدیده‌ها ، باید به مشارکت در حیات انسانهای مورد مطالعه جهت فهم درست مسائل آنان پرداخت ؟ جامعه شناسی تفهیمی بر فهم پدیده‌های انسانی تسکيه دارد . به

عنوان مثال ، ماکس وبر (M. Weber) در

اثرش «روش شناسی در علوم اجتماعی» ، بر این اعتقاد است که برای آنکه محقق اجتماعى بخوبی عمل اجتماعى را بفهمد ، باید بتواند

پدید مى آورد متكى بر خویشتن ، که دانستن اونه بر پایه تقلید ، یا حافظه محض ، بلکه تعقل ، اندیشه و اقتناع باشد .

ر. ك. Agnostic .

organized skepticism

Methodical Thought

اندیشه منتظم

Methodize دارای روش ساختن

Methodological nominalism

نام‌گرایی روش شناختی

Methodological essentialism

ذات گرایی روش شناختی

ر. ك. Methodological essentialism

اصطلاحی است که توسط پوپپر

(K.R Popper) به کار رفت با الهام از

اندیشه‌های افلاطون . برین اساس ، وظیفه

دانش کشف و توصیف طبیعت اشیاء است و

مراد از طبیعت ، جوهر آنان است . پوپر این

اصطلاح را در برابر نام گرایی در روش

(Methodological nominalism) به کار

برده است. اصطلاح اخیر دانشی رامی‌رساند

که در آن هدف نه شناخت‌کنه و جوهر اشیاء

بلکه کنش و واکنش آنان، روابط علی-موجود

در آن و بهره‌گیری از آنان است . بدینسان ،

اگر در جوهر شناسی این سوآل مطرح مى‌شود

که آب چیست در نام‌گرایی سوآل این است

که آب به چه درد مى‌خورد و چگونه مى‌توان

استفاده‌های بیشتری از آن نمود.

روش شناسی Methodology

I- از دیدگاهی ، روش شناسی مطالعه

منتظم و منطقی اصولی است که تفحص علمى

درخود دارد. ۳) اقماری چند بدورخود دارد که از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بدان وابسته اند.

ر. ک. Megalopolis

حوزه مه شهر Metropolitan area

در مواردی بدان حوزه بزرگ شهر (در صورت ذکر نام شهر: تهران بزرگ ...) نیز اطلاق می شود، لیک، معمولاً به ذکر حوزه شهری اکتفا می شود.

میچلز Michels (Robert)

جامعه شناس آلمانی الاصل است (۱۹۳۶ - ۱۸۷۶). در آغاز در آلمان، سپس ایتالیا و پس از آن در امریکا به تدریس پرداخت. زمینه تخصص او جامعه شناسی سیاسی است؛ در این رشته اثر برجسته اش مطالعات جامعه ای است با نام احزاب سیاسی (Political parties) نظریه خاص او «قانون آهنین حکومت متنفذان است» (Iron Law of oligarchy). از این رو، به نظرش حتی در احزابی که با نیروی جمع پدید می آیند و از توده ها مایه می گیرند، اندکی چند قدرت را درست دارند.

پس آنچه در یونان باستان با مشارکت همگان تحقق می یافت و نامش را حکومت مردم نهاده بودند، بدرستی قابل تحقق نیست. همین نتیجه زمانی او را به فاشیسم متمایل ساخت و در نهایت به مومولینی گرائید.

ر. ک. Oligarchy

با مدد تخیل، خود را جای عمل کننده که مورد مطالعه اوست قرار دهد. در برابر این مکتب، اثبات گرایان و بالاتر از آن، رفتار گرایان معتقدند که رفتار انسانی را می توان به صورت کمی و با روشهای ریاضی و نزدیک به علوم طبیعی مورد مطالعه قرارداد.

II- در برابر این دیدگاههای بسیار فلسفی که علاوه بر نویسندگان فوق، ژنایخی در اثرش «دوش جامعه شناسی» (۱۹۳۴)، مک کینی (J.C. Mc Kinney) در کتابش «دوش

شناسی، شیوه ها و فنون جامعه شناسی» (۱۹۵۷)، اتخاذ می نمایند، لازارسفلد (P.F. Lazarsfeld) و روزنبرگ (M. Rosenberg) در اثرشان «زبان پژوهش اجتماعی» (۱۹۵۵) دیدگاهی دیگر دارند. به نظر آنان باید تاکید بر مسائل ملموس تحقیق نهاده شود. در این روند اندیشه و با بسط آن بجایی می رسیم که روش شناسی را فارغ از ابعاد فلسفی، به نظام یا مجموعه ای بهم پیوسته از قواعد، اصول و شیوه های معمول در یک رشته از دانش اطلاق می کنند.

ر. ک. Historical method of investigation / Method

بزرگ شهر Metropolis

شهری بزرگ و اصلی است دارای ویژگیهایی چند بدین قرار: ۱) دارای جمعیت بسیار و حجم گسترده است. ۲) سازمانها، مؤسسات و نهادهای مالی و اداری بزرگتر

Micro کوچک ، خرد

پیشوندی است که با آن واژه‌هایی بسیار پدید می‌آید. از آنجمله :

جهان کوچک عالم صغیر Microcosm

در برابر Macrocosm

خرد گروه Microgroup

ر. ک. Group

جامعه شناسی خرد Microsociology

شاخه‌ای خاص از جامعه شناسی که موضوعات آنرا گروه‌های کوچک و روابط متقابل آنان تشکیل می‌دهند.

ر. ک. Small groups. Macrosociology

Mesosociology

طبقه متوسط Middle class

بعضی برای آن مفهوم توده متوسط (Middle mass) را به کار می‌برند و این از آنروست که به‌زعم آنان تمایز قاطع بین طبقه کارگر و طبقه متوسط روبه‌اضمحلال است و آنان بسوی نوعی تشابه پیش می‌روند «ازاینرو به‌زعم اکثر محققان در اکثر جوامع غربی موجبات رشد طبقه متوسط را فراهم ساخته‌اند و این امر به‌کاهش کمی طبقات بالا و پایین انجامیده است».

Marshall ' T.H. Sociology in

the crossroads, P : 148)

ر. ک. Upper class, Bourgeoisie/

Working class/Social class

Middle Range Theories

نظریه‌های با برد متوسط

در برابر مفهوم نظریه‌های بزرگ (Grand Theories). مفهوم از رابرت مرتن (R. K. Merton) است. صرف‌نظر کردن از نظریه در تحقیق اجتماعی، بمعنای آماری شدن محض آن و سقوط در دامان مکانیک گرایی (Mechanicism)، رفتار گرایی (Behaviorism) و بطور کلی همه مکاتبی است که بر یکسانی نسبی دانش انسان و علوم طبیعی تکیه کردند و مفاهیم سورو کین نظیر آزمون شیدائی (Testomania) و جنون کمیت (Quantophreny) در طرد این دیدگاهها که در نهایت به نفی ابعاد خاص تحقیق انسانی، اجتماعی و یا امحاء جهات علمی آن منتهی می‌شود، بکار آمدند. نظریه‌های با برد متوسط (متوسط الحد) هم لزوم نظریه سازی را می‌رسانند، هم آنکه بر نسبی بودن آنان تاکید دارند. ر. ک. Merton. Sorokin. Grand Theories.

Sociological Theory

Social Theory, Statistical Theory, Theory, Strategic Theory, Theoretical

Middle years

سالهای میانه حیات - میانسالی

سالهای میانه حیات در هر جامعه با توجه به امید زنده ماندن، سالهای ورود به بازار کار و بازنشستگی و همچنین مدت آموزش

تمایز می یابد. در هر حال، سالهای بزرگسالی را در برمی گیرد و بعضی آنرا بین ۴۰ تا ۶۵ سالگی می دانند.

I- بحران سالهای میانه :

ترك خانه توسط فرزندان، آغاز دوران یائسگی و عوارض روانی آن بر زنان، دگرگونیهای جسمانی و پیدایی اولین آثار کهنوت، لزوم تغییر لباس، رفتار و حتی سخن؛ پیدایی بیماریهای گوناگون و یا شدت یافتن آنان تماماً بحرانهای این دوران را مشخص می دارند.

II- جهات مثبت میانسالی :

فرد درین سالها، معمولاً، از منزلت برتری برخوردار است و رفتارش برای دیگران الگو است. این سالها اکثر بارشده آزادی فردی مترادف است، تجربه های انباشته درین سالها به اوج می رسد و فرد با توان بیشتری به حل مشکلات نایل می شود؛ مزایای مالی بیشتری نیز درین دوران حاصل می شود.

مهاجرت روستایی Migrants, Rural

ر. ك. Rural migrants

مهاجرت Migration

I- حرکت انسانهاست در سطح جغرافیا که با طرح و قصد قبلی صورت گیرد و به تغییر محل اقامت آنان برای همیشه یا مدتی طولانی انجامد. طبق پیشنهاد دفتر بین المللی کار «آمار مهاجرت دائمی باید در بر گیرنده

هر فرد یا افرادی باشد که از کشوری به کشور دیگر جهت اقامت بیش از یکسال عزیمت می نمایند؛ بدون توجه به قصد یا نیت آنان. آمار مهاجرت موقت شامل کسانی خواهد بود که کشوری را بقصد اقامت بیش از یک ماه و کمتر از یکسال جهت انجام کار ترك می کنند.

(I.L.O. Studies and Reports

Series N. No 18, Statistics of migration, P: 28)

از نظر اداره امور اجتماعی سازمان ملل، آنانی مهاجر تلقی می شوند که ۱) جهانگرد، بازرگان، دانشجو یا مسافر عادی نباشند. ۲) ساکنان نواحی مرزی نیز نباشند (که بطور عادی در بین دو کشور رفت و آمد می کنند). ۳) جز پناهندگان یا افسراد و یا جمعیت های جابجا شده یا انتقال یافته نباشند. پس، کسانی مهاجر خطاب می شوند که در جستجوی شغلی دائمی، فصلی یا موقت در سطح جغرافیا جابجا شوند.

II- با توجه به ابعاد گوناگون مهاجرت (نوع هدف، مدت و...)، انواع گوناگونی از آن می توان یافت :

Conservative migration

مهاجرت محافظه کارانه

Innovative migration

مهاجرت نو خواهانه

— به عقیده پترسن (W. Petersen) در

مهاجرت محافظه کارانه هدف، حفظ شیوه‌های معمول زندگی است و حال آنکه در مهاجرت نوخواهان، دگرگونی‌های اساسی در زندگی مهاجر پدید می‌آید.

(A General Typology of Migration Vol 23)

Emigration مهاجرت به خارج

Immigration مهاجرت به داخل

با توجه به مقصد مهاجرت، آنرا به دو صورت به خارج و بداخل تقسیم می‌کنند. کشور منشأ یا خاستگاه مهاجرت را مهاجر خیز و دومی را مهاجر پذیر می‌خوانند.

در جهان امروز شاهد مهاجرت وسیع تحصیلکردگان از سوی جهان سوم به جهان صنعتی هستیم و در درون کشورها، مهاجرت‌های روستایی به شهرها، مخصوصاً پایتخت چشمگیر است.

Negative migration مهاجرت منفی

Positive migration مهاجرت مثبت

در احتساب تفاوت شمار مهاجرین به خارج و داخل، چنانچه اولی بر دومی فزونی یابد؛ شاهد مهاجرت منفی خواهیم بود؛

Net - migration ر. ک.

Primary migration مهاجرت نخستین

Secondary migration مهاجرت ثانوی

لاتام (R.G.Latham)، بادر نظر گرفتن

حرکات اساسی جمعیت در سطح جهانی، بین مهاجرت‌هایی که بر زمینهای بکر و فاقد انسان صورت می‌گیرند و مهاجرت بسوی مناطقی که در آن افرادی به عنوان بومی زندگی می‌کنند، تمیز قایل می‌شود. به زعم او، مهاجرت‌های نوع اول نخستین و دومی ثانوی باید خوانده شوند. از نظر او، «مهاجرت‌های ثانوی از جهاتی بسیار با نوع نخستین آنان تمایز دارند: ۱) کندترند، زیرا با مقاومت گروهی از انسانها مواجه می‌شوند. ۲) خشن‌ترند، زیرا با مسأله سلب مالکیت از بومیان روبرو هستند. ۳) موجب امتزاج مردمانی چند را به عنوان بومی و مهاجر فراهم می‌سازند و یا آنکه به امحاء نسل بومیان می‌انجامند.»

(Man and his Migrations,

pp, 155 - 6)

External migration مهاجرت برون

Internal migration مهاجرت داخلی

در حالیکه با مهاجرت‌های برون مرزهای ملی درنور دیده می‌شوند، مهاجرت‌های داخلی در درون مرزهای ملی صورت می‌گیرند.

Intercontinental migration

مهاجرت بین قاره‌ای

Intracontinental migration

مهاجرت درون قاره‌ای

کارساunders (A. M. carrsaunders)

با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، فضای سیاسی

مهاجرت ناقص (Incomplete) نیز اطلاق می شود .

مهاجرت روستایی Rural migration

حرکت وسیع، همه جانبه و گاه دستجمعی روستائیان (Exodus) بسوی شهرها (مخصوصاً پایتخت) . این مهاجرت در مواردی چند به پیدایی حاشیه نشینی شهری، تورم بخش خدمات، رشد بیکاری پنهان، بسط آسیبهای اجتماعی در شهرها ... منجر می شود.

Short - term migration

مهاجرت کوتاه مدت

در نیایی که تحرك جغرافیایی شدتی بی سابقه دارد و می توان همه جامعه صنعتی را در حال چرخش و حرکت دید، مهاجرت نیز از صورت سنتی بدرآمده، به تعاریفی نو نیاز دارد. در سطح بین المللی، انسانهایی به شمار جابجا می شوند، بعد از جابجایی نیز مدتی در مقصد می مانند، اما، باز از آنجا نیز مهاجرت می کنند و این بدان معنا نیست، که محل اقامت جدید را نپسندیده اند، بلکه، هدف اصلی آنان نه اقامت در محل جدید، بلکه تحقق خواستهایی دیگر بوده است که بعد از تحقق آنان، زندگی در محل جدید معنای خود را از دست می دهد و لذا باز حرکت آغاز می شود، بدینسان، باید بین مهاجرت دایمی (Permanent) با انطباق مقصد - هدف و مهاجرت موقت (Temporary) با انطباق

و اجتماعی خاص قاره ها، به تمیز بین مهاجرت های فراتر از حدود يك قاره یا درون قاره ای پرداخته است .

مهاجرت متقابل Intermigration

مهاجرت درونی Intramigration

مهاجرت درونی در داخل يك گروه صورت می گیرد، در حالی که مهاجرت متقابل، مهاجرتی است بین چند واحد، گروه یا ملت .

مهاجرت داوطلبانه Voluntary migration

Unvoluntary migration

مهاجرت غیر داوطلبانه

در برابر مهاجرت های تحمیلی (Imposed migration)، یا اجباری (Forced migration) به انواعی دیگر برمی خوریم که در آنان اجبار جای خود را به ابقاء سپرده و بصوری ظریف موجبات مهاجرت فراهم آمده است (نظیر مهاجرت های برانگیخته، Induced migration، و ...) و لیک در مهاجرت های عمدی، (Intentional migration) و فراتر از آن داوطلبانه، عزیمت بنا به خواست و در انطباق با مصالح مهاجران صورت می بندد . مهاجرت های اجباری ناشی از جنگ یا اشغال نظامی به حرکت وسیع جمعیت ها در سطح جغرافیا می انجامد. در این صورت، مهاجرت صورت معمول ندارد و به اقامت معتد انسانها در درون اردوها می انجامد. که از این جهت بدان

گذرای مقصد - هدف تمیز قائل شد.

III - دو نوع عوامل را در مهاجرت

از یکدیگر متمایز می سازند. (۱) عوامل دفع (Push factors) که موجبات حرکت و مهاجرت را فراهم می سازند و عوامل جذب (pull factors) که به جلب و گرفتن مهاجر می انجامند. در روستاهای جهان سوم بدلائل بسیار عوامل دفع و در شهرها عوامل جذب غلبه دارند، ازینرو در روستاها مهاجرت برونی (out-migration) و در شهرها مهاجرت بدرون (In-migration) رواج دارند.

Migration , Differential

مهاجرت تفاوتی

ر. ک. Differential migration

Migration , Net مهاجرت خالص

ر. ک. Net migration

Migratory worker کارگر مهاجر

در اصطلاح به کارگرانی اطلاق می شود که شغلی موقت و تصادفی دارند و بدین جهت مجبورند گاه بطور منتظم (در هر فصل) و گاه بطور غیر منتظم، جابجا شوند و این جابجایی در مواردی صرفاً جغرافیایی و در مواردی دیگر هم جغرافیایی و هم حرفه ای است.

Military sociology

جامعه شناسی نظامی

شاخه ای است از جامعه شناسی که در آن ساخت سازمانهای نظامی، چگونگی رابطه

ارتش و جامعه و تأثیر و تأثر آنان مطرح می شوند. هر چند بعضی از صاحب نظران کلاسیک در دانش اجتماعی از جمله سن - سیمون و هربرت اسپنسر بر نقش ارتش در جامعه جدید تأکید ورزیده اند، ولی، تا قرن بیستم، این شاخه حائز تحقیقات مهمی نشد. اکثر کوششهای تجربی در آن توسط دو محقق دایت (Q.Wright) و هارولد لاسول (Harold . D.Lasswell) به انجام رسید.

نظامی گری Militarism

این مفهوم در معانی گوناگون به کار رفته است: (۱) جنگ طلبی، یا اتخاذ موضعی سخت، تهاجمی و متکی بر زور و قدرت نظامی در برابر ملل یا اقوام دیگر. (۲) - غلبه ابعاد نظامی در دولت با اختصاص بودجه و یا نفقات بیشتر در کار نظامی، بدون آنکه لزوماً در سیاست خارجی موجبات زور گویی و یا جنگ طلبی آشکار را فراهم سازد. (۳) کنترل وسیع حیات اجتماعی توسط نظامیان، در این معنا. با واژه صورت نظامی بخشیدن (Militarization) مترادف است. بدون آنکه این امر بمعنای سلطه آشکار نظامیان بر حیات اجتماعی باشد. معمولاً هر کشور بهنگام جنگ به اتخاذ سیاست و اقتصاد جنگی دست می زند تا تمامی ارکان جامعه و امکانات آنرا در راه پیروزی به کار گیرد. (۴) ایده اولزی نظامی، یعنی زمانیکه قدرت نظامی زیاد نیست، حاکمیت نظامیان نیز مطرح نیست

لیک ، تبلیغ آرمان نظامی رواج دارد (نظیر، حکومت آلمان در جمهوری ویمار) (۵) ظاهر آرای و ترویج جهات رسمی، یعنی زمانیکه رفتار انسانها جهات صوری، رسمی و ظاهری یابد و مراسم اهمیت پذیرند.

میل (John Stuart Mill)

اقتصاددان، فیلسوف و اندیشمند سیاسی - اجتماعی انگلیسی است. (۱۸۷۳-۱۸۰۶) او در صدد بسط قوانین طبیعی در دانش اجتماعی برآمد. معتقد بود که دانش انسان و جامعه نیز باید در امتداد دانش طبیعی قرار گیرد. تحت تأثیر لاک و هیوم بر تجربه تأکید می نمود. بر لیبرالیسم تأکید داشت، از اینرو، او را در زمره اندیشمندان بنیانگزار در این نوع اقتصاد می دانند. وی از بنانیان مکتب اصالت مطلوب بیت (utilitarianism) بشمار می رود. هر چند موفق به انجام تحقیقی خاص در جامعه شناسی نشد، اما، تحت تأثیر اندیشه های ناکجا آباد گرایان و جامعه شناسانی چون سن سیمون بدان تأکید می ورزید؛ میل از اولین پیشروان نهضت آزادی زنان در اروپا بشمار می رود. بعضی از آثارش بدین قرارند:

System of logic, ratiocinative and inductive / Principles of political economy.

میلز (c.wright Mills)

از جامعه شناسان امریکایی است (۱۹۶۲ - ۱۹۱۶). زمینه های پژوهش او بسیارند

ولی جامعه شناسی سیاسی و روانشناسی اجتماعی از اهم آنهاست. او سعی در بسط افکار ماکس وبر، هربرت اسپنسر، هربرت مید و همچنین فردید نمود. به زعم او، اساساً جامعه شناسی و هر شعبه آن سیاسی است و باید ازین دانش در راه مبارزه با خرافات سود برگرفت. بعضی از آثارش عبارتند از:

The new men of power - Whitecollar: The American middle class. The sociological imagination, Power elite, Images of man. Character and social structure.

میلز (Theodore Mills)

جامعه شناس امریکایی است (متولد ۱۹۲۰)، مطالعه گروه های کوچک و نظریه های جامعه شناسی زمینه های اصلی کار و تحقیقات میلز هستند. برخی از آثارش عبارتند از:

The sociology of small groups. Group transformation.

همرنگی (Mimetic response)

۱) در اصل پاسخ یا واکنشی است که از طریق آن يك اورگانیزم و-ژگیه های اورگانیزم دیگری را بخود می گیرد تا از خطر مرگ برهد، یا به هدفی خاص دست یابد. ۲) در اصطلاح جامعه شناسی، کوشش فرد یا گروهی از افراد در راه بقاء است از طریق پذیرش رنگی خاص و به اضطراب.

ر. ک. Conformism/ Assimilation

- نست. بدینسان در فصل درو همه محصول یکباره به بازاری می آید و به شکست قیمت آن می انجامد. - کوچکی بسیار زمین موجبات یکنواختی و عدم تنوع آنرا فراهم می سازد. زمینی که در دامنه پرشیب کوه، فاقد آب کافی و در حوزه فرسایش است بطور کلی غیر قابل بهره برداری خواهد بود و کوچکی آن امکان تنوع و برخورداری احتمالی از جزئی بهتر را نفی می نماید.
- روح جمعی **Mind, Collective** ر. ک.
- روح گروهی **Mind, Group** ر. ک.
- Group mind
- حالت روحی انبوه **Mind, Mob** ر. ک.
- Mob mind
- روح اجتماعی **Mind, Social** ر. ک.
- Social mind
- روحیه اجتماعی **Mindedness, Social** ر. ک.
- Social mindedness
- خرده مالکی **Minifundism** از واژه Minifundia، زمین کوچک گرفته شده است؛ به نظامی خاص اطلاق می شود که در برابر بزرگ مالکی قرار می گیرد. درین نظام گاه زمین قابل کشت یک دهقان به کمتر از دو هکتار می رسد؛ عیوبی چند برین نوع خرده مالکی وارد است: - زمین کوچک با مرگ صاحب آن بکلی از حیز انتفاع خارج می گردد، چه بین چند وارث تقسیم می شود. - کوچکی مفرط زمین مانع صنعتی کردن کشت با خرید و سالی جدید نظیر کمباین، دفع آفات و غیره است. - زمانیکه زمین از حداقل وسعت پایین تر می آید، امکانات توزیع درست محصول نیز صورت نمی گیرد و نه تنها میزانی از محصول دور از بازار از بین می رود، بلکه توزیع تدریجی محصول نهائی نیز ممکن نیست. بدینسان در فصل درو همه محصول یکباره به بازاری می آید و به شکست قیمت آن می انجامد. - کوچکی بسیار زمین موجبات یکنواختی و عدم تنوع آنرا فراهم می سازد. زمینی که در دامنه پرشیب کوه، فاقد آب کافی و در حوزه فرسایش است بطور کلی غیر قابل بهره برداری خواهد بود و کوچکی آن امکان تنوع و برخورداری احتمالی از جزئی بهتر را نفی می نماید.
- ر. ک. **Latifundism / Feudalism**
- اصل حداقل زبان **Minimax principle** ر. ک.
- Game Theory
- حداقل معیشت **Minimum Living standards** حداقل کالاها و خدماتیکه برای ادامه حیات یک فرد، گروه یا خانواده در زمان و مکانی خاص لازمند. بدان حداقل حیاتی (Vital minimum) نیز اطلاق می شود.
- حداقل دستمزد **Minimum wage** میزان دستمزدی که صرفاً توسط قانون، یا با توافق سندیکا تعیین گردیده است و پرداخت کمتر از آن میسر نیست. با دستمزد بخور و نمیر (Living wage) مشتبه نشود (بدان ر. ک.)
- گروه اقلیت **Minority group** ر. ک.
- Group
- بهم آمیزی نژادها **Miscegenation** در نظام آپارتاید (Apartheid) که بر

- ر. ك. Social change / Schumpeter Innovation
 اساس تجزى نژادى (Racial segregation) استوار است ، ازدواج بيسن نژادها
 تخفيف مجازات
 کاهش مجازات با توجه به عواملی چون قصد قبلى ، عمد و همچنین حالات روانى مجرم .
 ر. ك. poetic punishment
 بيزارى
 اقتصاد مختلط
 به نظام اقتصادى خاصى اطلاق مى شود كه در آن كوشش در آميزش عناصرى از سوسياليسم و ليبراليسم بعمل آمده باشد . صنايع زیر بنایى ملی اعلام گردند، دخالت دولت در اقتصاد با تبعیه مالیاتها و حقوق گمركى وغيره تحقق يابد ، ليك اين امور مانع بقای انگیزه سود جويانه نشده باشد .
 ر. ك. Controlled economy
 زن بيزار
 ازدواج مختلط
 زنشويى افرادى است از نژادها ، مذاهب و اقوام متمایز . در چنین پیوندهایی دونوع مسأله احتمال وقوع دارند : نوع اول در سطح خانواده ونوع دوم در سطح خویشاوندان زوجین . ماهیت هر دو نوع بکسى است و منبع از تمایز و گاه شكاف روانى بین افراد متعلق به گروههای متمایز ، ولى جلوه های آن در دوسطح تفاوت دارند .
 ر. ك. Heterogamy / Miscegenation
 انبوه در حرکت
 ر. ك. Mob
 پیشوندی است كه نفرت را مى رساند ؛ در فارسى بنادرست گریزی یا ستیزی ترجمه شده است و حال آنكه بيزارى كه از بن پیشوند مستفاد مى شود يك حالت روانى است كه مى تواند به گریز ، ستیز یا هر واكنش دیگر انجامد ؛ بعضى از واژگان مركب آن چنین اند :
 زناشويى بيزارى
 ر. ك. Celibacy . Marriage
 زن بيزار
 با مفهوم مخالفت با حقوق اجتماعى زن (Anti - feminist) يكسان نيست . هر چند كه بايكديگر ارتباطى اجتناب ناپذير دارند .
 ر. ك. Anti-feminism
 نوبيزارى
 يکى از ویژگیهای جامعه سنتی است كه در آن همه ارکان حیات برمحور تجربیات آزموده ، انباشته و به ميراث برده از نیاکان تنظيم مى شوند و هر نوآوری مطرود شمرده مى شود .

- حکومت انبوهی وسیع ، بسی ساخت ، ساخت ناپذیر ، فاقد شکل (Amorphous) و در حال جوشش و حرکت . بدان غوغا سالاری نیز می گویند .
- ر. ک. Mobocracy
- حالت روحی انبوه Mob mind
- حالت روانی شرکت کنندگان در يك انبوه (بسیار هیجانی ، سائقى و آماده برای انجام اعمالی بسیار غیرمنطقی)
- ر. ک. Ochlocracy / Kakistocracy / Democracy
- Modal personality
- شخصیت آرمانی ، شخصیت نمایی
- مفهوم نیست با دو معنای خاص:
- ۱- در معنای اول ، بنوعی خاص از شخصیت اطلاق می شود که دارای ویژگیهایی است نمونه که اکثر مردم در آن گروه یا جامعه دارا هستند. ازین دیدگاه ، این مفهوم با منش ملی مترادف است و با شخصیت اساسی نزدیک .
- ۲- در معنای دوم ، این مفهوم با نوع آرمانی (Ideal type) که ویبر (weber) به تشریح آن می پردازد مترادف است و شخصیتی است خالص ، ناب ، غیر واقعی و تحقق ناپذیر .
- ر. ک. Basic personality / Ideal type / National character
- نما Mode
- ساده ترین اندازه هاست در محاسبه گرایش های مرکزی و به رقمی اطلاق می شود در يك سلسله شماره ها که نسبت وقوع آن بیش از همه باشد. بدین قرار ، در مجموعه فراوانی های ۹،۷،۷،۷،۵،۵،۲، رقم ۷ مد
- انبوهی در حال فعالیت در جهت هدفی خاص و بشیوه ای معمولاً خشن .
- ر. ک. Mobocracy
- حالت روحی انبوه Mob mind
- حالت روانی شرکت کنندگان در يك انبوه (بسیار هیجانی ، سائقى و آماده برای انجام اعمالی بسیار غیرمنطقی)
- ر. ک. Mobile crowd
- انبوه خلق دارای تحرك
- ر. ک. Active crowd
- Mobility , Ecological
- تحرك محیط شناختی
- ر. ک. Ecological mobility
- Mobility , Horizontal
- تحرك افقی
- ر. ک. Horizontal mobility
- Mobility , Mental
- تحرك ذهنی
- ر. ک. Mental mobility
- Mobility , Occupational
- تحرك شغلی
- ر. ک. Occupational mobility
- تحرك اجتماعى Mobility , Social
- ر. ک. Social mobility
- تحرك عمودی Mobility , Vertical
- ر. ک. Vertical mobility
- بسیج Mobilization
- ر. ک. Demobilization
- غوغا سالاری Mobocracy

Mode of Production

بحساب می آید .

مثال دیگر: در توزیع زیر، گروه مذهبی پروتستان، حائز بیشترین تعداد است و لذا فراوانی آن مد خوانده می شود.

توزیع فراوانی گروههای مذهبی

ردیف	گروه مذهبی	فراوانی
۱	پروتستان	۶۲
۲	کاتولیک	۵۲
۳	یهودی	۱۰
۴	مسلمان	۱۲
۵	بودائی	۲
۶	جمع	۱۳۸

این توزیع يك نمايى (Unimodal) خوانده می شود. در مواردی توزیع دونمايى است (Bimodal) و آن زمانی است که توزیع دو جمعیت متمایز را در خود دارد. به عنوان مثال، توزیع قد بزرگسالان دو مدی است. زیرا شامل زن و مرد هر دو می شود و هر يك ازین دو بلندی قامتی خاص خود دارند.

ر. ک. Mean / Median / Central tendency

شیوه تولید

منظور ابزار و همچنین روشهای معمول در کار تولید است. مفهوم تولید در این مضمون دارای معنایی حصری است و از آن صرفاً تولید کالاهای مادی مستفاد می شود. از اینروست که مارکس و پیروانش این مفهوم را محور اندیشه ماده گرایی تاریخی خود ساخته اند. به زعم آنان شیوه تولید يك جامعه در يك برهه از تاریخ تعیین کننده چگونگی حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه است.

ر. ک. Marx / Superstructure /

Infrastructure / Materialism

مدل Model

— از يك دیدگاه تصویری از واقعیت اجتماعی است که جامعه شناس در ذهن دارد. سلسله پیش فرضهایی است که او به عنوان حقیقت می پذیرد و هم آنان ادراک وی را از جامعه و پدیده های آن تحت تأثیر قرار می دهند. چون مدل صرفاً بعدی از واقعیت اجتماعی را منعکس می کند، پس جامعه شناس را صرفاً به جزئی، بعدی یا قسمتی از وقایع و حوادث حساس می کند و در برابر دیگر وقایع و حوادث بی توجه: از این دیدگاه مدل يك نظریه نیست؛ کلی تر از آن است.

مدلهای گوناگونی قابل ذکرند، مانند مدل عضوی (organic model) که جامعه را

همچون اندام موجود زنده می بیند . یا مدل تنازعی (Conflict model) که برپایه آن عناصر و اجزاء يك جامعه در حال کشمکش و تنازعند .

— از دیدگاه دیگر، مدل به مجموعه ای مادی یا ریاضی و یا منطقی اطلاق می شود که ساختهای اساسی يك واقعیت را می رساند و در سطح خود قادر به تبیین آن و ارائه کار کردهایش می باشد. بدین قرار، مدل کوچك يك هواپیما ، مدل مادی و مدلهای اقتصادی مدلهای منطقی — ریاضی هستند .

مدلها از این دیدگاه ، به تام و جزئی تقسیم می شوند . به عنوان مثال ، اثرات کلی يك سد ، مدل کلی است و حال آنکه در مدل جزئی فقط به مطالعه يك مسأله (مثلا تخلیه آب) پرداخته می شود، بدون آنکه همه سد مورد نظر باشد. باید توجه داشت که هر مدل، چه مادی و چه مفهومی ، هیأت عقلانی و ریاضی يك پدیده واقعی است ؛ همچنین مدل سازی را می توان تمهید عقلانی يك پدیده از قبل جهت تهیه آن در آینده دانست .

انواع مدل Models , types of

مدلهای رفتاری Behavioral models

رفتار اجتماعی شامل مجموعه ای از کردارها و طرز تلقی هایی است که بر اساس آن يك انسان یا يك گروه در برابر شرایطی خاص واکنش نشان می دهد. رفتار اجتماعی برپایه طرحهائی تنظیم می شود و ویژگيهای

يك طرح یا يك مدلی رفتار اجتماعی چنین است :

۱- عملی است قابل مشاهده و اندازه گیری .

۲- فراوانی تکرار می شود.

۳- حاوی معنای اجتماعی خاصی است.

مدلهای فرهنگی Cultural models

به نظریت ر. لنتن (R. Linton) يك مدل فرهنگی بمعنای يك قالب مشخص رفتاری است که در درون آن پاسخهای اعضا يك جامعه در برابر شرایطی معین جای می گیرند؛ پس همنوایی با نظم پذیرفته جامعه ، مدلهای فرهنگی را پدید می آورد .

مدلهای اقتصادی Economical models

یا شامل مدلهای تبیینی است که در آن مناسبات و وابستگیهای متقابل ملاحظه شده منظور می گیرند و یا مدلهای پیش بین یا آینده نگر را در برمی گیرد که صورتی از کارکرد آینده يك جامعه را بدست می دهد .

مدلهای اجتماعی Sociological models

مدلهای جامعه شناسی

متعاقب پیدایی مدلهای اقتصادی که با موضوعاتی بیشتر کمی و یا قابل تبدیل به کمیت سروکار دارند، جامعه شناسان نیز دست به کار تهیه مدلهایی از رفتار اجتماعی شده اند. از اینرو یا اقدام به جایگزینی مجموعه های اجتماعی پیچیده توسط مجموعه ای ساده (مدل) کرده اند که هم بعد کمی داشته باشد و هم آنکه

- قرار و مدار** **Modus vivendi**
 قرارهای موقت جهت تمثیل امور حیاتی.
- نیمگان** **Moiety**
 I- از ریشه **Medius** بمعنای وسط یا میان گرفته شده است. در انسانشناسی، زمانیکه یک جامعه یا کلان به دو قسمت منقسم شود، هر یک را «نیمه» می خوانند. هر نیمه نامی دارد و معمولاً برون همسر است. تقسیم جامعه به دو نیمه می تواند بر اساس دوگانگی آب و هوا باشد، نظیر نیمه تابستانی، نیمه زمستانی، یا بر پایه جغرافیایی (خشکی، دریا).
 II- این واژه در آغاز توسط هوویت (A.W. Howitt) در سال ۱۸۸۸ بمنظور مشخص کردن تبار یک خطی در بین بومیان استرالیا، وضع شد و در کنار خطوط اصلی فوق الذکر هر یک از دانشمندان، نظرات خاصی در مورد آن ابراز داشتند: به نظر لوی (R.H. Lowie) «یک نیمه یکی از دو کلان برون همسر در یک قبیله است. از اینرو نه واحدی است که اعضاء خود را به ازدواج بین خود وا دارد، نه آنکه واحدی است فاقد قاعده مشخص در انتساب خانوادگی»
 (An Introduction to Cultural Anthropology, P: 262)
 مرداک (G.R. Murdock) از جانب دیگر مفهوم شبه نیمگان (pseudo-moiety) را در مورد تقسیم یک روستا یا یک جامعه به دو قسمت بدون آنکه هیچ قاعده
- اجزاء اساسی نظام اجتماعی را در برگیرد؛ و یا آنکه از یک مجموعه در حین عمل و کارکرد، متغیرات اساسی را که موجبات مقایسه بین مجموعه ها را فراهم آورد، اخذ نموده اند.
- مدل گیری** **Modeling**
 واژه ای است معمول در روانشناسی اجتماعی. بر اساس آن فرد (مخصوصاً کودک) سعی می کند دیگری را مدل خویشتن سازد. مدل گیری در روند اجتماعی شدن کودک تأثیر می گذارد. آن کس که رفتارش توسط کودک تقلید می شود، مدل خوانده می شود.
- ر. ک.** **Reference group**,
Socialization/ Imitation
- اعتدال، میانه روی** **Moderation**
اعتدال پسندی - **Moderatism**
 گرایش به نظامها و اندیشه های غیر افراطی
- تجدد خواهی** **Modernism**
Modernization, Political
 تجدد بخشی سیاسی
ر. ک. **Political modernization**
- تجدد بخشی اجتماعی** **Modernization, Social**
ر. ک. **Social modernization**
- تغییر پذیری متقابل** **Modification, Reciprocal**
ر. ک. **Reciprocal modification**
- نحوه عمل** **Modus operandi**

- زوجیت و یا انتساب خانوادگی مطرح شود
به کار برد .
Social Structure , P : 47)
- Dual organization ر. ک.
Moment , Critical لحظه حساس
Critical moment ر. ک.
Momentum , Group گروه- شتاب
Group momentum ر. ک.
Monandrous یک شوی
Monandry یک شویی
نوع خاصی از یک همسری
(Monogamy) است که در آن ، یک زن
نمی تواند در یک آن بیش از یک شوهر داشته
باشد ؛ مفهوم مخالف آن چند شویی
(polyandry) از سوئی و یک زنی
(Monogyny) از سوی دیگر است (بهریک ر. ک.)
Monarch سلطان
Monarchism سلطنت طلبی
Monarchy سلطنت
Monarchy , Constitutional حکومت سلطنتی مشروطه
Constitutional monarchy ر. ک.
Monarchy , Limited سلطنت مشروطه
Limited monarchy ر. ک.
Monasticism رهبانیت
به شیوه ای اطلاق می شود که در حیات
پیروان بعضی ازادیان نظیر بودایی ها ، مسیحیان
راست دین (orthodox) که در جستجوی
سرچشمه های اول دین خویشند دیده می شود.
ویژگی این شیوه چنین است: ترک دنیا، پذیرش
ریاضت ، پذیرا گردیدن در برابر دردها و
مصائب .
ر. ک. Ascetism
کارشناس پولی ، Monetarist
معتقد به اهمیت پول خاص در اقتصاد
Monetary economy
اقتصاد مبتنی بر پول
آنجا که پول با کارکردهای گوناگونش
نظیر تسهیل مبادله ، پس انداز ، احتساب
و ... نقش خاصی در اقتصاد ایفا می کند .
ر. ک. Barter
تورم پولی Monetary inflation
در برابر انقباض پولی
(Monetary deflation) قرار می گیرد .
ر. ک. Deflation / Inflation
سیاست پولی Monetary policy
تنظیم جریان پول ، تصمیم در مورد حجم
پول در گردش بر پایه هدفهای خاص.
وحدت گرایی Monism
آیینی که دوگانگی (Duality) بین ماده
(Matter) و ذهن (Mind) را نفی می کند؛
به فارسی تعابیری نظیر توحید، وحدت آیینی،
اصالت وحدت ، مذهب وحدت در برابر آن
نهاده شده است .
ر. ک. Pluralism / unitarianism

Monocracy	حکومت فردی	Monographer	تک نگار
زمانی است که همه ارکان حاکمیت در اختیار یک نفر قرار گیرد.		Monographic investigation	بررسی تک نگارشی، بررسی مبتنی بر تک نگاری
Oligarchy / Plutocracy ، ر. ک.			
Autocracy / Despotism .		Monogyny	تک زنی
Authoritarianism / Tyranny		نوعی خاص از یک همسری (Monogamy)	
Monogamy	تک همسری	است که دو آن یک مرد در یک زمان واحد نمی تواند بیش از یک زن داشته باشد، یک زنی در برابر چند زنی (Polygyny)	قرار می گیرد .
از Monos بمعنای تک، یک و Gamos از دواج گرفته شده است، نظامی رامی رساند که بر پایه آن یک مرد یا یک زن در یک زمان فقط حق داشتن یک همسر دارد. از اینرو به دو نوع قسابل تقسیم است: تک شوینی (Monandry) و تک زنی (Monogyny) در برابر دو همسری (Bigamy) و چند همسری (Polygamy) .		Monandry / Polygamy / Bigamy / Monogamy / Polygyny, polyandry	ر. ک.
Monogamous family	خانواده تک همسر	Monopolism	انحصار طلبی
		در معنای گسترده به هر نوع تخطی از حدود اخلاقی و قانونی اطلاق می شود که حریم آزادی دیگران را مختل سازد و امتیازاتی بیش از حد ضرور یا شایسته به فرد یا گروهی خاص مسترد دارد. بدینسان و در این معنا، این مفهوم در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به کار می آید .	
Monography	تک نگاری	Monopoly	ر. ک.
تشریح همه جانبه یک پدیده، یا مجموعه ای از پدیده ها است. در تک نگاری، ابتدا از وضع عینی، ظاهر و سطح خارجی پدیده که قابل مشاهده است، آغاز می کنند، سپس ابعاد ذهنی، روانی و پیچیده آنرا به نگارش درمی آورند. بدینسان، در این مفهوم کلیت و هم فردیت پدیده می شود. کلی است چون در خلال آن همه اضلاع یک کل شناخته می شوند. فردی است چون یک پدیده، نظیر یک ده، یک کارخانه یا یک مدرسه در همه ابعادش سنجیده می شود.		Monopolize	به انحصار در آوردن
		Monopoly	انحصار
		در اقتصاد، به شرایطی در بازار اطلاق می شود که یک فروشنده خود را در برابر تعدد خریداران و یا تقاضای ذره ای (Atomized demand) و یا تقاضای فاقد	

سازمان (unorganized demand) بیند در این شرایط که آنرا انحصار مطلق، ناپ یا محض می خوانند، (Pure monopoly) قیمت نه تابع عرضه و تقاضا یا میزان کار و یا دیگر عناصری است که در تولید کالا به کار آمده اند، بلکه حاصل میل انحصارگر (Monopolist) است؛ بازار شفافیت ندارد، خریدار فاقد آگاهی است، تحرک بازار ناکافی است و یا اصلاً موجود نیست؛ بین دو حد نهایی رقابت محض، ناپ یا مطلق (Pure Competition) و انحصار کامل (Perfect monopoly)، انواع گوناگونی از شرایط اقتصادی پدید می آیند که انحصار ناکامل (oligopoly) نام دارند.

Montesquieu (Charles Louis

Secondat, Baronde) منتسکیو

فیلیوف و متفکر فرانسوی است (۱۷۵۵-۱۶۸۹) او از بانیان جامعه شناسی است. به بیان خودش هدف او قایل درك ساختن اموری بود که به نظر انفاقی، پراکنده و بی نظم می آمدند، زمانیکه اثرش را با نام «انديشه هايي در باب علل عظمت و انحطاط دوم قدیم» می نوشت. تمامی سعی او برای این بود که نشان دهد نه شانس یا تصادف بلکه شبکه ای از عوامل اخلاقی و مادی، مزجیات سقوط این حکومت را فراهم آوردند. او با شناخت

انواع حکومت، جامعه شناسی سیاسی را بنیان نهاد، همچنانکه با عنوان ساختن عواملی علی در پیدایی و حرکت پدیده های اجتماعی (نظیر اقلیم، زمین و جغرافیا) از بانیان مکتب جغرافیایی شد. دو اثر دیگرش عبارتند از:

L' Esprit des lois. Les

Lettres persanes

Moral behavior رفتار اخلاقی

رفتار اخلاقی مظهر اعمالی است که جامعه جهت سلامت و بقای خود تجویز می کند. در برابر قضاوت اخلاقی (Moral judgment) که ارزیابی ذهنی رفتار اخلاقی فرد توسط دیگری است.

Moral development توسعه اخلاقی

چگونگی پذیرش معیارهای مرتبط با درستی یا نادرستی عمل در انسان است. مطالعاتی بسیار در باب چگونگی گسترش این معیارها در ذهن فرد انجام شده است. از جمله لودنس کلپوگن با پذیرش نظر پیاژه (J. Piaget) شش مرحله از توسعه اخلاقی در سه سطح تمیز می دهد:

الف) سطح ماقبل اخلاقی:

۱- ویژگی خاص مرحله اول جهت یابی بسوی اطاعت از مقررات بمنظور اجتناب از تنبیه است.

۲- در مرحله دوم فرد تابع انگیزه های لذت گرایانه (Hedonistic motives) است. فرد در این مرحله بدان سبب به قبول

ر. ك.

Cultural lag

معیارهای اخلاقی می‌پردازد که پاداش یا محبت خاص بیند.

ب: سطح تابعیت:

در این سطح همچنانکه از نام آن برمی‌آید، رفتار اخلاقی تابع قواعد بیرونی است و مراحل زیر در آن قرار دارند:

۳- ویژگی خاص این مرحله، تابعیت از انگیزه‌های تصویب خواهانه است: فرد بدان سبب در برابر معیارهای اخلاقی به تمکین می‌پردازد که از سرزنش و نفرت دیگران درهراس است.

۴- در این مرحله، ترس از عتاب مسئولین قانون عامل پذیرش اخلاقی است.

پ: سطح ارتقاء اخلاقی:

۵- قوانین یا شیوه‌هایی آزادمنشانه پذیرفته شده‌اند و توجه به حقوق فردی موجب پذیرش رفتار اخلاقی است.

۶- رفتار اخلاقی صرفاً تابع اصول مقدس فردی و وجدانست.

Moral ideals آرمانهای اخلاقی

الگوها و معیارهای سنجیده و پسندیده حاکم بر رفتار انسانی که موجبات همکاری، صلح و تداوم حیات جمعی را فراهم می‌سازند.

Moral lag دیرکرد اخلاقی

شرایطی اجتماعی که در آن کنش، رفتار و یا عملی چنان نو و بی‌سابقه پدید آید که با هیچیک از معیارهای اخلاقی موجود قابل سنجش نباشد.

Moral Panic هراس اخلاقی

واکنش افراطی جامعه از طریق وسایل ارتباط جمعی، منابع قضائی مأموران اجرائی و ... در برابر جرائم جوانان است. نباید تصور رود که هر کجروی یک یا چند جوان اولاً مظهر کجروی تمامی نسل جوان است، ثانیاً همان جوان یا جوانان را برای همیشه در معرض انحراف قرار می‌دهد.

Moral Philosophy

فلسفه اخلاق

فلسفه و اصول فلسفی حاکم بر اصول و هنجارهای اخلاقی حاکم بر رفتار و روابط انسانیها.

باید بین فلسفه اخلاق، علم اخلاق

(Ethics) و فلسفه اخلاقی (Philosophical

ethic) از سوئی و رفتار اخلاقی از سوی دیگر

تمیز گذارد؛ ژکس در اثرش فلسفه اخلاق

(ترجم ابوالقاسم پورحسینی، ص ۹)، در تعریف

فلسفه اخلاق می‌نویسد: «علم اخلاق عبارتست از

تحقیق در رفتار آدمی بدآنگونه که باید باشد،

علم اخلاق را نباید با علم مطالعه اخلاقیات و

آداب اشتباه کرد... علم اخلاقیات شعبه ایست از

جامعه‌شناسی و موضوع آن رفتار آدمی است،

بهمان نحو که در عمل وجود دارد در

صورتیکه علم اخلاقیات بر عکس بدین مهم

توجه دارد که عمل آدمی برای آنکه کامل باشد

و خیر را تحقق بخشد، چگونه باید باشد؟»

Social philosophy	ر. ک.	میزان شیوع بیمارگونی
Moral relativism	ETHics	Morbidity zone
	نسبی اندیشی و اخلاق	حوزه شیوع بیمارگونی
Relativism	ر. ک.	توماس مور
Moral restraint	خودداری اخلاقی	Morus (Thomas)
	برخلاف مالتوس گرایان جدید که کنترل موالید را تجویز می کنند، مالتوس با این اصطلاح تاخیر در ازدواج و خودداری در امر جنسی را جهت کاهش موالید تجویز می نمود.	اندیشمند انگلیسی (۱۵۳۵-۱۷۷۸)
Neo-malthusianism	ر. ک.	
Moral standard	استاندارد اخلاقی	
	الگوها، انگاره ها یا هر آنچه معیار سنجش رفتار اخلاقی باشد. استانداردهای اخلاقی توسط سنن، قدرتها یا توافق عمومی تعیین می شوند.	است. کتاب مهم او ناکجا آباد (utopia) است این اثر با نام آدمانشهر توسط نادرالمشارنادری و داریوش آشوری بفرسی برگردانده شده است). او در این اثر تخیلی، یک کشتی را توصیف می نماید که به جزیره ای با همین نام (ناکجا آباد) رسیده در آن رحل اقامت می افکند. سازمان سیاسی اجتماعی جزیره ویژگیهای خاصی دارد؛ اول آنکه قدرت سیاسی منبعث از اراده انسانهاست (هر ۳۰ خاندان یک نفر را به عنوان نماینده جهت اداره جزیره برمی گزیند. دوم آنکه با حذف مالکیت خصوصی، همه کس از همه فرصتها برخوردار است (تمامی محصول جزیره در انباری ذخیره می شود و هر کس بفرخوردن نیاز از آن تمتع می جوید). سوم آنکه، ساکنان جزیره از برابری کامل برخوردارند. چهارم آنکه چون مازاد تولید بسیار نیست و مواد مصرفی تنوع و تعدد ندارند، اسراف و تجمل نیز پدید نمی آید. توماس مور در این اثر از افلاطون الهام گرفت. او هر چند هرگز تحقق آرمانهایش را در واقعیت ندید و عملاً نیز این اندیشه ها قابل تحقق نیست ولی آغازگر تحولاتی تازه در جامعه شد.
Morality , Sexual	اخلاق جنسی	
Sexual morality	ر. ک.	
Moralize	اخلاقی ساختن -	
	جهات اخلاقی بخشیدن	
Morbid	بیمارگون	
Morbidity (Rate - of)		

ر. ک. Utopianism / Farabi /
Campanella / Escapism / Realism .

آداب و رسوم Mores

به مجموع آداب و عاداتی اطلاق می‌شود که از گذشته بجای مانده‌اند و کارکردهایی از این قبیل را در جامعه یا گروه به‌عهده می‌گیرند :

- موجبات پیوند افراد را با یکدیگر فراهم می‌آورند. چه ، پذیرش سلسله آدابی مشترک، همبستگی و وحدت را موجب می‌شود.
- موجبات ارائه هویت خاصی به جمع را فراهم می‌سازند .

- موجب پیوند جمع با نسل‌های پیشین می‌شوند و از این دیدگاه ، حال را با گذشته می‌پیوندند و موجبات بقای میراث فرهنگی را فراهم می‌سازند .

ر. ک.

Folklore / Traditions / Rituals

مورگان Morgan (Lewis Henry)

حقوقدان و انسان‌شناس آمریکایی است (۱۸۵۷-۱۸۱۸). جهاتی چند از ویژگی‌های کار وی عبارتند از رویارویی با واقعیت (بجای استفاده صرف از داده‌های بدست آمده توسط دیگران) ، کوشش در راه بازیابی نحوه تطور پدیده‌های اجتماعی در بستر تاریخ ، قراردادادن پدیده‌های خاص اجتماعی در زمینه‌ای جامع و توجه به تسامیت واقعیت‌های اجتماعی ، سعی در شناخت کشورهاییکه به

اصطلاح ابتدایی خوانده می‌شوند . زمینه‌های مطالعاتش را خانواده ، نظام‌های خویشاوندی و همخونی و همچنین مراحل حرکت و به اصطلاح او ترقی جوامع تشکیل می‌داد. در این مورد او معتقد بود که دوران توحش (Savagery) اولین مرحله ، پس از آن با اختراع سفال سازی مرحله دوم یعنی بربریت (Barbarism) آغاز شده که متعاقب آن با اختراع خط ، دوران سوم یعنی تمدن آغاز شده است . همانطور که ملاحظه می‌شود ، به زعم مورگان پیشرفت تکنوازی ، عامل اساسی حرکت از هر مرحله به مرحله دیگر بوده است. بعضی از آثارش چنین‌اند .

Systems of Consanguinity and affinity of The human family, Houses and house - life of the American aborigines League of Iroquois , Ancient society , or recherche in the line of human progress from savagery , Through barbarism , to civilization

Morganatic marriage

متعه دایم

ازدواجی است با مشخصات زیر:

- ۱- زن متعلق به طبقه یا قشری بسیار پایین درمقایسه با مرد است .
- ۲- زن و فرزند از حقوق اجتماعی و

اقتصادى مرد يا پدر بر خوردار نخواهند بود. تنها حقى كه زن مى تواند طلب نمايد، مبلغى است كه فرداى زفاف به عنوان هديه از شوهر دريافت مى دارد.

۳- ازدواج نه موقت، بلكه دائمى است. بايد بين صيغه (Sigha) يا متعه، همبائى (Cohabitation) يا همخوابگى، متعه گونگى (Concubinage) و يا متعه دائم تمايز قابل شد. چه اين ازدواج برخلاف صيغه يا متعه، نه موقت است و نه آنكه مبلغ آن از قبل مشخص شده است. همچنين، بر خلاف همخوابگى، همبائى، نياز به نكاح دارد، بدون آنكه موجبات برخوردارى از حقوق اجتماعى براى زن و فرزندانى كه با اين ازدواج تولد مى يابند، فراهم شود، علاوه بر اين بايد بين متعه دائم و زن فرادست همسرى (Hyper gamy) نماييز قائل شد، چه در حالت اخير، زن هم با ازدواج به ارتقاء اجتماعى دست مى يابد، هم مشمول حقوق اجتماعى و اقتصادى شوهر خواهد بود. ديگر آنكه نبايد متعه دائم را با وصلت نامناسب (Mismarriage) يا پيوند ناجور (Mésalliance) مشبه كرد، چه مفاهيم اخير با ارزش گذارى بر ازدواج مرتبط است.

ر.ك. Marriage/ Sigha/ Hypergamy.

Cohabitation / Concubinage

Mésalliance / Mismatch

Morphology , Social

شكل شناسى اجتماعى

ر.ك. Social morphology

Mortality (Rate of)

ميزان مرگ و مير

نسبت بين تعداد مردگان در همه سنين و كل جمعيت در يكسال ميزان مرگ و مير خوانده مى شود و محاسبه آن چنين صورت مى گيرد:

$$\frac{\text{تعداد مردگان در يكسال در جامعه‌اى معين} = n}{\text{كل جمعيت}} \times 1000$$

ميزان مرگ و مير مى تواند بين ۴ در هزار (كاستاريكا) در سال ۱۹۸۴ تا ۲۲ در هزار (آنگولا) در همان سال نوسان يابد. در كل جهان در سال ۱۹۸۴، ميزان آن ۱۱ در هزار بوده است. جالب توجه است كه ميزان مرگ و مير در برخى از كشورهاي پيشرفته صنعتى بالاتر از بسيارى از كشورهاي جهان سوم است. بعنوان مثال در سال ۱۹۸۴، ميزان مرگ و مير در كشورهاي دانمارك، انگلستان و سوند به ترتيب ۱۲، ۱۱ و ۱۲ در هزار بوده است. يكي از علل جوانى جمعيت در جهان سوم و پيرى آن در كشورهاي صنعتى است. بنا بر اين، مى توان گفت جهان سوم در شرايط كنونى با مرگ و مير كودكان (Childhood mortality) و مخصوصاً مرگ و مير نوزادان (Infant mortality) روبرو است كه فرمول احتساب

آن چنین است:	مرگ و میر مادران
$ImR = Id/B$	ر. ك. Death rate
که در آن $B =$ موالید، $Id =$ متوفیات زیر یکسال	Mortality
ر. ك. Mortality	کودکان زنده بدنیا آمده
Demography Fecundity Natality	Mote - beam projection
Mortality , Types of	فرا فکنی اغراق آمیز
انواع مرگ و میر	ر. ك. Projection
Endogeneous mortality	مادر سروری Mother right
مرگ و میر درون زاد	نظامی همسنگ پدر سروری (Father right) است . بدان ر. ك.
مرگ و میر ناشی از عوامل سرشتی کودکان بهنگام تولد یا حوادث اجتناب ناپذیر زایمان .	ر. ك. Matriarchy / Matripotestal
مرگ و میر کودکان Infant ~	برانگیختن Motivate (to)
با تقسیم شمار کودکان زنده بدنیا آمده در یکسال خاص و در یک جامعه معین ، بر تعداد کودکانی که بین صفر تا یکسالگی در همانسال در گذشته اند، بدست می آید . در پایان نتیجه در ۱۰۰۰ ضرب می شود.	برانگیخته - دارای انگیزه Motivated
In utero mortality	انگیزش Motivation
مرگ و میر در زهدان	از واژه لاتینی Motivus به معنای جنبنده (Mobile) گرفته شده است .
Neo - natal mortality	هر عمل انسان تابع انگیزه یا انگیزه هایی است. یا به بیان دیگر، هیچ عملی فارغ از انگیزه صورت پذیر نیست؛ بعضی از انگیزه ها برونی، بعضی درونی هستند. آنگاه که شخصی را وادار به انجام عملی می سازیم؛ انگیزه عمل برونی و خارجی است. اما زمانی که در درون فرد انگیزه عمل را فراهم می آوریم، او خود بدان رو می کند بدون آنکه مسئول یا مأموری هر لحظه
مرگ و میر نوزادان	
Maternal mortality	

فراهم آورد .

ویرا بدان وا دارد .

جنبش می تواند صورت هایی چند باشد:

مقررات قانونی از زمره نوع اول ،
دین و اخلاق از نوع دومند .

۱- جنبش انقلابی

Revolutionary movement

صورت بنیادی و ناگهانی حرکت است .

بعضی از انگیزه ها صورتی آگاهانه دارند، بعضی دیگر به غریزه (Instinct) نزدیکترند که از آنان بنامهای سائقه (Drive) یا سائقه طبیعی (Impulse, Impetus) بصورت های یاد می کنند .

۲- نهضت اصلاحی Reform movement

حرکت معتدل ، آرام و متداوم را نشان

شناخت انگیزش در همه رشته های علم انسان مطرح است، ولی روانشناسی اجتماعی توجهی بیشتر بدان دارد. در عمل نیز سازوکار و فرایند انگیزش بسیار مورد توجه است . به عنوان مثال در تبلیغات ، همواره کوشش بر این است که هدف تبلیغ (خرید يك کالا) درونی (Interiorized) گردد و شخص خود چنان بدان روی نماید که حالتی از هدایت از دور یابد. درین حالت، انسان مسخ شده صورتی ماشین واره (Robot) می یابد .

می دهد؛ زیرا : - برخلاف حرکت انقلابی صورتی ناگهانی ندارد. - به امحاء مطلق عناصر پیشین هستی نمی انجامد - در آن بجای فروریزی یا گسستن ساختها ، پیوند عناصر و پیدایی ترکیبی ناشی از پدیده های نو و قدیمی صورت پذیر است .

ر. ك. Revolution

Moynihan (Daniel Patrick)

مو ینیهان

ر. ك. Instinctivism / Subliminal

advertising

Motive محرك

عامل یا محرکی که موجبات بروز عملی آگاهانه و با هدف قبلی را فراهم آورد .

ر. ك. Impulse / Drive / Incentive

Stimulus , Impetus

Movement نهضت - جنبش - حرکت

حرکتی است در يك فرد، يك جمع یا جامعه که موجبات دگرگونی معنا دار آنرا

متفکر اجتماعی امریکایی است (متولد ۱۹۲۷) . تخصص او در زمینه های جامعه شناسی شهری ، روابط گروهی و مخصوصاً اقلیتهاست . موینیهان دانش و سیاست را با یکدیگر و در کنار یکدیگر قرار داد. یا به بیان دیگر در هر زمینه کوشید تا اندیشه ها را در خدمت عمل و برای بهبود کیفیت حیات مردم به کار گیرد ؛ بدینسان به مناصبی نظیر مشاور مخصوص رئیس جمهوری در زمینه مسائل شهری و حتی سفارت امریکا در هند روی نمود ؛ همچنانکه آثاری بسیار تهیه نمود نظیر :

Beyond The Melting pot .

*The Negro Family : The Case
For National Action . Maximum
feasible Misunderstanding*

Muckraking افشاکاری

در لغت بمعنای چنگال یا بیل کودکشی است ، در اصطلاح شیوه‌هایی را می‌رساند که در جهت رسوا کردن صاحبان قدرت بهنگام تخلف آنان از ارزشهای پذیرفته جامعه به کار می‌آید. این واژه را مخصوصاً در روزنامه نگاری به کار می‌برند .

Fair doctrine ر. ک .

Multi چند ، بسیار

پیشوندی است در برابر يك (Mono) یا تك (uni) و دیگر پیشوندهای شمارشی نظیر دو (Bi , Duo) سه (Tri) و ...
واژگان مرکب بسیاری از آن بدست می‌آید ، نظیر :

Multi - disciplinary چند رشته‌ای

— در روشهای تحقیق ، به تحقیقی اطلاق می‌شود که صرفاً با يك رشته از دانش قابل تحقق نیست ؛ بلکه انجام آن مستلزم همکاری چند پژوهشگر با تخصصهای گوناگون است ؛ تحقیقات موردی (case study) تمام (Total) عمقی (Intensive) و همه جانبه با کلی (Global) از این زمره‌اند .

— در قلمرو دانش ، به علمی اطلاق می‌شود که از پیوند چند رشته از دانشها پدید آید ،

نظیر Biosociology یا :

Social - Psychology

— در آسیب شناسی اجتماعی (Social pathology) به مرض ، مشکل یا عارضه‌ای اطلاق می‌شود که دارای ریشه‌های گوناگون در قلمرو دانشهای مختلف باشد ، مانند بیماریهای روان - تنی (Psycho - somatic)

Multi - forecasting

پیش بینی چند جانبه

بر پایه باورهای بسیاری از متفکران ، مخصوصاً دژگورویچ (G. Gurvitch) پیش‌بینی قطعی آینده يك جامعه یا گروه در يك مسیر معین برای جامعه، میسر نیست . از اینروست که جامعه شناس درصدد گزینش طریقی احتمالی برمی‌آید . بدینسان که چند حالت احتمالی را برای آینده جامعه‌ای خاص و در زمانی خاص پیش‌بینی می‌نماید ؛ گوردیچ مفهوم نظم تمایلی (Tendentious regularity) را در همین معنا به کار می‌برد و بطور کلی این شیوه عمل و اندیشه در مکتب احتمال‌گرایان (Probabilists) و نه جبر گرایان (Determinists) یا تقدیر گرایان (Fatalists) جای می‌گیرد .

Fatalism / Tendentious ر. ک .

regularity / Probabilism

Necessitarianism / Predestination

- Multi - farious** چندگونگی نظام اجتماعى - سياسى خاصى که در آن تعلق حزبی تعدد می یابد. نه بدینمعنی که هرکس بتواند، به چند حزب در يك آن پیوندد، بلکه جامعه مجراهای متعددی را در بیان اندیشه ها، آرمانها و تعهدات سياسى پذیرفته است.
- Multi - form** چند شکلی ر. ک. **Pluralism / Bipartism**
- Social morphology** ر. ک. **Political parties**
- Multi - lateral** چند جانبی، چند سویی در برابر unilateral در اکثر رشته ها، مخصوصاً جامعه شناسی خانواده به کار می رود؛ خانواده می تواند يك سويه یا دو سويه باشد و حرکت ثروت و امتیازات می تواند ازسوی زن یا شوهر (يك سویی) و یا هر دو (دوسویی) صورت گیرد.
- Multi - lateralism** چندسويه گرایی
- Multi - lingual** چند زبانی
- Multinational corporation** شرکت چند ملیتی به شرکتهایی اطلاق می شود که در يك کشور پدید می آید، اما حدود فعالیت آنان از مرزهای ملی می گذرد. این شرکتها بصورت غولهای مالی و اقتدار سياسی در جهان در آمده اند. گاه میزان سود سالانه یکی از آنان از کل درآمد ملی چند کشور تجاوز می کند. این شرکتها با این قدرت عظیم در مواردی که منافع خود را در خطر بینند، سعی در برانداختن دولت در کشورهای کوچک جهان سوم می نمایند (مثال شیلی آلنده و شرکت عظیم I.T.T. در سال ۱۹۷۲، ۶۰٪ این شرکتها امریکایی بوده اند).
- Multipartism** چند حزبی
- Multiple causation, theory of** نظریه چندگانگی علل ر. ک. **Sampling, Multiphase**
- Theory'** ر. ک. **Multiple choice** چند انتخابی الف) در روشهای تحقیق، ارائه چند پاسخ ممکن بريك سؤال است که پاسخگو از بین آنان یکی را برمی گزیند؛ نظیر این طرز پرسش: علت زیادی جرم سیاهان در امریکا ۱- تمایل طبیعی سیاهان به جنایت است. ۲- فقدان امکان اقتصادی سیاهان است. ۳- کمی تعداد آنان در قیاس با کل جامعه است. این طرز پرسش معایب بسیاری دارد. از جمله آنکه ۱- القایی است، یعنی پاسخگو در مواردی جوابی را برمی گزیند که صرفاً بجهت آنکه در لیست جوابها می بیند بسدان می اندیشد. ۲- محدود است یعنی امکان کنکاش در تمامی زوایای ذهن مخاطب را

محور عمل و برنامه را منافع اکثریت قرار دهد .

ر. ك. Oligarchy / Singularism

Multivariate analysis

تحليل چند متغيره

توجه روز افزون جامعه شناسان جدید به تعدد ساحتها یا ابعاد (Multi-dimensionality) پدیده های اجتماعى، ورود جامعه شناسى جدید به عصر کل نگرى (Holism)، پذیرش تعامل یا فعل و انفعال اجتناب ناپذیر پدیده ها، موجب شده است که محققان چند عامل را در رابطه با یکدیگر مطرح سازند. فنونى بسیار نظیر تحليل مسیر (Path analysis)، رگرسیون، تحليل عوامل (Factor analysis)، تحليل خوشه ای (Cluster analysis) همبستگى چند جانبه (Multiple correlation) در راه تحقق این هدف به کار مى آیند (به هر یک رجوع شود)

Multivariate statistical

تحليل آماری چند متغيرى analysis
سلسله فنونى که در تحليل روابط بين سه متغير یا بیشتر به کار مى رود و به سه گونه قابل تقسیم اند :

۱- در يك حالت ، سعی مى شود میزان تبدل يك متغير وابسته بعد از تاثیر پذيرى آن توسط دو یا چند متغير مستقل ، احتساب شود .

فراهم نمى سازد و مخاطب آزاد نیست هر آنچه مى داند بگوید یا بنویسد.

ب) در سنجش دانش یا کار آيى محصلين یا داوطلبان نیز از این شیوه سود جسته مى شود.

ر. ك. Fixed alternative question

Multiple correlation

همبستگى چند گانه

حداکثر همبستگى ممکن بين يك متغير و چند متغير دیگر.

Multiple interaction

تعامل چند گانه

تعدد زمینه های کنش و واکنش در درون يك گروه .

Multiple nuclei city

شهر چند هسته ای

در برابر هم مرکز (concentric) و قطاعى (Sectorial)، شهرى است دارای کانونها یا مراکز متعدد، آنچنان که افراد هر کانون بتوانند نیازهای اساسى خود را در همان منطقه مرتفع کنند .

Sectorial city / concentric city

ر. ك.

Multiple - personaltiy

شخصیت چند گانه

Multiplicity چندگانگى ، تكثر

Multitudinism اکثریت نگرى

هر نظام خاص سیاسى - اجتماعى که

۲- در حالت دوم سعى مى شود
دگرگونیهای سلسله متغیرات وابسته از طریق
چند سازه اندازه گیری نشده تبیین شوند .

۳- در حالت سوم ، سلسله متغیرات
وابسته توسط سلسله ای از متغیرات مستقل
تبیین مى شوند .

مامفورد Mumford (Lewis)

جامعه شناس امریکایی است (متولد
۱۸۹۵) ، زمینه های تخصص او بسیارند: از
جمله می توان از برنامه ریزی شهری ،
برنامه ریزی منطقه ای ، جامعه شناسی سیاسی
و همچنین توسعه اجتماعی و فنون آن یاد کرد.
برخی از آثارش چنین اند :

*Technics and civilization. The
Brown Decades . Sticks and
Stones . The myth of machine :
Technics and human development
The Pentagon of power .*

متعه Mutah
ر. ك. Sigha

Mutation , Biological

جهش زیستی
ر. ك. Biological mutation

جهش اجتماعی Mutation , Social
ر. ك. Social mutation

كمك متقابل Mutual aid
در اصطلاح ، به كمك ارتجالی و معمولا

غير رسمى بين دو فرد يا گروه يا بطور كلى
چند موجود زنده ، اطلاق مى شود .

پيوند متقابل Mutual bond

هر عهد ، يا ميثاق ، (Convention)
يا موجبی که کنش متقابل مودت آمیز
(Associative social interaction)
بين دو يا چند انسان يا گروه را فراهم مى آورد.

اصل همیاری Mutualism

۱- در معنای وسیع ، قبول وابستگی-
متقابل و تمایل به همیاری را مى رساند که به
نظر پرودن (Proudhon) لازمه جهانی است
که باید بر پیوند عضوی متکی باشد.
۲- در معنای محدود ، به هر نوع نهضت
تعاونی اطلاق مى شود که موجب پیدایی
تعاونیها در صنعت یا کشاورزی شود.
ر. ك. Cooperative

میردال Myrdal (Gumar)

دانشمند سوئدی است در اقتصاد
اجتماعی (متولد ۱۸۹۸) . مطالعاتش
مخصوصاً در زمینه های زیر صورت یافتند :
۱- نژاد پرستی .

درین زمینه اثر برجسته وضع دشوار
امریکا (An American Dilemma)
را پدید آورد. کتابی با ۴۵ فصل که در آن
روابط نژادی (Racial relations) در
امریکا به تحلیل نهاده مى شوند . میردال
در این کتاب از «بزرگترین شکست امریکا»

(occult یا Esoteric) نزدیک است . ۳- در معنای سوم به کسی اطلاق می شود که به فهم و درک جهان نه از طریق خرد بلکه با کشف و شهود، پردازد . درین معنی محتوای عارف از آن برمی آید که مصداق شعر مولوی است: پای استدلالان چوبین بود پسای چوبین سخت بی تمکین بود .

دنیای بی کران عرفان در تاریخ انسان (مخصوصاً جهان ایران) از اهمیتى شگرف برخوردار بوده است. قدرت روحی عارف، برخوردار آرام و مطمئن او با واقعیت همواره مورد تحسین اندیشمندان بوده است. او در برابر امور مادی نه چندان شادمان می شود (بهنگام بهروزی)، نه چندان افسرده و دلگیر که غم سراپای وجودش را تسخیر کند (بهنگام تیره روزی)؛ بدرستی می توان گفت او با قامتی افراشته و استوار در برابر هستی می ایستد، مقاومت می کند و ازین دیدگاه بر ورای دیگر انسانها جای می گیرد. دنیای فوق صنعتی (Post industrial -)، بدین اقتضا نیاز می یابد. چه، در مرحله صنعت، چنان انسانها غرق در ماده پرستی، مصرف گرایی، شیء سروری (Reification) و در نهایت از خود بیگانگی شدند که قدرت روحی خویشان را از دست دادند. کالابتواره گرایی (Commodity Fetishism)، در رجحان فتون بر انسان یا حکومت ابزار، بر ابداع کننده آن، دنیائی پس تیره پدید آورده بود؛ از این روست که در تکمیل بیت مولانا که جنبه نفی را در عرفان عنوان می کند، چند بیت دیگر در راه اثبات یا اراته روشهای درست در عرفان

یاد می کند؛ جامعه ای با ثروت بسیار، اما با فقر بسیار و درگیر بانزاد پرستی .
۲- جامعه جهان سوم درین زمینه هیروال اثر برزگش رانحت عنوان ددام آسیایی (Asian Drama) پدید آورده. که در آن شرایط سخت زندگی در جهان کم رشد یا توسعه نیافته به تحلیل گذاشته شده اند.

۳- فقر

بالاخره مطالعه مستقیم فقر در کتابش با نام پژوهشی درباب فقر ملل :

(An Inquiry into the poverty of Nations)

که درحقیقت با آن همه آثار پیشین را به عنوان تجربه قبلی مورد استفاده قرار داد. چه برای او تجلی خاص نژادپرستی در فقر سیاهان است، همانطور که درام بسیاری از مردم آسیا در فقر سیاه آنان دیده می شود .

۴- جامعه صنعتی در مراحل پیشرفته یا پس از صنعت (Post - industrial) ، در این زمینه ، اثر برجسته اش برورای دولت رفاه (Beyond the welfare state) نام دارد .

Mystic

عارف

۱- دریک معنی ، مرموز و پوشیده را می رساند . ۲) در معنایی دیگر با نمان روش

(Esoteric) و بسته است .

مطرح می‌شود:

ر. ک. Agnostic occultism

حافظ:

Esoteric

اسطوره Myth

عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی
عشق داند که درین دایره سرگردانند

مولوی:

عارفان تو از معرف فارغی
خود همی بینی که نور بازغی

مولوی:

عارفان که جام حق نوشیده‌اند
رازها دانسته و پوشیده‌اند
هر که را اسرار کار آموختند
مهر کردند و دهانش دوختند

I- از ریشه‌ای یونانی در معنای «گفتار» و «داستان شاعرانه» گرفته شده است . در گذشته ، تجسمی از دنیا و مقام انسانرا در درون آن منعکس می‌کرد. در زمان ما اساس اسطوره را نه تخیل ، یادیدی ساده لوحانه در برابر جهان ، بلکه بینشی عقلانی در جهت وصول به هدفی مشخص ، تشکیل می‌دهد. در این معنا ، ایده اولژیهای سیاسی حاوی اسطوره‌ها بسیارند : ارتقاء شخصیه‌های سیاسی ، نهادهای ملی و تبدیل آنان به عناصری برین ، ناب و متعالی (اسطوره) در حرکت مردم و بسیج آنان آثاری شگرف دارند . وسایل ارتباط جمعی می‌توانند هم اسطوره ساز و هم اسطور زدا باشند (با پایین آوردن شخصیت در سطح معمول و زدودن اندیشه‌های اغلب غیر واقعی منتسب بدان)

II- در شناخت و تعبیه اسطوره‌ها دو

دیدگاه متمایز بچشم می‌خورد :

۱- از دیدگاه کارکردگرایان، اسطوره‌ها موجبات بیان احساسات اساسی گروه نسبت به جهان و حراست از ارزشهای اخلاقی و شعایر آن می‌شوند . از اینرو ، به زعم هالینوفسکی (B.Malinowski)، «اسطوره در فرهنگ ابتدایی کارکردی اجتناب ناپذیر دارد: بیان

تصوف Mysticism

نوعی خاص از تصوف را می‌رساند که پیوند با خدا را نه از راههای عقلانی بلکه از طریق شهود ، دیدار و مکاشفه می‌جوید . از اینرو این نوع تصوف از سویی خردستیز (Anti-rational) است و از سوی دیگر چون با نهادهای پذیرفته جامعه نیز سازش ندارد، پس نهادستیز (Anti-institutional) نیز هست ؛ در حد نهایی و اغراق ، بعضی آنرا هرج و مرج خواه و حکومت ناگرا (Anarchistic) نیز می‌خوانند؛ ولی چنین نیست اما بطور معمول مقاوم در برابر جامعه ، جدا از بافت آن و در مواردی نه‌ان روش

- همچون عنصر یا جزئی از يك فرهنگ بحساب آورده آنرا تاویحاً محصول خرافات و اندیشه‌های غیر واقعی می‌دانند.
- اسطوره سازی Mythicize
- اسطوره نگار Mythographer
- اسطوره شناسی - Mythology (P. 79)
- مجموعه اسطوره‌ها
- ۱) دانش مرتبط با اسطوره‌ها . ۲)
- همچنین مجموعه‌ای بهم پیوسته از اسطوره‌ها در زمان و مکان معین .
- عقیده و تعالی آنرا موجب می‌شود، حرامست اخلاقی را تضمین می‌نماید ، کارآیی شعایر رضامنت می‌کند، همانطور که حاوی قواعدی عملی در راه هدایت انسانست»
- ۲- برخلاف دیدگاه کارکردگرایان که بجای توجه به ماهیت اسطوره ، کارکرد آنرا در نظر دارند، دانشمندان دیگر که بر تاریخ و اشاعه فرهنگها توجه دارند، اسطوره را

یادداشت

- علامت ر. ک: خلاصه «رجوع کنید به» است.
- برخی علائم مربوط به مآخذ گذاری لاتین بدینقرارند:
 - ۱ - چنانچه بعد از نام مؤلف دو نقطه (:) گذارده شده باشد، عدد بعدی صفحه اثریست که از آن استفاده شده است.
 - ۲ - در صورتیکه بعد از نام مؤلف ویرگول آمده باشد، عدد بعدی سال انتشار کتاب مورد استفاده است.
 - ۳ - چنانچه بیش از یک اثر از نویسنده مورد استفاده قرار گرفته باشد، جهت ارائه امکان به محقق که درصدد بدست آوردن شناسنامه های اثر در پایان کتاب است، مآخذ گذاری بدینصورت، به انجام رسیده است:
نام نویسنده، سال انتشار اثر، صفحه.
 - ۴ - در مواردی دو نقطه (:) و در موارد دیگر P علامت صفحه مورد استفاده اند.^{*}
- در مورد مآخذ فارسی، مشکل تایپ حروف لاتین کمتر بود، لذا مآخذ گذاری بدینصورت صورت گرفت:
نام مؤلف، نام اثر، صفحه
- قسمتی از کتاب زیر توسط نویسنده ترجمه شد و در زمینه های مرتبط با دورکیم، لوی، موس، لوی برول، جامعه شناسی تجربی عیناً مورد استفاده قرار گرفت.

از دیدی دیگر می‌توان گفت، در تمامی این احوال همین درون مایه سوزان است که مولد اثر یا هر کار بزرگ نیز هست.

★ ★ ★

هر چند که در نهایت کار یا اثر با نام صاحبش ثبت می‌شود اما:

«بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد.»

بی‌هیچ شبهه، در هر گام مدیون همه آنانی هستیم که عاشقانه کوشیدند و بر میراث دانش بر افزودند، تمامی آنان از آتشی بهره گرفتند که نقطه مشترکشان این بیت است:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری

ارادتی بنماتا سعادت بی‌بری

به درست می‌توان تمامی آنان را فرزندان از خانه عشق خواند؛ و به همین دلیل بود که شب و روز نشناختند، در ساعات سخت کار، آرامش یافتند و در عین آفرینش، بالاترین لذات هستی را تجربه کردند.

با درود به تمامی آنان و با تعظیم در برابر آتش درون آنان که از جسم خاکی توانی والا فراهم آوردند تا دل را روشن سازد، روح را معراج دهد، و انسان را والا سازد.

از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند

که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

باقر- ساروخانی

تهران، خرداد، ۱۳۷۴

امکان گزینشی آزاد در بین شیوه‌ها و راه‌های گوناگون. بدین سان، می‌توان پذیرفت ارتقاء دانش، در خود، ارتقاء آزادی را داراست و با هر دو دستاورد، انسان‌هایی پدید می‌آیند به بیان فرانسیس بیکن که بر شانه انسان‌های پیشین جای دارند. یعنی از تجربه‌ها، دانسته‌ها و اندوخته‌های آنان بهره می‌گیرند و چشم‌اندازی گسترده‌تر در پیش رو دارند. به تعبیر اگوست کنت، جامعه از مردگان و زنده‌ها با هم تشکیل می‌شود، آنان که در کار دانش کوشیدند، پیامی برای تاریخ نهادند و خود با آن جاودان شدند.

بی‌هیچ مضایقه، علاقه داریم، بهترین سپاس‌ها را تقدیم این همه بزرگی‌ها و انسان‌های شایسته تاریخ نماییم؛ اما خود می‌دانیم که آنانرا نیازی چندان بدان نیست. آنچه محرک تمامی آنان بوده و هست در واژه «عشق» خلاصه می‌شود. آنان از شور درون بهره داشتند. از این رو مقدمه نخست را با این شعر حافظ آغاز کردیم:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما
حال نیز بر این عقیده‌ایم که جز با عشق اثری برجسته، فراهم نمی‌آید، اگر حکیم طوسی، می‌خواست شاهنامه را برای چند دینار محمود غزنوی به نگارش درآورد، جز چند بیت بی‌محتوا فراهم نمی‌آمد و چون چنین نبود، اثری بزرگ برای همه تاریخ فراهم آمد. گواه شاهد عادل نیز خود او بود که می‌سرود:

بناهای آباد گردد خراب

ز باران و از تابش آفتاب

پی افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیابد گزند

نمیرم ازین پس که من زنده‌ام

که تخم سخن را پراکنده‌ام

درون مایه عظیم حکیم طوس ضامن توفیق هر اثر بزرگ است. به درست و

فرهنگ علوم سیاسی از علی آقا بخشی ۱۳۶۳

اصطلاح‌نامه توسعه فرهنگی از ژان ویت ترجمه ناصر پاکدامن ۱۳۵۸

فرهنگ اندیشه نو، ویر استار ع. پاشائی ۱۳۶۹

۲- اما در باب دومین نکته، یعنی نیاز به چنین مراجعی باید گفت؛ تا زمانی که واژگان دانش‌ها شناخته نشوند، دانش شناختنی نیست. و اگر بخواهیم گام به گام با حرکت سریع دانش به پیش رویم ناچار باید با حرکت دانشنامه‌ها و فرهنگ‌ها هماهنگ شویم. علاوه بر این، باید توجه داشت که در شرایط فعلی نیاز به تعیین سریع بهترین معادله‌ها، همگن و هماهنگ‌سازی آنان داریم. باید بتوانیم قبل از آنکه واژه‌ای خارجی در اذهان جای یابد، برگردان درست آن را ارائه دهیم. این برگردان از سوی اصحاب فن و در پرتو مرجعی همچون فرهنگستان ارائه شود تا پذیرش یابد و آشفته بازار لغات را پایان بخشد. به یاد دارم دانشجویی بعد از کلاس درس ارتباطات که در آن سبیرنتیک مطرح شده بود، آمد و گفت آقا سبیرنتیکس چیست؟ گفتم همان سبیرنتیک زبان فرانسه است با تلفظ انگلیسی، او تعجب کرد و من هم در این اندیشه بودم اگر روزی چینی باب شود، تعدادی همین مفهوم را به آن زبان خواهند گفت. باز به یاد دارم روزی را که در کلاس سخن از سنجش اندیشه و اندازه‌گیری گرایش‌ها بود، گفتم منظور وجهه نظر یا طرز تلقی است که برخی آن را ایستار، حالت و... نیز ترجمه کرده‌اند. دانشجویان متحیر به من نگاه می‌کردند، عاقبت گفتم منظور آتی تود است همه نفس راحت کشیدند. یعنی فهمیدند موضوع چیست. آیا نباید نقطه پایانی بر این هرج و مرج نهاد؟

در این فرهنگ، هم تعیین معادله‌ها مطمح نظر است، هم تعریف و تشریح مفاهیم کلیدی دانش اجتماعی.

این فرهنگ، همانند همه آثار، حاصل تلاش هزاران انسان در طول تاریخ را در خود دارد. انسان‌هایی که، بی‌هیچ تمنا در سکوت آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها، کوشیدند تا بنای دانش را استوار سازند و با آن راه‌های تازه آزادی را برای نسل‌های دیگر به ارمغان آورند. آزادی از جهل، تاریکی و در نهایت

بدین تجربیات چنین اشارت دارد:

«جوامع العلوم» تالیف شعیا بن فریغون؛ «حدود العالم»؛ «رسائل اخوان الصفا» یا دایرة المعارف اخوان الصفا تالیف حدود سال ۳۵۰ هجری شامل ۵۲ رساله در زمینه انواع علوم رایج در قرن چهارم؛ «مفاتیح العلوم» تالیف ابوعبدالله احمد بن یوسف کاتب خوارزمی؛ «الشفاء» تالیف ابن سینا؛ رساله «ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد» تالیف شمس الدین محمد ابراهیم بن ساعد السخاری الا کفانی تالیف حدود ۷۴۹ هجری قمری؛ «مقدمه ابن خلدون» تالیف بین سال های ۷۷۶ تا ۸۰۸ هجری قمری که در آن علاوه بر پایه ریزی فلسفه تاریخ به بسیاری از علوم معمول زمان از قبیل «علوم قرآن، فقه، کلام، تصوف، ریاضیات، منطق، طبیعیات، طب، الهیات، سحر و طلسمات و...» نیز اشاره شده است؛ و بالاخره «مفتاح السعادة و مصباح السیادة» تالیف طاش کبری زاده (قبل از ۹۶۸ هجری قمری) که شاید بتوان آن را کامل ترین فرهنگ علمی از این نوع در تمدن اسلامی نام برد. در این کتاب انواع علوم به هفت بخش به این ترتیب تقسیم شده است: «بیان، فصاحت، منطق، فلسفه نظری، فلسفه علمی، علم ایجابی نظری، و علم ایجابی عملی»

در حال حاضر نیز کوششهای بسیاری در زمینه تهیه فرهنگ در حوزه علوم انسانی صورت گرفته است که برخی از آنان چنین اند:

فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی، تالیف توماس سووه، ترجمه م آزاده در سال ۱۳۵۴

فرهنگ سیاسی، تالیف داریوش آشوری، ۱۳۴۵

فرهنگ مردم شناسی تالیف میشل پانوف و میشل پرن، ترجمه اصغر عسگری خانقاه ۱۳۶۸

فرهنگ علوم اجتماعی، تالیف آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، ۱۳۶۶

فرهنگ جامعه شناسی از آبر کرامبی و... ترجمه حسن پویان ۱۳۶۷

فرهنگ علوم رفتاری از علی اکبر شعاری نژاد ۱۳۶۴

از اشکالات دیگر این کتاب ترجمه واژه‌هاست؛ قرار دادن واژه‌ای مانند «ناحکومت گرایان» (در مقابل آنارشئیستها)، یا «آمیختگار» (در مقابل Eclectic) یا «تجمع هم محور محیطی شناختی» (در مقابل Ecological concentration) زیبا به نظر نمی‌رسد.

همچنین استفاده از دو نگارش (دو زبان) برای یک واژه نیز مبهم است؛ مثلاً Kulture (به معنی فرهنگ معنوی) و Kulturkries (خاستگاه فرهنگی) که با حرف K و Cultural action (کنش فرهنگی) با حرف C آمده است.

چاپ کتاب آقای دکتر ساروخانی قریب هفت سال طول کشیده، اما نویسندگان در این مدت از تحقیق غافل نبوده و تکمله‌ای را به آخر کتاب افزوده است؛ وی می‌توانست تکمله‌ای دیگر شامل واژه‌نامه فارسی به انگلیسی را برای افزایش کاربرد این دایرةالمعارف به کتاب بیفزاید.

در خاتمه گفتنی است که نمونه خوانی و صفحه‌آرایی دایرةالمعارفها به دلیل وجود دامنه بسیار وسیعی از همه واژه‌های زبان بسیار دشوار است و این دشواری باعث شده است که در کتاب حاضر اغلاط مشهود، و صفحه‌آرایی نه چندان زیبا و دقیق و تمیز باشد؛ مثلاً ایستا به جای ایستاد (ص ۱۰) و رئیس جمهور به جای رئیس جمهور (ص ۷۸) آمده است. «مجله همشهری، خرداد ۱۳۷۱»

سپاس همه آنانی را که در چاپهای اول و دوم کتاب همت گماردند. شمارشان بسیار است و کارشان دشوار، پاداششان در پیشگاه ایزد منان محفوظ باد.

در پایان، باید به ذکر دو نکته بپردازیم، که هر دو مکمل یکدیگرند، تلاشهای بسیار انسانها در تمامی تاریخ، علی‌الخصوص دنیای ما در راه تهیه فرهنگها و دایرةالمعارفها، به عنوان مخازن اندیشه انسانی و در عین حال نیاز بسیار جامعه علمی ایران به تلاش در بر گردانهای درست و به هنگام.

۱- در باب نخستین نکته، باید گفت، تدوین دایرةالمعارف در دنیای ما پدیده‌ای بی سابقه نیست، حسین خدیو جم در مقدمه‌اش بر احصاء العلوم،

جامعه‌ای است. ضرورتی که در میان تحصیلکردگان و روشنفکران ایرانی به فراموشی سپرده شده است. و گه‌گاه تعداد فرهنگها و دایرةالمعارفها در یک رشته تخصصی از یک یا دو مورد افزون نیست.

در علوم اجتماعی جز یکی دو مورد دایرةالمعارف و فرهنگ واژگان، به زبان فارسی منتشر نشده است و اکنون انتشار کتاب «درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی» اثر دکتر باقر ساروخانی که حاصل بیست سال کار ایشان است، خدمت بزرگی است به پژوهشگران علوم اجتماعی.

دکتر ساروخانی از استادان قدیمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، متخصص در جامعه‌شناسی خانواده و ارتباطات جمعی است و این امر در توصیف او در واژه‌های مربوط به این دو رشته مشهود است. وی پیش از این نیز برخلاف همکاران کم‌کار خود در رشته علوم اجتماعی آثاری را ارائه کرده است، اما اثر اخیر وی فی الواقع خدمت بزرگ و شایسته‌ای است به اندیشه و فرهنگ ایرانی.

دکتر ساروخانی در دایرةالمعارف علوم اجتماعی علاوه بر معانی واژه‌ها، توصیف دقیق و مبسوطی از هر واژه را با ذکر مسائل جانبی و گاه نظریات مربوط به واژه‌ها را آورده است و از این طریق فرهنگ واژگان را به یک دایرةالمعارف تبدیل کرده است. البته دایرةالمعارف علوم اجتماعی بی‌عیب نیست؛ مهمترین عیب این مجموعه در نوع چیدن حروف و گردش چشم در صفحه است. نویسنده برای تفهیم واژگان جامعه‌شناسی، حروف لاتین را مبنای ترتیب واژگان گرفته است، ولی به دلیل اینکه متن اصلی کتاب به زبان فارسی است گردش چشم بر کلمات از راست به چپ و ستونها از چپ به راست و در صفحات مجدداً از راست به چپ است که این امر برای خواننده مشکل می‌آفریند که ظاهراً وجود این مشکل اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه تنها روش ورود به اطلاعات در این دایرةالمعارف واژه‌های لاتین است، کسانی که با واژه‌های لاتین آشنایی کافی ندارند امکان چندانی برای استفاده از این دایرةالمعارف را ندارند.

* با انتشار این اثر، اندیشه‌هایی چند در باب آن به رشته تحریر درآمدند؛ قبل از همه، نشریه اخبار دانشگاه بود که در صفحات ۵ و ۷ از شماره ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۱ و همچنین در شماره ۲۵ (خردادماه همان سال) به معرفی کتاب و گزینش آن به عنوان اثر برگزیده، پرداخت؛ ملخص آنچه در صفحه ۲۳ در همان نشریه آمد، چنین است:

اهداء جايزه

دکتر باقر ساروخانی، استاد تمام وقت و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، که کتاب درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی ایشان، در مراسم انتخاب کتب برگزیده سال دانشگاهها در سال جاری توانست عنوان کتاب برگزیده را به خود اختصاص دهد، طی نامه‌ای جایزه خود را بعنوان تقدیر از دبیران برجسته علوم اجتماعی در اختیار دانشکده علوم اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش گذاشت.

لازم به تذکر است که از سوی هیات رئیسه دانشگاه از نامبرده بخاطر این اقدام شایسته تقدیر و تشکر بعمل آمده است.

بعد از آن، نوشته‌هایی دیگر فراهم آمدند؛ جز یکی از آنان که پاسخی وسیع نیز یافت، همگی با نظری بلند و سعه‌صدر به آن نگریستند و جادارد از یک‌یک صاحبان آنان سپاسگزاری نماییم. به عنوان نمونه نقد ملخص مجله اجتماعی، فرهنگی و انتقادی همشهری را می‌آوریم:

«تدوین دایرةالمعارف و انتشار آن از ضروریات گروه اندیشمندان هر

به نام خدا

مقدمه چاپ دوم

سپاس خدای را که بار دیگر فرصت تجدید چاپ این اثر و از طریق آن گفت‌وگو با جمع دانش‌پژوهان فراهم آمد. چاپ جدید این اثر تغییراتی بدین قرار یافته است:

- ۱- افزودن لیست واژگان به ترتیب الفبای فارسی.
 - ۲- بررسی مجدد معادله‌ها و ارائه معادله‌های جدید.
 - ۳- تغییر رده‌بندی صفحات از فارسی به انگلیسی.
 - ۴- قرار دادن تکمله در درون متن.
 - ۵- افزودن واژگان جدید.
 - ۶- ارائه فهرست اعلام.
 - ۷- برداشتن [درآمدی بر] از عنوان روی جلد.
 - ۸- دو جلدی شدن اثر.
- امیدواریم همواره بتوانیم در هر چاپ، تغییرات تازه‌ای فراهم آوریم و همانند دیگر آثار مرجع، به هنگام سازی کتاب را در حد امکان میسر نماییم.
- سپاس همه کسانی را که در همه مراحل (بررسی، نقد اثر و... گزینش و معرفی و...) همت گماردند و این اثر را به عنوان کتاب برگزیده دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۷۱ معرفی نمودند.

عنوان شد که آن نیز با در نظر گرفتن تردیدهایی که در مورد کلمه جامع پیش می‌آمد، رها شد؛ پس از آن عنوان «دانشنامه علوم اجتماعی مطمح نظر قرار گرفت که با توجه به وجود دو مفهوم مترادف در کنار یکدیگر (دانش و علم) قابل پذیرش به نظر نیامد. در نهایت، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی پذیرفته شد با در نظر گرفتن این واقعیت که از آغاز در مجمع خاص اساتید این دانش پا گرفت، در تمامی برهه‌ها در نزد صاحب نظران مسلم این علوم قوام یافت و حاصل کاری حدود ۲۰ سال را در خود دارد. گذشته ازین، هدف اینست که هر چند سال یکبار همانند همه فرهنگهای معتبر جهانی مورد تجدید نظر قرار گیرد و مفاهیم جدید این علوم بدان افزوده شود.

در پایان این مقدمه وظیفه خود می‌دانم مراتب سپاس عمیق خود را نسبت به اساتید معظم دانشگاه، دکتر غلامعباس توسلی، دکتر محمد توکل، دکتر محمود روح‌الامینی، دکتر حشمت‌الله طیبی، دکتر اصغر عسکری خانقاه، دکتر محمد میرزائی که در تنقیح این اثر صمیمانه همت گماشته و نکات مهم و حساسی را تذکر داده‌اند تقدیم دارم.

از دوست و همکار دانشمندم آقای جعفر نوائی که در مراحل گوناگون تهیه این اثر یار و یاور من بوده‌اند و در نهایت دقت و با استعدادی شگرف بدان پرداخته‌اند، نهایت سپاس را دارم.

با تعظیم در برابر همه انسانهای بزرگواری که در زمینه‌های وسیع دانش انسان، و بمنظور بهبود زندگی انسانها، در نقاط مختلف جهان و در هر برهه از تاریخ کوشیدند، از جاه و مال گذشتند و عاشقانه عمرشان را در راه لایتنای دانش نهادند.

با سپاس از همه کسانی که در سطوح مختلف این اثر از آغاز و در جریان سالهای طولانی چاپ و انتشار آن کوشیدند.

با تشکر فراوان از همه کسانی که نارسائی‌ها و کاستی‌های این اثر را یادآور شوند و ما را در راه بهبود آن یاری نمایند.

باشد که بدینسان گامی کوچک در راه اعتلای دانشهای اجتماعی - انسانی برداشته شده باشد.

باقر - ساروخانی

تهران، تیرماه ۶۸

(جغرافیا گرا) یا حالت قیدی می پذیرد (جغرافیا گرایانه).

بدینسان باید از جنگ بیهوده لغات، کوشش بیهوده تر نو واژه سازی (Neologism) افراطی پرهیز کرد. از نیرو درین اثر کوشیدم تا از رایج ترین، جا افتاده ترین و در عین حال، درست ترین مفاهیم معمول استفاده نمایم. بی هیچ شبهه، باید به پذیریم که هر لغت در جمله معنا و حیات می پذیرد. همانطور که کل یک عبارت بدون شناخت معنای هر کلمه آن میسر نیست، در ساخت عبارتست که کلمه جان می گیرد، معنا می پذیرد و زندگی و حیات می یابد. همچنانکه در حلقه تاویل (Hermeneutic circle) هر پدیده ی اجتماعی در یک کل جای دارد، همانطور که کل بدون اجزاء آن شناختنی نیست، هر جزء نیز جز در کل معنا و زندگی ندارد.

نخستین گام در راه پیدائی این اثر در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ برداشته شد. برپائی انجمن لغات و اصطلاحات علوم اجتماعی با شرکت استادان معظم دانشگاه و بریاست استاد ارجمند دکتر غلامحسین صدیقی آغاز راه بود. وسعت مضامین، تعدد مفاهیم و عمق مباحثی که هر یک طلب می کرد، عظمت کار و لزوم گام نهادن در آنرا آشکار می ساخت. درین انجمن، وظیفه دبیری بر عهده من نهاده شد و این بر میزان کار من افزود و با خود انگیزه هائی تازه فراهم آورد. جمع آوری نظرات ابراز شده و انتشار نتایج کار انجمن نیز فرصتی پیش آورد تا بیشتر به سهم و اهمیت زبان در دانش، بویژه دانش انسانی - اجتماعی پی برم و این نکته که بدون تدوین دقیق زبان علمی هیچ دانشی قوام نمی یابد در ذهن من تجلی نماید. بدین ترتیب کار آغاز شد، بی هیچ وقفه ادامه یافت و حاصل آن اثری است که با کمال خضوع به جامعه دانش پژوهان فارسی زبان تقدیم می شود.

اهدافی که درین اثر مطمح نظرند، بدینقرار خلاصه می شوند:

- شناخت و گزینش مهمترین مفاهیم علوم اجتماعی با توجه به فرهنگهای معتبر جهانی
 - ارائه معادل فارسی مفهوم
 - تعریفی موجز و ساده از هر مفهوم (مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی تعریف یا تعاریفی وسیع که گاه از چند صفحه متجاوز است، یافته اند)
 - ارائه نظریه های اساسی دانشمندان در مورد مفاهیم اساسی
 - ارائه ریشه اصطلاح در صورت نیاز و ضرورت
 - معرفی مفاهیم نزدیک یا مکمل (در زیر هر مفهوم، مفاهیم نزدیک بدان که درین اثر مورد بحث و تحلیل قرار گرفته اند، آمده است)
 - معرفی برگردانهای دیگر مفهوم در زبان فارسی (در صورت احساس ضرورت)
 - ارائه نام، آثار و در مواردی نظریه های اساسی دانشمندان علوم اجتماعی
- در مورد نام اثر، تبادل نظرهای بسیاری بعمل آمد، در آغاز عنوان فرهنگ علوم اجتماعی مطرح گردید، سپس، با توجه به تعدد فرهنگها در زبان فارسی اصطلاح فرهنگ جامع علوم اجتماعی

- حرکت بی وقفه دانش لاجرم به تولد مفاهیمی نو منجر می شود. این مفاهیم نو هم شاخص ظرفیتر شدن و تکامل اندیشه انسانند، هم از پیدائی ابزاری نو در حیات انسانی خبر می دهند، در هر حال تأخیر در کار ساختن مفاهیم جدید موجب ورود سیل آسای لغات بیگانه خواهد شد و خطرانی بسیار به بار می آورند که برخی از آنان چنین اند:

الف- کلماتیکه هر روز بیشتر زبان را آلوده می سازد، آنرا از هویت می اندازد و ترکیبانی ناموزون فراهم می سازند.

ب- هنگامیکه لغت بکار آید، در زبان جای می گیرد، مردم بدان خوی می کنند و تغییرش دشوار خواهد بود. چگونه می توان امروز بجای مفاهیمی چون سندیکالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و ... مفاهیم فارسی جای داد؟

پ) هر کس به صورتی آنرا تلفظ کرده ادا می کند: بعنوان مثال تحصیلکرده های فرانسه زبان سوسیالیسم، لیبرالیسم و ... می گویند. آنانکه از آنسوی اقیانوس می آیند، همین کلمات را سوسیالیزم و ... می نویسند و می خوانند. جالب تر آنکه چندی پیش دانشجویی که با مفهوم سبیرنتیک آشنائی یافته بود و سپس استادی دیگر سخن از سایبرنتیکز رانده بود، می پرسید، آیا این دو، دو علم جداگانه اند؟ جامعه و نگاهبانان فرهنگ آن، - چگونه میتوانند اجازه دهند، این چنین زبان دچار هرج و مرج شود؟. تا آنجا که گاه مفهوم خارجی بهتر از مفهوم یا مفاهیم فارسی معنا دهد. بعنوان مثال، هم امروز شاهد هستیم که در کلاسها وقتی می گویند آتی تود (Attitude) دانشجویان بهتر می فهمند، تا اینکه به زعم بعضی ایستا، بعضی دیگر وجهه نظر، باز برخی دیگر طرز تلقی یا حالت و ... بجایش بکار برید.

- همچنانکه در مقدمه پیشین نیز گفته شد، هر نوع وسواس یا تعصب را در کارجمعی مفاهیم طرد می کنیم. برخی از جلوه های آن چنین اند: الف) برای مفاهیم رایج، به عهد باستان پناه جستن و از دورانی دور دست واژه هائی گاه بسیار نامأموس یافتن صرفاً بدان جهت که کلمه فارسی باشد. فراموش نمی کنم کسی را دیدم که بعنوان ویراستار بجای مفهوم کمک متقابل پیشنهاد می کرد همپشتانه گذاشته شود. بنابراین کلمات امروز زبان فارسی حتی اگر از عربی آمده باشد، جزء واژنامه فارسی بحساب می آیند، آنان تلفظ خاص و گاه معنائی ویژه در زبان فارسی یافته اند و طرد تمامی آنان با تمسک به شیوه های فوق بجا نیست. ب) زبان وسیله انتقال دانش است، نه هدف بنابراین نباید چنان سخت گیر بود و هر کس را که در برابر یک مفهوم خارجی کلمه ای نهاد غیر از آنچه ما نهاده ایم، طرد و لمن کرد. بعنوان مثال، در برابر مفهومی چون Geographism برخی مکتب اصالت جغرافیا، برخی دیگر مکتب جغرافیائی و برخی جغرافیا گرایی نهاده اند. تا آنجا که همگان از هر سه مفهوم یک محتوی درک می کنند، هیچ مشکلی نیست. مخصوصاً که ناچاریم برای ترکیبات مختلف، کلمات گوناگون نیز داشته باشیم. بعنوان مثال، مفهوم جغرافیا گرایی بصورت ساده تر ترکیب می شود

به نام خدا

مقدمه چاپ اول

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بمشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

نزدیک به یکسال از انتشار فرهنگ سه زبانه علوم اجتماعی گذشته است. این اثر ناچیز همچون قطره‌ای بود در دریائی از تلاشها که بهمت پژوهشگرانی بسیار و گاه گمنام در ایران و گوشه گوشه جهان صورت می‌گرفت. با این کوششها خواه ناخواه امواجی نو پدید آمد، تجربه‌هایی تازه اندوخته شد، گام‌هایی دیگر برداشته شد و در نهایت دستاوردهایی جدید حاصل گردید، راهی که هرگز پایان ندارد و در هر مقطع آن نتایج کوششهای عاشقانه تلاشگران تاریخ دانش بهم می‌پیوندد، میراثی فرهنگی فراهم می‌سازد، در خلال اعصار و قرون انباشته می‌شود، تکامل می‌یابد و سپس به نسلهای دیگر و ابدیت تاریخ سپرده می‌شود.

چند کلام که شاید مکمل مقدمه اثر پیشین باشد:

- کار تدوین زبان بی هیچ شبهه، نیاز به سازمانی گسترده دارد، متشکل از همه صاحب‌نظران، تا کار تهیه و ارائه لغات از صورت فردی بدر آید، تا دیگر لغات و لغت سازی همچون دکانی در راه فخر و فضل فروشی در نیاید و تا زبان بعنوان میراث فرهنگی هر جامعه و شاخص اصلی هویت آن نگاهبانی رسمی، ذیصلاح و دائمی یابد. هر مفهوم یک قرارداد اجتماعی است، توافق جمعی صاحب‌نظران حجت خواهد بود و کاربرد مفهوم را توسط همگان به آسانی بیشتری صورت پذیر خواهد ساخت.

- زبان حاصل اندیشه‌های هر دانش است. پس هر دانش زبان خویشتن را داراست. مجمع تدوین لغات نیز برای هر دانش باید از صاحب‌نظران همان تشکیل گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۴۲۵۷
۳۱/۱۰/۸۷

ساروخانی، باقر، ۱۳۲۸ -
دایرة المعارف علوم اجتماعى / نویسنده باقر - - [ویرایش ۲]. تهران: کیهان،
۱۳۷۵ - ۱۳۷۶.
ج ۲: جدول - سازمان انتشارات کیهان: ۱۹۵، ۱۹۶)
۱۲۰۰۰ ریال (ج ۱): ۱۴۰۰۰ ریال (ج ۲).

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان روی جلد: درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعى.
ص. ع. به انگلیسی: B. Sarookhani. The social sciences encyclopedia.
ج. ۱ - ۲ (چاپ سوم: ۱۳۸۰).

دوره ISBN: 964-458-040-0

ISBN: 964-458-152-0 (ج ۱): ۲۷۰۰۰ ریال

ISBN: 964-458-153-9 (ج ۲): ۳۰۰۰۰ ریال

۱. علوم اجتماعى -- واژه نامه ها --- انگلیسى. ۲. علوم اجتماعى -- واژه نامه ها --
فارسی. ۳. علوم اجتماعى -- اصطلاحها و تعبیرها. ۴. فارسی -- واژه نامه ها -- انگلیسى.
۵. زبان انگلیسى -- واژه نامه ها -- فارسی. الف. سازمان انتشارات کیهان. ب. عنوان.
ج. عنوان: درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعى.

1. English language - Dictionaries - Persian.

2. Persian language - Dictionaries - English.

۳۰۰/۳

۲ د ۲ س / H ۴۰

۱۳۷۵

* ۵۳۷۰ - ۲۶ م

محل نگهداری: کتابخانه ملی ایران

ISBN: 964-458-152-0

شابک: ۹۶۴-۴۵۸-۱۵۲-۰۰

درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعى (جلد اول)

دکتر باقر ساروخانی

سازمان انتشارات کیهان

سوم - ۱۳۸۰

۲۲۰۰ نسخه - وزیرى

نام کتاب:

نویسنده:

ناشر:

نوبت چاپ:

تیراژ:



حق چاپ برای انتشارات کیهان محفوظ است.

تهران - خیابان فردوسی، کوچه شهید شاهچراغی، مؤسسه کیهان

تلفن پخش ۳۱۱-۲۰۱

اسکن شد

دایرة المعارف علوم اجتماعى

۹۳۳۶۷

نویسنده:

دکتر باقر ساروخانى

